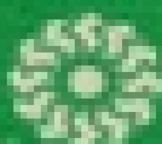
۹۷

ترجمه

بحار الأنوار

الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار

از محدث کبیر شیعه علامه محمد باقر مجلسی ره



ترجمه بحار الأنوار

ترجمه بحارالانوار جلد 97: کتاب جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و کتاب زیارت

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 : 978-600-715070-2 ؛ ج.5 : 978-600-7150-71-9 ؛ ج.6 : 978-600-7150-72-6 ؛ ج.7 : 978-600-7150-73-3 ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 : 978-600-7150-76-4 ؛ ج.11 : 978-600-7150-83-2 ؛ ج.12 : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.13 : 978-600-7150-85-6 ؛ ج.14 : 978-600-7150-86-3 ؛ ج.15 : 978-600-7150-87-0 ؛ ج.16:978-600-7150-88-7 ؛ ج.17:978-600-7150-89-4 ؛ ج.18:978-600-7150-90-0 ؛ ج.19:978-600-7150-91-7 ؛ ج.20:978-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.22:978-600-7150-94-8 ؛ ج.23:978-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ترجمه

بحار الانوار

جلد 97

کتاب جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و کتاب زیارت

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار، جلد 97

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

آدرس نهاد: تهران - بلوارکشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

ص: 4

فهرست

جهاد و مقابله با دشمن و مطالب مربوط به آن

باب اول: وجوب جهاد و فضیلت آن.. 9

باب دوم: اقسام جهاد، شرایط و آداب آن.. 33

باب سوم: احکام جهاد و ذکر قسمتی از مطالب مذکور در باب سابق...... 52

باب چهارم: جنگ افزارها و ادوات جنگ... 74

باب پنجم: عهد، امان و امثال آنها... 75

باب ششم: جهاد در حال احرام و در ماههای حرام، معنای ماههای حرام و ماههای سیاحت.. .. 87

باب هفتم: چگونگی تقسیم غنائم جنگی و حُکم اموال مشرکان، مخالفان و ناصبیها.. 92

باب هشتم: فضیلت کمک به مجاهدان و مذمت آزار دادن آنها............... 97

باب نهم: احکام أرضین.. 98

باب دهم: نوادر.. 102

باب یازدهم: ایستادن در مقابل دشمن و پاسداری از قلمرو اسلام.......... 104

باب دوازدهم: جزیه و احکام مربوط به آن.. 107

امر به معروف و نهی از منکر و احکام مربوط به آن

باب اول: وجوب امر به معروف و نهی از منکر و فضیلت آن................. 114

باب دوم: لزوم انکار منکر و عدم خوشنودی به معصیت و اینکه کسی که به انجام عملی راضی باشد همچون کسی است که آن را انجام داده است... 151

باب سوم: نهی از هم نشینی با معصیت کاران و کسانی که سخن ناحق بر زبان می آورند.. 155

باب چهارم: وجوب هجرت و احکام آن... 157

فهرست کتاب زیارت

باب اول: مقدمات سفر و آداب آن.. 163

باب دوم: ثواب آباد سازی آرامگاه پیامبر و امامان صلوات الله علیهم و مواظبت بر آنها و زیارت آنها و اینکه فرشتگان آن بزرگواران علیهم السلام را زیارت می کنند.. 186

باب سوم: آداب زیارت و احکام روضه ها و برخی موارد نادر............. 196

باب های زیارت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سایر مشاهد شریفه در مدینه

باب اول: فضیلت زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه صلوات الله علیها و امامان بقیع صلوات الله علیهم اجمعین.. 214

باب دوم: زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله از نزدیک و اعمالی که انجامش در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله مستحب است و فضیلت مواضع مسجد.. 223

باب سوم: زیارت نبی صلّی الله علیه و آله از دور............................... 264

باب چهارم: نوادری ازآنچه که کنار مرقد نبی صلّی الله علیه و آله ظهور یافت.. 276

باب پنجم: زيارت فاطمه صلوات الله عليها و محل مرقد او.................. 277

باب ششم: زيارت ائمه در بقيع.. 289

باب هفتم: زيارت ابراهيم بن رسول الله صلّى الله عليه و آله، فاطمه بنت اسد، حمزه و ساير شهدا در مدينه و زيارت ساير مشاهدآنجا................................. 300

ابواب زيارت اميرمؤمنان على بن ابى طالب صلوات الله عليه و آنچه كه درپى آن مىآيد

باب اول: فضيلت نجف و آب فرات... 316

باب دوم: محل قبراو علیه السلام، محل رأس حسین علیه السلام و انبیائی که کنار او مدفون هستند.. 326

باب سوم: فضیلت زیارت و نماز نزد مقبره ایشان علیه السلام.............. 348

باب چهارم: زیارتهای مطلق ایشان علیه السلام که اختصاص به وقت معینی ندارد... 356

باب پنجم: زیارت های حضرت صلوات الله علیه مختص به روزها و شب های خاص از جمله زیارت روز بیست و یکم از ماه رمضان................... 482

باب ششم: فضیلت کوفه و مسجد اعظم آن و اعمال مربوط به آن.......... 519

باب هفتم: مسجد سهله و سایر مساجد کوفه....................................... 575

جهاد و مقابله با دشمن و مطالب مربوط به آن

باب اول : وجوب جهاد و فضیلت آن

آیات:

-

وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ.(1)

{و کسانی را که در راه خدا کشته می شوند مرده نخوانید بلکه زنده اند ولی شما نمی دانید}.

- وَ قَاتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ* وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ.(2)

{و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند بجنگید، ولی از اندازه در نگذرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی دارد، و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید، و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید، [چرا که] فتنه [=شرک] از قتل بدتر است}.

- وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ.(3)

{با آنان بجنگید تا دیگر فتنه ای نباشد، و دین مخصوص خدا شود، پس اگر دست برداشتند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست}.

- وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ.(4)

1- . بقره / 154
2- . بقره / 190 و 191
3- . بقره / 193
4- . بقره / 207

{و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد، و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است.

- کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ کُرْهٌ لَکُمْ وَ عَسَی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئًا وَ هُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ عَسَی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَکُمْ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.(1)

{بر شما کارزار واجب شده است در حالی که برای شما ناگوار است، و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است، و خدا می داند و شما نمی دانید}.

- إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ الَّذِینَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أُولَئِکَ یَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ.(2)

{آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد نموده اند آنان به رحمت خدا امیدوارند خداوند آمرزنده مهربان است}.

- وَ قَاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ.(3)

- قَالَ الَّذِینَ یَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثِیرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِینَ.(4)

{کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند گفتند: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است}.

- وَ لَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَکِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْعَالَمِینَ.(5)

{و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، قطعا زمین تباه می گردید، ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد}.

- لَا إِکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ.(6)

1- . بقره / 216

2- . بقره / 218
3- . بقره / 244
4- . بقره / 249
5- . بقره / 251
6- . بقره / 256

{در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است}.

- أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ.(1)

{ آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید بی آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد }.

- وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ* وَ مَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ* فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ حُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.(2)

{و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند شکیبایان را دوست دارد، و سخن آنان جز این نبود که گفتند: پروردگارا، گناهان ما و زیاده روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گامهای ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران یاری ده، پس خداوند پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد}.

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَ مَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ* وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ* وَ لَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ.(3)

{ای کسانی که ایمان آورده اید همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند و به برادرانشان هنگامی که به سفر رفته [و در سفر مردند] و یا جهادگر شدند [و کشته

1- . آل عمران / 142

2- . آل عمران / 146 - 148
3- . آل عمران / 156 - 158

شدند] گفتند: اگر نزد ما [مانده] بودند نمی مردند و کشته نمی شدند [شما چنین سخنانی مگویید] تا خدا آن را در دلهایشان حسرتی قرار دهد و خدا[ست که] زنده می کند و می میراند و خدا[ست که] به آنچه می کنید بیناست، و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید قطعا آمرزش خدا و رحمت او از [همه] آنچه [آنان] جمع می کنند بهتر است، و اگر [در راه جهاد] بمیرید یا کشته شوید قطعا به سوی خدا گردآورده خواهید شد}.

- وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ.(1)

{هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند، به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند شادی می کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند، بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی گرداند شادی می کنند}.

- فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِی سَبِيلِی وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَاب.(2)

{پس کسانی که هجرت کرده و از خانه های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده اند بدیهایشان را از آنان می زدایم و آنان را در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی آورم [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست}.

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا.(3)

1- . آل عمران / 169 - 171
2- . آل عمران / 196
3- . نساء / 71

{ای کسانی که ایمان آورده اید [در برابر دشمن] آماده باشید [=اسلحه خود را برگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید}.

- فَلْیُقَاتِلْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یَشْرُونَ الْحَیَاةَ الدُّنْیَا بِالْآخِرَهِ وَ مَنْ یُقَاتِلْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِیهِ أَجْرًا عَظِیمًا.(1)

{پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می کنند در راه خدا بجنگند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد}.

- الَّذِینَ آمَنُوا یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِیَاءَ الشَّیْطَانِ إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطَانِ کَانَ ضَعِیفًا.(2)

{کسانی که ایمان آورده اند در راه خدا کارزار می کنند و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت می جنگند پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است}.

- لَا یَسْتَوِی الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ غَیْرُ أُولِی الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِینَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَی الْقَاعِدِینَ دَرَجَةً وَ کُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَی وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِینَ عَلَی الْقَاعِدِینَ أَجْرًا عَظِیمًا* دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَ کَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِیمًا.(3)

{مؤمنان خانه نشین که زیان دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می کنند یکسان نمی باشند، خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می کنند به درجه ای بر خانه نشینان مزیت بخشیده و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده و[لی] مجاهدان را بر خانه نشینان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده است، [پاداش بزرگی که] به عنوان درجات و آمرزش و رحمتی از جانب او [نصیب آنان می شود] و خدا آمرزنده مهربان است}.

1- . نساء / 74

2- . نساء / 76
3- . نساء / 95 و 96

- وَ جَاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ.(1)

{و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار شوید }.

- یُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ لَا یَخَافُونَ لَوْمَهَ لَائِمٍ.(2)

{در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند }.

- وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.(3)

{ و پیروزی جز از نزد خدا نیست }.

- فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَکِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَیْتَ إِذْ رَمَیْتَ وَلَکِنَّ اللَّهَ رَمَی.(4)

{و شما آنان را نکشتید بلکه خدا آنان را کشت و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی تو نیفکندی بلکه خدا افکند }.

- وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّی لَا تَکُونَ فِتْنَهٌ وَیَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا یَعْمَلُونَ بَصِیرٌ.(5)

{و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد پس اگر [از کفر] بازایستند قطعا خدا به آنچه انجام می دهند بیناست }.

- قَاتِلُوهُمْ یُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَیْدِیکُمْ وَیُخْزِهِمْ وَیَنْصُرْکُمْ عَلَیْهِمْ وَیَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ* وَیُذْهِبْ غَیْظَ قُلُوبِهِمْ وَیَتُوبُ اللَّهُ عَلَی مَنْ یَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ.(6)

{با آنان بجنگید خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوایشان می کند و شما را بر ایشان پیروزی می بخشد و دلهای گروه مؤمنان را خنک می گرداند، و خشم دلهایشان را بب رد و خدا توبه هر که را بخواهد می پذیرد و خدا دانای حکیم است }.

- أَجَعَلْتُمْ سِقَایَهَ الْحَاجِّ وَعِمَارَهَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ لَا یَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ* الَّذِینَ آمَنُوا

1- . مائده / 35
2- . مائده / 54
3- . انفال / 10
4- . انفال / 17
5- . انفال / 39
6- . توبه / 14 و 15

وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ* یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِیهَا نَعِیمٌ مُقِیمٌ* خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِیمٌ.(1)

{آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد، کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند، پروردگارشان آنان را از جانب خود به رحمت و خشنودی و باغهایی [در بهشت] که در آنها نعمتهایی پایدار دارند مژده می دهد، جاودانه در آنها خواهند بود در حقیقت خداست که نزد او پاداشی بزرگ است}.

- وَقَاتِلُوا الْمُشْرِکِینَ کَافَّةً کَمَا یُقَاتِلُونَکُمْ کَافَّةً.(2)

{و همگی با مشرکان بجنگید چنانکه آنان همگی با شما می جنگند}.

- یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا مَا لَکُمْ إِذَا قِیلَ لَکُمُ انْفِرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَی الْأَرْضِ أَرَضِیتُمْ بِالْحَیَاةِ الدُّنْیَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا فِی الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِیلٌ* إِلَّا تَنْفِرُوا یُعَذِّبْکُمْ عَذَابًا أَلِیمًا وَیَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَکُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَیْئًا وَاللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ.(3)

{ای کسانی که ایمان آورده اید شما را چه شده است که چون به شما گفته می شود در راه خدا بسیج شوید کندی به خرج می دهید، آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید، متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست، اگر بسیج نشوید [خدا] شما را به عذابی دردناک عذاب می کند و گروهی دیگر به جای شما می آورد و به او زیانی نخواهید رسانید و خدا بر هر چیزی تواناست}.

1- . توبه / 19 - 22
2- . توبه / 36
3- . توبه / 38 و 39

- انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالاً وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ذَلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.(1)

{سبکبار و گرانبار بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید اگر بدانید این برای شما بهتر است}.

- قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِکُمْ أَنْ یُصِیبَکُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَیْدِینَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ.(2)

{بگو آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می برید در حالی که ما انتظار می کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم}.

- فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَکَرِهُوا أَنْ یُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِی الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ کَانُوا یَفْقَهُونَ.(3)

{بر جای ماندگان به [خانه] نشستن خود پس از رسول خدا شادمان شدند و از اینکه با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند کراهت داشتند و گفتند در این گرما بیرون نروید بگو اگر دریابند آتش جهنم سوزان تر است}.

- لَکِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِکَ لَهُمُ الْخَیْرَاتُ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ* أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ.(4)

{ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده اند با مال و جانشان به جهاد برخاسته اند و ایناننذ که همه خوبیها برای آنان است ایشان همان رستگارانند، خدا برای آنان باغهایی آماده کرده است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است و در آن جاودانه اند این همان رستگاری بزرگ است}.

1- . توبه / 41
2- . توبه / 52
3- . توبه / 81

4- . توبه / 88 و 89

- إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِی التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِی بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ* التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.(1)

{در حقيقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اينكه بهشت برای آنان باشد خريده است همان كسانی كه در راه خدا می جنگند و می كشند و كشته می شوند [اين] به عنوان وعده حقی در تورات و انجيل و قرآن بر عهده اوست و چه كسی از خدا به عهد خويش وفادارتر است پس به اين معامله ای كه با او كرده ايد شادمان باشيد و اين همان كاميابی بزرگ است، [آن مؤمنان] همان توبه كنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه داران ركوع كنندگان سجده كنندگان وادارندگان به كارهای پسنديده بازدارندگان از كارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدايند و مؤمنان را بشارت ده}.

- مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَهِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَهٌ فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ* وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طَائِفَهٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِی الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.(2)

{مردم مدينه و باديه نشينان پيرامونشان را نرسد كه از [فرمان] پيامبر خدا سر باز زنند و جان خود را عزيزتر از جان او بدانند چرا كه هيچ تشنگی و رنج و گرسنگيی در راه خدا به آنان نمی رسد و در هيچ مكانی كه كافران را به خشم

1- . توبه / 111 و 112

2- . توبه / 120 - 123

می آورد قدم نمی گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی آورند مگر اینکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان [در کارنامه شان] نوشته می شود زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند، و هیچ مال کوچک و بزرگی را انفاق نمی کنند و هیچ وادیی را نمی پیمایند مگر اینکه به حساب آنان نوشته می شود تا خدا آنان را به بهتر از آنچه می کردند پاداش دهد، و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا [دسته ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند، ای کسانی که ایمان آورده اید با کافرانی که مجاور شما هستند کارزار کنید و آنان باید در شما خشونت بیابند و بدانید که خدا با تقواپیشگان است}.

- أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ* الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.(1)

{به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست، همان کسانی که بناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می گفتند پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمی کرد صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می شود سخت ویران می شد و قطعا خدا به کسی که [دین] او را یاری می کند یاری می دهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است}.

- وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ.(2)

{و هر که بکوشد تنها برای خود می کوشد زیرا خدا از جهانیان سخت بی نیاز است}.

1- . حج / 39 و 40
2- . عنکبوت / 6

ذَلِکَ وَلَوْ یَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَکِنْ لِیَبْلُوَ بَعْضَکُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَلَنْ یُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ* سَیَهْدِیهِمْ وَیُصْلِحُ بَالَهُمْ* وَیُدْخِلُهُمُ الْجَنَّهَ عَرَّفَهَا لَهُمْ* یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ.(1)

{اگر خدا می خواست از ایشان انتقام می کشید ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شده اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی کند، به زودی آنان را راه می نماید و حالشان را نیکو می گرداند، و در بهشتی که برای آنان وصف کرده آنان را درمی آورد، ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گامهایتان را استوار می دارد}.

- فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَهٌ مُحْکَمَهٌ وَذُکِرَ فِیهَا الْقِتَالُ رَأَیْتَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ یَنْظُرُونَ إِلَیْکَ نَظَرَ الْمَغْشِیِّ عَلَیْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَی لَهُمْ* طَاعَهٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ.(2)

{اما چون سوره ای صریح نازل شد و در آن نام کارزار آمد آنان که در دلهایشان مرضی هست مانند کسی که به حال بیهوشی مرگ افتاده به تو می نگرند،[ولی] فرمان پذیری و سخنی شایسته}.

-

وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ حَتَّی نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِینَ مِنْکُمْ وَالصَّابِرِینَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَکُمْ.(3)

{و البته شما را می آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را باز شناسانیم و گزارشهای [مربوط به] شما را رسیدگی کنیم}.

- فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَی السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَکُمْ وَلَنْ یَتِرَکُمْ أَعْمَالَکُمْ.(4)

{پس سستی نورزید و [کافران را] به آشتی مخوانید [که] شما برترید و خدا با شماست و از [ارزش] کارهایتان هرگز نخواهد کاست}.

-

وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَکَانَ اللَّهُ عَلِیمًا حَکِیمًا.(5)

1- . محمد / 4 - 7
2- . محمد / 20 و 21
3- . محمد / 31
4- . محمد / 35
5- . فتح / 4

{و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده کار است }.

- إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ.(1)

{در حقیقت مؤمنان کسانی اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده اند ایناننند که راست کردارند }.

- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِی سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ.(2)

{در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب اند جهاد می کنند }.

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ* تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ* يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ* يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِی إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِی إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ.(3)

{ای کسانی که ایمان آورده اید آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می رهاند، به خدا و فرستاده او بگروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید این [گذشت و فداکاری] اگر بدانید برای شما بهتر است، تا گناهانتان را بر شما ببخشاید و شما را در باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است و [در] سراهایی خوش در بهشتهای همیشگی درآورد این [خود] کامیابی بزرگ است، و [رحمتی] دیگر که آن را دوست دارید یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست

1- . حجرات / 15
2- . صف / 4
3- . صف / 10 - 14

و مؤمنان را [بدان] بشارت ده، ای کسانی که ایمان آورده اید یاران خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی اند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم، پس طایفه ای کفر ورزیدند و کسانی را که گرویده بودند بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند }.

روایات:

1. الهدایه: جهاد کردن با جان و مال در معیت امام عادل فریضه واجبی است که خداوند عزّ و جلّ آن را بر بندگان خویش مقدر داشته است، و هر کسی که توانایی جهاد کردن با جان و مال در معیت امام عادل را نداشته باشد، باید کسی را با مال و اموال خود برای خروج و جهاد در راه خدا آماده سازد، و هر کسی که مال و اموالی ندارد ولی توانمند و سالم است و هیچ مرضی ندارد که او را از جهاد منع کند، باید خود شخصاً به جهاد بپردازد.

جهاد بر چهار قسم است: دو قسم آن واجب میباشد، دو قسم دیگر یکی جهاد مستحبی است که جز همراه با فریضهای از فرایض انجام نمیگیرد و دیگری جهاد مستحب است.

اما یکی از دو جهاد واجب پیکار با نفس به منظور جلوگیری از انجام معصیتهای خداوند است و این بزرگترین نوع جهاد است؛ جهاد واجبِ دیگر پیکار با کافرانی است که در نزدیکی و مجاورت شما قرار دارند؛ نوع سوم جهاد، جهاد مستحبّی است که جز به همراه فریضهای از فرایض انجام نمیگیرد، به این ترتیب که پیکار با دشمن بر تمام امّت فرض است و اگر جهاد ترک شود گرفتار عذاب خواهند شد، و این از جمله عذابهای نازل شده بر امت است، ولی برای امام مستحب است که همراه امت به سوی دشمن رفته و با آنان پیکار کند؛ اما جهاد مستحبّ شامل انجام تمام اعمالی است که سنّت است، که شخص آنها را به پا داشته

و در به پا داشتن، ابلاغ و احیای آنها مجاهدت میکند، پس تلاش و کوشش در این راه از برترین اعمال است، چرا که باعث احیای سنّتها است.(1)

پیامبر صلّی الله علیه و آله فرموده است: هر کسی که سنّت حسنهای را پایه گذاری کند، اجر و پاداش انجام آن سنت و نیز پاداش کسانی که بدان عمل کردهاند برای او ثبت میگردد، بدون اینکه از اجر عمل کنندگان به آن سنّت کاسته شود.(2)

روایت شده است که هر کسی که از راه حلال برای کسب روزی خانوادهاش تلاش نماید، مانند کسی است که در راه خدا به جهاد و مبارزه میپردازد.(3)

همچنین روایت شده که جهادِ زن، حسن شوهرداری او است، و در روایت آمده که حجّ، جهاد هر انسان ضعیف است.(4)

2. نهج البلاغه: در یکی از خطبههای امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: همانا جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خویش گشوده است. جهاد، لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلّت و خواری بر او میپوشاند و دچار بلا و مصیبت میشود و کوچک و ذلیل میگردد، دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی میگرداند، به دلیل ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم می گردد. تا پایان آنچه در کتاب الفتن ذکر شد.(5)

3. أمالی الصدوق: زید بن علی از پدر و او نیز از جدش علیهم السلام روایت کرده که امام علی علیه السلام فرمود: همانا در بهشت درختی وجود دارد که از بالای آن جواهرات و از زیرش اسبهای ابلق زیندار و افسار شدهای خارج میشوند که بالدار هستند و سرگین و بول نمیکنند، پس اولیای خدا بر پشت آن اسبها سوار شده و آنان را در هر جای بهشت که بخواهند به پرواز در خواهند آورد، آنگاه

1- . الهدایه: 11
2- . الهدایه: 12
3- . الهدایه: 12

4- . الهدايه: 12
5- . نهج البلاغه محمد عبده 1 : 63

کسانی که در مرتبهای پایینتر از آنان قرار گرفتهاند میگویند: پروردگارا، چه عملی بندگان تو را به این کرامت و ارجمندی رسانده است؟ خداوند متعال میفرماید: به راستی که آنها شبانه و به قصد عبادت برمیخاستند و نمیخوابیدند، در طول روز روزه بودند و چیزی نمیخوردند، به جهاد و پیکار با دشمن میپرداختند و هراسی به دل راه نمیدادند و صدقه میدادند و بخل نمیورزیدند.(1)

4. أمالی الصدوق: از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: با شرافتترین نوع مرگ، شهادت و کشته شدن در راه خدا است.(2)

5. أمالی الصدوق: امام صادق علیه السلام از پدرش و او نیز از جدش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: به راستی که جبرئیل علیه السلام مرا خبری داد که از آن چشمانم روشن و قلبم شاد گشت، گفت: ای محمد، هر فردی از افراد امت تو که در غزوهای از غزوات و در راه خدا به جهاد و پیکار بپردازد، قطرهای از آسمان به او اصابت نمیکند و یا به سردرد (مختصری) مبتلا نمیگردد مگر آنکه در روز قیامت برای او شهادت و گواهی خیر میدهند.(3)

6. أمالی الصدوق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: در بهشت دروازهای است که دروازه مجاهدین نامیده میشود، مجاهدین در حالی که شمشیرهایشان را به گردن دارند به سوی آن دروازه حرکت میکنند و آن را گشوده مییابند، حال آنکه جمعیت در آنجا حاضر است و فرشتگان به آنان خوشآمد میگویند، هر کسی که ترک جهاد کند، خداوند لباس ذلّت و خواری بر او پوشانده و فقر را بر زندگیاش حاکم میگرداند و دینش را دچار تباهی و نابودی میسازد، همانا خداوند متعال امّت مرا به واسطه سُمّ اسبها و محل به زمین زدن نیزههایشان عزّت و بزرگی بخشیده است.(4)

1- . أمالی الصدوق: 291
2- . سند این حدیث را نیافتیم.
3- . أمالی الصدوق: 577
4- . أمالی الصدوق: 577

7. أمالی الصدوق: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: هر کسی که نامه و پیام مجاهدی را (به بستگانش) برساند، مانند کسی است که بردهای را آزاد کرده باشد و در اجر و ثواب جهاد کردن او شریک است. (1)

میگویم: این حدیث و دو حدیث قبل از آن، در ثواب الأعمال نیز روایت شدهاند. (2)

8. ثواب الأعمال: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: اسبهای مجاهدان، در بهشت نیز اسب آنان خواهند بود. (3)

9. ثواب الأعمال: نظیر این حدیث با سندی متفاوت روایت شده است. (4)

10. ثواب الأعمال، أمالی الصدوق: امام صادق از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: خیر به صورت کامل در شمشیر و زیر سایه آن است، چیزی غیر از شمشیر مردم را راست و استوار نمیگرداند و شمشیرها کلیدهای بهشت و جهنّم هستند. (5)

11. قرب الإسناد: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: قتل دو نوع است: قتل کفّاره (کشته شدن با قصاص) و قتل درجه (کشته شدن در جهاد)، پیکار کردن نیز دو نوع است: پیکار کردن با گروه کافران تا اسلام آورند، و پیکار کردن با گروه یاغیان و متجاوزان تا به مسیر مستقیم باز گردند. (6)

12. الخصال: نظیر این حدیث روایت شده است. (7)

1- . أمالی الصدوق: 577
2- . ثواب الأعمال: 172
3- . ثواب الأعمال: 172
4- . ثواب الأعمال: 172
5- . ثواب الأعمال: 172 ، امالی الصدوق: 578
6- . قرب الأسناد: 62

7- . الخصال 1 : 39

13. علل الشرایع، الخصال: امام باقر علیه السلام فرموده است: جهاد و پیکار در راه خدا کفاره هر گناهی است، غیر از دَین و بدهی که آن را کفّارهای نیست جز پرداختن توسط بدهکار یا کسی که طلبکار است، دین را ببخشد.

14. الخصال: امام صادق از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: بالاتر از هر خیر، خیری وجود دارد تا زمانی که شخص در راه خدا کشته میشود، آنگاه که در راه خدا کشته شود بالاتر از آن خیری متصوّر نیست، و بالاتر از هر عصیان، عصیانی وجود دارد تا زمانی که شخص یکی از والدین خود را را به قتل میرساند، آنگاه که یکی از والدین را به قتل رساند بالاتر از آن عصیان و گناهی متصوّر نیست.(1)

15. کتاب الغایات: نظیر این حدیث از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت شده است.(2)

16. الخصال: ابوحمزه ثمالی از علی بن الحسین علیهما السلام روایت کرده که فرمود: دو قطره نزد خداوند از هر قطرهای محبوبترند: قطره خونی که در راه خدا ریخته میشود، و قطره اشکی که در تاریکی شب سرازیر شده و بنده چیزی غیر از رضایت خداوند عزّ و جلّ را به واسطه آن طلب نمیکند.(3)

17. الخصال: امام صادق علیه السلام فرموده است: سه خصلت وجود دارند که در هر کسی باشند خداوند حوریان را هر گونه بخواهد به ازدواجش درمیآورد: فروخوردن خشم، صبر و مقاومت در مقابل شدّت و حدّت شمشیرها به خاطر کسب رضایت خداوند عزّ و جلّ، و مردی که به مال حرامی دست مییابد و به خاطر خدا آن را رها میسازد.(4)

18. الخصال: از عبدالله بن مسعود روایت شده که گفت: از رسول صلّی الله علیه و آله پرسیدم: کدام عمل نزد خدا از هر عملی محبوبتر است؟ پیامبر صلّی الله

1- . الخصال 1 : 8
2- . الغایات: 84

3- . الخصال 1 : 122
4- . الخصال 1 : 53

علیه و آله فرمود: نماز سر وقت، گفتم سپس کدام عمل؟ فرمود: نیکی به والدین، گفتم: سپس کدام عمل؟ فرمود: جهاد در راه خداوند عزّ و جلّ؛ عبدالله بن مسعود گوید: پیامبر این مقدار بیان فرمود و اگر از ایشان بیشتر میپرسیدم اعمال بیشتری را برای من برمیشمرد.(1)

19. الخصال: ابن مسعود از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: محبوبترین اعمال نزد خداوند عبارتند از: نماز، نیکی و جهاد.(2)

20. معانی الأخبار، الخصال: در حدیث آمده است که ابوذر از پیامبر صلّی الله علیه و آله پرسید: کدام عمل نزد خداوند عزّ و جلّ از هر عملی محبوبتر است؟ پیامبر فرمود: ایمان به خدا و جهاد در راه او، (ابوذر گوید:) گفتم: برترین جهاد کدام است؟ پیامبر فرمود: جهادی است که اسب مجاهد در آن زخمی شده و خون خود او در راه خدا ریخته شود.(3)

21. عیون أخبار الرضا: امام رضا از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: برترین اعمال نزد خداوند، ایمان بدون شکّ و تردید، جهاد بدون غلّ و غش و حجّ پذیرفته شده میباشد؛ و نخستین کسانی که وارد بهشت میشوند عبارتند از: شهید، بنده و بردهای که به بهترین شیوه بندگی اربابش را به جا میآورد و خیر خواه مولا و سرور خویش است، و مرد پاکدامن و با عفتی که اهل عبادت و پرستش خداوند است.(4)

میگویم: خطبه امیر المؤمنین علیه السلام در نخلیه با همین مضمون و همچنین تفسیر آن در ابواب تاریخ ایشان ذکر گردید.

22. أمالی الطوسی: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: مرگ طالب و مطلوب است، آنها که در نبرد مقاومت دارند و آنها که فرار میکنند، هیچ

1- . الخصال 1 : 107

2- . الخصال 1 : 53

3- . الخصال 2 : 300، سند این حدیث را در معانی الأخبار نیافتیم.

4- . عیون أخبار الرضا 2 : 28، شیخ مفید نیز در أمالی خود صفحه 54 این حدیث را روایت کرده است.

کدام را از چنگال مرگ رهایی نیست، پس پیش روید و سستی نورزید، چرا که هیچ راه گریزی از مرگ متصوّر نیست، شما اگر کشته هم نشوید بالأخره خواهید مُرد، سوگند به آن کس که جان علی در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر سر من آسانتر از مرگ در بستر استراحت است.(1)

23. أمالی الطوسی: امام علی علیه السلام فرموده است: برترین اعمالی که توسّل کنندگان به آن توسّل میکنند، ایمان به خدا و رسول او و جهاد در راه خداست، تا آخر حدیث.(2)

24. قرب الإسناد: امام صادق از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: سه گروه در روز قیامت نزد خداوند واسطه و شفیع میگردند و خداوند شفاعت آنان را میپذیرد: انبیاء، سپس علماء و سپس شهداء.(3)

25. ثواب الأعمال: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: هر کسی به غیبت انسان مؤمن مجاهد بپردازد یا او را آزار دهد و یا با بازماندگان او بدرفتاری کند، عمل او در روز قیامت مورد بررسی قرار میگیرد تا حسناتش باطل شود، سپس هرگاه که مجاهد مشغول طاعت و عبادت خداوند عزّ و جلّ باشد، او در آتش جهنم واژگون خواهد شد.(4)

26. المحاسن: أبی رفعه گوید: امام صادق علیه السلام فرموده است: سه خصلت در هر که باشد خداوند حوریان را هر گونه که بخواهد به ازدواج او در میآورد: فرو خوردن خشم، صبر و مقاومت در مقابل شدّت و حدّت شمشیرها به خاطر کسب رضایت خداوند عزّ و جلّ، و (خصلت) مردی که به مال حرامی دست مییابد و به خاطر خدا آن را رها میسازد.(5)

1- . أمالی الطوسی 1 : 220
2- . أمالی الطوسی 1 : 220
3- . قرب الأسناد: 31، صدوق نیز در الخصال 1 : 102 این حدیث را روایت کرده است.
4- . ثواب الأعمال: 229
5- . المحاسن: 6

27. صحیفه الرضا: امام رضا از پدرانش و آنان از علی بن حسین امام سجاد علیهم السلام روایت کردهاند که فرمود: در حالی که امیر المؤمنین علی بن أبی طالب علیهم السلام برای مردم خطبه میخواند و آنان را بر جهاد و پیکار تحریک و تشویق میکرد، جوانی برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان، مرا از فضیلت مجاهدان در راه خدا آگاه گردان، امام علیه السلام فرمود:

من و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که ایشان بر ناقه ی عضباء خود سوار بود، در یک ردیف قرار داشتیم، در حالی که از غزوه ذات السلاسل بازمی گشتیم. پس من از آن حضرت آنچه را که تو از من سؤال کردی پرسیدم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که رزمندگان در راه خدا اراده جنگ می کنند، خدای دوری از آتش را برای ایشان مقرّر می فرماید. و هنگامی که برای جهاد در راه خدا آماده می شوند، خدای به وجود آنها به فرشتگان مباهات و افتخار می کند. و زمانی که با خانواده خود وداع می کنند، دیوارها و خانه ها برایشان می گرید، و در این حال از گناهان خود بیرون می آیند، به مانند ماری که از پوست خود بیرون می شود. و خدای بر هر یک از این مردان مجاهد چهل هزار فرشته می گمارد تا او را از رو برو و پشت سر و سمت راست و سمت چپ حفاظت و نگهداری کنند. ایشان هیچ کار نیکی انجام نمی دهند مگر آنکه بیشتر از آن در نامه اعمالشان نوشته می شود، و هر روز برای آنها عبادت هزار مرد که هزار سال خدا را عبادت می کنند، و هر سال عبادت آنها سیصد و شصت روز، به مانند روزهای دنیا، نوشته می شود.

و زمانی که با دشمن روبرو می شوند، دانش اهل دنیا از ثوابی که خدا به آنها می دهد قاصر است. و به هنگام برخورد و رویارویی با دشمن که نیزه ها به حرکت در می آید، و تیرها پرتاپ می شود و جنگاوران با یک دیگر مواجه می شوند، فرشتگان مجاهدان راه خدا را با بالهای خود می پوشانند، و در این حال از خدای برای آنها نصرت و استقامت می طلبند. در این هنگام منادی فریاد می زند: بهشت در سایه شمشیرهاست؛ و فرود آمدن هر نیزه و ضربت شمشیری بر پیکر شهید آسان تر و دلنشین تر از نوشیدن آب سرد در روز تابستان است. و هنگامی که شهید بر اثر

ضربت شمشیر یا نیزه ای از اسب خود به زمین می افتد، به زمین نمی رسد مگر اینکه خدای عز و جل حور العین را به همسری او به سویش می فرستد، و این حور العین به آنچه خدای از کرامت خود برای شهید آماده کرده است، او را مژده می دهد. پس هنگامی که پیکر شهید به زمین می خورد، زمین به او می گوید: ای روح پاک، خوش آمدی، تو همان روح بزرگی که از پیکری پاک بیرون شده ای، شادمان باش، زیرا که برای تو فراهم است، آنچه که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ انسانی جلوه و گذر نکرده است و خدای عزّ و جلّ می فرماید: من جانشین شهید در میان خانواده او هستم. و هر کس خانواده شهید را خشنود کند، هر آینه مرا خشنود کرده است، و هر کس آنها را خشمگین کند، همانا مرا خشمگین کرده است. و خدای روح شهید را بر بالهای پرنده سبز رنگی قرار می دهد، تا به هر سوی بهشت که می خواهد گردش کند و از میوه های بهشت بخورد، و در پرتو قندیلهای طلایی که به عرش آویزان است پناه گیرد. و به هر شهیدی هفتاد غرفه از غرفه های بهشت داده می شود، فاصله میان هر غرفه به اندازه فاصله میان صنعاء و شام می باشد. روشنای این غرفه ها شرق و غرب عالم را روشن می کند. و در هر غرفه ای هفتاد در وجود دارد و بر هر دری هفتاد لنگه در طلا مشاهده می شود، و بر هر دری شصت پرده آویز است. و در هر یک از غرفه ها هفتاد خیمه و در هر خیمه هفتاد تخت از طلا وجود دارد، که پایه های آنها از زبرجد و درّ است، و پایه های تختها با میخهای زمرّد استوار شده است. و بر هر تختی چهل فرش که ضخامت هر کدام بیست متر می باشد گسترده شده است، و بر هر یک از این فرش ها همسری از حور العین که شوهر دوست و با یک دیگر همسالند نشسته است.

پس از این سخنان جوان پرسشگر گفت: یا امیر المؤمنین! به من از زن شوهر دوست خبر بده.

امیر المؤمنین فرمود: او زن خندان و با کرشمه ایست، که نسبت به شوهر شیفته است، و هفتاد هزار کنیز و هفتاد هزار غلام دارد. وی به طلا زینت شده و دارای چهره ای سپید است. بر سر این زنها تاجهایی از لؤلؤ، بر شانه های ایشان شنل ها و در دستهای آنان جامها و کوزه هایی وجود دارد. هنگامی که روز قیامت فرا برسد، شهید

با شمشیر آخته از گور بیرون می آید، در حالی که از رگهای گردن او خون می ریزد، رنگ به رنگ خون ولی بوی آن مانند رائحه مشک است، و با این حال از عرصه قیامت می گذرد.

سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست، اگر انبیاء بر سر راه شهیدان باشند، به احترام آنها از مرکب پیاده می شوند، چرا که مقام و ارزش شهیدان را در پیشگاه خدا مشاهده می کنند، و شهیدان به سمت سفره هایی از جواهر می آیند و بر آن می نشینند و هر یک از شهیدان در باره هفتاد هزار نفر از خاندان و همسایگان خود شفاعت می کند، تا آنجا که همسایگان او بر سر همسایگی با وی با یکدیگر نزاع و دشمنی می کنند که کدامیک همسایه نزدیک تر او بوده آنگاه آن همسایگان با آن شهید و با حضرت ابراهیم علیه السلام بر سفره جاودانی بهشت می نشینند، و هر بامداد و شامگاه رحمت خدای متعال را دیدار می کنند.(1)

28. الإرشاد: امام علی علیه السلام فرموده است: همانا مرگ به سرعت در جستجوی شماست، مرگ مطلوبی است که آنها که در نبرد مقاومت دارند و آنها که فرار میکنند را گریزی از آن نیست، پس پیش روید و سستی نکنید، چرا که هیچ راه فراری از مرگ وجود ندارد، همانا شما اگر کشته هم نشوید بالأخره خواهید مُرد، سوگند به کسی که جان علی در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر من آسانتر از مرگ در بستر استراحت است.(2)

28. تفسیر العیاشی: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: مردی نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله آمد و گفت: من به جهاد علاقمند و در انجام آن چابک هستم، پیامبر فرمود: پس به جهاد در راه خدا بپرداز، که اگر کشته شوی، نزد خداوند زنده خواهی بود و روزی داده میشوی، و اگر بمیری، اجر و پاداشت با خداوند خواهد بود، همچنین اگر سلامت باز گردی بدون گناه به سوی خداوند باز خواهی گشت، و این تفسیر آیه «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّ-هِ أَمْوَاتًا بَلْ

1- . صحیفه الإمام الرضا: 26 - 28
2- . الإرشاد: 127

أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» {هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند}، میباشد.(1)

30. تفسیر عیاشی: ابوالجارود در تفسیر آیه «واجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً» {و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده}، از زید بن علی روایت کرده که منظور از (سلطانا نصیرا) شمشیر است.(2)

31. کتاب حسین بن سعید و نوادر: ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: هیچ قطرهای نزد خداوند محبوبتر از قطره خون ریخته شده در راه خدا یا قطره اشک سرازیر شده از چشم در تاریکی شب به خاطر ترس از خدا وجود ندارد، و هیچ گامی نزد خدا محبوبتر از گامی که به سوی دیدار بستگان و یا گامی که به سوی پیکار با دشمن برداشته میشود نیست، همچنین هیچ جرعهای نزد خداوند محبوبتر از جرعه غیظ یا جرعهای که بنده خدا مصیبت خود را به وسیله آن باز میگرداند وجود ندارد.(3)

32. نوادر الراوندیّ: امام موسی کاظم از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: به راستی که بالاتر از هر خیر، خیری وجود دارد تا اینکه انسان به عنوان شهید در راه خدا کشته میشود، پس بالاتر از آن هیچ خیری متصوّر نیست، و بالاتر از هر عقوق (گناه) گناهی وجود دارد تا اینکه انسان یکی از والدین خود را به قتل میرساند، پس بالاتر از آن هیچ گناهی متصوّر نیست.(4)

33. با استناد به همین سند، رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: اسبهای مجاهدان در دنیا اسبهای آنان در بهشت خواهد بود.(5)

1- . تفسیر العیاشی 1 : 206، و آیه از سوره آل عمران / 169 است.
2- . تفسیر العیاشی 2 : 315، و آیه از سوره اسراء / 80 است.
3- . نسخه خطی کتاب الزهد للحسین بن سعید الأهوازی، باب گریستن از ترس خدا.
4- . نوادرالراوندیّ: 5
5- . نوادرالراوندی: 15

34. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: حافظان قرآن عارفان اهل بهشتند، مجاهدان در راه خداوند متعال پیشگامان، و پیامبران سادات اهل بهشت هستند.(1)

35. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: موسی علیه السلام مشغول دعا خواندن شد و هارون و فرشتگان آمین گفتند، پس خداوند متعال فرمود: استقامت به خرج دهید که دعای شما اجابت شده است، و هر کسی که در راه من جهاد و پیکار کند، تا روز قیامت دعای او را اجابت خواهم کرد.(2)

36. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: در روز قیامت از هر نعمتی سؤال میشود غیر از نعمتی که در راه خداوند متعال به کار گرفته شده باشد.(3)

37. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: همانا بخیلترین مردم کسی است که نسبت به سلام کردن بخل ورزد، و بخشندهترین مردم کسی است که جان و مال خویش را در راه خدا ببخشد.(4)

38. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: امّتم را به انجام پنج عمل سفارش میکنم: گوش فرادادن به اوامر خداوند متعال، اطاعت، هجرت، جهاد و همراه جماعت بودن؛ و سهم هر کسی که به شیوه جاهلیّت دعا بخواند، سنگ ریزهای از سنگ ریزههای جهنّم خواهد بود.(5)

39. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: نخستین کسی که در راه خدا به پیکار پرداخت ابراهیم خلیل علیه السلام بود، آنگاه که رومیان لوط علیه السلام را به اسارت گرفتند پس ابراهیم علیه السلام به قصد پیکار با آنان خارج شد و لوط را از دستشان نجات بخشید.(6)

1- . نوادر الراوندیّ: 19 و 20
2- . نوادرالراوندیّ: 20
3- . نوادر الراوندیّ: 20
4- . نوادر الراوندیّ: 20
5- . نوادر الراوندی: 21

6- . نوادر الراونديّ: 23

باب دوم : اقسام جهاد، شرایط و آداب آن

آیات:

-

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِى تَبْغِى حَتَّى تَفِیءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.(1)

{و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه ای] که تعدی می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر باز گشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می دارد}.

روایات:

1. تفسیر علی بن ابراهیم: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: مردی از دوستداران ما از پدرم درباره جنگهای امیر المؤمنین علیه السلام پرسید، پدرم (امام باقر علیه السلام) در پاسخ او فرمود: خداوند متعال محمّد صلی الله و علیه و آله را همراه پنج شمشیر برانگیخت: سه شمشیر از آنها آخته هستند و تا زمانی که جنگ تمام نشود و سلاحها بر زمین گذاشته نشود غلاف نمیشوند، و جنگ تا زمانی که خورشید از مشرق غروب نکند (تا زمان برپایی قیامت) به پایان نمیرسد، و در آن روز که خورشید از مغرب طلوع کرد، همه مردم ایمان میآورند، « فیومئذ لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل أو کسبت فی إیمانها خیراً» {در آن روز، ایمان آوردن هیچ شخصی به او سود نمیرساند اگر پیش از آن ایمان

1- . حجرات / 9

نیاورده و یا به واسطه ایمانش کسب خیر نکرده باشد}؛ و یکی از آن شمشیرها پیچیده شده در پوشش و شمشیر دیگر در غلاف است و آختگی آن برای دیگران و حُکمش برای ماست؛ امّا یکی از آن سه شمشیر آخته، علیه مشرکان عرب از غلاف برکشیده شده است، خداوند عزّ و جلّ فرموده است: «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا» { مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید پس اگر توبه کردند}، (فَإِن تَابُوا) یعنی: اگر ایمان آوردند، «فَإخوانُکم فی الدین» {پس برادران دینی شما هستند}، چیزی غیر از کشته شدن یا وارد شدن در اسلام از اینان پذیرفته نیست و اموال و فرزندان ایشان، با استناد به رفتار پیامبر صلّی الله علیه و آله در به اسارت گرفتن دشمنان، به اسارت (و غنیمت) گرفته میشوند، پیامبر صلی الله و علیه و آله عدّهای از دشمنان را به اسارت میگرفت، عدّهای را عفو و از برخی دیگر فدیه میگرفت.

شمشیر آخته دوم بر علیه اهل ذمّه به کار گرفته میشود، خداوند متعال فرموده است: «و قولوا للناس حُسناً» {و به نیکی با مردم سخن بگویید} این آیه در شأن اهل ذمّه نازل شده است، سپس این فرموده خداوند متعال آن را نسخ کرده است: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّ-هِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّ-هُ وَ رَسُولُهُ وَ لا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعطوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ» {با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی آورند و آنچه را خدا و فرستاده اش حرام گردانیده اند حرام نمی دارند و متدین به دین حق نمی گردند کارزار کنید تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند}. بنابراین از هر یک از آنان که در سرزمین اسلام سکونت دارند چیزی جز پرداخت جزیه یا کشته شدن پذیرفته نمیشود و اموال و فرزندان آنان به (غنیمت) و اسارت گرفته میشود، و آنگاه که پرداختن جزیه را پذیرفتند، به اسارت گرفتن آنان و به غنیمت بردن اموالشان بر ما حرام میشود و ازدواج با آنان برای ما حلال میگردد، امّا به اسارت گرفتن آنان که در سرزمین جنگ (بلاد کفر) ساکن هستند و همچنین به غنیمت

گرفتن اموالشان برای ما حلال و ازدواج با آنان حرام است، و چیزی جز کشته یا وارد شدن در اسلام از آنان پذیرفته نمیشود.

و شمشیر سوّم بر علیه مشرکان عجم یعنی ترک، دیلم و ساکنان کناره خزر آخته میگردد، خداوند متعال در ابتدای سورهای که در آن به ذکر احوال کافران پرداخته و قصه آنان را حکایت کرده فرموده است: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِکَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّ-هُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَ لَ-كِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ وَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِى سَبِيلِ اللَّ-هِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» {پس چون با کسانی که کفر ورزیده اند برخورد کنید گردنها[یشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیه [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور خدا] و اگر خدا می خواست از ایشان انتقام می کشید ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شده اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی کند} « فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ» یعنی: پس از به اسارت گرفتن آنان، «وَ إِمَّا فِدَاءً» یعنی: پرداخت بهای آزادی که از سوی اهل ذمّه به اهل اسلام پرداخت میشود، پس چیزی غیر از کشته شدن یا وارد شدن در اسلام از آنان پذیرفته نمیشود و ازدواج با آنان تا زمانی که در حال جنگ با اسلام هستند برای ما حلال نیست.

امّا شمشیر پیچیده شده (ملفوف) در مقابل اهل بغی و تأویل به کار گرفته میشود، خداوند متعال فرموده است: «وَ إِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِى تَبْغِى حَتَّى تَفِىءَ إِلَى أَمْرِ اللَّ-هِ» {و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه ای] که تعدی می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد}، هنگامی که این آیه نازل شد رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: همانا یکی از شما پس از من با تأویل پیکار خواهد کرد آن گونه که من بر سر تنزیل (قرآن) پیکار نمودم، از پیامبر صلّی الله علیه و آله سؤال شد آن شخص کیست؟

پیامبر فرمود: کسی که دوزنده (وصله زننده به) کفش است، یعنی امام امیرالمؤمنین علیه السلام؛ و عمّار بن یاسر گفته است: سه بار همراه پیامبر صلّی الله علیه و آله در زیر پرچم به جهاد و پیکار پرداختم و این چهارمین بار است، به خدا سوگند اگر ما را بزنند تا حدّی که ما را به نخلستان هجر برسانند، یقین حاصل کردهایم که ما بر مسیر حقّ قرار داریم و آنان بر مسیر باطل قرار دارند، و شیوه رفتار با آنان همان است که امیر المؤمنین علیه السلام به تأسّی از پیامبر صلّی الله علیه و آله در روز فتح مکّه انجام داده است، پیامبر هیچ یک از ساکنان مکّه را به اسارت نگرفت و فرمود: هر کسی که درِ خانهاش را ببندد در امان است، هر کسی که اسلحهاش را بر زمین بگذارد در امان است و هر کسی که وارد خانه ابوسفیان شود نیز در امان است، امیر مؤمنان نیز در روز (فتح) بصره در مورد آنان فرمود: فرزندان آنان را به اسارت نگیرید، زخمیها را به قتل نرسانید و به دنبال کسانی که گریختهاند نروید، و هر کسی که درِ خانهاش را ببندد و اسلحهاش را بر زمین بگذارد در امان است.

امّا شمشیر غلاف شده شمشیری است که قصاص با آن اجرا میشود، خداوند متعال فرموده است: «النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ» {جان در مقابل جان و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند و هر که از آن [قصاص] درگذرد پس آن کفاره [گناهان] او خواهد بود}، پس آختگی این شمشیر در خدمت اولیای مقتول است و حُکم آن نزد ماست؛ این پنج شمشیر، شمشیرهایی هستند که خداوند متعال پیامبر خود را به همراهی آنها مبعوث گردانده است، پس هر کسی که همه و یا یکی از این شمشیرها و یا بخشی از سیره (شیوه استفاده) و احکام مربوط به آنها را انکار کند، به آنچه که خداوند متعال بر محمّد صلّی الله علیه وآله نازل فرموده کفر ورزیده است.(1)

2. الخصال: نظیر این حدیث روایت شده است.(2)

3. تحف العقول: نظیر این حدیث به صورت مرسل روایت شده است.(3)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم: 640، کلینی در الکافی 5 : 10 و شیخ در التهذیب 6 : 136 این حدیث را روایت کرده است.
2- . الخصال 1 : 189

3- . تحف العقول: 296

4. الاحتجاج: عبّاد بصری در راه مکّه امام سجاد علیه السلام را مشاهده کرد، پس به او گفت: ای علی بن الحسین، جهاد و سختی آن را رها کرده و به حجّ و سهولت آن روی آوردهای، در حالی که خداوند متعال فرموده است: «إِنَّ اللَّ-هَ اشْتَرَی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّ-هِ فَیَقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُونَ» {در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کشند و کشته می شوند}، تا جایی که می فرماید: «و بشّر المؤمنین» {و مؤمنان را بشارت ده}، امام سجاد علیه السلام فرمود: اگر این اشخاص که چنین صفّاتی را دارند مشاهد کنیم، جهاد با آنان از حجّ برتر است.(1)

5. تفسیر علی بن ابراهیم: پدرم از یکی از اصحاب نقل حدیث خویش روایت کرده که زهریّ در راه حج امام سجاد علیه السلام را مشاهده کرد، و حدیث را تا پایان و به همان صورتی که ما نقل نمودیم پی گرفته است.(2)

6. الاحتجاج: عبدالکریم بن عتبه هاشمی گوید: نزد امام صادق علیه السلام در مکّه بودم آنگاه که گروهی از معتزله از جمله عمرو بن عبید، واصل بن عطاء حفص بن سالم و عدّهای از رؤسای آنان به حضور ایشان رسیدند، و آن زمانی بود که ولید کشته شده و اهل شام دچار اختلاف شده بودند، پس شروع به سخن گفتن کردند و بسیار گفتند و خطبه خواندند و آن را به درازا کشاندند، آنگاه امام صادق علیه السلام به آنان فرمود: نزد من بسیار سخن گفتید و کلام را به درازا کشاندید، پس امورات خود را به یکی از خودتان بسپارید تا به نیابت از شما به ذکر دلایلتان بپردازد و کلام را مختصر گرداند، آنان نیز امورات خود را به عمرو بن عبید سپردند، او نیز به ابلاغ خواستهای گروه پرداخت و سخن را به درازا کشاند و در میان کلام خود چنین گفت: اهل شام خلیفه خود را به قتل رساندهاند و خداوند عدّهای از آنان را به جان عدّهای دیگر انداخته و اموراتشان را متفرق گردانده است، پس به جستجو

1- . الاحتجاج2 : 44

2- . تفسیر علی بن ابراهیم: 261، و آیه از سوره توبه / 111 است.

پرداختیم و مردی را یافتیم که صاحب دین، عقل، مروّت و معدن خلافت است، او محمّد بن عبدالله بن حسن است، بنابراین خواستیم که در اطرافش گرد آمده و به او بیعت دهیم، سپس توافقِ حاصل شده با او را آشکار گردانده و مردم را به سوی بیعت با او فرا خوانیم، پس همراه هر که با او بیعت کند باشیم و او نیز از ما باشد، و هر که از ما کناره گیرد را رها سازیم، و با هر که به دشمنی برخیزد جهاد و پیکار کنیم و او را به خاطر طغیان و سرکشی دشمن داریم و به سوی حقّ و صاحبان حقیقت ارجاعش دهیم، و چنان پسندیدیم که این مسأله را با شما نیز مطرح سازیم، چرا که از افرادی چون شما به خاطر فضیلت و کثرت پیروان بی نیاز نخواهیم بود؛ هنگامی که عمرو سخنان خود را به پایان رساند، امام صادق علیه السلام فرمود: آیا همه شما قائل به نظر عمرو هستید؟ گفتند: آری، پس امام به سپاس و ستایش خداوند پرداخت و بر پیامبر صلّی الله علیه و آله درود فرستاد و فرمود: به راستی ما فقط هنگامی که خداوند نافرمانی شود خشمگین شده و هنگامی که از خداوند فرمان برده شود راضی میگردیم؛ ای عمرو، مرا آگاه ساز که اگر امّت مسائل خود را به تو بسپارند و بدون خونریزی و سختی صاحب امورات آنان گردی، پس به تو گفته شود: هر که را میخواهی متولّی و سرپرست اداره امور امّت قرار ده، چه کسی را تعیین میکنی؟ عمرو گفت: تولّی و سرپرستی امور را بر عهده شورای مسلمانان خواهم گذاشت، امام فرمود: بر عهده همه آنان؟ عمرو گفت: آری، فرمود: فقیهان و برگزیدگان آنها؟ گفت: آری، فرمود: قریشیان و غیر آنان؟ عمرو گفت: آری، فرمود: عرب و عجم؟ گفت: آری، فرمود: ای عمرو، مرا آگاه ساز که آیا دوستی و موالات ابوبکر و عمر را برگزیدهای یا از آنان تبرّی جستهای؟ عمرو گفت: دوستی و موالات آنان را برگزیدهام، امام فرمود: ای عمرو، اگر از جمله کسانی بودی که از ابوبکر و عمر تبرّی جستهاند، برای تو جایز بود که بر خلاف عمل آنان عمل نمایی، ولی اگر از جمله کسانی هستی که دوستی و موالات آنان را برگزیدهای، پس به مخالفت با آنان برخاستهای، چرا که عمر با ابوبکر عهد و پیمان بست و با او بیعت کرد و با کسی نیز مشورت نکرد، سپس ابوبکر خلافت را به عمر باز گرداند و او نیز با کسی مشورت نکرد، آنگاه عمر مسأله خلافت را در شورای شش نفره مطرح نمود و همه

انصار غیر از این شش نفر قریشی را از این شورا خارج ساخت، آنگاه در مورد آنان به مردم توصیهای کرد که گمان نمیکنم تو و یارانت از آن راضی و خشنود باشید، عمرو گفت: چه توصیهای کرد؟ امام فرمود: به صهیب امر کرد که سه روز به عنوان امام جماعت با مردم نماز بخواند و آن شش نفر با هم به مشورت بپردازند و شخص دیگری غیر از ابن عمر در میان آنان حضور نداشت که با او مشورت کنند، حال آنکه ابن عمر مسؤولیت چیزی را بر عهده نداشت، سپس به مهاجرین و انصار که در حضور او بودند توصیه کرد که اگر سه روز تعیین شده سپری شد و آن شش نفر به مشورت خود پایان نداده و به کسی بیعت ندادند، گردن هر شش نفر آنان زده شود، و اگر چهار نفر آنان قبل از پایان سه روز به توافق رسیدند و دو نفر مخالفت ورزیدند، گردن آن دو نفر زده شود، آیا شما به روی دادن چنین حالتی در میان شورایی که از مسلمانان بر میگزینید راضی هستید؟ گفتند: خیر، امام فرمود: ای عمرو، این مسأله را رها ساز، نظرت چیست درباره اینکه اگر با این دوست و یار خود که مردم را به سوی او فرا میخوانی بیعت کنی و امّت بر سر نظر شما گرد آمده و بر سر مسأله خلافت او هیچ دو نفری به مخالفت با شما بر نخیزند، آنگاه به مشرکانی میرسید که اسلام را نپذیرفته و جزیه نیز نپرداختهاند، آیا نزد شما و دوست و یاورتان علم و دانشی وجود دارد که بر اساس آن بر طبق شیوه پیامبر صلّی الله علیه و آله در تعامل با مشرکان در جنگ رفتار کنید؟ گفتند: بله. امام فرمود: در این صورت چگونه عمل می کنید؟ گفتند: آنان را دعوت به اسلام می کنیم، اگر نپذیرفتند، آنان را دعوت به پرداخت جزیه می کنیم؛ حضرت فرمود: اگر چه از مجوسیان و اهل کتاب باشند؟ گفتند: بله اگر چه از مجوسیان و اهل کتاب باشند. امام فرمود: اگر چه از بت پرستان، آتش پرستان و حیوانپرستان باشند و اهل کتاب نباشند؟ گفتند: فرقی نمیکند، حضرت فرمود: ای عمرو، مرا آگاه ساز که آیا آیات قرآن را تلاوت میکنی؟ گفت: آری، فرمود: این آیه را تلاوت کن: «قَاتِلُوا الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِاللَّ-هِ وَ لَا بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا یُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّ-هُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا یَدِینُونَ دِینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ حَتَّی یُعْطُوا الْجِزْیَةَ عَن یَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ»، امام فرمود: خداوند متعال در مورد اهل کتاب استثناء قائل شده و شرط گذاشته

است، پس آیا اهل کتاب و غیر اهل کتاب در این حُکم یکسان هستند؟ عمرو گفت: آری، امام علیه السلام فرمود: این نظر را از چه کسی گرفتهای؟ عمرو گفت: از مردم شنیدهام که چنین میگویند، امام فرمود: بگذریم، اگر از پرداخت جزیه امتناع ورزیدند و به پیکار با آنان پرداختی و بر آنان غلبه نمودی با غنیمت چه میکنی؟ عمرو گفت: خُمس غنیمت را جدا میسازم و چهار پنجم آن را در میان کسانی که برای به دست آوردنش پیکار کردهاند تقسیم میکنم، امام فرمود: آیا غنیمت را بین تمام کسانی که برای کسب آن پیکار نمودهاند تقسیم میکنی؟ عمرو گفت: آری، امام فرمود: با این کار به مخالفت با کردار و سیره رسول خدا صلّی الله علیه و آله برخاستهای، فقهای اهل مدینه و بزرگان آنان در صدور حُکم بر سر این مسأله داور میان من و شما هستند، پس از آنان سؤال بپرسید، آنان بر سر این مسأله اختلاف نظر و منازعه ندارند که رسول خدا صلّی الله علیه و آله با اعراب بادیهنشین مصالحه کرده بود که آنان را در سرزمینهایشان راحت بگذارد و مهاجرت نکنند، بر این اساس که اگر گزندی از سوی دشمنان به پیامبر برسد، وی آنان را به مبارزه با دشمنان فرا خواند و پس از پیروزی سهمی از غنیمت نداشته باشند، و اکنون تو میگویی که غنیمت را میان همه آنان تقسیم خواهم کرد، با این کار با شیوه رفتار پیامبر صلّی الله علیه و آله در مورد مشرکان مخالفت میورزی، از این مسأله نیز بگذریم، در مورد صدقه چه میگویی؟ عمرو این آیه را برای امام تلاوت کرد:«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِی سَبِيلِ اللَّ-هِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَهً مِّنَ اللَّ-هِ وَ اللَّ-هُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» { صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیّان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است. } امام فرمود: آری، چگونه صدقه را در بین آنان تقسیم میکنی؟ عمرو گفت: آن را به هشت قسمت تقسیم میکنم و از هر یک از آن هشت قسمت، یک قسمت را میبخشم، امام فرمود: اگر یک گروه از آنان که مستحقّ صدقه هستند ده هزار نفر و گروه دیگر یک، دو و یا سه نفر باشند، آیا صدقهای که به یک نفر اختصاص میدهی

مانند صدقه ده هزار نفر است؟ عمرو گفت: آری، امام فرمود: در مورد بخشیدن صدقه به شهرنشینان و بادیهنشینان چگونه عمل میکنی؟ آیا در بخشش صدقه یکسان هستند؟ عمرو گفت: آری، امام فرمود: پس با تمام اعمال منقول در سیره رسول خدا صلّی الله علیه و آله مخالفت ورزیدهای، چرا که پیامبر صدقه بادیهنشینان را در میان بادیهنشینان و صدقه شهرنشینان را در میان شهرنشینان و نه به صورت یکسان تقسیم مینمود، بلکه صدقه را به اندازه افرادی که نزد وی حاضر بودند و آنان را مشاهده میکرد تقسیم مینمود؛ ای عمرو، اگر نسبت به آنچه گفتم شک و تردید داری، همه فقهاء و بزرگان مدینه بر سر اینکه رسول خدا صلّی الله علیه و آله در موارد ذکر شده این گونه عمل میکرد اختلاف نظر ندارند، آنگاه امام رو به عمرو کرد و فرمود: ای عمرو و ای گروه همراه او، تقوای خدا پیشه سازید، پدرم که بهترین اهل زمین و آگاهترین آنها به کتاب خدا و سنت رسول او بود از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: هر کسی مردم را با شمشیر هدف قرار دهد و آنان را به اطاعت از خود فرا خواند، حال آنکه در میان مسلمانان افرادی آگاهتر از او وجود داشته باشند، گمراه و نادان است.(1)

7. الخصال: امام صادق علیه السلام فرموده است: انجام چهار کار در مورد چهار امر جایز نیست: متمسک شدن به خیانت، غلّ و غش، دزدی و ربا به منظور انجام حجّ، عمره، جهاد و صدقه جایز نیست.(2)

8. الخصال: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: هنگامی که در میدان جنگ با دشمنانتان مواجهه میشوید، از سخن گفتن بکاهید و بیشتر به ذکر خداوند متعال مشغول شوید، و به دشمنان خویش پشت نکنید که پروردگارتان را خشمگین ساخته و مستوجب غضب او میشوید، هرگاه در میدان جنگ و از برادران خود کسی را مشاهده کردید که مجروح است، یا به او آسیب رسیده و به دشمن پشت کرده و یا دشمن در او طمع کرده است، او را با جان خویش مصون نگاه دارید.(3)

1- . الاحتجاج 2 : 18
2- . الخصال 1 : 116
3- . الخصال 2 : 407

9. امام علی علیه السلام فرموده است: انسان مسلمان به منظور انجام جهاد همراه کسی که به حُکم (خداوند) ایمان ندارد و اوامر الهی در زمینه غنایم جنگی را اجرا نمیکند، خارج نمیشود، اگر شخصی در چنین حالتی وفات نماید، در ضایع نمودن حقّ ما و هدر دادن خونمان همراه و یاور دشمن ماست، و مرگ او مرگی جاهلی است.(1)

10. علل الشرایع: امام علی علیه السلام از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: هر گاه دو نفر از مسلمانان با شمشیرهایشان و بر خلاف سنّت در مقابل هم قرار گیرند، قاتل و مقتول هر دو در آتش جهنّم جای دارند، سؤال شد: ای رسول خدا، معقول است که قاتل در آتش باشد ولی گناه مقتول چیست؟ پیامبر فرمود: او نیز اراده و قصد قتل داشته است.(2)

11. علل الشرایع: عیص بن قاسم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: تقوای خدا پیشه سازید و به خود بنگرید، چرا که خود شما بیشتر از هر کسی شایسته نگاه کردن به درون خود هستید، اگر هر یک از شما دارای دو جان بود و یکی از آنها را پیش میفرستاد و به وسیله آن تجربه کسب میکرد و با جان دیگر امکان توبه برای او فراهم بود، چه خوب بود، ولی هر کسی دارای یک جان است و به خدا سوگند اگر از تن به در رود، امکان توبه از دست رفته است. اگر فرستادهای از جانب ما نزد شما آمد و به سوی رضایت ما دعوتتان نمود، ما شما را گواه میگیریم که به چنین کسی راضی نیستیم، کسی که امروز و در حالی که تنهاست اطاعت ما را به جا نمیآورد، چگونه هنگامی که پرچمها و بیرقها بالا رفت (آنها را پشت سر خود دید و قدرت یافت) از ما اطاعت میکند.(3)

12. علل الشرایع: از امام صادق علیه السلام روایت شده که امام علی علیه السلام تا زمان زوال خورشید به پیکار و مبارزه نمیپرداخت و میفرمود: در زمان زوال خورشید دروازههای آسمان گشوده میشود، توبه پذیرفته شده و پیروزی نازل

1- . الخصال 2 : 418
2- . علل الشرایع: 462
3- . علل الشرایع: 577

میگردد. همچنین میفرمود: این زمان به شب نزدیکتر است و شایسته است که کشتار کمتری در آن صورت پذیرد، کسی که در جستجوی همآورد خویش است باز گردد و آنکه شکست خورده بگریزد.(1)

13. علل الشرایع: امام صادق علیه السلام از پدرش روایت کرده که فرمود: نزد امام علی بن ابی طالب علیه السلام به ذکر حروریّه پرداختم، پس فرمود: اگر از جماعت خارج شدند و یا علیه امام عادل طغیان کردند با آنان بجنگید، ولی اگر علیه امام ستمگر طغیان کردند با آنان نجنگید، چرا که در این زمینه دارای رأی و نظر هستند.(2)

14. علل الشرایع: از یونس روایت شده که گفت: به امام موسی کاظم علیه السلام گفتم: جانم فدای شما، به یکی از دوستداران شما خبر رسید که مردی به منظور فراهم کردن مقدّمات جهاد در راه خدا به اعطای شمشیر و اسب میپردازد، پس آن شخص نزد او رفت و شمشیر و اسب را تحویل گرفت، ولی هنگامی که یاران خود را ملاقات کرد به او خبر دادند که جهاد با آن جماعت جایز نیست و به او امر کردند که شمشیر و اسب را باز گرداند، امام فرمود: شایسته است که چنان کند، گفتم: آن شخص به جستجوی مرد بخشنده پرداخت ولی او را نیافت و گفته شد که از آن شهر رفته است، امام فرمود: آن شخص باید به مرابطه و مرزداری بپردازد و وارد میدان جنگ نشود، از امام پرسیدم: آیا باید در قزوین، دیلم، عسقلان و چنین مرزهایی حضور داشته باشد، امام فرمود: آری، گفتم: آیا در مرزها به جهاد میپردازد؟ امام فرمود: خیر، مگر آنکه بیم به خطر افتادن جان فرزندان مسلمانان را داشته باشد، گفتم: نظر شما درباره زمانی که رومیان به سوی مسلمانان هجوم آورند چیست، آیا لازم نیست که به منظور اخراج رومیان در پیِ آنان باشد؟ امام فرمود: به مرزداری میپردازد و پیکار نمیکند، ولی اگر بیم آن داشته باشد که سرزمین اسلام و مسلمانان در معرض خطر قرار میگیرد به مبارزه و پیکار روی میآورد، پس مبارزه او به خاطر دفاع از خود و نه دفاع از حکومت اسلام است، گفتم: اگر دشمن به

1- . علل الشرایع: 603

2- . علل الشرایع: 603

مکانی که او در آن مشغول مرزداری است برسد باید چگونه عمل کند؟ امام فرمود: در دفاع از سرزمین اسلام و نه دفاع از اینان به مبارزه میپردازد، چرا که با از بین رفتن اسلام ذکر و یاد محمد صلّی اللّه علیه و آله از بین میرود.(1)

15. الخصال: از فضیل بن عیاض روایت شده که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره جهاد پرسیدم و اینکه آیا سنّت است یا واجب؟ امام فرمود: جهاد چهار نوع است: دو نوع جهاد واجب است، یک نوع آن سنّت است که جز به همراه جهاد واجب به پا داشته نمیشود، و نوع دیگر سنّت است: امّا یکی از دو جهاد واجب آن است که انسان در مقابل انجام معصیت خداوند متعال با نفس خویش به پیکار میپردازد و این بزرگترین نوع جهاد است؛ جهاد واجب دیگر، پیکار با کافرانی است که در اطرافتان قرار دارند، و جهادی که سنّت است و جز به همراه جهاد واجب به پا داشته نمیشود این گونه است که پیکار و جهاد با دشمن بر جمیع امّت واجب است و اگر جهاد را ترک کنند گرفتار عذاب خواهند شد و این از جمله عذابهای امّت است، امّا برای امام امّت سنّت است که در معیّت امّت به سوی دشمنان برود و با آنان پیکار کند. امّا جهادی که سنّت است شامل تمام سنّتهایی میشود که انسان آنها را به پا میدارد و در راه به پا داشتن، رسیدن به آن و احیای آنها به تلاش و مجاهدت میپردازد، پس عمل و تلاش در این زمینه از برترین اعمال است، چرا که شخص در این حالت سنّتی را احیا کرده است، و پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فرموده است: هر کسی سنّت حسنهای را پایهگذارد، اجر و پاداش آن سنّت و کسانی نیز که به آن عمل میکنند برای او ثبت میگردد بدون اینکه از اجر و پاداش کسانی که به آن سنّت عمل میکنند کاسته شود.(2)

16. میگویم: این حدیث را در کتاب الغایات(3)

به نقل از فضیل و او نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

1- . علل الشرایع: 603

2- . الخصال 1 : 163

3- . کتاب الغایات: 74

17. تحف العقول: این حدیث به صورت مرسل از امام حسین علیه السلام روایت شده است، و در آن آمده است: و اجر و پاداش کسانی که به آن سنّت عمل میکنند تا روز قیامت در کارنامه اعمالِ پایهگذار سنّت نوشته میشود.(1)

18. الخصال: در حدیث أعمش از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: جهاد در معیّت امام عادل واجب است، و هر کسی که در دفاع از اموال خود کشته شود شهید است، و کشتن هیچ یک از کافران و دشمنان در بلاد تقیّه جایز نیست، مگر آنکه قاتل باشد و یا سعی در رواج فساد داشته باشد، البته اگر بیم به خطر افتادن جان خود و یارانت وجود نداشته باشد.(2)

19. عیون أخبار الرضا: نظیر این حدیث در میان نوشتههای امام رضا علیه السلام به مأمون روایت شده است.(3)

20. تحف العقول: از سفارش أمیر المؤمنین علی علیه السّلام است به زیاد بن نضر هنگامی که او را در سفر صفّین امیر دسته خط مقدّم لشکر خود قرار داد:

بدان که پیشروان لشکر، همانند چشمان لشکرند و چشمان پیشروان، جاسوسانند [گروه اطلاعات و عملیّات اند]، بنا بر این هر گاه از سرزمین خود خارج شدی و به مرز دشمن نزدیک گشتی، بدون احساس خستگی، طلایه داران را در هر ناحیه و بعضی از درّه ها و درخت زارها و کمین گاهها و به هر سمتی بفرست تا دشمن شما را غافلگیر ننماید و بر شما کمین نزند. گروهانها و گردانهای لشکر را از صبح تا شب برای راه پیمایی مبر مگر برای آماده ساختن و مانور، که اگر غافلگیر شدید و یا حادثه ناگواری پیش آمد، شما در آماده باش پیشدستی کرده باشید. چون بر دشمن فرود آمدید یا دشمن بر شما فرود آمد، باید که اردوگاهتان بر فراز بلندیها یا دامنه کوهها یا در لابلای رودخانه ها باشد تا شما را پناه و دشمن را مانعی بر سر راه باشد. باید جنگ و نبردتان در یک سو باشد یا دو سو. و دیده بانها را بر سر

1- . تحف العقول: 247

2- . الخصال2 : 394
3- . عيون أخبار الرضا2 : 124

کوه ها و تپه ها و دهانه و پیچ نهرها بگمارید تا مبادا دشمن از جایی که می ترسید یا خود را در امان می دانید، ناگهان بر شما حمله نماید.

چون فرود آیید، با هم فرود آیید و چون کوچ کردید، با هم کوچ نمایید و چون شب فرا رسید و در جایی فرود آمدید، گرداگرد لشکر خود را با نیزه ها و سپرها حصار کشید و تیراندازان خود را در پناه سپرها مستقر سازید تا فریب نخورید و غافلگیر نشوید. تو خود حراست از لشکرت را به عهده گیر و مبادا بخوابی یا بیارامی مگر به اندازه چرتی و لحظه ای. سپس باید به همین شیوه ادامه دهی تا به دشمن رسی و بر توست که در جنگ شتاب مورزی مگر فرصت مناسبی به دست آوری و مبادا در جنگیدن پیش دستی نمایی مگر آن که بر تو حمله نمایند یا فرمان من برای شروع حمله به دست تو برسد. و السلام علیک و رحمه اللّٰه.(1)

21. أمالی الطوسی: به استناد مجاشعی از امام صادق علیه السلام روایت شده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: بر شماست که با اموال و جانهای خویش در راه خدا به جهاد بپردازید، به راستی که فقط دو شخص در راه خدا به جهاد میپردازند: امام هدایتگر، یا مطیع او که به هدایتش اقتدا کرده است.(2)

22. کامل الزیاره: امام صادق علیه السلام فرموده است: جهاد برترین اعمال بعد از فرایضی است که هنگام جهاد واجب میگردند، و جهاد انجام نمیشود مگر همراه امام و پیشوا.(3)

23. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرموده است: رسول خدا صلّی الله علیه و آله هنگامی که قصد داشت سریّهای (لشکریانی که پیامبر خود فرماندهی آنها را به عهد نداشت) را به جایی روانه کند، دنبال امیر آن سریّه میفرستاد و او را در کنار خویش و یارانش را در مقابل خود مینشاند و میفرمود: به نام خدا و به یاری خدا و در راه او و براساس دین و آئین محمد صلی الله علیه و آله حرکت کنید، از غدر و خیانت، غلّ و غش، مُثله کردن اجساد و بریدن درختان پرهیز کنید مگر اینکه

1- . تحف العقول: 188

2- . أمالی الشیخ 2 : 136

3- . در کامل الزیاره، أمالی الطوسی و الخصال این حدیث را نیافتیم.

ضرورت شما را مجبور گرداند، پیرمردان ناتوان، کودکان و زنان را به قتل نرسانید، و هر مردی از نزدیکترین یا دورترینِ مسلمانان نگاهش به یکی از مشرکان افتاد، آن مشرک در پناه اوست تا کلام خداوند را بشنود، و هنگامی که کلام خداوند را شنید، اگر از شما پیروی نمود پس برادر دینی شماست، و اگر امتناع ورزید از خداوند به منظور هدایت او طلب کمک کنید و او را به مکان امنِ خودش برسانید.(1)

24. المحاسن: امام صادق از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که مرکبِ سواری یکی از شما در سرزمین دشمن و هنگام پیکار در راه خدا چموش گشت و فرمان نبرد، باید ذبحش کند و عرقوب (رگ کلفت بالای پاشنه) آن را نکِشد.(2)

25. المحاسن: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که فرمود: در غزوه موته جعفر طیّار بر اسب خویش سوار بود و هنگامی که دو سپاه با هم رویاروی گشتند، از اسبش پایین آمد و عرقوب آن را قطع کرد، و جعفر نخستین کسی بود که در اسلام دست به چنین کاری زد.(3)

26. تفسیر العیاشی: از أسباط بن سالم روایت شده که گفت: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی خدمت ایشان رسید و گفت: مرا از مقصود آیه: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَیْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّ-هَ كَانَ بِكُمْ رَحِیمًا» {ای کسانی که ایمانً آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است}، امام فرمود: مقصود خداوند از «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَیْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (منع کردن از انجام) قمار است، آن مرد گفت: آیه: «و لا تَقتُلوا أنفسَكُم» به چه معناست؟ امام فرمود: مقصود این آیه

1- . المحاسن: 355
2- . المحاسن: 634
3- . المحاسن: 634

مردی از مسلمانان است که بر مشرکان در منازلشان یورش می برد و کشته میشود، پس خداوند متعال مسلمانان را از انجام این عمل باز میدارد.(1)

27. و در روایت ابو علی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: مردی از مسلمانان به تنهایی بر مشرکان میتاخت تا بکُشد یا کُشته شود، بنابراین خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «وَ لَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّ-هَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» { خود را به کشتن ندهید، به راستی که خداوند نسبت به شما مهربان است }.(2)

28. تفسیر العیّاشی: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «وَ لَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّ-هَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» فرموده است: مسلمانان در غارها بر دشمنانشان یورش میبردند، پس دشمنان هرگونه که میخواستند بر آنان چیره شده و غلبه میکردند، به همین سبب خداوند متعال مسلمانان را از یورش بردن بر مشرکان در غارها منع فرمود.(3)

29. تفسیر العیّاشی: از محمّد بن یحیی روایت شده که در تفسیر آیه «ما كان لهم إن يدخلوها إلا خائفين» گفت: یعنی ایمان را نمیپذیرند مگر هنگامی که شمشیر بر بالای سر آنها قرار داشته باشد.(4)

30. تفسیر العیّاشی: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که فرمود: هر کسی مردم را به ضرب شمشیر به سوی اطاعت از خویش فراخواند حال آنکه در میان مسلمانان افراد آگاهتر از او حضور داشته باشند، گمراه و مداخله جوی است.(5)

31. تفسیر العیّاشی: عبدالله بن میمون القداح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که هر گاه علی علیه السلام قصد پیکار مینمود این دعاها را به زبان میآورد: تو راهی از راههای (رسیدن به رضایت) خود را شناساندی، و گام نهادن در آن راه

1- . تفسیر العیاشی 1 : 235، آیه از سوره نساء/ 29 است.
2- . تفسیر العیّاشی 1 : 235
3- . تفسیر العیّاشی 2 : 85

4- . تفسير العياشى 2 : 113
5- . تفسير العيّاشى 2 : 113

را به عنوان شرط کسب رضایت خود معرفی نمودی، و اولیای خود را به سوی آن راه فراخواندی، و آن را شریفترین راه برای کسب ثواب، گرامیترین شیوه بازگشت به سوی خود و محبوبترین شیوه و مسلک قرار دادی، سپس در آن راه جانها و اموال مؤمنان را به بهای بهشت از آنان خریداری نمودی، حال آنکه در راه خدا به مبارزه و پیکار میپردازند و میکشند و کشته میشوند، این وعدهای است که حتماً از سوی خداوند محقق خواهد شد؛ خداوندا، پس مرا از جمله کسانی قرار ده که جانشان را در این راه از آنان خریداری میکنی، کسانی که به بیعتی که به تو دادهاند وفا مینمایند و عهد و پیمان خود را نشکسته و نقض نمیکنند و دچار تغییر و دگرگونی نمیشوند.(1)

32. امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه «قاتلوا الذین یلونکم من الکفار» فرموده است: منظور این آیه کافران دیلم میباشد.(2)

33. تفسیر العیّاشی: عدیّ بن حاتم روایت کرده که امیر المؤمنین علیه السلام در روز مقابله با معاویه در صفین صدای خویش را تا جایی که یارانش آن را بشنوند بالا برد و فرمود: به خدا سوگند معاویه و یارانش را به قتل خواهم رساند؛ سپس در پایان کلام خویش و با صدایی آهسته فرمود: اگر خدا بخواهد، (عدیّ گوید:) من به امام علیه السلام نزدیک بودم پس گفتم: ای امیر مؤمنان، در ابتدا سوگند یاد کردی که آن کار را انجام خواهی داد ولی در پایان، این امر را موکول به تعلق مشیّت خداوندی کردی، مقصود شما از این رفتار چه بود؟ امام فرمود: به راستی که جنگ، خدعه و نیرنگ است، و من نزد مؤمنان از دروغگویان نیستم، و به این شیوه خواستم که یارانم را علیه دشمنان تحریک کنم تا دچار شکست نشوند و مورد طمع دشمنان قرار نگیرند، و انجام این عمل توسط من، پس از امروز به آنان سود خواهد رساند، إن شاء الله.(3)

1- . تفسیر العیّاشی 2 : 113
2- . تفسیر العیّاشی 2 : 118
3- . این حدیث را در منبع ذکر شده نیافتم، ولی شیخ در التهذیب 6 : 163، کلینی در الکافی 7 : 460 و علی بن ابراهیم در تفسیر خود: 419 آن را روایت کرده اند.

34. رجال الکشی: عبدالله بن شریک از پدرش روایت کرده که گفت: هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام در روز جنگ جمل مردم را شکست داد، فرمود: کسی که از میدان جنگ میگریزد در امان است، ولی روز صفین کسی که از میدان نبرد میگریخت را به قتل رساند و کار زخمیها را یکسره کرد، أبان بن تغلب گوید: به عبدالله بن شریک گفتم: حکمت این دو شیوه رفتار متفاوت در چیست؟ عبدالله گفت: همانا اهل جمل، طلحه و زبیر را به قتل رساندند، حال آنکه در صفین، معاویه شخصا حضور داشت و فرمانده آنان بود.(1)

35. الاختصاص: علی بن ابراهیم جعفریّ از مسلم که غلام امام کاظم علیه السلام بود روایت کرده که گفت: مردی از امام پرسید: تُرکها بهترند یا اینان؟ امام فرمود: آیا هنگامی که که به ترکها میرسید شما را در پرداختن به امور دینی آزاد میگذارند؟ گفتم: فدایت شوم آری، امام فرمود: آیا اینان شما را در پرداختن به امور دینی آزاد میگذارند؟ گفتم: خیر، بلکه سعی در کشتن ما دارند، امام فرمود: پس اگر آنها (ترکها) به پیکار با اینان همّت گماردند، همراهشان بجنگید یا بر علیه اینان یاریشان دهید، شکّ موجود در عبارت پایانی از جانب (غلام) امام کاظم علیه السلام بوده است.(2)

36. کتاب صفین لنصربن مزاحم: زید بن وهب روایت کرده است: هنگامی که امام علی علیه السلام در روز صفین مشاهده نمود که سپاهیانش به اماکن خود بازگشته و رویارویی خود با سپاه دشمن را از سرگرفتهاند تا جایی که آنان را در اماکن و مراکزشان هدف قرار دادهاند، به سوی سپاهیان خویش آمد تا به آنان رسید، پس فرمود: همانا از جای کنده شدن و فرار شما از صفها را دیدم، فرومایگان گمنام و بیابان نشینانی از شام شما را پس میراندند، در حالی که شما از بزرگان و سرشناسان عرب و قلّههای سرفراز و بلند قامت هستید و تاریکی شب را با تلاوت قرآن آباد و روشن میگردانید و اهل دعوت به سوی حق هستید آنگاه که گناه کاران دچار گمراهی میشوند، اگر پس از پُشت کردن به سپاهیان دشمن به

1- . رجال الکشی: 190
2- . الاختصاص: 261

رویارویی با آنان بر نمیگشتید و بعد از گریختن بر آنان نمیتاختید، مجازات کسی که در روز نبرد به سپاهیان دشمن پشت میکند و از میدان نبرد میگریزد بر شما واجب میشد و طبق مشاهدات من از جمله هلاک شدگان میبودید، سرانجام قسمتی از غم و اندوهم سبک گشت و سوزش سینهام تسکین یافت آنگاه که دیدم سپاهیان شام را در هم شکستید و آنان را از لشکرگاه خود کنار زدید، آنگونه که آنان شما را در هم شکسته و از لشکرگاهتان کنار زدند، میدیدم که آنان را با شمشیرهای خود هدف قرار میدادید و از جایگاهشان میراندید تا جایی که مانند شتران سرگردان رانده شده از آبشخور بر دوش هم سوار میشدند، پس اکنون صبر پیشه سازید که آرامش بر شما نازل شده و خداوند با یقین، ثابت قدمتان خواهد گرداند، انسان شکست خورده باید بداند که مورد خشم و غضب پروردگارش قرار گرفته و خود را هلاک گردانده است، گریختن از میدان نبرد باعث نزول خشم و غضب خداوند، ذلّت و خواری پایدار و فساد و تباهی معیشت خواهد شد، گریخته از میدان نبرد را توان افزایش طول عمر نیست و رضایت پروردگارش را کسب نخواهد کرد، پس مرگ انسان قبل از گرفتار شدن به خصوصیات مذکور بهتر از رضایت دادن به اتصاف به این صفات و اذعان به آنهاست.(1)

1- . وقعه صفین: 289

باب سوم : احکام جهاد و نیز ذکر قسمتی از مطالب مذکور در باب سابق

آیات:

-

وَأَنْفِقُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَهِ.(1)

{و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید }.

- وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَیْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ* فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ.(2)

- {و هنگامی که با جالوت و سپاهیانش روبرو شدند گفتند پروردگارا بر [دلهای] ما شکیبایی فرو ریز و گامهای ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای، پس آنان را به اذن خدا شکست دادند }.

- وَلِبَاسُ التَّقْوَی ذَلِکَ خَیْرٌ.(3)

{ و[لی] بهترین جامه [لباس] تقوا است }.

- یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا لَقِیتُمُ الَّذِینَ کَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ* وَمَنْ یُوَلِّهِمْ یَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَیِّزًا إِلَی فِئَهٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ.(4)

{ای کسانی که ایمان آورده اید هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می آورند به آنان پشت مکنید، و هر که در آن هنگام

1- . بقره / 195
2- . بقره / 250 و 251
3- . اعراف / 26
4- . انفال / 15 و 16

به آنان پشت کند مگر آنکه [هدفش] کناره گیری برای نبردی [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از همرزمانش] باشد قطعا به خشم خدا گرفتار خواهد شد و جایگاهش دوزخ است و چه بد سرانجامی است }.

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ* وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید چون با گروهی برخورد می کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است }.

- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ* الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ* مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (2)

{ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره می شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می گردند چرا که آنان قومی اند که نمی فهمند، اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبا باشند بر دویست تن پیروز گردند و اگر از شما هزار تن باشند به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند و خدا با شکیبایان است، هیچ پیامبری را سزاوار نیست که [برای اخذ سربها از دشمنان] اسیرانی بگیرد تا در زمین به طور کامل از آنان کشتار کند

1- . انفال / 45 و 46
2- . انفال / 65 - 67

شما متاع دنیا را می خواهید و خدا آخرت را می خواهد و خدا شکست ناپذیر حکیم است }.

- یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِمَنْ فِی أَیْدِیکُمْ مِنَ الْأَسْرَی إِنْ یَعْلَمِ اللَّهُ فِی قُلُوبِکُمْ خَیْرًا یُؤْتِکُمْ خَیْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْکُمْ وَیَغْفِرْ لَکُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ.(1)

{ای پیامبر به کسانی که در دست شما اسیرند بگو اگر خدا در دلهای شما خیری سراغ داشته باشد بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما عطا می کند و بر شما می بخشاید و خدا آمرزنده مهربان است }.

- وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً.(2)

{و اگر [به راستی] اراده بیرون رفتن داشتند قطعا برای آن ساز و برگی تدارک می دیدند }.

- لَیْسَ عَلَی الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَی الْمَرْضَی وَلَا عَلَی الَّذِینَ لَا یَجِدُونَ مَا یُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَی الْمُحْسِنِینَ مِنْ سَبِیلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ* وَلَا عَلَی الَّذِینَ إِذَا مَا أَتَوْکَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُکُمْ عَلَیْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْیُنُهُمْ تَفِیضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا یَجِدُوا مَا یُنْفِقُونَ* إِنَّمَا السَّبِیلُ عَلَی الَّذِینَ یَسْتَأْذِنُونَکَ وَهُمْ أَغْنِیَاءُ رَضُوا بِأَنْ یَکُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَی قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ.(3)

{بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند هیچ گناهی نیست [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست و خدا آمرزنده مهربان است، و [نیز] گناهی نیست بر کسانی که چون پیش تو آمدند تا سوارشان کنی [و] گفتی چیزی پیدا نمی کنم تا بر آن سوارتان کنم برگشتند و در اثر اندوه از چشمانشان اشک فرو می ریخت که [چرا] چیزی نمی یابند تا [در راه جهاد] خرج کنند، ایراد فقط بر کسانی است که با اینکه توانگرند از تو اجازه [ترک جهاد] می خواهند [و به این] راضی شده اند که با خانه نشینان باشند و خدا بر دلهایشان مهر نهاد در نتیجه آنان نمی فهمند }.

1- . انفال / 70

2- . توبه / 46
3- . توبه / 91 - 93

- وَسَرَابِیلَ تَقِیکُمْ بَأْسَکُمْ.(1)

{و تن پوشها [=زره ها]یی که شما را در جنگتان حمایت می نماید}.

- وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَهَ لَبُوسٍ لَکُمْ لِتُحْصِنَکُمْ مِنْ بَأْسِکُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاکِرُونَ.(2)

{و به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند پس آیا شما سپاسگزارید}.

- فَإِذَا لَقِیتُمُ الَّذِینَ کَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّی إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّی تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِکَ وَلَوْ یَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ.(3)

{پس چون با کسانی که کفر ورزیده اند برخورد کنید گردنها[یشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیه [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور خدا] و اگر خدا می خواست از ایشان انتقام می کشید}.

- لَیْسَ عَلَی الْأَعْمَی حَرَجٌ وَلَا عَلَی الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَی الْمَرِیضِ حَرَجٌ.(4)

{بر نابینا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند]}.

روایات:

1. تفسیر علی بن ابراهیم: در تفسیر آیه: «یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَی الْقِتَالِ إِن یَکُن مِّنکُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ وَ إِن یَکُن مِّنکُم مِّائَهٌ یَغْلِبُوا أَلْفًا» {ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره می شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می گردند} گفته است: این حُکم مربوط به اوایل نبوّت بوده و در مورد

-1 . نحل / 81

2- . انبياء / 80
3- . محمد / 4
4- . فتح / 17

اصحاب رسول خدا صلّی الله علیه و آله صادر شده است، به این ترتیب که بر یک مسلمان واجب بود با ده نفر از کافران به مبارزه بپردازد و اگر میگریخت و به آنان پشت میکرد، به منزله گریز از میدان نبرد بود، همچنین بر صد نفر از مسلمانان واجب بود که با هزار نفر از کافران پیکار کنند، سپس خداوند متعال پی برد که در آنان ضعف وجود دارد و توانایی انجام چنین کاری را ندارند، پس این آیه را نازل فرمود: «الْآنَ خَفَّفَ اللَّ-هُ عَنكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ إِن يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّ-هِ وَ اللَّ-هُ مَعَ الصَّابِرِينَ» {اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبا باشند بر دویست تن پیروز گردند و اگر از شما هزار تن باشند به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند و خدا با شکیبایان است}، بنابراین خداوند متعال بر مسلمانان واجب گرداند که هر یک از آنان با دو نفر از کفّار مبارزه کند، و اگر از مقابله با آن دو نفر بگریزد به منزله فرار از میدان نبرد خواهد بود، امّا اگر تعداد کافران سه نفر باشد و یک نفر از مسلمانان از مقابله و پیکار با آنان بگریزد، گریز از میدان نبرد محسوب نمیشود.(1)

میگویم: نظیر آنچه در تفسیر علی بن ابراهیم ذکر شد، در تفسیر نعمانی از امام علی علیه السلام روایت شده است، سپس امام فرموده است: آیه «و قولوا للناس حُسنا» که منظور یهودیانی میباشد که پیامبر صلّی الله علیه و آله با آنان مصالحه و آشتی نمود، نسخ شده است، و آنگاه که پیامبر از غزوه تبوک بازگشت خداوند آیه «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّ-هِ» تا «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ» را نازل فرمود و مصالحه بین پیامبر و یهودیان با این آیه نسخ شد.

2. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: فرستادگان و گروگانها در جنگ نباید کشته شوند.(2)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم: 256
2- . قرب الإسناد: 62

3. قرب الإسناد: از امام علی علیه السلام درباره دریافت مزد به هنگام جنگ سؤال شد، امام در پاسخ فرمود: اشکالی ندارد که شخصی در دفاع از شخص دیگر به جهاد و پیکار بپردازد و از او مزد دریافت کند.(1)

4. قرب الإسناد: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: جنگ خدعه و نیرنگ است؛ وقتی حدیثی از احادیث رسول خدا صلّی الله علیه و آله را برای شما روایت کنم، پس سوگند به خدا اگر از آسمان فرو افتم یا پرنده مرا برباید، نزد من محبوبتر از آن است که حدیثی را به دروغ به رسول خدا صلّی الله علیه و آله نسبت دهم؛ همچنین اگر از جانب خویش برای شما سخن بگویم خواهم گفت: جنگ، خدعه و نیرنگ است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله را خبر رسید که بنی قریظه به ابوسفیان خبر داده اند: آنگاه که شما و محمّد صلی الله علیه و آله در میدان نبرد رویاروی گشتید، یاور و پشتیبانتان خواهیم بود؛ آنگاه رسول خدا صلّی الله علیه و آله به پا خاست و ما را مورد خطاب قرار داد و فرمود: بنی قریظه به ما نامه نوشتهاند که اگر با سپاه ابوسفیان رویاروی گردیم یاری و پشتیبانمان خواهند بود، این سخن به ابوسفیان رسید، پس گفت: یهودیان خیانت کردند، آنان را ترک گویید.(2)

5. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله در آن هنگام (بعد از جنگ با بنی قریظه) یهودیان بنی قریظه را بر اساس موی پشت زهار پیش آورد، پس هر یک از آنان را که بر پشت زهارش موی روییده بود (به سنّ بلوغ رسیده بود) به قتل رساند و هر یک که به سنّ بلوغ نرسیده بود را به اسیران ملحق کرد.(3)

6. الخصال: امام صادق علیه السلام فرموده است: نجده حروریّ در نامهای به ابن عباس رضیالله عنه از وی چهار سؤال پرسید: آیا رسول خدا صلّی الله علیه و آله زنان را مجبور به جهاد میکرد و آیا چیزی را بین آنان تقسیم مینمود؟ خُمس به

1- . قرب الإسناد: 62
2- . قرب الإسناد: 62
3- . قرب الإسناد: 63

چه کسانی تعلّق دارد؟ یتیم بودنِ یتیم چه زمانی به پایان میرسد؟ آیا اسیران به قتل رسانده میشوند؟

ابن عباس رضیالله عنه در پاسخ وی نوشت: اما سؤال تو در مورد زنان، پاسخش آنست که رسول خدا صلّی الله علیه و آله قسمتی از غنائم جنگی را به آنان میبخشید و چیزی را میان آنان تقسیم نمینمود؛ در مورد خُمس چنین میپنداریم که متعلّق به ما اهل بیت است و گروهی چنین میپندارند که ما سهمی از آن نداریم، پس صبر پیشه ساختیم؛ امّا یتیم بودن یتیم زمانی پایان میپذیرد که به سن بلوغ و احتلام رسیده باشد مگر آنکه از او درک و شعور کافی احساس نشود، که در این حالت یتیم، سفیه یا ضعیفی است که ولیّ او نگاهش میدارد، امّا رسول خدا صلّی الله علیه و آله اسیران را به قتل نمیرساند ولی خضر علیه السلام اسیران کافر را به قتل میرساند و اسیران مؤمن را رها میکرد، تو نیز اگر آنچه خضر در مورد آنان میدانست را میدانی، پس آگاهتری.(1)

7. أمالی الطوسی: از پیامبر صلّی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: هر عهد و پیمانی که در زمان جاهلیت بوده است اسلام آن را تقویت کرد و عهد و پیمانی در اسلام نیست(2)، چرا که مسلمانان علیه غیر مسلمانان متحد هستند، به طوری که اگر دورترین آنان به غیر مسلمانان امان دهد، نزدیکترین مسلمان به بلاد کفر، آن امان را رعایت میکند. جنگجویان مسلمان، غنایم را با کسانی که در خانه نشستهاند تقسیم میکنند. انسان مؤمن به خاطر انسان کافر کشته نمیشود؛ چرا که دیه کافر نصف دیه مومن است وجلَب و جنَب در اسلام نیست(3) و صدقههای آنها فقط در خانههایشان گرفته میشود. .(4)

1- . الخصال 1 : 160
2- . در کتاب النهایه آمده است که : مراد از آن عقد و پیمانهایی است که در زمان جاهلیت برای فتنه و جنگ و غارت با هم میبستند و از این جهت در اسلام از آن نهی شده است و پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلم میفرماید: لا حلف فی الاسلام. (هیچ عهد و پیمانی در اسلام نیست)
3- . «جلب» در زکات این است که گیرنده صدقه در میان قوم نیاید، بلکه در مکانی نزدیک آنان مستقرّ شود و کسی را بفرستد تا صدقات را بگیرد و نزد او آورد. «جنب» در زکات، یعنی شخص در نقاط دوری از محلّ

سکونت مردمی که صدقه می پردازند، اطراق کند، بعد دستور دهد اموال را نزد او ببرند، که این کار هم نهی شده است. برخی گفته اند این دو واژه به معنای نوعی نیرنگ در شرطبندی است. به معانی الأخبار ص 274 مراجعه کنید.

4- . أمالی الطوسی1 : 269

8. أمالی الطوسی: از عطیّه که مردی از بنی قریظه بود روایت شده که گفت: رسول خدا صلّی الله علیه و آله از اسیران ما دیدن کرد و هر کسی که مرکبی داشت که بر آن سوار شود را به قتل رساند و هر کسی که مرکبی نداشت را رها ساخت، من مرکبی نداشتم پس رهایم ساخت.(1)

9. قرب الإسناد: از حنّان روایت شده است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: جبرئیل امین خبر وفات پیامبر صلّی الله علیه و آله را به وی داد حال آنکه سالم بود و هیچ بیماریای نداشت، پس پیامبر ندای اقامه نماز سر داد تا مردم جمع گردند، و مهاجرین و انصار را با سلاحهایشان فراخواند، آنگاه مردم گرد آمدند و پیامبر بالای منبر رفت و پس از حمد و ستایش خداوند خبر وفات خود را به ایشان داد و فرمود: خداوند را به سرپرستِ بعد از خود بر امّتم یاد آوری میکنم که از بی رحم بودن نسبت به گروه مسلمانان بر حذر باشد، پس بزرگ آنان را گرامی دارد و به صغیرشان رحم کند، علمای آنان را بزرگ شمارد و باعث ضرر و زیان امّت نشود که ذلیلشان گرداند و آنان را کوچک نشمارد که سبب کفرشان گردد، و درگاه خود را به روی آنان نبندد که به علّت آن توانگران، ضعیفان را از بین ببرند، و مردم را در مرزهای سرزمینشان گرد نیاورد که باعث از میان رفتن نسل امّتم شود، سپس فرمود: خداوندا، من پیام خویش را ابلاغ نموده و به پند و نصیحت پرداختم؛ امام صادق علیه السلام فرمود: این آخرین کلامی بود که رسول خدا صلّی الله علیه و آله بر بالای منبر ایراد فرمود.(2)

10. قرب الإسناد: امام جعفر صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که امام علی علیه السلام به امیران لشکرها چنین مینوشت: شما را در مورد کشاورزان به خدا سوگند میدهم که مبادا از جانب شما مورد ظلم و ستم قرار گیرند.(3)

1- . امالی الطوسی 2 : 5

2- . قرب الإسناد: 48

3- . قرب الإسناد: 65

11. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که امام علی علیه السلام فرمود: اطعام اسیر و نیکی کردن به او، حقیّ واجب است اگرچه قرار باشد فردا او را بکشی.(1)

12. قرب الإسناد: علی از برادرش علیه السلام درباره مردی سؤال پرسید که برده مشرکی را در سرزمین شرک خریداری میکند، آنگاه برده میگوید: توانایی راه رفتن ندارم؛ و مسلمانان نیز بیم آن دارند که برده به مشرکان ملحق شود، آیا کشتن او جایز است؟ امام فرمود: اگر چنین بیمی وجود داشته باشد کُشتن او جایز است.(2)

13. علل الشرایع: از علی بن حسین علیهما السلام روایت شده که فرمود: اگر کسی را به اسارت گرفتی و او از راه رفتن عاجز شد و تو نیز مرکبی همراه نداشتی، او را آزاد کن و به قتل نرسان، چرا که از حُکم امام در مورد او بی خبر هستی؛ همچنین فرموده است: آنگاه که اسیر به دین اسلام درآید، خونش ریخته نخواهد شد و جزء غنائم است.(3)

14. تفسیر علی بن ابراهیم: آیه «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَ اللَّ-هُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» {و کسانی که ایمان آورده اند ولی مهاجرت نکرده اند هیچ گونه خویشاوندی [دینی] با شما ندارند مگر آنکه [در راه خدا] هجرت کنند و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند یاری آنان بر شما [واجب] است مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست}، در مورد اعراب بادیه نشین نازل شده است، به این ترتیب که رسول خدا صلّی الله علیه و آله با اعراب بادیه نشین مصالحه نمود که آنان را در سرزمینهایشان راحت بگذارد و مجبور به مهاجرت به سوی مدینه نباشند، و هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله اراده فرمود آنان را به میدان نبرد بفرستد و سهمی از غنیمت نداشته باشند، اعراب بادیه نشین نیز از پیامبر

1- . قرب الإسناد: 42
2- . قرب الإسناد: 113
3- . علل الشرایع: 565

صلی الله علیه و آله خواستند اگر قبایل بادیه نشین دیگر قصد حمله به آنان را داشتند و یا به مصیبتی از جانب دشمنانشان گرفتار آمدند پیامبر آنان را یاری دهد، مگر آنکه آن قبایل از جمله قبایلی باشند که میان آنان و پیامبر عهد و میثاقی زماندار برقرار است.(1)

15. الخصال: امام علی علیه السلام فرموده است: تعرّبی پس از هجرت(2) و هجرتی پس از فتح مکه وجود ندارد.(3)

16. تفسیر العیاشی: حسین بن صالح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که امام علی علیه السلام میفرمود: هر کسی که از رویارویی با دو نفر از دشمنان در میدان نبرد بگریزد، از میدان نبرد گریخته است؛ ولی هر کسی که از رویارویی با سه نفر از دشمنان بگریزد، برای او فرار از میدان نبرد محسوب نمیشود.(4)

17. نوادر الراوندی: امام صادق از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که امام حسن بن علی علیهما السلام میفرمود: امام علی علیه السلام شخصاً در میدان نبرد به پیکار میپرداخت و لباسها و سلاح کشتهشدگان را از تن آنان در نمیآورد.(5)

18. با همین سند امام علی علیه السلام فرموده است: ابودجانه انصاری عمّامه بر سر نهاد و گوشه آن را از پشت سر و میان دو کتف خویش آویزان کرد، سپس متکبرانه و با غرور در بین دو صف میدان نبرد شروع به راه رفتن کرد، پس پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: این، راه رفتنی است که خداوند متعال جز در میدان نبرد از آن بیزار است.(6)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم: 256، آیه از سوره انفال / 72 است.
2- . تعرب بعد از هجرت در صدر اسلام نسبت به کسانی بوده که از مکه و آبادیهای دیگر کفرنشین به مدینه و مرکز اسلام هجرت نموده بودند، که برگشتن آنها یا مسلمین دیگر را به بلاد کفر تعرب بعد از هجرت می گفتند و یکی از گناهان کبیره و به منزله ارتداد بوده است.
3- . الخصال 2 : 413
4- . تفسیر العیّاشی 2 : 68
5- . نوادرالراوندی: 20

6- . نوادر الراوندی: 20

19. امام علی علیه السلام فرموده است: هنگامی که رسول خدا صلّی الله علیه و آله مرا به سوی یمن فرستاد، فرمود: ای علی، با کسی پیکار مکن مگر آنکه پیشتر او را به اسلام دعوت کرده باشی، سوگند به خدا که هدایت یافتن یک شخص به وسیله تو، در حالی که دوستی و ولایتت را برگزیده است، برای تو از هر چیزی که خورشید بر آن طلوع میکند بهتر است.(1)

20. رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است: مرکب امیر قوم باید کُندترین مرکبها باشد.(2)

21. امام علی علیه السلام فرموده است: رسول خدا صلّی الله علیه و آله سپاهی را به سوی قبیله خثعم فرستاد، هنگامی که سپاه اسلام مردان آن قبیله را محاصره کرد آنان به سجده در افتادند، ولی برخی از آنان در آن حال نیز کشته شدند، این خبر به رسول خدا صلّی الله علیه و آله رسید، پس فرمود: نصف دیه کشته شدگان به خاطر سجدهای که گزاردهاند به ورثه آنان تعلق میگیرد. سپس فرمود: من از هر مسلمانی که در سرزمین جنگ با مشرکی از مشرکان هم نشینی کند بری هستم.(3)

22. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: در جنگ کسی را به قتل نرسانید مگر آنکه تیغ اصلاح بر او مرور کرده باشد.(4)

23. همچنین فرموده است: هر که به خاطر چیزی اسلام آورده باشد، آن چیز متعلّق به او است.(5)

24. رسول خدا صلّی الله علیه و آله سپاهی را به فرماندهی کسی غیر از خود به جایی فرستاد و به آنان فرمود: باید شعار شما «حم لاینصرون: حم، دشمنان پیروز نمیشوند» باشد، چرا که این، اسمی از اسمهای عظیم خداوند است.(6)

1- . نوادر الراوندی: 20
2- . نوادر الراوندی: 23
3- . نوادر الراوندی:23

4- . نوادر الراوندی: 23. این تعبیر کنایه از بلوغ افراد است. یعنی کسانی که موی عانه دارند که با تیغ اصلاح می شود.
5- . در نسخه چاپی نوادر این حدیث را نیافتیم.
6- . نوادر الراوندی: 23

25. امام علی علیه السلام فرموده است: شعار رسول خدا صلّی الله علیه و آله در غزوه بدر (یا منصور، أَمِت: ای یاری شده، بمیران) بود، و شعار در غزوه احد برای مهاجرین: (یا بنی عبدالله)، برای خزرجیان: (یا بنی عبدالرحمن) و برای أوسیان: (یا بنی عبیدالله) بود.(1)

26. امام علی علیه السلام فرموده است: گروهی از مردم از (مزینه) نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله آمدند، پس به آنان فرمود: شعار شما چیست؟ گفتند: (حرام)، پیامبر فرمود: بلکه شعار شما باید (حلال) باشد.(2)

27. امام علی علیه السلام فرموده است: شعار اصحاب رسول خدا صلّی الله علیه و آله در روز پیکار با مسیلمه: (یا أصحاب البقره: ای یاوران گاو) و شعار مسلمانان در همراهی با خالد بن ولید: (أَمِت أَمِت: بمیران بمیران) بود.(3)

28. رسول خدا صلّی الله علیه و آله در غزوه (ذات السّلاسل) سی اسب را همراه امام علی علیه السلام روانه کرد و فرمود: ای علی! برای تو آیه ای را که در باره «نفقه اسب» است می خوانم: «الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً» {آنان که اموال خود را شب وروز وبه صورت پنهانی و آشکارا میبخشند}. این نفقه بر اسب است، که به طور پنهان و آشکار صورت می گیرد.(4)

29. کتاب صفین: از یزید بن وهب روایت شده که امام علی علیه السلام در جنگ صفین فرمود: تا چه زمان همه ما در راه به خیزش در آودن قوم تلاش نمیکنیم؟ سپس امام در شامگاه سه شنبه و شب چهار شنبه بعد از عصر و به قصد خواندن خطبه برخاست و فرمود: سپاس مخصوص خداوندی است که آنچه را نقض کرده اصلاح نمیگرداند، و سخن را پی گرفته تا آنجا که فرمود: هان که فردا دشمن را ملاقات کنید، إن شاء الله، پس در این شب قیام را طولانی گردانید، بسیار به

1- . نوادر الراوندی: 23
2- . نوادر الراوندی: 23
3- . نوادر الراوندی: 33

4- . نوادر الراوندی: 33

تلاوت قرآن بپردازید، از خداوند درخواست صبر و پیروزی کنید، با جدّیت و دوراندیشی با دشمنان رویاروی شوید و از جمله صادقین باشید، آنگاه امام به مکان خویش بازگشت و مردم نیز به سوی شمشیرها، نیزهها و تیرهایشان هجوم آورده و به اصلاح آنها پرداختند.(1)

30. روایت شده که امام علی علیه السلام در ایّام عادّی بر استر خویش سوار میشد و سوار شدن بر آن را میپسندید، ولی هنگام وقوع جنگ فرمود: اسبی برای من حاضر گردانید؛ پس اسب سیاه رنگی برای امام حاضر کردند که با دو طناب افسار شده بود، با دو دستش به کند و کاو در تمام زمین میپرداخت و دارای صدا و شیهه غرّایی بود، امام بر آن سوار شد و فرمود: «سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنّا له مقرنین و لا حول و لا قوّه الا بالله العلی العظیم: {پاک و منزه است خداوندی که این مرکب را برای ما مسخّر گردانده و اگر قدرت خداوند نبود ما توانایی به زیر کشیدنش را نداشتیم، و نیست توان و قدرتی مگر به واسطه خدای بلند مرتبه بزرگوار}.(2)

31. از تمیم روایت شده است: امام علی علیه السلام هنگام رفتن به سوی پیکار و سوار شدن بر مرکب خویش، اسم خداوند را به زبان آورده و میفرمود: سپاس و ستایش مخصوص خداوند است به خاطر ارزانی داشتن نعمتهایش بر ما و فضل و بخشش بزرگوارانهاش، پاک و منزّه است خداوندی که این مرکب را برای ما مسخّر گردانده و اگر قدرت خداوند نبود ما توانایی به زیر کشیدنش را نداشتیم و به راستی که بازگشت ما به سوی پروردگارمان است؛ آنگاه رو به قبله ایستاده و دستانش را بلند کرده و میفرمود: خداوندا، گامها در راه تو به حرکت در میآیند، بدنها در خدمت تو به رنج افکنده میشوند، قلبها به سوی تو متمایل شده و دستها به درگاه تو بلند میشوند و چشمها به آستان تو خیره میگردند، پروردگارا، میان ما و دشمنانمان به حقّ داوری فرما که تو از بهترین داورانی، سپس میفرمود: براساس برکت خداوند به راه افتید، الله اکبر، الله اکبر، لا إله إلّا الله و الله اکبر، یا أحد

1- . وقعه صفین: 252 و 253
2- . وقعه صفین: 258

یا صمد، ای پروردگار محمد، شرّ ستمکاران را از ما دور گردان، سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است، پروردگاری که بخشایشگر و مهربان است و صاحب روز جزا است، پروردگارا، تنها تو را میپرستیم و از تو طلب کمک مینماییم، بسم الله الرحمن الرحیم لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم؛ این شعار امام علی علیه السلام در جنگ صفین بود.(1)

32. از أصبغ روایت شده که امام علی علیه السلام در هیچ پیکاری شرکت نمیکرد مگر آنکه ندا سر میداد: (یا کهیعص).(2)

33. روایت شده که امام علی علیه السلام در روز جنگ صفین میفرمود: خداوندا، دیدهها به آستان تو خیره، دستها به درگاه تو گشوده، زبانها در محضر تو دعا خوان، قلبها به سوی تو متمایل و گامها در راه تو به حرکت درمیآیند، تنها تویی که حاکم بر اعمال هستی، پس میان ما و دشمنان به حق داوری کن که تو بهترین داوران هستی؛ خداوندا، ما از غیبت پیامبرمان، قلّت عدد خویش و کثرت عدد دشمنان، پراکندگی خواستههایمان، سختی زمانه و ظهور فتنهها، به درگاه تو شکایت میکنیم، خداوندا، ما را با گشایشی سریع و پیروزیای که به واسطه آن سلطان حقّ را عزّت بخشیده و آشکار میگردانی در مقابل مشکلات یاری برسان.(3)

34. روایت شده که امام علی علیه السلام هرگاه قصد رفتن به میدان نبرد داشت، بر مرکب خویش مینشست و میفرمود: سپاس و ستایش مخصوص خداوند است به خاطر ارزانی داشتن نعمتهایش بر ما و فضل و بخشش بزرگوارانهاش، پاک و منزه است خداوندی که این مرکب را برای ما مسخّر گردانده و اگر قدرت او نبود ما توانایی به زیر کشیدنش را نداشتیم و به راستی که بازگشت ما به سوی پروردگارمان میباشد؛ آنگاه مرکب خویش را رو به قبله قرار میداد و دستهایش را به سوی آسمان بلند کرده و میفرمود: خداوندا، به سوی تو قدم ها جابهجا میگردد، قلبها متمایل، دستها بلند و دیدهگان خیره میشود؛ خداوندا، ما از غیبت

1- . وقعه صفین: 259
2- . وقعه صفین: 259
3- . وقعه صفین: 259

پیامبرمان در میان خویش، کثرت دشمنان و پراکندگی خواستههایمان به درگاه تو شکایت میکنیم، پروردگارا، میان ما و دشمنانمان به حقّ داوری فرما که تو بهترین داوران هستی، بر اساس برکت خداوند به پیش حرکت کنید؛ به خدا سوگند پس از این سخنان، پیروان امام و آنان که از وی کناره گرفته بودند وارد میدان کارزار و مرگ میشدند.(1)

35. از امام علی علیه السلام روایت شده که در تفسیر آیه «و ألزمهم کلمه التقوی» فرمود: منظور از «کلمه التقوی»، «لا إله إلّا الله» و «الله أکبر» میباشد و این آیه، آیه پیروزی است.(2)

36. از زید بن علی روایت شده که امام علی علیه السلام در روز صفین به سوی آنان خارج شد و به استقبالش آمدند، پس امام دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود:

خداوندا، ای پروردگار آسمان محفوظ و نگاه داشته شده که آن را زمینه پیدایش شب و روز، مکان جریان یافتن ماه و خورشید و منزل سیّاره و ستارگان قرار دادهای، و ساکنان آن گروهی از فرشتگانی هستند که از عبادت تو خسته نمیگردند؛ ای پروردگار این زمین که آن را جایگاه سکونت انسانها، حشرات، چهارپایان و پدیدههای دیدنی و نادیدنی غیر قابل شمارش مخلوقات عظیم خود قرار دادهای، ای پروردگار کشتیِ به جریان درآمده در دریا که باعث کسب منفعت میگردد، ای پروردگار ابرهای به خدمت گرفته شده در میان آسمان و زمین، ای پروردگار دریای خروشان که جهانیان را در برگرفته است، و ای پروردگار کوههای بلند و پا بر جا که آن را برای زمین مانند میخهای محکم و برای مخلوقات تکیهگاهی مطمئن قرار دادهای، اگر بر دشمن پیروزمان ساختی، ما را از تجاوز برکنار دار

1- . وقعه صفین: 260
2- . در نسخه چاپ مصر این حدیث را نیافتیم و در نسخه چاپ قدیم ایران آن را در صفحه 119 یافتیم.

و بر راه حق استوار فرما، و چنانچه آنها را بر ما پیروز گرداندی، شهادت را نصیبمان گردان و بقیه یارانم را از فتنه محافظت بفرما.(1)

37. از عمر بن سعد روایت شده که گفت: در جنگ صفین مردی از اهل شام حضور داشت که أصبغ بن ضرار نامیده میشد و پیش قراول سپاه و مسلّح بود، پس امام علی علیه السلام مالک اشتر را علیه او فرا خواند، مالک نیز أصبغ را به اسارت گرفت بدون اینکه او را به قتل برساند، چرا که امام علی علیه السلام از به قتل رساندن افرادی که دست از جنگ کشیده (سلاح بر زمین گذاشته بودند) منع میفرمود، پس مالک اشتر شبانگاه نزد أصبغ آمد و محکم او را بست و او را با یارانش در زندان افکند تا صبح شود. از قضا أصبغ شاعر سخنوری بود و از کشته شدن خود اطمینان حاصل کرده بود، و هنگامی که یارانش در خواب بودند صدایش را بالا برد و ابیاتی را که أصبغ در آن به شرح حال خود پرداخته و طلب رحم و عطوفت میکرد به مالک اشتر شنواند. مالک صبحگاهان أصبغ را نزد امام علی علیه السلام آورد و گفت: ای امیر المؤمنین، این مرد از دیدبانان دشمن است که دیروز او را اسیر نمودم. به خدا سوگند اگر یقین حاصل میکردم که قتل او حقّ است، به قتلش میرساندم، این مرد، شب را نزد ما به صبح رسانید و با شعرش ما را تحریک نمود (دلمان را به رحم آورد)، پس اگر سزاوار قتل است به قتلش برسان هرچند ما را خوش نیاید، و اگر اختیارش در دست شماست او را به ما ببخشید. امام فرمود: ای مالک، أصبغ از آنِ تو باد، ولی آنگاه که کسی را به اسارت گرفتی، از کشتن او صرف نظر کن، چرا که از اسیران اهل قبله (مسلمان) نه فدیه دریافت میشود و نه کشته میشوند، پس مالک، أصبغ را به منزلش رسانید و گفت: بیا این تمام چیزهایی است که همراهت ضبط نمودهایم و غیر از آن چیزی نزد ما نداری.(2)

38. از عمیر انصاری روایت شده که گفت: به خدا سوگند، گویا هم اکنون آوای علی علیه السلام را به روز هریر، آنگاه که بر شامیان می تاخت، می شنوم و این پس از آن بود که گردونه پیکار مذحجیان با «عک» و «لخم» و «جذام» و اشعریان

1- . وقعه صفین:261
2- . وقعه صفین: 534

به گردش در آمد و از سپیده سحر تا نیمروز به شدّت تمام و کیفیّتی که از فرط دشواری و گستردگی، موی آدمی را سپید می کرد به درازا کشید. آنگاه علی علیه السلام برخاست و گفت: تا کی این دو قبیله را به هم واگذاریم؟ اینان نابود شدند و شما همچنان ایستاده اید و به ایشان می نگرید! آیا از سرزنش خدا نمی هراسید؟ سپس رو به جانب قبله کرد و دست دعا به درگاه خدا برداشت و به بانگ رسا گفت: «ای خداوند، ای مهربان، [ای بخشاینده]، ای یکتا، [ای یگانه]، ای بی نیاز، ای خدای محمد، بار الها، گامها به سوی تو پی سپارد و دلها برای تو در سینه ها تپد و دستها به درگاه تو بر آید و گردنها به سوی تو کشیده شود و دیدگان به تو دوخته آید و نیازها همه از تو درخواست شود. [بارالها] ما از فقدان پیامبرمان صلی اللّه علیه، و فزونی دشمنان و پراکندگی آرزوها و آرمانمان به تو شکایت می کنیم. پروردگارا، تو در نزاع بین ما و قوم ما به حق داوری کن (و ما را فاتح گردان) که تو بهترین داورانی. به برکت و فضل خدا پیش روید.». سپس امام ندا سر داد: لا إله إلا الله و الله اکبر، این کلمه تقواست.(1)

میگویم: این حدیث به صورت کامل در باب الفتن ذکر شده است.

39. کتاب صفین: روایت شده است علی علیه السلام به روز صفّین اسیرانی را گرفتار کرد، ولی همگی را آزاد فرمود که نزد معاویه بازگشتند. عمرو بن عاص پیشتر از آن درباره اسیرانی که به اسارت معاویه در آمده بودند گفته بود: ایشان را بکش. ولی وقتی معلوم شد که علی علیه السلام با اسیران ایشان چه رفتاری نموده و آنها را چگونه آزاد کرده است، معاویه گفت: ای عمرو اگر درباره این اسیران گوش به گفته تو دهم به کاری زشت و ناشایست دست آلوده باشم. آیا نبینی که او اسیران ما را آزاد کرده است؟ از این رو دستور آزادی تمام کسانی را که از سپاه علی علیه السلام به اسارت گرفته بود صادر کرد. علی علیه السلام چون از سپاه شام اسیری می گرفت او را آزاد می کرد، مگر آنکه آن اسیر، خود یکی از یاران وی را کشته بود، که در این صورت وی را به قصاص او می کشت. اما اسیری را که آزاد کرده بود و او

1- . وقعه صفین: 545

دیگر بار به معاویه پیوسته و از نو به میدان آمده و گرفتار شده بود، آزاد نمی کرد و می کشت. علی علیه السلام ضربه خلاص را به زخمیان نمی زد، و کسانی را که در صفّین به قرارگاه معاویه گریخته و پشت به میدان کرده بودند نیز نمی کشت.(1)

40. نهج البلاغه: امام علی علیه السلام فرموده است: کسی را به پیکار دعوت نکن، امّا اگر تو را به نبرد خواندند بپذیر، زیرا آغازگر پیکار، تجاوزکار و تجاوزکار، شکست خورده است.(2)

41. نهج البلاغه: هنگامی که امام علی علیه السلام در روز جنگ جمل پرچم را به دست پسرش محمّد بن حنفیّه سپرد به او فرمود: اگر کوهها از جای کنده شوند تو ثابت و استوار باش، دندانها را بر هم بفشار، جمجمه سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین میخکوب کن، و به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم بپوش و بدان که پیروزی از سوی خداوند سبحان است.(3)

42. امام علی علیه السلام فرموده است: بعد از من با خوارج نبرد نکنید، زیرا کسی که در جستجوی حقّ بوده و آن را نیافته مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و آن را یافته است؛ منظور امام از گروه دوّم، معاویه و یاران او میباشد.(4)

43. امام علی علیه السلام در یکی از روزهای جنگ صفین فرمود: ای گروه مسلمانان، لباس زیرین را ترس خدا و لباس رویین را آرامش و خونسردی قرار دهید، و دندانها را بر هم بفشارید تا مقاومت شما در برابر ضربات شمشیر بر سرتان دشمن بیشتر گردد، زره نَبَرد را کامل کنید، پیش از آنکه شمشیر را از غلاف بیرون کشید چند بار آن را تکان دهید، با گوشه چشم به دشمن بنگرید و ضربت را از چپ و راست فرود آورید، و با تیزی شمشیر بزنید، و با گام برداشتن به پیش شمشیر را به دشمن برسانید، پی در پی حمله کنید و از فرار شرم دارید، زیرا فرار در جنگ لکّه

1- . وقعه صفین: 595
2- . نهج البلاغه 3 : 204
3- . نهج البلاغه 1 : 39

4- . نهج البلاغه 1 : 103

ننگی برای نسلهای آینده و مایه آتش روز قیامت است، از شهادت خرسند باشید و به آسانی از آن استقبال کنید؛ تا پایان آنچه در کتاب الفتن ذکر شد.(1)

44. امام علی علیه السلام در حین جنگ به یاران خویش فرمود: هر کدام از شما در صحنه نبرد با دشمن، در خود شجاعت و دلاوری احساس کرد و برادرش را سست و ترسو یافت، به شکرانه این برتری باید از او دفاع کند آنگونه که از خود دفاع میکند، زیرا اگر خدا بخواهد او را چون شما دلاور و شجاع میگرداند، همانا مرگ به سرعت در جستجوی شماست، آنها که در نبرد مقاومت دارند و آنها که فرار میکنند، هیچ کدام را از چنگال مرگ رهایی نیست، و همانا گرامیترین مرگها کشته شدن در راه خداست. سوگند به آن کسی که جان پسر ابو طالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر برای من آسانتر از مرگ در بستر استراحت است.(2)

45. همچنین فرموده است: گویی شما را در برخی از حملهها و در حال فرار، ناله کنان چون گلّهای از سوسمارها میبینم که نه حقّی را باز پس می گیرید و نه ستمی را باز میدارید، اینک این شما و این راه گشوده، نجات برای کسی است که خود را به میدان افکنده و به مبارزه ادامه دهد، و هلاکت از آن کسی است که سستی ورزد.(3)

46. امام علی علیه السلام در ادامه فرموده است: زره پوشیدهها را در پیشاپیش لشکر قرار دهید و آنها که کلاهخود ندارند در پشت سر قرار گیرند؛ دندانها را در نبرد روی هم بفشارید که تأثیر ضربت شمشیر را بر سر کمتر میکند، در برابر نیزههای دشمن به خود پیچ و خم دهید که نیزهها را می لغزاند و کمتر به هدف اصابت میکند، چشمها را فروهشته دارید که بر دلیری شما میافزاید و دل را آرام میکند، صداها را آهسته و خاموش سازید که سستی را میزداید، پرچم لشکر را بالا دارید و پیرامون آن را خالی مگذارید و جز به دست دلاوران و مدافعان سرسختش مسپارید، زیرا آنان در حوادث سخت ایستادگی میکنند، از پرچمهای

1- . نهج البلاغه 1 : 110
2- . نهج البلاغه 2 : 3
3- . نهج البلاغه 2 : 4

خود بهتر پاسداری مینمایند و آن را در دل لشکر نگاه میدارند، و از هر سو، از پیش و پس و اطراف مراقب آن میباشند، نه از آن عقب میمانند که تسلیم دشمنش کنند و نه از آن پیشی میگیرند که تنها رهایش سازند، هر کسی باید برابر حریف خود بایستد و کار او را بسازد و به یاری برادر خود نیز بشتابد، و مبارزه با حریف خود را به برادر مسلمان خود وا نگذارد که او در برابر دو حریف قرار گیرد، حریف خود و حریف برادرش. به خدا سوگند، اگر از شمشیر دنیا فرار کنید از شمشیر آخرت سالم نمیمانید، شما بزرگان عرب و شرافتمندان برجستهاید، در فرار از جنگ، خشم و غضب الهی، ذلّت همیشگی و ننگ جاویدان قرار دارد، فرار کننده بر عمر خود نمیافزاید و بین خود و روز مرگش مانعی ایجاد نخواهد کرد، همانا کسی که با نشاط به سوی خدا حرکت میکند مانند تشنه کامی است که به سوی آب میرود، بهشت در زیر سایه نیزههای دلاوران است؛ تا پایان آنچه در کتاب الفتن به صورت مشروح ذکر شد.(1)

47. امام علی علیه السلام هنگامی که قصد جنگ صفیّن نمود فرمود: ای خدای آسمان بر افراشته و فضای نگاه داشته شده، که آن را زمینه پیدایش شب و روز، جریان گردش ماه و خورشید، مسیر آمد و شد ستارگان سیّار قرار دادهای، و آن را جایگاه گروهی از فرشتگانت ساختهای که از عبادت تو خسته نمیگردند، ای پروردگار این زمین که آن را جایگاه سکونت انسانها، و مکان رفت و آمد حشرات و چهارپایان و پدیدههای دیدنی و نادیدنی غیر قابل شمارش قرار دادهای، ای پروردگار کوههای بلند و پا برجا که آن را برای زمین مانند میخهای محکم و برای مخلوقات تکیه گاهی مطمئن ساختهای، اگر بر دشمن پیروزمان ساختی ما را از تجاوز بر کنار دار و بر راه حق استوار فرما، و چنانچه آنها را بر ما پیروز گرداندی شهادت را نصیبمان فرما و از شرک و فساد و فتنهها ما را نگهدار، کجایند آزاد مردانی که به حمایت مردم خویش برخیزند؟ کجایند غیور مردانی که به هنگام نزول

1- . نهج البلاغه 2 : 4 - 6

بلا و مشکلات مبارزه میکنند؟ هان مردم، ننگ و عار پشت سر شما و بهشت در پیش روی شماست.(1)

48. امام علی علیه السلام هنگام شورش یارانش پیرامون حکومت فرمود: ای مردم، همواره کار من با شما به دلخواه من بود تا آن که جنگ شما را ناتوان کرد، به خدا اگر جنگ کسانی از شما را گرفت و جمعی را باقی گذاشت، برای دشمنانتان نیز کوبندهتر بود، من دیروز امیر شما بودم، ولی امروز فرمانم میدهند، دیروز بازدارنده بودم و امروز مرا باز میدارند، شما زنده ماندن را دوست دارید و من نمیتوانم شما را به راهی که دوست ندارید اجبار کنم.(2)

49. امام علی علیه السلام هنگامی که دشمن را در میدان نبرد ملاقات میکرد میفرمود: خدایا، قلبها به سوی تو روان شده، گردنها به درگاه تو کشیده و دیدهها به آستان تو نگران، گامها در راه تو در حرکت و بدنها در خدمت تو لاغر شده است؛ خدایا، دشمنیهای پنهان آشکار و دیگهای کینه در جوش است؛ خدایا به تو شکایت میکنیم از اینکه پیامبر صلّی الله علیه و آله در میان ما نیست، و دشمنان ما فراوان و خواستههای ما پراکنده است؛ پروردگارا، بین ما و دشمنانمان به حق داوری فرما که تو بهترین داورانی.(3)

50. امام علی علیه السلام هنگام جنگ به یارانش میفرمود: عقب نشینیهایی که مقدمه هجوم دیگری است و ایستادنی که حمله در پی دارد، نگرانتان نسازد، حق شمشیرها را اداء کنید و پشت دشمن را به خاک بمالید، و برای فرو کردن نیزهها و محکمترین ضربههای شمشیر، خود را آماده کنید، صدای خود را در سینهها نگهدارید که در زدودن سستی نقش بسزایی دارد.(4)

51. کتاب الغارات: از ابن نباته روایت شده که گفت: امیر مؤمنان در یکی از خطبههایش فرمود: شخص میگوید جهاد کردهام در حالی که جهاد نکرده است، به

1- . نهج البلاغه 2 : 101
2- . نهج البلاغه 2 : 212

3- . نهج البلاغه 3 : 17
4- . نهج البلاغه 3 : 17

راستی که جهاد تنها در پرهیز از امور حرام و پیکار با دشمن معنا پیدا میکند، گروههایی از مردم به پیکار میپردازند، پس پیکار را دوست میدارند و چیزی جز ذکر خدا و اجر و پاداش اخروی طلب نمیکنند، و شخصی دیگر به حکم سرشت شجاع خویش به نبرد میپردازد و به دفاع از هر کسی بر میخیزد خواه او را بشناسد یا نشناسد، امّا از دیگر سو شخصی بنا به سرشت ترسوی خود پدر و مادرش را نیز تسلیم دشمن میکند، و جنگیدن و کشته شدن نیز مرگی از مرگهاست، و مقدار هر شخصی به اندازه آن چیزی است که به خاطرش به پیکار و نبرد میپردازد، سگ نیز در دفاع از خانوادهاش به نبرد میپردازد.

52. از مسیره روایت شده که امام علی علیه السلام فرمود: در معیّتِ هر امام پس از من به پیکار با اهل شام بپردازید.

53. مجالس شیخ: از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: جنگ، خدعه و نیرنگ است.(1)

54. العلل لمحمّد بن علی بن ابراهیم: علّت کنارهگیری پیامبر صلّی الله علیه و آله از قریش در اوایل بعثت آن بود که پیامبر، پیامبر شمشیر است و نبرد جز با گردآوری اعوان و انصار انجام نمیپذیرد، پس پیامبر از آنان کناره گرفت تا یاران و یاورانی یافت، آنگاه به پیکارشان آمد.

1- . با وجود جستجوی مکرر، این حدیث را در منبع مذکور نیافتیم.

باب چهارم : جنگ افزارها و ادوات جنگ

آیات:

- وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِکَ خَيْرٌ.(1)

{و[لی] بهترین جامه [لباس] تقوا است}.

- وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ.(2) {و تن پوشها [=زره ها]یی که شما را در جنگتان حمایت می نماید}.

- وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ.(3)

{و به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند پس آیا شما سپاسگزارید}.

- وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ* أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِی السَّرْدِ.(4)

{ و آهن را برای او نرم گردانیدیم [[که] زره های فراخ بساز و حلقه ها را درست اندازه گیری کن}.

- وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزِيزٌ.(5)

{و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است}.

1- . اعراف / 26
2- . نحل / 81
3- . انبیاء / 80
4- .[4]سبأ / 11
5- . حدید / 25

باب پنجم : عهد، امان و امثال آنها

آیات:

-

وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا.(1)

{و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارانند }

- إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا* سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَهِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا.(2)

{مگر کسانی که با گروهی که میان شما و میان آنان پیمانی است پیوند داشته باشند یا نزد شما بیایند در حالی که سینه آنان از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود به تنگ آمده باشد و اگر خدا می خواست قطعا آنان را بر شما چیره می کرد و حتما با شما می جنگیدند پس اگر از شما کناره گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است، به زودی گروهی دیگر را خواهید یافت که می خواهند از شما آسوده خاطر و از قوم خود [نیز] ایمن باشند هر بار که به فتنه بازگردانده شوند سر در آن فرو می برند پس اگر از شما کناره گیری نکردند و به شما پیشنهاد صلح نکردند و از شما

1- . بقره / 177

2- . نساء / 90 و 91

دست برنداشتند هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان آنانند که ما برای شما علیه ایشان تسلطی آشکار قرار داده ایم }.

- یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ.(1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید به قراردادها[ی خود] وفا کنید }.

- الَّذِینَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ یَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِی کُلِّ مَرَّهٍ وَهُمْ لَا یَتَّقُونَ* فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ* وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِیَانَهً فَانْبِذْ إِلَیْهِمْ عَلَی سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْخَائِنِینَ.(2)

{همانان که از ایشان پیمان گرفتی ولی هر بار پیمان خود را می شکنند و [از خدا] پروا نمی دارند، پس اگر در جنگ بر آنان دست یافتی با [عقوبت] آنان کسانی را که در پی ایشانند تارومار کن باشد که عبرت گیرند، و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سویشان بینداز [تا طرفین] به طور یکسان [بدانند که پیمان گسسته است] زیرا خدا خائنان را دوست نمی دارد }.

- وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.(3)

{و اگر به صلح گراییدند تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست }.

- وَإِنِ اسْتَنْصَرُوکُمْ فِی الدِّینِ فَعَلَیْکُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَی قَوْمٍ بَیْنَکُمْ وَبَیْنَهُمْ مِیثَاقٌ.(4)

{و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند یاری آنان بر شما [واجب] است مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است }.

-

بَرَاءَهٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَی الَّذِینَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ* فَسِیحُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَهَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِی الْکَافِرِینَ.(5)

1- . مائده / 1
2- . انفال / 56 - 58
3- . انفال / 61
4- . انفال / 72
5- . توبه / 1 و 2

{این آیات] اعلام بیزاری [و عدم تعهد] است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته ای، پس [ای مشرکان] چهار ماه [دیگر با امنیت کامل] در زمین بگردید و بدانید که شما نمی توانید خدا را به ستوه آورید و این خداست که رسواکننده کافران است}.

- إِلَّا الَّذِینَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ ثُمَّ لَمْ یَنْقُصُوکُمْ شَیْئًا وَلَمْ یُظَاهِرُوا عَلَیْکُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَیْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَی مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقِینَ.(1)

{مگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته اید و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده اند پس پیمان اینان را تا [پایان] مدتشان تمام کنید چرا که خدا پرهیزگاران را دوست دارد}.

- وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ اسْتَجَارَکَ فَأَجِرْهُ حَتَّی یَسْمَعَ کَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا یَعْلَمُونَ* کَیْفَ یَکُونُ لِلْمُشْرِکِینَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِینَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَکُمْ فَاسْتَقِیمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقِینَ* کَیْفَ وَإِنْ یَظْهَرُوا عَلَیْکُمْ لَا یَرْقُبُوا فِیکُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً یُرْضُونَکُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَی قُلُوبُهُمْ وَأَکْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ.(2)

{و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان قومی نادانند، چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهدی تواند بود مگر با کسانی که کنار مسجد الحرام پیمان بسته اید پس تا با شما [بر سر عهد] پایدارند با آنان پایدار باشید زیرا خدا پرهیزگاران را دوست می دارد، چگونه [برای آنان عهدی است] با اینکه اگر بر شما دست یابند در باره شما نه خویشاوندی را مراعات می کنند و نه تعهدی را شما را با زبانشان راضی می کنند و حال آنکه دلهایشان امتناع می ورزد و بیشترشان منحرفند}.

- وَإِنْ نَکَثُوا أَیْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِی دِینِکُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْکُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَیْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَنْتَهُونَ.(3)

1- . توبه / 4
2- . توبه / 6 - 8

3- توبه / 12

{و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دینتان طعن زدند پس با پیشوایان کفر بجنگید چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست باشد که [از پیمان شکنی] باز ایستند}.

روایات:

1. الخصال: امام صادق علیه السلام فرموده است: آنگاه که چهار چیز گسترده شود، چهار چیز ظهور میکند: هنگامی که زنا و فحشاء افزون گردد، زلزلهها پدیدار میگردند؛ هنگامی که زکات پرداخت نشود، چهارپایان هلاک میگردند؛ هنگامی که حاکمان در قضاوت به ستم رو آورند، آسمان از بارش باز داشته میشود؛ و هنگامی که عهد و پیمان شکسته شود، مشرکان بر مسلمانان پیروز میگردند.(1)

2. أمالی الطوسی: امام باقر علیه السلام فرموده است: در مکاتبات امام علی علیه السلام چنین یافتم: آنگاه که پس از من زنا و فحشاء افزون گردد، مرگ ناگهانی افزایش مییابد؛ هنگامی که میزانها دچار کم فروشی شوند، خداوند مردم را دچار قحطی و کمبود میکند؛ هنگامی که از پرداخت زکات امتناع ورزند، زمین همه برکات خود از جمله زراعت، میوهها و معادن را از آنان باز میدارد؛ هنگامی که در قضاوت به ستم بپردارند، در ارتکاب گناه و ظلم معاونت داشتهاند؛ هنگامی که عهد و پیمان بشکنند، خداوند دشمنان را بر آنان مسلّط میگرداند؛ هنگامی که صله ارحام را قطع کنند، مال و اموال به دست شروران میافتد؛ و هنگامی که فریضه امر به معروف و نهی از منکر را به جا نیاورند و از برگزیدگان اهل بیت من پیروی نکنند، خداوند اشرار را بر آنان چیره میگرداند، آنگاه نیکانشان دست به دعا برمیدارند ولی اجابت گفته نمیشوند.(2)

3. علل الشرایع، أمالی الطوسی: امام باقر علیه السلام فرموده است: در مکاتبات امام علی علیه السلام یافتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده

1- . الخصال 1 : 165

2- . أمالی الشیخ الطوسی 1 : 213، صدوق نیز در أمالی خود: 308 و ثواب الأعمال: 225 این حدیث را روایت کرده است.

است: آنگاه که پس از من زنا و فحشاء آشکار و افزون گردد، مرگ ناگهانی افزایش مییابد؛ هنگامی که میزانها دچار کم فروشی شوند، خداوند مردم را به قحطی و کمبود گرفتار میکند؛ هنگامی که از پرداخت زکات امتناع ورزند، زمین همه برکات خود از جمله زراعت، میوهها و معادن را از آنان باز میدارد؛ هنگامی که در حکم و قضاوت ستم روا دارند، در ارتکاب ظلم و ستم معاونت داشتهاند؛ هنگامی که عهد و پیمان بشکنند، خداوند دشمنان را بر آنان چیره می گرداند؛ هنگامی که صله ارحام را قطع نمایند، مال و اموال در دست اشرار قرار میگیرد؛ و هنگامی که فریضه امر به معروف و نهی از منکر را به جا نیاورند و از برگزیدگان اهل بیت من پیروی نکنند، خداوند شروران را بر آنها مسلّط میگرداند و آنگاه که نیکان آنان دست به دعا بردارند اجابت نمیشود.(1)

4. معانی الأخبار: امام باقر علیه السلام فرموده است: هر که در اسلام، آزاد به دنیا آید عربی است، هر که عهد امانی به گردن داشته باشد و به آن عمل کند وابسته و آزاد کرده رسول خدا صلی الله علیه و آله است، و هر که داوطلبانه به دین اسلام در آید از مهاجرین به شمار میآید.(2)

5. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که امام علی علیه السلام امان بردهاش را نسبت به اهل قلعهای اجازه داده و فرمود: او از مسلمانان است.(3)

6. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله در منی و در روز حجه الوداع در مسجد الخیف برای مردم خطبه خواند و بعد از سپاس و ستایش خداوند فرمود: خداوند بندهای را شاداب و سعادتمند گرداند که کلام مرا شنیده و در آن تدبّر میکند و سپس آن را به گوش کسانی میرساند که حاضر نیستند و امکان شنیدن کلامم را ندارند، چه بسا حامل دانشی که خود عالم نیست و چه بسا حامل دانشی که آن را به عالمتر از خود منتقل میکند؛ سه خصلت وجود

1- . علل الشرایع: 584، أمالی الطوسی2: 213 و 214
2- . معانی الأخبار: 405
3- . قرب الإسناد: 65

دارد که هیچ مسلمانی نسبت به آنها حقد و کینه به دل راه نمیدهد: اخلاص عمل به خاطر خدا، نصیحت (خیراندیشی) برای رهبران مسلمانان، و شرکت کردن در اجتماعات آنان، که این کار پشت آنان را محکم میکند؛ مسلمانان برادر یکدیگرند و از نظر خونبها و دیه با هم برابرند؛ پایینترین آنان در زمینه عهد و پیمانهایشان تلاش میکند (هرگونه تعهدی که یک فرد از مسلمانان به کفار داشته باشد همه مسمانان به آن احترام میگذارند اگرچه آن مسلمان از نظر مالی و موقعیت اجتماعی در سطح پایینتری باشد)، آنان علیه غیرِ خود (بیگانگان) متّحد و یکپارچه هستند.(1)

7. ثواب الأعمال: از عبدالله بن سلیمان روایت شده که گفت: شنیدم که امام باقر علیه السلام میفرمود: هر کسی که مردی را امان دهد سپس او را به قتل برساند، روز قیامت در حالی که پرچم غدر و خیانت را حمل میکند وارد صحرای محشر میشود.(2)

8. نهج البلاغه: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: عهد و پیمان را پاس دارید به خصوص با وفاداران.(3)

9. نهج البلاغه: امام علی علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر فرمود: هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن، که آسایش رزمندگان، آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین میگردد، لکن زنهار! زنهار! از دشمن خود پس از آشتی کردن، زیرا گاهی دشمن نزدیک میشود تا غافلگیر کند، پس دور اندیش باش و حسن ظن خود را متهم کن (به دشمن سوء ظن داشته باش)، حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش، و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت دار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند، تا آنجا که مشرکان زمان جاهلیت به عهد و پیمانی که با مسلمانان

1- . الخصال 1 : 98
2- . ثواب الاعمال: 229
3- . نهج البلاغه 3 : 191

داشتند وفادار بودند، زیرا که آینده ناگوار پیمان شکنی را آزمودند، پس هرگز پیمان شکن مباش، و در عهد خود خیانت مکن، و دشمن را فریب مده، زیرا کسی جز نادان بدکار، بر خدا گستاخی روا نمیدارد، خداوند عهد و پیمانی که به نام او شکل میگیرد را با رحمت خود مایه آسایش بندگان، و پناهگاه امنی برای پناهآورندگان قرار داده است، تا همگان به حریم امن آن روی بیاورند، پس فساد، خیانت و فریب در عهد و پیمان راه ندارد، مبادا قرار دادی را امضاء کنی که در آن برای دغل کاری و فریب راههایی وجود دارد، و پس از محکم کاری و دقت در قراردادنامه، دست از بهانه جویی بردار، مبادا مشکلات پیمانی که بر عهدهات قرار گرفته و خدا آن را بر گردنت نهاده تو را به پیمان شکنی وا دارد، زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمانها که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان شکنی است که از کیفر آن میترسی، و بهتر از این است که در مورد آن خداوند از تو بازخواستی کند که در دنیا و آخرت نتوانی خود را از آن کنار بکشی.(1)

10. کتاب الأعمال المانعه من الجنّه: شیخ جعفر بن احمد قمی روایت کرده که پیامبر صلّی الله علیه وآله فرمود: هر کسی مردی از اهل ذمّه را به قتل برساند، خداوند بهشت را بر او حرام میگرداند، حال آنکه بوی بهشت از مسیری به اندازه دوازده سال به مشام میرسد.(2)

11. دعائم الإسلام: روایت شده که امام علی علیه السلام فرمود: جهاد بر تمام مسلمانان واجب است به دلیل این فرموده خداوند متعال: «کتب علیکم القتال» {پیکار و جهاد بر شما واجب شده است}، پس اگر گروهی از مسلمانان به جهاد برخاستند و نیازی به مدد و یاری نداشتند، سایر مسلمانان اجازه دارند که درنگ کنند و به جهاد برنخیزند، ولی اگر گروه مجاهدان به کمک نیاز داشته باشند، بر جمیع مسلمانان واجب است که آنان را یاری رسانند تا بینیاز گردند، چرا که خداوند متعال فرموده است: «و ما کان المؤمنون لینفروا کافه» {جایز نیست که همه مؤمنان (برای جهاد) خارج شوند}، و اگر واقعهای روی دهد که مرتفع نمودن آن نیاز به

1- . نهج البلاغه 3 : 117
2- . کتاب الأعمال المانعه من دخول الجنه: 63

خروج تمام مؤمنان داشته باشد، همه باید خارج شوند، خداوند متعال فرموده است: «انفروا خفافا و ثقالاً و جاهدوا بأموالكم و أنفسكم فی سبيل الله» {سبک بار و سنگين بار خارج شويد و با اموال و جانهای خود در راه خدا به پيکار و نبرد بپردازيد}.(1)

12. از امام صادق عليه السلام روايت شده که در تفسير آيه « انفروا خفافا و ثقالاً» فرمود: يعنی در حال جوانی و پيری به قصد جهاد خارج شويد.(2)

13. از امام صادق عليه السلام درباره آيه: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَی مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ يُقَاتِلُونَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِی التَّوْرَاهِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَی بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِی بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» {در حقيقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اينکه بهشت برای آنان باشد خريده است همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کشند و کشته می شوند [اين] به عنوان وعده حقی در تورات و انجيل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خويش وفادارتر است پس به اين معامله ای که با او کرده ايد شادمان باشيد و اين همان کاميابی بزرگ است}، سؤال شد و اينکه آيا اين مسأله برای تمام کسانی که به جهاد در راه خدا ميپردازند صادق است يا به گروه خاصی اختصاص دارد؟ امام عليه السلام فرمود: هنگامی که اين آيه نازل شد، برخی از اصحاب اين سؤال را از پيامبر صلی الله عليه و آله پرسيدند، امّا ايشان پاسخ نگفت، پس خداوند متعال چنين بر قلب پيامبر نازل فرمود: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» {[آن مؤمنان] همان توبه کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه داران رکوع کنندگان سجده کنندگان وادارندگان به کارهای پسنديده بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدايند و مؤمنان را بشارت ده}، و اين گونه صفت مؤمنانی را که اموال و جانهای آنان را به ازای اعطای بهشت خريداری ميکند بيان فرمود؛ پس هر که خواهان بهشت است، براساس اين شرايط

-1 . دعائم الأسلام 1 : 341
-2 . دعائم الإسلام 1 : 341

به جهاد در راه خدا بپردازد، و در صورت محقّق نساختن این شرایط از جمله کسانی خواهد بود که رسول خدا صلّی الله علیه و آله در مورد آنها فرموده است: خداوند این دین را به وسیله مردمانی پیروز میگرداند که آنان را در آخرت بهرهای از اجر و پاداش نیست.(1)

14. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا جهاد بر اعراب بادیهنشین واجب است؟ امام فرمود: خیر، مگر اینکه اسلام دچار مصیبتی شود و به خدا پناه میبرم از اینکه در رفع آن محتاج آنان شویم، همچنین فرمود: مادام که اعراب بادیه نشین در جهاد و پیکار مشارکت نداشته باشند، سهمی از غنائم جنگی ندارند.(2)

15. از امام علی علیه اسلام روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: هر کسی در درون خود احساس ترس کند، نباید به پیکار و جهاد برود.(3)

16. از امام علی علیه السلام فرموده است: جایز نیست که انسان ترسو و بزدل به جهاد برود، چرا که به سرعت پذیرای شکست میگردد، ولی باید شخص دیگری را با ابزار و وسایل خود برای نبرد آماده سازد، پس اجر و پاداشی به اندازه اجر و پاداش مجاهد برای او ثبت میگردد بدون اینکه چیزی از اجر و پاداش مجاهد کاسته شود.(4)

17. امام علی علیه السلام فرموده است: جهاد بر بردگان واجب نیست مادامی که نیازی به حضور آنان احساس نشود، همچنین جهاد بر زنان و کسانی که به سنّ احتلام نرسیدهاند واجب نیست.(5)

18. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: هرگاه بر گرد یک امام افرادی به تعداد اهل بدر یعنی سیصد و سیزده نفر جمع شوند، به پاخاستن و تغییر بر او واجب میشود.(6)

1- . دعائم الإسلام 1 : 341
2- . دعائم الأسلام 1 : 342
3- . دعائم الإسلام 1 : 342
4- . دعائم الأسلام 1 : 342

5- . دعائم الإسلام 1 : 342
6- . دعائم الإسلام 1 : 342

19. امام علی علیه السلام از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: در روز قیامت از بنده خداوند به خاطر تمام نعمتهایی که به او بخشیده شده سؤال میشود جز آن نعمتی که در راه خدا صرف شده باشد. (1)

20. امام صادق علیه السلام فرموده است: اصل اسلام نماز است و فرع آن زکات؛ و نوک قلّه اسلام جهاد در راه خداست. (2)

21. امام علی علیه السلام از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: به سفر بروید تا تندرست باشید، به جهاد بپردازید تا غنیمت کسب کنید، و مناسک حجّ را به جا آورید تا بینیاز گردید. (3)

22. امام علی علیه السلام فرموده است: ایمان دارای چهار رکن است: صبر، یقین، عدل و جهاد. (4)

23. امام علی علیه السلام فرموده است: با دستان خود به جهاد بپردازید، اگر نتوانستید با زبانهایتان و اگر باز نتوانستید با قلبهایتان. (5)

24. همچنین فرموده است: جهاد در راه خدا در معیّت هر امام عادلی بر شما واجب است، چرا که جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است. (6)

25. از امام علی علیه السلام روایت شده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: حاملان قرآن عارفان، مجاهدان در راه خدا، فرماندهان و پیامبران سروران اهل بهشت هستند. (7)

26. امام علی علیه السلام از رسول خدا صلّی الله علیه وآله روایت کرده که فرمود: بخشندهترین مردم آن است که جان خود را در راه خدا ببخشد، و بخیلترین آنان کسی است که در سلام کردن بخل بورزد. (8)

1- . دعائم الإسلام 1 : 342
2- . دعائم الإسلام 1 : 342
3- . دعائم الإسلام 1 : 342
4- . دعائم الإسلام 1 : 342
5- . دعائم الإسلام 1 : 343

6- . دعائم الإسلام 1 : 343
7- . دعائم الإسلام 1 : 343
8- . دعائم الإسلام 1 : 343

27. از امام علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که موسی و هارون پروردگارشان را با دعا خواندند، خدا فرمود: دعای شما را اجابت گفتم، و دعای هر که در راه من به پیکار و نبرد بپردازد را تا روز قیامت مانند دعای شما اجابت خواهم گفت.(1)

28. امام علی علیه السلام از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: هر کسی به غیبت مجاهد در راه خدا بپردازد یا او را آزار دهد و یا با بازماندگانش بد رفتاری کند، روز قیامت پرچم غدر و خیانت برای او نصب میگردد، آنگاه نیکیهایش از دست میرود و سپس در آتش افکنده خواهد شد.(2)

29. امام علی از رسول خدا روایت کرده که فرمود: هیچ قطرهای نزد خداوند متعال مجبوبتر نیست از قطره خونی که در راه خدا ریخته شده و یا قطره اشکی که در تاریکی شب و به خاطر ترس از خداوند سرازیر شده است.(3)

30. امام علی از رسول خدا روایت کرده که فرمود: بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری وجود دارد تا زمانی که شخص در راه خدا کشته میشود (کشته شدن در راه خدا بالاتر از هر نیکی است)، و بالاتر از هر گناه، گناهی وجود دارد تا زمانی که شخص یکی از والدین خود را به قتل میرساند (کشتن والدین بالاتر از هر گناهی است).(4)

31. امام علی از رسول خدا روایت کرده که فرمود: هر مؤمنی از امّت من صدّیق و شهید است، و خداوند با این شمشیر هر یک از مخلوقاتش را که بخواهد گرامی میدارد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و الذین آمنوا بالله و رسله أولئک هم الصدیقون و الشهداء عند ربّهم» {آنان که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردهاند، نزد پروردگارشان از صدیقین و شهدا به شمار میآیند }.(5)

1- . دعائم الإسلام 1 : 343
2- . دعائم الإسلام 1 : 343
3- . دعائم الإسلام 1 : 343
4- . دعائم الإسلام 1 : 343

5- . دعائم الإسلام 1 : 343

32. امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: تمام چشمها در روز قیامت بیخواب میگردند جز سه چشم: چشمی که در راه خدا بیدار مانده است، چشمی که بر روی امور حرام بسته شده است، و چشمی که از ترس خداوند گریسته است.(1)

33. از امام باقر علیه السلام روایت شده که در تفسیر آیه: «رضوا بأن یکونوا مع الخوالف» فرمود: منظور از (الخوالف)، زنان میباشد.(2)

34. از زید بن علی بن حسین علیهم السلام روایت شده که در تفسیر آیه «لباس التقوی» فرمود: منظور برداشتن اسلحه در راه خداست.(3)

35. امام علی علیه السلام فرموده است: نخستین کسی که در راه خدا به جهاد پرداخت ابراهیم علیه السلام بود، آنگاه که رومیان به سرزمینی که لوط علیه السلام در آن ساکن بود حمله ور شدند و او را به اسارت گرفتند، این خبر به گوش ابراهیم علیه السلام رسید، پس به قصد پیکار خارج شد و لوط را از دست رومیان رها ساخت، و ابراهیم علیه السلام نخستین کسی بود که پرچمها را در جنگ به کار گرفت.(4)

1- . دعائم الإسلام 1 : 343
2- . دعائم الإسلام 1 : 344
3- . دعائم الإسلام 1 : 344
4- . دعائم الإسلام 1 : 344

باب ششم : جهاد در حال احرام و در ماههای حرام، معنای ماههای حرام و ماههای سیاحت

آیات:

-

وَ لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ*فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.(1)

{در كنار مسجد الحرام با آنان جنگ مكنيد مگر آنكه با شما در آن جا به جنگ درآيند پس اگر با شما جنگيدند آنان را بكشيد كه كيفر كافران چنين است، و اگر بازايستادند البته خدا آمرزنده مهربان است}.

- الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.(2)

{اين ماه حرام در برابر آن ماه حرام است و [هتك] حرمتها قصاص دارد پس هر كس بر شما تعدى كرد همان گونه كه بر شما تعدى كرده بر او تعدى كنيد و از خدا پروا بداريد و بدانيد كه خدا با تقواپيشگان است}.

- يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ.(3)

{از تو در باره ماهى كه كارزار در آن حرام است مى پرسند بگو كارزار در آن گناهى بزرگ و باز داشتن از راه خدا و كفر ورزيدن به او و باز داشتن از مسجدالحرام [=حج] و بيرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا [گناهى] بزرگتر}.

1- . بقره / 191 و 192
2- . بقره / 194
3- . بقره / 217

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْیَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا.(1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید حرمت شعایر خدا و ماه حرام و قربانی بی نشان و قربانیهای گردن بنددار و راهیان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می طلبند نگه دارید و چون از احرام بیرون آمدید [می توانید] شکار کنید و البته نباید کینه توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند شما را به تعدی وادارد}.

- جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ.(2)

{خداوند [زیارت] کعبه بیت الحرام را وسیله به پا داشتن [مصالح] مردم قرار داده و ماه حرام}.

- فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.(3)

{پس چون ماه های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید زیرا خدا آمرزنده مهربان است}.

- إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِکَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ.(4)

1- . مائده / 2
2- . مائده / 97
3- . توبه / 5
4- . توبه / 36

{در حقيقت شماره ماه ها نزد خدا از روزى كه آسمانها و زمين را آفريده در كتاب [علم] خدا دوازده ماه است از اين [دوازده ماه] چهار ماه [ماه] حرام است اين است آيين استوار پس در اين [چهار ماه] بر خود ستم مكنيد}.

- إِنَّمَا النَّسِیءُ زِیَادَهٌ فِی الْکُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الَّذِینَ کَفَرُوا یُحِلُّونَهُ عَامًا وَیُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِیُوَاطِئُوا عِدَّهَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَیُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ.(1)

{جز اين نيست كه جابجا كردن [ماههاى حرام] فزونى در كفر است كه كافران به وسيله آن گمراه مى شوند آن را يكسال حلال مى شمارند و يكسال [ديگر] آن را حرام مى دانند تا با شماره ماههايى كه خدا حرام كرده است موافق سازند و در نتيجه آنچه را خدا حرام كرده [بر خود] حلال گردانند زشتى اعمالشان برايشان آراسته شده است و خدا گروه كافران را هدايت نمى كند}.

روايات:

1. الخصال: از ابن عمر روايت شده كه پيامبر صلّى الله عليه و آله فرمود: تعداد ماهها در كتاب خداوند از آن روزى كه آسمانها و زمين را آفريده دوازده عدد بوده كه از آنها چهار ماه حرام است: رجب، كه نزد قبيله مضر بين ماههاى جمادى الثانى و شعبان قرار دارد، ذوالقعده، ذو الحجّه و محرّم، تا آخر حديث.(2)

2. الخصال: امام صادق عليه السلام در تفسير آيه: «إنّ عدّه الشهور عند الله اثنا عشر شهراً فى كتاب الله يوم خلق السموات و الأرض» فرمود: دوازده ماه عبارتند از: محرّم، صفرّ، ربيع الأول، ربيع الثانى، جمادى الأوّل، جمادى الثانى، رجب، شعبان، رمضان، شوّال، ذو القعده و ذو الحجّه؛ و چهار ماه حرام عبارتند از: بيست روز از ذو الحجّه، محرّم، صفر، ربيع الأوّل و ده روز از ربيع الثانى.(3)

1- . توبه / 37
2- . الخصال 2 : 257
3- . الخصال 2 : 260

3. تفسیر علی بن ابراهیم: ماههای حرام عبارتند از: رجب (که تک افتاده)، ذو القعده، ذو الحجّه و محرّم که به هم متصل هستند. خداوند در این چهار ماه پیکار و نبرد را حرام گردانده است، همچنین مجازات گناهان و ثواب اعمال نیک در آنها مضاعف میباشد؛ امّا ماههای سیاحت مشهورند: بیست روز از ذو الحجه، محرّم، صفرّ، ربیع الأول و ده روز از ربیع الثانی، خداوند متعال در این چهار ماه و با استناد به آیه: «فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر» {چهار ماه را در زمین به سیاحت بپردازید}، بر مشرکان منّت نهاده است، ماههای حج نیز معروفند: شوّال، ذو القعده و ذو الحجّه.(1)

4. تفسیر العیّاشی: از علاء بن فضیل روایت شده که از امام پرسیدم: آیا مسلمانان اجازه دارند در ماههای حرام آغازگر پیکار با مشرکان باشند؟ امام فرمود: آری، البته اگر مشرکان قصد آغاز پیکار داشته باشند و ریختن خون مسلمانان را حلال بپندارند، و از سوی دیگر مسلمانان توانایی غلبه بر مشرکان را در خود ببینند، و این مصداق فرموده خداوند متعال است: «الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمات قصاص» { ماه حرام در مقابل ماه حرام، و حرمت شکنیِ محرّمات دارای قصاص است}.(2)

5. تفسیر العیّاشی: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که در تفسیر آیه: «فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر» فرمود: این چهار ماه عبارتند از: بیست روز از ذو الحجه، محرّم، صفرّ، ربیع الأول و ده روز از ربیع الثانی.(3)

6. تفسیر العیّاشی: امام صادق از امام باقر علیهما السلام روایت کرده که فرمود: همانا خداوند متعال، محمّد صلّی الله علیه و آله را به همراهی پنج شمشیر مبعوث گرداند، یکی از آن شمشیرها به قصد پیکار با مشرکان عرب به وی بخشیده شده بود، خداوند عزّ و جلّ فرموده است: «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا» {مشرکان را پس از این هر

1- . تفسیر القمی: 265
2- . تفسیر العیّاشی 1 : 86
3- . تفسیر العیّاشی 2 : 75، آیه از سوره بقره / 194 است.

جا یافتید به قتل برسانید و آنان را به بند بکشید و در حصر قرارشان دهید و در هر کمینگاهی بر سر راه آنان بنشینید، پس اگر توبه نمودند}، امام فرمود: (فإن تابوا) یعنی: اگر ایمان آوردند، « فإخوانکم فی الدین)» {برارادان دینی شما خواهند بود} ، از مشرکان حالت سوّمی پذیرفته نیست: یا کشته میشوند یا به دین اسلام گردن مینهند، از آنان کسی به اسارت گرفته نمیشود و از غنایم جنگی نیز سهمی ندارند.(1)

7. تفسیر العیّاشی: زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در تفسیر آیه: «فإذا انسلخ الأشهُرفَاقْتُلُوا الْمُشْرِکِینَ حَیْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ» {پس از پایان یافتن ماههای حرام مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید} فرمود: منظور از ماههای حرام، روز عید قربان تا پایان دهه نخست ماه ربیع الآخر میباشد.(2)

8. تفسیر العیّاشی: زراره گوید: در حالی که امام باقر علیه السلام رو به قبله نشسته بود در پشت مقام ابراهیم نزدش نشستم، پس با دستش به کعبه اشاره کرد و فرمود: نگریستن به آن عبادت است و خداوند هیچ مکانی را بر روی زمین محبوبتر و گرامیتر از این بقعه نیافریده است، خداوند متعال به خاطر آن سه ماه متوالی را در کتاب خویش و از زمان آفرینش آسمان و زمین، حرام گردانده است و یک ماه را نیز به عمره اختصاص داده است، امام صادق علیه السلام فرموده است: این چهار ماه عبارتند از: شوّال، ذو القعده، ذو الحجّه و رجب.(3)

1- . تفسیرالعیّاشی 2 : 77
2- . تفسیر العیّاشی 2 : 77
3- . تفسیر العیاشی 2 : 88

باب هفتم : چگونگی تقسیم غنائم جنگی و حُکم اموال مشرکان، مخالفان و ناصبیها

آیات:

-

واعملوا أنّما غنمتم مِن شیءٍ فإنّ لله خُمسهُ.(1)

{و بدانید که یک پنجم آنچه به غنیمت میگیرید از آن خداوند است }.

-

فکُلوا مما غنمتم حلالاً طیباً و اتقو الله إن لله غفورٌ رحیم.(2)

{اکنون از غنائمی که فرا چنگ آوردهاید به صورت حلال و پاک بخورید و تقوای خدا پیشه سازید، بیگمان خداوند آمرزنده و مهربان است. }

روایات:

1. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله سه سهم از غنائم جنگی را مخصوص سوارکاران و یک سهم آن را مخصوص پیاده نظام قرار میداد.(3)

2. قرب الإسناد: امام باقر علیه السلام فرموده است: از رسول خدا صلّی الله علیه و آله سؤال شد: کیست آنکه در دین کار زشت و ناپسندی وارد میکند که پیشتر نبوده است و کیست که چنین فردی را پناه میدهد؟ پیامبر فرمود: کسی که در اسلام بدعتی پدید آورد، یا در غیر قالب حدّ، کسی را شکنجه و مجازات کند، یا

1- . أنفال/ 41
2- . أنفال/ 69
3- . قرب الإسناد: 42

غنیمتی را به تاراج برد که چشم مسلمانان دنبال آن است، و یا از کسی که پدید آورنده بدعت است دفاع کرده و او را یاری داده و پشتیبانی کند.

3. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که امام علی علیه السلام فرمود: اگر بچهای در میدان نبرد متولّد شود، در غنائم صاحب سهم است.(1)

4. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که فرمود: علی علیه السلام در میان مردم کوفه به توزیع لباسی پرداخت که جزء غنائم جنگی بود، از قضا در میان لباسها بالاپوشی از جنس ابریشم وجود داشت که امام حسن علیه السلام آن را طلب نمود، امّا حضرت از بخشیدن آن به امام حسن علیه السلام امتناع ورزید و به پخش آن در میان مسلمین پرداخت، پس نصیب جوانی از سرزمین همدان گشت و آن را با خود به همدان برد، به او گفته شد: امام حسن این بالاپوش را از پدرش طلب نمود ولی از بخشیدنش به وی امتناع ورزید، بنابراین جوان همدانی بالاپوش را برای امام حسن علیه السلام فرستاد و امام نیز آن را پذیرفت.(2)

5. الخصال: از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: به من پنج چیز بخشیده شده که پیشتر به کسی بخشیده نشده است: تمام زمین برای من مسجد و مایه پاکی و طهارت قرار داده شده است، با افکنده شدن ترس در دل دشمنانم یاری داده شدهام، غنیمت گرفتن برای من حلال شده است، به من جوامع الکلم (گفتار کوتاه) و پر معنی بخشیده شده است، و به من حقّ شفاعت اعطا شده است.(3)

میگویم: مانند این حدیث با ذکر سند در کتاب النبوه و غیر آن نقل گردید.

6. تفسیر العیّاشی: ابن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در مورد غنیمت میفرمود: خُمس از آن جدا میشود و باقیمانده آن در میان کسانی که

1- . قرب الإسناد: 65
2- . قرب الإسناد: 69

3- . الخصال 1 : 225

بر سر آن جنگیدهاند و یا به آن نزدیکند تقسیم میگردد، و حقّ تقسیم فیء و انفال (غنائم جنگی) به صورت خالص از آنِ رسول خدا صلّی الله علیه و آله میباشد.

7. تفسیر العیّاشی: امام صادق علیه السلام فرموده است: خُمس از غنیمت جدا میشود و سپس چهار پنجم باقی مانده در میان کسانی که بر سر آن جنگیده و یا به آن نزدیکند تقسیم میگردد.(1)

8. السرائر: معلّی بن خنیس از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: اموال ناصبی ها را هر جا که یافتی از آنان بگیر و خمس آن را به سوی ما بفرست.(2)

9. السرائر: حفص بن بختری از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: اموال دشمنان را هر جا که یافتی از آنان بگیر و خمس آن را به سوی ما بفرست.

محمّد بن ادریس گوید: معنای (ناصب) در این دو حدیث، دشمنانی است که در حال جنگ با مسلمانان هستند، چرا که جایز نیست در هیچ حالی از احوال، اموال مسلمانان و یا دشمنان ذمیّ از آنان گرفته شود.(3)

10. محمّد بن جریر طبریّ غیر مورخ گوید: هنگامی که اسیران سرزمین فارس به سوی مدینه آورده شدند، عمر بن خطاب خواست که زنان را فروخته و مردان را به بردگی بگیرد، پس امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمود: همانا رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: بزرگان هر قوم را گرامی دارید. عمر گفت: از پیامبر شنیدم که میفرمود: آنگاه که بزرگ هر قومی نزد شما آمد، او را گرامی دارید هر چند مخالف شما باشد. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: اینان قومی هستند که با شما از سر صلح و آشتی در آمده و به اسلام روی آوردهاند و حتماً باید از آنان صاحب فرزندانی شوم (از آنان خانوادهای خواهم داشت)، و من خداوند و شما را شاهد میگیرم که از سهم خود از آنان به هدف کسب رضایت خداوند چشم پوشی نمودم.

1- . تفسیر العیّاشی 2 : 62

2- . السرائر:490
3- . السرائر: 490

پس تمام بنی هاشم گفتند: ای امیر المؤمنین ما نیز حقّ خود را به تو بخشیدیم، و امیر المؤمنین فرمود: خداوندا، شاهد باش از حقّی نیز که به من بخشیدند چشم پوشیدم.

آنگاه مهاجرین و انصار گفتند: ای برادر رسول خدا صلّی الله علیه و آله، ما نیز حقّ خود را به تو بخشیدیم، و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خداوندا، شاهد باش که آنان حقّ خود را به من بخشیدند و من آن را پذیرفتم، و تو شاهد باش که به خاطر کسب رضای تو اسیران فارس را آزاد نمودم. عمر گفت: ای علی! چرا با تصمیم من در مورد این اسیران غیر عرب مخالفت کردی؟ چه چیز تو را از پذیرفتن نظر من در مورد آنان باز میدارد؟ امام علی دوباره سخنان رسول خدا صلّی الله علیه و آله در مورد گرامی داشتن بزرگان را برای او تکرار کرد. عمر گفت: ای ابالحسن، آنچه به من اختصاص دارد و سایر چیزهایی که به تو بخشیده نشده را به خداوند و تو بخشیدم، پس امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خداوندا، شاهد گفته او و آزاد کردن اسیران فارس از سوی من باش؛ آنگاه گروهی از قریشیان خواستند که زنان فارس را به نکاح خود درآورند، امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: این زنان به چنین کاری مجبور نخواهند شد، بلکه مختار هستند و بدانچه برگزینند عمل خواهد شد، پس گروهی از آنان به شهر بانو که دختر پادشاه فارس بود اشاره کردند، بنابراین مختار گردید و از پس پرده و در حضور جمع از او خواستگاری و به او گفته شد: کدام یک از خواستگارهایت را برمیگزینی؟ و آیا قصد شوهر کردن داری؟ شهر بانو سکوت کرد. امیر المؤمنین فرمود: او قصد شوهر کردن دارد و همچنان در انتخاب مختار است. عمر گفت: تو از کجا دریافتی که قصد شوهر کردن دارد؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که زن بزرگوار یک قوم که هیچ سرپرستی نداشت نزد رسول خدا صلّی الله علیه وآله میآمد و او را خواستگاری میکردند، پیامبر امر میفرمود که به او گفته شود: آیا قصد شوهر کردن داری؟ اگر شرم میکرد و ساکت میماند، سکوت نشانه رضایتش بود و پیامبر امر میفرمود که آن زن شوهر داده شود، ولی اگر پاسخ منفی میداد نسبت به آنچه برگزیده مجبور نمیگردید؛ آنگاه شهربانو به خواستگاران نمایانده شد، پس با دستش به حسین بن علی علیهما السلام اشاره

کرد و او را برگزید. سپس بار دیگر شهر بانو را در انتخاب مخیّر گرداندند و او باز هم به امام حسین اشاره کرد و به زبان خویش گفت: اگر مخیّر گشتهام، این شخص را میخواهم، و امیرالمؤمنین علیه السلام را ولی و سرپرست خود قرار داد، و حذیفه از او خواستگاری کرد، آنگاه امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: اسم تو چیست؟ شهر بانو گفت: شاه زنان، دختر کسری پادشاه فارس. امیرالمؤمنین فرمود: ای شهربانو، آیا تو و خواهرت مروارید دختر پادشاه فارس هستید؟ شهر بانو گفت: آری.(1)

1- . دلائل الإمامه: 81

باب هشتم : فضیلت کمک به مجاهدان ومذمت آزار دادن آنها

روایات:

1. تفسیر امام عسکری علیه السلام: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نفقه (پرداختن کمک خرج به مجاهدان) در جهاد آنگاه که واجب یا مستحبّ باشد سؤال شد، امام در پاسخ فرمود: آنگاه که جهاد واجب گردد، به این ترتیب که کسی موجود نباشد تا به نمایندگی از سایر مسلمانان در مقابل کفّار پیکار کند، پرداختن هر یک درهم به عنوان کمک خرج با هفتصد هزار حسنه پاداش داده میشود، امّا در جهاد مستحبّ که شخص به اختیار خود در آن شرکت میکند و نیازی به حضور او احساس نمیشود، پرداختن هر درهم با هفتصد حسنه پاداش داده میشود، که هر حسنه صد هزار مرتبه از دنیا و آنچه در آن است بهتر میباشد.(1)

2. نوادر الراوندی: امام موسی کاظم از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: هر کسی از مجاهدِ در راه خدا بدگویی کند یا او را آزار دهد و یا با بازماندگانش بدرفتاری کند، در روز قیامت بیرقی برای او نصب میگردد تا همه او را ببینند، سپس نیکیهایش باطل گشته و در آتش افکنده میشود.(2)

1- . در مصدر یاد شده این حدیث را نیافتیم.
2- . نوادر الراوندی: 21

باب نهم : احکام زمینها

روایات:

1.تفسیرالعیاشی: عمّار الساباطیّ می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: به راستی که زمین از آن خداوند است و هر یک از بندگانش را که بخواهد وارث آن قرار میدهد، سپس فرمود آنچه از آن خداوند است به رسولش تعلّق میگیرد و آنچه از آن رسول خدا صلّی الله علیه وآله میباشد به امام پس از وی تعلق میگیرد.(1)

2. تفسیر العیّاشی: امام باقر علیه السلام فرموده است: در مکاتبات امام علی علیه السلام یافتیم که فرموده بود: «أنّ الأرض لله یُورِثُها من یَشاءُ مِن عِباد وَ العاقبه للمُتَقین» {همانا زمین از آن خداوند است و هر یک از بندگانش را که بخواهد وارث آن قرار میدهد و پایان نیک امور از آن پرهیزگاران است. }، من و اهل بیتم همان کسانی هستیم که خداوند متعال وارث زمینمان قرار داده است و ماییم که پرهیزگاران هستیم، و زمین به صورت کامل از آن ما است، پس هر که قطعه زمینی متعلّق به مسلمانان را آباد گرداند و مالیات آن را به امامی که از اهل بیت من است پرداخت کند، هر چه از آن بخورد (خرج خود کند) حق اوست، سپس آن زمین را ترک کرده و بعد از آنکه آبادش گردانده ویرانش سازد و پس از او شخص دیگری از مسلمانان آن زمین را گرفته و آبادش گرداند، شخص دوّم از شخص اوّل نسبت به آن زمین دارای حقّ بیشتری است، پس شخص دوّم نیز باید مالیات زمین را به امامی که از اهل بیت من است پرداخت نماید و هر چه از آن بخورد (خرج خود کند) حق اوست، تا زمانی که قائم اهل بیت علیه السلام با شمشیر ظهور کند، پس از آن زمین

1- . تفسیر العیّاشی 2 : 25

محافظت و حمایت (تصرف) کرده و مردم را از آن خارج سازد آن گونه که رسول خدا صلّی الله علیه و آله چنان کرد و به خود اختصاص داد، غیر از زمینهایی که در دست شیعیان ما قرار دارد، پس امام با آنان قرادادی میبندد (به صورت مقاطعه کاری) و زمینها را تحت مالکیّت آنان باقی میگذارد.(1)

3. کتاب الغارات: روایت شده که اسامه بن زید به امیرالمؤمنین علیه السلام نامه نوشت: عطا و بخششی که سهم من است را به سویم بفرست، به خدا سوگند میدانی اگر در دهان شیر نیز وارد شوی تو را همراهی خواهم کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ او نوشت این مال متعلّق به کسی است که بر سر آن به جهاد و پیکار پرداخته است، ولی از مال و اموال من در مدینه به هر اندازه که میخواهی برداشت کن.

4. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله دستور داد سه روز بر اهل ذمّه وارد شوند، و فرمود: آنگاه که قائم ما اهل بیت ظهور کند زمینهای واگذار شده به دیگران از بین میرود.(2)

5. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که فرمود: از پدرم امام سجاد علیه السلام شنیدم که میفرمود: همانا مرا زمین خراجی (از طرف حکومت) است که از آن به تنگ آمدهام.(3)

6. قرب الإسناد: از بزنطیّ روایت شده که نزد امام رضا علیه السلام سخن از مالیات زمین و دستوری که اهل بیت (حضرت امیر المؤمنین صلوات اللّه علیه) بر آن مقرر فرموده اند، به میان آمد. پس حضرت فرمود: هر که به طوع و رغبت مسلمان شود، زمین او را در اختیار او می گذارند و از آن زکات عُشر و نصف عُشر می گیرند هر مقدار که در وقت فتح، آباد شده باشد، و آن چه موات باشد از آن امام است و آن حضرت صلوات اللّه علیه به کسی می دهد که آن را آباد کند و امام حاصل آن را با آن که از اوست، صرف مسلمانان می کند و در کمتر از پنج وسق زکات واجب

1- . تفسیر العیّاشی 2 : 25، آیه از سوره اعراف / 128 است.

2- . قرب الإسناد: 39
3- . قرب الإسناد: 39

نیست و هر زمینی را که به شمشیر گرفته باشند اختیارش با امام است و آن را به هر چه مصلحت داند، اجاره می دهد؛ چنانکه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله خیبر را که فتح کردند، زمین ساده و نخلستان آن را به اجاره دادند و مردمان می گویند که اجاره زمین و درخت خرما جایز نیست، وقتی زمین ساده بیش از زمینی باشد که در آن درختِ نخل کاشته شده و حال آن که آن حضرت خیبر را به اجاره دادند و واجب فرمود که یک دهم یا یک بیستم (اگر دیم باشد یا از آب نهر آبیاری شود یک دهم و اگر دستی آب بدهند یک بیستم) سهم خود را نیز بدهند.

بزنطیّ گوید: همچنین از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا اهل طائف اسلام را پذیرفتند، پس رسول خدا صلّی الله علیه و آله آنان را آزاد کرد و عشر و نصف عشر را بر آنان تعیین فرمود؛ و اهل مکّه اسیر بودند، آنگاه رسول خدا صلّی الله علیه و آله آزادشان کرد و فرمود: شما از آزاد شدگان (الطلقاء) هستید.(1)

7. نهج البلاغه: در باره آنچه از تیولهای (قطائع) عثمان که به مسلمانان بازگرداند: به خدای سوگند که اگر در می یافتم که با آن (اموال)، زنانی را به ازدواج در آورده یا کنیزانی را مالک شده اند، آنها را فسخ می کردم، زیرا که آسایش در عدالت است و آن کس که از اجرای عدالت به تنگ آید، ستم بر او تنگ تر خواهد بود.(2)

8. امام علی علیه السلام به قثم بن عباس چنین نوشت: و به اهل مکه دستور بده که از ساکنان در خانه های شان اجرتی نگیرند؛ چرا که خداوند سبحان می فرماید: عاکف و بادی در مکه برابرند.

مقصود از عاکف، ساکنان مکه اند و منظور از بادی، حج گزاران از غیر اهل مکه اند.

9. کتاب الغارات: ضحّاک بن مزاحم از امام علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: حبیبم رسول خدا صلّی الله علیه و آله حقّ کسی را تا روز بعد نزد خود نگاه نمیداشت، ولی ابوبکر چنان میکرد و عمر بن خطاب در این زمینه به تدوین دفاتر و

1- . قرب الإسناد: 170
2- . نهج البلاغه 1 : 42

دیوانها روی آورد و پرداخت اموال را سال به سال به تأخیر میانداخت، امّا من در این خصوص مانند حبیبم رسول خدا صلّی الله علیه و آله رفتار میکنم، ضحاک گوید: امام علی علیه السلام مواجب و حقوقها را جمعه به جمعه پرداخت مینمود، و میفرمود:

هذا جنای و خیاره فیه إذ کلّ جانٍ یده إلی فیه

- این است میوه چیده من و بهترینش در آن است؛ درحالی که هر چینندهای دستش به سوی دهانش است.

10. عاصم بن کلیب جرمی از پدرش روایت کرده که گفت: نزد علی علیه السلام بودم که مالی از جبل برای او رسید، پس ما با او برخاستیم و به راه افتادیم تا به محل کرایه شترداران رسیدیم، پس مردمان برگرد او جمع شدند؛ آنگاه ریسمانهایی برگرفت و آنها را به هم گره زد و گرداگرد کالاها بر زمین افکند و گفت: «هیچ کس حق ندارد به آن سوی این ریسمان برود». پس در پشت ریسمان نشستیم و علی داخل آن شد و گفت: «سران هفت محله (کوفه) کجایند؟»، آنان نزد او آمدند، و این جوال به آن جوال و آن جوال به این جوال کردند تا چنان شد که هر چه بود به هفت بخش تقسیم شد. کلیب گوید: علی با کالاها قرص نانی یافت و آن را هفت بخش کرد و بر روی هر یک از تقسیمات هفتگانه تکه ای از آن نهاد، سپس این شعر را خواند:

- این است میوه چیده من و بهترینش در آن است؛ درحالی که هر چینندهای دستش به سوی دهانش است.

آنگاه بر اموال تقسیم شده قرعه انداختند و سران هر یک از قبایل قوم خود را فرا میخواند و آنان نیز جوالهای پر از کالا را حمل مینمودند.

ص: 101

باب دهم : نوادر

روایات:

1. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: با مردم حبشه ترک خصومت کنید مادامی که با شما ترک خصومت کنند؛ سوگند به کسی که جانم در دست اوست، گنج کعبه را کسی جز مردی از حبشه که دارای ساقهای باریک است خارج نمیسازد.(1)

2. قرب الإسناد: ریّان گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله هنگامی که سپاهی را به سوی مکانی روانه میکرد، یکی از امیران فرماندهی سپاه را به عهده میگرفت، آنگاه پیامبر از افراد مورد اعتماد خود کسانی را مأمور میکرد تا اخبار سپاه را به صورت پنهانی به وی اطّلاع دهند.(2)

3. قرب الإسناد: از بزنطیّ روایت شده که گفت: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا هیچ یک از یاران شما به ساختن اسلحه مشغول است؟ من گفتم: یکی از یاران ما (زرّاد: زره ساز) است. امام فرمود: بلکه او (سرّاد: زره ساز) است، آیا کلام خداوند عزّ و جلّ را در مورد داوود علیه السلام نخواندهای که میفرماید: «أن اعمل سابغات و قدّر فی السّرد»(3)

{به ساختن زرههای گشاده مشغول باش و حلقهها را پشت سر هم و مرتّب قرار ده}، و (قدّر فی السرد) یعنی: حلقهای از پس حلقه دیگر را متناسب کن.(4)

1- . قرب الاسناد: 40
2- . قرب الإسناد: 148
3- . سبأ / 11
4- . قرب الإسناد: 160

4. الخصال: از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: بهترین یاران من چهار نفر، بهترین گروه لشکریان چهار صد نفر و بهترین ارتشها چهار صد هزار نفر است، و هر گز دوازده هزار نفر از لشکریان به خاطر اندک بودنِ تعداد، پذیرای شکست نمیگردند آنگاه که صبر پیشه سازند و در نیّت خود صادق باشند.(1)

5. الخصال: امام علی علیه السلام فرموده است: روز سه شنبه، روز جنگ و خونریزی است.(2)

6. أمالی الطوسی: ازحذیفه بن یمان روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: قوم تُرک را تا زمانی که با شما نجنگیدهاند رهایشان کنید، زیرا کسی که ملک امت من و نعمتهایی را که خدا به امت من داده، غارت کند، بنو قنطورا بن کرکر میباشند.(3)

7. علل الشرایع: امام صادق از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: با قوم تُرک تا زمانی که با شما وارد جنگ نشدهاند رهایشان کنید، چرا که دشمنی ایشان سخت و پست است.(4)

1- . الخصال 1 : 133
2- . الخصال 2 : 147
3- . أمالی الطوسی 1 : 5
4- . علل الشرایع: 603

باب یازدهم : ایستادن در مقابل دشمن و پاسداری از قلمرو اسلام

آیات:

- یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا.(1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید }.

- وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّهٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّکُمْ وَآخَرِینَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ یَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَیْءٍ فِی سَبِیلِ اللَّهِ یُوَفَّ إِلَیْکُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ.(2)

{و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت }.

روایات:

1. قرب الإسناد: محمّد بن عیسی گوید: من و یونس بن عبدالرحمن به درگاه امام رضا علیه السلام آمدیم حال آنکه قوم دیگری پیش از ما آنجا بودند و اجازه ورود میخواستند، ما نیز پس از آنان اجازه ورود خواستیم، آنگاه حاجب درگاه خارج شد و گفت: وارد شوید، یونس و کسانی که از آل یقطین هستند نیز پس از این قوم وارد شدند و ما پس از آنان منتظر ماندیم، و طولی نکشید که خارج شدند و به ما اجازه داده شد که وارد شویم، وارد شدیم و بر امام درود فرستادیم، امام به درود ما پاسخ گفت و امر فرمود که بنشینیم. یونس بن عبد الرحمن به امام گفت: ای

1- . آل عمران / 200
2- . انفال / 60

سرورم، آیا اجازه میدهید از شما سؤالی بپرسم؟ امام فرمود: بپرس، یونس گفت: مرا از احوال مردی از اینان (مخالفان) آگاه ساز که از دنیا میرود و وصیت میکند که از میان اموال او یک اسب، هزار درهم و یک شمشیر به شخص دیگری داده شود تا به جای او به مقابله با دشمن بپردازد و در یکی از مرزهای سرزمین اسلام پیکار کند، امّا وصیّ آن مرد عمداً تمام اموال مذکور را به یکی از یاران ما ببخشد. او نیز آن اموال را پذیرفت در حالی که نمیدانست اوضاع چنین است، نظر شما چیست؟ آیا جایز است که به جای آن مرد در یکی از مرزهای سرزمین اسلام به مقابله و پیکار با دشمن بپردازد؟ امام فرمود: آنچه را از وصیّ دریافت نموده به او بازمیگرداند و به پیکار نمیپردازد، چرا که هنوز وقت آن نرسیده است. یونس گفت: او وصیّ را نمیشناسد و از مکانش آگاه نیست؟ امام فرمود: باید درباره وصیّ و مکان او جستجو کند، یونس گفت: دربارهاش جستجو کرده ولی او را نیافته است، باید چه کاری انجام دهد؟ امام فرمود: اگر چنین است به پاسداری از قلمرو اسلام میپردازد ولی پیکار نمیکند. یونس گفت: اگر در حال حفاظت از مرز، دشمن به او حمله کند و نزدیک باشد که وارد خانهاش (قلمرو اسلام و محدوده او) شود، باید چه کاری انجام دهد، آیا اجازه دارد با دشمن پیکار کند یا خیر؟ امام رضا علیه السلام فرمود: اگر اوضاع این گونه باشد، به دفاع از اینان (مخالفان) پیکار نمیکند، بلکه در دفاع از قلمرو اسلام میجنگد، چرا که با از دست رفتن قلمرو اسلام، ذکر و یاد محمّد صلّی الله علیه و آله از میان خواهد رفت. یونس گفت: عموی شما زید در بصره قیام کرده و مرا میطلبد و از او در امان نیستم، به نظر شما من باید چکار کنم؟ آیا به سوی بصره حرکت کنم یا کوفه؟ امام فرمود: به کوفه برو، وقتی که... به بصره برو. محمد بن عیسی گوید: از نزد امام بازگشتم حال آنکه معنای « وقتی که..» را درک نکردیم، تا زمانی که به قادسیه رسیدیم و مردم شکست خوردهای آمدند که قصد ورود به بادیه (بیابان) را داشتند، و ابوالسرایا نیز فرار کرد و هرثمه وارد کوفه شد. در قادسیه گروهی از علویان را مشاهده نمودیم که به سوی حجاز در حرکت بودند. یونس به

من گفت: «وقتی که..» به معنای اوضاعی است که مشاهده میکنی؛ آنگاه یونس از کوفه به سوی بصره حرکت کرد و با پیشآمد بدی روبرو نشد.(1)

میگویم: نظیر این روایت در باب اقسام جهاد ذکر گردید.

1- . قرب الإسناد: 150

باب دوازدهم : جزیه و احکام مربوط به آن

آیات:

-

وَمَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلَامِ دِیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخَاسِرِینَ.(1)

{و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است}.

- قَاتِلُوا الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَلَا یُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا یَدِینُونَ دِینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ حَتَّی یُعْطُوا الْجِزْیَهَ عَنْ یَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ.(2)

{با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی آورند و آنچه را خدا و فرستاده اش حرام گردانیده اند حرام نمی دارند و متدین به دین حق نمی گردند کارزار کنید تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند}.

روایات:

1. تفسیر علی بن ابراهیم: از زراره روایت شده که گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مقدار جزیه بر اهل کتاب از یهود و نصاری و مجوس چقدر است و آیا مقداری دارد که از آن تجاوز نتوان کرد؟ حضرت فرمود: مقدار آن منوط است به امام صلوات اللّه علیه که از هر که هر چه مصلحت می داند اخذ می کند به قدر مال او و به قدر توانائی او، زیرا که اهل ذمه جمعی اند که مستحق قتلند و جان خود را می خرند به دادن جزیه که ایشان را برده نکنند یا نکشند؛ پس هر چه مقدور ایشان

1- . آل عمران / 85
2- . توبه / 29

باشد می باید بدهند و بر امام است که از ایشان بگیرد و کار را بر ایشان تنگ کند تا مسلمان شوند زیرا که حق سبحانه و تعالی فرموده است: «حتّی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون»(1) {تا با [کمالِ] خواری به دست خود جزیه دهند} گفتم: چگونه با خواری است در حالی که به آنچه از او گرفته میشود اهمیتی نمیدهد؟ فرمود: نه [امام می تواند آن قدر از آنها بگیرد] تا از آنچه از ایشان می گیرند خواری را احساس کنند و به درد آیند تا مسلمان شوند.(2)

2. تفسیر العیاشی: نظیر این حدیث از زراره روایت شده است.(3)

3. قرب الإسناد: از علی روایت شده که گفت: از برادرم علیه السلام پرسیدم: حکم شخصی یهودی، مسیحی و یا مجوسی که در حال ارتکاب زنا یا شرب خمر بازداشت میشود چیست؟ فرمود: حکم اجرا شده درباره چنین شخصی همان حکم اجرا شده درباره مسلمانان خواهد بود آنگاه که در سرزمینی از سرزمینهای مسلمانان مرتکب چنین اعمالی شوند، و یا در غیر سرزمین مسلمانان چنین اعمالی را انجام دهند و قضاوت را نزد قاضیان مسلمانان بیاورند. همچنین از وی پرسیدم: آیا جایز است که یهودیان، مسیحیان و مجوسیان در دار الهجره (مدینه) ساکن شوند؟ فرمود: اگر قصد سکونت داشته باشند جایز نیست، ولی اجازه دارند روزانه در مدینه اقامت گزینند و شبانه از آن خارج شوند.(4)

4. الخصال: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: پرداخت جزیه بر زنان واجب نیست.(5)

5. أمالی الطوسی: امام رضا از پدرانش و آنان نیز از امام سجاد علیهم السلام روایت کردهاند که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: با مجوسیان همانند اهل کتاب رفتار کنید.(6)

1- . توبه/29
2- . تفسیر علی بن ابراهیم: 264
3- . تفسیر العیاشی 2 : 55
4- . قرب الإسناد: 112
5- . الخصال 2 : 374

6- . أمالى الطوسى 1 : 375

6. أمالی الطوسی: از ام سلمّه روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله هنگام وفات وصیّت فرمود که یهودیان از جزیره العرب خارج شوند، سپس فرمود: در تعامل با مسیحیان تقوای خدا پیشه سازید، چرا که بر آنان غلبه خواهید کرد و در راه انجام اوامر الهی برای شما به منزله یاریگر و پشتیبان خواهند بود.(1)

7. علل الشرایع: از زهریّ روایت شده که از امام سجاد علیه السلام پرسیدم: چگونه زنان از پرداخت جزیه معاف شدهاند؟ امام فرمود: چون رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله از کشتن زنان و اولاد نابالغ ایشان در دار حرب نهی فرمود مگر آن که زنان جنگ کنند و اگر جنگ کنند نیز تا امکان دارد و خوف فسادی نیست ایشان را مکش (که اگر خوف فساد باشد می توان کشت) پس وقتی آن حضرت فرمود که در دار الحرب ایشان را مکش نکشتن ایشان در دار اسلام به طریق اولی لازم خواهد بود و اگر زنان جزیه ندهند ایشان را نمی توان کشت و چون نمی توان کشت، جزیه از ایشان نمی توان گرفت و اگر مردان ندهند و از دادن جزیه ابا کنند عهد و امان ایشان شکسته می شود و خون ایشان حلال می شود و واجب القتل می شوند زیرا که قتل مردان در دار الشرک حلال است. و نیز برزمینگیران اهل ذمه، نابینا، پیرمرد کهنسال جزیه نیست، زیرا نمیتوان آنان را کشت، چرا که رسول خدا از کشتن زمینگیر، نابینا، پیرمرد کهنسال و زنان و بچههای نابالغ در دار الحرب نهی کرده است به همین خاطر از پرداخت جزیه معاف شدهاند.(2)

8. علل الشرائع: از فضل بن عثمان روایت شده که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ کودکی متولد نمیشود مگر آنکه بر فطرت پاک قرار دارد، این پدر و مادرش هستند که او را به آیین یهودیّت، مسیحیّت یا مجوسیّت در میآورند، همانا رسول خدا صلّی الله علیه و آله فقط به اهل کتاب آن روزگار امان داد و از آنان جزیه دریافت نمود به شرط اینکه فرزندان خود و دیگران را به آیین یهودیّت و

1- . أمالی الطوسی 2 : 18
2- . علل الشرایع: 376

مسیحیّت در نیاورند، امّا فرزندان آنان و اهل ذمّه در این دوران از هیچ ضمانت و امانی برخوردار نیستند.(1)

9. علل الشرائع: زراره از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله از اهل کتاب جزیه دریافت نمود به شرط اینکه ربا و گوشت خوک نخورند و با خواهر، دختر برادر و دختر خواهر خود ازدواج نکنند، پس هر کسی از آنان که مرتکب این اعمال میشد از عهد و امان خدا و رسولش خارج میگشت، و فرمود: آنان از هیچ عهد و امانی برخوردارنیستند.(2)

10. التوحید: از أصبغ روایت شده که امیر مؤمنان علیه السلام به قصد خطبه خواندن برخاست و فرمود: از من سؤال بپرسید قبل از آنکه از وجودم محروم گردید. پس اشعث برخاست و از امام پرسید: چگونه از مجوسیان جزیه دریافت میگردد حال آنکه هیچ کتاب آسمانی بر آنها نازل نشده و هیچ پیامبری در میان آنها مبعوث نگردیده است؟

امام فرمود: آری ای اشعث، به راستی که خداوند کتاب آسمانی بر آنها نازل فرمود و پیامبری را در میانشان برانگیخت، تا جایی که آنان پادشاهی داشتند که شبی خمار گشت و دختر خویش را به بسترش فرا خواند و با او همبستر گردید. صبحگاهان قوم او از این خبر آگاه گشتند. پس در بارگاه پادشاه گرد آمدند و گفتند: ای پادشاه، دینمان را آلوده و نابود کردی، بنابراین خارج شو تا تو را پاک گردانده و حد را بر تو اجرا نماییم. پادشاه به آنان گفت: گرد آیید و سخنان مرا بشنوید، اگر راهی برای تبرئه شدن از آنچه مرتکب شدهام وجود داشته باشد مرا عفو کنید، در غیر این صورت حکم با شما است. آنگاه مردم گرد آمدند و پادشاه به آنان گفت: آیا میدانستید که خداوند متعال هیچ آفریدهای را گرامیتر از پدرمان آدم و مادرمان حوّا نزد خود نیافریده است؟ گفتند: ای پادشاه راست میگویی. گفت: آیا پسرانش را به ازدواج دخترانش و دخترانش را به ازدواج پسرانش در نیاورد؟ گفتند: راست میگویی، این از رسومات دین است، پس بر این نکته تفاهم کرده و پیمان بستند، و

1- . علل الشرائع: 376
2- . علل الشرائع: 376

خداوند دانشی که در سینههایشان بود را محو نمود و کتاب آسمانی از میان آنها برداشته شد، پس آنان کافرانی هستند که بدون حساب وارد آتش جهنم میگردند، و حال منافقان از این کافران وخیمتر است؛ تا آخر حدیث. (1)

11. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله به فرود آمدن بر اهل ذمّه امر کرده و فرمود: آنگاه که قائم ما ظهور کند، مالیات و خراج زمین از میان برداشته میشود.(2)

12. قرب الإسناد: امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت کرده که فرمود: مسلمانان در سفرها و هنگام نیازمندی بر اهل ذمّه فرود میآیند، در حالی که مسلمان جز با اجازه مسلمان بر او فرود نمیآید.(3)

13. المحاسن: از حفص ابن غیاث روایت شده که گفت: از امام صادق علیه السلام در باره زنان یهودی، مسیحی و مجوسی پرسیدم و اینکه چگونه پرداخت جزیه از گردن آنها ساقط و برداشته شد؟ امام فرمود: چون رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله از کشتن زنان و اولاد نابالغ ایشان در دار حرب نهی فرمود مگر آن که زنان جنگ کنند و اگر جنگ کنند نیز تا امکان دارد و خوف فسادی نیست ایشان را مکش (که اگر خوف فساد باشد می توان کشت) پس چون آن حضرت فرمود که در دار الحرب ایشان را مکش، نکشتن ایشان در دار اسلام به طریق اولی لازم خواهد بود و اگر زنان جزیه ندهند ایشان را نمی توان کشت و چون نمی توان کشت، جزیه از ایشان نمی توان گرفت و اگر مردان ندهند و از دادن جزیه ابا کنند عهد و امان ایشان شکسته می شود و خون ایشان حلال می شود و واجب القتل می شوند زیرا که قتل مردان در دار الشرک حلال است. و نیز برزمینگیران اهل ذمه، نابینا، پیرمرد کهنسال جزیه نیست، زیرا نمیتوان آنان را کشت، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله از

1- . توحید الصدوق: 250
2- . قرب الإسناد: 39
3- قرب الإسناد: 62

کشتن زمینگیر، نابینا، پیرمرد کهنسال و زنان و بچههای نابالغ در دارالحرب نهی کرده است به همین خاطر از پرداخت جزیه معاف شدهاند.(1)

14. تفسیر العیاشی: جعفر بن محمد از پدرش روایت کرده که فرمود: همانا خداوند متعال محمد صلّی الله علیه و آله را به همراهی پنج شمشیر مبعوث گردانده است، شمشیری از آنها به منظور استفاده از آن در مقابل اهل ذمّه نازل شده است، خداوند متعال فرموده است: «و قولوا للناس حسناً» {با مردم به نیکی سخن بگویید}، این آیه در مورد اهل ذمه نازل شده است، سپس این فرموده خداوند: «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و بالیوم الآخر.....هم صاغرون» { با کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند پیکار کنید... تا با [کمالِ] خواری به دست خود جزیه دهند}، آن را نسخ کرده است. پس هر یک از آنان که در سرزمین اسلام حضور داشته باشد چیزی جز پرداخت جزیه یا کشته شدن از او پذیرفته نمیشود، و اموال آنان گرفته میشود و فرزندان آنها به اسارت گرفته میشود، و هنگامی که پرداخت جزیه را بپذیرند، نکاح و خوردن گوشت حیوان ذبح شده دست آنان برای ما حلال نمیگردد، و چیزی جز پرداخت جزیه یا کشته شدن از آنان پذیرفته نیست.(2)

15. تفسیر امام عسکری علیه السلام: امام عسکری علیه السلاه فرموده است: «ودّ کثیر من أهل الکتاب لو یردّونکم من بعد إیمانکم کفّراً» {بسیاری از اهل کتاب آرزو می کردند که شما را بعد از ایمانتان کافر گردانند}، به وسیله شبهاتی که بر شما عرضه میکنند؛ «حسداً من عند أنفسهم» { از روی حسدی که در وجودشان بود} به خاطر حسادتی که به شما دارند زیرا به واسطه محمد و علی و اهل بیت مطهر ایشان علیهم السلام، شما را گرامی داشته است «من بعد ما تبیّن لهم الحق» {پس از اینکه حق برایشان آشکار شد} با معجزاتی که پس از آن، بر راستیِ محمد و فضیلت علی و اهل بیت مطهر ایشان دلالت میکردند، «فاعفوا و اصفحوا» {پس عفو کنید و درگذرید} از جهل آنان، و با استناد به حجتهای الهی با آنان روبه رو شوید و افکار باطلشان را دفع نمایید، «حتّی یأتی الله بأمره» { تا خدا فرمان خویش را

1- . المحاسن: 327
2- . تفسیر العیاشی 2 : 85

بیاورد} در مورد آنان امر به کشتنشان در روز فتح مکه، پس در آن هنگام شما آنان را از سرزمین مکه و جزیره العرب کوچشان خواهید داد و هیچ کافری را در آن ساکن نخواهید کرد.(1)

16. کتاب الغارات: از امام علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که با آنان در یک مسیر قرار گرفتید، آنان را در تنگناهای آن قرار داده و خوارشان گردانید بدون اینکه در موردشان ستمی روا دارید، آن گونه که خداوند آنان را خوار گرداند.

17. کتاب الإمامه و التبصره: امام صادق از پدرش از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: بدترین یهودیان، یهودیان بیسان هستند و بدترین مسیحیان، مسیحیان نجران.(2)

1- . تفسیر العسکری علیه السلام: 212 چاپ تبریز سال 1314، و ص 196 چاپ سال1313 با تفاوتی اندک.
2- . بیسان: شهری در اردن در غور شام بین حوران و فلسطین، نجران: از توابع یمن از جانب مکه.

امر به معروف و نهی از منکر و احکام مربوط به آن

باب اول : وجوب امر به معروف و نهی از منکر و فضیلت آن

آیات:

- وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.(1)

{ باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند }.

- كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.(2)

{شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید }.

- يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ.(3)

{از کار ناپسند باز می دارند و در کارهای نیک شتاب می کنند و آنان از شایستگانند }.

- فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا.(4)

{پس از آنان روی برتاب و[لی] پندشان ده و با آنها سخنی رسا که در دلشان [مؤثر] افتد بگوی }.

- لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.(5)

1- . آل عمران / 104
2- . آل عمران / 110
3- . آل عمران / 114
4- . نساء / 63
5- . مائده / 63

{چرا الهیون و دانشمندان آنان را از گفتار گناه[آلود] و حرامخوارگی شان باز نمی دارند راستی چه بد است آنچه انجام می دادند}.

- کَانُوا لَا یَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْکَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا کَانُوا یَفْعَلُونَ.(1)

{[و] از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند یکدیگر را بازنمی داشتند راستی چه بد بود آنچه می کردند}.

- وَإِذَا رَأَیْتَ الَّذِینَ یَخُوضُونَ فِی آیَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّی یَخُوضُوا فِی حَدِیثٍ غَیْرِهِ وَإِمَّا یُنْسِیَنَّکَ الشَّیْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّکْرَی مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ*وَمَا عَلَی الَّذِینَ یَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَیْءٍ وَلَکِنْ ذِکْرَی لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ*وَذَرِ الَّذِینَ اتَّخَذُوا دِینَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَیَاةُ الدُّنْیَا وَذَکِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا کَسَبَتْ لَیْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِیٌّ وَلَا شَفِیعٌ.(2)

{و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می روند از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت پس از توجه [دیگر] با قوم ستمکار منشین، و چیزی از حساب آنان [=ستمکاران] بر عهده کسانی که پروا[ی خدا] دارند نیست لیکن تذکر دادن [لازم] است باشد که [از استهزا] پرهیز کنند، و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفته است رها کن و [مردم را] به وسیله این [قرآن] اندرز ده مبادا کسی به [کیفر] آنچه کسب کرده به هلاکت افتد در حالی که برای او در برابر خدا یاری و شفاعتگری نباشد}.

- ثُمَّ ذَرْهُمْ فِی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ.(3)

{آنگاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند}.

- فَذَرْهُمْ وَمَا یَفْتَرُونَ.(4)

1- . مائده / 79
2- . انعام / 68 - 70
3- . انعام / 91
4- . انعام / 112

{ پس آنان را با آنچه به دروغ می سازند واگذار }.

- يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ.(1)

{آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد }.

- وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ* فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ.(2)

{و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند برای چه قومی را که خدا هلاک کننده ایشان است یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد پند می دهید گفتند تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد و شاید که آنان پرهیزگاری کنند، پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند از یاد بردند کسانی را که از [کار] بد باز می داشتند نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند به سزای آنکه نافرمانی می کردند به عذابی شدید گرفتار کردیم }.

-

وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِينَ.(3)

{و به [کار] پسندیده فرمان ده، و از نادانان رُخ برتاب. }

- الْمُنافِقُونَ وَ الْمُنافِقاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ.(4)

{مردان و زنان دو چهره، [همانند] یکدیگرند. به کار ناپسند وامی دارند و از کار پسندیده باز می دارند. }

- وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ .(5)

ص: 116

1- . اعراف / 157

2- . اعراف / 164 و 165

3- . اعراف / 199
4- . توبه / 67
5- . توبه / 71

{و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وا می دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند. }

-

فَلَوْ لا کانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِکُمْ أُولُوا بَقِیَّهٍ یَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسادِ فِی الْأَرْضِ إِلَّا قَلِیلاً مِمَّنْ أَنْجَیْنا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِینَ ظَلَمُوا ما أُتْرِفُوا فِیهِ وَ کانُوا مُجْرِمِینَ.(1)

{پس چرا از نسلهای پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم. و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند، و آنان بزهکار بودند. }

-

اذْهَبا إِلی فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغی * فَقُولا لَهُ قَوْلاً لَیِّناً لَعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ أَوْ یَخْشی * قالا رَبَّنا إِنَّنا نَخافُ أَنْ یَفْرُطَ عَلَیْنا أَوْ أَنْ یَطْغی * قالَ لا تَخافا إِنَّنِی مَعَکُما أَسْمَعُ وَ أَری.(2)

{به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم گویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد. آن دو گفتند: پروردگارا، ما می ترسیم که [او] آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند. فرمود: مترسید، من همراه شمایم، می شنوم و می بینم. }

-

وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاهِ.(3)

{و کسان خود را به نماز فرمان ده. }

-

الَّذِینَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّکاهَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ.(4)

{همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند، و از کارهای ناپسند باز

می دارند. {

-

یا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اصْبِرْ عَلی ما أَصابَکَ إِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ.(5)

ص: 117

1- . هود / 116
2- . طه /46 - 43
3- . طه / 132
4- . حج / 41
5- . لقمان / 17

{ای پسرک من، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش. این [حاکی] از عزم [و اراده تو در] امور است. }

-

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَهُ.(1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید. }

روایات:

1. المجازات النبویه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: معروف و منکر دو جانشین هستند که برای مردم گمارده می شوند. منکر به اهل خویش می گوید: دور شوید دور شوید! و معروف به اهل خویش می گوید: بشتابید! بشتابید!. و به آن(منکر) قادر نیستند مگر به طور لزوم.

این قول مجاز است و مراد از آن این است که خداوند تعالی برای عمل معروف و پسندیده نشانه هایی و بر عمل منکر و ناپسند نیز نشانه هایی قرار داده و بر انجام معروف وعده ورود به سرای نعیم و بر انجام منکر وعده جاودانگی در سرای جحیم را داده. در نتیجه بین این دو مسئله حائلی مشخص و حد فاصلی روشن است، معروف به کار خویش فرا می خواند به سبب وعده پاداشی که بر انجام آن داده شده و همین طور منکر نیز از کار خویش باز می دارد به سبب وعده کیفری که بر انجام آن داده شده، بدین روی حضرت ختمی مرتبت صلوات الله علیه و آله فرموده: منکر به اهل خویش می گوید: دور شوید! دور شوید! به طریق اتساع و مجاز و مراد از قول بعدی حضرت «و ما یستطیعون له إلا لزوما» این است که آنها با وجود انذارهای کوبنده و حوادث تغییر دهنده و هشدارهای بازدارنده و وعیدهای رسا، برای انجام آن با یکدیگر درگیر می شوند و برای وارد شدن به آن می شتابند و منظور این نیست که آنها حقیقتا نمی توانند آن را انجام دهند مگر به لزوم، بلکه این سخن به

1- . تحریم / 6

سبیل مبالغه در توصیف آنان به کشیده شدن به سوی انجام آن و اصرار بر آن گفته شده، چنانچه گوینده می گوید: نمی توانم به فلانی بنگرم یا نمی توانم با فلانی در یک جا جمع شوم، وقتی قصد مبالغه در شدت کینه ورزی خود به آن انسان و سنگینی دیدار او و بیزاری از هم نشینی با او را داشته باشد، هر چند که در حقیقت با ابزارهای صحیح و با تغییر اراده [و آراستن کلام] خود قادر به این کار باشد؛ و اگر کسانی که در این روایت ذکر شده اند قادر به دست کشیدن از کردار ناپسند نبودند نمی توانستند به سبب نزدیک شدن به آن مورد نکوهش قرار گیرند و به ارتکاب آن مؤاخذه شوند و این امر واضح تر از آن است که بخواهیم در مورد آن بحث کنیم و بیش از این برای آن دلیل و برهان بیاوریم.(1)

2. الهدایه: امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه واجب از جانب خدای عزوجل هستند. بنده در صورت امکان باید منکر را با قلب و زبان و دست خویش انکار کند، پس اگر از عهده این کار بر نیامد با قلب و زبان خویش و اگر نتوانست با قلب خویش می باید آن را انکار کند.

3. امام صادق علیه السلام فرمود: همانا - دو کس - امر به معروف و نهی از منکر می شوند: یکی مؤمن که پند می گیرد و دیگری جاهل که می آموزد، ولی صاحب تازیانه و شمشیر، هرگز مورد امر و نهی قرار نمی گیرد !(2)

4. المجازات النبویه: حضرت علیه السلام به اصحاب خویش فرمود: قطعا به معروف دستور می دهید و از منکر باز می دارید یا اینکه خداوند پوستتان را بکند همچنان که من پوست چوب دسته عصای خویش را کندم.

در این کلام موضع استعاره ای وجود دارد و آن قول حضرت «أو لیلحینکم الله» است و مراد این است که به یقین خداوند جان و مال هایتان را خواهد گرفت و شما را به مصیبت های بزرگ دچار خواهد ساخت، در این هنگام چونان شاخه هایی می گردید که برگ هایشان فروریخته و پوست ها و الیافشان کنده شده و به شاخه هایی عریان و چوب هایی خالی تبدیل شده اند. اعراب به کسی که زمانه مالش را به تاراج

1- . المجازات النبویه: 211

2- . الهدایه: با اندکی تفاوت

برده یا فرزندان و یارانش را گرفته، می گویند: «قد لحاه الدهر لحی العصا [=روزگار پوستش را همچون پوست عصا کنده]» زیرا فرزندان و خدمتکارانی که بدو ملحق شده بودند و جامه نعمتی که به زندگانیش کشیده شده بود، به مثابه پوسته چوب و برگ شاخه تازه بود، که اگر اینها همه از او گرفته شود چونان چوبی عریان و شاخه ای خشک و پژمرده می گردد.(1)

5. امالی صدوق: امام باقر علیه السلام فرمود: سالی از سالی کم باران تر نیست ولی خدا آن را هر جا خواهد ببارد. به راستی چون مردمی نافرمانی کنند خدای جل جلاله آنچه باران برای آنها مقدر است در آن سال از آنها به دیگران گرداند و به بیابان ها و دریا و کوه ببارد، به راستی خدا سوسک را در سوراخش به خطای کسانی که در محل اویند، با حبس باران از آن مکان عذاب کند؛ چون می تواند از آنجا به محل دیگری که اهل معصیت نباشند، نقل مکان کند. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: عبرت گیرید ای صاحبان بصیرت و فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون زنا پدیدار شود مرگ ناگهانی فراوان گردد و چون کم فروشی شود خدا قحطی و کم زراعتی آرد و چون زکات ندهند زمین در زراعت و میوه و معادن برکت ندهد و چون به ناحق حکم کنند بر ستم و دشمنی همکاری کرده اند و چون پیمان بشکنند خدا دشمنشان را بر آنها مسلط کند و چون قطع رحم کنند خدا مال را به دست بدان دهد و چون امر به معروف و نهی از منکر نکنند و پیرو نیکان خاندان من نشوند خدا بدان آنها را بر آنها مسلط کند و نیکانشان دعا کنند و مستجاب نکند.(2)

6. تفسیر قمی: از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود: اولین جهادی که به سوی آن برگردانده می شوید جهاد با دست است، سپس جهاد با قلب، کسی که قلبش معروفی نشناسد و منکری را انکار نکند قلبش وارونه می گردد و زیر و رو می شود و هرگز خیری را نخواهد پذیرفت.(3)

1- . المجازات النبویه: 227
2- . امالی صدوق: 308، در ثواب الأعمال: 225 نیز آن را روایت کرده است.

3- . با وجود جستجوی مکرر راجع به این مطلب، آن را در منبع نیافتیم.

7. تفسیر قمی: از فضیل بن فیاض روایت شده که از امام صادق علیه السلام در مورد پارسایی پرسش نمودم، حضرت فرمود: کسی که از محارم خداوند روی گرداند و از این شبهات دوری جوید پارساست و چون از شبهات نهراسد در حرام درافتد و حال آنکه خود نمی داند و چون منکر را بیند و آن را انکار نکند و حال آنکه بر انکار قادر باشد، در واقع دوست داشته نافرمانی خدا را کند و هر کس بخواهد نافرمانی خدا را کند قطعاً به دشمنی خداوند برخاسته و هر کس بقای ستمکاران را دوست بدارد در حقیقت دوست دار نافرمانی خداست. خداوند تبارک و تعالی نیز خود را به نابودی ستمکاران ستایش کرده و فرموده است: «فَقُطِعَ دابِرُ الْقَوْمِ الَّذِینَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» (1) {پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است. }. (2)

8. معانی الأخبار: از اصبهانی نظیر آن روایت شده است. (3)

9. تفسیر عیاشی: از ابن عیاض نظیر آن روایت شده است. (4)

10. تفسیر قمی: بکر بن محمد ازدی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: ای مردم! به کار پسندیده امر کنید و از کار ناپسند بازدارید، چرا که امر به معروف و نهی از منکر اجلی را نزدیک و روزی ای را دور نگردانند؛ زیرا امر الهی با زیادی یا نقصانی که خداوند در اهل یا مال یا جان مقدر فرموده، همچون قطره باران هر روز از آسمان به زمین به هر نفسی نازل می شود و چون یکی از شما به مصیبتی در مال یا جان دچار گشت و در برادرش زیادتی دید برای او فتنه نگردد؛ چرا که انسان مسلمان تا زمانی که به یک پستی و زشتکاری آلوده نشود که روشن گردد و چون نام آن برده شود از آن چشم فرو نهد و مردم پست را به واسطه آن پستی فریب دهد، همچون قمار بازی است که در قمار برنده است و در انتظار برد تیرهای خود است که این کار غنیمت را از برای آن واجب می گرداند و به سبب بردن

1- . انعام / 45
2- . تفسیر علیّ بن ابراهیم: 188
3- . معانی الأخبار: 252 و آیه آن در سوره انعام / 44 است.
4- . تفسیر عیاشی 1 : 360

کوشش[غرامت] را از او دفع می کند. و مثل همین قمارباز است مرد مسلمان که از خیانت و دروغ بری است و از جانب خداوند یکی از این دو حالت نیک را انتظار می کشد: یا خدا را می خواند که آنچه نزد خداست برای او بهتر است و یا از خدا روزی می طلبد پس ناگاه صاحب اهل و مال می شود در حالتی که دین و حسب او و با اوست؛ مال و اولاد کِشت این دنیایند، و عمل صالح کِشت آخرت است. و گاهی خداوند این دو کِشت را از برای گروهی جمع می فرماید.(1)

11. کتاب حسین بن سعید و النوادر: امیر المؤمنین علیه السلام خطبه ای ایراد فرمود و پس از حمد و ثنای خداوند پسر عموی بزرگوارش محمد صلی الله علیه و آله را یاد کرد و بر آن جناب درود فرستاد، سپس فرمود: اما بعد، کسانی که پیش از شما بودند به سبب گناهانی که مرتکب شده بودند هلاک گشتند و الهیّون و دانشمندان آنان را از این کار بازنداشتند. از آنجا که کارشان با معصیت به پایان رسید کیفرها بر آنان فرود آمد، پس امر به معروف و نهی از منکر کنید... و حدیث را تا آخر آنچه گذشت ادامه داد.(2)

12. تفسیر قمی: ابو بصیر می گوید: از ابا عبدالله امام صادق علیه السلام درباره این قول خدای عزوجل: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَةُ»(3)

{خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ هاست حفظ کنید.} پرسش کردم و گفتم: من این نفس خود را حفظ می کنم، ولی چطور کسانم را حفظ کنم؟ فرمود: آنان را به آنچه خداوند بدان امرشان فرموده، دستور می دهی و از آنچه خداوند از آن بازشان داشته باز می داری، اگر از تو فرمان بردند آنان را حفظ کرده ای و اگر نافرمانیت کنند تو وظیفه خویش را انجام داده ای.(4)

13. کتاب حسین بن سعید و النوادر: نضر مثل آن را روایت کرده است.(5)

1- . تفسیر علی بن ابراهیم: 397
2- . کتاب الزهد حسین بن سعید، باب امر به معروف و نهی از منکر : 82(نسخه خطی)

3- . تحریم / 6
4- . تفسیر علی بن ابراهیم: 688
5- . کتاب الزهد، باب الأدب و الحض علی الخیر: 10(نسخه خطی)

14. قرب الإسناد: از امام صادق از پدر بزرگوارش علیهما السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چگونه می شوید اگر زنانتان بدکاره و جوانانتان نابکار گردند و شما به کار پسندیده امر نکنید و از کار ناپسند باز ندارید. عرض شد: چنین چیزی ممکن است ای رسول خدا؟ فرمود: آری و بدتر از آن، چه می کنید اگر به منکر امر کنید و از معروف باز دارید؟ گفتند: ای رسول خدا آیا چنین اتفاقی می افتد؟ فرمود: آری و بدتر از آن، چگونه هستید چون معروف را منکر ببینید و منکر را معروف؟(1)

15. قرب الإسناد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون بنده معصیت پنهانی کند تنها به مرتکب آن زیان می رساند و چون آشکارا آن را انجام دهد و کسی او را سرزنش نکند به عموم مردم زیان می رساند.(2)

16. قرب الإسناد: امام علی علیه السلام فرمود: ای مردم! اگر خواص منکر را پنهانی انجام دهند بی آنکه عوام به آن پی ببرند خداوند عموم مردم را به سبب گناه خواص عذاب نمی کند، اما اگر خواص منکر را آشکارا مرتکب شود و عامه او را سرزنش نکند کیفر خداوند بر هر دو گروه واجب می شود.(3)

17. علل الشرائع: از حمیری نظیر همین روایت ذکر شده است.(4)

18. قرب الإسناد: از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام روایت شده که فرمود: مردی را خدمت امام علی علیه السلام آوردند که طنبور مردی را شکسته بود، حضرت فرمود: او را دور کنید که بی گناه است.(5)

19. الخصال: از ابن صدقه روایت شده است: از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد معنای حدیثی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده: «برترین جهاد گفتن کلمه عدالت در نزد حاکم ستمگر است» سؤال شد. حضرت فرمود: این

1- . قرب الإسناد: 26
2- . قرب الإسناد: 26
3- . قرب الإسناد: 26

4- . علل الشرائع: 522
5- . قرب الإسناد: 26

به شرطی است که او را به اندازه شناختش امر کند و او با این وجود از او بپذیرد در غیر این صورت در مورد آن صدق نمی کند.(1)

20. الخصال: یحیی الطویل از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: همانا - دو کس - امر به معروف و نهی از منکر می شوند: یکی مؤمن که پند می گیرد و دیگری جاهل که می آموزد، ولی صاحب تازیانه و شمشیر، هرگز!(2)

21. الخصال: امام باقر علیه السلام فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو بنده از بندگان خداوند عزوجل هستند، هر کس آن دو را یاری دهد خداوند او را عزت بخشد و هر کس آن دو را تنها بگذارد خداوند تنهایش بگذارد.(3)

22. الخصال: از ابو جعفر امام باقر علیه السلام روایت شده که درباره قول خدای عزوجل «فَلَمَّا نَسُوا ما ذُکِّرُوا بِهِ»(4) {پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند. } [که مربوط به داستان اصحاب سبت از یهودی هاست] فرمود: آنها سه دسته بودند: دسته ای خود فرمان خدا را پذیرفتند و دیگران را هم امر به معروف کردند، آنها نجات یافتند، و دسته ای خود، فرموده خدا را پذیرفتند ولی دیگران را امر به معروف نکردند، آنها به صورت مورچه مسخ شدند، و دسته ای نه فرمان خدا را پذیرفتند و نه امر به معروف کردند، آنها هلاک شدند.(5)

23. الخصال: از امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای مرد از نظر عیب بس است که عیب هایی را از مردم بشناسد که در خودش نمی شناسد و در مردم از چیزی شرم کند که خودش نتواند آن را ترک کند و همنشین خود را با چیزهای غیر مهم اذیت کند.(6)

24. الخصال: از امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام از امام علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به

1- . الخصال 1 : 6

2- . الخصال 1 : 21
3- . الخصال 1 : 25، ثواب الأعمال : 145
4- . انعام / 44
5- . الخصال 1 : 63 و در آن به جای «ذرّ: مورچه» «وزّ: مرغابی» ذکر شده است.
6- . الخصال 1 : 69

معروفی فرا خواند یا از منکری باز دارد یا به کار نیکی راهنمایی یا اشاره کند در آن کار شریک است و هر کس به کردار زشتی فرا خواند یا بدان رهنمون شود یا اشاره کند در آن کار شریک است.(1)

25. علل الشرائع(2)، عیون أخبار الرضا علیه السلام: از ریان بن صلت روایت شده که گفت: عده ای در خراسان به دیدار امام رضا علیه السلام آمدند و محضر مبارکش عرضه داشتند: گروهی از اهل بیت شما هستند که مرتکب کارهای زشت و قبیح می شوند، چرا ایشان را از آن کارها نهی نمی کنید؟ حضرت فرمود: این کار را انجام نمی دهم. محضرش عرض شد: برای چه؟ حضرت فرمود: از پدرم شنیدم که می فرمود: نصیحت دشوار و سخت است.(3)

26. عیون أخبار الرضا علیه السلام: از عبد العظیم حسنی از امام جواد علیه السلام از پدر بزرگوارشان حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: پدرم موسی بن جعفر علیه السلام بر هارون الرشید وارد شد در حالی که هارون بر مردی خشم گرفته بود. حضرت بدو فرمود: اگر او را به جهت خدا غضب کردهای، زیاد از آنچه بر خود غضب کرده است، غضب مکن.(4)

27. عیون أخبار الرضا علیه السلام: در نامه حضرت رضا علیه السلام به مأمون فرموده او: امر به معروف و نهی از منکر در صورت امکان و در صورتی که بیم از جان نرود واجب است.(5)

28. امالی شیخ طوسی: از حسن بن علی بن حسن از پدرش از جدش روایت شده که گفت: گفته می شد: جایز نیست چشم مؤمنی که می بیند خدا معصیت میشود برهم گذاشته شود تا زمانی که آن (معصیت) را تغییر دهد.(6)

1- . الخصال 1 : 90
2- . علل الشرائع: 581
3- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 290
4- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 292
5- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 2 : 125

6- . امالی طوسی 1 : 54 و در این کتاب عبارت (گفته می شود) موجود نیست.

29. امالی شیخ طوسی: از عباده بن صامت از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: فتنه هایی رخ خواهد داد که مؤمن نمی تواند با دست و زبان در آن تغییری ایجاد کند. علی بن ابی طالب علیه السلام عرض کرد: در چنین روزی در میان آنان مؤمنانی خواهند بود؟ فرمود: آری. حضرت عرض کرد: آیا این امر چیزی از ایمان ایشان کم می کند؟ حضرت ختمی مرتبت فرمود: نه، مگر آنچنان که قطره از سنگ سخت میکاهد، آنها قلباً از این امر اکراه دارند.(1)

30. امالی شیخ طوسی: از امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت شده که فرمود: امر به معروف و نهی از منکر را ترک مکنید، که - اگر چنین کنید - خداوند امورتان را به افراد شرور شما واگذار کند و آنگاه به درگاه حق تعالی دعا کنید و دعایتان مستجاب نگردد.(2)

31. معانی الأخبار: امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت فرموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی از مؤمنِ ناتوانی که عقل ندارد بیزار است. سپس فرمود: او کسی است که از منکر باز نمی دارد.

به دست خط برقی رحمه الله یافتم که زبر یعنی: عقل، و مفهوم روایت این است که خداوند عزوجل بیزار است از کسی که عقل ندارد و عده ای گفته اند که خداوند عزوجل از مؤمن ضعیفی که زبر ندارد بیزار است و او کسی است که از بیرون دادن باد در هر مکانی ابا ندارد که معنای اول صحیح تر است.(3)

32. ثواب الأعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر جوان و نوجوانی که در میان افراد خانواده و آشنایان خود بزرگ شود، و به خاطر گناهی که از او سر می زند توسط آنان، نکوهش و مجازات نگردد، خداوند عزوجل نخستین مجازاتی که برایشان در نظر می گیرد، کاستن روزی آنهاست.(4)

1- . امالی طوسی 2 : 88

2- . امالی طوسی 2 : 136، در ضمن حدیثی ذکر شده است.

3- . معانی الأخبار: 344

4- . ثواب الأعمال: 200 و در آخر آن آمده: ایمان را از روزی هایشان بکاهد.

33. ثواب الأعمال: محمد بن عرفه گوید: شنیدم که امام رضا علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، بایستی آماده عذاب خداوند جلّ اسمه باشد.(1)

34. ثواب الأعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر گروهی که در برابر کار زشت و ناشایسته ای که در میان آنان رواج دارد سکوت کنند، یا آن انجام دهنده آن کار زشت را سرزنش نکنند، خداوند به زودی عذاب فراگیر خود را بر آنان فرود خواهد آورد.(2)

35. ثواب الأعمال: از امام جعفر صادق از پدرش علیهما السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تردیدی نیست که اگر بنده ای در پنهان - از اوامر و نواهی حق - نافرمانی کند، پی آمد و زیان آن تنها گریبان گیر خود او خواهد شد. ولی اگر آشکارا چنین کار ناشایسته ای را انجام دهد و مورد سرزنش مردم قرار نگیرد، آثار سوء ناشی از آن، دامنگیر عموم مردم و زیان آن فراگیر خواهد شد. سپس امام صادق علیه السّلام فرمود: و این بدین جهت است که او در واقع با این کار دین خدا را خوار و کوچک شمرده، و خود را در موقعیتی قرار داده است که دشمنان خدا از رفتار او پیروی کنند.(3)

36. ثواب الأعمال: با همین سند امام علی علیه السلام فرمود: ای مردم! مسلّما خداوند عزوجل عموم مردم را به خاطر افراد انگشت شماری که پنهانی گناه می کنند، بی آنکه عموم مردم از آن مطلع گردند، عذاب نفرماید، ولی اگر همان افراد انگشت شمار و ناچیز، آشکارا و در حضور مردم همان گناه را مرتکب گردند و مردم، آنان را به خاطر کار زشتی که می کنند مورد سرزنش قرار ندهند، هر دو گروه مستوجب کیفر و عذاب خداوند می گردند. نیز فرمود: هیچ یک از شما در حالی که سلطان از روی ستم و دشمنی، مردی را می زند، یا بیگناهی را می کشد و یا ستمدیده ای را آزار می کند، اگر در صدد دفاع از او نیستید در آنجا حضور پیدا

1- . ثواب الأعمال: 228

2- . ثواب الأعمال: 233

3- . ثواب الأعمال: 233

نکنید، زیرا یاری رساندن مؤمن به مؤمن هنگامی که - در صحنه - حضور داشته باشد، واجب است، و سلامت و عافیت - برای شما- آسان تر است البته تا زمانی که حجت بر شما تمام شده باشد؛ و نیز فرمود: هنگامی که در میان بنی اسرائیل رخوت و سستی پیدا شد، در چنین شرایطی مردی برادر ایمانی خود را در حال ارتکاب گناه می دید و او را از آن کار زشت باز می داشت ولی آن مرد همچنان به کار خود ادامه می داد، و این نصیحت ناپذیری مانع آن نمی شد که همان شخص پند دهنده، هم پیاله و همنشین و همسفره آن مرد گناهکار باشد!! تا آنکه خداوند - به مکافات این بی تفاوتی و عدم احساس مسئولیت - دل های آنان را نسبت به هم برگرداند و آنان را به دشمنی با یک دیگر واداشت، و این آیات را درباره آنها فرو فرستاد: «لُعِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ بَنِی إِسْرائِیلَ عَلی لِسانِ داوُدَ وَ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ * کانُوا لا یَتَناهَوْنَ عَنْ مُنکَرٍ فَعَلُوهُ»(1) {از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند. این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می کردند. [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند، یکدیگر را بازنمی داشتند. } تا انتهای دو آیه.(2)

37. تحف العقول: از کلام حسین بن علی صلوات الله علیهما در باره امر به معروف و نهی از منکر، که از امیر المؤمنین علیه السّلام نیز این حدیث نقل شده است:

ای مردم! از آنچه خدا دوستداران خود را بدان پند داده، پند گیرید؛ مانند بدگویی او از دانشمندان یهود، آنجا که فرماید: «لَوْ لا یَنْهاهُمُ الرَّبَّانِیُّونَ وَ الْأَحْبارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ»(3) {چرا الهیّون و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه[آلود]شان باز نمی دارند؟ } و فرموده او: «لُعِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ بَنِی إِسْرائِیلَ»(4) {از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، مورد لعنت قرار گرفتند. } تا آنجا که می فرماید:

1- . مائده / 79 - 78

2- . ثواب الأعمال: 233

3- . مائده / 63

4- . مائده / 78

«لَبِئْسَ ما كانُوا يَفْعَلُونَ»(1) {راستی، چه بد بود آنچه می کردند.} همانا، خداوند آنان را مورد نکوهش قرار داده به خاطر اینکه اعمال زشت و فاسد ستمکارانی را که در میانشان بودند مشاهده می کردند ولی به طمع آنچه که از آنان بدیشان می رسید و از بیم اینکه در محذور واقع شوند آنان را از آن اعمال نهی نمی کردند، با اینکه خدا می فرماید: «فَلا تَخْشَوُا النّاسَ وَ اخْشَوْنِ »(2) {و از مردم نترسید و از من بترسید.} و فرموده او: «الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»(3) {مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند.}

خدا به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه از جانب خود آغاز سخن کرده؛ چرا که می دانست اگر این فریضه به اجرا درآید و برپا گردد، واجبات دیگر از هموار و دشوار برپا گردند؛ این به خاطر آن است که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است همراه با ردّ مظالم و مخالفت با ظالم و تقسیم بیت المال و غنائم جنگی و گرفتن صدقات از محلّ خود و صرف آن در مورد خود. سپس شما، ای گروه پرقدرت، افرادی هستید معروف به علم و دانش و نامدار به خوبی و خیرخواهی و به واسطه خدا در دل مردم عظمت یافتید، به طوری که شخص شریف از شما حساب می برد و شخص ضعیف شما را گرامی می دارد و آن کسی که پایه او با شما یکی است و حقّ نعمتی از شما بر گردن او نیست، شما را بر خود ترجیح می دهد. هر گاه حاجتمندان از دست یافتن به حاجت خود محروم شوند برای رسیدن به آن، شما را واسطه قرار می دهند. شما به هیبت فرمانروایان و بزرگواری بزرگان در راه گام بر می دارید. آیا همه این ها به این خاطر نیست که مردم به شما امید بسته اند تا به حقّ خدا قیام نمایید؟ و اگر شما در حقوق الهی کوتاهی نمایید به حقوق امامان بی اعتنایی نموده اید. امّا [با این کارتان] حقّ ناتوانان را ضایع کرده اید، ولی آنچه را که حقّ خود می پنداشتید به آن دست یافته اید، بدون آن که مالی را

1- . مائده / 79
2- . مائده / 44
3- . توبه / 71

بخشش نمایید یا جان خود را به خطر افکنید یا به خاطر خدا با گروهی درگیر شوید؛ [با این حال و وضع] آرزوی بهشت خدا و همجواری پیامبران و امان از عذاب الهی را دارید؟! ای کسانی که چنین آرزوهای رؤیائی را در سر می پرورانید بر شما می ترسم که انتقامی از انتقام های الهی بر سرتان فرود آید؛ زیرا شما در سایه بزرگواری خداوند به جایگاهی رسیده اید که بر دیگران برتری پیدا کرده اید؛ در حالی که خداشناسان را گرامی نمی دارید ولی شما به اذن خدا نزد بندگانش گرامی شده اید. اکنون می بینید پیمآنهای خدا شکسته می شود ولی ناراحت و هراسناک نمی شوید، در حالی که ننگ شکستن پیمآنهای پدرانتان را برنمی تابید؛ عهد و پیمان رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله خوار شده است. به نابینایان و لالان و زمین گیرشدگان در همه شهرها رحم و دلسوزی نمی کنید و از منزلت و موقعیّت خودتان برای کمک رساندن به آنان استفاده نمی کنید و کسی را هم که در این راه احساس وظیفه می کند و به آنان کمک می نماید مورد حمایت و کمک خود قرار نمی دهید و با چاپلوسی و سازش با ستمگران، امنیّت خود را فراهم می آورید. تمام این موارد از آن چیزهاست که خداوند بدان فرمان داده تا جلوگیری نمایید و به طور گروهی نهی از منکر کنید در حالی که شما از این فرمان [مهم] غافل شده اید. بیشترین مصیبت شامل حال شماست که نتوانستید جایگاه واقعی علما را حفظ نمایید و در این خصوص مغلوب شدید اگر گوش شنوا داشته باشید! این به خاطر آن است که راهکارها و اجرای امور و احکام به دست دانشمندان خداشناس است که بر حلال و حرام خدا امین هستند و این موقعیّت و منزلت از شما گرفته شده است و این از دست دادن موقعیّت به سبب آن است که شما در خصوص حقّ دچار تفرقه شدید و درباره راه و روش پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله با وجود دلیل روشن، به اختلاف پرداختید، در حالی که اگر بر آزار شکیبا بودید و به خاطر خدا تحمّل به خرج می دادید، کارهایی را که خدا بر شما مقرّر داشته بود به شما بازمی گشت و از سوی شما در دسترس دیگران قرار می گرفت و داوری در احکام خدا را نزد شما می آوردند، ولی شما جایگاه و موقعیّت خود را به ستمکاران واگذاشتید و زمام کارهای خدا را به دست آنان سپردید و آنان هم به شبهات عمل کردند و در پی خواهش های نفسانی خود رفتند. آنچه موجب

سلطه آنان بر این مقام شد، گریز شما از مرگ و شیفتگی تان به زندگی دنیوی بوده که سرانجام از شما جدا خواهد شد. شما با این روحیه و روش، ناتوانان را در چنگال این ستمکاران گرفتار کردید تا یکی برده وار سرکوفته باشد و دیگری بیچاره وار سرگرم تأمین آب و نان. فرمانروایان، خودسرانه مملکت را دستخوش حوادث ناخوشایند نمایند و رسوائی و ننگ هوسبازی را با پیروی کردن از تبهکاران و گستاخی بر خدای جبّار، بر خود هموار سازند. در هر شهری سخنور درباری بر منبر فراز دارند و همه سرزمین اسلام بدون دفاع زیر پایشان افتاده و دستشان بر انجام هر کاری در تمام آن سرزمین ها باز است و مردم برده وار بدون داشتن کمترین قدرت دفاع تحت فرمان آنهایند. برخی زورگو و کینه ورزند و بر ناتوان سخت می تازند و برخی فرمانروایی هستند که به خدا و قیامت اعتقادی ندارند. شگفتا! و چرا در شگفت نباشم که زمین در تصرّف مردی دغلباز و ستمکار و مالیات بگیری نابکار است که هیچ مهر و ترحّمی بر مؤمنان ندارد؛ پس خدا در این کشمکشی که ما داریم داوری خواهد کرد و به حکم قاطع خود در این مشاجره قضاوت خواهد نمود. بار خدایا! تو خود می دانی آنچه از ما سرزده رقابت برای دستیابی به سلطنت و قدرت و آرزو به زیاد کردن کالای بی ارزش دنیا نبوده است، بلکه برای این بوده که نشانه های دین تو را افراشته سازیم و اصلاحات را در شهرهایت آشکار نماییم و امن و امان برای بندگان ستمدیده ات فراهم آوریم تا به واجبات و آداب و احکام تو عمل شود؛ پس اگر شما [علمای دین] ما را یاری نکنید و در حقّ ما انصاف ننمایید زیر سلطه ستمگران قرار می گیرید و آنان در خاموش ساختن نور پیامبرتان دست به کار می شوند. خداوند ما را کفایت کند که توکّل ما به اوست و به او روی می آوریم و بازگشت نیز به سوی او خواهد بود.(1)

38. تحف العقول: از امام جواد علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس کاری را ببیند و از آن بیزار باشد همچون کسی است که آن را ندیده و هر کس کاری را نبیند ولی به انجام آن راضی باشد همچون کسی است که آن را دیده است.(2)

1- . تحف العقول: 240
2- . تحف العقول: 476

39. قصص الأنبیا علیهم السلام: از امام باقر صلوات الله علیه روایت شده که امام علی علیه الصلاه و السلام فرمود: خدای متعال جلت قدرته به شعیب علیه السلام وحی کرد: من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب می کنم، چهل هزار نفر از افراد شرور قوم و شصت هزار از افراد خوب آنها، شعیب گفت: خدایا بدان را عذاب می فرمایی؛ خوبان را چرا عذاب می کنی؟ خداوند فرمود: چون آنها با گنه کاران با ملایمت و نرمش رفتار کردند و از خشم و غضب من دچار خشم و غضب نشدند.

40. المحاسن: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: مردی از خثعم به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و به حضرت عرض کرد: به من بگو بهترین اعمال کدام است؟ فرمود: ایمان به خداوند. گفت: سپس چه؟ فرمود: صله رحم. عرض کرد: سپس کدام؟ فرمود: امر به معروف و نهی از منکر.(1)

41. فقه الرضا علیه السلام: از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: به راستی که از پیشینیانتان آنان که مرتکب معاصی شده بودند هلاک شدند و ربانیون و احبار (پارسایان و بزرگان یهود) آنان را از کارشان باز نداشتند. خداوند جل و علا دو فرشته را به شهری مبعوث داشت تا شهر را بر سر اهل آن خراب کنند. وقتی به آن شهر رسیدند مردی را یافتند که خدا را می خواند و به درگاهش زاری و لابه می کرد، یکی از آن دو فرشته به رفیقش گفت: آیا این مرد دعاگو را نمی بینی؟ آن فرشته دیگر گفت: او را دیدم ولی من می روم تا امر پروردگار خویش را اجرا کنم. فرشته دیگر گفت: ولی من کاری نمی کنم تا زمانی که باز گردم. پس به سوی پروردگار خویش بازگشت و عرضه داشت: پروردگارا ! من به آن شهر رفتم و بنده ات فلانی را دیدم که به درگاهت دعا و تضرع می کرد. خداوند عزوجل فرمود: برو و دستوری را که به تو داده بودم اجرا کن که چهره آن مرد هرگز در راه من خشمگین نشد.(2)

1- . المحاسن: 291
2- . فقه الرضا: 51

42. و روایت می کنم که مردی از امام موسی کاظم علیه السلام راجع به این قول خدای عزوجل «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً»(1) {خودتان و کسانتان را از آتش حفظ کنید.} سؤال کرد. حضرت فرمود: آنان را به آنچه خداوند بدان امرشان فرموده فرا می خواند و از آنچه خداوند بازشان داشته باز می دارد. اگر فرمان بردند آنان را [از آتش] حفظ کره و اگر نافرمانیش کنند آنچه را که بر گردنش بوده انجام داده است.(2)

43. و روایت شده که امیر المؤمنین صلوات الله علیه در حال ایراد سخنانی بود که مردی به محضر مبارک حضرت رسید و عرضه داشت: یا امیر المؤمنین درباره زندگان مرده برایمان بگو. پس حضرت خطبه را قطع نمود و سپس فرمود: گروهی، منکر را با قلب و زبان و دست انکار می کنند، آنان تمامی خصلت های نیکو را در خود گرد آورده اند. گروهی دیگر، منکر را با قلب و زبان انکار کرده، امّا دست به کاری نمی برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است. و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده، و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، چنین افرادی یک خصلت از خصلت های نیکو را به دست آورده اند. و بعضی دیگر منکر را با قلب و زبان و دست رها ساخته اند که چنین کسی از آنان، مرده ای میان زندگان است. سپس حضرت علیه السلام به سخنرانی خود بازگشت.(3)

44. و روایت می کنیم که مردی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرضه داشت: بفرمائید بهترین کارها چیست؟ حضرت پاسخ داد: ایمان به خدا. عرض کرد: سپس چه؟ فرمود: سپس صله رحم. عرض کرد: سپس کدام؟ فرمود: امر به معروف و نهی از منکر. سپس آن مرد گفت: کدام کارها نزد خداوند منفورتر است؟ فرمود: شرک به خداوند. عرضه داشت: سپس کدام؟ فرمود: قطع رحم. گفت: سپس چه؟ فرمود: امر به منکر و نهی از معروف.(4)

1- . تحریم / 6
2- . فقه الرضا: 51
3- . فقه الرضا: 51
4- . فقه الرضا: 51

45. روایت می کنیم: دو پسر بچه خروسی را به چنگ آوردند و پرهایش را کندند و پری را در بدنش باقی نگذاشتند. پیرمردی هم در آن نزدیکی به نماز ایستاده بود و نه آنان را به آن کار وا می داشت و نه باز می داشت. گوید: پس خداوند به زمین دستور داد و او را بلعید.(1)

46. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: همانا [دو کس] امر به معروف و نهی از منکر می شوند: یکی مؤمن که پند می گیرد و دیگری جاهل که می آموزد، ولی صاحب تازیانه و شمشیر، هرگز!(2)

47. روایت می کنیم: برای مؤمن از جهت عیب کافی است که چون منکری را ببیند دانسته نشود که قلباً از این کار بیزار است.(3)

48. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت می کنم که خداوند فرمود: وای بر کسانی که دین را وسیله دست یافتن به دنیا قرار می دهند، و وای بر کسانی که افرادی را که به عدالت امر می کنند، می کشند و وای بر کسانی که وقتی ببینند مؤمنی در میان آنها به عدالت عمل می کند به او تجاوز و گستاخی می کنند و هدایت نمی یابند، در میان ایشان فتنه ای پدید خواهم آورد که فرزانه شان را حیران کند.(4)

49. روایت می کنیم: [سؤال شد] چه کسی در روز قیامت بیشتر از همه مردم حسرت می خورد؟ فرمود: هر کس فردی را نصیحتی کند بعد از آن خود مخالفت کند به سوی غیر آن نصیحت.(5)

50. روایت می کنیم: درباره قول خدای تعالی «فَكُبْكِبُوا فِيها هُمْ وَ الْغاوُونَ»(6) {پس آنها و همه گمراهان در آن [آتش] افکنده می شوند.} فرمود: آنها گروهی هستند که به زبان خویش نصیحتی کنند بعد از آن خود به سوی غیر آن نصیحت عدول کنند. درباره معنای آن سؤال شد، حضرت فرمود: چون انسان نصیحتی کند

1- . فقه الرضا: 51

2- . فقه الرضا: 51

3- . فقه الرضا: 51

4- . فقه الرضا: 51

5- . فقه الرضا: 51
6- . شعراء / 94

بعد از آن خود به سوی خلاف آن نصیحت باز گردد، در روز قیامت ثوابی را که برای دیگری توصیف می کرد ببیند و حسرتش عظیم گردد.(1)

51. مصباح الشریعه: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از خیالات و خاطره های نفسانی بیرون نیامده و از آفت ها و شهوات نفس خود خلاص نشده است و شیطان را هنوز شکست نداده و در حمایت خداوند متعال و در محیط أمن و عصمت او داخل نشده است، برای امر به معروف و نهی از منکر نمودن صلاحیت ندارد؛ زیرا که این آدم چون واجد شرایط نیست، هر چه بگوید و هر امر و یا نهیی اظهار نماید به ضرر خود او تمام شده، و این اظهار خود حجت و دلیلی می شود بر خلاف و علیه او، و هرگز دیگران هم از او استفاده نمی کنند. خداوند متعال می فرماید: «أَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»(2) {آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید.} و به او گفته می شود: ای خیانت کار، آیا چیزی را که در آن موضوع به خود خیانت نموده، و زمام خود را در آن قسمت سست گرفته و آزاد گذاشتی، از مخلوقات من درخواست کرده و توقع داری!(3)

52. روایت شده است که ابو ثعبله خشنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید که تفسیر این آیه شریفه چیست؟ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»(4) {ای کسانی که ایمان آورده اید، به خودتان بپردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی رساند.} رسول اکرم صلی الله علیه و آله پاسخ داد: به معروف امر کن و از منکر نهی کن و به آنچه از ناملایمات به تو می رسد صبر کن، تا جایی که بر خورد کنی به افرادی که حرص شدید به دنیا و زینت های دنیوی داشته و پیروی سخت از هوی و هوس کرده و در عین حال مغرور و فریفته آراء و افکار خود باشند، در این صورت این وظیفه از عهده تو ساقط شده و بر تو است که متوجه اصلاح امور و تهذیب نفس خود بوده،

1- . فقه الرضا: 51
2- . بقره / 44
3- . مصباح الشریعه: 42
4- . مائده / 105

و از امر به معروف و دعوت و نصیحت و موعظه به عامه خود داری کنی. و کسی که می خواهد امر به معروف کند، نیازمند است به موارد حلال و حرام دانا باشد، از خوی ها و صفات مخصوص خود صرف نظر کند، و موضوعاتی را که مورد امر و نهی قرار می دهد و احکام آنها را به آراء و صفات مخصوص خود مخلوط نکند، و در مقابل مردم با خیرخواهی و مهربانی و نرمی و مدارا رفتار کند، و دعوت به حق و امر و نهی با لطف و مهربانی و حسن گفتار و بیان خوش صورت گیرد، و تفاوت اخلاق اشخاص را در نظر گرفته، و هر کسی را مطابق مقام و درک او مورد توجه و خطاب قرار بدهد. به مکر و حیله های نفس و شیطان بینا و مطلع گردد، و در مقابل مخالفت و آزار دیگران متحمل و صابر شود و در صدد مجازات آنان نیامده و از آنان گله و شکایت نکرده و با خود پسندی و خود بینی و درشتخویی و تندی با آنان روبرو نشود. نیت خود را در این دعوت خالص و تنها برای خدا قرار داده و پیوسته از پروردگار متعال یاری درخواست نموده، و مطلوب و منظور او خدا باشد. پس اگر آنان مخالفت کرده و شروع به آزار و اذیت نمودند، شکیبایی پیشه کند. و اگر موافقت کرده و قبول نمودند، سپاسگزاری کرده، و شکر خدا را به جای آورد، و در همه حال امور خود را به خداوند متعال واگذار نموده، و به عیوب و نواقص خود متوجه باشد.(1)

53. مصباح الشریعه: امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین موعظه ها آن است که گفتار در آن از حد راستی تجاوز نکرده و عمل از مرحله اخلاص بیرون نرود. زیرا واعظ و متعظ [موعظه کننده و شنونده موعظه] چون شخص بیدار و خوابیده هستند، پس کسی که از خواب غفلت و از گرفتاری خلاف و معصیت خویش خلاص شده است، می تواند دیگری را که مبتلا و گرفتار غفلت است از خواب غفلت بیدار کند. و اما شخصی که در بیابآنهای پرت و گمراه کننده سیر کرده و در چراگاه های انحراف و گمراهی و بی شرمی فرو رفته است چگونه می تواند دیگری را هدایت و بیدار نماید. و چنین افراد در اغلب موارد به منظور علاقه شدید به خود

1- . مصباح الشریعه: 42

نمایی و شهرت طلبی و ظاهر سازی و آوازه خواهی اقدام به موعظه نمایند. آنان خود را به شکل و صورت صالحین در می آورند و پیوسته در کلمات خود به طهارت و تهذیب نفس تظاهر می کنند، در صورتی که در حقیقت از این معانی بی بهره هستند، و دل های آنان را وحشت علاقه به ستایش و اقبال مردم فرا گرفته و باطن آنان را تیرگی طمع پوشانیده است، چه قدر مفتون و فریفته هواپرستی است، و چه اندازه مردم به سبب گفتار او گمراه شده اند! خداوند عزوجل فرموده است: «لَبِئْسَ الْمَوْلی وَ لَبِئْسَ الْعَشِیرُ»(1) {وه چه بد مولایی و چه بد دمسازی!} و اما آن کسی که خداوند متعال او را به نور تأیید و توفیق نیکوی خود حفظ فرموده و قلب او را از آلودگی تطهیر و تهذیب کرده است، هرگز از معرفت و تقوی دور نرفته و پیوسته توجه دارد که سخن را از ریشه بشنود نه از گوینده و با راوی کاری ندارد. حکماء گفته اند: حکمت را بگیر اگر چه از دهان مجانین باشد. حضرت عیسی علیه السلام فرموده است: با کسی همنشینی کنید که دیدار و ملاقات او شما را به یاد خدای متعال بیاورد، تا چه رسد به سخن و گفتار او، و با کسی مجالست نکنید که از لحاظ ظواهر مورد پسند و مطلوب شما است ولی از نظر باطن مورد پسند خاطر نیست؛ زیرا این آدم چیزی را که ندارد ادعا می کند، البته اگر در طلب حقیقت، راستگو باشید.

و چون ملاقات کردی کسی را که در او سه خصلت است، البته دیدار و ملاقات و همنشینی او را مغتنم بشمار، اگر چه یک ساعت باشد؛ زیرا که این برخورد در تحکیم دین و قلب و اخلاص در مقام بندگی تو تأثیر می گذارد و برکات آن در وجود تو اثر می بخشد. گفتار او در حدود عمل و کردارش باشد، عمل او از مرحله صدق و راستی تجاوز نکند و صدق او از خوشنودی و طاعت پروردگار متعال خارج نشود؛ پس با چنین شخصی مصاحبت و مجالست کرده و از او احترام و تجلیل نموده و خود را در معرض رحمت و برکت قرار بده. و البته مراقب باش که پس از برخورد با چنین آدمی، اگر حفظ حرمت او را ننموده، و آن طوری که شایسته است از محضر او استفاده نکردی حجت الهی بر تو تمام خواهد شد، و هیچ

1- . حج / 13

گونه عذری از تو پذیرفته نیست. و همیشه متوجه باش که وقت او را نگیری، و او را از این جهت خسته و ناراحت و آزرده نسازی که موجب ضرر تو خواهد شد. و همیشه لطف و فضل و کرامت و نظر مخصوص خداوند متعال را نسبت به او در نظر گرفته، و با او معاشرت کنی.(1)

54. تفسیر عیاشی: از یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام روایت شده است که گفت: گفتم: «أَ تَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ»(2) {آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید. } گفت: پس دستش را بر گلوی مبارک نهاد و فرمود: همچون کسی که خود را ذبح می کند.(3)

55. از ابو اسحاق از افرادی که این حدیث را ذکر کرده اند روایت شده: «و تنسون أنفسکم» یعنی رها می کنید.(4)

56. تفسیر عیاشی: از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش باری تعالی: «کانُوا لا یَتَناهَوْنَ عَنْ مُنکَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ ما کانُوا یَفْعَلُونَ»(5) {از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند، یکدیگر را بازنمی داشتند. راستی، چه بد بود آنچه می کردند. } روایت شده که فرمود: هان! مسلماً آنها به محافل آنان وارد نشده و در مجالس آنان نمی نشستند، ولی وقتی آنان را ملاقات می کردند به رویشان لبخند می زدند و با آنان انس و الفت داشتند.(6)

57. تفسیر الإمام علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در گذشته خداوند به جبرئیل وحی فرمود و به او دستور داد تا شهری را در زمین فرو برد که در آن کافر و فاجر بود. جبرئیل عرضه داشت: پروردگارا! همگی را در زمین فرو بر به غیر از فلانی زاهد، چه این فرد فرمان الهی را می شناسد. خداوند تعالی فرمود: آنان را در زمین فرو بر و فلانی را هم پیش از آنان از زمین محو کن. جبرئیل

1- . مصباح الشریعه: 49 با اندکی تفاوت.
2- . بقره / 44
3- . تفسیر عیاشی 1 : 43
4- . تفسیر عیاشی 1 : 43

5- . مائده / 79
6- . تفسیر عیاشی 1 : 335

دلیل این امر را از پروردگار خویش جویا شد و عرض کرد: پروردگارا! مرا آگاه کن که چرا باید چنین کنم و حال آنکه او زاهدی عبادت پیشه است؟ خداوند فرمود: من به او مکنت و توانائی دادم ولی او امر به معروف و نهی از منکر نکرد. وی در خشم من نسبت به آنان بر محبت و دوستی آنان همت می گماشت. مردم عرضه داشتند: ای رسول خدا! چگونه ممکن است و حال آنکه ما نمی توانیم آنچه را که از منکر مشاهده می کنیم انکار کنیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به کار پسندیده امر می کنید و از کردار ناپسند باز می دارید یا اینکه خداوند عذابی فراگیر به تمام شما فرود آورد. سپس فرمود: هر کس منکری را ببیند، اگر توانست باید آن را در عمل انکار کند، اگر نتوانست باید با زبانش و اگر باز هم نتوانست باید با قلبش آن را انکار کند، در این صورت برای او همین کافی است که خداوند از قلب او خبر دارد و می داند که او از این کار بیزار است.(1)

58. السرائر: از کتاب المشیخه ابن محبوب از حارث بن مغیره روایت شده که گفت: شبی در یکی از جاده های مدینه حضرت امام صادق علیه السلام به من برخورد و فرمود: ای حارث! عرض کردم: بلی. فرمود: هان که گناهان سفیهانتان بر گردن دانشمندانتان است. سپس رفت. گفت: سپس به محضر حضرت رسیدم و رخصت خواستم و گفتم: فدایت گردم، چرا گفتی گناهان سفیهانتان بر دوش دانشمندان شماست؟ با این سخن من دچار هراس عظیمی شده ام. به من فرمود: آری، چون به یکی از شما چیزی برسد که از آن بیزارید و این امر موجب آزار ما و عیب جوئی مردم می شود، چه چیزی مانع از آن می شود شما نزد او بیائید و او را هشدار دهید و نصیحتش کنید و سخنی رسا به او بگوئید؟ عرض کردم: اگر از ما نپذیرد و فرمان نبرد چه؟ فرمود: در این صورت او را بر این کار رها کنید و از هم نشینی با او اجتناب ورزید.(2)

1- . با وجود جستجوی مکرر در مورد این حدیث، در منبع مذکور بدان دست نیافتیم.

2- . السرائر: 488

59. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از یکی از دو امام [صادق یا باقر] علیهما السلام روایت کرده که فرمود: کسی که با امر به معروف و نهی از منکر فرمان بردار خداوند نباشد، دین ندارد.(1)

60. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: خداوند دو فرشته را به سوی اهالی شهری فرستاد تا آنجا را بر سر اهل آن زیر و رو کنند. وقتی به آن شهر رسیدند مردی را یافتند که خدا را می خواند و به درگاهش زاری می کرد، یکی از آن دو فرشته به دوستش گفت: آیا این مرد دعاگو را نمی بینی؟ آن فرشته دیگر گفت: او را دیدم ولی من می روم تا امر پروردگار خویش را اجرا کنم. فرشته دیگر گفت: ولی من کاری نمی کنم تا زمانی که به سوی پروردگار خویش باز گردم. پس به سوی خداوند تبارک و تعالی بازگشت و عرضه داشت: پروردگارا! من به آن شهر رفتم و بنده ات فلانی را دیدم که به درگاهت دعا و تضرع می کرد. خداوند عزوجل فرمود: برو و دستوری را که به تو داده بودم اجرا کن که چهره آن مرد هرگز در راه من خشمگین نشد.(2)

61. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: خداوند پیامبری اَرمیا نام را به سوی بنی اسرائیل فرستاد و فرمود: به آنان بگو: این شهر از بهترین شهرهاست و در آن بهترین درخت ها کاشته شده و من آن را از هر امر عجیبی پاک ساختم، ارمیای نبی نیز بازگشت و درخت خرنوبی را کاشت. آنها بدو خندیدند و او را استهزاء کردند و او نیز شکایتش را پیش خدا برد. خداوند به او وحی کرد که به آنان بگو: آن شهر بیت المقدس است و درختان انگور همان بنی اسرائیل هستند که من آنان را از هر چیز شگفتی پاک کردم و هر ستمگر زورگویی را از آنان دور ساختم، ولی آنان با من مخالفت کردند و گناهانی انجام دادند، پس من نیز کسی را بر سرزمینشان مسلط کنم که خونشان را بریزد و اموالشان را بگیرد و اگر بگریند به گریه آنان رحم نکنم و اگر به درگاهم دعا کنند دعایشان را

1- . کتاب الزهد حسین بن سعید، باب امر به معروف و نهی از منکر و در آن آمده است: (وای بر کسانی که با امر به معروف فرمان بردار خداوند نمی شوند.) (نسخه خطی)

2- . كتاب الزهد حسين بن سعيد، باب الرياء و العجب و الكبر: 75 (نسخه خطى)

مستجاب نکنم که هم خود شکست خوردند و هم اعمالشان تباه گردید. سوگند می خورم که صد سال آنجا را ویران کنم سپس آن را آباد خواهم کرد. فرمود: وقتی ارمیا این خبر را به دانشمندان بنی اسرائیل رساند، آنها گفتند: ای فرستاده خدا! گناه ما چیست در حالی که ما عمل آنان را انجام نداده ایم، دوباره از پروردگار خویش در مورد ما سؤال کن. پس ارمیا هفت روز روزه گرفت ولی چیزی به او وحی نشد. سپس با اندکی طعام افطار کرد و باز هفت روز روزه گرفت، روز بیست و یکم خداوند به او وحی کرد: ای ارمیا یا از این امر در گذر و در مسئله ای که مقدر کرده ام به سوی من باز گرد و یا صورتت را به پشت سرت برخواهم گرداند. سپس به او وحی کرد: به آنها بگو، گناه شما این بود که منکر را دیدید، ولی نهی نکردید. پس بخت النصر را بر آنان مسلط کرد و او نیز با آنان چنان کرد که خبرش به تو رسیده است.(1)

می گویم:

در کتاب النبوه با ذکر اسنادی گذشت.

62. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از یکی از دو امام باقر یا صادق علیهما السلام روایت شده که فرمود: وای بر کسانی که با امر به معروف و نهی از منکرفرمان بردار دین خدا نمی شوند.(2)

63. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: وای بر کسی که امر به منکر و نهی از معروف کند.(3)

64. نوادر راوندی: از امام موسی بن جعفر از پدرانش علیهم السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نباید کسی اقدام به «امر به معروف و نهی از منکر» کند، مگر این که در او سه خصلت باشد: رفیق و یاوری برای انجام امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد، نسبت به آنچه امر به معروف و نهی از

1- . کتاب الزهد حسین بن سعید باب امر به معروف و نهی از منکر: 81 (نسخه خطی)
2- . کتاب الزهد حسین بن سعید باب امر به معروف و نهی از منکر: 83

3- . کتاب الزهد حسین بن سعید باب امر به معروف و نهی از منکر: 83

منکر می کند عدالت را رفتار نماید، و نسبت به امر به معروف و نهی از منکر علم و آگاهی لازم را داشته باشد.(1)

65. با همین اسناد فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس شفاعت نیکوئی کند یا امر به معروف یا نهی از منکر کند یا به خیری رهنمون گردد یا بدان اشاره کند، در آن عمل شریک است و هر کس به کردار زشتی امر کند یا بدان رهنمون شود یا اشاره کند در آن شریک است.(2)

66. مجالس الشیخ: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر یکی از شما عمل ناپسندی مرتکب شود و خبر آن به شما رسد و شما نزد او بروید و به او بگوئید: ای مرد! یا ما را تنها می گذاری و از ما دوری می کنی یا از ما دست می کشی، اگر چنین کرد - با او ارتباط برقرار کنید- در غیر این صورت از او دوری بجوئید.(3)

67. مجالس الشیخ: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: پیرمردی عابد در بنی اسرائیل بود که مشغول عبادت خدا بود. یک روز در همان حین که او نماز می گذارد و در حال عبادت بود دو پسر بچه را دید که خروسی را گرفته و پرهای آن را می کنند. پیرمرد به عبادت خویش ادامه داد و آن دو را از آن کار باز نداشت، خداوند نیز به زمین وحی کرد که بنده ام را در خود فرو بر، پس زمین او را در خود فرو برد و حال آنکه او در «دردور» [=موضعی از دریا که در آن گرداب ایجاد شود و بیم غرق شدن در آن باشد.] سقوط کرد و تا ابد الدهر و در آن سرگردان ماند.(4)

68. مجالس الشیخ: از حسین روایت شده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند دو فرشته را به روستایی فرستاد تا آنها را نابود کنند. ناگهان مردی را دیدند که شبانه به عبادت ایستاده و به درگاه خدا ناله و زاری

1- . نوادر راوندی: 21
2- . نوادر راوندی: 21
3- . امالی شیخ طوسی 2 : 275
4- . امالی شیخ طوسی 2 : 282

می کند. فرمود: یکی از دو فرشته به دیگری گفت: من در مورد این مرد به نزد پروردگارم باز می گردم و دیگری گفت: نه باید دستور پروردگارت را اجرا کنی و برای آنچه به تو امر فرموده دوباره نزد پروردگار باز نگرد. امام صادق علیه السلام فرمود: پس آن فرشته برای آن کار نزد پروردگار خویش بازگشت و خداوند به فرشته ای که به سوی پروردگارش بازنگشته بود و قصد اجرای دستورش را داشت وحی کرد که او را با آنها نابود کند که خشم من همراه با آنها شامل او نیز شده، چه هرگز چهره این عابد از روی خشم در راه من گرفته نشد و فرشته ای که به خاطر آن دستور به سوی پروردگارش بازگشته بود، خداوند بر او خشم گرفت و در جزیره ای فرو افتاد و تا قیامت در آنجا خواهد بود و پروردگارش همچنان نسبت به او خشمگین است.(1)

69. نهج البلاغه: ابن جریر طبری در تاریخ خود از عبد الرحمن بن ابی لیلی فقیه نقل کرد، که برای مبارزه با حجّاج به کمک ابن اشعث برخاست، برای تشویق مردم گفت: من از علی علیه السّلام «که خداوند درجاتش را در میان صالحان بالا برد، و ثواب شهیدان و صدّیقان به او عطا فرماید» در حالی که با شامیان رو برو شدیم شنیدم که فرمود: ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد، و شاهد دعوت به منکری باشد، و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است، و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش آن داده خواهد شد، و از اوّلی برتر است، و آن کس که با شمشیر به انکار بر خیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او راه هدایت را یافته و در مسیر رستگاری قرار گرفته و نور یقین در دلش تابیده.(2)

70. و حضرت امیر علیه السلام در کلامی همانند حکمت گذشته فرمود: گروهی، منکر را با دست و زبان و قلب انکار می کنند، آنان تمامی خصلت های نیکو را در خود گرد آورده اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، امّا دست به کاری نمی برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است. و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده و با دست و زبان

1- . امالی شیخ طوسی: 282
2- . نهج البلاغه 3 : 243

خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت از این سه خصلت را که شریف تر است تباه ساخته اند و یک خصلت را به دست آورده اند. و بعضی دیگر منکر را با زبان و قلب و دست رها ساخته اند که چنین کسی از آنان، مرده ای میان زندگان است. و تمام کارهای نیکو، و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره ای بر دریای موّاج و پهناور است، و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می کنند، و نه از مقدار روزی می کاهند، و از همه این ها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است.(1)

71. از ابی جحیفه نقل شده که گفت از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که فرمود: اوّلین مرحله از جهاد که در آن باز می مانید، جهاد با دستانتان، سپس جهاد با زبان، و آنگاه جهاد با قلب هایتان می باشد، پس کسی که با قلب، معروفی را ستایش نکند، و منکری را انکار نکند، قلبش واژگون گشته، بالای آن پایین، و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت.(2)

72. امام علی علیه السلام فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو خصلت از خصلت های خداوندند و نه اجلی را نزدیک می کنند، و نه از مقدار روزی می کاهند.(3)

73. نهج البلاغه: خدای سبحان، مردم روزگاران گذشته را لعنت نکرد مگر برای ترک امر به معروف، و نهی از منکر. پس خدا، بی خردان را برای انجام معاصی، و خردمندان را برای ترک باز داشتن دیگران از گناه، لعنت کرد.(4)

74. نهج البلاغه: در توصیه حضرت علیه السلام به امام حسن علیه السلام آمده: به نیکی ها امر کن تا خود از اهل نیکی شوی، و با دست و زبان بدی ها را انکار کن، و بکوش تا از بدکاران دور باشی، و در راه خدا آنگونه که شایسته است تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامتگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد.(5) و(6)

1- . نهج اللبلاغه 3 : 243
2- . نهج البلاغه 3 : 244
3- . نهج البلاغه 3 : 63

4- . نهج البلاغه 2 : 180
5- . نهج البلاغه 3 : 44
6- . نهج اللاغه 3 : 85

75. در وصیت خویش به حسن و حسین علیهما السلام به هنگام شهادت فرمود:

حق را بگویید و برای پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید. سپس فرمود: خدا را! خدا را! در باره جهاد با اموال و جآنها و زبان های خویش در راه خدا. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلّط می گردند، آنگاه هر چه خدا را بخوانید دعایتان مستجاب نگردد.(1)

76. کتاب الغارات ابراهیم بن محمد ثقفی: شهر بن حوشب روایت می کند که امام علی علیه السلام به اصحاب خویش فرمود:

امت هایی که پیش از شما بودند، هلاک نشدند مگر بدان سبب که مرتکب معاصی می شدند و بزرگان و دانشمندان دینی آنان را منع نمی کردند. چون به گناهکاری خویش ادامه دادند و بزرگان و دانشمندان دینی منعشان نکردند عقوبت الهی همه را در بر گرفت. پس قبل از آنکه بر سر شما نیز آن آید که بر سر ایشان آمد، امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید که امر به معروف و نهی از منکر نه مرگ کسی را نزدیک می کند و نه از روزی او می کاهد.

تقدیر از آسمان بر هر کس فرود می آید آن سان که قطره های باران فرود آیند و نصیب هر کس بدان گونه که خدای تعالی مقرر کرده چه بسیار و چه اندک، در جان یا خاندان یا مال به او رسد. هرگاه یکی از شما را نقصانی بود و در نصیب برادرش افزونی بیند نباید که فریفته شود. که مسلمان مادام که به پستی نیالوده و کاری که چون آشکار شود سبب حقارتش گردد و فرومایگان را بر او چیره سازد، از او سر نزده است، چون قمار کننده چربدستی است که از تیرهای قمار خویش نخستین پیروزی را چشم دارد تا همه آن مال ببرد و از غرامت نیز برهد.

مسلمان نیالوده به خیانت نیز چنین است: چشم به راه یکی از دو پاداش نیک است یا خدایش به نزد خود خواند که در آن صورت هر چه در نزد خداست برای او بهتر است یا در روزی او گشایش دهد که در این صورت صاحب زن و فرزند و مال

1- . نهج البلاغه 2 : 86

گردد که نعمت های این جهانی است یا از عمل صالح بهره برد که کِشت آخرت است و گاه خدا آن دو را یکجا به مردمی عطا کند.

77. مشکاه الأنوار: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

ای مؤمنان! هر کس مشاهده نماید که شخصی ستم می کند و یا مردم را به منکری فرا می خواند و با قلبش از این عمل بیزاری جوید، از آن گناه سالم مانده و نجات یابد و هر کس با زبان این عمل را انکار کند خداوند به او پاداش می دهد و او از فرد اول برتر است و هر کس با شمشیر آن را انکار نماید و بخواهد کلمه خداوند را برتر قرار دهد و ظالمین را منکوب سازد و کلمه آنها را باطل کند، این مرد راه راست را پیدا کرده و در مسیر هدایت قرار گرفته و نور حقیقت در دلش روشن شده است.(1)

78. و از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق می باشند از مخلوقات خداوند، هر کس آنها را یاری کند خداوند او را عزت می دهد و هر کس آنها را ترک کند خداوند او را مخذول می نماید.(2)

79. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند باید سه خصلت داشته باشد. اول به آنچه امر می کند باید دانا باشد، دوم از آنچه نهی می نماید خود نباید مرتکب آن شود، سوم باید در امر و نهی جانب عدالت را مراعات کند و با نرمی و ملاطفت مردم را امر و نهی نماید.(3)

80. حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله فرمود: یکی از مردان امت خود را در خواب دیدم که آتش او را از هر طرف احاطه کرده بود در این هنگام امر به معروف و نهی از منکر آمدند و او را نجات دادند و از فرشتگان قرارش دادند.(4)

81. امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود: وای بر آن مردمی که با امر به معروف و نهی از منکر به دین خدا متدین نشوند.(5)

1- . مشکاه الأنوار: 46

2- . مشكاه الأنوار: 46 ، الخصال 1 : 68
3- . مشكاه الأنوار: 46 ، الخصال 1 : 68
4- . مشكاه الأنوار: 46 ، الخصال 1 : 68
5- . مشكاه الأنوار: 46 ، الخصال 1 : 68

82. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شما چه خواهید کرد هنگامی که زنان شما فاسد گردند و جوانان شما بد عمل شوند، و امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند؟ گفته شد: یا رسول اللّٰه آیا این امور پیش خواهد آمد؟ فرمود: آری بدتر از این ها خواهد شد، شما چه خواهید کرد هنگامی که امر به منکر کنید و نهی از معروف نمائید؟ گفته شد: یا رسول اللّٰه آیا این چنین خواهد شد؟ فرمود: بدتر از این می شود هنگامی که معروف منکر و منکر معروف شود.(1)

83. امام صادق علیه السّلام فرمود: هنگامی که این آیه شریفه نازل شد: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ ناراً»(2) {ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتش حفظ کنید.} مردی از مسلمانان گریه کرد و گفت: من از خودم عاجز هستم اینک چگونه خاندانم را نگهدارم، رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: تو وظیفه داری آنها را امر و نهی کنی به آنچه خود عمل می کنی.(3)

84. امام رضا علیه السلام فرمود: حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله می فرمود: هر گاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند باید منتظر حادثه ای از طرف خداوند بشوند.(4)

85. و امام صادق علیه السلام فرمود: برای مؤمن از حیث غیرت همین بس است که هر گاه منکری را دید، خدا از نیت او آگاه باشد که آن را به قلب خود زشت می شمارد.(5)

86. غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق علیه السّلام هر گاه به گروهی که با هم نزاع می کردند عبور می کرد، از آن جا عبور نمی کرد تا این که سه بار با صدای بلند می فرمود: از خداوند بترسید.(6)

1- . مشکاه الأنوار: 47
2- . تحریم / 6
3- . مشکاه الأنوار: 47
4- . مشکاه الأنوار: 47
5- . مشکاه الأنوار: 47
6- . مشکاه الأنوار: 47

87. حضرت محمد باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: هر کس رضایت مردم را با خشم خداوند طلب کند مردم به جای مدح، او را نکوهش خواهند کرد و هر کسی اطاعت خداوند عزوجلّ را به خشم خلق ترجیح دهد خداوند عزوجلّ او را از گزند دشمنان محافظت می نماید و حسد حاسدان و ستم ستمکاران را از وی دور کرده و پشتیبان و یاری کننده او خواهد بود.(1)

88. از مفضل بن زید از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: ای مفضل! هر کس با سلطان ستمگری درآویزد و به مخالفت او قیام کند، در صورتی که گرفتار مصیبتی شود مأجور نخواهد بود و مزد صابران به او نمی رسد.(2)

89. و از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: خداوند متعال امور مؤمن را به خود تفویض کرده و به او اجازه نداده که ذلیل و خوار باشد، آیا نمی شنوی که خداوند عزوجلّ می فرماید: «وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»(3){و عزّت از آنِ خدا و از آنِ پیامبر او و از آنِ مؤمنان است.} پس مؤمن باید عزیز باشد نه ذلیل. مؤمن از کوه هم عزیزتر است؛ زیرا کوه را می توان با کلنگ کم کرد و لیکن نمی توان ذره ای از عقیده مؤمن را کم کرد و او را متزلزل ساخت.(4)

90. محمد بن عرفه گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام شنیدم که می فرمود: امر به معروف و نهی از منکر می کنید یا اینکه افراد بد کردار بر شما مسلط خواهند شد و هر چه خوبانتان دعا کنند مستجاب نمی گردد.(5)

91. مفضل بن عمر گوید: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: شایسته نیست مؤمن خود را خوار کند. گفتم: چگونه خود را خوار می کند؟ فرمود: وارد کاری شود که خود را گرفتار عذرخواهی کند.(6)

1- . مشکاه الأنوار: 47
2- . مشکاه الأنوار: 48
3- . منافقون / 8
4- . مشکاه الأنوار: 48

5- . مشكاه الأنوار: 48
6- . مشكاه الأنوار: 48

92. مسعده بن صدقه گوید: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به امر به معروف و نهی از منکر سؤال شد که آیا بر همه مردم واجب است؟ فرمود: خیر بر همه واجب نیست، گفته شد. چرا؟ فرمود: امر به معروف و نهی از منکر بر افراد عالم به تشخیص معروف از منکر و نیرومند که در جامعه وجهه و اعتبار دارند واجب است نه به کسانی که ناتوان هستند و راهی برای هدایت نمی یابند و باطل را از حق نمی شناسند. دلیل بر آن از کتاب خداوند، این قول خدای عزوجل است: «وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»(1) {و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند.} مخاطبان این آیه خاص هستند و نه عامه، چنانچه خداوند فرموده: «وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ»(2) {و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حقّ راهنمایی می کنند و به حق داوری می نمایند.}

در آنجا نفرموده بر امت موسی یا بر هر قومی این عمل واجب شد، در صورتی که در آن روز امت موسی دسته های مختلفی بودند و امت یک نفر و بیش از آن را گویند. همان طور که خداوند عزوجل فرموده: «إِنَّ إِبْراهِيمَ كانَ أُمَّةً قانِتاً لِلَّهِ»(3) {به راستی ابراهیم، پیشوایی مطیع خدا بود.} می گوید: فرمانبردار خداوند بود، پس هنگامی که انسان در آرامش این را بداند و توانائی و تعداد و اطاعت لازم را نداشته باشد، امر به معروف بر او واجب نیست.(4)

93. مسعده می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: درباره حدیثی سؤال شده که از حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله وارد شده: بهترین جهاد آن است که انسان یک کلمه حق را نزد یک حاکم ستمگر بگوید، معنای آن این است که نخست خودش آن حکم را بشناسد و بعد امر کند و احتمال هم بدهد آن حاکم بپذیرد، در غیر این صورت جائز نیست.(5)

1- . آل عمران / 104
2- . اعراف / 159
3- . نحل / 120
4- . مشکاه الأنوار: 48

5- . مشكاه الأنوار: 48

94. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: خداوند متعال به شعیب نبی علیه السلام وحی کرد که من صد هزار از قوم تو را عذاب می کنم، چهل هزار نفر از بدان آنها و شصت هزار نفر از خوبان آنها. شعیب گفت: بار پروردگارا! نیکان را چرا عذاب می کنی؟ خداوند عزوجل بدو وحی فرمود: برای اینکه با معصیت کاران معاشرت کردند و به خاطر خشم من بر آنان خشم نگرفتند.(1)

95. از حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله روایت شده که فرمود: مردم همواره در خیر هستند تا آنگاه که امر به معروف و نهی از منکر کنند و یکدیگر را بر نیکی و محبت همیاری نمایند، هر گاه این اعمال را ترک کنند برکت ها از آن ها گرفته می شود و گروهی بر گروهی دیگر مسلط می گردند و در زمین و آسمان کسی آنها را یاری نمی کند.(2)

96. امیر المؤمنین علی علیه السّلام در خاتمه سخنانی فرمود: هر کس منکری را با قلب و دست و زبانش نهی نکند، مرده ای است که در میان زندگان حرکت می کند.(3)

ص: 150

1- . مشکاه الأنوار: 49
2- . مشکاه الأنوار: 49
3- . مشکاه الأنوار: 49

باب دوم : لزوم انکار منکر و عدم خوشنودی به معصیت و اینکه کسی که به انجام عملی راضی باشد همچون کسی است که آن را انجام داده است

آیات:

-

قالَ إِنِّی لِعَمَلِکُمْ مِنَ الْقالِینَ.(1)

{گفت: «به راستی من دشمن کردار شمایم. }

روایات:

1. تفسیر عیاشی: از سماعه روایت شده که شنیدم امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خدای متعال «قَدْ جاءَکُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِی بِالْبَیِّناتِ وَ بِالَّذِی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ»(2) {قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می گویید، پس چرا آنان را کشتید؟ } می فرمود: می دانست که اینها آن پیامبران را نکشته اند، ولی دل آنها با کسانی بود که [در گذشته] آنان را کشتند، از این رو خداوند آنان را به علت تبعیت از هوای نفس خود و خوشنودیشان به انجام آن عمل قاتلین نامید.(3)

2. تفسیر عیاشی: عمر بن معمر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند قدریه را لعنت کند. خداوند خوارج را لعنت کند. خداوند مرجئه را لعنت کند. خداوند

-1 . شعراء / 168
-2 . آل عمران / 183
-3 . تفسیر عیاشی 1 : 208

مرجئه را لعنت کند. عمر گوید: عرض کردم: فدایت گردم، چطور دو گروه اول را یک بار لعنت کردی اما گروه سوم را دو بار؟ فرمود: اینان گمان بردند که کسانی که ما را کشتند مؤمن بودند، پس جامه هایشان تا روز قیامت به خون های ما آلوده است، آیا نمی شنوی خداوند چه فرموده: «الَّذِينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنا بِقُرْبانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جاءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِى بِالْبَيِّناتِ» تا فرموده اش «صادقين»(1) {همانان که گفتند: «خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانیی بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند.» بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار برای شما آوردند.... اگر راست می گویید.} سپس فرمود: بین مخاطبان این سخن و قاتلین پانصد سال فاصله بود، ولی خداوند به سبب خوشنودی آنها به کردار قاتلین، آنان را نیز قاتلین نامید.(2)

3. تفسیر عیاشی: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: وقتی این آیه نازل شد: « قُلْ قَدْ جاءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِى بِالْبَيِّناتِ وَ بِالَّذِى قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ »(3) {بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می گویید، پس چرا آنان را کشتید؟»} خداوند می دانست که آنان گفتند: به خدا سوگند ما آنان را نکشتیم و در آن کار حاضر نبودیم. امام فرمود: بلکه به آنان گفته شد: از قاتلان آنان اظهار برائت و بیزاری کنید ولی آنان امتناع کردند.(4)

4. تفسیر عیاشی: محمد بن ارقط از امام صادق علیه السلام روایت می کند که به من فرمود: در کوفه ساکن هستی؟ عرض کردم: بلی. فرمود: پس قاتلان حسین را در میان خویش می بینید. عرض کردم: فدایت گردم، کسی از آنان باقی نمانده. فرمود: پس تو قاتل را تنها کسی می دانی که کسی را به قتل رساند یا کسی که در قتلی یاری رساند، آیا فرمایش خداوند را نشنیده ای؟ {بگو: «قطعاً پیش از من،

1- . آل عمران / 183
2- . تفسیر عیاشی 1 : 208
3- . آل عمران / 183
4- . تفسیر عیاشی 1 : 209

پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می گویید، پس چرا آنان را کشتید؟» } پس کسانی که محمد صلی الله علیه و آله بین آنان بود کدام پیامبر خدا را کشتند؟ در صورتی که بین آن حضرت و حضرت عیسی علیه السلام فرستاده دیگری نبود، ولی آنان به قتل آن پیامبران راضی بودند بدین روی قاتلین نامیده شدند.(1)

5. تفسیر عیاشی: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: خداوند در کتاب خویش در حکایت قوم یهود فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنا بِقُرْبانٍ»(2) {خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانیی بیاورد. }تا آخر آیه. سپس فرمود: «فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِياءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»(3) {بگو: اگر مؤمن بودید، پس چرا پیش از این، پیامبران خدا را می کشتید؟ } این آیه را در مورد یهودیان زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل فرموده، آنان پیامبران را به دست خویش نکشتند و در زمان آنان هم نبودند، بلکه پیشینیانشان که قبل از آنان بودند پیامبران را به قتل رساندند ولی یهودیان عهد پیامبر اسلام نیز در جایگاه آن قاتلان قرار گرفتند و خداوند این یهودیان را نیز از آنان قرار داد و عمل پیشینیانشان را نیز به آنان افزود؛ چرا که از آنان پیروی کردند و به عنوان دوستان خود برگرفتند.(4)

6. نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

ای مردم، همه افراد جامعه در خشنودی و خشم شریک می باشند، چنانکه ماده شتر ثمود را یک نفر دست و پا برید، امّا عذاب خداوند تمام قوم ثمود را گرفت؛ زیرا همگی آن را پسندیدند. خداوند سبحان می فرماید: «فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نادِمِينَ.»(5)

{ماده شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند }. سرزمین آنان چونان

-1 . تفسیر عیاشی 1 : 209
-2 . آل عمران / 183
-3 . بقره / 91
-4 . تفسیر عیاشی 1 : 51
-5 . شعرا / 157

آهن گداخته ای که در زمین نرم فرو رود، فریادی زد و فرو ریخت، ای مردم آن کس که از راه آشکار برود به آب می رسد، و هر کس از راه راست منحرف شود سرگردان می ماند.(1)

7. نهج البلاغه: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

کسی که به کار جماعتی خشنود شود مثل کسی است که در آن کار با ایشان داخل شود و از برای هر که در باطلی داخل شود دو گناه است: یکی گناه عمل به آن باطل و دیگری گناه خشنودی به آن.(2)

8. پس از اینکه خداوند تعالی حضرت امیر علیه السلام را بر اصحاب جمل پیروز گرداند یکی از یاران امام علیه السّلام عرض کرد: دوست داشتم برادرم با ما بود و می دید که چگونه خدا تو را بر دشمنانت پیروز کرد. امام علیه السّلام پرسید: آیا فکر و دل برادرت با ما بود؟ گفت: آری. امام علیه السّلام فرمود: پس او هم در این جنگ با ما بود، بلکه با لشکر ما در این نبرد شریکند آنهایی که حضور ندارند، در صلب پدران و رحم مادران می باشند، ولی با ما هم عقیده و آرمانند، به زودی متوّلد می شوند و دین و ایمان به وسیله آنان تقویت می گردد.(3)

1- . نهج البلاغه 2 : 207
2- . نهج البلاغه 3 : 191
3- . نهج البلاغه 1 : 39

باب سوم : نهی از هم نشینی با معصیت کاران و کسانی که سخن ناحق بر زبان می آورند

روایات:

1. تفسیر عیاشی: از محمد بن فضیل روایت شده که امام رضا علیه السلام درباره قول خداوند تعالی: « وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَیْکُمْ فِی الْکِتابِ أَنْ إِذا سَمِعْتُمْ آیاتِ اللَّهِ » تا « إِنَّکُمْ إِذاً مِثْلُهُمْ »(1)

{و البتّه [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که: هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می گیرد، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند، چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود. } فرمود: وقتی شنیدی مردی حق را انکار و تکذیب می کند و به اهل حق ناسزا می گوید، از نزد او برخیز و با او هم نشینی مکن.(2)

2. تفسیر عیاشی: شعیب عقرقوفی گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند « وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَیْکُمْ فِی الْکِتابِ أَنْ إِذا سَمِعْتُمْ آیاتِ اللَّهِ » تا « إِنَّکُمْ إِذاً مِثْلُهُمْ » پرسش نمودم، حضرت فرمود: مقصود خداوند از این آیه آن است که وقتی بشنوی کسی– هر که می خواهد باشد - حق را انکار و تکذیب می کند و به امامان ناسزا می گوید از نزد او برخیز و با او هم نشینی نکن.(3)

3. تفسیر عیاشی: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: خداوند تبارک و تعالی ایمان را بر اعضای بنی آدم واجب کرد و آن را در بین آنها تقسیم کرد، در نتیجه هیچ عضوی نیست که بیشتر از عضو دیگر به آن ایمان واگذار شده

-1 . نساء / 140
-2 . تفسیر عیاشی 1 : 281
-3 . تفیسر عیاشی 1 : 282

باشد؛ از آن جمله است گوش های انسان که با آنها صداها را می شنود، بر گوش واجب کرده که از گوش سپردن به آنچه خداوند حرام داشته دوری بگزینند و خود را حفظ کند و از آنچه برای آن حلال نیست و خداوند از او باز داشته و گوش کردن به هر چه خشم خدای تعالی را برانگیزد روی گرداند، از این رو در این باره فرموده: {و البتّه [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده } تا آنجا که فرموده او: {تا به سخنی غیر از آن درآیند. }(1)

سپس وقت فراموشی را استثنا کرده و فرموده او: «وَ إِمَّا یُنْسِیَنَّکَ الشَّیْطانُ فَلا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّکْری مَعَ الْقَوْمِ الظّالِمِینَ»(2) {و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجّه، [دیگر] با قوم ستمکار منشین. } و فرموده: «فَبَشِّرْ عِبادِ * الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ » تا فرمایششش: «أُولُوا الْأَلْبابِ»(3) {پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان. } و فرموده او: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِینَ هُمْ فِی صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ * وَ الَّذِینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»(4) {به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند، و آنان که از بیهوده رویگردانند. } و خداوند تعالی فرموده: «وَ إِذا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ»(5)

{و چون لغوی بشنوند از آن روی برمی تابند. } و فرمود: «وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراماً»(6) {و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می گذرند. } این است آنچه خداوند از ایمان بر گوش واجب کرده و اینکه به آنچه حلال نیست گوش ندهد عمل آن است که نشانه ایمان است.(7)

1- . نساء / 140
2- . انعام / 68
3- . زمر / 18 - 17
4- . مؤمنون / 3 - 1
5- . قصص / 55
6- . فرقان / 72
7- . تفسیر عیاشی 1 : 282

باب چهارم : وجوب هجرت و احکام آن

آیات:

-

إِنَّ الَّذِینَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلائِکَهُ ظالِمِی أَنْفُسِهِمْ قالُوا فِیمَ کُنْتُمْ قالُوا کُنَّا مُسْتَضْعَفِینَ فِی الْأَرْضِ قالُوا أَ لَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللَّهِ واسِعَهً فَتُهاجِرُوا فِیها فَأُولئِکَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ ساءَتْ مَصِیراً * إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ لا یَسْتَطِیعُونَ حِیلَهً وَ لا یَهْتَدُونَ سَبِیلاً * فَأُولئِکَ عَسَی اللَّهُ أَنْ یَعْفُوَ عَنْهُمْ وَ کانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُوراً * وَ مَنْ یُهاجِرْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ یَجِدْ فِی الْأَرْضِ مُراغَماً کَثِیراً وَ سَعَهً وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِراً إِلَی اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَی اللَّهِ وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِیماً.(1)

{کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می گیرند، می گویند: «در چه [حال] بودید؟» پاسخ می دهند: «ما در زمین از مستضعفان بودیم.» می گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس آنان جایگاهشان دوزخ است، و [دوزخ] بد سرانجامی است. مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره جویی نتوانند و راهی نیابند. پس آنان [که فی الجمله عذری دارند] باشد که خدا از ایشان درگذرد، که خدا همواره خطابخش و آمرزنده است. و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامتگاه های فراوان و گشایش ها خواهد یافت؛ و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او، از خانه اش به درآید، سپس مرگش دررسد، پاداش او قطعاً بر خداست، و خدا آمرزنده مهربان است.}

- إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ الَّذِینَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولئِکَ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَمْ یُهاجِرُوا ما لَکُمْ مِنْ وَلایَتِهِمْ مِنْ شَیْ ءٍ حَتَّی یُهاجِرُوا وَ إِنِ اسْتَنْصَرُوکُمْ فِی الدِّینِ فَعَلَیْکُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلی قَوْمٍ

1- . نساء / 100 - 97

بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَهُمْ مِیثاقٌ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ * وَ الَّذِینَ کَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَکُنْ فِتْنَهٌ فِی الْأَرْضِ وَ فَسادٌ کَبِیرٌ * وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ الَّذِینَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَهٌ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ * وَ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا مَعَکُمْ فَأُولئِکَ مِنْکُمْ.(1)

{کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نموده اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده اند و یاری کرده اند، آنان یاران یکدیگرند؛ و کسانی که ایمان آورده اند ولی مهاجرت نکرده اند هیچ گونه خویشاوندی [دینی] با شما ندارند مگر آنکه [در راهِ خدا] هجرت کنند؛ و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است، مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است، و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست. و کسانی که کفر ورزیدند یاران یکدیگرند. اگر این [دستور] را به کار نبندید، در زمین فتنه و فسادی بزرگ پدید خواهد آمد. و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته، و کسانی که [مهاجران را] پناه داده و یاری کرده اند، آنان همان مؤمنان واقعی اند، برای آنان بخشایش و روزی شایسته ای خواهد بود. و کسانی که بعداً ایمان آورده و هجرت نموده و همراه شما جهاد کرده اند، اینان از زمره شمایند، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند. آری، خدا به هر چیزی داناست.}

-

الَّذِینَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَهً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْفائِزُونَ.(2)

{کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند.}

-

الْأَعْرابُ أَشَدُّ کُفْراً وَ نِفاقاً وَ أَجْدَرُ أَلَّا یَعْلَمُوا حُدُودَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ.(3)

ص: 158

1- . انفال / 75 - 72
2- . توبه / 20
3- . توبه / 97

{بادیه نشینانِ عرب، در کفر و نفاق [از دیگران] سخت تر، و به اینکه حدود آنچه را که خدا بر فرستاده اش نازل کرده، ندانند، سزاوارترند. و خدا دانای حکیم است. }

-

وَ الَّذِینَ هاجَرُوا فِی اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ما ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَهِ أَکْبَرُ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ.(1)

{و کسانی که پس از ستمدیدگی، در راه خدا هجرت کرده اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگ تر خواهد بود. }

-

ثُمَّ إِنَّ رَبَّکَ لِلَّذِینَ هاجَرُوا مِنْ بَعْدِ ما فُتِنُوا ثُمَّ جاهَدُوا وَ صَبَرُوا إِنَّ رَبَّکَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِیمٌ.(2)

{با این حال، پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از [آن همه] زجر کشیدن، هجرت کرده و سپس جهاد نمودند و صبر پیشه ساختند، پروردگارت [نسبت به آنان] بعد از آن [همه مصایب] قطعاً آمرزنده و مهربان است. }

-

وَ الَّذِینَ هاجَرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ ماتُوا لَیَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقاً حَسَناً وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ * لَیُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا یَرْضَوْنَهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَعَلِیمٌ حَلِیمٌ.(3)

{و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده، و آنگاه کشته شده یا مرده اند، قطعاً خداوند به آنان رزقی نیکو می بخشد. و راستی این خداست که بهترین روزی دهندگان است. آنان را به جایگاهی که آن را می پسندند درخواهد آورد، و شک نیست که خداوند دانایی بردبار است. }

-

یا عِبادِیَ الَّذِینَ آمَنُوا إنَّ أَرْضِی واسِعَهٌ فَإِیَّایَ فَاعْبُدُون.(4)

{ای بندگان من کهَ ایمان آورده ایدَ، زمین منَ فراخ است؛ تنها مرا بپرستید.}

-

وَ أَرْضُ اللّٰهِ واسِعَهٌ.(5) {و زمین خدا فراخ است.}

1- . نحل: 41
2- . نحل / 110
3- . حجّ / 59 و 58
4- . عنکبوت / 56
5- . زمر / 10

روایات:

1. نهج البلاغه: امیر المؤمنین علیه السلام در سخنانی فرمود: و هجرت، بر جایگاه ارزشی نخستین خود قرار دارد. خدا را به ایمان اهل زمین نیازی نیست، چه ایمان خود را پنهان دارند یا آشکار کنند. و نام مهاجر را بر کسی نمی توان گذاشت جز آن کس که حجّت خدا بر روی زمین را بشناسد. هر کس حجّت خدا را شناخت، و به امامت او اقرار کرد مهاجر است.(1)

2. و حضرت امیر علیه السلام در نامه خود به معاویه نوشت: و گفتی با گروهی از مهاجران و انصار به نبرد من می آیی، هجرت از روزی که برادرت «یزید» در فتح مکّه اسیر شد پایان یافت.(2)

کتاب الغارات ابراهیم ثقفی: از ابن نباته روایت کرده که امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی های خویش فرمود: یکی می گوید: مهاجرت کرده ام. در حالی که مهاجرت نکرده است. مهاجران کسانی هستند که از بدی ها مهاجرت می کنند و دوری می گزینند و هرگز به آنها باز نمی گردند.

1- . نهج البلاغه 2 : 152
2- . نهج البلاغه 3 : 135

کتاب زیارت

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد مخصوص خدایی است که ما را به زیارت دوستان و برگزیدگانش هدایت فرمود و این زیارت را وسیله ای برای رسیدن به بلندترین منازل پیروزی و رستگاری قرار داد و درود بر آن کسی که به سبب درود و سلام بر او، کسی که به سعادتِ عالی ترین مدارج کرامت و موفقیت رسید، رستگار شد ؛ یعنی محمد و اهل بیت طاهرین او که مؤمنان با عتبه بوسی آنان، از بلندترین معراج های شرافت و صلاح بالا رفتند و لعنت خدا بر دشمنان آنان، مادام که شب تیره فرا می رسد و صبحگاهان همه جا را روشن می نماید.

اما بعد؛ این مجلد بیست و دوم از کتاب بحار الانوار است که کنار زننده پرده از زیارت های پیامبر و ائمه اطهار است - که درود عوالم نهان و آشکار بر ایشان باد - و مشتمل بر فضیلت زیارت ایشان و آداب و مقدمات و امور مربوط به آن می شود به گونه ای کامل که شیعیان برگزیده ایشان از این کتاب مسرور می گردند و این کتاب از مؤلفات خادم احادیث ائمه اطهار و خاک قدم های مؤمنان برگزیده، محمد باقر فرزند محمد تقی است که خداوند آن دو را با موالی پاکشان محشور فرماید.

ص: 161

باب اول : مقدمات سفر و آداب آن

اشاره

می گویم: بیشتر روایات مربوط به این باب را در کتاب آداب و نیز برخی را در کتاب حج ذکر کردیم، ولی در اینجا روایاتی را که سید نقیب فرزانه علی بن طاووس قدس الله روحه در آغاز کتاب «مصباح الزائر» آورده ذکر می کنیم؛ چرا که وی مضامین بیشتر روایات وارده در این مورد را گرد آورده و آنچه را که در کتاب «المزار الکبیر» تألیف محمد بن مشهدی یا سید فخار یا یکی از معاصرین آن دو از دانشمندان بزرگ(1)

یافتم به آن می افزایم تا این جلد از آنچه زائر امامان اطهار به آن احتیاج دارد خالی نباشد.

سید رحمه الله(2)

گوید: وقتی خواستی به مسافرت بروی شایسته است روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیری و از روزهای هفته روز شنبه را انتخاب کنی.

روایات:

1- . به نام خداوند بخشنده مهربان و از او یاری می جوئیم. «المزار الکبیر» نوشته محمد بن مشهدی (نسخه خطی) ما در تصحیح روایاتی که در این کتاب از آن نقل کردیم، به دو نسخه مراجعه کردیم (که یکی از آن دو) نسخه ای خطی به تاریخ سال 956 هجری در کتابخانه عمومی الإمام امیر المؤمنین علیه السلام در نجف اشرف است. (و دومی) نسخه ای خطی به تاریخ سال 1355 هجری در کتابخانه عمومی السید الحکیم در نجف اشرف به شماره 652 است که در مراجعه و تخریج به آن اعتماد کردیم.

2- . مصباح الزائر (نسخه خطی)، در تصحیح روایات منقول از آن در این کتاب بر نسخه ای در کتابخانه عمومی السید الحکیم در نجف اشرف اعتماد کردیم که در سال 1112 هجری به شماره 445 نوشته شده است.

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس بخواهد به سفر برود، باید در روز شنبه به مسافرت رود، اگر سنگی از کوه در روز شنبه کنده شود خداوند آن را به مکان خویش باز گرداند(1) یا اینکه روز سه شنبه برود؛ چرا که این روز، روزی است که خداوند در آن آهن را برای داود علیه السلام نرم کرد یا اینکه پنجشنبه برود که پیامبر صلی الله علیه و آله روز پنجشنبه به سفر می رفت.

2. و فرمود: روز پنجشنبه روزی است که خداوند و رسولش و فرشتگانش آن را دوست دارند.(2)

از سفر در روز دوشنبه و چهارشنبه و پیش از ظهر روز جمعه اجتناب کن و سفر در روز سوم و چهارم و پنجم و ششم و سیزدهم و شانزدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم و بیست و ششم ماه مکروه است.

3. از طریقی دیگر روایت شده است که: روز چهارم و ششم و بیست و یکم ماه برای سفر و غیر آن مناسب است.(3)

و در این روایت آمده که هشتم و بیست و سوم ماه برای سفر مکروهند و وقتی قمر در برج عقرب بود به مسافرت نرو.

4. و از امام صادق علیه السلام روایت شده است: در آن وقت سفر مکروه است.(4)

و اگر در این احوال و اوقات مکروه ضرورتی برای خروج پیش آمد، مسافر باید به آنچه إن شاء الله در این فصل به هنگام ذکر وداع با منزل گفته خواهد شد عمل کند و سفر خود را با صدقه و نیز دعایی که ذکر خواهد شد آغاز کند و هر وقت خواست بیرون آید.

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: سفرت را با صدقه آغاز کن و هر وقت صلاح دیدی بیرون آی که با صدقه سلامت سفرت را می خری.(5)

1- . مصباح الزائر: 12

2- . مصباح الزائر: 12

3- . مصباح الزائر: 12
4- . مصباح الزائر: 12
5- . مصباح الزائر: 13

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: هر گاه امام زین العابدین علیه السلام اراده می فرمود به سوی یکی از مزارع خود بیرون روند، با هر مقدار صدقه که می توانستند سلامت خویش را از خداوند عزوجل می خریدند.(1)

صاحب کتاب عوارف المعارف حدیثی را با سند خویش ذکر کرده و آن اینکه: وقتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به مسافرت می رفت با خود پنج چیز می برد: آینه، سرمه دان، مدری، مسواک و شانه.(2)

7. در روایت دیگری آمده: و قیچی.(3)

و در المزار الکبیر آمده: چون تصمیم به خروج گرفتی روزی را برای آن انتخاب کن و این روز باید یکی از سه روز شنبه، سه شنبه یا پنجشنبه باشد.(4)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس قصد سفر کند، باید روز شنبه به مسافرت رود؛ چرا که اگر سنگی در روز شنبه از جای خویش درآید و بیفتد قطعاً خداوند آن را به مکان خویش باز می گرداند.(5)

9. و اما روز سه شنبه، از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: روز سه شنبه به مسافرت روید و حاجات خویش را در این روز بخواهید که این روز، روزی است که خداوند عزوجل آهن را بر داود علیه السلام نرم فرمود.(6)

10. و اما روز پنجشنبه، از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز پنجشنبه با اصحاب خویش به پیکار می رفت و پیروز می شد، کسی که قصد سفر دارد باید روز پنجشنبه سفر کند.(7)

1- . مصباح الزائر: 13
2- . مصباح الزائر: 13 و مدری و مدراه یعنی: وسیله ای که آن را از آهن یا چوب به شکل یکی از دندانه های شانه و درازتر از آن سازند که به

وسیله آن موی درهم را باز می کنند و کسی آن را به کار می گیرد که شانه ندارد. النهایه ابن أثیر 2 : 22(ریشه دری)

3- . مصباح الزائر: 13

4- . المزار الکبیر: 7 باب تصمیم بر خروج و انتخاب روزها برای آن الی آخر، نسخه کتابخانه الإمام علیه السلام و ص 6 نسخه کتابخانه السید الحکیم.

5- . المزار الکبیر: 7 نسخه کتابخانه الإمام علیه السلام و ص 6 نسخه کتابخانه الحکیم با تفاوتی اندک

6- . المزار الکبیر: 7 نسخه کتابخانه الإمام علیه السلام و ص 6 نسخه کتابخانه الحکیم

7- . المزار الکبیر: 7 نسخه کتابخانه الإمام علیه السلام و ص 6 نسخه کتابخانه الحکیم

و از خروج در روز دوشنبه بپرهیز؛ چرا که این روز، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن دیدار حق را لبیک گفت و امر خلافت را از اهل بیت حضرت گرفتند و امام حسین علیه السلام در این روز به شهادت رسید و این روز روز نحسی است و نیز از بیرون رفتن در روز چهارشنبه بپرهیز؛ چرا که این روز، روزی است که پایه های آتش در آن خلق شد و در این روز امت های سرکش و عصیانگر هلاک شدند.(1)

و از خروج در روز جمعه پیش از نماز بپرهیز؛ چرا که:

11. از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که روز جمعه پیش از نماز به مسافرت رود در امان نیست که خداوند او را در سفرش حفظ نفرماید و او را برای اهلش باقی نگذارد و از فضل خویش به او روزی ندهد.(2)

از خروج در روز سوم ماه بپرهیز که روز نحسی است و آن روزی است که جامه آدم و حوا در آن کنده شد و از روز چهارم ماه نیز بپرهیز که در آن روز بیم آن می رود بر مسافر بلایی نازل شود و از سفر در روز بیست و یکم بپرهیز که این روز نیز روز نحسی است و روزی است که خداوند در آن اهل مصر و فرعون را با نشانه هائی عذاب کرد. اگر هم مجبور شدی در یکی از روزهایی که برشمردیم به سفر روی، در این صورت بسیار از خداوند طلب خیر کن و از او عافیت و سلامت بخواه و مقداری صدقه بده و با نام خداوند متعال از خانه بیرون رو.(3)

سپس سید رحمه الله فرموده: ذکر آنچه که انسان از زمان خروج خود بدان اعتماد می کند و آداب بعدی آن: مستحب است انسان قبل از آنکه آهنگ سفر کند غسل کند. هنگام غسل هم می گوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ الصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ ...

1- . المزار الکبیر: 7 نسخه کتابخانه الإمام علیه السلام
2- . المزار الکبیر: 8 نسخه کتابخانه الإمام علیه السلام
3- . المزار الکبیر: 8 نسخه کتابخانه الإمام علیه السلام

به نام خدا و به یاری او که هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن که خود به انسان می دهد و با اعتقاد به آیین پیامبرش و راست گویان از سوی خداوند صلوات اللّه علیهم اجمعین؛ پروردگارا، با این غسل دلم را پاکیزه، سینه ام را گشاده و قلبم را روشن کن. بار خدایا، آن را مایه ی روشنی و پاکیزگی و ایمنی و شفای هر درد و بیماری و آسیب و بدی هر آن چه برایم ترسناک است و از آن گریزان ام، قرار ده و قلب و اعضا و جوارح و استخوان ها و پوست و خون و موی و مغز و عصب هایم و آن چه را که زمین برایم فرو گذاشته است، پاک گردان. پروردگارا، آن را در روز فقر و نیازمندی ام به آستانت، شاهد من قرار ده؛ ای پروردگار جهانیان؛ همانا تو بر هر کاری توانایی.

سپس خانواده ات را در مقابل خویش جمع می کنی و دو رکعت نماز می خوانی و خیر را از خدا می خواهی و آیه الکرسی می خوانی و حمد و ثنای خداوند را به جا می آوری و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درود می فرستی و می گوئی:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ مَنْ کَانَ مِنِّی بِسَبِیلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ و الْغَائِبِ ...

پروردگارا، امروز خودم و خانواده و ثروت و فرزندانم و هر کس را که به من بستگی دارد، از حاضران و غایبان، به امانت به تو می سپارم. خداوندا، ما را به نگه داری ایمانمان مراقبت فرمای و آن را برای ما حفظ گردان. خدایا، ما را در رحمت و احسان خویش فراهم آر و فضلت را از ما مگیر که ما همگی آرزومند توییم. پروردگارا، از مشقّت سفر و اندوه بازگشت و دید بد نسبت به خانواده و ثروت و فرزند، در دنیا و آخرت، به تو پناه می بریم. بار الها، همه ی امید و توجّهم را به تو دوخته ام تا بتوانم وسیله ی خشنودی تو را فراهم سازم و به تو نزدیک گردم. پروردگارا، مرا به آرزوها و امیدهایی که به تو و اولیایت دارم، برسان؛ ای مهربان ترین مهربانان.(1)

1- . مصباح الزائر : 14 و 13

و اگر خواستی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّی خَرَجْتُ فِی وَجْهِی هَذَا بِلَا ثِقَهٍ مِنِّی لِغَیْرِکَ وَ لَا رَجَاءٍ یَأْوِی بِی إِلَّا إِلَیْکَ وَ لَا قُوَّهٍ أَتَّکِلُ عَلَیْهَا ...

پروردگارا، در این راه که گام می نهم، به غیر از ذات مقدّست به هیچ کس اعتماد نکرده ام و آرزوی پناه آوردن به کسی جز تو را ندارم. نه نیرویی دارم که بدان اتّکا نمایم و نه چاره ای که به آن جا پناهنده شوم؛ بلکه تنها در پی آنم که خشنودی و رحمتت را به دست آورم و خود را در معرض پاداشت قرار دهم و در جوار احسانت قرار و آرام یابم. و تو به سرنوشت من در این سفر از آن چه دوست دارم و از آن چه بیزارم، آگاه تری؛ بارخدایا، از تو می خواهم هر بلایی را که قلم تقدیر برایم رقم زده است و روی آوردن هر سختی را از من بگردانی و سایه ای از ابر مهر و شفقت بر سر من بگسترانی و با گذشت از تقصیرم بر من لطف کنی و در امان حفظ خویش قرار دهی و روزی ات را برایم فراوان و نعمتت را بر من تمام سازی و عفو و بخشایشت را بر من سرازیر سازی. پروردگارا، در این سفر مقدّراتت را با آرزو و خواسته ام هم آهنگ ساز و هر آن چه را از آن بر خویش بیم دارم و ندارم - که تو خود به آن ها آگاه تری - از من دور گردان و آن را برای آخرت و دنیایم سودمند فرما. هم چنین از تو می خواهم که در میان بازماندگانم، از خاندان و ثروت و برادران و تمامی زیر دستان، به بهترین شکلی که مؤمنی را در خانواده اش جانشینی می کنی، از جانب من نیز جانشین باشی؛ در مصون داشتن ناموسم و در پیش گیری از هر آن چه باعث تباهی است و اعطای هر نعمتی به حدّ نهایت و دور گرداندن از هر گناه و پشت گرمی در مقابل امور ترسناک و باز داشتن هر بدی و نیز فراهم آوردن هر آن چه موجب خرسندی و خشنودی در دنیا و آخرت است و باز از تو می خواهم که یاد و سپاس گزاری و فرمان برداری و عبادتت را نصیبم سازی تا از من خشنود گردی.

خداوندا، پس از خوشنودی، امروز دین و جان و مال و خانواده و فرزندان و همه ی برادرانم را به تو می سپارم. خدایا، حاضر و غایب ما را نگه دار. خداوندا،

نگه دار و نگهبان ما باش. بار الاها، پناهمان ده و نعمتت را از ما دریغ مفرما و نعمت و سلامتی و بخششت را - که در اختیار ما نهاده ای - دگرگون مساز.(1)

12. هم چنین در خبری وارد شده است: هر گاه خواسته باشی در یکی از اوقاتی که مسافرت مکروه است سفر کنی، یا در سفر از چیزی می ترسی، پیش از حرکت، سوره های حمد و و ناس و فلق و آیه الکرسی و قدر و آل عمران را از آغاز آیه ی شریفه ی: «إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» تا پایان سوره بخوان و سپس بگو:

اللَّهُمَّ بِکَ یَصُولُ الصَّائِلُ وَ بِقُدْرَتِکَ یَطُولُ الطَّائِلُ وَ لَا حَوْلَ لِکُلِّ ذِی حَوْلٍ إِلَّا بِکَ وَ لَا قُوَّهَ یَمْتَارُهَا ذُو...

خداوندا، حمله کننده به سبب تو توان حمله ور شدن را یافته است و هر که در فضل و توانگری و قدرت بر دیگران برتری یافته، به فضل توست و هیچ قدرت و حرکت و نیرویی نیست مگر به خواست تو و هیچ نیرومندی قدرت نیافته است مگر با مدد گرفتن از تو. پروردگارا، به حقّ آفریدگان برگزیده ات و آنان که از میان مردم برگزیده ای، محمّد، پیامبرت و خاندان و فرزندانش علیه و علیهم السّلام، از تو می خواهم که بر آن بزرگوار و دودمانش رحمت فرستی و گزند و زیان این روز را از من دور گردانی و از خیر و برکتش بهره مندم سازی و در همه ی کارهایی که انجام می دهم، پایان خوب و نایل شدن به محبّت و دوستی و رسیدن به آرزو و چیره شدن بر هر ستم پیشه ی حیله گر و هر که بر آزارم قدرت دارد را مقدّر فرمایی تا از هر بلا و نکبتی(2) در امان و حفظ و نعمت باشم و از تو می خواهم ترس هایم را به آسایش مبدّل و موانع و مشکلات روزگار را برایم آسان سازی تا هیچ باز دارنده ای نتواند مرا از رسیدن به مقصودم بازدارد و آزاری از بندگانت به من نرسد. به راستی که تو بر هر کار توانایی و اوست شنوا و بینا.(3)

1- . مصباح الزائر: 15 و 14

2- . ما بین پرانتز را در منبع نیافتیم.

3- . مصباح الزّائر: 8

سپس با اهلت وداع کن و برخیز و کنار در بایست و تسبیح حضرت زهرا علیها سلام را به جا آور و سوره حمد را از روبرو و راست و چپت بخوان و همین طور آیه الکرسی را، سپس بگو:

اللَّهُمَّ إِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَ عَلَیْکَ خَلَّفْتُ أَهْلِی وَ مَالِی وَ مَا خَوَّلْتَنِی وَ قَدْ وَثِقْتُ بِکَ فَلَا تُخَیِّبْنِی یَا...

پروردگارا، به درگاه تو روی آوردم و بر عهده ی تو گذاشتم زن و فرزند و ثروتم و آن چه را که به من دادی. به تو اطمینان دارم؛ پس نومیدم مکن. ای که هر کس به سوی او رود، نومید نگردد و هر که را او نگه داری کند، تباه نشود. خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و در غیاب من آن چه را که مربوط به من است، حفظ کن و مرا به خودم وامگذار؛ ای مهربان ترین مهربانان! خداوندا، مرا به خواسته ام برسان و زیارت را برایم میسر کن و بندگان و سرزمین هایت را مطیعم گردان و زیارت مرقد پاک پیامبر گرامیت صلّی اللَّه علیه و آله و سلم و ولیّ ات، امیر المؤمنین، و امامان از نسل آن بزرگوار و همگی خاندانش علیه و علیهم السّلام را روزی ام فرمای و به فریادرسی از جانب خود، در تمامی احوال مرا یاری رسان و به خود و دیگرانم وامگذار که در آن صورت، بی چاره و ستم دیده خواهم شد. پرهیزکاری را توشه ام ساز و مرا در دنیا و آخرت بیامرز. خدایا مرا از بهترین روی آورندگان به خود قرار ده.(1)

همچنین می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ وَ اسْتَعَنْتُ بِاللَّهِ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِی إِلَی اللَّهِ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ...

به نام خدا و به یاری خدا. به خدا توکّل کردم و کار خود را به او سپردم. از خدا یاری می جویم و اتّکا و پشت گرمی ام به خداست و کارم را از روی بیم و شوق نسبت به خدا، به او واگذار کردم. و هیچ پناهگاه و محل نجات و گریزگاهی از خدا نیست مگر به سوی خدا. پروردگارا، به قرآنی که از جانب خود فرستاده ای و به

1- . مصباح الزائر: 15

پیامبری که مبعوث کرده ای، ایمان دارم؛ چرا که جز تو، ای خدا دیگری نیکی نمی رساند و بلاگردانی غیر از تو وجود ندارد. پناهنده ی به تو گرامی است و ستایش تو شکوهمند و نام هایت پاکیزه و نعمت هایت بزرگ است و معبودی جز تو نیست.(1)

13. نیز روایت شده که: کسی که صبحگاه از منزل خویش بیرون رود و این دعا را بخواند به بلایی دچار نگردد تا اینکه روز را به شب کند و همین طور اگر عصر هنگام خارج شود و این دعا را بخواند نیز به بلایی دچار نگردد تا اینکه صبح کند یا اینکه به منزل خویش بازگردد.(2) سپس ده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و إنّا أنزلناه و آیه الکرسی و معوذتین بخوان و آن را بر تمام بدنت بگردان و هر چه می توانی صدقه بده و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّی اشْتَرَیْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَهِ سَلَامَتِی وَ سَلَامَهَ سَفَرِی وَ مَا مَعِی اللَّهُمَّ احْفَظْنِی وَ احْفَظْ مَا مَعِی وَ...

پروردگارا، من سلامت خود و سلامت سفرم و آن چه را به همراه دارم، با این صدقه می خرم. پروردگارا، مرا و آن چه به همراهم است حفظ فرما و سلامت بدار و به کفایت نیک و پسندیده ات من و آنچه به همراه من است را به مقصد برسان.

سپس می گوئی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرَضِینَ...

معبودی جز خدای بردبار بزرگوار نیست. معبودی جز خدای بلند مرتبه ی والامقام نیست. پروردگار آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه و نیز آن چه در آن ها و بین آن هاست و پروردگار عرش بزرگ از هر نقصی به دور است {و درود بر فرستادگان خدا! ستایش مخصوص خداوند جهانیان است. }(3) درود خدا بر محمّد و خاندان نیک و پاکش باد! خداوندا، از هر گردن کش ستیزنده و از هر شیطان سرکش به تو پناه می برم. به نام خدا آمدم و به نام خدا می روم. بار خدایا، من نام

1- . مصباح الزائر: 15
2- . مصباح الزائر: 15
3- . صافات / 182 و 181

خدا و خواست خدا را در این سفرم - چه به یاد داشته باشم و چه فراموش کنم - پیش می دارم. خداوندا، تویی که همه ی کارها به کمک تو انجام می شود و در سفر، همراه و در خانواده ام جانشینم می گردی. پروردگارا، سفرمان را بر ما آسان کن و زمین را در هم نورد و با اطاعت خود و پیامبرت قدممان در راه گذار. خداوندا، فرزندان ما را صالح گردان و در آن چه روزی ما ساخته ای، برکت قرار ده و ما را از آتش دوزخ بازدار. خداوندا، از رنج و سختی سفر و اندوه و ملال بازگشت و از سوء نیّت بداندیشان در باره ی خاندان و اندوخته و فرزندانم به تو پناه می برم. خداوندا، تو مددکار و پشتیبان منی؛ معبودا، دوری و سختی راه را از من دور گردان و مرا در سفر همراه باش و در محافظت خانواده ام به نیکی جانشینی کن؛ هیچ جنبشی و هیچ توانی نیست مگر به یاری خداوند والای بزرگ.

و نیز عصایی از درخت بادام تلخ را با خویش بر می گیری.(1)

14. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: هر کس به سفر رود و با خود عصایی از چوب بادام تلخ داشته باشد، و قول خدای تعالی: «وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدْيَنَ قالَ عَسى رَبِّى أَنْ يَهْدِيَنِى سَواءَ السَّبِيلِ»(2) {و چون به سوی [شهر] مَدْیَن رو نهاد [با خود] گفت: امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.} را تا آنجا که می فرماید: «وَ اللَّهُ عَلى ما نَقُولُ وَكِيلٌ»(3) {و خدا بر آنچه می گوییم وکیل است.} تلاوت نماید، خداوند تعالی او را از شر هر درنده بزرگی که ضرر رساند و از شر هر دزد ظالم و از شر هر حیوان گزنده ایمن دارد تا به خانه خود برگردد و حق سبحانه و تعالی هفتاد و هفت فرشته را مقرر سازد که از عقب او روانه شوند و او را حفظ و حمایت کنند و برای او آمرزش طلب کنند تا به خانه خود بر گردد و عصا را بگذارد.(4)

1- . مصباح الزائر: 16
2- . قصص / 22
3- . قصص / 28
4- . مصباح الزائر: 16

15. از پیامبر اکرم صلوات الله علیه روایت شده که فرمود: حضرت آدم علیه السلام به سختی بیمار شد و موجب وحشت او شد، پس به سوی جبرئیل شکایت برد. جبرئیل بدو گفت: یکی از شاخه های بادام تلخ را بکن و به سینه ات بچسبان و او نیز چنین کرد و خداوند وحشت را از دل او برد. (1)

16. و حضرت علیه السلام فرمود: هر که خواهد که زمین برای او نوردیده و پیچیده شود باید که عصای چوب بادام تلخ با خود داشته باشد.

و بر اساس آنچه ابن بابویه رحمه الله علیه ذکر کرده، «النُقُد» عصای بادام تلخ است. (2)

17. و از امامان علیهم السلام روایت شده که آن بزرگواران نیز فرمود: وقتی یکی از شما بخواهد به مسافرت رود باید با خود عصایی از درخت بادام تلخ بردارد و این حروف را در پوستی بنویسد و عصا را بکند و پوست را در آن بنهد و آن حروف عبارت است از: سلمحلس وه به یهو ه یا هابیه ه باوبه ضاف ه مصینا بِهِ ه. (3)

به تنهایی به سفر مرو و اگر چنین کردی بگو:

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَ أَعِنِّی عَلَی وَحْدَتِی وَ أَدِّ غَیْبَتِی.

هر چه خدا بخواهد. هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به واسطه خداوند. تنهائیم را الفت بخش و مرا بر بی کسیم یاری بخش و نبودم را جبران کن.

و مستحب است انسان با عمامه و حنک بیرون آید.

18. از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که با عمامه و تحت الحنک قصد سفر کند من ضمانت می کنم دزدی به او نزند و غرق نشود و دچار آتش سوزی نگردد. (4)

1- . مصباح الزائر: 16
2- . مصباح الزائر: 16 و الفقیه 2 : 176

3- . مصباح الزائر: 17
4- . مصباح الزائر: 17

اندکی از تربت امام حسین علیه السلام را نیز با خود بر می داری و چون آن را برداشتی بگو:

اللَّهُمَّ هَذِهِ طِینَهُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ ع وَلِیِّکَ وَ ابْنِ وَلِیِّکَ اتَّخَذْتُهَا حِرْزاً لِمَا أَخَافُ وَ مَا لَا أَخَافُ.

بار خدایا، این گل مزار امام حسین علیه السلام ولی تو و پسر ولی تو است، آن را برای حفظ خویش از آنچه می ترسم و آنچه نمی ترسم برگرفتم.

19. در وصف این دعا به طریق دیگری روایت شده که می گوئی:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَخَذْتُهُ مِنْ قَبْرِ وَلِیِّکَ وَ ابْنِ وَلِیِّکَ فَاجْعَلْهُ لِی أَمْناً وَ حِرْزاً مِمَّا أَخَافُ وَ مِمَّا لَا أَخَافُ.

خداوندا، من آن را از قبر ولی تو و پسر ولی تو برداشتم، پس آن را امنیت بخش من و نگهداری از آنچه بیم آن دارم و آنچه بیم از آن ندارم بگردان. (1)

20. نیز روایت شده است: که هر کس از سلطانی یا غیر از آن می ترسد و از منزل خویش خارج شود و تربت حضرت را استفاده کند محافظ او خواهد بود(2)

و چون در روز قصد حرکت نمودی باید در دو طرف روز حرکت کنی و در میانه روز فرود آیی.

و اگر شبانه قصد حرکت داشتی باید در آخر شب حرکت کنی؛ زیرا چنانچه روایت شده زمین از آخر شب پیچیده و درنوردیده می شود. اگر خواستی سوار بر شتر شوی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ: به نام خدا و خدا بزرگتر است.

چون سوار شدی بگو:

فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَ عَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَ مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ ص سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا ...

ستایش می کنم خداوند خود را که ما را با اسلام هدایت کرد و قرآن را به ما آموخت و با نبوّت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر ما منّت نهاد، {و منزه است

ص: 174

1- . مصباح الزائر: 17
2- . مصباح الزائر: 17

خداوندی که این [حیوان] را بر ما مسخر کرد و[گرنه] ما را یارای [رام ساختن] آن نبود. و بازگشت ما به سوی پروردگار ماست.}[(1)] و سپاس خداوندی را سزاست که پروردگار عالمیان است. خداوندا تو ما را بر پشت این حیوان نگاه می داری و در جمیع امور از تو استعانت می جوییم، خداوندا ما را برسان رساندنی که به خوبی منتهی گردد، رساندنی که به رحمت و خشنودی و مغفرت تو منتهی گردد، خداوندا هیچ بدی نیست جز آنچه تو بد بدانی و هیچ چیزی خوب نیست جز آنچه تو خوب بدانی، و هیچ نگهبانی غیر از تو نیست.

آنگاه هفت مرتبه سبحان الله، هفت مرتبه الحمد لله و هفت مرتبه لا إله إلا الله می گوئی و آیه سخره را قرائت می کنی سپس می گوئی:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی إِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.

آمرزش می خواهم از خدائی که معبودی جز او نیست، که زنده پاینده است و به درگاه او توبه می کنم. خداوندا گناهانم را بیامرز که به راستی جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد.

اگر خواستی با کشتی به مسافرت بروی إن شاء الله اعمال آن در آخر این فصل ذکر خواهد شد.

سپس حرکت می کنی و در مسیر خویش می گوئی:

اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِیلَنَا وَ أَحْسِنْ تَسْیِیرَنَا وَ أَعْظِمْ عَاقِبَتَنَا.

پروردگارا، راه را بر ایمان آسان و رفتن ما را نیکو گردان و عاقبت ما را بزرگ دار.

و می گوئی:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَسِیرِی عَبَراً وَ صَمْتِی تَفَکُّراً وَ کَلَامِی ذِکْراً.

پروردگارا، رفتنم را مایه ی پند آموزی و سکوتم را وسیله ی اندیشیدن و گفتارم را ذکر قرار ده.

1- . زخرف / 14 و 13

همچنین در راه می گویی:

خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ بِغَیْرِ حَوْلٍ مِنِّی وَ لَا قُوَّهٍ لَکِنْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ بَرِئْتُ إِلَیْکَ یَا رَبِّ مِنَ الْحَوْلِ وَ...

به توان و نیروی الهی بیرون شدم؛ بی آنکه در خود توان و نیرویی داشته باشم؛ بلکه توان و نیرویی است که خدا به من داده است. پروردگارا، از تمسّک به هر حول و قوّه ای، [در پیشگاه تو] بیزاری می جویم. بار خدایا، از تو می خواهم در این سفر به من برکت دهی و برای اهل این سفر نیز برکت می طلبم. بار الها، از فضل گسترده ات روزی حلال پاکیزه ای می خواهم که به سوی من روان سازی و من به نیرو و مدد تو سلامت و آرامش داشته باشم. پروردگارا، این سفرم را فقط با اعتماد به تو، بدون اتّکا و امید بر دیگری، می پیمایم. پس در این سفر توفیق شکرگزاری و عافیت را به من مرحمت فرمای و برای فرمان برداری و عبادتت، تا سر حدّ خشنودی و فوق آن، به من توفیق عنایت کن.(1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی از بلندی فرود می آمد تسبیح و چون صعود می فرمود تکبیر می گفت.(2)

وقتی از بلندی دره یا از تپه یا پلی بالا رفتی بگو:

اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ اللَّهُمَّ لَکَ الشَّرَفُ ...

خدا بزرگ تر است. خدا بزرگ تر است. معبودی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگ تر است و ستایش از برای خداوند است که پروردگار جهانیان است. خداوندا مقام برتری بر هر بزرگی از آن توست.

وقتی به پلی رسیدی و خواستی بر روی آن گام بگذاری بگو:

بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطَانَ.

به نام خدا. خداوندا شیطان را از من دور گردان.

وقتی به منزل یا روستا یا شهری مشرف شدی بگو:

1- . مصباح الزائر: 17
2- . مصباح الزائر: 18

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ ...

خداوندا ای پروردگار آسمان های هفتگانه و هر چه که آن ها بر آن سایه افکنده اند و پروردگار زمین های هفتگانه و آن چه بر روی آن هاست و پروردگار شیطان ها و آن چه گمراه کننده است و پروردگار بادهای بذر افشان و خدای دریاها و آب آن ها، از تو می خواهم که خیر این آبادی و خیر آن چه را در آن است به من برسانی و از بدی آن و شر آن چه در آن است به تو پناه می برم. خداوندا! هر چه مایه ی آسایش من است، فراهم گردان و در بر آورده شدن حاجتم مرا یاری رسان. ای برآرنده ی نیازها و ای پذیرنده ی در خواست ها، {مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده. }(1)

وقتی به منزلی درآمدی بگو:

اللَّهُمَ «أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ».(2)

خدایا مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیک ترین مهمان نوازانی.

آنگاه پیش از نشستن دو رکعت نماز بگذار و بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَیْرَ هَذِهِ الْبُقْعَهِ وَ أَعِذْنَا مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ أَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَ أَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَ حَبِّبْنَا إِلَی ...

پروردگارا، از نیکی این مکان بهره مندمان ساز و از گزندش محفوظمان دار. پروردگارا، از میوه هایش به ما بخوران و از بیماری وبایش مصونمان گردان. ما را نزد اهل این منزل محبوب گردان و نیکوکاران این جا را با ما دوست فرما.

نیز بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ عَلِیّاً أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ...

1- . اسرا / 80
2- . مؤمنون / 29

گواهی می دهم معبودی جز خدای یکتا و بی همتا نیست و محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم بنده و فرستاده ی اوست و علی علیه السّلام امیر المؤمنین و امامان از فرزندان وی پیشوا و رهبرند. ایشان را دوست دارم و از دشمنانشان بیزارم. خداوندا، خیر این مکان را از تو می خواهم و از زیانش به تو پناه می برم. خدایا، آغاز ورود ما را به این جا نیک و میانه اش را رستگاری و پایانش را کام یابی قرار ده.

و چون بر منزلی فرود آمدی که در آن از درنده می ترسی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ ...

گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او یکتاست و شریکی ندارد. فرمانروایی و ستایش از آن اوست و هر چه نیکی است به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. خداوندا از شر هر درنده به تو پناه می برم.

چون از جانوران زهرناک زمین ترسیدی در مکانی که بیم از آن می رود بگو:

یَا ذَارِئَ مَا فِی الْأَرْضِ کُلِّهَا لِعِلْمِکَ بِمَا یَکُونُ مِمَّا ذَرَأْتَ لَکَ السُّلْطَانُ عَلَی کُلِّ مَنْ دُونَکَ ...

ای آفریننده ی همه آن چه در زمین است، چون همه ی حرکات آفریدگانت را زیر نظر داری و از آن آگاهی. بر تمامی آن چه غیر توست حکومت داری. خدایا از رسیدن زیان به بدنم به وسیله ی درندگان یا گزندگان یا پیش آمدن حادثه ای از بقیّه ی جنبندگان به تو و نیرویت که سر آمد هر چیز است، پناهنده ام. ای آفریننده ی آن به قدرت خود، آن را از من دور گردان و نگذار به من برسد و آن را بر من مسلّط مگردان و از گزند و آسیبش ایمنم بدار. ای خدا ای صاحب جهان بزرگ، مرا به نگهداری خودت احاطه فرما و به پوشش نگه دارنده ات از ترسگاه هایی که بیم دارم، ایمن ساز؛ ای مهربان.

و چون ذره ای از دشمنان و دزدان ترسیدی در همان مکان که از آن می ترسی بگو:

یَا آخِذاً بِنَوَاصِی خَلْقِهِ وَ السَّابِقِ بِهَا إِلَی قُدْرَتِهِ وَ الْمُنْفِذَ فِیهَا حُکْمَهُ وَ خَالِقَهَا وَ جَاعِلَ قَضَائِهِ لَهَا ...

ای آن که سر رشته ی امور آفریدگان خود را به دست گرفته و آنان را به دایره ی قدرت خویش پیش رانده و حکم خود را در میانشان نافذ ساخته و آن ها را آفریده و قضا ی خود را بر آن ها چیره کرده ای، من به خاطر ناتوانی ام، بدخواهانی پیدا کرده ام و به خاطر چیرگی ات بر کسانی که در صدد فریب و آزارم هستند، به درگاه تو آمده ام. اگر میان من و ایشان فاصله اندازی همان آرزوی من است و اگر مرا تسلیم آنان کنی، نعمتی را که به من داده ای دگرگون می سازند. ای بهترین نعمت دهندگان، مگذار هیچ کس جز خودت نعمتی را که بخشایش توست دگرگون کند و تو هم آن را وارونه مساز. مگر نه آن است که تو پروردگار منی و زیانی را که به من می رسد می دانی؟ پس میان من و آسیب ایشان فاصله انداز؛ به حقّ هر چه که به آن، دعا را مستجاب می گردانی؛ ای خدا ای پروردگار جهانیان.

همچنین می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَی اللَّهِ وَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ اللَّهُمَّ عَلَیْکَ أَسْلَمْتُ نَفْسِی وَ إِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی...

به نام خدا و به لطف خدا و از خدا و به سوی خدا و در راه (رضای) خدا. پروردگارا، خودم را به تو تسلیم کردم و روی به درگاهت آوردم و کارم را به تو واگذاردم؛ پس من و ایمانم را نگه دار و از آسیب هایی که از پیش رو و پشت سر و از راست و چپ و بالای سر و پائینم تهدیدم می کنند، حفظم فرمای و به توان و نیرویت گزندها را از من دور ساز؛ زیرا هیچ جنبش و حرکتی نیست مگر به وسیله ی خداوند بلند مرتبه ی بزرگ.(1)

21. از امام زین العابدین علیه السّلام روایت شده است که فرمود: هر گاه این کلمات را گفته باشم، اگر جنّ و انس در برابر من جمع شوند، ترس و واهمه ای به خود راه نمی دهم.(2)

چون از جن یا شیطانی ترسیدی بگو:

1- . مصباح الزائر: 19
2- . مصباح الزائر: 19

يَا اللَّهُ الْإِلَهُ الْأَكْبَرُ الْقَاهِرُ بِقُدْرَتِهِ جَمِيعَ عِبَادِهِ الْمُطَاعُ لِعَظَمَتِهِ عِنْدَ كُلِّ خَلِيقَتِهِ وَ الْمُمْضَى مَشِيَّتُهُ لِسَابِقِ...

ای خداوند که بزرگترین معبود هستی، با قدرت خود بر همه بندگان غلبه داری، و به جهت عظمتت همه آفرینش مطیع تو هستند، و به جهت قدرت پیشینت خواست تو در همه جا نافذ است، تو در هر شب و روزی تمام آفرینش خود را غذا می رسانی و اگر خواستی به چیزی آسیب برسانی هیچ کس نمی تواند جلوی آن را بگیرد، و اگر خواستی خوبی به کسی برسانی نیز هیچ کس نمی تواند مانع آن گردد. تمام آنچه به چشم می آید و آنچه به چشم نمی آید در دست توست. تو چنان کردی که جماعت جنیان و شیطان ها ما را می بینند و ما آنان را نمی بینیم، و من از نیرنگ آنان بیمناکم، ای عزیز به حقّ قدرت پیروز خود مرا از شرّ و زحمت آنان ایمنی بخش.

و در تمام احوالت برای حفظ جان خویش و به منظور اینکه به وطنت سالم بازگردی این دعا را می خوانی:

يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّهِ عَلَى تَأَلُّفٍ مِنَ الْقُلُوبِ وَ شِدَّهِ تَوَاصُلٍ لَهُمْ فِی الْمَحَبَّهِ وَ يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ...

ای خداوندی که دل اهل بهشت را الفت بخشیده ای، و آنان را با محبت به یک دیگر پیوند داده ای، و ای خدایی که عبادت کنندگان را از میان خلقت جمع نموده ای، و ای که اندوه هر شخص اندوهگینی را برطرف می کنی، و ای خدایی که هر تنهایی را آسان می گردانی، و ای مهربانترین مهربانان، مرا در تنهاییم مورد ترحم قرار داده، حفظم نموده و رنج و ناراحتیم را با جمع کردن بین من و دوستانم بر طرف کن و با مرگ من خاندان مرا از دیدن من محروم مکن و با مرگ خاندانم مرا از دیدن آنان محروم نکن، تو را با هر خواسته و دعایی می خوانم، مرا اجابت نما.

چون خواستی از منزلی کوچ کنی، دو رکعت نماز بگذار و با آن مکان و اهل آن وداع کن؛ چرا که هر مکانی اهالی ای از فرشتگان دارد. بگو: درود بر فرشتگان خدا که نگهبان اند! درود بر ما و بندگان نیکوکار خدا و نیز رحمت و برکات خدا [بر ما و ایشان باد]. و بگو: خداوندا، ما از این منزل کرچ کردیم و از تو راضی هستیم،

ص: 180

پس تو نیز با رحمت خویش از ما راضی باش. و چون راه را گم کردی بگو: ای صالح و ای ابا صالح راه را به ما بنمایانید، خداوند شما را رحمت کند.
(1)

22. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: صالح موکل است بر بیابآنها و حمزه موکل است بر دریاها(2)

و روایت شده وقتی راه را گم کردید به سمت راست متمایل شوید(3)

و وقتی چهارپایت در راه بر تو سخت گرفت در گوش راستش بخوان: «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ»(4)

{هر که در آسمآنها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند.} وقتی بر کشتی سوار شدی صد تکبیر بخوان و صد صلوات بر محمد و خاندان محمد بفرست و صد مرتبه بر ستم پیشگان بر خاندان محمد لعنت فرست و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الصَّلَاةُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عَلَی الصَّادِقِینَ اللَّهُمَّ أَحْسِنْ مَسِیرَنَا وَ عَظِّمْ أُجُورَنَا ...

بسم اللَّه و باللَّه و درود بر پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلم و بر راست گویان. خدایا، سفر ما را نیکو و پاداشمان را بزرگ گردان. پروردگارا، به امید تو پراکنده شدیم و روی به تو آوردیم و به تو ایمان داریم و به رشته ی رحمت تو چنگ زده ایم و بر تو توکّل کرده ایم. بار الها، تو مورد اطمینان ما و امید و یاور مایی، آن چه را دوست نداریم بر ما وارد مساز. خداوندا، به یاری تو حرکت می کنیم و به راه خود ادامه می دهیم. پروردگارا، راه ما را آسان فرما و عافیت ما را بزرگ دار. در خانواده و اموالم تو به جای منی و تویی که مرا در آب و بر پشت [آب] می بری و {و [نوح] گفت: در آن سوار شوید. به نام خداست روان شدنش و لنگرانداختنش، بی گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است.}(5) {و خدا را آنچنان که باید به بزرگی

-1 . مصباح الزائر: 19

2- . مصباح الزائر: 19
3- . مصباح الزائر: 19
4- . آل عمران / 83
5- . هود / 41

نشناخته اند، و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضه [قدرت] اوست، و آسمآنها درپیچیده به دست اوست؛ او منزّه است و برتر است از آنچه [با وی] شریک می گردانند. }(1)

معبودا، تو گرامی ترین کسی هستی که مردمان به سوی او می روند و برای رسیدن به آستانه ی عظمت او کمر همّت می بندند. پس ای آقای من، تو بهترین میزبان و ارزشمندترین خواسته ی منی. برای هر دیدارکننده ارزشی قرار داده ای و برای هر آمده ای تحفه و پیش کشی داری. پس از تو می خواهم هدیه ی مرا آزادی ام از آتش جهنّم قرار دهی و تلاشم را بپذیر و به دوری ام از خاندانم ترحّم نما؛ بدون این که منّتی بر تو نهاده باشم؛ بلکه تو بر من منّت داری که راهی برای زیارت ولیّ ات برایم گشودی و فضیلت او را به من شناساندی و در شب و روزم نگه داری ام کردی تا به این جا رساندی. به تو امیدوارم؛ ناامیدم مگردان و به تو امید بسته ام؛ مأیوسم مکن. این سفرم را کفّاره ی گناهانم قرار ده. ای مهربان ترین مهربانان.(2)

توضیح: جزری گوید:(3)

، المدری و المدراه یعنی: وسیله ای که آن را از آهن یا چوب به شکل یکی از دندانه های شانه و درازتر از آن سازند که به وسیله آن موی درهم را باز می کنند و کسی آن را به کار می گیرد که شانه ندارد. قول حضرت علیه السلام به پایان رسید. « ما أقلت الأرض » یعنی: آنچه زمین از اعضا و جوارحم بر خود حمل می کند و سنگینیش بر روی آن است و غرض عمومیت بخشی است.

و جزری در این باره گفته: «اللّهم انی اعوذ بک من وعثاء السفر» یعنی از شدت و سختی سفر به تو پناه می برم و در مورد عبارت «و اعوذ بک من کآبه المنقلب» گفته: کآبه به معنای شکستن نفس از شدت اندوه و حزن است و معنای عبارت این می شود که به خدا پناه می برد از این که از سفر خود برگردد همراه با امری که موجب اندوه او را فراهم سازد که آن امر یا در سفرش به او رسیده و یا بعد از سفرش به او متوجه گشته مثل این که بدون حاجت روا شدن از سفر برگردد یا به

1- . زمر / 67
2- . مصباح الزائر : 20 - 19
3- . النهایه ابن اثیر 2 : 22

مالش آفتی برسد یا این که بر اهل خود وارد شود و آنان را بیمار بیاید یا برخی از آنان را در بازگشت ببیند که از دست داده. پایان کلام جزری.

در عبارت «و سوء المنظر» کلمه «المنظر» مصدر میمی یا اسم مکان است و حاصل معنا اینست که به خدا پناه می برد از این که در سفر خود یا بعد از بازگشت از آن در اهل و مال و فرزندان خود امری ببیند که موجب ناراحتی اوست. «الأواء» به معنای سختی و تنگی معیشت است و «جماع الشیء» به کسر جیم به معنای محل جمع شدن یک چیز است و «حزانه الرجل» به ضم حاء عیال مرد را گویند که برای امر آنان محزون می گردد؛ و جزری در این باره گفته: در عبارت «و لم یجعلک الله بدار هوان و لا مضیعه» «المضیعه» به کسر ضاد بر وزن مُفعِله و از ریشه ضیاع به معنای دور انداختن و خواری، گرفته شده گویا به معنای ضایع است؛ وقتی در این کلمه عین الفعل آن یاء مکسوره باشد، حرکت کسره آن به عین الفعل منتقل شده و یاء آن ساکن می شود و بر وزن «معیشت» می گردد.

و جزری در حدیث دعاء درباره معنای «بک أصول» گفته: یعنی به سبب تو من قهر و غلبه می یابم و «الصوله» به معنای حمله و جهش است. پایان کلام جزری.

و اما قول حضرت علیه السلام: «و بقدرتک یطول الطائل» محتمل است از طول به معنای فضل و انعام باشد و یا از مطاوله به معنای غلبه بر دشمن باشد.

«الامتیار» به معنای غذا طلب کردن است و گفته می شود: «امتار السیف» یعنی شمشیر را از نیام بیرون کشید و بنا بر هر دو تقدیر کلام مبتنی بر نوعی مجاز گویی است. عبارت «و أمرّها» ضمیر هاء به آیات و سوره هایی که گذشت بر می گردد و منظور از کشیدن آن بر جسد آنست که بعد از تلاوت آن آیات، مجازاً دست را به جسم خود بکشد یا این که ضمیر با تکیه بر قرینه مقامیّه به دست بر گردد؛

قول حضرت علیه السلام: «اللهم إنی أقدم بین یدی نسیانی و عجلتی» یعنی: در آغاز سفرم می گویم: «بسم الله و ماشاء الله» تا آنچه را به دلیل فراموشی و عجله از دستم می رود، جبران کنم؛ چرا که شایسته است هر یک از کارها مقرون به این دو

ذکر باشد. قولش: «ذکرته أو نسیته» لفّ و نشر مشوّش دارد و احتمال دارد مراد از ذکر اعم از چیزی باشد که به سبب عجله ایجاد می شود.

سخنش: «و اطو لنا الأرض» شاید کنایه از آسانی حرکت در آن باشد.

سخن حضرت علیه السلام «من کل سبع ضار» ضارّ با تخفیف از «ضراوه» به معنای جرأت و حرص بر شکار است و «الحمه» با ضم حاء و فتح میم مخففه یعنی: زهر.

فیروزآبادی(1)

گوید: «المعقبات» یعنی: فرشتگان شب و روز. پایان. مؤلف می گوید: «المعقبات» در اینجا اشاره ای است به قول باری تعالی: «لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ»(2)

{برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می کنند.} و فیروزآبادی(3) گوید: «النقد» با حروف متحرک نوعی درخت است.

قول حضرت علیه السلام: «و أدِّ غیبتی» اسناد مجازی است یعنی: مرا از غیبتم به خانواده ام پیوند ده.

قول حضرت «وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ» یعنی: ما را یارای آن نبود و «الظهر» مستعار است از آنچه بر آن سوار می شوند و «الضیر» یعنی: زیان.

قول حضرت علیه السلام «و ما جرت علی بناء المجرد» یعنی: آنچه از کشتی ها و حیوانات که در آن در حال سیر هستند یا آنچه جاری باشد همچون رودها، تأنیث هم به اعتبار معنای موصول یا بر اساس بنای تفعیل است؛ یعنی: آنچه دریاها از کشتی ها و غیره در آنجا جاری ساخته اند و «الجنی» نام میوه است که چیده می شود.

23. تهذیب الأحکام: از محمد بن فضل بغدادی روایت شده که گفته: به ابو الحسن عسکری علیه السلام نامه نوشتم: فدایت گردم. اگر ماه رمضان داخل شود و انسان دلش بخواهد به زیارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام و زیارت آرامگاه

1- . القاموس 1 : 106 (ماده عقب)
2- . رعد / 11
3- . القاموس 1 : 341 (ماده نقد)

پدرت در بغداد برود، در منزل بماند تا اینکه ماه رمضان به پایان رسد سپس به زیارت آن بزرگواران برود یا اینکه در ماه رمضان به زیارت برود و افطار کند؟ حضرت در پاسخ نوشت: ماه رمضان فضیلت و پاداشی دارد که سایر ماه ها ندارند، پس وقتی این ماه داخل شد، باید به دنبال پایان آن بود.(1)

24. تهذیب الأحکام: از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: عرض کردم: فدایت گردم، ماه رمضان داخل می شود و من بخشی از آن را روزه می دارم و سپس قصد زیارت مرقد امام حسین علیه السلام را می کنم و به زیارتش می روم؛ به نظر مبارک شما هنگام رفتن و آمدن روزه ام را افطار کنم یا اینکه در وطنم اقامت کنم تا اینکه در عید فطر افطار کنم و پس از یک یا دو روز افطار، زیارتش کنم؟ فرمود: بمان تا اینکه عید فطر برسد و ماه تمام شود. عرض کردم: فدایت گردم پس این کار بهتر است؟ فرمود: آری آیا در کتاب خدا نمی خوانی: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»(2)

{هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد. } (3)

توضیح: این دو روایت اشاره دارند به عدم ترجیح افطار روزه برای زیارت آن بزرگواران علیهم السلام و روایات در تشویق به افطار برای رفتن به مکآنهایی که منزلتشان کمتر از زیارت گاه هاست، مثل تشییع مؤمن و استقبال از او نیز وارد شده است.

تشویق به زیارت امام حسین علیه السلام در شب های قدر و سایر شب های ماه وارد شده و این امر برای بیشتر مردم بدون افطار تحقق نمی یابد و بعید نیست این دو روایت حمل بر تقیه شود و خدا داند.

1- . التهذیب 5 : 110
2- . بقره / 185
3- . التهذیب 4 : 316

باب دوم : ثواب آباد سازی آرامگاه پیامبر و امامان صلوات الله علیهم و مواظبت بر آنها و زیارت آنها و اینکه فرشتگان آن بزرگواران علیهم السلام را زیارت می کنند

روایات:

1. عیون أخبار الرضا علیه السلام، علل الشرائع: از وشاء روایت شده که شنیدم امام رضا علیه السلام می فرمود: هر امامی را عهدی و حقی بر گردن دوستان و شیعیان خود است و به درستی که از جمله تمامی وفا به عهد ایشان و حسن ادای وظیفه، زیارت قبور ایشان است، پس کسانی که ایشان را از روی رغبت و باور به آنچه بدان رغبت داشته اند زیارت کنند، امامان ایشان در روز قیامت شفیعان ایشان خواهند بود.(1)

2. کامل الزیارات: از وشاء نظیر آن را زیارت کرده است.(2)

3. کامل الزیارات: از احمد بن ادریس نظیر آن روایت شده است.(3)

4. الکافی: از وشاء مثل آن را روایت کرده است.(4)

5. عیون أخبار الرضا علیه السلام، علل الشرائع: از زید شحّام روایت شده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که یکی از شما را زیارت

ص: 186

1- . عیون أخبار الرضا 2 : 260 و علل الشرائع: 459
2- . کامل الزیارات: 121
3- . کامل الزیارات: 122
4- . الکافی 4 : 567

کند چیست؟ فرمود: مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند.(1)

6. کامل الزیارات: از ابن ابی الخطّاب مثل آن را زیارت کرده است.(2)

7. تفسیر قمی: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا هیچ چیز را بیشتر از فرشتگان نیافریده است و هر روز یا هر شب هفتاد هزار فرشته به بیت الله الحرام می آیند و آنجا را طواف می کنند، سپس به زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله می آیند و سپس امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت می کنند و به آن جناب سلام می دهند، سپس به زیارت امام حسین علیه السلام می آیند و شب را در آنجا می مانند، وقتی صبح شد نردبانی برای آنان می گذارند تا از آن به آسمان عروج کنند و پس از آن دیگر هیچگاه باز نمی گردند.(3)

8. ثواب الأعمال: از داوود رقی روایت شده که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: خداوند مخلوقاتی افزون تر از فرشتگان نیافریده است، به راستی که در هر شامگاه هفتاد هزار فرشته از آسمان فرود می آیند و آن شب را بر گرد خانه خدا طواف می کنند و بعد از طلوع فجر به زیارت قبر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روانه می شوند و بر آن حضرت سلام می کنند، سپس به زیارت قبر امیر المؤمنین علی علیه السّلام می شتابند و بر آن حضرت درود می فرستند، سپس به زیارت قبر امام حسن علیه السّلام می روند و بر آن جناب سلام می کنند، آنگاه به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام می شتابند و درود خود را نثار او می سازند، و پیش از طلوع آفتاب به آسمان عروج می کنند. آنگاه هفتاد هزار فرشته روز به زمین فرود می آیند و تا پیش از غروب آفتاب به طواف خانه خدا مشغول می گردند، سپس به زیارت قبر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می روند و درود خود را نثار او می کنند، سپس به زیارت قبر امیر المؤمنین علی علیه السّلام رفته و بر او درود می فرستند، پس از آن عازم زیارت قبر امام حسن مجتبی علیه السّلام شده و بر او

1- . عیون الأخبار 2 : 262 و علل الشرائع: 560
2- . کامل الزیارات: 150، کلینی هم آن را در کتاب الکافی 4 : 579 آورده است.

3- . تفسیر علی بن ابراهیم: 543 (سوره فاطر)

سلام می کنند، سپس به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام نایل می گردند و بر او درود می فرستند، و پیش از آنکه آفتاب غروب کند به آسمان عروج می کنند.(1)

9. کامل الزیارات: از ابن محبوب نظیر آن روایت شده است.(2)

10. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس یکی از ما را زیارت کند همچون کسی است که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده است.(3)

11. کامل الزیارات: از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به زیارت ما آمدند و قبلاً امّ أیمن برای ما شیر و کره و خرما هدیه داده بود لذا به منظور پذیرائی از حضرت، آنها را مقابلش نهادیم، حضرت میل فرموده سپس ایستادند و به گوشه ای از خانه تشریف برده و چند رکعت نماز خواندند و در آخرین سجده به شدّت گریستند و احدی از ما به منظور گرامی داشت و تعظیم آن وجود مبارک درباره سبب گریستن او سؤال نکرد، ولی امام حسین علیه السّلام ایستاد و سپس در دامن رسول خدا نشست و عرض نمود: ای پدر به منزل ما وارد شدی و هیچ چیز ما را به مقدار ورود شما مسرور ننمود، سپس گریستی به طوری که ما را مغموم و محزون کردی، سبب گریستن شما چیست؟ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: پسرکم هم اکنون جبرئیل علیه السّلام نزد من آمد و به من خبر داد که شما را می کشند و قبور شما متفرق و پراکنده می گردد. حضرت سیّد الشهداء سلام اللّه علیه عرض کرد: ای پدر چه ثوابی است برای کسی که این قبور متفرق و پراکنده را زیارت کند؟ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: پسرم زائرین شما گروهی از امّت من بوده که درخواستشان از زیارت شما حصول برکت می باشد و سزاوار است که من

1- . ثواب الأعمال: 87 چ بغداد با اندکی تفاوت و به گمان من رمز در متن(یر) برای «بصائر الدرجات» بوده و این اشتباه نسخه نویس است.
2- . کامل الزیارات: 114
3- . ثواب الأعمال: 89

روز قیامت به نزدشان رفته و آنها را از هول و وحشت قیامت رهانیده و از گناهانی که کرده اند خلاصشان بنمایم و سپس حق تعالی آنها را در بهشت جای می دهد.(1)

12. کامل الزیارات: از علی بن ابی طالب علیه السلام مثل این حدیث را روایت کرده است.(2)

13. الأمالی شیخ طوسی: از حسین بن ابی غندر مثل آن را روایت کرده است.(3)

14. کامل الزیارات: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: هر گاه حضرت حسین بن علی علیهما السّلام بر پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم داخل می شدند حضرت او را به خود می چسباندند و سپس به امیر المؤمنین علیه السّلام می فرمود: او را نگاه دار و پس از آن او را بوسیده و می گریستند. حسین علیه السّلام عرض می کرد: ای پدر چرا گریه می کنی؟ رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم می فرمود: فرزندم جاهای شمشیر را بوسیده و می گریم. حسین علیه السّلام عرضه می داشت: ای پدر من کشته خواهم شد؟ رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم می فرمود: بلی به خدا قسم تو و پدرت و برادرت جملگی کشته خواهید شد. عرض می نمود: پدر، قبور ما از هم متفرق و پراکنده می باشد؟ رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم می فرمود: بلی پسرم. عرض می کرد: از امّت شما چه کسانی به زیارت ما می آیند؟ رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم می فرمود: من و پدرت و برادرت و تو را زیارت نخواهد نمود مگر راست گویان از امّت من.(4)

توضیح: «المصدر» یعنی محل رجوع و «المصادر» کنایه است از قبور؛ زیرا بازگشت به آخرت از آنها صورت می گیرد و روشن تر آن است که این یک خطای نگارشی است و صحیح آن «مصارعنا» است چنانچه در روایت پیشین ذکر شده است.

1- . کامل الزیارات: 57
2- . کامل الزیارات: 58
3- . امالی طوسی 2 : 281

4- . كامل الزيارات: 70

15. کامل الزیارات: از زید شحام روایت شده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پاداش کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟ فرمود: همچون کسی است که خدا را در عرش خود ملاقات کند. گفت: عرضه داشتم: کسی که یکی از شما بزرگواران را زیارت کند چه؟ فرمود: همچون کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد.(1)

16. کامل الزیارات: از محمد بن حسین علیه السلام نظیر این حدیث روایت شده است.(2)

17.

الکافی: از سهل نظیر حدیث روایت شده و در آن آمده: ثواب کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کند چیست؟(3)

18. کامل الزیارات: از عیسی بن راشد روایت شده که گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فدایت گردم، ثواب کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند و در آنجا دو رکعت نماز بگزارد چیست؟ فرمود: یک حج و یک عمره برای او نوشته شود. گفت: به حضرت عرض کردم: فدایت گردم، آیا ثواب هر کسی که به زیارت آرامگاه امامی برود که اطاعت از او واجب است، نیز چنین است؟ فرمود: همین طور است در مورد هر کسی که به زیارت قبر امامی برود که اطاعت از او واجب است.(4)

19. کامل الزیارات: از ابی علی حرانی روایت شده است: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمود: کسی که به نزد قبر آن حضرت رفته و زیارتش کرده و آنجا دو یا چهار رکعت نماز بخواند خداوند متعال برای او یک حج و عمره می نویسد. راوی می گوید: عرض کردم: فدایت گردم، هر کسی که به زیارت

1- . کامل الزیارات: 150

2- . کامل الزیارات: 150

3- . الکافی 4 : 551

4- . کامل الزیارات: 160

قبر هر امام واجب الطاعه برود این اجر و ثواب را دارد؟ حضرت فرمود: همچنین است هر کسی که به زیارت قبر هر امام که اطاعتش واجب است برود.(1)

20. تهذیب الأحکام: از ابو عبدالله حرانی مثل همین حدیث روایت شده است.(2)

21. کامل الزیارات: از هارون بن مسلم مثل آن روایت شده است.(3)

22. فرحه الغری: از ابو عامر تبّانی واعظ اهل حجاز روایت شده که گفت: به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و سؤال کردم که یا ابن رسول اللّٰه! چه ثواب دارد کسی که مزار حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کند و تربت آن حضرت را تعمیر نماید؟ فرمود که ای ابو عامر! پدرم از پدرش از جدّش حسین بن علی علیه السلام از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرا خبر داد که حضرت سیّد المرسلین صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! و اللّٰه که تو را در زمین عراق شهید خواهند کرد و در آنجا مدفون خواهی شد. گفتم: یا رسول اللّٰه! چه ثواب دارد کسی که قبور ما را زیارت کند و آباد سازد و ملازمت آن نماید و تعاهد آن کند؟ حضرت فرمود که یا ابا الحسن! به درستی که حق - سبحانه و تعالی - قبر تو و قبر فرزندان تو را بقعه هایی از بقعه های بهشت و عرصه ای از عرصه های جنّت گردانیده است و به درستی که خدای تعالی دل های برگزیدگان خلق و بندگان خاص خود را مشتاق و محبّ شما گردانیده است که در راه محبّت شما مشقت ها و آزارها خواهند کشید و ایشان قبور شما را عمارت کنند و از جهت تقرب به خدا و محبّت رسول او بسیار به زیارت قبور شما خواهند آمد؛ ای علی! ایشان به شفاعت من مخصوصند و در حوض کوثر بر من وارد خواهند شد و در بهشت ایشان به زیارت من خواهند آمد؛ یا علی! هر که قبور شما را معمور و آبادان دارد و تعاهد آن کند، چنان باشد که حضرت سلیمان بن داود را بر بنای بیت المقدس یاری کرده باشد و هر که قبور شما را زیارت کند چنان است که بعد از حج اسلام، هفتاد حج کرده باشد

1- . کامل الزیارات: 251
2- . التهذیب 6 : 79

3- . كامل الزيارات: 251

و چون از زیارت برگردد از گناهان پاک شده باشد مانند روزی که از مادر متولّد شده بود؛ پس خوشحال باش و محبّان و دوستان خود را به نعمت های بسیار بشارت ده و به چیزی چند که چشم ایشان را روشن کند که نه چشم ها دیده باشد و نه گوش ها شنیده باشد و نه در خاطر کسی خطور کرده باشد؛ و جمعی از اراذل مردمان و بدترین خلق خدا زیارت کنندگان شما را به سبب زیارت سرزنش کنند، چنان که زناکاران را به زنا سرزنش می کنند؛ این جماعت بدترین امّت منند؛ ایشان را شفاعت نخواهم کرد و در حوض کوثر بر من وارد نخواهند شد.(1)

23. فرحه الغری: از امام صادق علیه السلام نظیر آن را روایت کرده است.(2)

24. همچنین از احمد بن زکریا بن طهمان مثل آن را روایت کرده است.(3)

25. تهذیب الأحکام: از عبدالله بن محمد بلوی مثل حدیث را روایت کرده است.(4)

26. کامل الزیارات: از عبد الرحمن بن مسلم روایت کرده که گفته است: بر حضرت موسی کاظم علیه السّلام داخل شده و محضر مبارکش عرض کردم: زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام بهتر است یا زیارت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام یا فلان و فلان و یک یک ائمه علیهم السّلام را نام بردم؟ حضرت به من فرمود: ای عبد الرحمن، کسی که اوّل نفر ما را زیارت کند پس محقّقا آخرین ما را نیز زیارت کرده و بالعکس اگر آخرین نفر ما را زیارت کند اوّلین نفر از ما را نیز زیارت کرده، و کسی که اوّلین نفر ما را دوست بدارد قطعا آخرین ما را نیز دوست داشته و بالعکس اگر آخرین نفر ما را دوست بدارد اوّلین نفر را نیز دوست دارد و کسی که حاجتی از دوستان ما را روا کند گویا برای جمیع ما حاجتی را برآورده است، ای عبد الرحمن ما را دوست بدار و کسی که محب ما هست را نیز دوست بدار و دوستیت در راه ما باشد، برای ما دوست بدار و با ما دوستی کن و بخواه کسی را که

1- . فرحه الغری: 31

2- . فرحه الغری: 32
3- . فرحه الغری: 32
4- . التهذیب 6 : 22

ما را بخواهد و دشمن بدار کسی را که دشمن ما هست، آگاه باش کسی که ما را رد و انکار کند گویا رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را که جدّ ما است انکار کرده و کسی که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را انکار کند خدا را انکار کرده، آگاه باش ای عبد الرحمن کسی که نسبت به ما بغض و کینه داشته باشد پس نسبت به حضرت محمّد بغض دارد و کسی که نسبت به حضرت محمّد بغض داشته باشد نسبت به خدا بزرگ و بلند مرتبه بغض دارد و کسی که خدا بزرگ و بلند مرتبه را مبغوض داشت بر خدا است که او را به جهنّم داخل کرده و برایش یاوری نمی باشد.(1)

27. بشاره المصطفی: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: خداوند هیچ مخلوقی را در شماره به اندازه فرشتگان نیافریده و هر روز هفتاد هزار فرشته به بیت المعمور می آیند و آن را طواف می کنند، پس از طواف آن به زمین فرود می آیند و کعبه را طواف می کنند، وقتی کعبه را طواف کردند به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می آیند و به آن حضرت سلام می دهند سپس به زیارت قبر امیر المؤمنین علیه السلام می آیند و بدان جناب سلام می کنند، سپس به قبر امام حسین علیه السلام می آیند و به آن حضرت سلام می دهند و سپس عروج می کنند و [فردا نیز] فرشتگانی دیگر [برای زیارت آن جنابان] به زمین هبوط می کنند تا روز قیامت.(2)

28. بشاره المصطفی: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی طولانی فرمود: خداوند جماعتی از فرشتگان را به سوی حضرت فاطمه سلام الله علیها فرستاده تا از روبرو و پشت سر و از راست و چپ آن حضرت را محافظت کنند و آنها در دوران زندگی و پس از مرگ در قبر حضرت با او بوده اند و بر حضرت زهرا و بر پدر و همسر گرامی و فرزندانش علیهم السلام درود فراوان می فرستند، پس کسی که پس از وفاتم مرا زیارت کند گوئی فاطمه را زیارت کرده و هر کس فاطمه را زیارت کند گوئی مرا زیارت کرده و هر کس علی بن ابی طالب را زیارت کند

1- . کامل الزیارات: 335
2- . بشاره المصطفی: 108

گوئی فاطمه را زیارت کرده و هر کس حسن و حسین را زیارت کند گوئی علی را زیارت کرده و هر کس ذریه آن دو را زیارت کند گوئی آن دو بزرگوار را زیارت نموده است.(1)

29. الکافی: از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: وقتی روز قیامت رسد بر روی عرش رحمان چهار تن از پیشینیان و چهار تن از پسینیان می ایستند. اما چهار نفری که از پیشینیانند نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام هستند و اما چهار نفری که از پسینیانند محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام هستند، سپس خوانی گسترده می شود و هر کس قبور ائمه را زیارت کند با ما بر سر آن خوان می نشیند. آگاه باشید که زائران قبر فرزندان من در درجه و منزلت برترین و مقرب ترین هستند.(2)

می گویم:

شرح کامل حدیث با روایت صدوق رحمه الله در باب ثواب زیارت امام رضا علیه السلام ذکر خواهد شد و در آن آمده: سپس مطمار [=ریسمان] کشیده می شود.

30. الکافی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! هر کس مرا در زمان حیات یا پس از مرگم یا تو را در حیات یا پس از مرگت یا پسرانت را در زمان حیات یا پس از مرگشان زیارت کند در روز قیامت من ضمانت می کنم که او را از بیم و سختی های آن نجات دهم تا اینکه او را با خودم در درجه خویش جای دهم.(3)

31. کامل الزیارات: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرا یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، من نیز در روز قیامت به دیدار او می روم و او را از هول و هراس آن نجات می دهم.(4)

1- . بشاره المصطفی: 139

2- . الکافی 4 : 585 ذیل حدیثی آمده است.

3- . الکافی 4 : 579

4- . کامل الزیارات: 11

32. بلد الأمین: روایت شده که هر کس پس از وفات امامی واجب الطاعه به زیارتش رود و در آنجا چهار رکعت نماز بگذارد یک حج و عمره برای او نوشته می شود.

33. مؤلف المزار الکبیر از وشاء روایت کرده است: محضر مبارک امام رضا علیه السلام عرض کردم: پاداش کسی که به زیارت قبر یکی از امامان برود چیست؟ فرمود: پاداش زیارت قبر آنان همچون پاداش کسی است که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود. گوید: عرض کردم: و پاداش کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟ فرمود: به خدا سوگند بهشت است.(1)

34. از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرموده اند: هر کس ما را پس از مرگمان زیارت کند گوئی ما را در زمان حیاتمان زیارت کرده و هر کس با دشمن ما جهاد کند گوئی با ما جهاد کرده و هر کس با دوستدار ما دوستی کند ما را دوست داشته و هر کس مؤمنی را شاد کند ما را شاد کرده و هر کس به فقیر ما یاری رساند پاداشش بر عهده جدمان محمد صلی الله علیه و آله است.(2)

می گویم:

در یکی از کتاب های اصحاب معاصرمان دیدم نوشته بود: در کتاب تحریر العباده از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرموده اند: هر کس از خانه خود قصد زیارت قبر امام واجب الطاعه ای را کند و یک درهم برای مخارج خود کنار بگذارد، چه در آن مخارج زیاده روی کند یا نکند، خداوند جل ذکره برای او هفتاد هزار حسنه می نویسد و هفتاد هزار گناه را از او پاک می کند و نام او را در دیوان راستگویان و شهدا می نویسد.

1- . المزار الکبیر: 3 نسخه الحکیم
2- . المزار الکبیر: 5

آیات:

-

فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوادِ الْمُقَدَّسِ طُویً.(1)

{پای پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس «طُوی» هستی. }

-

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِ وَ لا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمالُکُمْ وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ. * إِنَّ الَّذِینَ یَغُضُّونَ أَصْواتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولئِکَ الَّذِینَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوی لَهُمْ مَغْفِرَهٌ وَ أَجْرٌ عَظِیمٌ.(2)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید، و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می گویید با او به صدای بلند سخن مگویید، مبادا بی آنکه بدانید کرده هایتان تباه شود. کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می کشند همان کسانند که خدا دلهایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است؛ آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است. }

تفسیر:

می گویم: آیه اول اشاره دارد به گرامی داشت روضات مقدسه و در آوردن کفش در آنجا و بلکه به هنگام نزدیکی به آنجا به ویژه در طف[=کربلا] و غری[=نجف]، به خاطر آنچه روایت شده که آن درخت در کربلا بوده و غری

1- . طه / 12
2- . حجرات / 2

قطعه ای از طور است و آیه دوم اشاره دارد بر لزوم فرو آوردن صدا در کنار آرامگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بلند نکردن صدا نه به زیارت نه به غیر آن.

به خاطر آنچه روایت شده در مورد اینکه حرمت آن بزرگواران پس از مرگ همچون حرمتشان در زمان زندگانی آنها است، در کنار قبور سایر ائمه علیهم السلام نیز همین طور است به خاطر آنچه روایت شده مبنی بر اینکه حرمت آنان همچون حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

روایات:

1. آنچه کلینی رحمه الله با اسناد خود از امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کرده که در آن خبر وفات امام حسن مجتبی صلوات الله علیه را ذکر می کند، مؤید این مطلب است، گفته است: چون نماز بر حضرت تمام شد داخل مسجدش بردند، چون بر سر قبر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله نگاهش داشتند، به عایشه خبر بردند و به او گفتند، بنی هاشم جنازه حسن بن علی علیهما السلام را آورده اند تا در کنار رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله دفن کنند، عایشه بر استری زین کرده نشست و شتافت - او نخستین زنی بود که از دوران اسلام بر زین نشست - آمد و ایستاد و گفت: فرزند خود را از خانه من بیرون برید، که نباید در اینجا چیزی دفن شود و حجاب پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله دریده شود.

حسین بن علی صلوات اللَّه علیهما فرمود: تو و پدرت از پیش حجاب پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله را دریدید و تو در خانه پیغمبر کسی را در آوردی که دوست نداشت نزدیک او باشد [مقصود ابو بکر و عمر است] و خداوند برای این کار، از تو باز خواست می کند. ای عایشه برادرم به من امر کرد که جنازه اش را نزدیک پدرش رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله برم تا با او تجدید عهد کند و بدان که برادر من از همه مردم به خدا و رسولش و معنی قرآن داناتر بود و نیز او داناتر از این بود که پرده رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله را هتک کند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی

می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ»(1)

{ای کسانی که ایمان آورده اید، داخل اتاقهای پیامبر مشوید، مگر آنکه به شما اجازه داده شود. } و تو بدون اجازه پیغمبر، مردانی را به خانه او راه دادی. خدای عز و جل فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِ»(2) {ای

کسانی که ایمان آورده اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید} در صورتی که به جان خودم سوگند که تو به خاطر پدرت و فاروقش [عمر] کنار گوش پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله کلنگ ها زدی با آنکه خدای عز و جل فرماید: «إِنَّ الَّذِینَ یَغُضُّونَ أَصْواتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولئِکَ الَّذِینَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوی»(3)

{کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می کشند همان کسانند که خدا دل هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است؛ آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است. } به جان خودم که پدرت و فاروقش به سبب نزدیک کردن خودشان به پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله او را آزار دادند و آن حقی را که خدا با زبان پیغمبرش به آنها امر کرده بود، رعایت نکردند، زیرا خدا مقرر فرموده که آنچه نسبت به مؤمنین در حال زنده بودنشان حرام است در حال مرده بودن آنها هم حرام است، به خدا ای عایشه! اگر دفن کردن حسن از نظر ما نزد پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله که تو آن را نمی خواهی، خدا آن را جایز کرده بود، می فهمیدی که او علی رغم میل تو در آنجا دفن می شد [ولی افسوس که کلنگ زدن نزد گوش پیغمبر از نظر ما جایز نیست].(4)

می گویم:

این حدیث اشاره دارد به اینکه آن آداب و گرامی داشت و احترامی که در زمان زندگی آن جنابان شایسته بود رعایت شود، در روضات آنان نیز باید مراعات شود.

2. قرب الإسناد: از ازدی روایت شده که گفته است: از مدینه آهنگ منزل اباعبدالله الحسین علیه السلام را کردیم و ابو بصیر بیرون از یکی از کوچه های مدینه به

1- . احزاب / 53
2- . حجرات / 2
3- . حجرات / 3
4- . الكافى 6 : 150

ما پیوست در حالی که جنب بود و ما نمی دانستیم تا اینکه به محضر حضرت ابا عبدالله علیه السلام وارد شدیم و به حضرت سلام کردیم. آنگاه حضرت سرش را بالا گرفت و رو به ابو بصیر فرمود: ای ابو بصیر! آیا نمی دانی که نباید جنب بر خانه های پیغمبران راخل شود؟ پس ابو بصیر بازگشت و ما داخل شدیم.(1)

3. علل الشرائع: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: در حال ایستاده آب نیاشام و قبر را طواف مکن و در آب ایستاده و راکد ادرار مکن؛ چه آن که هر کس یکی از این افعال را مرتکب شود و به امری گرفتار شود، فقط باید خودش را ملامت کند و آن کس که یکی از این افعال را به جا بیاورد از آن جدا نخواهد شد مگر خدا بخواهد.(2)

توضیح: احتمال دارد نهی از طواف به تعداد مخصوصی باشد که دور خانه کعبه می گردند.

در یکی از زیارات خواهد آمد: مگر اینکه دور شهادت گاه هایتان طواف کنیم و در یکی از روایات آمده: بر گوشه های قبر بوسه زن.

4. و کلینی از محمد بن ابی العلاء روایت کرده که گفته است: بعد از آنکه یحیی بن اکثم قاضی سامرا را آزمایش کردم و با او مباحثه و گفتگو نمودم و رفت و آمد کردم و راجع به علوم آل محمد از او پرسیدم شنیدم که می گفت: روزی داخل [مسجد مدینه] شدم و قبر رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله را طواف می کردم، در آن میان محمد بن علی الرضا علیه السلام را دیدم که مشغول طواف بود، در باره مسائلی که در نظرم بود، با او مناظره کردم، همه را به من جواب داد... ادامه روایت.(3)

احوط آن است که تنها برای خواندن دعاها و اعمال منقوله آن را طواف کند و اگرچه می توان نهی را به قبر غیر معصوم اختصاص داد اگر روایتی آشکار در مخالفت با طواف کردن وجود داشته باشد و احتمال دارد مراد از طواف نفی شده در اینجا تغوط باشد.

1- . قرب الإسناد: 21
2- . علل الشرایع: 283

3- . الكافى 1 : 353

در النهایه(1)

گفته است: «الطوف» یعنی: غائط ناشی از غذا و این حدیث نیز از این ریشه است: نهی شده از عمل سخن گفتن دو نفر که مشغول تغوط یعنی به وقت غائط و روایاتی این وجه را تأیید می کند:

5. کلینی به سند صحیح از محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر کس در کنار قبری تخلی یا ایستاده بول کند یا در آبی راکد بول نماید یا با یک کفش راه رود یا ایستاده آب بنوشد یا تنها در خانه ای بماند یا با وجود بوی چربی و گوشت در دستش بخوابد، و آسیبی از سوی شیطان به او برسد، این آسیب از جان او نرود مگر اینکه خدا بخواهد و سریع ترین تأثیری که شیطان بر انسان می گذارد در یکی از این حالات است.(2)

6. از محمد بن مسلم راوی این حدیث، از یکی از دو امام باقر یا صادق علیهما السلام روایت شده که فرمود: ایستاده آب ننوش و در آب گوارا بول مکن و دور قبر طواف مکن و در خانه به تنهایی خلوت مکن و با یک کفش راه مرو؛ چرا که سریع ترین زمان ممکن برای فریب بنده از سوی شیطان زمانی است که در یکی از این حالات باشد و فرمود: اگر در این حال به کسی چیزی رسد از او جدا نخواهد شد مگر اینکه خدای عزوجل بخواهد.(3)

تمام موارد موجود در این روایت در روایت پیشین نیز بود مگر این سخنش: دور قبری طواف نکن و به جای آن در روایت اول تخلی بر روی قبر وجود دارد به ویژه با وجود اتحاد راوی و مشترک بودن مفسده ای که بر هر دو مترتب است، این گمان قوی را در ذهن ایجاد می کند که «طوف» در اینجا به معنی تخلی است. مشترک بودن مفسده نیز همین طور است و سایر خصوصیات بین روایت حلبی و روایت اول اشاره دارد به اینکه «طوف» در آن نیز به همین معناست و گمان نمی کنم پس از تأمل درست در این سه روایت تردیدی داشته باشی که واضح ترین برداشت، برداشتی است که ما ذکر کردیم.

1- . النهایه 3 : 52

2- . الکافی 6 : 533 با اضافه ای در آخر آن.
3- . الکافی 6 : 534

7. علل الشرائع: از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: محضر مبارک امام علیه السّلام عرض کردم: آیا بین قبور می توان نماز خواند؟ حضرت فرمود: قبور را در دو طرف خود قرار بده و هیچ قبری را در نماز قبله خود مکن؛ زیرا رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله از آن نهی نموده و فرمود: قبر مرا قبله و مسجد خود قرار ندهید؛ زیرا حق تبارک و تعالی کسانی را که قبور انبیائشان را مساجد خود نموده اند لعن فرموده است.(1)

8. الإحتجاج: حمیری به ناحیه مقدسه نامه نوشت و در مورد کسی که قبور ائمه علیهم السلام را زیارت می کند سؤال کرد که آیا جایز است بر روی قبر سجده کند یا نه و آیا جایز است که کسی که کنار برخی از قبور آن بزرگواران علیهم السلام نماز می گذارد پشت قبر بایستد و قبر را قبله قرار دهد یا کنار رأس قبر یا پای آن بایستد و آیا جایز است پیش از قبر بایستد و نماز بگزارد و قبر را پشت سر خود قرار دهد یا نه؟ حضرت پاسخ داد: پاسخ فرمود: امّا سجده بر قبر در هیچ نافله و فریضه و زیارتی جایز نیست و آن چیزی که باید بدان عمل شود گذاردن گونه راست بر قبر می باشد. و امّا نمازی که پشت قبر بوده و آن را روبروی خود قرار دهد نماز در روبرو و سمت راست و سمت چپ قبر جایز نیست، زیرا بر امام علیه السّلام نه می توان مقدّم شد و نه مساوی.(2)

توضیح: ممکن است روایت سابق را حمل بر تقیه کرد یا حمل بر اینکه جایز نیست قبور آن بزرگواران را به مثابه کعبه به عنوان قبله خویش برگرفت که از هر طرف به آن رو می کنند و برخی اصحاب روایت اول را حمل بر نماز جماعت و روایت دوم را حمل بر نماز فرادی کرده اند و روایات مؤید روایت دوم در باب های زیارات خواهد آمد.

9. المصباح کفعمی: در اثنای غسل زیارت، ذکری را که ابن عیاش در کتاب الأغسال عنوان کرده، می گوید:

1- . علل الشرایع: 358
2- . الإحتجاج 2 : 312 چ نجف

اللَّهُمَّ طَهِّرْنِی مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ وَ نَجِّنِی مِنْ کُلِّ کَرْبٍ وَ ذَلِّلْ لِی کُلَّ صَعْبٍ إِنَّکَ نِعْمَ الْمَوْلَی وَ نِعْمَ الرَّبُّ رَبُّ...

خداوندا مرا از هر گناه پاک فرما و مرا از هر گرفتاری نجات بخش و هر سختی را برایم کوچک گردان که به راستی تو چه خوب مولا و چه خوب پروردگاری هستی. پروردگار هر خشک و تر.

نیز ذکری را که در غسل زیارت روایت شده می گوئی:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِرْزاً وَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ آفَهٍ وَ عَاهَهٍ اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ...

به نام خدا و به قدرت خدا. خداوندا آن را مایه روشنایی و پاکیزگی و محافظ و شفایی از هر درد و آفت و بیماری برای من قرار ده. خدایا به وسیله این غسل قلبم را پاک فرما و سینه ام را بگشای و کارم را آسان گردان.(1)

10. کامل الزیارات: از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از برخی اصحابش به طور مرفوعه از ابی عبد اللّه امام صادق علیه السّلام نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک حضرت عرض کردم: ما در مکّه یا در مدینه یا در حائر و یا در جاهایی که امید فضل در آن می رود می باشیم، بسا یکی از ما برای وضو از مکانش خارج شده دیگری جایش را اتخاذ می کند حکم آن چیست؟ حضرت فرمود: کسی که جایی را زودتر بگیرد، در آن روز و شب وی به آن مکان سزاوارتر می باشد.(2)

11. کامل الزیارات: از ابن عیسی مثل آن را روایت کرده است.(3)

12. تهذیب الأحکام: ابن عیسی نظیر حدیث را روایت کره است.(4)

توضیح: ظاهر روایت بقای حق اوست هر چند که بار و بنه اش در آنجا نمانده باشد. برخی اصحاب آن را حمل بر زمانی کرده اند که بار سفرش در آنجا باقی بماند. قید زدن روز و شب یا بر این اساس است که غالبا انسان در چنین مکانی بیشتر از

1- . مصباح الكفعمى: 472
2- . كامل الزيارات: 330
3- . كامل الزيارات: 331
4- . التهذيب 6 : 110

این زمان نمی ماند یا گفته می شود: به دلیل اینکه با ماندن انسان در آن مکان نیز حق او بیشتر از آن زمان باقی نمی ماند.

شهید ثانی رحمه الله گفته است: اختلافی در این مورد وجود ندارد که با انتقال از آنجا به نیت ترک گفتن ولایت و سرپرستی او بر آن مکان تمام می شود اما با خروج او از آن مکان با نیت بازگشت به آنجا، اگر رحلش در آنجا باقی مانده بود و آن بخشی از کالاهای اوست هر چند اندک باشد، در این صورت او به آن مکان سزاوارتر است به سبب وجود نصّ بر آن در اینجا.

در الذکری آن را مقید کرده به اینکه زمان رفتن او به طول نیانجامد، در غیر این صورت حقش نیز از بین می رود و اگر رحلش باقی نمانده باشد، اگر رفتن او به غیر ضرورت باشد فی المشهور حق او مطلقا از بین می رود و اگر رفتن او برای ضرورتی باشد مثل تجدید طهارت و از بین بردن نجاست و قضای حاجت، در بطلان حق او دو وجه وجود دارد. پایان.

13. کامل الزیارات: کلینی از زیاد بن ابی الحلال از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هیچ پیغمبر و هیچ جانشین پیغمبری بیش از سه روز روی زمین باقی نمی ماند سپس روح و استخوان و گوشت او را به آسمان می برند، و مردم به اماکن و مواضعی که آثار ایشان هست [یعنی قبورشان] رفته و از دور به ایشان ابلاغ سلام می شود و از نزدیک در مواضع آثارشان سلامشان را به ایشان می شنوانند.(1)

14. تهذیب الأحکام: از احمد بن محمّد مثل همین حدیث را نقل کرده است.(2)

15. مصباح الزائر: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس امام واجب الطاعه ای را پس از وفات زیارت کند و کنار قبرش چهار رکعت نماز بگزارد برای او یک حج و یک عمره نوشته می شود.

16. رجال کشی: از بکیر روایت شده که گفت: ابا بصیر مرادی را دیدم و گفتم: قصد رفتن به کجا را داری؟ گفت: می خواهم به زیارت مولایت بروم. گفتم: من

1- . كامل الزيارات: 329
2- . التهذيب 6 : 106

در پی ات می آیم، پس با من به راه افتاد و بر محضر حضرت وارد شدیم و حضرت چشم تیز کرد و فرمود: اینگونه به خانه های پیامبران وارد می شوی در حالی که جنب هستی؟ گفت: به خدا پناه می برم از خشم خدا و خشم تو. فرمود: از خدا طلب آمرزش می کنم و باز نمی گردم. ابو عبدالله برقی آن را از بکیر نقل کرده است.(1)

توضیح: از این خبر امتناع دخول جُنب به مشاهد آن جنابان فهمیده می شود به خاطر آنچه روایات بدان اشاره دارند مبنی بر اینکه حرمت آنان پس از مرگ همچون حرمت آنان در زمان زندگی آن بزرگواران است و عمومات دال بر گرامی داشت و بزرگداشت آنان مؤید این مطلب است، بلکه احوط عدم دخول حائض و نفساء بر آنجا نیز هست.

17. تهذیب الأحکام: از عطیه ابزاری روایت شده که شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: پیکر هیچ پیامبر یا جانشین پیامبری بیش از چهل روز در زمین باقی نمی ماند.(2)

توضیح: می توان این روایت را با روایت پیشین جمع کرد به این صورت که اکثر ابدان مطهر را بعد از سه روز بلند می کنند و برخی تا چهلم درنگ می کنند سپس آن را برمی دارند یا به این صورت که هر یک از آنان را بعد از سه روز بردارند سپس به قبرش باز گردانند سپس بعد از چهل روز بردارند.

سپس در این دو حدیث از یک جهت اشکال وجود دارد به خاطر منافات آن دو با بسیاری از روایات دال بر بقای پیکر آن بزرگواران در زمین همچون اخبار انتقال استخوآنهای حضرت آدم علیه السلام و استخوآنهای حضرت یوسف علیه السلام و برخی از آثار وارده دال بر اینکه آنها قبر امام حسین علیه السلام را نبش کردند و آن حضرت را در قبرش یافتند و اینکه در رصافه چاهی حفر نمودند و شعیب بن صالح را در آنجا یافتند و امثال آن روایات بسیار است.

برخی از آنان روایات بالا بردن ابدان مطهر را حمل بر آن کرده اند که پس از سه روز آن را بر می دارند سپس به قبورشان باز می گردانند؛ چنانچه در برخی

1- . رجال کشی: 152
2- . التهذیب 6 : 106

روایات وارد شده که هر وصی ای که بمیرد به پیامبر خویش ملحق می شود سپس به جای خویش باز می گردد.

برخی اخبار به عالم بالا رفتن ابدان مطهر را حمل کرده اند بر اینکه این دستور به صورت ایهام برای نوعی مصلحت صادر شده، برای از بین بردن حرص و طمع خوارج و ناصبی هایی که می خواستند قبور آن بزرگواران را نبش و از آنجا بیرون آورند، چنانچه بارها عزم این کار را کردند ولی برایشان میسر نشد.

ممکن است احادیث انتقال استخوآنها حمل بر این باشد که مراد انتقال تابوت متشرف به استخوآنها و پیکر آن بزرگواران در سه روز یا چهل روز است یا اینکه خداوند تعالی به خاطر آن مصلحت آنان را به آنجا باز گردانده و دیگر روایات بر برداشت اخیر حمل می شوند و خدا می داند.

شیخ ابو الفتح کراجکی در کنز الفوائد گفته است: ما در مرگ انبیا علیهم السلام شکی نداریم، منتها این روایت با این مضمون وارد شده که خداوند تعالی آنان را پس از مرگشان به آسمان خویش بالا می برد و اینکه آن بزرگواران در آنجا زنده هستند و تا روز قیامت از نعمت برخوردارند و این امر در ید قدرت خداوند متعال غیر ممکن نیست.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: من در پیشگاه خداوند تعالی گرامی تر از آن هستم که مرا بیش از سه روز در زمین رها کند.

و در نزد ما شیعیان حکم ائمه علیهم السلام نیز اینچنین است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر پیامبری در مشرق بمیرد و جانشین او در مغرب از دنیا رود قطعاً خداوند آن دو را با یکدیگر جمع می کند.

زیارت مشاهد آنان هم به این دلیل نیست که آنان در آنجا هستند، بلکه به خاطر شرف و ارزش آن مکان است که پیکر آن جنابان در آنجا پنهان شده و نیز به سبب عبادتی که ما را به سوی آنجا فرا خوانده... تا آخر آنچه شیخ رحمه الله ذکر کرده و خدا داند.(1)

1- . كنز الفوائد: 258

18. الکافی: از عثمان بن عیسی از عده ای از یاران ما روایت شده که گوید: چون امام محمد باقر علیه السلام به رحمت ایزدی پیوست حضرت امام جعفر صادق صلوات اللَّه علیه امر می فرمود که در آن منزلی که حضرت سکنی داشتند همیشه چراغ بسوزد تا وقتی که امام جعفر صادق صلوات اللَّه علیه از دنیا رفت، بعد از آن حضرت امام موسی کاظم امر فرمود که همیشه در منزل آن حضرت صلوات اللَّه علیه چراغ سوزد تا وقتی که آن حضرت به عراق برده شد، دیگر ندانستم که چه شد؟(1)

19. تهذیب الأحکام: از حفص بن بحتری روایت شده که گوید: کسی که از مکه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حائر امام حسین صلوات الله علیه خارج شود پیش از آنکه منتظر جمعه شود فرشتگان او را ندا دهند که کجا می روی؟ خدا تو را باز نگرداند.(2)

20. تهذیب الأحکام: از محمد بن سلیمان زرقان روایت شده که علی بن محمد عسکری علیه السلام به من فرمود: ای زرقان! تربت ما یکی بود، ولی از وقتی طوفان به پا شد و تربت پراکنده گشت و قبور ما متفرق شد ولی تربتمان یکی است.(3)

21. تهذیب الأحکام: از امام صادق علیه السلام روایت شده که درباره قول خدای تعالی: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»(4) {جامه خود را در هر نمازی برگیرید. } فرمود: منظور غسل به هنگام ملاقات هر امام است.(5)

22. تهذیب الأحکام: ابراهیم بن محمد ثقفی گوید: وقتی امام صادق علیه السلام از غسل زیارت فارغ می شد عرض می کرد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِرْزاً وَ كَافِياً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ ...

1- . الکافی 3 : 251
2- . التهذیب 6 : 107
3- . التهذیب 6 : 109
4- . اعراف / 31
5- . التهذیب 6 : 110

بار خدایا، این غسل را مایه ی روشنی و پاکیزگی و ایمنی و شفای هر درد و بیماری و آفت و آسیب قرار ده و دل و اعضا و جوارح و استخوان ها و گوشت و خون و موی و پوست و مغز و عصب هایم و آن چه را که زمین برایم فرو گذاشته است، پاک گردان و آن را در روز قیامت به وقت احتیاج و فقر و نیازمندی ام به آستانت، شاهد من قرار ده.(1)

توضیح: احتمال دارد مراد از زیارت در این روایت طواف زیارت باشد، بلکه مراد از زیارت در بیشتر روایات همین است، ولی شیخ رحمه الله آن را در باب غسل زیارت ائمه اطهار علیه السلام آورده و شاید او از آنچه این مطلب را تأیید می کند آگاه بوده و روایات بسیاری با این لفظ در شمارش غسل ها وارد شده که برخی از آنها در کتاب طهارت گذشت و برخی اصحاب به اطلاق و عمومیت آن بر استحباب غسل برای زیارت آن بزرگواران علیهم السلام برای دور و نزدیک استدلال کرده اند و احتمالاتی که ما ذکر کردیم در مورد آن جاری است و در باب های غسل ها در مورد آن صحبت شد، پس متذکر باش.

23. تهذیب الأحکام: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس پس از دمیدن سپیده غسل کند این غسل تا شب برای هر موضعی که غسل برای آن واجب است، برای او کفایت می کند و هر کس شب غسل کند این غسل تا دمیدن سپیده برای او کفایت می کند.(2)

توضیح: عمومیت این روایت صحیحه اشاره دارد به این که وقتی انسان در روز، غسل زیارت کند تا شب برای او کفایت می کند و همین طور اگر در شب غسل کند تا فجر کفایت می کند، بنابراین ظاهر این است که مراد از وجوب در اینجا لزوم و استحباب مؤکد است؛ زیرا غسل هایی که حکمشان چنین است به صورت اشهر و اظهر مستحب هستند، پس حدث اصغر مثل خواب و غیره غسل را باطل نمی کند و روایات وارده در اعاده غسل فقط در غسل احرام است و این اعاده، عمومیت ندارد و این مسئله هم آن را تأیید می کند که برخی از روایاتی که اصحاب برای استحباب

1- . التهذیب 6 : 54
2- . التهذیب 5 : 64

غسل زیارت بدان استدلال کرده اند با این لفظ و تعبیر روز زیارت وارد شده است همان طور که گذشت و پیشتر در مورد آن صحبت شده است.

24. السرائر: حسین خراسانی از یکی از آن دو بزرگوار (امام محمد باقر یا جعفر صادق علیهما السلام) روایت کرده که شنیدم آن حضرت می فرمود: غسل روزت برای شبت و غسل شبت برای روزت کفایت می کند. (1)

توضیح: این روایت که ابن ادریس از کتاب جمیل خارج کرده و همه به تصحیح روایات صحیحه جمیل اجماع دارند، اشاره دارد به چیزی که گسترده تر از خبر پیشین است و اینکه اگر در اول روز غسل کند تا آخر شب برای او کفایت می کند یا بالعکس.

می گویم:

در زیارت کبیره امام حسین علیه السلام به روایت ثمالی از امام صادق علیه السلام ذکر خواهد شد که حضرت در سیاق کیفیت زیارات امام حسین علیه السلام فرمود: کنار رأس حضرت دو رکعت نماز بگزار که در رکعت اول آن حمد و یس و در رکعت دوم حمد و الرحمن می خوانی و اگر خواستی پشت قبر نماز می خوانی و کنار سر بهتر است. وقتی از این نماز فارغ شدی هر چه دوست داشتی نماز بخوان مگر دو رکعت زیارت را که باید آن را کنار قبر هر معصومی بخوانی. پایان.

می گویم:

شاید این روایت مستند اصحاب در ذکر این دو سوره یعنی یس و الرحمن در کیفیت هر یک از زیارات امامان علیهم السلام است و در آن زیارت نیز کیفیت اذن گرفتن ذکر خواهد شد و اینکه نرم شدن قلب نشانه اذن دخول آنان است پس غافل نشو.

شهید رحمه الله در «الدروس» گفته: زیارت آدابی دارد:

اول: غسل قبل از ورود به مشهد و پاک بودن است، پس اگر حدثی از او صادر شود باید غسل را تجدید کند. که شیخ مفید رحمه الله این مطلب را گفته و اینکه با خضوع و خشوع در جامه هایی پاکیزه و تمیز و نو به زیارت بیایند.

ص: 208

1- . السرائر: 482

دوم: ایستادن بر در آن و دعا کردن و گرفتن اذن دخول با دعای منقول است، پس اگر احساس فروتنی و رقت قلب پیدا کند یعنی اذن دخول یافته در غیر این صورت برای او بهتر این است که منتظر رسیدن زمان رقت بماند؛ زیرا غرض مهم تر حضور قلب است تا مورد رحمت نازله پروردگار قرار گیرد، وقتی داخل شد ابتدا پای راست خود را بگذارد و وقتی خارج شد با پای چپ خارج شود.

سوم: ایستادن کنار ضریح و چسبیدن به آن یا با فاصله ایستادن است و تصور اینکه فاصله داشتن نشانه ادب است وهم و خیال است؛ چرا که به تکیه زدن به ضریح و بوسه بر آن تأکید شده است.

چهارم: رو کردن به سوی امامی که زیارت می شود و پشت کردن به قبله در حال زیارت، سپس به هنگام فراغ از زیارت گونه راست خویش را بر آن نهد و با تضرع و زاری دعا کند سپس گونه چپ خود را بر آن نهد و به درگاه خداوند متعال دعا کند و از او بخواهد که به حق خود و حق صاحب این قبر او را شایسته شفاعت خویش قرار دهد و بیش از حد دعا کند و بر خواسته خویش اصرار ورزد سپس به پیش رأس مرقد برود و پس از آن رو به قبله بایستد و دعا کند.

پنجم: زیارت با دعاهای منقول است و سلام و حضور کفایت می کند.

ششم: دو رکعت نماز زیارت به هنگام فراغت از آن، اگر زائر پیامبر صلی الله علیه و آله باشد در روضه و اگر زائر یکی از امامان صلی الله علیهم باشد در کنار رأس آن بایستد و جایز است آن دو رکعت را در مسجد آن مکان بخواند و جواز نماز آن دو به سمت قبر روایت شده و اگر پشت به قبله باشد و نماز بخواند جایز است، هر چند که این عمل غیر مستحسن است مگر با وجود دوری از قبر.

هفتم: دعا بعد از دو رکعت است به صورتی که نقل شده، در غیر این صورت هر دعایی که به ذهن او می رسد، در امور دین و دنیایش دعا کند و این دعا باید عمومی و شامل همه باشد که در این صورت به اجابت نزدیک تر است.

هشتم: تلاوت مقداری از قرآن در کنار ضریح و هدیه کردن آن به مزور و کسی که از آن سود میبرد زائر است و این عمل احترامی است برای مزور.

نهم: حضور قلب یافتن در تمام حالات خود هر اندازه که بتواند و توبه از گناه و استغفار و کناره گیری از گناه.

دهم: تصدق به خادمان و نگهبانان مشهد با احترام و گرامیداشت آنان که این کار به مثابه احترام به صاحب مشهد علیه الصلاه و السلام است و بهتر است این افراد از اهل خیر و صلاح و دین و جوانمردی و بردباری و شکیبایی و فرو بردن خشم، و تهی از خشونت و تندی نسبت به زائرین باشند و به نیازهای محتاجان بپردازند و غریبان و واردان گمشده را هدایت کنند و ناظر آنجا باید مسئولیت احوال آنان را بر عهده بگیرد. اگر از یکی از آنان خطایی یافت به او گوشزد کند و اگر بر خطایش اصرار ورزید او را از آن باز دارد. اگر کار حرام کند و ناظر از طریق نهی از منکر نتواند او را عتاب کند، جایز است او را با زدن از این کار باز دارد.

یازدهم: وقتی از زیارت فارغ و روانه منزل خویش شد مستحب است تا زمانی که در آنجا اقامت دارد مجددا به آنجا باز گردد. وقتی زمان خروج فرا رسید با دعای منقول وداع کند و از خدای تعالی بخواهد او را به آنجا باز گرداند.

دوازدهم: زائر پس از زیارت بهتر از زمان قبلش گردد؛ چرا که اگر زیارت مقبول واقع شود بار سنگین گناهان را فرو می ریزد.

سیزدهم: عجله برای خروج به هنگام قضای حاجت به علت بزرگ دانستن حرمت زیارت و شدت اشتیاق و روایت شده که آنکه از مرقد خارج می شود باید به عقب راه رود تا زمانی که از آنجا دور شود.

چهاردهم: صدقه بر موارد مورد نیاز در آن بقعه؛ چرا که صدقه در آنجا چند برابر است و به خصوص صدقه بر ذریه پاک، چنانچه در مورد مدینه گذشت.

زیارت در زمان های مشهور هم به قصد قربت مستحب است و قصد زیارت امام رضا علیه السلام در رجب از برترین اعمال است.

کراهتی در بوسیدن ضریح وجود ندارد، بلکه در نزد ما سنت است؛ و اگر تقیه ای وجود داشته باشد ترک آن اولی است.

اما بوسیدن اعتاب، در این مورد به متنی بر نخورده ایم که بتوانیم آن را بر شماریم، ولی امامیه به آن معتقدند و اگر زائر به سجده رود و در سجده نیت شکر به

ص: 210

خدای تعالی را به خاطر رسیدن به آن بقعه داشته باشد شایسته تر است و اگر به جمعه رسد نباید قبل از نماز خارج شود.

هر کس به مشهد وارد شود و ببیند امام جماعت نماز می گزارد پیش از زیارت نماز را شروع کند و همین طور است اگر به وقت نماز حاضر شود، در غیر این صورت شروع کردن به زیارت اولی است؛ چرا که زیارت مقصود او بوده و اگر نماز بر پا شده باشد برای زائران مستحب است زیارت را قطع کرده و به نماز روی کنند و ترک آن مکروه است و متولی باید آنان را به این کار دستور دهد و اگر زنان زیارت کنند قسمت زنان باید از مردان جدا باشد و اگر شب باشد این کار بهتر است و زنان باید با پوشیه و نقاب باشند و اگر بین مردان زیارت کنند جایز است هر چند که این کار مکروه است و در صورت زیاد بودن زائران بهتر است سابقان زیارت ضریح را اندک کنند و از زیارت دست بکشند تا باقی زائران پس از آنها زیارت کنند و سعادت نزدیکی به ضریح را بیابند آنچنان که افراد پیشین دست یافته اند.(1)

و خدایش رحمت کناد گفته است: کسی که در مزاری حاضر می شود مستحب است به جای پدر و مادر و دوست دارانش و تمام مؤمنین زیارت نامه بخواند و بگوید:

السلام علیک یا مولای من فلان بن فلان أتیتک زائرا عنه فاشفع له عند ربک.

سلام بر تو ای مولای من از طرف فلانی پسر فلانی از جانب او به زیارتت آمده ام پس نزد پروردگارت برای او شفاعت کن.

و برای او دعا کن. و اگر بگوید:

السلام علیک یا نبی الله من أبی و أمی و زوجتی و ولدی و حامتی و جمیع إخوانی من المؤمنین.

سلام بر تو ای پیامبر خدا از جانب پدرم و مادرم و همسرم و فرزندانم و نزدیکانم و تمام برادران ایمانیم.

1- . الدروس: 158

کفایت می کند. نیز جایز است به هر یک از آن اقارب خود بگوید: سلام تو را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز باقی پیامبران و ائمه علیهم الصلاه و السلام رساندم.(1)

و شهید، خدایش رحمت کند گفته است: در کتاب الذکری(2) استحباب ساخت قبور ائمه علیهم السلام و مراقبت بر آنها را بیان کردیم.

در اینجا اندکی از احکام مشاهد مقدسه را ذکر می کنیم که اصحاب از اهل مذهب ما آن را نقل نکرده اند. مشهد ترکیبی از مسجد و کاروانسراست در نتیجه حکم هر دو را دارد. هر کس پیشتر به منزلی از آن برود او به آن مکان سزاوارتر است تا زمانی که رحلش در آنجا باقی مانده باشد و اگر دو نفر به سوی آن پیشی بگیرند و جمع هر دو ممکن نباشد باید قرعه اندازند و فرقی نیست بین کسی که معمولا به منزلی از آن می رود و دیگری و توقف در مشاهد تابع شرط واقف است و اگر ذره ای از مصالح باقی ماند برای او ذخیره می شود خواه چشمه باشد یا املاک مورد استفاده ای که سود آن به واقفش می رسد و اگر تمام این منافع از آن باقی بماند اقرب جواز صرف آن در مشهد یا مسجدی دیگر است و منافع عمومی به دست حاکم شرعی می رسد و استفاده زائر از وسایل آماده شده جایز است، وقتی خواست برود باید آنها را به متولی آن تحویل دهد و اگر فرش آن به جای دیگری برای زائر برده شود جایز است اگر چه از محدوده مشهد بیرون رود. اما در جواز صرف اوقاف و نذورات آن برای زائران با وجود بی نیازیشان از آن، جای بحث و نظر وجود دارد اما در صورت احتیاج زائر این کار جایز است و به عنوان مثال برای کسی که از اهل خویش به سوی آن مشهد دل بریده جایز است.(3)

شهید رحمه الله در الذکری گفته است: از جمله نمازهای مستحبی، نماز زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و هر یک از امامان علیهم السلام است و آن دو رکعت پس از فراغت از زیارت است که کنار رأس خوانده می شود و چون امیر

1- . الدروس: 156
2- . الذکری: 69
3- . الذکری: 158

المؤمنین علیه السلام را زیارت کرد شش رکعت نماز بگزارد؛ چرا که طبق روایات وارده آدم و نوح نیز با آن حضرت هستند.(1)

ابن زهره رحمه الله گفته است: هر کس به زیارت برود و در همان شهر اقامت داشته باشد باید ابتدا نماز بگزارد و سپس زیارت کند.(2)

25. می گویم: با خط شیخ حسین بن عبد الصمد رحمه الله روایتی یافتم که به این صورت است: شیخ ابو الطیب حسین بن احمد فقیه نقل کرده است: هر کس امام رضا علیه السلام یا یکی از امامان علیهم السلام را زیارت کند و در بارگاه آن جناب نماز جعفر طیار را بخواند به ازای هر رکعت ثواب کسی برای او نوشته می شود که به همراه پیامبری مرسل هزار حج و هزار عمره به جای آورده و هزار برده آزاد کرده و هزار وقف در راه خدا انجام داده و به ازای هر قدم ثواب صد حج و صد عمره و آزاد کردن صد برده در راه خدا نصیب او می گردد و صد حسنه برای او نوشته می شود و صد سیئه از او فرو می ریزد.

در باب زیارت پیامبر از دور به روایت ابی الدنیا از پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد آمد که فرمود: قبر من را به عنوان مسجد بر نگیرید.

26. کتاب محمد بن مثنی: از ذریح محاربی روایت شده که گفته: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کسی که قبری را زیارت می کند کیفیت نماز برای صاحب قبر چگونه است؟ فرمود: بر پیامبر صلی الله علیه و آله و صاحب قبر نماز می گزارد و در مورد آن چیز تعیین شده ای وجود ندارد.(3)

1- . الذکری: در آخر جزء چهارم در نمازهای نافله
2- . الغنیه: 43 در ضمن الجوامع الفقهیه
3- . کتاب محمد بن مثنی: 89 در ضمن اصول شانزده گانه

باب های زیارت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سایر مشاهد شریفه در مدینه

باب اول : فضیلت زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه صلوات الله علیها و امامان بقیع صلوات الله علیهم اجمعین

روایات:

.1

علل الشرایع، عیون أخبار الرضا علیه السلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: وقتی یکی از شما به حج رود باید حج خود را به زیارت ما ختم کند؛ چرا که این جزئی از مرحله اتمام حج است.(1)

2. قرب الإسناد: ابن صدقه از امام صادق از پدر بزرگوارش علیهما السلام روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرا در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند من در روز قیامت شفیع او خواهم بود.(2)

3. الخصال: امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود: آنگاه که به سوی خانه خدا بیرون شدید حجّتان را با زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که ترک آن جفا و ناسپاسی است و بدین عمل مأمورید به پایان ببرید و همچنین با زیارت قبرهای دیگری که خداوند حقّ آنها و زیارتشان را برای شما لازم نموده به پایان ببرید و در کنار آن قبور روزی بخواهید.(3)

4. عیون أخبار الرضا علیه السلام: از هروی مروی است که گفت: محضر مبارک حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم یا ابن رسول اللّٰه! چه می فرمائید درباره این حدیث که اهل حدیث روایت کرده اند که مؤمنان در بهشت از منزل های خود خداوند را می بینند؟ فرمود: ای ابا صلت خدای تبارک و تعالی پیغمبر

-1 . علل الشرائع: 459 و عیون أخبار الرضا علیه السلام 2 : 262
-2 . قرب الإسناد: 31
-3 . الخصال 2 : 406

گرامی خود محمد صلی الله علیه و آله را بر جمیع خلق از پیغمبران و ملائکه برتری داد و طاعت او را اطاعت خود و پیروی او را پیروی خود و زیارت او را در دنیا و آخرت زیارت خود قرار داد و فرمود: «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ»(1) {هر کس از پیامبر فرمان بَرَد، در حقیقت، خدا را فرمان برده.} و فرمود: «إِنَّ الَّذِینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ اللَّهَ یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ»(2) {در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می کنند؛ دست خدا بالای دست های آنان است.} و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در حیات و زندگی من یا بعد از مرگ من، مرا زیارت کند خداوند را زیارت کرده است و درجه پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت بلندترین درجات است و کسی که از منزل خود در بهشت آن جناب را در درجه او زیارت کند خداوند تبارک و تعالی را زیارت کرده است.(3)

5. علل الشرائع: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به منظور انجام حجّ به مکّه آید و مرا در مدینه زیارت نکند [جفا کرده و کسی که به من جفا کند] من نیز در روز قیامت به او جفا می کنم و کسی که مرا زیارت کند شفاعت من برای او حتمی است و کسی که شفاعت من شاملش شد بهشت بر او واجب است.(4)

6. کامل الزیارات: از ابن حجر اسلمی روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و مانند حدیث قبل را ذکر کرده و در آخرش افزوده است: و کسی که در یکی از دو حرم «مکّه و مدینه» از دنیا برود او را در موقف حساب نیاورند و مهاجر الی الله محسوب شده و روز قیامت با اصحاب بدر محشور می گردد.(5)

7. علل الشرائع: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: حسن بن علی علیه السلام به رسول الله صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای پدر! پاداش کسی

1- . نساء / 80
2- . فتح / 10
3- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 115

4- . علل الشرائع: 460
5- . كامل الزيارات: 460

که به زیارت تو بیاید چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای پسرکم! هر کس مرا در دوران زندگی یا پس از مرگم یا پدرت یا برادرت یا تو را زیارت کند بر گردن من است که در روز قیامت او را دیدار کنم و از گناهانش رهائیش بخشم.(1)

8. کامل الزیارات: از معلی بن ابی شهاب مثل آن را روایت کرده است.(2)

9. کامل الزیارات: از معلی مثل این حدیث را روایت کرده است.(3)

10. کامل الزیارات: از عثمان بن عیسی نظیر این حدیث را نقل کرده است.(4)

11. کامل الزیارات: از حسیین بن سعید مثل آن را نقل کرده است.(5)

12. الأمالی صدوق: از امام صادق از پدران بزرگوارشان علیهم السلام روایت کرده که فرمود: امام حسن علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای پدر! ثواب کسی که تو را زیارت کند چیست؟ فرمود: هر کس مرا یا پدرت یا تو یا برادرت را زیارت کند بر گردن من حق دارد که او را در روز قیامت دیدار کنم تا اینکه او را از گناهانش برهانم.(6)

13. ثواب الأعمال: از ابن ابی الخطاب مثل همین حدیث را روایت کرده است.(7)

14. الأمالی صدوق: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: هر کس امام حسن علیه السلام را در بقیع ملاقات کند در روزی که قدم ها بر روی صراط می لغزند، قدمش بر صراط ثابت و استوار گردد.(8)

15. ثواب الأعمال: امام صادق از پدرش از جدش علیهم السلام روایت کرده که فرمود: امام حسین صلوات الله علیه عرض کرد: ای پدر! آن کس را که ما را

1- . علل الشرایع: 460

2- . كامل الزيارات: 11
3- . كامل الزيارات: 11
4- . كامل الزيارات: 14
5- . كامل الزيارات: 14
6- . أمالى الصدوق: 59
7- . ثواب الأعمال: 75
8- . أمالى الصدوق: 112

زیارت کند چه پاداشی دارد؟ پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فرمود: ای پسر عزیزم! هر که مرا در حال زندگی و یا پس از مرگ زیارت کند و هر که پدرت را در حال زندگی و یا پس از مرگ زیارت کند و هر که برادرت را در حال زندگی و یا پس از مرگ زیارت کند و یا تو را در حال زندگی و یا پس از مرگ زیارت کند، بر من باشد که او را در روز رستاخیز دیدار کنم و از گناهانش برهانم و به بهشت در آورم.(1)

16. کامل الزیارات: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: حضرت حسین بن علی علیهما السّلام در دامن پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بودند، سپس سر مبارک بالا نموده و عرضه داشت: ای پدر ثواب کسی که پس از رحلتتان شما را زیارت کند چیست؟ پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: پسرم، کسی که من را پس از رحلت زیارت کند مستحق بهشت بوده و کسی که بعد از ارتحال پدرت او را زیارت نماید به بهشت داخل می گردد و اگر برادرت را پس از مرگ زیارت نماید بهشت حق او بوده و آن کس که بعد از شهادتت تو را زیارت کند بهشت از آن او می باشد.(2)

17. کامل الزیارات: پدرم و کلینی از محمد بن علی مرفوعا روایت می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی! هر کس مرا در زمان زندگانی یا پس از مرگم زیارت کند یا تو را در زمان زندگی یا پس از مرگت زیارت کند یا دو پسرت را در زمان زندگی یا پس از مرگشان زیارت کند، من ضمانتش می کنم در روز قیامت او را از هول و هراس و سختی های آن نجات دهم تا او را هم رتبه و درجه خویش گردانم.(3)

1- . ثواب الأعمال: 75
2- . کامل الزیارات: 10
3- . کامل الزیارات: 11

18. کامل الزیارات: از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به زیارت من بیاید در روز قیامت من شفیع او خواهم بود.(1)

19. کامل الزیارات: از ابن محبوب نظیر همین حدیث روایت شده است.(2)

20. کامل الزیارات: از جعفر بن بشیر ابان مثل همین حدیث نقل شده است.(3)

21. کامل الزیارات: از ابن محبوب از ابان مثل همین حدیث را نقل کرده است.(4)

22. کامل الزیارات: از ابن ابی نجران روایت شده که گفت: خدمت امام جواد علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم، ثواب کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را با قصد زیارت کند چیست؟ فرمود: بهشت برای اوست.(5)

23. کامل الزیارات: از ابن عیسی مثل آن را روایت کرده است.(6)

24. کامل الزیارات: از ابن ابی نجران روایت شده که گفت: از امام جواد علیه السلام درباره کسی که قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را با قصد زیارت کند پرسیدم، حضرت فرمود: بهشت برای اوست.(7)

25. کامل الزیارات: ابن ابی نجران از امام جواد علیه السلام روایت کرده که عرض کردم: پاداش کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را با قصد زیارت کند چیست؟ فرمود: اگر خدا بخواهد او را به بهشت وارد می نماید.(8)

1- . کامل الزیارات: 12
2- . کامل الزیارات: 13
3- . کامل الزیارات: 13
4- . کامل الزیارات: 14
5- . کامل الزیارات: 12

6- . كامل الزيارات: 13
7- . كامل الزيارات: 12
8- . كامل الزيارات : 12

26. کامل الزیارات: از صفوان بن سلیم از پدرش از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: هر کس مرا در زمان زندگی و پس از مرگم زیارت کند در روز قیامت در جوار و همسایگی من خواهد بود.(1)

27. کامل الزیارات: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس پس از وفاتم مرا زیارت کند همچون کسی است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده و من در روز قیامت شاهد و شفاعت گر او خواهم بود.(2)

28. کامل الزیارات: از ابن ابی نجران روایت شده که عرض کردم: پاداش کسی که به زیارت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رفته و قصدش صرفا زیارت بوده چیست؟ فرمود: خداوند او را در بهشت داخل می کند.(3)

توضیح: این سخن حضرت «با قصد» یعنی اینکه آمدن او صرفاً برای زیارت باشد نه چیز دیگر که زیارت را پس از آن مد نظر داشته باشد.

29. کامل الزیارات: ابو الحسن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدرش از جدش حضرت جعفر بن محمّد، از پدرش، از حضرت علی بن الحسین علیهم السّلام نقل می کند که فرمود: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که بعد از وفاتم قبر من را زیارت کند مانند کسی است که در زمان حیاتم به طرف من هجرت کرده [و به زیارتم آمده باشد]، بنا بر این اگر نتوانستید به زیارتم آئید از همان مکان دور سلام فرستید که به من خواهد رسید.(4)

30. کامل الزیارات: از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: زیارت قبر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم معادل و مساوی حجّ مقبولی است که با آن حضرت به جا آورده شود.(5)

1- . کامل الزیارات: 13
2- . کامل الزیارات: 13
3- . کامل الزیارات: 14
4- . کامل الزیارات: 14

5- . كامل الزيارات: 14

31. کامل الزیارات: از زید شحام نقل نموده که می گوید: به محضر ابی عبد الله علیه السّلام عرضه داشتم: ثواب و پاداش کسی که قبر رسول اللَّه صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمود: وی مانند کسی است که خدا را در عرش او زیارت نموده باشد.(1)

32. تهذیب الأحکام: کلینی از ابن ابی الخطاب مثل همین حدیث را روایت کرده است.(2)

سپس گفته است: شیخ رحمه الله گفته است: معنای فرمایش امام صادق علیه السلام: «هر کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند همچون کسی است که خداوند را در بالای عرشش ملاقات کرده باشد.» این است که ثواب و اجر عظیم و بزرگداشت زائر آن حضرت علیه السلام در روز قیامت، همچون ثواب کسی است که خداوند او را به آسمانش عروج داده و به عرش خویش که فرشتگان حاملان آن هستند نزدیکش کرده و فرشتگان خاصه خود را به او نشان داده که این تأکیدی بر کرامت اوست و نه آنچنان که عامه گمان می کنند که مقتضی تشبیه است.

33. کامل الزیارات: از حسن بن جهم روایت شده که گفت: محضر ابی الحسن الرّضا علیه السّلام عرض کردم: کدام یک از این دو عمل افضل است: اینکه شخصی به مکّه رفته و به مدینه نرود یا به زیارت نبی اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در مدینه رفته و به مکّه نرود؟ راوی گفت: حضرت به من فرمود: شما کدام را افضل می دانید؟ عرض کردم: ما درباره زیارت امام حسین علیه السّلام زیارت آن جناب را از مکّه رفتن افضل می دانیم چه رسد به زیارت نبی اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم. حضرت فرمود: آگاه باش اگر این کلام را بگوئی صحیح و درست است؛ چه آنکه حضرت صادق علیه السّلام در یکی از اعیاد در مدینه حضور بهم رساندند و سپس مراجعت نموده و داخل بر نبی اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شدند و بر آن حضرت سلام کرده و سپس به کسانی که برای زیارت نبی اکرم صلّی اللَّه علیه و آله

1- . کامل الزیارات: 15
2- . التهذیب 6 : 78

و سلّم حاضر شده بودند، فرمود: بدانید ما بر تمام اهل شهرها، مکه و غیر آن برتری داده شده ایم؛ زیرا بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سلام کرده ایم.(1)

34. تهذیب الأحکام: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس مرا زیارت کند گناهان او آمرزیده می شود و فقیر نمیرد.(2)

35. تهذیب الأحکام: از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس امام جعفر صادق و پدرش علیهما السلام را زیارت کند از چشمش شکایت نکند و بیمار نگردد و مبتلی و گرفتار نمیرد.(3)

36. کامل الزیارات: از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت در حدیثی طولانی فرمود: شخصی نزد امام صادق علیه السّلام مشرّف شد و به آن جناب عرض کرد: آیا پدر شما را می توان زیارت کرد؟ حضرت فرمود: بلی. آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه ثواب و اجری دارد؟ حضرت فرمود: اجر او بهشت است مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیّت کند. عرض کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی رغبتی و بی میلی ترک کند چه خواهد دید؟ حضرت فرمود: روز حسرت حسرت خواهد خورد. و حدیث را به تفصیل ذکر کرد.(4)

توضیح: از ظاهر روایتی که نقل کرده چنین بر می آید که او درباره زیارت امام محمد باقر علیه السلام از حضرت سؤال کرده، ولی ابن قولویه رحمه الله آن را در باب کسی که زیارت امام حسین علیه السلام را ترک کند آورده، از این رو ما آن را در هر دو باب آوردیم.

37. کتاب الفصول سید مرتضی به نقل از شیخ مفید رضی الله عنهما گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام حسن علیه السلام فرمود: کسی که پس از رحلتت تو را زیارت کند یا پدرت یا برادرت را [پس از وفاتشان] زیارت کند

1- . کامل الزیارات: 331
2- . التهذیب 6 : 4

3- . التهذيب 6 : 78
4- . كامل الزيارات: 123

پاداش او بهشت است. نیز در حدیثی که مقدمه ای مشروح در غیر از این کتاب دارد، به حضرت علیه السلام فرمود: جماعتی تو را زیارت می کنند که به وسیله زیارت تو می خواهند به من ابراز محبت و نیکی کنند و با من ارتباط برقرار کنند، وقتی روز قیامت رسید من آنان را در موقف دیدار می کنم و بازویشان را می گیرم و آنان را از هول و هراس و سختی های قیامت می رهانم.(1)

1- . کتاب الفصول المختاره 1 : 94

باب دوم : زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله از نزدیک و اعمالی که انجامش در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله مستحب است و فضیلت مواضع مسجد

روایات:

1. الکافی: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: ما بین منزل و منبر من باغی از باغ های بهشت است و منبر من بر روی در کوچکی از درهای بهشت، و ستونهای منبرم طبقاتی در بهشت است راوی میگوید به او عرض کردم: آیا آن امروز نیز باغ است؟ فرمود: بله اگر پردهها میافتاد شما آن را میدیدید.(1)

2. الکافی: مرازم گوید: ازامام صادق علیه السلام درباره آنچه که مردم در خصوص روضه نبوی میگویند سؤال کردم، فرمود: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: ما بین منزل و منبر من باغی از باغهای بهشت و منبر من برروی در کوچکی از درهای بهشت است. به او عرض کردم، فدایت گردم حد روضه نبوی چیست؟ فرمود: فاصله چهار ستون از منبر تا سایهها، به او عرض کردم فدایت گردم از صحن چیزی درآن است. فرمود: خیر.(2)

3. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمود: حد روضه در مسجد پیامبر صلّی الله علیه و آله به سمت سایه است و حد مسجد به سوی دو ستون از سمت راست منبر تا راهی است که بعد از سوق اللیل است.(3)

1- . الکافی 4 : 554
2- . الکافی 4 : 554
3- . الکافی 4 : 555

4. الکافی: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: ما بین منبر من و منازل من باغی ازباغهای بهشت و منبرمن بر روی در کوچکی از درهای بهشت است و یک نماز در مسجد من با هزار نماز در سایر مساجد جز مسجد الحرام برابراست. جمیل گوید: به او عرض کردم و منزل علی علیه السلام جزء منازل نبی صلّی الله علیه و آله است. فرمود بله و برتر از بیوت است.(1)

5. الکافی: هارون بن خارجه گوید: نماز در مسجد الرسول صلّی الله علیه و آله معادل ده هزار نماز است.(2)

6. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که وارد مسجد شدی اگر توانستی که سه روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را اقامت کنی در فاصله میان قبر و منبر در روز چهارشنبه کنار ستونی که بعد از قبر است نماز بگزار و کنار آن خدا را بخوان و هرحاجت اخروی یا دنیوی که میخواهی از او مسألت کن. و در روز دوم کنار ستون توبه و در روز جمعه کنار مقام نبی صلّی الله علیه و آله در مقابل ستون بسیار معطر نماز بگزار و کنار آنها خدا را برای هر حاجتی بخوان و آن سه روز را روزه بگیر.(3)

7. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمود: روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر و در شب و روز چهارشنبه کنار ستونی که مقابل سر پیامبر صلّی الله علیه و آله است و در شب و روز پنج شنبه کنار ستون ابو لبابه و در شب و روز جمعه کنار ستونی که بعد از مقام پیامبر صلّی الله علیه و آله است نماز بگزار و با این دعا برای حاجتت دعا کن: بارخدایا به عزتت، قوتت و قدرتت و جمیع آنچه که علمت بر آن احاطه کرده است از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و درحق من چنین و چنان کنی.(4)

1- . الکافی 4 : 556
2- . الکافی 4 : 556
3- . الکافی 4 : 558
4- . الکافی 4 : 558

8. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمود: به مقام جبرئیل بیا که در زیر میزاب است، که آن محل ایستادن اوست زمانی که از رسول الله اذن ورود میخواست و بگو: ای بخشنده، ای کریم، ای نزدیک، ای دور از تو میخواهم که بر محمد و اهل بیت او درود بفرستی و از تو میخواهم که نعمتت را بر من بازگردانی. فرمود: و آن مقامی است که در آن حائضی رو به قبله دعا نمیکند و سپس دعای خون را نمی خواند، مگر اینکه طهارت ببیند ان شاءالله.(1)

9. من لا یحضره الفقیه: سپس به مقام جبرئیل بیا تا این سخن او که فرمود: «و آن مقامی است که حائض رو به قبله در آن دعا نمیکند، مگر اینکه پاک می شود سپس با دعای خون دعا میکند: بارخدایا من به تمامی نامهایت یا هر نامی که با آن یکی از خلقت را نامیدی یا در علم غیب در نزد تو ارجح است از تو میخواهم و با نام اعظم اعظم اعظمت و با هرحرفی که برموسی نازل فرمودی و با هر حرفی که بر عیسی نازل کردی و با هرحرفی که بر محمد نازل فرمودی که درودت براو، خاندان او و بر انبیاء خدا باد از تو میخواهم که درحق من چنین و چنان کنی و حائض میگوید: که این خون را از من بزدایی.(2)

توضیح: منظور از حائض، زن مستحاضه ایست که خون بعد از روزهای معمول حیض از او قطع نمیشود.

10. تهذیب الأحکام: معاویه بن عمار می گوید: ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: چند رکعت بخوانم؟ فرمود: هشت رکعت به هنگام زوال آفتاب بخوان که رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: یک نماز در مسجد من مانند هزار نماز در غیرآن جز مسجدالحرام است که یک نماز در مسجد الحرام با هزار نماز در مسجد من برابراست.(3)

توضیح: منظور از هشت رکعت یا نافله زوال یا نافله دیگری برای ساقط شدن نافله زوال از او به جهت مسافر بودن وی است. مگر اینکه گفته شود به جهت اینکه

1- . الکافی 4 : 557
2- . الفقیه 2 : 340

3- . التهذيب 6 : 14

از مواضع تخییر است نافله درآن ساقط نمیشود و محتمل است که منظور این باشد که او ظهر و عصر را به صورت کامل میخواند و درآن دو قصد نمیکند زیرا بهتر در آن موضع ادای نماز کامل است و او آن دو نماز را فقط به جهت ساقط شدن نافله در سفر در اول زوال اقامه میکند اگر به ساقط شدن آن در این موضع معتقد باشیم و سخن درباره آن بیان شد و مجدداً نیز خواهد آمد.

11. تهذیب الأحکام: مرازم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: نماز در مدینه و قیام کنار ستونها فرض نیست اما هرکسی خواست که روزه بگیرد برای او بهتر است، فرض فقط نماز پنجگانه و روزه ماه رمضان است، پس هرچه توانستید در این مسجد زیاد نماز بخوانید که این برای شما بهتر است و بدانید که مرد گاه در امور دنیا زیرک است و گفته میشود فلانی چه زیرک است پس چگونه است کسی که در امر آخرتش زیرکی به کار ببرد. (1)

12. مصباح کفعمی: زیارت پیامبر صلّی الله علیه و آله: سلام بر رسول الله، امین خدا بر وحی و امور مهمش، خاتم هر آنچه که سپری شد و آغازگر هرآنچه که روی کرد و چیره بر همه آنها. و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام برصاحب آرامش، سلام بر مدفون در مدینه، سلام بر یاریشده تأییدشده، سلام، رحمت و برکات خداوند بر ابوالقاسم محمد باد.

کفعمی گوید: سکینه بر وزن فعلیه از سکون است یعنی سکونی که به معنی وقار است نه سکونی که متضاد حرکت است عزیزی این را گوید و هروی درباره این سخن خداوند متعال «سکینه من ربکم» گوید یعنی سکون و آرامشی برای دلهایتان. (2) و طبرسی درباره این سخن خداوند متعال «ثم أنزل الله سکینه» یعنی رحمتش را که نفس بر آن آرامش میگیرد و همراه آن ترس از بین می رود. (3)

1- . التهذیب 6 : 19

2- . مصباح الکفعمی: 474

3- . مجمع البیان 5 : 17

13. قرب الإسناد: ابن فضال گويد: به حضرت رضا عليه السلام عرض كردم: ديدم كه در غير از محلى كه ما به هنگام استقبال از قبر هستيم بر پيامبر صلّى الله عليه و آله سلام ميكنى. فرمود: تو از جايى كه مردم سلام ميدهند سلام ده.(1)

14. قرب الإسناد: ابن جهم گويد: از حضرت رضا عليه السلام شنيدم كه فرمود: محل ستون از آنجا كه به دنبال صحن مسجد است محل سجده فاطمه صلوات الله عليها است.(2)

15. عيون اخبار الرضا: ابن فضال گويد: امام رضا عليه السلام را ديدم درحاليكه براي خروج به قصد عمره وداع ميكرد. پس بعد از مغرب از محل سر پيامبر صلّى الله عليه و آله كنار قبر آمد و بر پيامبر صلّى الله عليه و آله سلام كرد و به قبر چسبيد سپس بازگشت تا اينكه كنار قبر آمد و درحاليكه نماز ميخواند بر كناره آن ايستاد و شانه چپش را در نزديكى ستونى كه قبل از ستون مخلقه (معطر) است كنار سر پيامبر صلّى الله عليه و آله به قبر چسباند، سپس شش يا هشت ركعت در كفشش نماز خواند و مقدار ركوع و سجودش سه تسبيح يا بيشتر بود و چون فارغ شد سجده‌اى به جاى آورد كه آن را طولانى كرد به طورى كه عرقش شن را خيس كرد. راوى گويد و يكى از اصحابمان ذكر كرد كه وى گونهاش را به زمين مسجد چسباند.(3)

16. مجالس مفيد: اسحاق بن عمار گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه درحاليكه كنار قبر رسول الله صلّى الله عليه و آله ايستاده بود عرضه مى داشت: از خدايى كه تو را انتخاب كرد و برگزيد و تو را خالص كرد و هدايت نمود و به وسيله تو هدايت كرد ميخواهم كه بر تو درود بفرستد كه خداوند و ملائكه او بر نبى درود ميفرستند، اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد بر او درود بفرستيد و به فرمانش به خوبى گردن نهيد.(4)

1- . قرب الاسناد: 173
2- . قرب الاسناد: 174
3- . عيون اخبار الرضا 2 : 17
4- . مجالس شيخ مفيد 1 : 75

17. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که وارد مدینه شدی قبل از اینکه وارد آن شوی یا زمانیکه قصد ورود به آن را داری غسل کن سپس بر سر مزار پیامبر صلّی الله علیه و آله میآیی و بر رسول الله صلّی الله علیه و آله سلام میکنی سپس کنار ستون نخست از سمت راست قبر کنار سر قبر می ایستی درحالیکه رو به قبله هستی و شانه چپت به سوی کناره قبر و شانه راستت به سمت منبر است که این محل سر رسول الله صلّی الله علیه و آله است و میگویی: گواهی میدهم که هیچ خدایی جز خدای واحد نیست و شریکی ندارد و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست و گواهی میدهم که تو رسول خدا هستی و تو محمد پسر عبدالله هستی و گواهی میدهم که تو رسالتهای پروردگارت را ابلاغ کردی و برای امتت خلوص ورزیدی و در راه خدا جهاد کردی و خدا را پرستیدی تا اینکه مرگ با حکمت و موعظه حسنه به سویت آمد و حقی که برتو بود را ادا نمودی و گواهی میدهم که تو بر مؤمنان رأفت داشتی و بر کافران خشمگین بودی پس خداوند تو را به برترین شرف جایگاه مکرّمان رسانید. سپاس برای خدایی است که ما را به وسیله تو از شرک و ضلالت نجات داد. بار خدایای درودت، و درود ملائکه مقربت و بندگان صالحت، انبیاء مرسلت و اهالی آسمانها و زمینها و هر که تو را تسبیح گفت، ای پروردگار جهانیان از اولینها و آخرینها را بر محمد، بنده، رسول، نبی، امین، برگزیده، حبیب، اختیارشده، خاص، خالص و بهترین خلقت قرار بده. بارخدایا درجه و وسیله از بهشت را به او عطا کن و او را در مقامی ستوده که اولینها و آخرینها با آن بر او غبطه میخورند محشور کن. بارخدایا تو فرمودی: و اگر آنها زمانی که برخود ظلم کردهاند نزد تو آیند و از خدا طلب آمرزش کنند و رسول برای آنان طلب آمرزش کند خداوند را توبه پذیرمهربان مییابند و من با طلب آمرزش و توبهکنان ازگناهانم نزد پیامبرت آمدم و با پیامبرت پیامبر رحمت، محمد صلّی الله علیه و آله به تو روی میکنم. ای محمد من به سوی خدا، پروردگار من و پروردگار تو روی میکنم تا گناهانم را بر من ببخشد. و اگر حاجتی داری قبر پیامبر

صلّی الله علیه و آله را پشت شانههایت قرار بده و به قبله رو کن و دستانت را بالا ببر و حاجتت را بخواه که سزاوار است برآورده شود ان شاءالله.(1)

18. من لا یحضره الفقیه: چون وارد مدینه شدی قبل از اینکه وارد آن شوی یا زمانیکه وارد آن میشوی غسل کن سپس نزد قبر پیامبر صلّی الله علیه و آله بیا و از باب جبرئیل وارد مسجد شو سپس مانند آن را ذکر کرده است.(2)

توضیح: این عبارت «یا زمانی که قصد ورود به آن را داری»، تردید از جانب راوی است و معنی این است: زمانی قبل از اینکه وارد آن شوی یا زمانی که بدون فاصله قصد ورود به آن را داری. و در الکافی(3)

و التهذیب(4)

عبارت «یا زمانی که وارد آن میشوی» آمده است پس مقصود بعد از ورود است. این سخن او «تا اینکه یقین به سویت آمد» یعنی مرگ اشارهای است به این کلام خداوند: «وَاعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّی یَأْتِیَکَ الْیَقِینُ» {و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد} و این سخن امام «بالحکمه» حال از فاعل عبدت است یعنی درحالیکه لباس حکمت بر تن کردهای و با آن هدایتگرخلق هستی، زیرا از بزرگترین عبادت پیامبر صلّی الله علیه و آله هدایت خلق بود و حال بودنش برای فاعل «جاهدت» از نظر لفظی بعید است گرچه از نظر معنایی بهتر است و غبطه، آرزو کردن نعمت به همراه عدم زوال آن از صاحبش است. سپس بدان که پشت کردن به پیامبر صلّی الله علیه و آله گرچه ظاهراً بر خلاف آداب است اما ایرادی بر آن نیست اگر توجه به خداوند متعال و غرض تکیه بر پیامبر صلّی الله علیه و آله باشد اما در این زمان مناسبتر ترک آن عمل برای تقیه است.

19. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که از کنار قبر از دعا فارغ شدی کنار منبر بیا و با دستت آن را لمس کن و دو قبه پایین آن را بگیر و چشم و صورتت را با آن مسح کن که گفته میشود آن شفایی برای چشم است و

1- . كامل الزيارات: 15
2- . الفقيه 2 : 338
3- . الكافى 4 : 550
4- . التهذيب 6 : 5

کنار آن قیام کن و خدا را حمد و ثنا بگو و حاجتت را بخواه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بین منبر و منزل من باغی ازباغهای بهشت است و منبر من برروی ترعهای از ترعههای بهشت است و ستونهای منبر من طبقاتی در بهشت است و ترعه به معنای در کوچک است. سپس به مقام نبی صلّی الله علیه و آله میآیی و هر مقدار توانستی نماز بخوان و چون وارد مسجد شدی بر محمد و خاندان او درود بفرست و چون خارج شدی مانند آن انجام بده و در مسجد الرسول صلّی الله علیه و آله نماز زیاد بخوان.(1)

توضیح: جزری(2)

گوید در آن آمده است: منبر من بر روی ترعهای از ترعههای بهشت است و ترعه در اصل باغی در مکانی مرتفع است و خصوصاً اگر در مکانی مطمئن باشد روضه است.

قتیبی گوید: معنایش این است که نماز و ذکر در این محل به بهشت ختم میشود گویی که آن قطعهای از آن است و گفته شده ترعه به معنای درجه است و گفته شده یعنی دروازه. میگویم ظاهر این است که تفسیر از جانب راویان باشد و محتمل است که از جانب امام علیه السلام باشد.

کفعمی رحمه الله در حواشی البلد الأمین گوید: سید رضی در مجازاتش(3) در تفسیر ترعه گوید: سه قول وجود دارد: اول اینکه اسمی برای درجه باشد.

دوم اینکه اسمی برای باغی بر روی مکانی بلند باشد خاصه.

سوم اینکه اسمی برای در باشد و این اقوال همگی به معنایی واحد بازمیگردد، اگر ترعه به معنی درجه باشد مقصود این است که منبر او صلّی الله علیه و آله بر راه رسیدن به درجات بهشت است زیرا پیامبر صلّی الله علیه و آله بر روی آن به ایمان دعوت میکرد و آیات کوبنده قرآن را بر روی آن تلاوت میکرد و بیم و بشارت میداد. و اگر به معنی در باشد سخن در هر دو مورد واحد است. و اگر به معنی باغی بر روی مکانی مرتفع باشد منظور از آن نیز مانند مقصود بر اساس دو

1- . كامل الزيارات: 16
2- . النهايه 1 : 136
3- . المجازات النبويه: 67

قول نخست است زیرا منبر وی صلّی الله علیه و آله بر روی راهی به سوی باغهای بهشت است برای کسی که آن را طلب کند و راه آن را بپیماید و در آن زیادت معنایی است و آن اینکه او فقط به جهت محاسن کلام و بدائع حکمتهایی که به گلهای باغ و دیباهای لباس شبیه است آن را به باغ تشبیه کرده است. و درباره کلام نیکو میگویند: گویی این کلام نیکو قطعهای از باغ است و گویی دیبای مکتوب است و رسول الله صلی الله علیه و آله باغ را به بهشت اضافه کرده است زیرا کلام او به بهشت هدایت میکند. و برخی از لغویّون میگویند. الترعه به معنای روزنه است اما این بعید است زیرا اگر منظور آن باشد، گویی رسول الله فرموده است این منبر من بر مطلعی از مطالع بهشت است و این معنی به معنی در نزدیک است زیرا کسی که آیاتی را که بر او تلاوت میشود، می شنود، گویی به سوی بهشت نظارهگر است که آنچه که خداوند درآن برای مؤمنان مهیا کرده است را میبینند. پایان.

20. کامل الزیارات: موسی علیه السلام از پدرش از جدش علیهما السلام گوید: علی بن حسین علیهما السلام بر مرقد پیامبر صلّی الله علیه و آله میایستاد و سلام میکرد و بر ابلاغ او گواهی میداد و با ادعیه ای که در ذهن داشت دعا میکرد سپس پشتش را به مرقد پیامبر صلّی الله علیه و آله به سنگ سبز باریک که نزدیک (پایین) مرقد است تکیه میداد و به مرقد میچسبید و کمرش را به قبر تکیه میداد و به قبله روی میکرد و عرضه می داشت: بارخدایا امرم را به پناه تو آوردهام، کمرم را به مرقد بنده و رسولت محمد صلی الله علیه و آله تکیه دادهام و به قبلهای که برای محمد صلی الله علیه و آله پسندیدی روی کردهام، بارخدایا من صبح کرده ام در حالی که نمیتوانم خیر آنچه که برای خود امید دارم را به دست بیاورم و شرآنچه که از آن برحذرش میدارم را نمیتوانم دفع کنم و امور در دست توست و هیچ فقیری ازمن محتاجتر نیست، من به خیری که به سویم فرو فرستادی محتاجم. بارخدایا از جانب خود برای من خیر اراده کن که هیچ مانعی برای فضل تو نیست. بارخدایا من به تو پناه میبرم از اینکه اسمم را تبدیل کنی یا جسمم را تغییردهی یا نعمتت را از

من زائل کنی. بارخدایا مرا با تقوا زینت ببخش و با نعمتها زیبا کن و با عافیت، آباد گردان و شکر عافیت را به من روزی کن.(1)

21. کامل الزیارات: محمد بن حسن بن مهزیار از پدرش از جدش مشابه آن را آورده است.(2)

22. الکافی: ابو علی اشعری ازحسن بن علی کوفی از علی بن مهزیار، از حسن بن علی بن عثمان بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب، ازعلی بن جعفر مشابه آن را آورده است.(3)

23. کامل الزیارات: محمد بن مسعود گوید: صادق علیه السلام را دیدم که به مرقد نبی صلّی الله علیه و آله رسید و دستش را بر آن نهاد و فرمود: از خدایی که تو را برگزید و انتخاب کرد و هدایتت نمود و به وسیله تو هدایت نمود میخواهم که بر تو درود بفرستد. سپس فرمود: خداوند و ملائکه او بر نبی درود میفرستند ای کسانی که ایمان آوردهاند بر او درود و سلام بسیار بفرستید.(4)

24. کامل الزیارات: ابراهیم بن ابی البلاد گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: چگونه بر نبی سلام میفرستی؟ آنچه که میدانیم و روایت کردیم را گفتم. فرمود: آیا آنچه که از این بهتر است را به تو بیاموزم، عرض کردم بلی فدایت گردم. پس درحالیکه نشسته بودم با خط خویش برایم نوشت و آن را بر من قرائت کرد: زمانی که بر مرقد او ایستادی بگو: گواهی میدهم که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، شریکی برای او نیست و گواهی میدهم که تو محمد پسر عبدالله هستی و گواهی میدهم که تو رسول خدا هستی و گواهی میدهم که تو خاتم انبیاء هستی و گواهی میدهم که تو رسالت پروردگارت را ابلاغ نمودی و برای امتت خلوص ورزیدی و در راه پروردگارت جهاد کردی و او را پرستش نمودی تا اینکه مرگت فرا رسید و حقی که بر تو بود را ادا نمودی. بارخدایا بر محمد، بنده و رسولت،

1- . کامل الزیارات: 16
2- . کامل الزیارات: 16
3- . الکافی 4 : 551
4- . کامل الزیارات: 17

برگزیده و امینت، اختیارشده و بهترینت از خلقت، برترین درودی که بریکی از انبیا و رسولانت فرستادی را بفرست. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد سلام بفرست چنانکه بر نوح در جهانیان سلام فرستادی، و برمحمد و خاندان محمد لطف کن چنانکه بر موسی و هارون لطف کردی و بر محمد و خاندان محمد برکت ببخش چنانکه بر ابراهیم و خاندان ابراهیم برکت بخشیدی که تو ستوده قابل ستایش هستی. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و بر محمد و خاندان محمد رحمت کن بارخدایا ای پروردگار بیت الحرام و پروردگار مسجد الحرام و پروردگار رکن و مقام و پروردگار شهرحرام، پروردگار حل و حرام، پروردگار مشعرالحرام ! از جانب من بر روح محمد صلّی الله علیه و آله سلام بفرست.(1)

25. کامل الزیارات: بزنطی گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم بر رسول الله صلّی الله علیه و آله در کنار مرقدش چگونه سلام گفته می شود؟ فرمود: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا ! گواهی میدهم که تو رسول خدا هستی، گواهی میدهم که تو برای امتت خلوص ورزیدی و در راه خدا جهاد کردی و او را عبادت کردی تا اینکه مرگت فرا رسید پس خداوند تو را به بهترین جزائی که به نبیای از امتش جزا بخشید جزا دهد. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد بهتر از درودی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی را بفرست که تو ستوده سزاوار ستایش هستی.(2)

26. الکافی: حسان از یکی از اصحابمان گوید: در محضر موسی بن جعفر علیه السلام بودم درحالیکه هارون خلیفه، عیسی بن جعفر و جعفر بن یحیی در مدینه بودند، بر سر مرقد رسول الله صلّی الله علیه و آله آمدند و هارون به موسی بن جعفر گفت: پیش بیا اما امام امتناع کرد پس هارون پیش آمد و سلام کرد و درگوشهای ایستاد و عیسی بن جعفر به موسی بن جعفر علیه السلام گفت: جلو بیا اما امام امتناع کرد پس عیسی جلو آمد و سلام کرد و همراه هارون ایستاد و جعفر به موسی بن جعفر علیه السلام گفت: جلو بیا، اما امام ابا ورزید پس جعفر جلو آمد

1- . کامل الزیارات: 17

2- . کامل الزیارات: 18

و سلام کرد و همراه هارون ایستاد و موسی بن جعفر علیه السلام جلو آمد و فرمود: سلام برتو ای پدر از خدایی که تو را برگزید و انتخاب کرد و هدایتت نمود و به وسیله تو هدایت کرد میخواهم که برتو درود بفرستد، هارون به عیسی گفت: شنیدی چه گفت؟ عیسی گفت: آری، هارون گفت: گواهی میدهم که پیامبر صلی الله علیه و آله حقیقتاً پدر وی است.(1)

27. کامل الزیارات: اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: سلام کوتاهی بر پیامبر صلّی الله علیه و آله به من بیاموز، فرمود: بگو: از خدایی که تو را برگزید، انتخاب کرد و اختیار نمود و هدایتت کرد و به وسیله تو هدایت نمود میخواهم که درود فراوان پاک بر تو بفرستد.(2)

28. کامل الزیارات: بزنطی می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: بر سر مرقد رسول الله صلّی الله علیه و آله چگونه بر او سلام دهم؟ فرمود: میگویی سلام بر تو ای رسول خدا صلّی الله علیه و آله، سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، سلام بر تو ای رسول خدا سلام، بر تو ای محمد بن عبدالله، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا، گواهی میدهم که تو رسول خدا هستی، گواهی میدهم که تو محمد پسر عبدالله هستی، گواهی میدهم که تو برای امتت خلوص ورزیدی و در راه خدا جهاد کردی و او را عبادت کردی تا اینکه مرگت فرا رسید، پس خداوند تو را به بهترین آنچه که به پیامبری از امتش جزا داد جزا ببخشد، بار خدایا بر محمد و خاندان محمد بهتر از درودی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی را بفرست که تو ستوده سزاوار ستایش هستی.(3)

29. الکافی: صفوان بن یحیی گوید: از امام رضا علیه السلام درباره گذر از انتهای مسجد رسول الله صلّی الله علیه و آله درحالیکه براو سلام نمیکنم سؤال کردم. فرمود: موسی بن جعفر علیهما السلام این کار را نمی کرد. عرض کردم: پس

1- . الکافی 4 : 553
2- . کامل الزیارات: 19
3- . کامل الزیارات: 20

وارد مسجد میشود و از دور سلام میکند و به قبر نزدیک نمیشود؟ فرمود: خیر زمانی که وارد میشوی و زمانی که خارج میشوی و از دور بر او سلام کن. (1)

توضیح: شاید مفاد این حدیث این است که زمانی که درود و سلام کردن بر او از نزدیک برایش امکانپذیراست باید وارد شود و سلام کند و در غیر این صورت از دور از جایی که گذر میکند براو سلام کند و وارد مسجد نشود و محتمل است که معنی این باشد که امام کاظم علیه السلام هر بار که ازپشت مسجد عبور میکرد وارد میشد و نزد مرقد میآمد و براو سلام میکرد و اما تو، به هر وجهی که میخواهی ازخارج، داخل و دور و نزدیک بر او سلام کن که این جایز است اما بهتر عملی است که امام کاظم علیه السلام انجام میداد.

30. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمود: در کنار مرقد نبی صلّی الله علیه و آله نماز بگزارید هر چند نماز مؤمنان هرجا که باشند به او میرسد. (2)

31. کامل الزیارات: از یکی از ائمه علیهم السلام روایت است: زمانی که در مدینه اقامت داری سه روز روزه میگیری، روز چهارشنبه را روزه میگیری و شب چهارشنبه در کنار ستون توبه که همان ستون ابو لبابه است که خود را بر آن بست تا عذرش از آسمان نازل شد نماز بخوان و روز چهارشنبه کنار آن مینشینی سپس شب پنج شنبه بعد از آن روز، به آنچه که بعد از مقام پیامبر صلّی الله علیه و آله است میآیی و شب و روزت را کنار آن مینشینی و روز پنجشنبه را روزه میگیری سپس شب جمعه به ستونی که بعد از مقام پیامبر صلی الله علیه و آله است میآیی و شب و روزت را کنار آن نماز میخوانی و روز جمعه درآن روزه میگیری و اگر توانستی که در این سه روز جز سخن ضروری چیزی بر زبان نیاوری و جز برای حاجتی از مسجد خارج نشوی و در شبانه روز نخوابی انجام بده که این از مواردی است که در آن فضیلت است. سپس روز جمعه خدا را حمد و ثنا بگو و بر پیامبر صلّی الله علیه و آله درود بفرست و حاجتت را از خدا بخواه و در آنچه که میگویی این جملات باشد: بارخدایا من از تو طلبی دارم که درخواست و طلب آن را آغاز کردهام و یا

1- . الكافى 4 : 552
2- . الكافى 4 : 553

اینکه شروع به درخواست آن از تو ننموده ام یا آن را از تو درخواست کرده و یا نکردهام. پس من با پیامبرت محمد صلّی الله علیه و آله نبی رحمت در برآورده شدن تمامی حاجتهای بزرگ و کوچکم، به تو روی میآورم.(1)

32. تهذیب الاحکام: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که سه روز در مدینه اقامت داری به عنوان اولین روز، در روز چهارشنبه روزه میگیری و مشابه آنچه که گذشت را بیان کرد و در پایان آن افزود: که سزاوار هستی که حاجتت برآورده شود ان شاء الله.(2)

زیارت وداع

33. کامل الزیارات: یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام درباره وداع با مرقد پیامبر صلّی الله علیه و آله سؤال کردم فرمود: میگویی درود خدا بر تو باد، سلام بر تو، خداوند این را آخرین سلام من بر تو قرار ندهد.(3)

34. الکافی: محمد بن یحیی از ابن عیسی مشابه آن را آورده.(4)

35. کامل الزیارات: ابن فضال گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم درحالیکه برای خروج به قصد عمره وداع میکرد پس بعد از مغرب از محل سر پیامبر صلّی الله علیه و آله کنار قبر آمد و بر پیامبر صلّی الله علیه و آله سلام کرد و به قبر چسبید سپس بازگشت تا اینکه کنار قبر آمد و درحالیکه نماز میخواند بر کناره آن ایستاد و شانه چپش را در نزدیکی ستونی که قبل از ستون مخلقه است کنار سر پیامبر صلّی الله علیه و آله به قبر چسباند سپس شش یا هشت رکعت در نعلین خود نماز خواند و مقدار رکوع و سجودش سه تسبیح یا بیشتر بود و چون فارغ شد سجدهای به جای آورد که آن را طولانی کرد طوری که عرقش شن را خیس کرد راوی گوید

1- . کامل الزیارات: 25
2- . التهذیب: 26
3- . کامل الزیارات: 26
4- . الکافی 4 : 563

و یکی از اصحابمان ذکر کرد که حضرت را دید که گونهاش را به زمین مسجد چسباند.(1)

36. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که قصد خروج از مدینه را داشتی غسل کن سپس بعد ازاینکه از اموراتت فارغ شدی نزد مرقد پیامبر صلّی الله علیه و آله بیا و با او وداع کن و مشابه آن چه را که به هنگام ورودت انجام میدهی انجام بده و بگو: بارخدایا این را آخرین وعده از زیارت قبر پیامبرت قرار نده و اگر مرا پیش از زیارت مجددم میراندی در مرگم برآنچه که در زندگیام گواهی میدهم، گواهی میدهم که هیچ خدایی جز تو نیست و محمد بنده و رسول توست.(2)

37. الکافی: علی بن ابراهیم ازابن ابوعمیر مشابه آن را آورده.(3)

38. من لا یحضره الفقیه: زمانی که قصد خروج از مدینه را داشتی به محل سر پیامبر صلّی الله علیه و آله بیا و بر او سلام کن سپس نزدیک منبر بیا و کنار آن بر پیامبر صلّی الله علیه و آله هرچه توانستی سلام کن و با هر آنچه برای دین و دنیا دوست داشتی برای خودت دعا کن سپس به مرقد پیامبر صلّی الله علیه و آله بازگرد و شانه چپت را در نزدیکی ستونی که قبل از ستون مخلقه در کنار سر پیامبر صلّی الله علیه و آله است به مرقد بچسبان و شش یا هشت رکعت به جای آور و در هر رکعت حمد و سوره قرائت کن و در هر دو رکعت قنوت بخوان و چون از آن فارغ شدی به رسول الله روی کن و در وداع با او بگو: درود خدا بر تو باد، سلام بر تو، خداوند این را آخرین سلامم بر تو قرار ندهد، بارخدایا این را آخرین وعده... تا پایان آنچه که گذشت.(4)

میگویم: در یکی ازنسخههای الفقه الرضوی که بر کسی که این کتاب به او منسوب است سلام باد، یافتم:

1- . کامل الزیارات: 26
2- . کامل الزیارات: 27
3- . الکافی 4: 563
4- . الفقیه 2 : 343

39. ازموسی بن جعفر علیه السلام روایت میکنم که وی فرمود: زمانی که وارد مدینه، شهر رسول صلّی الله علیه و آله شد مستحب است که سه روز روزه بگیرد و اگر در آن اقامت داشته باشد روزهاش را در روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه قرار دهد.(1)

40. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: هر که قبر مرا زیارت کند شفاعت من برای او مجاز است و هر که مرا مرده زیارت کند گویی که مرا زنده زیارت کرده است.

سپس کنار سر او رو به قبله بایست و سلام کن و بگو: سلام، رحمت و برکات خدا بر تو باد ای پیامبر، سلام بر تو ای ابوالقاسم، سلام بر تو ای سرور اولینها و آخرینها، سلام بر تو ای زینت قیامت، سلام بر تو ای شفیع قیامت! گواهی میدهم که هیچ خدائی جز الله نیست یگانه است و شریکی ندارد و گواهی میدهم که تو بنده و رسول او هستی که رسالت را ابلاغ کردی و امانت را ادا نمودی و امتت را نصیحت کردی و در راه خدا جهاد کردی تا اینکه مرگت فرا رسید. درود خدا بر تو و بر اهل بیت تو باد. در زندگی و مرگ پاک هستی، درود خدا بر تو و بر برادر، وصی و پسرعمویت امیر مؤمنان و بر دخترت بانوی زنان جهانیان و بر پسرانت حسن و حسین باد، برترین سلام، پاکترین تحیت و طاهرترین درود باد و ازجانب شما سلام، رحمت و برکات خداوند بر ما باد. و برای خودت دعا کن و در دعا برای مؤمنان و والدینت تلاش کن سپس کنار ستون توبه و کنار حنانه و در روضه و کنار منبر بیشتر از نمازی که در آن قادر هستی نماز میخوانی و به مقام جبرئیل که کنار میزاب است بیا و چون از دری که باب فاطمه علیها السلام گفته میشود و دری است که مقابل زقاق بقیع است خارج شدی دو رکعت درآنجا بخوان و بگو: ای جواد، ای کریم، ای نزدیک غیر دور! به اینکه تو خدائی هستی که چیزی مانند تو نیست از تو میخواهم که مرا از مهلکهها حفاظت کنی و از آفات دنیا و آخرت و خستگی سفر و بازگشتگاه بد سالم نگاه داری و مرا بعد ازحجی مقبول و

1- . آن را در نسخه چاپ شده با نام فقه الرضا نیافتم.

تلاشی مشکور و عملی پذیرفته، سالم به وطنم بازگردانی و این را آخرین دیدار از حرمت و حرم پیامبرت صلّی الله علیه و آله قرار ندهی، سپس به مراقد بزرگان در بقیع و مسجد فاطمه علیها السلام بیا و در آنها دو رکعت بخوان و مرقد حمزه و قبور شهدا، مسجد فتح، مسجد سقیاء و مسجد قبا را زیارت کن که در آن فضیلت بسیار است و مسجد خلوت، بیت علی بن ابی طالب، منزل جعفر بن محمد علیه السلام در کنار در مسجد را زیارت کن که در آن دو رکعت میخوانی سپس زمانی که قصد خروج از مدینه را داشتی با مرقد پیامبر صلّی الله علیه و آله وداع میکنی و مشابه آنچه که در مورد اول انجام دادی را انجام میدهی سلام میدهی و میگویی: بارخدایا این را آخرین وعده من از زیارت مرقد و حرم پیامبرت قرار نده که اگر پیش از آن مرا میراندی گواهی میدهم که در زندگیام هیچ خدایی جز الله نیست و محمد بنده و رسول توست و با مرقد نبی وداع نمیکنی مگراینکه غسل کردهای یا اگر غسل برایت ممکن نیست وضو گرفتهای و غسل بهتراست.(1)

سپس میگویم: از آنجا که روایات وارده درباره چگونگی زیارت پیامبر صلّی الله علیه و آله را ذکر کردیم این باب را با ذکر آنچه که شیخ بزرگوار مفید و سید والا علی بن طاوس و شیخ سعید شهید و مؤلف المزار الکبیر و سایرین رضی الله عنهم گردآوری و ذکرکردهاند به پایان میبریم و لفظ از مفید است.

41. ان شاءالله زمانی که وارد مدینه النبی صلّی الله علیه و آله میشوی برای زیارت غسل کن و چون قصد ورود داشتی بر در بایست و بگو: بارخدایا من بر در خانهای از خانههای پیامبرت و خاندان پیامبرت که بر او و آنان درود باد ایستادهام و مردم را از ورود در خانههای او جز با اذن پیامبرت منع کردی و فرمودی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ» {ای کسانی که ایمان آورده اید داخل اتاقهای پیامبر مشوید مگر آنکه به شما اجازه داده شود} و من به حرمت پیامبرت درغیبتش معتقد هستم چنانکه درحضور او به آن معتقد هستم و میدانم که رسولان و خلفای تو زندهاند و نزد تو ارتزاق میکنند و مکان من در این وقت و

1- . آن را در نسخه چاپ شده با نام فقه الرضا نیافتم.

زمان را میبینند و در این لحظه سخنم را میشنوند و سلام مرا پاسخ میدهند و میدانم که تو کلام آنها را از گوش من بازداشتی و دروازه فهم مرا به مناجاتهای شیرین آنان گشودهای پس من بارخدایا اولاً ازتو اذن میخواهم سپس از رسولت که درود تو بر او و خاندان او بود و از جانشین تو که طاعتش بر من واجب است در ورود در این لحظه به منزل او اذن میخواهم و ازملائکه گماردهات بر این بقعه مبارک که مطیع خدا و شنوایند اذن میطلبم. سلام بر شما ای ملائکه گماردهشده بر این مراقد مبارک و رحمت و برکات خدا بر شما باد، به اذن خدا و اذن رسولش و اذن خلفایش و اذن شما که درود خدا بر جمیع شما باد وارد این خانه میشوم در حالی که تقرب به خدا می جویم با خدا و رسولش محمد و خاندان مطهر او، پس ای ملائکه خدا یاران من و یاوران من باشید تا وارد این منزل شوم و با اقسام دعاها خدا را بخوانم و برای خدا به عبودیت و برای رسول و فرزندان او به طاعت اقرار کنم.

سپس درحالیکه پای راست را پیش نهادهای وارد شو درحالیکه میگویی: با نام خدا و با خدا و در راه خدا و بر دین رسول الله بارخدایا مرا در مدخل صدق وارد کن و از مخرج صدق خارج کن و از نزد خودت قدرتی یاریگر برایم قرار بده سپس صد مرتبه تکبیر خدا بگو. و سید بعد ازآن گوید و زمانی که داخل شد باید دو رکعت تحیت مسجد بخواند سپس به سوی حجره خارج شود و چون به آن رسید برآن دست بکشد و آن را ببوسد و بگوید: سلام برتو ای رسول خدا، سلام برتو ای نبی خدا، سلام برتو ای محمد بن عبدالله، سلام برتو ای خاتم انبیاء گواهی میدهم که تو رسالت را ابلاغ و نماز را اقامه کردهای و زکات را عطا نمودهای و به معروف امر و از منکر نهی کردهای و خدا را خالصانه عبادت کردی تا اینکه مرگت فرا رسید و درود خدا بر تو و رحمت او بر تو و بر اهل بیت مطهر تو باد.(1)

سپس گویند: و کنار ستون سمت راست قبر بایست درحالیکه رو به قبله هستی و شانه چپت در جانب قبر و شانه راستت به سمت منبر است که این محل سر

1- . مصباح الزائر: 20، المزار الکبیر: 13 و 14

رسول الله صلّی الله علیه و آله است و بگو: گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست یگانه است و شریکی ندارد و گواهی میدهم که محمد بنده و رسول اوست و گواهی میدهم که تو رسول خدا هستی و تو محمد پسر عبدالله هستی، گواهی میدهم که تو رسالتهای پروردگارت را ابلاغ کردی و برای امتت خلوص ورزیدی و در راه خدا حق جهادش را ادا نمودی درحالیکه به طاعتش دعوت و از معصیتش برحذر میداشتی، گواهی میدهم که پیوسته بر مؤمنان رؤوف رحیم و بر کافران خشن بودی تا اینکه مرگت فرا رسید پس خداوند تو را به بالاترین محل مکرمان رسانید، حمد از آن خدایی است که ما را به وسیله تو از شرک و ضلالت نجات داد. بارخدایا درودت، درود ملائکه مقربت، بندگان صالحت و انبیاء مرسلت و اهالی آسمانها و زمینها از کسانی که تو را ای پروردگار جهانیان تسبیح گفتند از میان اولینها و آخرینها بر محمد، بنده، رسول، نبی، امین، نجواکننده، دوست، خاص و برگزیدهات و بهترینت از خلقت قرار بده. بارخدایا محمد را در مقامی پسندیده که اولینها و آخرینها به آن غبطه خورند محشور بگردان. بارخدایا شریفترین مرتبه را به او عطا کن و او را تا عالیترین درجه و منزلت رفعت ببخش و به او وسیله و رتبه عالی جلیلی عطا کن چنانکه خالصانه ابلاغ کرد و در راهت جهاد نمود و بر آزار در جوار تو صبوری پیشه کرد و دینت را توضیح داد و حجتهایت را برپاداشت و به سوی طاعتت هدایت کرد و به سوی رضایتت رهنمون شد، بارخدایا بر او و بر ائمه ابرار از ذریه اخیارش از خاندان او درود بفرست و بر تمامی آنها سلام بسیار بفرست. بارخدایا من غیر از آنان راهی به سوی تو نمییابم و غیر از آنان شفیعی که شفاعتش نزد تو پذیرفته باشد نمییابم. به وسیله آنان به سوی رحمتت تقرب میجویم و با ولایت آنها به بهشت امیدوارم و با برائت جستن از دشمنان ایشان رهایی از عذابت را آرزومندم بارخدایا مرا به سبب آنها در دنیا آبرومند و در آخرت از مقربین قرار بده و مرا رحمت کنی ای مهربانترین مهربانان(1).

1- . المزار الکبیر: 13 و 14، مصباح الزائر: 21 و 22

و سید رضی الله عنه گوید: سپس به مرقد توجه میکنی و میگویی: از خدایی که تو را برگزید و هدایتت نمود و به وسیله تو هدایت کرد میخواهم که بر تو و بر اهل بیت مطهرت درود بفرستد - سپس کف دستت را به دیوار حجره میچسبانی و میگویی: یا رسول الله هجرتکنان به سوی تو و اداکننده آنچه که خداوند در مورد قصد کردن زیارت تو بر من واجب کرد، نزد تو آمدهام و چون درحالی که زنده بودی به تو نرسیدم بعد از مرگت تو را قصد کردم با آگاهی به اینکه حرمت تو درحالت مرگ نیز مانند حرمتت در حالت زنده بودنت است پس نزد خدا بر این امر برای من شاهد باش.

سپس کف دستت را بر صورتت بکش و بگو: بارخدایا این را بیعتی پسندیده و عهدی مؤکد نزد خودت قرار بده که تا زمانیکه مرا در آن زنده گذاشتهای و بر وفاء به شرایط، حدود، حقوق و احکام آن زنده میگذاری و زمانیکه میمیرانی مرا بر آن میمیرانی و چون محشورم کنی برآن محشور میکنی.(1) پایان آنچه که فقط سید نقل کرده است. سپس علمای نامبرده گویند: سپس به سوی پیامبر صلّی الله علیه و آله روی کن و قبله را پشتت و قبر را پیش رویت قرار بده و بگو: سلام بر تو ای نبی خدا و رسول او، سلام بر تو ای برگزیده خدا و منتخب از خلقش، سلام بر تو ای امین و حجت خدا، سلام بر تو ای خاتم انبیا و سرور مرسلین، سلام بر تو ای بشارتدهنده انذاردهنده، سلام بر تو ای دعوتکننده به سوی خدا و ای چراغ روشنگر، سلام بر تو و بر اهل بیت تو، کسانی که خداوند آلودگی را از آنان زدود و آنان را بسیار پاکیزه گردانید گواهی میدهم که تو یا رسول الله حق را آوردی و به صدق سخن گفتی، حمد از آن خدایی است که توفیق ایمان و تصدیق به من داد و با طاعت تو و پیروی از راهت بر من لطف کرد و مرا از امتت و اجابت کنندگان دعوتت قرار داد و به شناختت و شناخت ائمه از ذریه تو هدایت کرد، با آنچه که تو را راضی میکند به خدا تقرب میجویم و از آنچه که تو را به خشم آورد به خدا برائت میجویم درحالیکه برای دوستانت دوست و برای دشمنانت دشمن هستم. یا

1- . مصباح الزائر: 22

رسول الله به عنوان زائر نزدت آمدم و مشتاقانه و متوسل به خدای سبحان تو را قصد کردهام و تو صاحب وسیله، منزلت جلیل، شفاعت مقبول و دعوت اجابتشده هستی پس نزد خداوند در غفران، رحمت، توفیق و عصمت مرا شفاعت کن که گناهان مرا پوشانده و عیبها دربرگرفته است و پشتم سنگین شده و بار فزونی گرفته است که تو به ما خبردادهای و خبرت صدق است که خداوند فرمود و قول او حق است: {و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعا خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند} پس یا رسول الله درحالیکه برای گناهانم طلب آمرزش میکنم و ازمعصیتها و خطاهایم توبه میکنم نزد تو آمدهام و من به خدا پروردگار من و پروردگار تو روی میکنم تا گناهانم را بر من ببخشد پس ای شفیع امت مرا شفاعت کن و ای نبی رحمت مرا پناه ده. درود خدا بر تو و بر خاندان مطهرت باد و در درخواست کوشش میکنی.

سپس بعد از آن رویت را به سوی قبله میگردانی درحالیکه درجای خود هستی و قبر در پشت سرت قرار دارد و میگویی: بارخدایا امرم را به پناه تو آوردم و کمرم را به مرقد نبی و رسولت تکیه دادم و رویم را به سوی قبلهای که به آن راضی شدی گردانیدم بارخدایا من خیرآنچه که امید دارم را نمیتوانم به تملک درآورم و شر آنچه که برحذر میدارم را از خود دفع نمیکنم و همه امور به دست توست. پس به حق محمد و خاندان او و مرقد پاک مبارکش و حرمش از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و گناهان گذشته مرا بر من ببخشی و مرا از معصیت در باقی مانده عمرم حفظ کنی و قلبم را بر ایمان استوار سازی و رزقم را بر من گسترده گردانی و نعمتها را برمن تمام کنی و بهرهام از عافیت را کاملترین بهره قرار بدهی و مرا در میان خانواده، اموال و فرزندانم حفاظت کنی و ازدشمنان مراقبتم کنی و عاقبت در دنیا و بازگشتگاه در آخرت را برایم نیکو کنی بارخدایا مرا، والدینم را و تمامی مردان و زنان مؤمن، زندگان و مردگان آنها را بیامرز که تو بر هر چیزی توانا هستی.

سپس إنا انزلناه فی لیله القدر را یازده مرتبه قرائت کن و به سوی مقام پیامبر صلی الله علیه و آله که بین مرقد و منبر است برو و کنار ستون مخلقه که کنار منبر است بایست و منبر را مقابلت قرار بده و چهار رکعت و اگر نتوانستی دو رکعت نماز زیارت بخوان و چون از آن سلام کردی و تسبیح گفتی بگو: بارخدایا این مقام پیامبر و برگزیده تو از خلق توست که آن را باغی از باغهای بهشتت قراردادی و با رسولت آن را بر همه بخشهای زمینت شریف کردی و آن را به خاطر او برتری دادی و حرمتش را بزرگ نمودی و شکوهش را آشکار نمودی و بر عبادتت تبرک به نماز و دعا در آن را واجب کردی و مرا با حول و قوهای که جز به رحمت تو در من نیست در آن مقیم کردی. بارخدایا چنانکه در فضل خلیلت بر حبیبت تقدم نمییابد استجابت دعا در مقام حبیبت را برتر از آنچه که در مقام خلیلت قراردادی قرار بده. بارخدایا من دراین مقام طاهر از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و مرا از آتش پناه بدهی و با بهشت بر من لطف کنی و بر موقفم شفقت کنی و لغزشم را بیامرزی و علمم را زیاد کنی و روزیام را بر من گسترده گردانی و عافیتم و هدایتم را مستمر گردانی و نعمتت را بر من کامل بسازی و مرا در خانواده و مالم حفظ کنی و از هر ستمگر ظالم بر من مراقبتم نمایی و عمرم را طولانی کنی و به آنچه که تو را از من راضی میسازد توفیق دهی و مرا از آنچه که تو را بر من خشمگین میکند حفظ کنی. بارخدایا من با پیامبر تو و اهل بیت او، حجتهای تو بر خلقت و آیات تو در زمینت به تو توسل میجویم که دعایم را برایم استجابت کنی و در دین و دنیا مرا به امید و آرزویم برسانی ای سرور و مولای من. از تو مسألت کردهام پس مرا ناکام نکن، به فضل تو امید بستهام مرا محروم نکن که من نیازمند رحمت تو هستم و غیر از احسان و لطف تو چیزی برای من نیست پس از تو میخواهم که پوست و مویم را بر آتش حرام گردانی و خیری که میشناسم و نمیشناسم را به من عطا کنی و شری که شناختم و نشناختهام را از من و از فرزندان، برادران و خواهرانم دور کنی. بارخدایا مرا، والدین مرا، و تمامی مردان و زنان مؤمن را بیامرز که تو بر هر چیزی توانا هستی.

سپس به سوی منبر بیا و با دستت آن را مسح کن و دو برجستگی زیرین آن را بگیر و چشم و رویت را برآن دو بکش و در این هنگام کلمات فرج بر زبان آور و بعد از آن بگو: گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست یگانه است و شریکی ندارد. گواهی میدهم که محمد رسول خداست و حمد از آن خدایی است که عزت اسلام را به وسیله تو منعقد کرد و تو را محل ارتقای برترین مردم و صعودگاه دعوتکننده به دارالسلام قرار داد. حمد از آن خدایی است که با برافراشتن تو برتری کفر و والایی شرک را پست کرد و با تو پرچم باطل و بیرق ضلالت را واژگون کرد. گواهی میدهم که تو جز برای توحید خداوند سبحان و تمجید، تعظیم و تحمید او و برای موعظه بندگان خدا و دعوت به عفو و غفران او منصوب نشدهای. گواهی میدهم که تو با بالا رفتن رسول الله از پلکانت و استقرارش بر تو، بهره شرف و فضیلت و نصیب عزت و ذخیرهات را به طور کامل از او گرفتهای و به کمال ذکرت دست یافتهای و خداوند حرمتت را بزرگ داشت و مسح تو را واجب کرد. و چه بسیار مصطفی بر تو گام نهاد و بر روی تو بر مردم خطبه ایراد کرد و توحید خدا گفت و او را حمد و ثنا گفت و تمجیدش کرد و چه بسیار بر روی تو رسالت را ابلاغ کرد و امانت را ادا نمود و قرآن تلاوت کرد و فرقان قرائت کرد و از وحی خبر داد و امر و نهی را تبیین نمود و حلال و حرام را جدا کرد و به نماز و روزه امر نمود و بندگان را بر جهاد ترغیب نمود و از ثواب آن در معاد خبر داد. سپس در روضه که ما بین منبر و قبر است بایست و بگو: بارخدایا این باغی از باغهای بهشتت و شعبهای از شعبههای رحمت تو است که رسولت آن را ذکر کرد و فضیلت آن و شرف عبادت تو در آن را آشکار نمود. و تو مرا در سلامت نفسم به آن رساندی پس حمد از آن توست ای سرورم به خاطر نعمت بزرگت بر من در اینباره و بر آنچه که از طاعتت، طلب رضایتت، تعظیم حرمت پیامبرت با زیارت مرقدش، تسلیم بر او و تردد در مشاهد و مواقف او بر من روزی کردی. حمد از آن توست مولای من حمدی که محامد ساکنان عرشت و اهالی آسمانت با آن نظم مییابد و حمد گذشتگان بدان نمیرسد و بر حمد خلائق باقیات برتری دارد. حمد از آن توست ای مولای من، حمد کسی که حمد برای تو را و توفیق حمد از جانب تو را شناخت، حمدی که خلائقت را پرمی

کند و به هر آنجا که اراده کنی میرسد و از تو پنهان نیست و قبل از تو انتها نمیگیرد و به نهایت رضایتت میرسد و آخر آن به ابتدای حمدهای خلقت برای تو، نمیرسد، حمد از آن توست تا زمانی که حمد شناخته میشود و مورد اعتقاد است و حمد ابتدای سخن قرارداده میشود. ای صاحب عزت و عظمت باقی و سلطان و قدرت دائم و قوت و نیروی شدید، ای صاحب امر و اراده نافذ و رحمت و مغفرت وسیع، ای پروردگار دنیا و آخرت، چه بسیار نعمتهای تو بر من که حمد من از کمترین آنها عاجز است و شکرم به پایینترین آنها نمیرسد و چه بسیار نیکیهای تو بر من که تصورم کثرت آن را در احاطه نمیگیرد و فکرم آنها را دربرنمیگیرد. بارخدایا بر پیامبر برگزیدهات، بهترین خلائق در کودکی، بهترین آنها در جوانی و کهنسالی، پاکترین پاکان از نظر خلق و خو، بخشندهترین بارانها از نظر استمرار، بزرگترین خلق از نظر اصل درود بفرست، کسی که دلالتها را با او آشکار کردی و رسالتها را با او اقامه کردی و نبوتها را با او خاتمه دادی، درهای خیرات را با او گشودی و او را به عنوان مظهر آشکار کردی و به عنوان نبی و هدایتگر امین، هدایتشده دعوتکننده به سوی او و رهنمونشونده به سوی تو حجتی در مقابل تو مبعوث کردی، بارخدایا بر معصومین عترت او و پاکان خانواده او درود بفرست و به وسیله او منزلت ایشان را نزد خودت شریف و مراتب آنان را بزرگ گردان و جایگاه آنها را در رفیق اعلی قرار بده و درجه آنها را تا نزدیکی رسولت بالا ببر و شادیشان را با دیدار او کامل کن و انس آنان با مکان او را زیاد کن(1).

سپس به سوی مقام جبرئیل بیا که زیر میزابی است که زمانی که از دری که باب فاطمه خوانده میشود خارج میشوی مقابل باب است و میزاب بالای تو و باب پشت سر تو باشد، دو رکعت نافله بخوان و بگو: ای کسی که آسمانها را آفرید و آنها را از سربازانی از تسبیحکنندگان از ملائکهاش و تمجیدکنندگان قدرت و عظمتش آکنده کرد و بر بدنهای آنان جامههای کرامت پوشانید و زبانهایشان را به انواع زبانها سخنور کرد و جامه تقوا بر تنشان کرد و گردنبندهای خرد را برآنان

1- . مصباح الزائر: 24 و 25

آویخت و آنها را آگاهترین جنس خلائقش به وحدانیت، قدرت، جلالت و عظمت خویش، عالمترین آنها به او، خائفترین آنها و دائمترین آنان در طاعت، خضوع، فروتنی و خشوع برای خود قرارداد. ای کسی که جبرئیل امین علیه السلام را به خصائص، درجات و منازلش برتری دادی و او را برای وحی، سفیری، عهد و امانتش و نازل کردن کتب و اوامرش بر انبیاء و رسولانش برگزیدی و او را واسطه میان خود و آنان قراردادی از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد و بر تمامی ملائکهات و ساکنان آسمانت، آگاهترین خلائقت به تو، خائفترین آنها از تو، نزدیکترین آنها به تو، مطیعترین آنها از تو، کسانی که خواب چشمها و سهو خردها، سستی بدنها ایشان را فرا نمیگیرد، مکرمان به جوار تو، امینان بر وحی تو، دورشدگان از آفات، و حفاظتشدگان از خطاها درود بفرست. بارخدایا روح الامین که درودت بر او باد را به چندین برابر آن، و ملائکه مقربت و طبقات کروبیان و روحانیان را به آن مخصوص بگردان و در مراتب او نزد خود و حقوق او بر اهل زمین به سبب آنچه که از شرائع دینت نازل میکرد و آنچه که در خصوص حلال و حرام بر زبان انبیائت تبیین کرد بیافزای. بار خدایا درود بر جبرئیل را زیاد کن که او پیشوای انبیاء، هدایتگر برگزیدگان و فرد ششم اصحاب کساء است. بارخدایا این وقوفم در مقام او را سببی برای نزول رحمتت بر من و گذشتت از گناهانم قرار بده.

سپس بگو: ای جواد، ای کریم، ای نزدیک، ای بعید از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و توفیق اطاعتت را به من عطا کنی و نعمتت را از من زائل نگردانی و با رحمتت بهشت را به من روزی کنی و فضلت را بر من گسترده گردانی و مرا از اشرار خلقت بینیاز گردانی و شکر و ذکرت را بر من الهام کنی. پروردگارا دعایم را ناکام نگذار و امیدم را به حق محمد و خاندان او قطع نکن(1).

سپس کنار ستون ابو لبابه رضی الله عنه، که همان ستون توبه است دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن بگو: بسم الله الرحمن الرحیم بارخدایا مرا با فقر خوار نکن و با بدهکاری ذلیل نگردان و به هلاکت نبر و مرا حفظ کن تا محفوظ بمانم و اصلاح کن

1- . مصباح الزائر: 26 و 27

تا اصلاح شوم و هدایت کن تا هدایت شوم. بارخدایا مرا بر جهاد نفسم یاری کن و به سوء ظن عذاب نده و هلاکم نگردان درحالی که تو امید من هستی، خطا کردهام و تو شایسته این هستی مرا بیامرزی، اقرار کردهام و تو سزاوار این هستی که از من درگذری، و لغزش کردهام و تو سزاوار این هستی که مرا ببخشی، بدی کردهام و تو سزاوار این هستی که نیکی کنی. و تو اهل تقوی و مغفرت هستی پس مرا به آنچه دوست داری و میپسندی توفیق بده و آسان را برایم میسر کن و مرا از هر دشوار دور کن. بارخدایا مرا با حلال از حرام، با طاعات از معصیتها، با توانگری از فقر، با بهشت از آتش و با نیکان از فاجران بینیاز کن. ای کسی که چیزی مانند او نیست درحالیکه او شنونده بیناست و تو بر هر چیزی توانا هستی.(1)

تتمهای در وداع با پیامبر صلّی الله علیه و آله:

پس زمانی که قصد وداع با او را داشتی بعد از فراغتت از حاجتهایت به سوی مرقد او بیا و مشابه آنچه که به هنگام رسیدنت انجام دادی، انجام بده سپس بگو: بارخدایا این را آخرین وعده از زیارت مرقد پیامبرت قرارمده، و اگر مرا قبل از آن میراندی من در مرگم برآنچه که در زندگیام گواهی دادم گواهی میدهم که هیچ خدایی جز تو نیست و محمد بنده و رسول توست و تو از اهل بیت او ائمه اطهار را برگزیدی، کسانی که آلودگی را از آنان زدودی و ایشان را بسیار پاکیزه گردانیدی، و ما را با آنان و در زمره آنان و زیر بیرق آنان محشور گردان و در دنیا و آخرت میان من و آنان جدایی نیافکن ای مهربانترین مهربانان.

توضیح: این سخن او «عین البریه» فیروزآبادی(2)

گوید: عین الشیء یعنی بهترین یک چیز و «الشیمه» با کسره یعنی طبیعت، و «الدیمه» با کسره بارانی است که در سکون بدون رعد و برق ادامه مییابد و «جرثومه الشیء» اصل آن است و «أظهرته مظهراً»، مظهر یعنی محل صعود یعنی آن را بنا نهادی و بر صعودگاه بزرگی از برتری و شرف بالا بردی و ممکن است که باضمه میم قرائت شود یعنی او را درحالی که آشکارکننده معارف و احکام تو بود آشکار نمودی.

1- . مصباح الزائر: 27

2- . القاموس 4 : 251

میگویم: زیارت او صلّی الله علیه و آله در ایام شریف و اوقات و زمانهای متبرک خصوصاً ایامی که به او اختصاص دارد مانند روز ولادتش که هفدهم ربیع الاول و گفته شده دوازدهم آن است و تاریخ اول بهتر و مشهورتر است، مورد تأکید است.

و روز وفاتش که بیست و هشتم ماه صفر، روز مبعثش که بیست و هفتم رجب است و روزهایی که خداوند در آن وی را بر دشمنانش پیروز گردانید یا از شر آنان نجات داد مانند روز فتح بدر که هفدهم ماه رمضان، روز فتح مکه که بیستم ماه رمضان، روز غزوه احد که هفدهم شوال، روز فتح خیبر که بیست و چهارم رجب است و سایر فتوحات او بر اساس آنچه که ذکرش در کتاب تاریخ او بیان شد و روز مباهله با مسیحیان نجران که بیست و چهارم ذی حجه و گفته شده بیست و پنجم ذی حجه است، شب هجرتش از مکه که اولین شب از ربیع الاول، روز ورودش به مدینه که روز دوازدهم از ربیع الاول و روز خروجش از شعب ابی طالب که نیمه رجب، شبی که مادرش به او باردار گشت که شب نوزدهم از جمادی الآخر، شب معراجش که شب بیست و یکم از ماه رمضان و گفته شده نهم ذی حجه، و گفته شده هفدهم ربیع الاول است و روز ازداوجش با خدیجه رضی الله عنها که دهم ربیع الاول است. و همچنین در آن زیارت خدیجه رضی الله عنه نیز مستحب است و همچنین سایر ایام و شبهای مختص به او که آنها را در جلد احوال او صلّی الله علیه و آله بیان نمودیم.

میگویم: درنسخهای قدیمی از تألیفات یکی از اصحابمان این زیارت را با اختلاف زیادی یافتم و به جهت اشتمالش بر فوائد بسیار، آن را نیز ذکر کردم:

42. بعد از ذکر برخی از ادعیه پیشین گوید: سپس درحالیکه رو به قبله هستی به سوی ستونی که در گوشه حجره است راه میروی، که محل سر پیامبر صلّی الله علیه و آله آنجاست. سپس میگویی گواهی میدهم که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست و شریکی ندارد، گواهی میدهم که محمد بنده و رسول اوست و گواهی میدهم که تو رسول خدا هستی، گواهی میدهم که تو محمد بن عبدالله خاتم انبیا هستی و گواهی میدهم که تو رسالت را ابلاغ و امانت را ادا نمودی و برای امتت خلوص ورزیدی و با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کردی و در راه

خدا حق جهادش را به جای آوردی و خدا را خالصانه عبادت کردی تا اینکه مرگت فرا رسید و امر پروردگارت را اجرا کردی و حقی که بر تو بود را ادا نمودی و با مؤمنان مهربان بودی و با کافران تندی کردی. پس خداوند تو را به شریفترین جایگاه مکرمان و بالاترین درجه مرسلین رسانید و درود خدا بر تو و بر خاندان مطهر تو باد. حمد از آن خدایی است که به وسیله تو ما را از شرک به سوی اسلام و از کفر به سوی ایمان و از ضلالت به سوی هدایت نجات داد پس خداوند تو را به بهترین آنچه که به پیامبری از امتش جزا داد جزا دهد و بهترین درودی که بر پیامبری از انبیاء و رسولانش فرستاد بر تو بفرستد و بهترین سلامی که بر یکی ازملائکهاش و اهل طاعتش فرستاد را بر تو بفرستد. بارخدایا برترین صلواتت، رشد یابندهترین برکاتت، پاکترین تحیاتت و صلوات ملائکه مقربت، انبیاء مرسلت، بندگان صالحت و تمامی اهل طاعتت از اهالی آسمانها و زمینها، و هر کسی که تو را تسبیح گفت ای پروردگار جهانیان از اولینها و آخرینها را بر محمد، بنده و رسولت، نبیات، امینت بر وحی، برگزیده، دوست خالصت، برگزیدهات از خلائقت، گوهرت در مخلوقاتت و نیز بر اهل بیت او کسانی که به عنوان اهل بیت، خداوند آلودگی را از آنان زدود و بسیار پاکیزه گردانید بفرست. بارخدایا درجه والا به او عطا کن و وسیله شریف به او عنایت بفرما و او را در مقام پسندیده مبعوث کن تا اولینها و آخرینها بر او غبطه بخورند، بارخدایا شریفترین مکان و مرتبه، رفیعترین منزلت و درجه، عالیترین کرامت و فضیلت را به او ببخش چنانکه او خالصانه ابلاغ کرد، و درحالیکه بازدارنده بود وعظ کرد و دلسوزانه اشتیاق داشت و مشفقانه برحذر بود و در راه تو جهاد کرد و بر آزار در جوار تو صبوری کرد تا اینکه دینت را آشکار و حجتت را اقامه و به طاعتت هدایت کرد و به رضایتت رهنمون شد، بارخدایا بر ائمه ابرار از ذریه او و اوصیاء برگزیده از عترت او، و خلفای راشد از اهل بیت او درود بفرست. بارخدایا من غیر از آنان راهی به سوی تو نمییابم و غیر از آنان شفیعی که شفاعتش نزد تو پذیرفته باشد نمیبینم پس به وسیله آنان به سوی رحمتت تقرب میجویم و با دوستی آنان بهشتت را امید دارم و با برائت از دشمنان آنها رهایی از عقوبتت را آرزو میکنم. بارخدایا مرا به وسیله آنها در دنیا نزد خودت آبرومند و در آخرت از مقربین

قرار بده. سپس به مرقد رو کن و بگو: از خدایی که تو را برگزید و انتخاب کرد و هدایت کرد و به وسیله تو ما را نجات داد میخواهم که بر تو و بر اهل بیت طاهر تو درود بفرستد، درودی که تا ابد و برای همیشه جز خدای پروردگار جهانیان قادر به شمردن آن نیست.

سپس دستت را به دیوار حجره بچسبان سپس بگو: یا رسول الله هجرتکنان به سوی تو و اداکننده آنچه که خداوند در مورد قصد کردن زیارت تو بر من واجب کرد نزد تو آمدهام و چون درحالی که زنده بودی به تو نرسیدم بعد از مرگت تو را قصد کردم با آگاهی به اینکه حرمت تو درحالت مرگ نیز مانند حرمتت در حالت زنده بودنت است پس نزد خدا بر آن برای من شاهد باش.

سپس کف دستت را برصورتت بکش و بگو: بارخدایا این را بیعتی پسندیده و عهدی مؤکد نزد خودت قرار بده که تا زمانیکه مرا زنده گذاشتهای در آن و بر وفاء به شرایط، حدود، حقوق و احکام و لوازم آن زنده میگذاری و زمانیکه میمیرانی مرا بر آن میمیرانی و چون محشورم کنی برآن محشور میکنی و قوتی در یقین، دانشی در دین بر من میافزایی و قلبم را آکنده از محبت محمد و خاندان مطهر او علیهم السلام قرار میدهی. سپس قبله را پشتت و قبر را پیش رویت قرار میدهی و میگویی: سلام بر تو ای نبی خدا و رسول او، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبدالله، سلام بر تو ای خاتم انبیا، سلام بر تو ای سرور مرسلین، سلام بر تو ای بشارتدهنده انذاردهنده، سلام بر تو ای دعوتکننده به سوی خدا به اذن او و ای چراغ روشنگر، سلام بر تو و بر اهل بیت طاهر تو و بر عترت منتخب تو، سلام بر تو و بر یاران راشد تو، سلام بر تو و بر ائمه هادی، سلام بر تو و بر تمامی انبیا، رسولان و ملائکه خدا. گواهی میدهم که تو یا رسول الله به حق آمدی و به صدق سخن گفتی، و هر که از تو اطاعت کرد از خدا اطاعت کرده است و هر که از تو سرکشی کرد از خدا سرکشی کرده است حمد از آن خدایی است که توفیق ایمان و تصدیق نبوتت را به من داد و با طاعت تو و پیروی از راهت بر من لطف کرد و مرا از امتت و اجابتکنندگان دعوتت قرار داد و به شناختت و شناخت ائمه از ذریه تو هدایت کرد یا رسول الله. من با آنچه که تو را راضی میکند به خدا

تقرب میجویم و از آنچه که تو را به خشم آورد به خدا برائت میجویم درحالیکه برای دوستانت دوست و برای دشمنانت دشمن هستم. یا رسول الله به عنوان زائر نزدت آمدم و مشتاقانه و متوسل به خدای سبحان تو را قصد کردهام و تو صاحب وسیله، منزلت جلیل، شفاعت مقبول و دعوت اجابتشده هستی پس نزد خداوند در رحمت، توفیق و عصمت مرا شفاعت کن که گناهان مرا پوشانده و عیبها دربرگرفته است و پشتم سنگین شد و بار فزونی گرفته است که تو به ما خبر دادهای و خبرت صدق است که خداوند فرمود و قول او حق است: {و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعا خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند } پس یا رسول الله این من هستم که درحالیکه برای گناهانم طلب آمرزش میکنم و ازمعصیتها توبه میکنم و از بدیهایم نادم هستم و از خطاهایم توبه میکنم نزد تو آمدهام و من به خدا پروردگار من و پروردگار تو روی میکنم پس ای شفیع امت مرا شفاعت کن و ای نبی رحمت مرا پناه ده. از او طلب آمرزش کن تا مرا بیامرزد، از او طلب رحمت کن تا مرا رحمت کند و توبهام را بپذیرد شنیدن ندایم و اجابت دعایم را از او بخواه. سپس سوره قدر را یازده مرتبه بخوان و به قبله که روی خداست روی کن و بگو: بارخدایا من امرم را به پناه تو آوردم و کمرم را به مرقد نبیات محمد تکیه دادم و رویم را به سوی قبلهای که برای محمد پسندیدی گردانیدم. بارخدایا من خیر آنچه که امید دارم را برای خود در تملک ندارم و شر آنچه که از آن برحذر هستم را از آن دفع نمیکنم، و همه امور به دست توست، و هیچ فقیری از من نیازمندتر نیست من به خیری که به سوی من فرو فرستادی نیازمندم. بارخدایا من به تو پناه میبرم از اینکه نامم را تبدیل کنی یا جسمم را تغییر دهی یا نعمتت را از من زایل گردانی. بارخدایا مرا با تقوا زینت ببخش و با نعمت زیبا کن و با عافیت بپوشان و شکر عافیت را بر من روزی کن. بارخدایا از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و گناهان پیشینم را بر من ببخشی و در عمر آیندهام مرا از معصیتها بازداری و گامهایم را بر ایمان استوار کنی و هدایت و رشدم را مداوم کنی و روزیام را بر من گسترده گردانی و نعمت را بر من کامل سازی و بهرهام ازعافیت را کاملترین بهره

قرار بدهی و مرا در خانوادهام، مالم و فرزندانم حفظ کنی و از دشمنان مراقبتم کنی و عاقبتم را در دنیا و بازگشتگاهم را در آخرت نیکو گردانی که تو شنونده دعا هستی. بارخدایا مرا بیامرز و مورد رحمت قرار بده و رحمتت را بر من واجب کن چنانکه برای کسی که پیامبرت را در طول حیاتش دیدار کرد و نزد او به گناهانش اقرار کرد و پیامبرت برای او دعا کرد پس گناهانش بخشیده شدف واجب کردی. مرا با پیامبرت محمد در دنیا آبرومند و در آخرت از مقربان قرار بده. بارخدایا مرا، والدینم را و جمیع مردان و زنان مؤمن، زندگان و مردگان آنها را بیامرز که تو بر هر چیزی توانا هستی.

سپس به سوی منبر بیا و آن را با دستت مسح کن و آن را در چشم و رویت بکش درحالیکه میگویی: لا إله الا الله الحلیم الکریم لا إاله الا الله العلی العظیم، منزه است پروردگار آسمان هفتگانه و پروردگار زمین هفتگانه و هر آنچه در آنها، ما بین آنها و زیر و بالای آنهاست و او پروردگار عرش عظیم است و سلام بر مرسلین، و حمد از آن خدای پروردگار جهانیان است. بارخدایا نور را در دیدهام، ایمان را در دلم، خلوص را در سینهام، اخلاص را در عملم، ذکر شبانهروزت را بر زبانم قرار بده، و روزی وسیع حلال بدون منت و غیرممنوع به من عطا کن و در آنچه که برمن روزی کردی برکت ببخش و مرا بیامرز و با رحمتت مورد رحمت قرار بده ای مهربانترین مهربانان.

سپس به مقام نبی صلّی الله علیه و آله که همان روضه است بیا و در آن دو رکعت بخوان و چون سلام کردی تسبیحات حضرت زهراء علیه السلام را بگو سپس بگو: بارخدایا این مقام پیامبر و حبیب تو و برگزیدهات از خلقت و باغی از باغهای بهشتت است و آن را با رسولت بر بخشهای زمینت شرافت دادی و برتری دادی و بزرگ کردی و جلالتش را آشکار کردی و بر بندگانت تبرک با دعا و نماز در آن را واجب گردانیدی و مرا با حول و قوهای که فقط با توفیق، یاری و احسان تو در من است در آن مقیم کردی. بارخدایا خلیلت در فضل بر حبیبت پیشی نمیگیرد پس اجابت دعایم در مقام حبیبت را برتر از آنچه که در مقام خلیلت قرار دادی قرار بده. بارخدایا من در این مقام پاک از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود

بفرستی و با بهشت بر من لطف کنی و مرا به عنوان لطف و کرمی از جانب تو از آتش نجات ببخشی، و میخواهم که روزی حلال پاک را بر من گسترده گردانی و مرا از هر ستمگر و ظالم بر من حفاظت کنی و عمرم را در طاعتت طولانی کنی و مرا به آنچه که تو را از من خشنود میسازد توفیق دهی و مرا از آنچه که تو را بر من خشمگین میکند مصون بداری و مرا در خودم و دینم و مالم و خویشانم و فرزندانم و برادرانم حفظ کنی و با هر که به من مکر کرد مکر نمایی و عافیت و هدایتم را مداوم کنی و نعمتت را بر من و نزد من کامل گردانی و عقوبت هر کسی که ظلم بر من را اظهار کرد تعجیل بفرمایی. بارخدایا من با پیامبرت نبی رحمت و با اهل بیت او، حجت تو بر خلقت و امینان تو بر بلادت به تو روی آوردهام و میخواهم که دعایم را بر من استجابت کنی و مرا در دنیا و آخرت به آرزو و امیدم برسانی ای سرور و مولای من. من از تو خواستهام پس ناکامم نکن، آنچه که نزد توست را امید کردهام پس محروممم نکن، و من فقط بنده تو و در قبضه تو هستم. بارخدایا از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و پوست و مو و جسمم را برآتش حرام کنی و خیری که شناختم و نشناختهام را به من عطا کنی و شری که شناختم و نشناختهام را از من بازگردانی. بارخدایا مرا و والدینم را و جمیع مردان و زنان مؤمن را بیامرز که تو بر هر چیزی توانا هستی.

سپس به مقام جبرئیل بیا و بگو: پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که به پروردگار خود ایمان آورید پس ایمان آوردیم پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران، پروردگارا و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی ای جواد، ای کریم، ای نزدیک، ای دور! از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و نعمتت را از من تغییر ندهی و مرا از بدیهای خلائقت حفظ کنی و دعایم را اجابت کنی و ندایم را بشنوی ای سرور و مولای من. بارخدایا بر ملائکه مقربت و انبیاء مرسلت و بندگان صالحت درود بفرست. و بر جبرئیل امین که قرآن عظیم را بر قلب پیامبرت، خاتم انبیا نازل فرمود، درود بفرست و سلام بر او و رحمت و برکات خدا بر او باد. بارخدایا درودت

بر جبرئیل را فراوان کن که او پیشوای انبیاء، هدایتگر برگزیدگان و ششمین فرد اصحاب کساء است. بارخدایا این وقوفم را با رحمتت سببی برای نزول رحمتت بر من و گذشتت از من و از والدینم و از برادران مؤمنم قرار بده ای مهربانترین مهربانان.

43. از المزار الکبیر: زیارت دیگری برای او صلّی الله علیه و آله که آن را نصیر ادام الله عزه بر من املا کرد: کنار ستونی که جنب رأس پیامبر صلّی الله علیه و آله است میایستی و میگویی: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای نبی خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای دوست خالص خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای احمد، سلام بر تو ای محمد، سلام بر تو ای ابوالقاسم، سلام بر تو ای محوکننده، سلام بر تو ای ادامه یابنده، سلام بر تو ای بشارتدهنده، سلام بر تو ای انذاردهنده، سلام بر تو ای پاکی، سلام بر تو ای طاهر، سلام بر تو ای گرامیترین فرزند آدم، سلام بر تو ای خاتم انبیاء، سلام بر تو ای فرستاده پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای پیشوای خیر، سلام بر تو ای گشاینده نیکی، سلام بر تو ای نبی رحمت، سلام بر تو ای سرور امت، سلام بر تو ای پیشوای سفیدرویان، سلام بر تو ای بهترین تمامی خلق خدا، سلام بر تو ای صاحب روی تابان و پیشانی درخشان و چشم سیاه و حوض و کوثر و شفاعت در محشر، سلام بر تو و بر پسرعموی پسندیدهات، سلام بر تو و بر دخترت فاطمه زهرا، سلام بر تو و بر خدیجه کبری، و بر فرزندانت حسن و حسین، سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و معدن رسالت و محل آمد و شد ملائکه و خزانهداران علم و منتهای خرد و پیشوایان امتها و صاحبان نعمتها و عناصر نیکان و پشتوانههای اخیار و برگزیده ملک جبار و برگزیده مرسلین و برگزیده پروردگار جهانیان، از خداوند عزوجل میخواهم که از سوی ما بهترین جزایی را که به پیامبری از امتش داده است به تو جزا دهد و به تعدادی که ذکرکنندگان ذکر کردهاند و هر آنچه که غافلان از ذکرش غفلت کردند بر تو درود بفرستد. و خداوند به تعداد آنچه که علم خدا بر آن احاطه یافت و قلم بر آن جاری شد بر تو درود فرستد. و خداوند در هر وقت و زمانی بر تو درود فرستد. خداوند در هر حین و لحظهای بر تو درود فرستد، درودی که عرش رحمن برای آن

به حرکت درمیآید و ملائکه خدا آن را میپسندند، درودی که بهشت را برای گویندهاش واجب میکند و اجابت برای آن محقق میشود تا بر ایمان و تثبیت و رحمت و غفران او بیافزاید، درود خدا بر تو باد چنانکه ما را به وسیله تو از ضلالت نجات داد و با تو ما را از نابینایی بینا کرد و با تو از جهالت هدایتمان کرد. گواهی میدهم که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، شریکی ندارد، گواهی میدهم که تو بنده، فرستاده، امین، دوست خاص او و برگزیده او از خلقش هستی، گواهی میدهم که رسالت را ابلاغ کردی و امانت را ادا کردی و برای امت خلوص ورزیدی و با دشمن خدا جهاد کردی و خدا را عبادت کردی تا اینکه مرگت فرا رسید. گواهی میدهم که بهشت حق، آتش حق، مرگ حق، حشر حق، میزان حق و صراط حق است. پس بر این شهادت برای من شاهد باش.(1)

اگر به نیابت از کسی باشد میگوید: سلام بر تو ای رسول خدا از جانب فلان بن فلان و فاتحه الکتاب را قرائت میکند و میگوید: سبحان الله و الحمدلله و لا إله الا الله و الله اکبر و لله الحمد و لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم. سپس میگوید: بارخدایا تو فرمودی: {و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعا خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند} بارخدایا ما سخنت را شنیدیم و از امرت اطاعت کردیم و نبیات را قصد کردیم درحالی که به سوی تو از گناهانمان و بارهایی که بر پشتمان سنگینی میکند از او شفاعت میجوییم و از لغزشهایمان توبه میکنیم و به خطاهایمان اقرار میکنیم و از هر گناهی که با چشمانمان مرتکب شدیم طلب آمرزش میکنیم و از تو در خواست توبه داریم، و از هر گناهی که با زبانمان مرتکب شدیم طلب آمرزش میکنیم. و از تو درخواست توبه داریم، و از هر گناهی که با دستمان مرتکب شدیم طلب آمرزش میکنیم. و از تو درخواست توبه داریم، و از هر گناهی که با شکممان مرتکب شدیم طلب آمرزش میکنیم. و از تو درخواست توبه داریم، و از هر گناهی که با فرجهایمان مرتکب شدیم طلب آمرزش میکنیم. و از تو

1- . المزار الکبیر: 15

درخواست توبه داریم، و از هر گناهی که با پاهایمان مرتکب شدیم طلب آمرزش میکنیم. و از تو درخواست توبه داریم، و از هر گناهی که با دلهایمان مرتکب شدیم طلب آمرزش میکنیم. و ازتو درخواست توبه داریم،

بارخدایا، گناهان قدیم و جدید، کوچک و بزرگ، عمدی و خطایی، پیدا و پنهان، اولین و آخرین آن، آنچه از آن آگاهم و آنچه آگاه نیستم را بر ما ببخش، توبه ما را بپذیر و ما را بیامرز و رحمت کن و نبیات را شفیع ما قرار بده و ما را به منزلت او نزد خودت و حق او بر تو، رفعت ببخش، قبل از پایان یافتن مهلت لغزشهای پیشین ما را ببخشای. سپس هر چه به ذهنت رسید، دعا کن و در کنار پیامبر صلّی الله علیه و آله بسیار نماز بخوان که یک نماز با ده هزار نماز و یک درهم در آنجا با ده هزار درهم برابراست.(1)

44. زیارت دیگری برای پیامبر صلّی الله علیه و آله: زمانی که برابر او ایستادی میگویی: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای نبی خدا، سلام بر تو ای سرور مرسلین و خاتم انبیاء، سلام بر تو ای نبی رحمت و پیشوای خیر و برکت، و دعوتکننده خلق به راه نجات و مغفرت، سلام بر تو ای نبی هدایت و سرور مردم و نجاتدهنده بندگان از ضلالت و هلاکت، سلام بر تو ای صاحب خلق و شرف عام و آیات و ذکر حکیم، سلام بر تو ای صاحب مقام محمود و حوض مورود و بیرق مشهود، سلام بر تو ای طریق دین اسلام و ایمان و صاحب قبله و فرقان و علم صدق و حق و احسان، سلام بر تو ای برگزیده انبیاء و عَلَم متقیان و ای که یادش در زمین و آسمان مشهور است، سلام بر تو ای ابوالقاسم، و رحمت و برکات او بر تو باد، گواهی میدهم که تو رسول خدا، عزیز نزد خدا، و نبی مصطفی و حبیب برگزیده، امین پسندیده، شفیع امیدشونده، مبعوث به هنگام سستی و فتور دین و آیین با نور درخشان و کتاب روشن و امر پسندیده و بیان آشکار و شیوه نمایان هستی، تو گرامیترین جهانیان از نظر حسب، برترین آنان در نسب، زیباترین آنها در منظر، سخاوتمندترین آنها، شجاعدلترین آنان، کاملترین آنها در خرد، عالمترین آنها، استوارترین آنها در ریشه، بالاترین آنان

1- . المزار الکبیر: 15 - 18

در ذکر، والاترین آنها در ذخیره، شریفترین آنها، ستودهترین آنها در وصف، وفادارترین آنها به عهد، عملکنندهترین آنها به وعده هستی از شجرهای که ریشه آن در خاک فرو رفته و شاخهاش در برتری اوج گرفته است، قبل از مبعثت به انبیاء بشارت داده شدی و اوصیاء صفاتت را فریاد برآوردند و علما صفاتت را ندا برآوردند و خداوند بر رسولانش از امتهای پیشین و قرون گذشته منزلتی نگاشت که به بزرگداشت آیین و شریعتت و تفخیم آیات و نشانههایت، فضیلت دوره زمانت سخن میگوید و محل استقرارت (پایگاه) بهترین مستقر و مستودع (محل به ودیعت نهادن) تو بهترین مستودع است. و گواهی میدهم که تو فرزند اعلام سادات و سروران مدافع هستی که در معادن کرامت، کانونهای سلامت رشد مییابی و علامت و نشانه آن در تو آشکاراست، میان شانههایت خالی است که امانتداران علم به وسیله آن تو را میشناسند که تو توفیق یافته رشید، مبارک سعید، خوش یمن نیکاندیش هستی و پرچمت یاریشده و بیرقهایت پسندیده مشهور، فرائضت تهذیبشده و سنتهایت پاک است و گواهی میدهم که تو بهترین جهانیان در خلقت و خلقوخو، شریفترین آنها در اصل، گرامیترین آنها در عمل، بالاترین آنها در اهمیت، وفادارترین آنها به عهد، محکمترین آنها در پیمان هستی، گواهی میدهم که خداوند تو را از گرامیترین محامد، برترین منابت، و از بلندترین آنها در اوج، دشوارترین آنها در قصد، بزرگترین آنها در ریشه، برترین آنها از نظر کرامت، شریفترین آنها در فضیلت، مشهورین آنها در شکوه، رفیعترین آنها در علو، بلندترین آنها در والایی از درختی با شاخساری بلند، با میوه حق، برگهای صدق، عودی خوش رایحه، بهرهای سعید، ریشه دار در خرد، بالا رفته دراوج علم بیرون آورد، گواهی میدهم که خداوند تو را به عنوان رحمتی برای خلق، رأفتی بر بندگان، یاری برای بلاد، لطفی بر زمینیان مبعوث کرد تا به وسیله تو خیرش را به آنان برساند و فضلش را به آنان عطا کند و با دعوتت گرامیشان بدارد و با نبوتت هدایتشان کند و از جهالت بینایشان گرداند و با پیرویات ازهلاکت نجاتشان دهد و سیرتت را هدف، کلامت را فضل و حکمت را عدل قرار دهد. گواهی میدهم که خداوند تو را با روح امین، نور مبین و کتاب روشنگر گرامی داشت و بندگان را به تو ختم کرد و اسباب را با تو درهم پیچید و ابر را با تو پیش راند و براق را برای تو مسخر کرد و تو را به سوی آسمان سیر داد و تو را در بلندی

علاء بالا برد و به سوی ملأ اعلی صعود داد و به قربت نزدیک بهرهمندت کرد و آیت کبری کنار سدره المنتهی را بر تو نمایان کرد که کنار آن جنت المأوی است که دیدهات منحرف نشد، طغیان نکرد و قلبت آنچه که دید را تکذیب نکرد. گواهی میدهم که تو نشانههای غالب، آیات درخشان و مفاخر آشکار آوردی و رسالت را ابلاغ کردی و امانت را ادا کردی و امت را نصیحت کردی و حجت را آشکار ساختی و کتاب و حکمت را بر آنها تلاوت کردی و شریعت را برای آنها تبیین کردی و کتاب و عترت را در میان آنان برجای گذاشتی و به وسیله این دو حجت را بر آنان تأکید کردی. گواهی میدهم که تو در زمان فتور از رسولان و حیرت از امتها و غلبه جهل، از میان رفتن حق، غلبه ضلالت، شدت هلاکت، اجبار از جانب جور، ناپدیدی دین، شعلهور شدن جنگها و قدرت، مبعوث شدی درحالیکه دنیا برای اهالیاش لباس مبدل بر تن کرده و بر اهلش دگرگون شده است، میوهاش، فتنه، طعام اهلش مردار، جامه زیرنش خوف و جامه رویش شمشیر است اهالیاش را تکه تکه کرده و به شدت آواره کرده و چشمانشان را نابینا، دلهایشان را اندوهگین کرده است و به قطع روابط خویشاوندی، پرستش بتها و خدمت به نیران مشغول ساخته است و کفر را ریشه کن، شرک را نابود، ضلالت را محو و جهالت را دور کردی و خداوند به وسیله تو بلاء را از آنان برطرف کرد و دشمنان را از دیار آنان دور و دشمنی و کینه را از میانشان مرتفع کرد و میان دلهایشان الفت برقرار کرد و مهربانی را به دلهایشان بازگردانید و درهای نعمت را بر آنان گشود و جامههای عزت و کرم برآنان پوشانید.(1)

سپس بر پیامبر صلّی الله علیه و آله درود میفرستی و میگویی: بارخدایا تو مؤمنان را به درود بر رسولت محمد صلّی الله علیه و آله فرا خواندی و فرمودی خدا و ملائکه او بر نبی درود میفرستند ای کسانی که ایمان آوردهاید بر او درود و سلام فراوان بفرستید. بر بنده برگزیده، نبی مقرب، رسول مکرم، شاهد معظمت، سرور انبیاء، پیشوای برگزیدگان، پرچم متقیان درود بفرست و او را برترین انبیا در عطاء، برترین آنها در بخشش، بزرگترین آنها در منزلت و رفیعترین آنها در درجه نزد خود، قرار بده. بارخدایا بر محمد بنده و رسولت درود بفرست درودی که با شکوهش در میان

1- . المزار الکبیر: 18 - 20

انبیاء شبیه، با فضیلتش در میان صالحان همانند و با شرفش در میان متقیان موازی باشد و بر برتریاش در میان صالحان، رشدش در میان هدایتیافتگان، بلندیاش در میان انبیاء برتری یابد. بارخدایا بر محمد بنده برگزیدهات و حبیب منتخبت و نبی رحمت و خزانهدار مغفرت و پیشوای خیر و برکت و نجاتدهنده بندگان از هلاکت و دعوتکننده آنها به دین ارزشمندت به امر تو، اولین انبیاء از نظر میثاق و آخرین آنها از نظر مبعث درود بفرست. کسی که نورش در دریای فضیلت و منزلت جلیل و درجه رفیع غوطهور شد او را به صلبهای پاک سپردی و با آن او را به عنوان لطف و مهربانی ازجانب تو بر او به رحمهای طاهر منتقل کردی. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست همانگونه که او به عهدت وفا کرد و رسالتت را ابلاغ کرد و بر سر توحید تو با مشرکان نبرد کرد و در راه تو جهاد کرد و به سوی تو دعوت کرد و رسم کفر را در میان یاران دینت قطع کرد و در جهاد با دشمنانت لباس بلا بر تن کرد. بارخدایا بر محمد، بنده و رسول و امینت بر وحیات و برگزیدهات از خلقت و دوست خالصت از خلائقت، بشارتدهنده انذاردهنده، چراغ روشنگر دعوتکننده به سوی تو و راهنما به سوی تو و اجراکننده امر تو، نصیحتکننده بندگانت، برترین درودی که بر انبیاء، رسولان و حجتهایت فرستادی را بفرست. بارخدایا بر محمد سرور رسولان، خاتم انبیاء، امام متقیان، و برترین خلق از اولینها و آخرینها درود بفرست. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و محمد را از عطاهایت به بهترین آن و از مواهبت به عالیترین و فراوانترین آن مخصوص بگردان، همانگونه که او خود را برای امر تو گماشت و جسمش را در راه تو در معرض امور ناپسند قرار داد و در راه دعوت به سوی تو با خانواده خود دشمنی کرد و در تبلیغ رسالت تو پشتکار به خرج داد و خود را در دعوت به آیین تو خسته کرد.

بارخدایا بر محمد، بنده و رسول و نبی و نجواکننده و برگزیده و حبیب و نجیب خلیل و منتخب از خلقت برترین درودی که بر یکی از انبیا و رسولان و اهل کرامت بر خود را فرستادی بفرست. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و از هر کرامتی برترین آن کرامت و از هر نعمتی کاملترین آن نعمت و از هر سهولتی شکوفاترین آن، و از هر عطایی برترین آن، و از هر بهرهای فراوانترین آن را به محمد عطا کن تا یکی از خلائقت نزد تو از نظر منزلت از او نزدیکتر، از نظر کرامت

واجب تر، از نظر حق بر تو بزرگتر از او نباشد. بارخدایا بر بنده و رسولت محمد که حرمتش بزرگ، منزلتش نزدیک، درجهاش رفیع، آیینش شریف، قبلهاش جلیل، دین و شریعتش برگزیده، اصل و فرعش پاک است درود بفرست، درودی که توان درود فرستندگان بر او را خالی میکند و تلاش متقربین به حب عترتش به سوی او را خسته میکند. بارخدایا درودت را، درود ملائکه مقربت، انبیا مرسلت، بندگان صالحت، اهالی آسمانها و زمینها و کسانی که تو را تسبیح گفتند یا میگویند ای پروردگار جهانیان از اولینها و آخرینها، بر محمد، بنده، رسول، نجواکننده، حبیب، ممتاز و برگزیده تو از خلقت قرار بده.

بارخدایا مقام او را گرامی، برهانش را بزرگ، بنیانش را شریف، رویش را سفید گردان و مقامش را بالا ببر، درجهاش را رفیع کن، شفاعتش درباره امتش را بپذیر. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست مانند برترین آنچه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی، برکت بخشیدی، طلب رحمت کردی و سلام فرستادی که تو ستوده سزاوار ستایش هستی. بارخدایا، تو در کتابت به نبیات فرمودی: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیما(1)» {و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعا خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند} و من به سوی تو و نبی تو، نبی رحمت آمدم درحالیکه از گناهانم توبه میکنم، پس مرا از آتش رها کن و با روی کردنم به تو به وسیله او مرا رحمت کن. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست. و محمد را به برترین صلواتت و برکات فزونی گیرندهات، فواتح خیراتت مخصوص بگردان، و سلام ما را به محمد برسان و سلام رحمت و برکات خداوند بر اوباد.

ذکر نماز زیارت: نماز زیارت میخوانی و توصیف آن این است که قلباً نیت میکنی که نماز زیارت مستحبی قربه الی الله تعالی میخوانی و در آن بعد از حمد هر سورهای که برایت امکان داشت را قرائت میکنی و اگر قادر به قرائت الرحمن و یس

1- . نساء / 64

بودی چنین کن که فضیلت در آن دوست. و چون از آن فارغ شدی برای خودت، خانوادهات، برادر ایمانیات هر دعایی دوست داشتی بکن. و چون از دعا و نماز فارغ شدی قیام کن و با همین زیارت نیز زیارت کن و درحالیکه کمرت را به مرقد تکیه دادهای میگویی: بارخدایا امرم را به پناه تو آوردم، کمرم را به قبر نبیات تکیه دادم و رویم را به سوی قبلهای که برای محمد پسندیدی گردانیدم. بارخدایا اسمم را تبدیل نکن، جسمم را تغییر نده و غیر مرا جانشین من نکن، درحالی صبح و شام میکنم که خیر آنچه که امید دارم را برای خود به تملک در نمیآورم و چیزی از آنچه که بر آن میترسم را از خود دور نمیکنم جز با تو، یگانهای و شریکی نداری. بارخدایا مرا با خیر از جانب خود بازگردان که برای فضل تو هیچ ردکنندهای نیست. بارخدایا مرا با تقوا ثابت، با عافیت زیبا کن و شکر عافیت بر من روزی کن که تو بر هر چیزی توانا هستی.(1)

توضیح: «الحور فی العین» شدت سفیدی چشم در شدت سیاهی آن است. «الأرومه» با فتحه اصل درخت و «جرثومه» با ضمه اصل و «الدوحه» درخت بزرگ و «الباسقه» درخت بلند است.

45. سپس در المزار الکبیر گوید: از امام صادق جعفر بن محمد علیهما السلام درباره مقام جبرئیل سؤال شد، فرمود: در زیر میزابی است که زمانی که از دری که باب فاطمه خوانده میشود خارج میشوی در مقابل در است و میزاب بالای تو و در پشت سرت قرار میگیرد. پس اگر توانستی که دو رکعت نافله در آن بخوانی چنین کن که کسی در آنجا دعا نمیکند مگر اینکه استجابت میشود سپس به او فرمود: زمانی که قصد وداع با نبی صلّی الله علیه و آله را داشتی بر او سلام کن چنانکه در بار اول سلام دادی و بگو: سلام بر تو ای رسول خدا، تو را به خدا میسپارم و بر تو سلام میکنم، به خدا و به آنچه که آوردی و بر آن رهنمون شدی ایمان آوردم. بارخدایا این را آخرین وعده من از زیارت مرقد نبیات قرار نده. اگر قبل از آن مرا

1- . المزار الکبیر: 20 - 22

میراندی من در مرگم به آنچه که در زندگیام بر آن شهادت دادم شهادت میدهم. گواهی میدهم که هیچ خدایی جز تو نیست و محمد بنده و رسول توست.(1)

46. کتاب محمد بن مثنی بن جعفر بن محمد بن شریح: ذریح بن محاربی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره حد مسجد سؤال کردم. فرمود: از ستون تا کنار رأس، تا دو ستون تا کنار رأس تا دو ستون از پشت منبر تا سمت راست قبله، و در پشت منبر راهی بود که گوسفندان یا انسان به بیراهه از آن گذر میکرد و میپنداشت که ساحت مسجد تا تخته سنگ از مسجد است. و از او درباره بیت علی علیه السلام سؤال کردم فرمود: زمانی که از باب وارد میشوی ازجانب راست تا ساحت مسجد است و میان آن و بیت نبیخدا دریچهای بود.(2)

1- . المزار الکبیر: 23

2- . کتاب محمد بن مثنی: 88 و 89 از الاصول السته عشر

باب سوم : زیارت پیامبر صلّی الله علیه و آله از دور

روایات:

1. امالی صدوق: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند فرشتگان سَیرکنندهای در زمین دارد که سلام امتم را به من میرسانند.(1)

2. امالی شیخ طوسی: امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند فرشتهای دارد که از خدا خواست که (قدرت) شنیدن سخن بندگان را به او عطا کند پس خداوند آن را به او عطا کرد پس آن ملک تا قیام قیامت قائم است، هیچ مؤمنی نیست که بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم مگر اینکه آن ملک بگوید و علیک سپس ملک میگوید: یا رسول الله فلانی بر تو سلام میرساند و رسول الله میفرماید و بر او سلام باد.(2)

3. قرب الإسناد: بزنطی گوید: به رضا علیه السلام عرض کردم: درود بر رسول الله در تعقیب نماز مکتوبه و سلام بر او چگونه است؟ فرمود: میگویی: سلام بر تو ای رسول خدا، رحمت و برکات خداوند بر تو باد، سلام بر تو ای محمد بن عبدالله، سلام بر تو ای بهترین خدا، سلام بر تو ای حبیب خد، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا. گواهی میدهم که تو رسول خدا هستی و تو محمد پسر عبدالله هستی و گواهی میدهم که تو برای امتت خلوص ورزیدی و در راه خدا جهاد کردی و خدا را پرستیدی تا اینکه مرگت فرا رسید. پس یا رسول خدا، خداوند بهترین آنچه که به پیامبری از امتش جزا داد را به تو جزا دهد،

1- . امالی صدوق: 312

2- . امالی طوسی 2 : 67

بارخدایا بهترین آنچه که بر ابراهیم وخاندان ابراهیم فرستادی را بر محمد و خاندان محمد علیهم السلام بفرست که تو ستوده سزاوار ستایش هستی.(1)

4. امالی شیخ طوسی: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: هرکه در گوشهای از زمین بر من سلام کند به من ابلاغ میشود و هر که کنار قبرم بر من سلام کند، آن را میشنوم.(2)

5. کاملالزیارات: حضرمی گوید: امام صادق علیه السلام به من امر کرد که نماز در مسجد رسول الله را هرچه توانستم زیاد کنم و فرمود: تو هر چه بخواهی بر آن قادر نیستی، و به من فرمود: بر سر مرقد رسول الله صلّی الله علیه و آله میآیی عرض کردم: بله فرمود: آگاه باش که از نزدیک صدای تو را می شنود و از دور باشی از تو به او رسانده میشود.(3)

توضیح: این سخن امام که هر چه بخواهی بر آن قادر نیستی یعنی این مسجد و نماز در آن را غنیمت بشمار که آمدن به این مسجد هر زمانی که بخواهی برایت امکانپذیر نیست زیرا توفیق اندک و موانع خیر فراوان است. و به صورت بعید محتمل است که ضمیر به اکثار بازگردد یعنی تو بر زیاد نماز خواندن قادر نیستی زیرا هر چه انجام دهی در فضیلت این مسجد باز هم کم است.

6. کامل الزیارات: عامر بن عبدالله گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من بر شتربانم دو یا سه دینار افزودم که مرا از مدینه عبور دهد. فرمود: نیکو کردی چه نیک است این، بر سر مرقد رسول الله صلّی الله علیه و آله میآیی و بر او سلام میکنی، آگاه باش که او از نزدیک تو را میشنود و سلام تو از دور به او رسانده میشود.(4)

1- . قرب الاسناد: 169
2- . امالی طوسی 1 : 104
3- . کامل الزیارات: 12
4- . کامل الزیارات: 12

7. الکافی: امام صادق علیه السلام به عده ای فرمود: از مدینه عبور کنید و از نزدیک بر رسولالله صلی الله علیه و آله سلام کنید اگر چه نماز برای او از دور نیز به او میرسد.(1)

8. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمود: در کنار مرقد پیامبر صلّی الله علیه و آله نماز بخوانید گرچه نماز مؤمنان هرجا که باشند به او میرسد.(2)

9. کتاب محمد بن مثنی از جعفر بن محمد بن شریح از ذریح محاربی از او علیه السلام مشابه آن را آورده.(3)

توضیح: ظاهر این است که مقصود از صلات در دو موضع اعمال معلوم است و نه درود؛ پس بر ارجحیت نماز برای پیامبر صلّی الله علیه و آله در هر مکانی دلالت دارد و اینکه مقصود از صلات در مورد دوم روایت، غیر از صلات در مورد اول باشد بسیار بعید است.

10. کتاب الفصول: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: هر که کنار مرقدم بر من سلام کند، سلام او را میشنوم و هرکه از دور بر من سلام کند به من رسانده میشود.(4)

11. میگویم: مفید، سید و شهید در زیارت از دور گویند: زمانی که این را قصد داشتی مقابل خود شبیه قبر را بساز و نام او را بر آن بنویس درحالیکه غسل داری، سپس درحالیکه مواجهه با او را در ذهن خود داری بایست سپس بگو: گواهی میدهم که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، شریکی برای او نسیت، گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست، گواهی میدهم که او سرور اولینها و آخرینها و سرور انبیاء و اوصیاء است، بارخدایا بر محمد و خاندان او و اهل بیت طیب و طاهر او درود بفرست سپس بگو سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای بهترین خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای نجیب خدا، سلام بر تو ای خاتم

1- . الکافی 4 : 552
2- . الکافی 4 : 553
3- . کتاب محمد بن مثنی: 83
4- . الفصول المختاره 1 : 94

انبیاء، سلام بر تو ای سرور مرسلین، سلام بر تو ای برپا دارنده قسط، سلام بر تو ای آغازگر خیر، سلام بر تو ای معدن وحی و تنزیل، سلام بر تو ای ابلاغکننده از جانب خدا، سلام بر تو ای چراغ روشنگر، سلام بر تو ای بشارتدهنده، سلام بر تو ای انذاردهنده، سلام بر تو ای نور خدا که از آن روشنایی گرفته میشود، سلام بر تو و بر اهل بیت طیب طاهر هدایتگر هدایتیافته تو، سلام بر تو و بر جدت عبدالمطلب و بر پدرت عبدالله و بر مادرت آمنه بنت وهب، سلام بر تو و بر عمویت حمزه سیدالشهداء، سلام بر عمویت عباس بن عبدالمطلب، سلام بر عمویت و سرپرستت ابوطالب، سلام بر پسرعمویت جعفر طیار در بهشتهای جاودانگی، سلام بر تو ای محمد، سلام بر تو ای احمد، سلام بر تو ای حجت خدا بر اولینها و آخرینها، پیشتار به سوی طاعت پروردگار جهانیان و غالب بر رسولان او، خاتم انبیاء او، شاهد برخلق او، شفیع نزد او و معتبر نزد او، اطاعت شده در ملکوت او، ستودهتر از اوصاف، ستوده شده برای سایر اشراف، کریم نزد پروردگار، صحبتشده از پس پردهها، رستگار به پیشتازی، پیشتاز از پیوستن احدی به او، سلام انسان آگاه به حق تو، معترف به تقصیر در پرداختنش به حق واجب تو، بدون انکار آنچه که از فضل تو به وی رسیده است، مطمئن به فزونیهایی از جانب پروردگارت، مؤمن به کتاب نازلشده بر تو، حلالکننده حلال تو، حرامکننده حرام تو. ای رسول خدا به همراه هرگواهیدهندهای گواهی میدهم و از جانب هر انکارکنندهای آن را بر دوش میگیرم که تو رسالتهای پروردگارت را ابلاغ، امرش را اجرا کردی و در جوار او متحمل آزار شدی، و با حکمت و اندرز نیکوی زیبا به راه او دعوت کردی و حقی که بر تو بود را ادا کردی و گواهی میدهم که تو با مؤمنان رؤوف و با کافران خشن بودی و خالصانه خدا را عبادت کردی تا اینکه مرگت فرا رسید پس خداوند تو را به شریفترین جایگاه مکرمان، بالاترین منازل مقربان، رفیعترین درجات مرسلین برساند آنجا که نه لاحقی به تو ملحق شود و نه برتری بر تو برتری یابد و نه پیشتازی بر تو پیشی بگیرد و نه طمعکنندهای در رسیدن به تو طمع کند. حمد از آن خدایی است که به وسیله تو ما را از هلاکت نجات داد و از ضلالت هدایت کرد و از ظلمت نورانی کرد. پس ای رسول خدا! خداوند درباره ما بهترین جزایی که به نبیای از امتش و رسولی

از کسانی که به سوی او فرستاده شد عطا کرد به تو جزا دهد. یا رسول خدا پدر و مادرم فدای تو، من آگاه به حق تو، معترف به فضیلت تو، بینا به گمراهی کسی که با تو و اهل بیت تو مخالفت کرد، آگاه به هدایتی که تو برآن هستی. تو را زیارت کردم، پدر و مادرم، جانم، خویشان، فرزندان و اموالم فدای تو، من بر تو درود میفرستم چنانکه ملائکه، انبیاء و رسولان او بر تو درود فرستادند، درود پی درپی وافر پیوستهای که نه گسستنی دارد نه مدتی و نه مهلتی، درود خدا بر تو و بر اهل بیت طیب و طاهر تو باد چنانکه شما شایسته آن هستید. سپس دستانت را بگشا و بگو: بارخدایا جوامع درودهایت را، برکات رشدیابندهات، برترینهای خیراتت، شریفهای تحیاتت، سلامهایت، رحمتهایت و درودهای ملائکه مقربت، انبیاء مرسلت، ائمه برگزیدهات، بندگان صالحت و اهالی آسمانها وزمینها، و هرکسی از اولینها و آخرینها که تو را تسبیح گفت ای پروردگار جهانیان بر محمد قرار بده، محمد بنده، رسول، شاهد، نبی، انذاردهنده، امین، قدرتمند، نجواکننده، حبیب، خلیل، دوست خالص، برگزیده، برجسته، خالص و رحمت تو، برگزیدهات از خلائقت، نبی رحمت، خزانهدار مغفرت، پیشوای خیر و برکت، نجاتدهنده بندگان از هلاکت به اذن تو، دعوتکننده آنها به دین ارزشمند تو به امر تو، اولین انبیا در میثاق، آخرین آنها در مبعث، کسی که او را در دریای فضیلت، منزلت ارزشمند، درجه رفیع، مرتبه خطیر غوطهور کردی و او را در صلبهای پاک نهادی و از آن به سوی رحمهای طاهر منتقل کردی به عنوان لطفی از تو برای او و محبتی از تو بر او. آنگاه که برای حفظ، حراست، حفاظت و مراقبت او از قدرت خویش چشمی نگهدارنده بر او گماردی که آن ناپاکیهای بیعفتی، معایب زنا را از او نگاه داشتی تا دیدگان بندگان را با او بالا بردی و سرزمینهای مرده را با او زنده کردی به این صورت که با نور ولادتش تاریکیها پردهها را برافکندی و در آن جامههای انوار بر حرمت پوشاندی. بارخدایا پس همانگونه که او را به شرف این مرتبه ارجمند و ذخیره این فضیلت بزرگ مخصوص گردانیدی بر او درود بفرست، چنانکه او به عهد تو وفا کرد، رسالتت را ابلاغ و بر سر توحیدت با اهل کفر پیکار کرد و رحم کفر را در راه تعزیز دینت قطع کرد و در جهاد با دشمنانت جامه بلا بر تن کرد. و برای او به ازای هر آزاری که به او رسید یا نیرنگی که از

گروهی که برای قتلش تلاش کردند احساس کرد فضیلتی بر او واجب کن که بر فضائل برتری دارد و به وسیله آن بخشش فراوانت را به دست میآورد که او حسرت را پنهان، ناله را مخفی کرد و غصه را جرعه جرعه نوشید و از آنچه که از وحیات متجلی شد تخطی نکرد. بارخدایا بر او و بر اهل بیت او درود بفرست، درودی که برای آنان میپسندی و تحیت و سلام بسیار ما را به او برسان و از جانب خود به سبب دوستی آنان فضل، رحمت، احسان و غفرانی به ما عطا کن که تو صاحب فضل عظیم هستی.

سپس دو رکعت نماز زیارت میخوانی که در آن هرچه خواستی قرائت میکنی.(1). و سید گوید چهار رکعت است و هر چه بخواهی قرائت میکنی.(2)

سپس گفتند: زمانی که فارغ شدی تسبیحات حضرت زهراء علیه السلام میگویی و بگو: بارخدایا به پیامبرت محمد صلّی الله علیه و آله فرمودی: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیما»(3)

{و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعا خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند} و من در زمان رسولت صلّی الله علیه و آله حاضر نبودهام. بارخدایا او را زیارت کردم درحالیکه مشتاق و توبهکنان از عمل بدم، استغفارجویان ازگناهانم، معترف به آنها نزد تو، درحالیکه تو از من نسبت به آنها آگاهتری، و با پیامبرت نبی رحمت صلّی الله علیه و آله به تو روی کردهام. پس بارخدایا با محمد و اهل بیت او مرا نزد خودت در دنیا آبرومند و در آخرت از مقربان قرار بده. ای محمد، ای رسول خدا پدر و مادرم فدای تو، ای نبی خدا، ای سرور خلق خدا من به وسیله تو به سوی خدا پروردگار تو و خود روی میکنم تا گناهانم را بر من ببخشد و عملم را از من بپذیرد و حاجتهایم را برمن برآورده کند پس نزد پروردگار تو و من برایم شفیع باش که بهترین مسألتشده پروردگار من و بهترین شفیع تو هستی.

1- . مصباح الزائر: 33 و 34، مزار شهید: 2 و 4
2- . مصباح الزائر: 34

3- . نساء / 64

ای محمد سلام بر تو و بر اهل بیت تو. بارخدایا از جانب خود مغفرت، رحمت، روزی گسترده پاک سودمند بر من واجب کن، چنانکه برای کسی واجب کردی که نزد پیامبرت محمد صلّی الله علیه و آله درحالیکه او زنده بود آمد، و گناهانش را بر او اعتراف کرد و رسولت برای او طلب آمرزش کرد و تو با رحمتت او را بخشیدی ای مهربانترین مهربانان. بارخدایا تو را آرزو کردم و به تو امید بستم و در مقابل تو ایستادهام و از غیر تو به سوی تو اشتیاق یافتهام و ثواب جزیلت را آرزومندم درحالیکه معترف غیر منکرهستم، از آنچه مرتکب شدم توبه میکنم و در این مقام از اعمال پیشینم که درآن به سوی من مقدم شدی از آن بازداشتی و عقاب بر آن را تهدید کردی به تو پناه میبرم، و به کرم ذاتت پناه میبرم از اینکه مرا در مقام ذلت و خواری بنشانی در روزی که پردهها و فضیحتهای بزرگ برملا میشود و ستونها به لرزه درمیآید، روز حسرت و ندامت، روز قحطی، روز سر رسیدن، روز زیان، روز فصل، روز جزاء، «کانَ مِقْدارُهُ خَمْسِینَ أَلْفَ سَنَهٍ(1)» {مقدار آن پنجاه هزار سال است} روز دمیدن «یَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَهُ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَهُ»(2)

{آن روز که لرزنده بلرزد و از پی آن لرزهای دیگر افتد} روز نشر، روز عرضه «یَوْمَ یَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعالَمِینَ»(3)

{روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند} «یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِیهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِیهِ وَ صاحِبَتِهِ وَ بَنِیهِ یَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ» {روزی که انسان از برادرش و مادرش و پدرش و دوستش و پسرانش فرار میکند. روزی که زمین شکافته میشود} «یَوْمَ تَأْتِی کُلُّ نَفْسٍ تُجادِلُ عَنْ نَفْسِها»(4)

{روزی که هر کس میآید و از خود دفاع میکند} روزی که به سوی خدا بازگردانده میشوند «فَیُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا» {پس به آنان خبر میدهد به آنچه که کردند} یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ»(5) {روزی که هیچ دوستی از هیچ

1- . معارج / 4
2- . نازعات / 6 و 7
3- . مطففین / 6

4- . نحل / 111
5- . دخان /41 و 42

دوستی نمیتواند حمایتی کند و آنان یاری نمیشوند* مگر کسی که خدا رحمت کرده است زیرا که اوست همان ارجمند مهربان} روزی که بازگردانده میشوند «إِلَى اللَّهِ مَوْلاهُمُ الْحَقِّ» {به سوی خداوند، مولای حق ایشان} «يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْداثِ سِراعاً كَأَنَّهُمْ إِلى نُصُبٍ يُوفِضُونَ(1)»

{روزی که از گورهای [خود] شتابان برآیند گویی که آنها به سوی پرچمهای افراشته میدوند} «وَ كَأَنَّهُمْ جَرادٌ مُنْتَشِرٌ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ»(2) {چون ملخهای پراکنده از گورهای خود برمیآیند* به سرعت به سوی آن دعوتگر میشتابند} به سوی خدا، روز واقعه، روزی که زمین به شدت تکان میخورد «يَوْمَ تَكُونُ السَّماءُ كَالْمُهْلِ وَ تَكُونُ الْجِبالُ كَالْعِهْنِ وَ لا يَسْئَلُ حَمِيمٌ حَمِيما»(3)،

{روزی که آسمانها چون فلز گداخته شود* و کوهها چون پشم زده گردد* و هیچ دوست صمیمی از دوست صمیمی حال نپرسد}روز شاهد و مشهود، روزی که ملائکه صف آراستهاند. بارخدایا درآن روز بر موقف من رحم کن و در آن روز مرا به سبب جنایتی که برخود کردم رسوا نکن، و پروردگارا در آن روز مکانم را همراه دوستانت قرار بده و در زمره محمد و اهل بیت او محشورم بگردان. و مرا در حوض او داخل کن و خروجم را درمیان سفیدرویان گرامی قرار بده. و نامهام را به دست راستم بده تا به حسناتم کامیاب شوم و رویم را با آن سفید کنی و حسابم را با آن آسان گردانی و میزانم را سنگین کنی و همراه رستگاران در میان بندگان صالحت به سوی رضوان و جنانت رهسپار شوم ای خدای جهانیان. بارخدایا به تو پناه میبرم از اینکه در آن روز مرا به سبب گناهم در میان خلائقت رسوایم کنی یا اینکه به سبب خطایم با ذلت و پشیمانی مواجه گردم یا اینکه در آن بدیهایم بر نیکیهایم غالب آید یا اینکه در میان خلائق به نامم گوشه بزنی ای کریم ای کریم العفو العفو الستر الستر، بارخدایا به تو پناه میبرم از اینکه در آن روز موقفم در میان مواقف ذلت و مواقف اشرار باشد یا اینکه مقامم مقام سیهروزان باشد و زمانی که خلائقت را جدا کردی و هر یک ازآنها را با اعمالش دسته دسته به سوی

1- . معارج / 43
2- . قمر / 7
3- . معارج / 8 و 10

منازلشان بردی مرا با رحمتت در میان بندگان صالحت و در زمره دوستان متقینت به سوی بهشتت پیش ببر ای پروردگار جهانیان.(1)

سید رضی الله عنه گوید: سپس با او وداع کن و بگو: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای بشارتدهنده انذاردهنده، سلام بر تو ای چراغ روشنگر، سلام بر تو ای رسول بین خدا و خلق خدا، گواهی میدهم ای رسول خدا که تو نوری درصلبهای والا و ارحام طاهر بودی و جاهلیت با نجاستهایش تو را نجس نکرد و از لباسهای قیرگونش بر تو نپوشانید. گواهی میدهم ای رسول خدا که من به تو و ائمه از اهل بیت تو مؤمن هستم، به تمامی آنچه که آوردی یقین دارم و خشنود و مؤمن هستم. گواهی میدهم که ائمه از اهل بیت تو پرچمهای هدایت، ریسمان محکم و حجت بر اهل دنیا هستند. بارخدایا این را آخرین وعده از زیارت پیامبرت علیه و آله السلام قرار نده و اگر مرا پیش از آن میراندی در مرگم به آنچه که در زندگیام گواهی دادم گواهی میدهم که هیچ خدائی جز تو نیست یگانه هستی و شریکی نداری و محمد بنده و رسول توست و ائمه از اهل بیت او دوستان، یاران و حجتهای تو برخلق تو و جانشینان تو در میان بندگانت و نشانههای تو در بلادت و خزانهداران علم تو، حافظان سر تو و ترجمان وحی تو هستند، بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و در این لحظه و در همه لحظهها بر روح پیامبرت محمد تحیت و سلامی از جانب من برسان، و سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. خداوند این را آخرین سلام من بر تو قرار ندهد.(2)

توضیح: «نجیب» دارای حسب اصیل است و محتمل است که در اینجا به معنی منتجب یعنی برگزیده باشد، «المهیمن» یعنی شاهد. و در این سخن او «الاحمد من الاوصاف»، «من» تعلیلیه است یعنی به جهت اوصافی که نظیرش در غیر او وجود ندارد، از تمامی خلقش ستودهتر است یا اینکه منظور این است که حمد و وصف او برتر از این است که توصیفات وصفکنندگان به او برسد و در این اشکالی است. این سخن او «المحمد لسائر الاشراف» یعنی در حمدش از تمامی اشراف یا از

1- . مزار شهید: 4 - 6
2- . مصباح الزائر: 34 - 36

اشراف غیر خود فزونتر است. عبارت «الفائز بالسباق» یعنی به این رستگار شد که در میدان فضل، قرب و کمال با انبیاء و صالحان مسابقه داد و به سبب آن مسابقه به سباق و اهمیت بزرگی دست یافت، پس باء سببیه و صله محذوف است و این از نظر معنا بهتر است چنانکه مورد اول از نظر لفظی بهتر است. این سخن او «الفائت عن اللحاق» یعنی به گونهای تقدم یافت که کسی در مسابقه به او نمیرسد. «العهر و السفاح» با کسره یعنی زنا و در اغلب نسخهها به جای العهر «الغمه» آمده است که این تصحیف است. «نواظر العباد» درسخن او یعنی چشمها و دیدگان یعنی نگاهشان به دنیای پست محدود بود و به وسیله او نگاهشان را به درجات عالی رفعت دادی و پس آن افق دیدگان آنان شد و محتمل است که منظور بیان علو درجه او باشد یعنی به سوی او نگاه کردند چنانکه به سوی صحنهای بلند مینگرند به جهت علو مکانش.

فیروزآبادی گوید: «الفریص» رگهای گردن است و مفرد آن الفریصه است و نیز به معنای گوشت بین پهلو و کتف که همیشه در لرزه است. گوید: «الأفکه» بر وزن فرحه سال قحطی است و جزری گوید: «أفکه، یأفکه إفکا» او را بازگردانید و منقلب کرد و در ذکر قوم لوط گوید: «فمن اصابته تلک الأفکه أهلکته»، مقصودش عذابی است که خداوند بر آنان نازل کرد و به وسیله آن خانههایشان دگرگون شد و فیروزآبادی گوید: «ادلهم الظلام» یعنی تاریکی شدید و زیاد گشت. «مدلهِمّ» مبالغه در آن است.

میگویم: در نسخهای قدیمی از تألیفات اصحابمان بعد از آمنه بنت وهب یافتم: سلام بر عمویت عمران ابی طالب، سلام بر عمویت جعفر طیار در بهشتهای خلد، سلام بر عمویت حمزه سرور شهدای احد، سلام بر همسران مطهر برتر تو، مادران مؤمنان خصوصا صدیقه طاهره، زکیه راضیه مرضیه خدیجه کبری مادر مؤمنان، سلام بر تابعین تو با احسان تا روز دین، سلام بر بقیع و بر انبیاء و مرسلین و صدیقین و شهداء و صالحینی که در آغوش گرفته است.

12. مصباح: از صادق جعفر بن محمد علیه السلام روایت است که وی فرمود: هرکه قصد کرد که قبر رسول خدا صلّی الله علیه و آله و قبر امیرمؤمنان، فاطمه، حسن، حسین و قبور حجتها علیهم السلام را زیارت کند درحالیکه در شهر خویش

است، باید روز جمعه غسل کند و دو جامه پاکیزه بر تن کند و به سوی دشتی بیرون برود و چهار رکعت بخواند که در آن هرچه از قرآن برایش میسر بود را قرائت میکند و چون تشهد خواند و سلام کرد باید مقابل قبله بایستد و بگوید: سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای نبی مرسل، وصی مرتضی و بانو زهرا و دو نوه برگزیده و فرزندان ممتاز و امینان برگزیده ! با قطع از دیگران به سوی شما و پدران و فرزندان خلف شما بر برکت خلق آمدهام و قلبم تسلیم شما، یاریام برای شما مهیا است تا خداوند برای دینش حکم کند و من همراه شما هستم نه همراه دشمنان شما، من از معتقدان برتری شما، معترف به رجعت شما هستم برای خدا هیچ قدرتی را انکار نمیکنم و جز آنچه خداوند سبحان بخواهد را نمیپندارم و حمد از آن خدای صاحب ملک و ملکوت است تمامی خلائق خدا او را با نام های او تسبیح میگویند و سلام بر روح و تن شما، سلام بر شما و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

و در روایت دیگری آمده است این را در پشت بام خانه خود انجام بده.(1)

13. مصباح: مبشر بن عبدالعزیر روایت کرد: همراه امام صادق علیه السلام بودم، یکی از اصحابمان داخل شد و گفت: فدایت گردم من فقیر هستم، امام صادق علیه السلام به او فرمود: به استقبال روز چهارشنبه برو و آن را روزه بگیر و در سه روز تا پنج شنبه و جمعه ادامه بده و چون پیش از ظهر روز جمعه شد رسول خدا صلّی الله علیه و آله را از بالای پشت بام خانه ات یا در دشتی از زمین آنجا که کسی تو را نمیبیند زیارت کن. سپس همانجا دو رکعت بخوان و بر روی زانویت بنشین و آن را به زمین بچسبان درحالی که روبه قبله هستی و دست راستت بر روی دست چپت قرار دارد و بگو: بارخدایا تو تو هستی، امید از غیر تو قطع شد و آرزوها جز در تو به شکست انجامید، ای اطمینان کسی که اطمینانی ندارد ! غیر از تو اطمینانی برای من نیست، در امرم برای من گشایش و راه نجاتی قرار بده از آنجا که حساب میکنم و آنجا که حساب نمیکنم. سپس بر زمین سجده کن و بگو: ای یاریگر از

1- . مصباح الزائر: 36

فضلت رزقی برای من قرار بده که با انجام این عمل، روز شنبه بر تو طلوع نخواهد کرد مگر با روزی جدید.(1)

احمد بن مابنداد راوی این حدیث گوید: به ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری رضی الله عنه گفتم: اگر دعاکننده برای رزق در مدینه نباشد چگونه عمل میکند؟ گفت: سیدمان رسولالله صلّی الله علیه و آله را از کنار رأس امامی که در شهرش است زیارت میکند. گفتم: و اگر در شهرش مرقد امامی نباشد؟ فرمود: یکی از صالحان را زیارت میکند یا به سوی صحرا خارج میشود و سمت راست خود را میگیرد و آنچه که به آن امر شد را انجام میدهد که این ان شاءالله برای او گشایشگر خواهد بود.(2)

توضیح: شاید سؤال راوی از عمری بعد از این که ظاهر خبر زیارت از دور است برای زیادت اطمینان باشد.

14. امالی طوسی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: شنیدم که رسولالله صلّی الله علیه و آله میفرماید: مرقد مرا مسجد نگیرید و هر جا که بودید بر من نماز بخوانید که نماز و سلام شما به من میرسد.(3)

1- . مصباح المتهجد: 230

2- . مصباح المتهجد: 230

3- . امالی طوسی، آن را فعلا در منبع نیافتم.

باب چهارم : نوادری از آنچه که کنار مرقد پیامبر صلّی اللّه علیه و آله ظهور یافت

روایات:

1. امالی شیخ طوسی: ابو جارود گوید: اولین مرتبه‌ای که کنار قبر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و کنار سر و پایش گودالی حفر شد، مشکی خوش رایحه که درآن تردید نکردند بیرون آورده شد.(1)

2. الکافی: معاویه بن وهب گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: در سال چهل و یک هجری معاویه عازم حج شد و نجّاری با وسائل لازم به مدینه فرستاد و به والی نوشت تا منبر رسول خدا را از جا برکنند و به اندازه منبر او بسازند که در شام ساخته اند. موقعی که می خواستند منبر رسول خدا را از جا برکنند، خورشید گرفت و زمین لرزید. مردم از اجرای دستور معاویه امتناع کردند و به وسیله نامه، او را از جریان باخبر ساختند. معاویه مجددا نامه نوشت و آنها را سوگند داد که چنین کنند. آنها هم دستور او را انجام دادند. اینک منبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله در داخل منبر جدید قرار گرفته است.(2)

1- . امالی طوسی 1 : 324

2- . الکافی 4 : 554

باب پنجم : زیارت فاطمه صلوات الله علیها و محل مرقد او

روایات:

1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: بزنطی گوید: از رضا علیه السلام درباره قبر فاطمه علیه السلام سؤال کردم. فرمود: درمنزل خویش دفن شد و زمانی که بنی امیه مسجد را توسعه دادند جزء مسجد شد.(1)

2. قرب الاسناء: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السلام درباره فاطمه بنت رسول الله صلّی الله علیه و آله سؤال کردم که در چه محلی مدفون است؟ فرمود: مردی از جعفر درباره این مسأله سؤال کرد و عیسی بن موسی حاضر بود. پس عیسی به او گفت: در بقیع مدفون است. مرد به او گفت: چه میگویی؟ پس گفت: به تو گفته است. به او گفتم: خداوند تو را اصلاح کند، مرا با عیسی بن موسی چه کار؟ از پدرانت به من خبر بده. فرمود: در منزل خویش مدفون است.

3. معانی الاخبار: رسول الله فرمود: ما بین قبر و منبر من باغی از باغهای بهشت است و منبر من بر روی باغی مرتفع از باغهای بلند بهشت است.

زیرا قبر فاطمه بین قبر او و منبرش قرار دارد و قبر فاطمه باغی از باغهای بهشت است و باغی مرتفع از باغهای بلند بهشت به سوی آن است.

صدوق گوید: و صحیح در نظر من در خصوص محل قبر فاطمه علیها السلام چیزی است که پدرم از محمد عطار روایت کرد و این حدیث را چنانکه گذشت بیان کرد.(2)

4. تهذیب الاحکام: شیخ در رساله ذکر کرد که تو به سوی روضه میآیی و فاطمه علیها السلام را زیارت میکنی زیرا او در آنجا مدفون است و اصحاب ما

1- . عیون اخبار الرضا 1 : 139
2- . معانی الاخبار: 267

درباره محل قبر او دچار اختلاف هستند؛ برخی گویند که او در بقیع مدفون است و برخی گویند که در روضه مدفون است و برخی دیگر گویند در منزل خویش دفن شد و زمانی که بنیامیه مسجد را توسعه دادند جزء مسجد شد و این دو روایت نظیر متقارب است و به نظر من بهتر این است که انسان در هر دو محل زیارت کند که این ضرری برایش ندارد و به سبب آن اجری بزرگ به او عطا میشود، اما در خصوص اینکه گفته اند:در بقیع دفن شده است از صحت به دور است.(1)

توضیح: اظهر آن است که فاطمه صلّی الله علیه و آله در منزل خویش مدفون است و اخبار در این خصوص را پیش از این بیان کردیم و شاید خبر ابن ابی عمیر بر توسعه روضه به گونهای که منزل او را دربربگیرد محمول باشد و آنچه که در باب زیارت نبی صلّی الله علیه و آله در خبر جمیل گذشت مؤید این مطلب است و در آن آمده است که علامت مشخص قبر الآن از قبر پیامبر صلّی الله علیه و آله متأخر است و در جهت روضه نیست، مگر اینکه گفته شود علامت دارای اصل و ریشه نیست و قبر در جانب روضه است.

5. الکافی: یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نماز در منزل فاطمه صلوات الله علیها بهتر است یا در روضه؟ فرمود: در منزل فاطمه صلوات الله علیها.(2)

6. الکافی: جمیل بن دراج گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نماز در خانه فاطمه علیها السلام مانند نماز در روضه است؟ فرمود: و بهتر است.(3)

7. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمود: منزل علی و فاطمه مابین بیتی که پیامبر صلّی الله علیه و آله در آن است تا بابی است که مقابل کوچه به سوی بقیع است پس اگر از آن باب و دیوار وارد شدی گویی به شانه چپت برخورد کرده است.(4)

1- . التهذیب 6 : 9
2- . الکافی 4 : 556
3- . الکافی 4 : 556

4- . الكافى 4 : 555

8. الکافی: امام صادق علیه السلام میفرماید: زمانی که وارد بقیع شدی منزل علی علیه السلام به اندازه محل گذر بز از باب در سمت چپ تو قرار دارد و این کنار بیت رسول الله صلّی الله علیه و آله است و درِ این دو به هم پیوسته است.(1)

9. تهذیب الاحکام: یزید بن عبدالملک از پدرش از جدش روایت کرد: بر فاطمه علیه السلام وارد شدم در سلام بر من پیشدستی کرد و فرمود: چه چیزی تو را کشانده؟ عرض کردم: طلب برکت. فرمود: پدرم به من خبر داد و او اوست که هر که سه روز بر او و بر من سلام کند خداوند بهشت را بر او واجب میکند، عرض کردم: در طول زندگی او و تو؟ فرمود: بله و بعد از مرگمان.(2)

10. مصباح الأنوار: فاطمه صلوات الله علیها فرمود: رسول الله به من فرمود: ای فاطمه هر که بر تو درود بفرستد خداوند او را مورد مغفرت قرار میدهد و او را در هر جای بهشت که باشم به من ملحق میکند.

11. تهذیب الاحکام: امام باقر علیه السلام روزی فرمود: زمانی که به سوی قبر جدهات فاطمه صلوات الله علیها رفتی بگو: ای امتحان شده، آن که خدایی که تو را خلق کرد پیش از خلقت بیازمود و در آن آزمایش بر هر گونه بلا و مصیبت تو را شکیبا و بردبار یافت و ما چنین پنداریم که دوستان شما هستیم و مقام بزرگی شما را تصدیق میکنیم و بر هر دستور و تعلیمات الهی که پدر شما و وصیاش برای ما آورد صبور و مطیع خواهیم بود. پس ما درخواست میکنیم هرگاه که مصدق و مؤمن به شما هستیم که خداوند ما را به واسطه این تصدیق به رسول و وصیاش به شما ملحق فرماید تا به ما مژده رسد که به واسطه دوستی شما از گناهان پاک شدهایم.(3)

12. میگویم: شیخ گوید: این زیارت را مروی از فاطمه صلوات الله علیها یافتم، اما آنچه که از اصحابمان یافتم که به هنگام زیارت او علیها السلام میگویند این است که بر یکی از دو محلی که ذکر کردیم بایستی و بگویی: سلام بر تو ای بنت

1- . الکافی 4 : 555

2- . التهذيب 6 : 9
3- . التهذيب 6 : 9

رسول الله، سلام بر تو ای بنت نبی خدا، سلام بر تو ای بنت حبیب خدا، سلام بر تو ای بنت دوست خاص خدا، سلام بر تو ای بنت بنده خالص خدا، سلام بر تو ای بنت امین خدا، سلام بر تو ای دختر برترین انبیاء، رسولان و ملائکه خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین خلائق، سلام بر تو ای بانوی زنان جهان از اولینها و آخرینها، سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین خلائق بعد از رسول الله، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین سرور جوانان بهشتی، سلام بر تو ای صدیقه شهیده، سلام بر تو ای خشنود مورد خشنودی، سلام بر تو ای صاحب فضیلت و ای پاک، سلام بر تو ای حورای انسیه، سلام بر تو ای ذات متقی پاک گوهر، سلام بر تو ای صحبتشده دانا، سلام بر تو ای غصبشده مظلوم، سلام بر تو ای ستمکشیده مقهور، سلام بر تو ای فاطمه بنت رسول خدا و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، درود خداوند بر تو و بر جسم و جان تو باد، گواهی میدهم که تو با دلیلی روشن از جانب پروردگارت درگذشتی و هر که تو را شاد سازد رسول خدا را شاد ساخته و هر که بر تو جفا کند بر رسول خدا جفا کرده و هر که تو را آزار رساند رسول خدا را آزار رسانده و هر که به تو پیوست به رسول خدا پیوسته و هر که از تو برید از رسول خدا بریده است؛ زیرا تو پاره تن او و روح بین دو پهلوی او هستی چنانکه خود او صلّی الله علیه و آله فرمود. خدا رسولان و ملائکه او را گواه میگیرم که من از آن کس راضیام که تو از او راضی هستی و از آن کس خشمگینم که تو از او خشمگین هستی، بیزارم از آنکه تو از او بیزار هستی، دوستم با آن کسی که تو با او دوستی و دشمنم با آن کسی که تو با او دشمنی، ناراضیام از آن کسی که تو از او ناراضی هستی، دوستدار کسی هستم که تو او را دوست داری و خداوند به عنوان گواه، محاسب، جزادهنده و ثواببخشنده کافی است سپس بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام صلوات میفرستی.

توضیح: حبیب یعنی محبوب و گاه بر دوستدار نیز اطلاق میشود، خلیل یعنی دوست خاص، و ولی خدا دوستدار او یا کسی است که خداوند او را از خود مؤمنان نسبت به آنان اولی قرارداد. و شباب با فتحه جمع شاب است و سرور بودنشان بر جوانان بهشتی سرور بودنشان بر تمامی بهشتیان را اقتضا میکند بجز

رسول الله و امیرمؤمنان صلوات الله و سلامه علیهما. و محتمل است که منظور کسی از انبیا و سایرین باشد که در جوانی وفات کرده است و این تفسیر اشکال دارد. زیرا این دو علیهما السلام در جوانی وفات نکردهاند و محتمل است که پیامبر صلّی الله علیه و آله آن دو را زمانی که جوان بودند اینگونه توصیف کرده باشد تا آنها را بر هر جوانی که خداوند میداند که وارد بهشت میشود برتری دهد. و حوراء را به این دلیل بر او اطلاق کرده است که وی به صفات حوریان متصف بود مانند عدم حیض و عدم اتصافش به اخلاق ناپسندی که زنان به آن متصف میشوند و جمال و کمال وی.

کفعمی گوید: محدثه با کسره و فتحه دال تلفظ شده است و معنای کسره این است که او با آنچه که از پدرش روایت کرده و از او شنیده است از وی حدیث میگوید و معنای فتحه چیزی است که در حدیث روایت شده که ملائکه با وی سخن میگفتند. پایان.

میگویم: صحیح محدثه با فتحه دال است. چنانکه اخباری که در باب اسماء فاطمه علیها السلام بیان کردیم بر این دلالت دارد و مضطهده با فتحه هاء به معنای ستمدیده است و بضعه با فتحه و گاه کسره تکهای از گوشت است.

13. من لا یحضره الفقیه: روایات درباره محل قبر فاطمه علیها السلام مختلف است برخی از محدثان روایت کرده اند که بین قبر و منبر مدفون است و پیامبر صلّی الله علیه و آله فقط به این دلیل فرمود که بین قبر و منبر من باغی از باغهای بهشت است که قبر فاطمه علیها السلام بین قبر و منبر است. و برخی از آنها روایت کرده اند که وی در منزل خویش مدفون است و زمانی که بنی امیه مسجد را توسعه دادند جزء مسجد گردید و این رأی صحیح نزد من است و من زمانی که بیت الله الحرام را حج کردم بازگشت من به توفیق خداوند متعال از مدینه بود و چون از زیارت رسول الله صلّی الله علیه و آله فارغ شدم بیت فاطمه علیها السلام را قصد کردم که از استوانهای که از مقام جبرئیل به سمت آن وارد میشوند تا پشت محوطهای که پیامبر صلّی الله علیه و آله در آن است قرار دارد. در محوطه ایستادم درحالیکه سمت چپم به سوی آن بود و پشتم را به قبله کردم و رویم را به طرف حضرت کردم درحالیکه غسل داشتم و گفتم: سلام بر بنت رسول الله و مشابه آنچه که شیخ تا این سخن او

«جزادهنده ثواببخشنده» ذکر کرد را بیان کرد و گفت: سپس بگو: بارخدایا بر بنده و رسولت محمد بن عبدالله خاتم انبیا و برترین تمامی خلائق درود بفرست و بر وصی او و علی بن ابی طالب، امیرمؤمنان، امام مسلمانان، برترین اوصیا درود بفرست، و بر فاطمه بنت محمد، بانوی زنان جهان درود بفرست، و بر دو سرور جوانان بهشتی حسن و حسین درود بفرست، و بر علی زین العابدین علی بن حسین و بر محمد بن علی شکافنده علم، و بر صادق درباره خدا جعفر بن محمد، و بر فروخورنده خشم در راه خدا موسی بن جعفر درود بفرست، و بر رضا علی بن موسی و بر تقی محمد بن علی، و بر نقی علی بن محمد، بر زکی حسن بن علی درود بفرست، و برحجت بن حسن بن علی درود بفرست. بارخدایا عدل را با او زنده گردان و ستم را به وسیله او بمیران و زمین را با طول بقای او زینت ببخش و دینت و سنت پیامبرت را به وسیله او اظهار کن تا چیزی از حق به جهت بیم از یکی از خلائق پنهان نماند و ما را از یاران، پیروان و پذیرفتهشدگان در زمره دوستان او قرار بده ای پروردگار جهانیان. بارخدایا بر محمد و اهل بیت او درود بفرست، کسانی که آلودگی را از آنان زدودی و ایشان را پاکیزه کردی. سپس او (ره) گوید: و در اخبار امرِ تکلیف شده معینی برای زیارت صدیقه علیها السلام نیافتم و برای کسی که در خصوص زیارت او به این کتاب من مراجعه میکند آنچه که برای خود پسندیدم را پسندیدم.(1)

14. البلد الامین: زیارت دیگری برای او: در روضه بایست و بگو: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر دختر صدیقه طاهره تو، سلام بر تو ای فاطمه، بانوی زنان جهان، سلام بر تو ای بتول شهیده، نفرین خدا باد بر بازدارنده تو از ارثت و مانع تو از حقت و ردکننده کلامت، نفرین خدا بر پیروان و اتباع آنان باد، و آنان را به درک جحیم ملحق کند درود خدا بر تو، بر پدرت، همسرت و فرزندات ائمه راشدین باد و سلام، رحمت و برکات خداوند برآنان باد.

1- . الفقیه 2 : 341

15. المصباحين: زیارت فاطمه علیه السلام: در روضه درمحل مذکور میایستی و میگویی: سلام بر بتوله طاهره و صدیقه معصومه و پارسای متقی. فرزند مصطفی، همسر مرتضی، مادر ائمه منتخب، بارخدایا او از دنیایش مظلوم ستمدیده خارج شد پر از درد، حسرت، اندوه و غصه بود و به سوی تو و پدرش شکایت میکرد از آنچه که در حقش انجام شد. بارخدایا انتقام او را بگیر و حقش را برایش بستان. بارخدایا بر زهراء پاک مبارک خوش یمن درود بفرست، درودی که بر شرافت جایگاهش نزد تو و شکوه منزلتش نزد تو بیافزاید و سلام مرا به او برسان. سلام بر او و رحمت و برکات خدا بر او باد. و نیز میگویی بارخدایا غالب ظنم این است که این روضه نهانگاه بانوی زنان جهان، مسکن و محل قبر و آرامگاه اوست پس بر او درود بفرست و سلام مرا هر جا که بود و در هرجا وارد شد به او برسان.

16. ذکر زیارت او از منزل وی و در بقیع: سلام بر بتوله شهیده، دختر نبی رحمت و همسر وصی حجت، مادر ائمه سادات، سلام بر تو ای فاطمه زهرا دختر نبی مصطفی، سلام بر تو و بر پدرت، سلام بر تو و بر همسر و فرزندانت، سلام بر تو ای آزمودهشده، سلام بر تو ای مظلوم صابر. خداوند نفرین کند کسی که تو را از حقت بازداشت و از ارثت منع کرد و خداوند نفرین کند کسی که بر تو ستم کرد و آزردهات ساخت و با آب دهانت گلوگیرت کرد و ذلت را وارد منزلت کرد. نفرین خدا باد بر کسی که به آن راضی شد و در آن مشایعت کرد و آن را برگزید و بر آن یاری کرد و آنان را به درک جحیم ملحق گرداند. من به دوستی شما اهل بیت و به بیزاری از دشمنان شما از جن و انس به خداوند سبحان تقرب میجویم و درود خدا بر محمد و خاندان مطهر او باد.(1)

توضیح: الغشم یعنی ظلم و الکمد با فتحه یعنی حزن شدید و بیماری دل و أعنته یعنی بر او مشقت وارد کرد.

1- . مصباح الزائر: 25 و 26

17. اقبال الأعمال: از جمعی از اصحابمان که در کتاب شناخت مولد شریف ذکر کردیم برایمان روایت کرد که وفات فاطمه علیها السلام در روز سوم جمادی الآخر بود و زیارت او در آن روز شایسته است.(1)

18. ذکر جامع کتاب المسائل و پاسخهای آن از ائمه علیهم السلام: در آنچه که از مولایمان علی بن محمد هادی علیه السلام سؤال شد چیزی است که لفظش این است: ابوالحسن ابراهیم بن محمد همدانی گوید: برای او نوشتم اگر صلاح میبینی مرا از منزل مادرت فاطمه علیها السلام آگاه کن که آیا او در طیبه است یا چنانکه مردم میگویند در بقیع است؟ برایم نوشت: او همراه جدم علیه السلام است عرض کردم: این دلیل روشن در اینکه او همراه نبی صلّی الله علیه و آله است کافی است پس میگوید: سلام بر تو ای بانوی زنان جهان، سلام بر تو ای مادر حجتها بر تمامی مردم، سلام بر تو ای ستمدیده منع شده از حقش. سپس بگو: بارخدایا بر کنیزت و بردختر پیامبرت، مادر وصی پیامبرت درود بفرست، درودی که او را مقرب نماید، فراتر از قرب بندگان مکرمت از اهالی آسمان و زمینها.

روایت شده است که هرکه با این زیارت او را زیارت نماید و از خداوند طلب مغفرت کند خداوند او را میبخشاید و وارد بهشت میکند.(2)

19. مصباح الانوار: جعفر بن محمد صادق از پدرانش علیهم السلام گوید: هر که قبر طاهره فاطمه را زیارت کند و بگوید سلام بر تو تا این سخنش اهالی زمینها، سپس از خداوند طلب مغفرت کند خداوند او را میبخشاید و وارد بهشت میکند.

20: اقبال الأعمال: با اسنادمان به شیخمان مفید روایت کردیم که وی به هنگام ذکر جمادی الآخر مطلبی گفت که لفظش این است: روز بیستم از آن، ولادت بانو زهرا علیها السلام در سال دوم بعثت است و آن روز شریفی است که سرور مؤمنان در آن تجدید میشود و روزه گرفتن آن و انجام خیرات و صدقه بر اهل ایمان در آن مستحب است سپس سید گوید: و از بزرگداشت این روز زیارت

1- . الاقبال: 98
2- . الاقبال: 98 و رمز در متن برای کامل الزیارات بود.

بانویمان(1)

علیها السلام در آن است سپس گوید: در زیارت مولایمان فاطمه علیه السلام میگویی: سلام بر تو ای بنت رسول الله، سلام بر تو ای بنت نبی خدا، سلام بر تو ای بنت حبیب خدا، سلام بر تو ای بنت دوست خاص خدا، سلام بر تو ای بنت بنده خالص خدا، سلام بر تو ای بنت امین خدا، سلام بر تو ای بنت بهترین خلق خدا، سلام بر تو ای دختر برترین انبیاء خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین خلائق، سلام بر تو ای بانوی زنان جهان از اولینها و آخرینها، سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین خلائق بعد از رسول الله، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین سرور جوانان بهشتی، سلام بر تو ای مادر مؤمنان، سلام بر تو ای صدیقه شهیده، سلام بر تو ای خشنود مورد خشنودی، سلام بر تو ای راستگوی رشدیافته، سلام بر تو ای صاحب فضیلت و ای پاک، سلام بر تو ای حورای انسیه، سلام بر تو ای ذات متقی پاک گوهر، سلام بر تو ای صحبتشده دانا، سلام بر تو ای صاحب عصمت ستمدیده، سلام بر تو ای طاهره مطهره، سلام بر تو ای مظلوم غصبشده، سلام بر تو ای سفید روی زهراء، سلام بر تو ای فاطمه دختر محمد رسول الله، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، درود خدا بر تو باد ای مولای من و دختر مولای من و بر جان و تنت باد، گواهی میدهم که تو با دلیلی روشن از جانب پروردگارت درگذشتی و هر که تو را مسرور کند رسول خدا را مسرور کرده و هر که به تو جفا کند به رسول خدا جفا کرده است و هرکه تو را آزرده گرداند رسول خدا را آزرده کرده است و هر که به تو پیوست به رسول خدا پیوسته و هر که از تو برید از رسول خدا بریدهاست زیرا تو پاره تن او و روح او و هستی چنانکه او که برترین درودها و کاملترین سلام ها براو باد فرمود: خدا و ملائکه او را گواه میگیرم که من دوست کسی هستم که با تو دوستی کند و دشمن کسی هستم که با تو دشمنی کند و با کسی در جنگم که با تو جنگ کند. من ای مولای من به تو، پدرت، همسرت و ائمه از فرزندات یقین دارم و به ولایت آنها مؤمن و به طاعت آنها پایبند هستم، گواهی میدهم که دین، دین آنها و حکم، حکم آنهاست و آنها از جانب خداوند عزوجل ابلاغ

1- . الاقبال: 99

کردهاند و با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارشان دعوت کردهاند، در راه خدا نکوهش نکوهشگری آنان را نمیگیرد. و درود خدا بر تو، بر پدرت، همسرت و ذریه ائمه طاهرت باد. بارخدایا بر محمد و بر اهل بیت او درود بفرست. و بر بتول طاهره صدیقه معصومه متقی، نقی، خشنود مورد خشنودی زکی، هدایتیافته مظلوم، ستمدیده، کسی که حقش غصب، ارثش منع شده، پهلویش شکسته، همسرش ستمدیده، پسرش کشته شده است، فاطمه دختر رسول خدا، پاره تن او، جوهره قلب او، جگرگوشه او، برگزیده از جانب تو برای او و تحفهای برای وصیاش که او را به او مخصوص گردانیدی، محبوبه مصطفی، همراه مرتضی، بانوی زنان، بشارتدهنده اولیاء، همپیمان با پرهیزکاری و زهد، سیب فردوس و خلد که ولادتش را بر زنان بهشت شریف گرداندی و انوار ائمه را از او بیرون آوردی و حجاب نبوت را از او برداشتی درود بفرست. بارخدایا براو درود بفرست، درودی که بر جایگاهش و شرفش نزد تو و منزلتش از رضای تو میافزاید و از جانب ما سلام و تحیتی به او برسان و از نزد خود در عشق او فضل، احسان، رحمت و غفرانی به ما عطا کن که تو صاحب عفو کریم هستی. سپس نماز زیارت میخوانی و اگر توانستی که نماز خود او را بخوانی انجام بده که دو رکعت است که در هر رکعت یک مرتبه حمد و شصت مرتبه قل هو الله احد قرائت میکنی و اگر نتوانستی دو رکعت با حمد و سوره اخلاص و حمد و قل یا ایها الکافرون بخوان. و چون سلام کردی میگویی: بارخدایا من با پیامبرمان محمد و با اهل بیت او به تو روی میکنم و به حق عظیم تو بر آنان که غیر تو از کنه آن آگاه نیست از تو میخواهم، و به حق هر کسی که حقش نزد تو بزرگ است و به نامهای نیکوترت که به من امرکردی تو را با آن بخوانم از تو میخواهم، و با نام اعظمت که با آن به ابراهیم امر کردی که با آن پرندگان را بخواند و آنها اجابتش کردند و با نام عظیمت که به آتش گفتی که بر ابراهیم سرد و سلام باش و او سرد شد و به محبوبترین نامهایت نزد خودت و شریفترین و بزرگترین آنها نزد تو و سریعترین آنها در اجابت، موفقترین آنها در درخواست و به آنچه که تو شایسته، مستحق و مستوجب آن هستی از تو میخواهم و به تو توسل میجویم و به سوی تو اشتیاق دارم و تضرع میکنم و بر تو اصرار میکنم و با کتابهایت که بر

انبیاء و رسولانت نازل کردی از تورات، انجیل، زبور و قرآن عظیم از تو میخواهم که اسم اعظم تو در آن است و به آنچه که از اسماء عظمای تو در آن است از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و برای خاندان محمد، پیروان و محبان آنها و من گشایش حاصل کن و درهای آسمان را برای دعای من بگشای و آن را در علیین بالا ببر و در این روز و این ساعت به فرج من و اعطای آرزو و درخواستم در دنیا و آخرت اذن بده ای کسی که هیچ کس جز او نمیداند که او و قدرت او چگونه است، ای کسی که هوا را با آسمان مسدود کرد و زمین را برآب فشرد و نیکوترین نامها را برای خود برگزید، ای کسی که خود را با نامی نامید که حاجت هرکسی که آن را صدا کند به وسیله آن برآورده میکند به حق آن اسم از تو میخواهم که برای من شفیعی قویتر از او نیست که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و حاجتهایم را برآورده کنی و به محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد و حسن بن علی و حجت منتظر به اذن تو که صلوات، سلام، رحمت و برکات تو برآنان باد، صدایم را به گوششان برسانی تا برای من نزد تو شفاعت کنند و آنان را درباره من شفیع گردانی و به حق لا إله إلا انت مرا ناکام بازنگردانی. و حاجتهایت را می خواهی که ان شاء الله تعالی برآورده میشود.

توضیح: الغراء یعنی سفید نورانی و میمون مبارک که برگرفته از غره الغرس است یا شریفه کریمه است و زهراء یعنی سفید روشن.(1)

جزری(2)

گوید: فاطمه علیها السلام به جهت انقطاعش از زنان زمانش از نظر فضیلت، دین و حسن و گفته شده به جهت انقطاعش از دنیا به سوی خداوند متعال بتول نامیده شده است.

فیروزآبادی(3)

گوید: صمیم استخوانی است که قوام عضو با آن است و مغز یک چیز و بهترین آن است و رجل صحیم یعنی خالص، الفلذه با کسره قطعهای از جگر است و النخبه با ضمه و بر وزن همزه یعنی برگزیده.

1- . الاقبال: 100 - 102
2- . النهايه 1 : 71
3- . القاموس 4 : 140

این سخن «و مبشره الأولیاء» بر بنای اسم مفعول یعنی کسی که خداوند او را به دوستان بشارت داده است و بر بنای فاعل نیز محتمل است زیرا او دوستان و دوستدارانش را در دنیا و آخرت به نجات از آتش بشارت میداد و به این جهت فاطمه نامیده شده است. حلیفه الورع با حاء است و حلیف دوستی است که با دوستش پیمان میبندد که به او نیرنگ نزند کنایه از همراهی او با آن دو و عدم جداییاش از آن دو خصلت است. و ارخاء الستر افکندن پرده است و این کنایه از نزول وحی در منزل او و مطلع بودن بر اسرار نبوت است. پرکردن هوا با آسمان کنایه از احاطه کردن آسمان با آن است. این سخن او کبس الأرض علی الماء گفته میشود: کبس البئر و النهر یعنی چاه و رود را با خاک پر کرد و معنا این است که او زمین را با وجود اینکه بر روی آب است از پراکندگی جمع و حفاظت کرد یا اینکه خداوند متعال به وسیله آن تجاوز آب و ضرر آن را از او دفع کرد و دریا نهری بود که با خاک پوشانده شده است.

میگویم: زیارت او در اوقات و ساعات شریف و زمانهای خاص او بهتر و مناسبتراست مانند روز ولادتش که بیستم یا دهم از جمادی الثانی است و روز وفاتش که سوم جمادی الثانی یا بیست و یکم رجب بر اساس قول ابن عباس است و روز ازدواجش با امیرمؤمنان که نیمه رجب یا اول ذی حجه یا ششم آن است و شب زفافش که نوزدهم ذی حجه یا بیست و یکم محرم است و همچنین سایر روزهایی است که کرامت و فضیلتی برای او در آن روز روشن گردید نظیر روز مباهله که گذشت، روز نزول هل أتی که بیست و پنجم ذی حجه است و امثال آنها که ذکرش به طول میانجامد و در ابواب تاریخ او بیان شد.

ص: 288

باب ششم : زیارت ائمه علیهم السلام در بقیع

روایات:

1. کامل الزیارات: عمرو بن هاشم از مردی از اصحاب ما از یکی از ائمه علیهم السلام روایت کرد: زمانی که به قبور ائمه در بقیع آمدی نزد آنان بایست و قبر را در مقابلت قرار بده و بگو سلام: بر شما اهل تقوا، سلام بر شما ای حجت های بر اهل دنیا، سلام بر شما ای قائمان به عدالت در میان خلائق، سلام بر شما ای اهل خلوص، سلام بر شما ای خاندان رسول الله، سلام بر شما ای اهل نجوی، گواهی میدهم که شما ابلاغ کردید، خلوص ورزیدید و در راه ذات خدا صبر پیشه کردید، تکذیب شدید و بر شما بدی شد و بخشیدید، گواهی میدهم که شما ائمه رشدیافته هدایتشده هستید و طاعتتان واجب، کلامتان صدق است و شما دعوت کردید و اجابت نشدید، امر کردید و اطاعت نشدید و شما ستونهای دین و ارکان زمین هستید پیوسته (حتی در عالم ارواح و پیش از خلق جهان) منظور نظر التفات الهی بودید، شما را از صلب هر مرد مطهر بیرون میکشد و به رحم زنان مطهر منتقل میسازد جاهلیت جاهلان شما را آلوده نکرد و فتنههای امیال و هواها در شما شریک نشد، نیکو شدید و رویشگاهتان نیکو شد، صاحب دین به وسیله شما بر ما لطف کرد و شما را در خانههایی قرار داد که خداوند اذن داد که بالا برود و نامش در آن ذکر شود «بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُه» و درود ما بر شما را، رحمتی برای ما و کفارهای برای گناهان ما قرار داد زیرا خداوند شما را برای ما برگزید و آفرینش ما را با آنچه که درخصوص ولایت شما بر ما منت نهاد نیکو کرد و ما در نزد او به علم شما نامیده شده (مکتوب) بودیم که به تصدیقمان بر شما معترف هستیم و این مکان کسی است که زیادهروی و خطا کرد و خوار شد و به گناهش اقرار کرد و با

ایستادنش خلاصی را امید کرد و امید بست که به وسیله شما نجاتدهنده هلاک شوندگان از هلاکت، نجاتش بدهد پس شفیعان من باشید که آنگاه که اهل دنیا از شما رویگردان شدند و آیات خدا را به ریشخند گرفتند و ازآن تکبر ورزیدند من به سوی شما آمدهام. ای کسی که او قائمی است که دچار غفلت نمیشود، دائمی است که سرگرم نمیشود و احاطهکننده همه چیز است منت از آن توست به سبب آنچه که توفیقم دادی و امامانم را به من شناساندی و به سبب آنچه که مرا بر آن مقیم کرد، آنگاه که بندگانت از آن منحرف شدند و از شناختش جهل ورزیدند و حقش را حقیر شمردند و به غیر آن تمایل یافتند پس منت از آن توست بر من و بر اقوامی که آنان را به آنچه که مرا به آن مخصوص کردی مخصوص گردانیدی، حمد از آن توست آنگاه که در نزد تو در این مقامم مذکور مکتوب باشم پس مرا از آنچه که امید کردم محروم نکن و در آنچه که دعا کردم ناکامم نگردان به حرمت محمد و خاندان مطهر او، و درود خدا بر محمد و خاندان محمد باد سپس با هرچه دوست داشتی برای خودت دعا کن.(1)

توضیح: این سخن امام علیه السلام اهل النجوی یعنی با خدا مناجات میکنید و او با شما مناجات میکند یا اینکه اسراری که خداوند با رسولش نجوا کرد نزد شماست. و این کلامش «لم تزالوا بعین الله» یعنی نگاه شده به دیده عنایت و لطف او، و لم تدنسکم الجاهلیه الجهلاء «جهلاء» تأکید است مانند یوم الیوم و معنی این است که درصلب مردی مشرک و رحم زنی مشرک جای نگرفتید.

این سخن امام علیه السلام «و لم تشرک فیکم فتن الاهواء» یعنی در میان پدرانشان اهل هواهای باطل وجود ندارد، یعنی چنین نبودند بلکه بر حق و دین درست بودند یا اینکه مقصود خلوص نسب ایشان از شبهه است (اولاد حرام یا زنازاده نبودند) یا اینکه در اعتقادات و اعمالشان فتنههای هوا و بدعت شریک نشد، این کلام امام «و کنا عنده مسمین بعلمکم» یعنی ما نزد خداوند متعال مکتوب مسمی بودیم که ما به شما آگاه و به امامت شما معترف هستیم که از نوع اضافه مصدر به

1- . کامل الزیارات: 53

مفعول است یا اینکه ما مکتوب شده بودیم که ما از حاملان علم شما هستیم یا اینکه درحالیکه به علم شما متلبس هستیم و شما ما را به آن میشناسید یا به سبب اینکه شما شناختهترین حق هستید و خداوند ما را به این شریف گردانید که قبل از آفرینشمان ولایت شما را بر ما ذکر کرد و در الفقیه آمده است: و نزد او به فضیلت شما معترف و به تصدیقمان بر شما مُقرّ بودیم و در المصباح آمده است: نزد او به علم شما مسمی به فضل شما مقر و به تصدیقمان بر شما معترف بودیم و در کافی آمده است و نزد او به فضیلت شما مسمی (نامیده شده) و به تصدیق کردن شما معترف بودیم.

و در تهذیب آمده است: و نزد او به علم شما و به فضیلت شما مسمی بودیم سپس صحیحتر این است که به جای معترفین معروفین باشد چنانکه در زیاره جامعه خواهد آمد و بر اساس این تقدیرات محتمل است که مسمین از ریشه سمو به معنی رفعت باشد.

و در الکافی آمده است: مرا به آنچه که بر آن امینم دانستی آگاه کردی و در بعضی نسخههای تهذیب آمده است و مرا آگاه کردی پس برآن استوارم گردان و در برخی دیگر از آنها آمده است: مرا به آنچه که بر آن استوارم کردی آگاه کن. و در الکافی و غیر آن ضمیر در عنهم، معرفتهم، بحقهم و سواهم جمع است.

و در تهذیب بعد از پایان خبر گوید: سپس هشت رکعت میخوانی. و در مزار کبیر بعد از این کلامش و از آن تکبر ورزیدند آمده است سپس سرت را بلند میکنی و میگویی ای کسی که او قائم است.

2. کامل الزیارات: عمر بن یزید بیاع سامری گوید: محمد بن حنفیه بر سر قبر حسن بن علی علیه السلام میآمد و میگفت: سلام بر تو ای باقیمانده از مؤمنان و پسر اولین مسلمانان و چگونه به این وصف نباشی درحالیکه تو از سلاله هدایت، همپیمان تقوا، پنجمین اهل کساء هستی، دست رحمت تو را تغذیه نمود و در حجر اسلام پرورش یافتی و از سینه ایمان شیرخوردی و در زندگی و مرگ نیکو شدی جز اینکه نفسها به فراق تو غیر نیکو شد و در زندگی برای تو شریکی نیست،

ص: 291

خداوند تو را رحمت کند. سپس به حسین روی میکرد و میگفت: یا ابا عبدالله، پس برابو محمد سلام باد.(1)

توضیح: این سخن او یا بقیه المؤمنین یعنی ای کسی که از مؤمنان کامل باقی ماند یعنی ای باقی مانده بعد از جد و پدرش علیه السلام یا ای کسی که با صلح مؤمنان را باقی گذاشت و آنها را در معرض کشتار قرار نداد چنانکه خداوند فرمود: «أُوْلُواْ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِى الأَرْضِ» {پس چرا از نسلهای پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند} و این بهتر است. السلیل یعنی فرزند؛ یعنی به جهت کثرت اتصافت به هدایت گویی هدایت فرزند توست یا تو فرزند منسوب به هدایت هستی از زمان ولادت تا وفات، و همپیمان تقوا بودن او کنایه از ملازمت او با تقوا و عدم جدایی این دو از یکدیگر است زیرا هم پیمان همراهش را رها نمیکند و در هیچ حالی از او جدا نمیشود و این کلام او «غذتک» جایز است که با تخفیف و تشدید باشد.

3. میگویم: شیخ در التهذیب این زیارت را از ابن قولویه روایت کرد و در آخر آن ذکر کرده: سپس به حسین علیه السلام روی میکرد و میگفت: سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر ابو محمد سلام باد، سپس وداع با ابو محمد حسن بن علی علیه السلام: بر سر قبر او مانند ایستادنت به هنگام زیارتش میایستی و میگویی: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای مولای من، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، تو را به خدا میسپارم و از تو طلب مراقبت دارم و بر تو سلام میکنم، به خدا، به رسول و به آنچه که آوردی و بر آن رهنمون شدی ایمان آوردیم. بارخدایا ما را به همراه شاهدان بنویس سپس حاجتت را میخواهی و میخواهی که این را آخرین وعده تو قرار ندهد و هرچه خواستی دعا کن.

4. مصباح الزائر: زمانی که قصد زیارت حسن بن علی علیه السلام را داشتی غسل کن و بقیع را قصد کن و بر در ورودی بایست و با یکی از مواردی که ذکر کردیم و در خصوص اذن از امثال او علیه السلام ذکر میکنیم طلب اذن کن سپس

1- . کامل الزیارات: 53

وارد شو و بر مرقد مقدس او بایست و بگو: سلام بر تو ای بقیه مؤمنان و مشابه آنچه گذشت را بیان کرد.(1)

میگویم: و زیارت نخست جامع بین آنها را چنانکه ذکر کردیم ذکر کرد با این تفاوت که او غسل و طلب اذن را ذکر کرده است.

5. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: کنار مرقد علی بن حسین علیه السلام هرچه دوست داشتی میگویی.(2)

6. مصباح الزائر: و زمانی که قصد وداع آنان را داری بگو: سلام بر ائمه هدایت، و رحمت و برکات خدا بر شما باد، شما را به خدا میسپارم و بر شما سلام میکنم، ما به خدا، به رسول، به آنچه که آوردید و بر آن رهنمون شدید ایمان آوردیم. بارخدایا ما را همراه شاهدان بنویس سپس خدا را بسیار بخوان و از او بخواه که این را آخرین وعده از زیارت آنها قرار ندهد.

و اگر قصد بسط در زیارت آنها و بر آوردن حاجت از اهداء تحیت به آنها را داشتی زیارات جامعی که خواهد آمد بر تو باد.(3)

7. المصباح کفعمی: در زیارت ائمه بقیع، بعد از اینکه قبر را مقابلت قرار میدهی و غسل کرده ای میگویی: سلام برشما ای خزانهداران علم خدا، حافظان سر او، ترجمان وحی او، ای پسران رسول الله به سوی شما آمدم درحالیکه به حق شما آگاه، به شأن شما مطلع، با دشمنان شما دشمن و با دوستان شما دوست هستم، پدر و مادرم فدای شما، درود خدا بر جان و تن شما باد. بارخدایا من آخرین آنها را ولی میگیرم چنانکه اولین آنها را ولی میگیرم، و از هر همدمی جز آنها برائت میجویم، به خدا ایمان آوردم و جبت، طاغوت، لات، عزی و هر شریکی غیر از خدا که خوانده میشود را تکفیرکردم، و در وداع با آنها میگویی: سلام بر شما ای ائمه هدایت و رحمت و برکات خدا بر شما باد. شما را به خدا میسپارم و بر شما سلام میکنم، به خدا، رسول، آنچه آوردید و به آن رهنمون شدید ایمان آوردیم بارخدایا

1- . مصباح الزائر: 101
2- . کامل الزیارات: 55

3- . كامل الزيارات: 198

ما را به همراه شاهدان بنویس و این را آخرین عهد از زیارت آنها قرار نده و سلام، رحمت و برکات خدا برآنان باد.(1)

8. میگویم: در نسخهای قدیمی از تألیفات اصحابمان زیارتی برای آنان علیهم السلام یافتم که آن را آنگونه که یافتم آوردم، گوید: نیت زیارت آنها را خاشعانه برای خداوند متعال حاضر میکنی. سپس درحالیکه زائر همه هستی میگویی: سلام بر شما ای ائمه مؤمنان، سروران متقیان، بزرگان صدیقان، امیران صالحان، رهبران نیکوکاران، پرچمهای هدایتیافتگان، انوار عارفان، وارثان انبیا، برگزیده برگزیدگان، بهترین تقواپیشگان، بندگان رحمن، شرکای فرقان، طریق ایمان، معادن حقایق و شفیعان خلائق، و رحمت و برکات خداوند بر شما باد. گواهی میدهم که شما دروازههای نعمتهای خداوند هستید که بر خلائق گشوده و پرچمهایی هستید که برای ارشاد خلائقش سرشت و موازینی که برای تهذیب شریعتش نصب کرد. شما کلیدهای رحمت و مغفرت او، ابرهای رضوان او، کلیدهای جنان او، حاملان فرقان او، خزانهداران علم او، حافظان سرّ او، محل فرود آمدن وحی او، معادن امر و نهی او، امانتهای نبوت و ودیعههای رسالت هستید. و در خانه شما قرآن نازل شد و از منزل شما اسلام و ایمان ظهور یافت، و آمد و شد رسولان خدا و ملائکه به سوی شماست و شما خویشان ابراهیم علیه السلام هستید که خداوند شما را برای امامت پسندید، برای خلافت برگزید و از گناهان محفوظتان داشت و از عیوب مبرایتان کرد و از آلودگی پاکتان کرد و شما را در نوع و جنس برتری داد و با نور، هدایت، علم، پارسایی، بردباری، عقل، آرامش، وقار، خشیت، استغفار، حکمت، آثار، تقوی، عفاف، رضا، کفاف، دلهای پاک، نفسهای والا، چهرههای روشنگر، اصل والا، نسب پاک، نورهای درخشان پیوندخورده و احکام مقرون بر جهانیان برگزید. با آیات گرامیتان داشت، با بینات تأییدتان کرد با حجتهای بالغ و ادله واضح تحکیمتان کرد و به سخنان راستین، مثلهای ناطق، اندرزهای شفابخش و حکمهای بالغ مخصوصتان گردانید و حکم کتاب را ارثتان قرار داد،

-1 . مصباح کفعمی: 475

فصل خطاب را به شما عطا کرد و به راههای درستی هدایتتان کرد و علم مرگها، بلاها، خفایای نهفته، معالم تنزیل، حد فاصلههای تأویل، میراث انبیاء را به شما سپرد نظیر تابوت حکمت، جامه زیرین خلیل، عصای کلیم، جامه بلند داود، انگشتر ملک، فضیلت مصطفی، شمشیر مرتضی، علم غیب عظیم، ارث قدیم. برای شما در قرآن مثلهایی زد و به بلا آزمودتان. و شما را در محل نهر طالوت وارد کرد، صدقه را برشما حرام و خمس را حلال کرد، از خبیثیهای آشکار و پنهان پاکتان کرد. پس شما بندگان تکریمشده، خلفای راشد، اوصیای برگزیده، ائمه معصوم، اولیای پسندیده، علمای صادق، حکمای نافذه بیانگر، بشیران انذاردهنده شریفان فاضل، سروران متقی امرکننده به معروف و نهیکننده از منکر، متلبس به جامه بلاء، ردای تقوا، نور هدایت بر تن کرده، در خوشی و ناخوشی و هنگامه سختی صبور هستید، شما را حق زاده، صدق پرورش داده و یقین تغذیه نموده است و دین به فضل شما سخن گشود. گواهی میدهم که شما راه به سوی خداوند عزوجل، و راههای ثواب، هدایتگران به سوی خلائق او، نشانههایی در میان مخلوقات او، سفیرانی بین او و خلق او، ستونهای او در زمینش، خزانهداران او بر عملش، یاوران کلمه تقوا، علامتهای راههای هدایت، پناهگاه بندگان آنگاه که دچار اختلاف شوند، راهنمایان حق آنگاه که نزاع کنند، ستارگانی که به وسیله شما هدایت میشود و به اقوال و اعمالتان اقتدا میشود، هستید. و قرآن به فضیلت شما سخن گشود. و به ولایت شما دین و ایمان کامل شد، شما بر طریق حق هستید و هر که با شما مخالفت کند بر طریق باطل است. و خداوند اسرار غیب، تقدیرات حوادث را به دلهای شما سپرد و جز رسولان شما را توصیف نمیکند شما امینان خدا، دوستان، بندگان و برگزیدگان او، یاران توحید او، ارکان تمجید او، ستونهای تحمید او، دعوتکنندگان او به سوی دین او، پاسداران خلائق او و حافظان شرائع او هستید و من خداوندِ خالق خویش، ملائکه، انبیاء و رسولان او و شما را گواه میگیرم که من به شما مؤمن، به فضیلت شما معترف، به امامت شما معتقد، به عصمت شما مؤمن، به ولایت شما خاضع هستم و با علاقه به شما و بیزاری از دشمنان شما به خداوند سبحان تقرب میجویم، من آگاهم به اینکه خداوند جل جلاله شما را از اعمال پست پیدا و پنهان، از هر شک،

ناپاکی، پستی و آلودگی پاکیزه کرد و پرچم حق را که هر که بر آن پیشی بگیرد گمراه شد و هر که از آن بازماند خوار شد، به شما عطا کرد و طاعت و دوستی شما را برهر بنده سیاه و سفیدش واجب کرد. پس درود خداوند در جان و تن شما باد.

سپس برروی قبر خم میشوی و میگویی: سلام بر ابی محمد حسن بن علی سرور جوانان بهشتی، سلام بر ابی الحسن علی بن حسین زین العابدین، سلام بر ابی جعفر محمد بن علی شکافنده علم دین، سلام بر ابی عبدالله جعفر بن محمد صادق امین و رحمت و برکات خداوند برشما باد، پدر و مادرم فدای شما باد. از سینه ایمان شیر خوردید و در حجر اسلام پرورش یافتید و خداوند شما را بر مردم برگزید و علم کتاب را ارثتان قرار داد، فصل خطاب را به شما آموخت و میراث نبوت را در میان شما جاری کرد و چشمههای حکمت را به وسیله شما شکافت و شما را به حفظ شریعت ملزم کرد. و طاعت و دوستی شما را بر مردم واجب کرد. سلام برحسن بن علی جانشین امیرمؤمنان، امام خشنود هدایتگر، پسندیده، پرچم دین و امام متقیان، عملکننده به حق و برپادارنده عدالت، بهترین، نیکوترین، پاکترین و فزایندهترین آنچه که بر یکی از اولیاء، اصفیا و دوستانت فرستادی، درودی که رویش را با آن سفید و روحش را با آن نیکو میکنی. وصی بودن را از اجدادش لازم شد و مصیبت را از اسلام دفع کرد و زمانی که بر مؤمنان بیم فتنهها داشت به آنچه تکیه کرد، تکیه نمود و به آنچه که خداوند به او عطا کرده بود آگاه و برپادارنده دینش بود. پس بارخدایا جزای عارفان را به او ببخش و در اولینها و آخرینها بر او درود بفرست و سلام ما را به او برسان و سلام او را به ما بازگردان به رحمتت ای مهربانترین مهربانان. بارخدایا بر امام وصی، سرور خشنود، عابد امین علی بن حسین زین العابدین امام مؤمنان، وارث علم انبیا درود بفرست. بارخدایا او را به رضوان های با شرافتت و تحیات با کرامتت، برکات رشد یابندهات که اولیائت را به آن مخصوص گردانیدی مخصوص کن که او در عبادتش ابلاغ کرد و در طاعتش برای تو خلوص داشت، در رضایت تو شتاب کرد و امت را در راه هدایت تو پیش برد و در دولتش آنچه را که از حق تو بر او بود، به جای آورد و آنچه که در ولایتش بر او واجب بود را ادا نمود تا اینکه روزگارش به سرآمد و برای شیعهاش

مهربان، با عامه مردمش دلسوز بود. بارخدایا سلام ما را به او برسان و سلام او را به ما بازگردان. و سلام بر او، و رحمت و برکات خداوند بر او باد. بارخدایا بر وصی شکافنده، امام طاهر، علم آشکار، محمد بن علی ابی جعفر باقر درود بفرست. بارخدایا بر ولی اجراکننده حق، سخن گوینده با صداقت درود بفرست، کسی که علم را شکافت و پنهان و آشکار آن را تبیین نمود و حقی که بر او بود را به جای آورد و امانتی که به او منتقل شد را ادا کرد. به طاعتت امر کرد و از معصیتت نهی نمود.

بار خدایا چنانکه او را نوری قرار دادی که مؤمنان از آن روشنایی میگیرند، فضلی که متقیان به آن اقتدا میکنند بر او و بر پدران مطهر و فرزندان معصومش برترین و بیشترین درود را بفرست و خواسته و غایت آرزویش را به او عطا کن و سلام ما را به او برسان و از او بر ما سلام برسان و سلام برآنان و رحمت و برکات خداوند بر آنان باد. بارخدایا بر امام هدایتگر، وصی اوصیاء، وارث علم انبیا، عَلَم دین، ناطق به حق یقین و پدر مساکین جعفر بن محمد صادق امین درود بفرست و بر او درود بفرست چنانکه او خالصانه تو را عبادت کرد و خالصانه و تلاشگرانه اطاعتت کرد و درخصوص احیاء سنتت و اقامه فرائضت بهترین جزای متقیان و برترین ثواب صالحان را به او ببخش و او را به سلام ما مخصوص بگردان و از او برما سلام برسان. سلام بر او و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

میگویم: زیارت آنها در اوقات شریفه و ایام مبارک و زمانهای مختص به آنها اولی و مناسبتر است مانند روز ولادت امام حسن علیه السلام، که نیمه ماه رمضان، روز وفاتش که هفتم صفر یا بیست و هشتم یا آخر آن است، و روز نیزه خوردنش که بیست و سوم رجب است، روز مباهله، روز نزول هل أتی که اولی بیست و چهارم ذی حجه و دومی بیست و پنجم آن است. روز خلافتش که روز شهادت پدرش علیه السلام است. و روز ولادت سیدالساجدین که پنجم یا نهم شعبان یا نیمه جمادی الآخر یا نیمه جمادی الاول است که این قول مفید و شیخ است و گفته شده نیمه رجب است، و روز وفاتش که بیست و پنجم محرم یا دوازدهم یا هجدهم آن است. و روز خلافتش که روز شهادت پدرش است. و روز ولادت باقر علیه السلام که ابتدای رجب است براساس آنچه که شیخ از جابر جعفی روایت کرد

که باقر ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام روز جمعه اول رجب سال پنجاه و هفت ولادت یافت و گفته شده سوم صفر است. و روز وفات او که هفتم ذی حجه است و روز خلافتش که روز وفات پدرش علیه السلام است. و روز ولادت صادق علیه السلام که روز هفدهم ربیع الاول است و روز وفاتش که نیمه رجب یا شوال است و روز خلافتش که همان روز وفات پدرش علیه السلام است.

9. الکتاب العتیق: ابوالحسن احمد بن حسین بن رجاء صیداوی روایت کرد این زیارت برای عثمان بن سعید عمری و ابوالقاسم بن روح است که به هنگام زیارت ابوعبدالله جعفر بن محمد علیه السلام بر باب السلام ایستادند و گفتند: سلام بر تو ای مولای من، فرزند مولای من و پدر سروران (موالی) من، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، سلام بر تو ای شهید سرای فنا و رهبر سرای بقا، ما مخلصان و دوستداران تو هستیم و به اول و آخر امر تو اعتراف میکنیم پس نزد شفیع کنندهات خداوند متعال، پروردگار ما و تو ما را شفاعت کن که بندهای که با تو پروردگارش را قصد کرد و قلبش را در راه تو خسته کرد و از خویشان و همراهانش هجرت کرد و تو را ولی خود گرفت ناکام نماند و تو برای او کافی است. سلام، رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

میگویم: بعید نیست که این زیارت برای ابوعبدالله حسین علیه السلام باشد و نسخه پردازان دچار تصحیف شده باشند.

10. مولف المزار الکبیر گوید: زیارت دیگری برای آنها علیهم السلام: برای کسی که قصد زیارت آنها را دارد مستحب است که ابتدا غسل کند سپس با آرامش و سکون بیاید و چون وارد باب شریف شد بر آن توقف کند و بگوید:

ای دو مولای من و ای پسران رسول الله، بنده شما و پسر ذلیل کنیز شما در مقابل شماست. کسی که بر علو قدر شما میافزاید و به حق شما معترف است، پناهجویان به شما، قصدکننده حرم شما، تقربجویان به مقام شما، متوسل به خدا به وسیله شما، نزد شما آمده است آیا بر شما وارد شوم ای موالی من، آیا وارد شوم؟ ای اولیای خدا، آیا وارد شوم؟ ای فرشتگان حلقهزده خدا بر این حرم، مقیمان در این مرقد. و برای پروردگارت خشوع کن و گریه کن که اگر قلبت خشوع کند و

چشمانت اشکبار شود علامت قبول و اذن است. ابتدا پای راستت را از درگاه وارد کن سپس پای چپت را و بگو: خدا بسیار بزرگتراست، حمد بسیار از آن خداست، خداوند در صبحگاه و شامگاه منزه است و حمد از آن خدای یگانه صمد، ارجمند، احد، متفضل، نعمتده، نیکوکار مهربانی است که با احسانش منت نهاد و با نیکیاش زیارت سرورانم را آسان کرد و مرا منعشده از زیارت آنها قرار نداد بلکه لطف کرد و عطا نمود سپس داخل شو و قبور را مقابلت قرار ده و بگو سلام بر شما ای ائمه هدایت و حدیث را مشابه آنچه که گذشت تا این سخنش بیان کرد: و از آن تکبر ورزیدند. سپس گفت: سلام بر شما ای سروران من، من بنده شما، غلام شما، زائر پناهنده به شما هستم در برآورده کردن حاجتم، برطرف شدن اندوهم، اجابت دعایم، آمرزش گناهم به وسیله شما به خدا توسل میجویم و از او میخواهم که با رحمتش بشنود و اجابت کند. سپس برای هر امام دو رکعت بخوان و هرچه دوست داشتی دعا کن که آنجا محل اجابت است.(1)

1- . المزار الکبیر: 34 - 36، نسخه مکتبه الامام علی، ص 22 نسخه مکتبه السید الحکیم.

باب هفتم : زیارت ابراهیم بن رسول الله صلّی الله علیه و آله، فاطمه بنت اسد، حمزه و سایر شهدا در مدینه و زیارت سایر مشاهد آنجا

آیات:

-

لِمَسجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ وَاللّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ(1)

{چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد}

تفسیر:

میگویم اغلب مفسرین براین نظرند که منظور از این مسجد مسجد قبا است چنانکه اخبار ما بر آن دلالت دارد و گفته شده مسجد النبی صلّی الله علیه و آله است.

طبرسی(2)

گوید: از امامان باقر و صادق علیهما السلام و از نبی اکرم صلوات الله علیه روایت است که وی به اهل قبا فرمود: در پاکیتان (پاک شدنتان) چه میکنید که خداوند شما را به نیکی ثنا گفته است. گفتند: اثر غائط را میشوییم. پس فرمود: خداوند درباره شما نازل فرمود: خداوند کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد.

روایات:

1- . توبه / 108
2- . مجمع البیان 5 : 73 چاپ الاسلامیه

1. کامل الزیارات: عمرو بن هشام از مردی از اصحابمان از ائمه علیهم السلام روایت کرد: نزد مرقد حمزه میگوید: سلام بر تو ای عموی رسول الله و بهترین شهداء، سلام بر تو ای شیرخدا و شیر رسول او، گواهی میدهم که تو در راه خدا جهاد کردی، برای رسول الله خلوص ورزیدی و جان خویش را نثار کردی و آنچه نزد خداست را طلب کردی و به آنچه خدا وعده کرده است مشتاق شدی. سپس وارد شو و نماز بخوان درحالیکه در نمازت قبر را استقبال نمیکنی و چون از نمازت فارغ شدی بر روی قبر خم شو و بگو: پروردگارا بر محمد و اهل بیت او درود بفرست بارخدایا من با چسبیدن به قبر عموی پیامبرت - که درود تو براو و براهل بیت او باد - در معرض رحمتت قرار گرفتم تا مرا از انتقامت، خشمت، نفرتت و از لغزش در روزی که رسواییها و صداها زیاد میشود و هر نفسی به آنچه از پیش فرستاده مشغول میشود و هر نفسی با خویش مجادله میکند پناهم بدهی. که اگر امروز رحمتم کنی هیچ ترس و اندوهی بر من نیست و اگر عقوبتم کنی ای مولای من، بر بنده خویش قدرت داری. بارخدایا امروز ناکامم نکن و بدون حاجتم بازنگردان که به قبر عموی پیامبرت چسبیدهام و به وسیله او به تو تقرب جستهام در طلب رضای تو و امید رحمت تو. پس از من بپذیر، با وجود جهلم با حلمت و با وجود جنایت نفسم با رأفتت بازگرد که گناهم بزرگ شده است. بیم این ندارم که بر من ستم کنی بلکه از بدی حساب بیم دارم پس امروز به حضورم در قبر عموی پیامبرت - که درود تو بر محمد و اهل بیت او باد - را ببین پس به وسیله آنها رهایم کن، و تلاشم را ناکام مگذار و ابتهالم بر تو سبک نیاید و صدایم را از خود بازندار و بدون حاجتهایم بازنگردان ای یاری هر اندوهگین و محزون، ای گشایشگر هر مضطرب سردرگم غریب مشرف بر هلاکت، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و به سوی من بنگر، نگاهی که بعد از آن هرگز سیهروز نشوم و بر تضرع، غربت و تنهاییام رحم کن که رضای تو را امید کردهام و خیری که غیر تو عطایش نمیکند را طلب کردهام میخواهم امیدم را رد نکنی.(1)

1- . کامل الزیارات: 22

2. کامل الزیارات: ابن ولید از صفار از سلمه مشابه آن را آورده.(1)

3. کامل الزیارات: پدرم از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس از سلمه مشابه آن را آورده.(2)

4. کامل الزیارات: عقبه درحدیثی طولانی ازامام صادق علیه السلام آورده است: به حضرت عرض کردم: من به مساجدی که اطراف مدینه است میآیم، با کدام یک از آنها شروع کنم. فرمود با قباء شروع کن و در آن نماز بخوان و نماز را زیاد کن که آن اولین مسجدی است که رسول الله صلّی الله علیه و آله در این سرزمین در آن نماز گزارد. سپس به مشربه ام ابراهیم بیا و درآن نماز بخوان که مسکن رسول و خدا و محل نماز اوست. سپس به مسجد فضیخ بیا و در آن دو رکعت بخوان که پیامبرت در آن نماز خواند و چون این جانب را به پایان رساندی به سوی اُحُد بیا و با مسجدی که قبل از حره است آغاز کن و در آن نماز بخوان و بر قبر حمزه بن عبدالمطلب بگذر و بر او سلام کن سپس بر قبور شهدا عبور کن و نزد آنها قیام کن و بگو: سلام برشما ای اهل دیار شما بر ما متقدم هستید و ما به شما ملحق میشویم. سپس به مسجدی که در محلی وسیع در کنار کوهی در جانب راست توست بیا تا اینکه وارد احد شوی و در آن نماز میخوانی که پیامبر صلّی الله علیه و آله از آنجا به سوی احد آنجا که با مشرکان روبرو شد خارج شد و پیوسته بودند تا اینکه وقت نماز رسید پس در آن نماز خواند سپس بگذر تا اینکه بازگردی و کنار قبور شهدا آنچه که خداوند برایت واجب کرد را میخوانی سپس به مسیر خود ادامه میدهی تا به مسجد احزاب برسی و در آن نماز میخوانی که رسول الله صلّی الله علیه و آله در روز احزاب در آن دعا کرد و فرمود: ای فریادرس اندوهگینان، ای اجابتکننده ندای گرفتاران، ای یاور محزونین! اندوه، غم و ناراحتی مرا برطرف کن که حال من و اصحابم را میبینی.(3)

1- . کامل الزیارات: 22
2- . کامل الزیارات: 23
3- . کامل الزیارات: ابتدای حدیث در ص 26 و دنباله آن در ص 23

5. علل الشرائع: لیث گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا مسجد فضیخ به این نام نامیده شده است. فرمود: درخت خرما، فضیخ نامیده شده است و چون در این مسجد درخت خرما بوده است آن را فضیخ خواندهاند.(1)

توضیح: مشهورتر در وجه تسمیه این است که الفضخ یعنی شکستن و الفضیخ شرابی است که از خرمای نارس شکسته گرفته میشود و در جاهلیت خرمای خشک در آن میشکستند و به این جهت این مسجد به آن نامیده شد، اما فضیخ به معنی نخل در کتب لغتی که نزد ماست موجود نیست و بعید نیست که اسمی برای نخلی مخصوص باشد که در آن مسجد بوده است و اینکه درالکافی نخلی، فضیخ نامیده میشود مؤید آن است.

6. کامل الزیارات: صادق علیه السلام فرمود: آمدن به تمامی مشاهد را رها نکن، مسجد قباء که مسجدی است که از روز نخست براساس تقوا بنا شد «اسِّسَ عَلَی التَّقوَی مِن اوَّلِ یَوم» و مشربه ام ابراهیم، مسجد فضیخ، قبور شهداء، مسجد احزاب که همان مسجد فتح است و به ما خبر رسیده است که پیامبر صلّی الله علیه و آله زمانی که به قبور شهداء میآمد میفرمود: سلام بر شما به آنچه که صبوری کردید و چه نیکوست فرجام آن سرای «السَّلامُ عَلَیکُم بما صَبرتُم فَنِعمَ عُقبَی الدَّار» و در آنچه که در مسجد فتح میگویی باید بگویی: ای فریادرس اندوهگینان، ای اجابتکننده گرفتاران، غم، اندوه و گرفتاریام را از من برطرف کن چنانکه از پیامبرت غم، اندوه و گرفتاریاش را برطرف کردی و او را از وحشت دشمنش در این مکان حفظ کردی.(2)

7. کامل الزیارات: معاویه بن عمار گفت که صادق علیه السلام فرمود.. و مشابه آن را ذکر کرد.(3)

8. کامل الزیارات: از معاویه مشابه آن را تا این سخن او «که همان مسجد فتح است» آوردهاند.(4)

1- . علل الشرائع: 459
2- . کامل الزیارات: 24
3- . کامل الزیارات: 24

4- . كامل الزيارات: 25

9. کامل الزیارات: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: هرکه به مسجد من، مسجد قبا آمد و دو رکعت در آن نمازخواند با (ثواب) عمره بازگشته است.(1)

10. تفسیر عیاشی: حلبی از صادق علیه السلام روایت کرد: درباره «لمسجد اسِّسَ عَلَی التَّقوَی مِن اوَّلِ یَوم» {چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده } سؤال کردم. فرمود: مسجد قباء است.(2)

11. تفسیر عیاشی: محمد بن مسلم از باقر و صادق علیهما السلام درباره این کلام خداوند: {چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده } فرمود: مسجد قباء است اما این کلامش که «أحقّ أن تَقومَ فیه» {سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی } فرمود: یعنی از مسجد نفاق که در مسیرش به سوی مسجد قباء بود. پس برمیخاست و با آب و سدر میشست و لباسش را از ساقش بالا می زد و بر روی - حاشیه - سنگی در کناره جاده، راه میرفت و در رفتن شتاب داشت و اکراه داشت که چیزی از آن به لباسش برسد. از او سؤال کردم آیا پیامبر صلّی الله علیه و آله در مسجد قبا نماز میخواند؟ فرمود: بله، محل فرود آمدنش منزل سعد بن خیثمه انصاری بود. از او سؤال کردم آیا مسجد رسول الله سقف داشت؟ فرمود: خیر. و یکی از اصحابش گفته بود: آیا مسجدمان را سقف نکنیم یا رسول الله؟ فرمود: سایبانی مانند سایبان موسی.(3)

12. الکافی: هشام بن سالم ازصادق علیه السلام روایت کردم: شنیدم که میفرمود: فاطمه علیها السلام بعد از رسول الله هفتاد و پنج روز زندگی کرد نه متبسم دیده شد نه خندان. هر هفته روزهای دوشنبه و پنج شنبه بر سر قبور شهدا میآمد و میفرمود: رسول الله صلّی الله علیه و آله اینجا و مشرکان اینجا بودند.(4)

1- . کامل الزیارات: 24
2- . تفسیر عیاشی 2 : 111
3- . تفسیر عیاشی 2 : 111
4- . الکافی 4 : 516

13. و در روایت ابان از کسی که از صادق علیه السلام به او خبر داده است آمده: او درآنجا نماز میخواند و دعا میکرد تا اینکه وفات یافت.(1)

14. الکافی: صادق علیه السلام فرمود: آیا به مسجد قباء یا مسجد فضیخ یا مشربه ام ابراهیم آمدهاید؟ گفت: آری. فرمود: آگاه باشید که از آثار رسول الله چیزی باقی نمانده است مگر این که تغییر کرده جز این اماکن.(2)

15. الکافی: عمار بن موسی گوید: من و امام صادق علیه السلام وارد مسجد الفضیخ شدیم و وی فرمود: ای عمار، این فرو رفتگی را میبینی؟ عرض کردم: بله. فرمود: زن جعفر که امیر مؤمنان بر او سرپرست بود در این مکان نشسته بود و دو پسرش از جعفر، همراه او بودند، گریست و پسرانش به او گفتند: مادر چه چیزی تو را به گریه انداخته؟ گفت: بر امیر مؤمنان گریستم. گفتند: برای امیرمؤمنان گریه میکنی و بر پدر ما نمیگریی؟ گفت: گریه برای آن نیست بلکه حدیثی را یاد آوردم که امیرمؤمنان علیه السلام دراین مکان برایم گفت و مرا به گریه انداخت. گفتند: آن چیست؟ گفت: من و امیرمؤمنان در این مسجد بودیم به من فرمود: این فرورفتگی را میبینی؟ عرض کردم: بله. فرمود: من و رسول الله درآن نشسته بودیم که وی سرش را بر روی پایم گذاشت سپس چرت زد و صدای خوابش بلند شد و نماز عصر فرا رسید. پس اکراه داشتم که سرش را از روی پایم حرکت دهم و رسول الله صلّی الله علیه و آله را آزرده باشم تا اینکه وقت سپری شد و نماز فوت شد رسول الله صلّی الله علیه و آله بیدار شد و فرمود: یا علی! نماز خواندی؟ عرض کردم: خیر. فرمود: چرا؟ عرض کردم: اکراه داشتم که تو را آزار دهم. پس برخاست و به قبله رو کرد و هر دو دستش را دراز کرد و فرمود: بارخدایا خورشید را به وقت آن بازگردان تا علی نماز بخواند. و خورشید به وقت نماز بازگشت تا اینکه عصر را خواندم. سپس بسان فرود آمدن ستاره فرود آمد.(3)

1- . الکافی 4 : 516
2- . الکافی 4 : 516
3- . الکافی 4 : 516

توضیح: فیروزآبادی(1)

گوید: غط النائم یعنی فرد خوابیده صدا داد (خر و پف کرد).

16. میگویم: مفید، سید و شهید(2)

میگویند: زیارت ابراهیم بن رسول الله صلّی الله علیه و آله بر سر قبر او بایست و بگو:

سلام بر رسول خدا، سلام بر نبی خدا، سلام بر حبیب خدا، سلام بر برگزیده خدا، سلام بر نجواکننده با خدا، سلام بر محمد بن عبدالله سرور انبیا، خاتم رسولان، برگزیده خدا از میان خلقش در زمین و آسمانش، سلام برتمامی انبیا و رسولان خدا، سلام بر سعادتمندان، شهیدان و صالحان، سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا، سلام بر تو ای روح پاک، سلام بر تو ای نفس شریف، سلام بر تو ای سلاله مطهر، سلام بر تو ای انسان پاک، سلام بر تو ای پسر برترین مردم، سلام بر تو ای پسر نبی منتخب، سلام بر تو ای پسر مبعوث به سوی تمامی مردم، سلام بر تو ای پسر بشارتدهنده انذاردهنده، سلام بر تو ای پسر چراغ روشنگر، سلام بر تو ای پسر تأییدشده با قرآن، سلام بر تو ای پسر رسول به سوی انسان و جن، سلام بر تو ای پسر صاحب بیرق و نشانه، سلام بر تو ای پسر شفیع در روز قیامت، سلام بر تو ای پسر کسی که خداوند او را با کرامت هدیه داد سلام، رحمت و برکات خداوند بر تو باد. گواهی میدهم که خداوند برای تو سرای نعمتش را برگزید قبل از اینکه احکامش را بر تو بنویسد تا حلال و حرامش را بر تو تکلیف کند. پس تو را پاک، مطهر، پسندیده طاهر از هر آلودگی، مقدس از هر ناپاکی، به سوی آن منتقل کرد و در جنت مأوی منزل داد و به سوی درجات والا رفعت داد و درود خدا بر تو باد، درودی که دیده رسولش را با آن روشن میکند و او را به بزرگترین آرزویش میرساند. بارخدایا برترین و پاکترین درودهایت، فزایندهترین و کاملترین برکاتت را بر رسولت، نبیات، برگزیدهات ازخلائقت، محمد خاتم انبیاء، و بر هر آنکه از نسل فرزندان پاک او و بر هر آنچه از عترت پاکش بر جای گذارد قرار بده، به رحمتت

1- . القاموس 4 : 376

2- . آن را در مزار شهيد نيافتيم بلكه در المزار الكبير ص 23 موجود است و اشتباه مؤلف را احتمال ميدهيم.

ای مهربانترین مهربانان. بارخدایا به حق محمد برگزیدهات و ابراهیم پسر پیامبرت از تو میخواهم که سعیام را به وسیله آنها مشکور، گناهم را آمرزیده، زندگیام را سعادتمند، سلامتیام را ستوده و حاجتهایم را برآورده شد، اعمالم را پسندیده، امورم را خوشیمن، شئونم را ستایششده قرار بدهی. بارخدایا توفیقم را نیکو کن، هراندوه و فشاری را از من جدا کن. بارخدایا مرا از عقوبتت دور کن و ثوابت را به من ببخش و مرا در جناتت ساکن کن، رضوان و امانت را به من روزی کن و والدینم، فرزندانم و تمامی مردان و زنان مؤمن زندگان و مردگان را در دعای نیکم شریک کن که تو ولی باقیات صالحات هستی آمین یا رب العالمین سپس حوائجت را میخواهی و دو رکعت زیارت میخوانی.

میگویم: زیارت او در روز وفاتش که دوازدهم رجب است مناسب است.

17. سپس گفتند: برای زیارت فاطمه بنت اسد مادر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام رهسپار میشود و چون بر قبرش ایستادی میگویی: سلام بر نبی خدا، سلام بر رسول خدا، سلام بر محمد سرور رسولان، سلام بر محمد سرور اولینها، سلام بر محمد سرور آخرینها، سلام بر کسی که خداوند او را به عنوان رحمتی برای عالمیان مبعوث کرد، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام برفاطمه بنت اسد هاشمی، سلام بر تو ای صدیقه مرضیه، سلام بر تو ای متقی پاکیزه، سلام بر تو ای کریمه خشنود، سلام بر تو ای حامی محمد خاتم انبیاء، سلام بر تو ای مادر سرور اوصیاء، سلام بر تو ای کسی که شفقتش بر رسول الله خاتم انبیاء آشکار شد، سلام بر تو ای کسی که ولی امین خدا را تربیت کردی سلام بر تو و بر روح و تن طاهرت، سلام بر تو و بر فرزندت، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، گواهی میدهم که تو کفالت را نیکو انجام دادی و امانت را ادا کردی و در راه رضای خدا تلاش کردی و در حفظ رسول خدا نهایت تلاشت را به کار بستی درحالیکه به حق او آگاه، به صدق او مؤمن، به نبوتش معترف، به نعمتش بینا، بر تربیتش مسؤول، بر جانش دلسوز، بر خدمتش وقفشده، و رضایش را برگزیده بودی. گواهی میدهم که تو برایمان و تمسک به شریفترین دین درحالیکه راضی، خشنود، طاهر، پاک و متقی، پاکیزه هستی رفتی، پس خداوند از تو راضی باد و تو

را راضی گرداند و بهشت را منزل و مأوایت قرار دهد. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و مرا به زیارتش سود ده و بر محبتش ثابت گردان و از شفاعت او و شفاعت ائمه از ذریه او محروم نکن و همراهی با او را به من روزی کن و مرا همراه او و همراه فرزندان طاهر او محشور کن. بارخدایا این را آخرین وعده از زیارت او و برای من قرار نده و بازگشت به او را همیشه تا زمانی که مرا باقی گذاشتهای به من روزی کن و چون مرا ستاندی مرا در زمره او محشور کن و مرا در شفاعتش داخل کن به رحمتت ای مهربانترین مهربانان. بارخدایا به حق و منزلت او نزد خودت مرا، والدین مرا و جمیع مردان و زنان مؤمن را بیامرز و در دنیا و در آخرت نیکی به ما عطا کن و با رحمتت ما را از عذاب آتش حفظ کن.(1)

سپس دو رکعت زیارت میخوانی و هرچه دوست داشتی دعا کن و بازگرد.

توضیح: میگویم برای او علیها السلام مزار معروفی در بقیع است و شیخ در التهذیب(2)

در نسب امام صادق علیه السلام و مدفنش چیزی گفته که عبارتش این است: و قبرش در بقیع همراه پدرش، جدش و عمویش حسن بن علی بن ابی طالب است و در برخی اخبار روایت شده که آنها نزد مادر بزرگشان فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف رضوان الله علیها دفن شده اند و بعید نیست که محلی که مردم در آن فاطمه دخت رسول الله صلّی الله علیه و آله را در قبه ائمه بقیع زیارت میکنند همان موضع قبر فاطمه بنت اسد باشد.

18. سپس گفتند: به سوی زیارت حمزه بن عبدالمطلب رهسپار میشوی و چون به قبرش در احد رسیدی میگویی:

سلام بر تو ای عموی رسول الله، سلام بر تو ای بهترین شهداء، سلام بر تو ای شیر خدا و رسول خدا، گواهی میدهم که تو در راه خدا جهاد کرد و جان خویش را نثار کردی و برای رسول الله خلوص ورزیدی و به آنچه که نزد خداست مشتاق بودی، پدر و مادرم فدای تو، متقرب به رسول الله صلّی الله علیه و آله نزد تو آمدهام درحالیکه در تو اشتیاق شفاعت دارم، به زیارت تو رهایی خود را طلب می

1- . مصباح الزائر: 28 و 29 و المزار الكبير: 23 و 24
2- . التهذيب 6 : 78

کنم درحالیکه از آتشی که کسی چون من به سبب آنچه که بر خود گناه کردم مستحق آن هستم به تو پناه میجویم، ازگناهانی که بر پشتم حمل کردم گریزان، به امید رحمت پروردگارم به تو متوسل هستم. از مکان دوری آمدهام درحالیکه خواهان رهایی گردنم از آتش هستم و گناهان پشتم را خم کرده است و آنچه که موجب خشم پروردگارم است را آوردهام و کسی را بهتر از شما اهل بیت رحمت نمییابم که به او متوسل شوم، پس در روز فقر و حاجتم برایم شفیع باش که محزون به سوی تو حرکت کرده و اندوهگین نزد تو آمدهام و گریان نزد تو اشک ریختهام و تنها به سوی تو آمدهام و تو از کسانی هستی که خداوند مرا به ارتباط با او امر کرده و بر نیکیاش تشویق کرده و بر فضلش رهنمون شده و به عشقش هدایت کرده و در رفتن به سوی او ترغیب کرده و طلب حاجت نزد او را به من الهام کرده است. شما ای اهل بیت، هرکه شما را ولی بگیرد نگون بخت نمیشود و هر که نزدتان آمد ناکام نمیماند و هر که دوستتان داشت زیان نمیکند و سعادتمند نمیشود آنکه با شما دشمنی کرد.

سپس به قبله رو میکنی و دو رکعت زیارت میخوانی و چون از نمازت فارغ شدی بر قبر خم شو درحالیکه میگویی: بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست بارخدایا من با چسبیدن به قبر عموی پیامبرت در معرض رحمتت قرار گرفتم تا ما را از انتقامت در روزی که رسواییها و صداها زیاد میشود و هر نفسی به آنچه از پیش فرستاده مشغول میشود و هر نفسی با خویش مجادله میکند پناهم بدهی. که اگر امروز رحمتم کنی هیچ ترس و اندوهی بر من نیست و اگر عقوبتم کنی مولا بر بنده خویش قدرت دارد. بارخدایا بعد از امروز ناکامم نکن و بدون حاجتم بازنگردان که به قبر عموی پیامبرت چسبیدهام و به وسیله او به تو تقرب جستهام در طلب رضای تو و امید رحمت تو. پس از من بپذیر، با وجود جهلم با حلمت و با وجود جنایت نفسم با رأفتت بازگرد که گناهم بزرگ شده است. بیم این ندارم که بر من ستم کنی بلکه از بدی حساب بیم دارم پس امروز به حضورم در قبر عموی پیامبرت را ببین پس به وسیله آنها رهایم کن، و تلاشم را ناکام مگذار و ابتهالم بر تو سبک نیاید و صدایم را از خود بازندار و بدون حاجتهایم بازنگردان ای یاری هر

اندوهگین و محزون، ای گشایشگر هر مضطرب سردرگم غریق مشرف بر هلاکت، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و به سوی من بنگر، نگاهی که بعد از آن هرگز سیهروز نشوم و بر تضرع، غربت و تنهاییام رحم کن که رضای تو را امید کردهام و خیری که غیر تو عطایش نمیکند را طلب کردهام میخواهم امیدم را رد نکنی. بارخدایا اگر عقوبت کنی مولا بر بندهاش و مجازات او به جهت عمل زشتش قدرت دارد. پس امروز ناکامم مکن و بدون حاجتم بازنگردان و سیمایم و آمدنم را ناکام نکن که مالم را تمام و بدنم را خسته کردهام و صحراها پیموده و خانواده و اموال و هر آنچه که به من عطا کردهای را ترک کردهام و آنچه که نزد توست را بر خود ترجیح دادم و به قبر عموی پیامبرت صلّی الله علیه و آله پناه آوردهام و به وسیله او به طلب رضای تو تقرب جستهام پس با وجود جهلم با حلمت و با وجود گناهم با رأفتت بازگرد که گناهم بزرگ است به رحمتت ای کریم ای کریم.(1)

19. سپس نزد قبور تمامی شهداء رضوان الله علیهم اجمعین در احد میآیی و آنها را زیارت میکنی و میگویی: سلام بر رسول خدا، سلام بر نبی خدا، سلام بر محمد بن عبدالله، سلام بر اهل بیت طاهر، سلام بر شما ای شهدای مؤمن، سلام بر شما ای اهل بیت ایمان و توحید، سلام بر شما ای یاران دین خدا و رسول او، سلام بر شما به آنچه که صبر کردید که چه نیک است فرجام آن عقبی. گواهی میدهم که خداوند شما را برای دینش انتخاب و برای رسولش برگزید و گواهی میدهم که شما در راه خدا حق جهادش را به جای آوردید و از دین خدا، و از پیامبرش دفاع کردید و جان خویش را نثار کردید. و گواهی میدهم که شما بر طریق رسول خدا کشته شدید پس خداوند درباره نبیاش و اسلام و اهل آن برترین جزا را به شما عطا کند و در محل رضوان و موضع اکرامش سیمای شما را همراه انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحان که بهترین رفیق هستند به ما بشناساند. گواهی میدهم که شما حزب خدا هستید و هر که با شما نبرد کند با خدا نبرد کرده است و شما ازمقربین رستگاری هستید که زندهاند و نزد پروردگارشان روزی داده میشوند پس بر قاتلان شما باد

1- . مصباح الزائر: 29 و 30 و المزار الکبیر: 24 و 25

نفرین خدا، ملائکه و جمیع مردم، ای اهل توحید نزد شما آمدهام درحالی که زائر، به حق شما آگاه و با زیارت شما به خدا تقرب جو، و به آنچه که از اعمال شریف و افعال پسندیده گذشت آگاه هستم پس سلام، رحمت و برکات خداوند بر شما باد. و بر قاتلان شما باد نفرین، غضب و خشم خدا. بارخدایا مرا از زیارت آنها سود عطا کن و بر قصد آنها ثابت قدم گردان و مرا بر آنچه که آنان را ستاندی بستان و من و آنها را در مستقر دار رحمتت جمع کن. گواهی میدهم که شما برای ما پیش رو و ما به شما ملحق هستیم. و سوره انا انزلناه فی لیله القدر را هر چه توانستی قرائت کن و کنار هر زیارتشوندهای دو رکعت زیارت میخوانی و باز میگردی ان شاء الله تعالی.(1)

میگویم: زیارت آنها در روز شهادتشان که براساس رأی مشهور هفدهم شوال است اولی و مناسبتر است. سپس میگویم: نمیدانم چرا در کتابهایشان زیارت ابوطالب، عبدالمطلب، عبد مناف و خدیجه را ذکر نکردهاند با وجود اینکه برای اینان قبور معروفی در مکه در نزدیکی ابطح است و حالشان نزد شیعه در فضل و کمال شناخته شده است. و شاید به دلیل تقیه ترک کردهاند. زیارت آنها به ویژه در روزهای مختص به آنان مستحب است مانند بیست و ششم رجب روز وفات ابوطالب، دهم ربیع الاول روز وفات عبدالمطلب، هفدهم محرم روز بازگشت اصحاب فیل از مکه در زمان خلافت عبدالمطلب و ظهور کرامت او و روز ازدواج خدیجه که بیان شد.

و زیارت جعفربن ابی طالب در مؤته(2)،

و زیارت شهدای بدر و زیارت ابوذر در ربذه در نزدیکی صفراء در سمت راست جادهای که از مکه به مدینه میآید مستحب است. و بر قبر آمنه و عبدالله اطلاعی نداریم.

20. مؤلف المزار الکبیر گوید: شایسته است که اگر قادر بود در مساجد معظم نماز بخواند و با مسجد قبا که همان مسجدی است که بر تقوا بنا شد آغاز کند.

1- . مصباح الزائر: 31 و 30 و المزار الکبیر: 26 و 25

2- . و مؤته روستایی از روستاهای بلقاء در حدود شام است، معجم البلدان 8 : 190

پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هرکه به قباء بیاید و دو رکعت بخواند با - ثواب - عمره بازمیگردد.

و زمانی که وارد آن شد دو رکعت تحیت مسجد در آن میخواند و چون از نماز فارغ شد تسبیح میکند و میگوید:

سلام بر اولیا و برگزیدگان خدا، سلام بر یاران و خلفای خدا، سلام بر محلهای شناخت خدا، سلام بر معادن حکمت خدا، سلام بر بندگان مکرم خدا کسانی که در کلام براو پیشی نمیگیرند و به امر او عمل میکنند. سلام بر مظهر امر و نهی خدا، سلام بر راهنمایان به سوی خدا، سلام بر استقراریافتگان در رضای خدا، سلام بر اصلاح شدگان در طاعت خدا، سلام بر کسانی که هر که با آنان دوستی کند با خدا دوستی کرده و هر که با آنان دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است و هر که آنان را بشناسد خدا را شناخته و هر که به آنان جهل ورزد به خدا جهل ورزیده است. گواهی میدهم که من با کسی که با شما نبرد کند، در نبردم و با کسی که با شما صلح کند در صلحم، به آنچه آوردید مؤمن، به آنچه تکفیر کردید کافر هستم، تأیید کننده چیزی هستم که شما تأییدش کردید و باطلکننده چیزی هستم که شما ابطالش کردید، به پیدا و پنهان شما مؤمنم، در همه آنها به شما تفویض میکنم. نفرین خدا بر دشمنان شما از جن و انس باد و خداوند عذاب دردناک را برآنان چندین برابر کند.(1)

و دعا میکنی و میگویی: ای موجود قبل از هر شیء، ای موجود بعد از هلاکت هر شیء که چیزی از او پنهان نمیشود و چیزی او را ازچیزی دیگر مشغول نمیسازد، چگونه دلها به صفت تو راه یابد یا عقلها به وصف تو برسد درحالیکه تو قبل از توصیفکنندگان از مخلوقاتت بودهای و دیدگان به مشاهده چشم تو را ندیده است، به عیان وصف نشدهای و خردها بر تو احاطه نیافته است، که تو را دارای کیفیت و حد بیابد. دیدگان درباره تو حیران، زبانها از تو خسته، فکرها ازاحاطه تو ناتوان و ذهنها در وصف قدرت تو غرق شدند و دیدگان از رؤیت تو بازماندند و أزلیت تو از توحید، تعالی یافت و هر چیزی که خلق کردی حجتی برای تو و

1- . المزار الکبیر: 26 و 27

منسوب به عمل تو، صادر از صنع تو شد. پس یا ابداع شده ای که بر ابداع تو دلالت کند و تصویرگری که بر تصویر کردن تو گواهی دهد و تقدیرگری که از تقدیر تو خبر دهد، مدبری که از تدبیر تو سخن بگوید و مصنوعی که به تأثیر تو اشاره کند، تو برای هرجنسی از ساختهها، آفریدهها، سرشتههایت سازنده، آفریننده و شکافندهای که در خلقت آسمانها و زمین زحمتی تحمل نکردهای و در آغاز اجناس مختلف مخلوقات با خستگی مواجه نشدی و برای تو حالی نیست که بر حالی دیگر سابق باشد و قبل از اینکه آخر باشی اوّلی و قبل از اینکه باطن باشی ظاهری. علم تو هر چیزی را احاطه کرد و غیب تو هر چیزی را به عدد شماره کرد، محدود نیستی که دیدگان تو را درک کند، متناهی نیستی که دیدگان تو را دربربگیرد، جسم نیستی که اندازهها تو را آشکار کند، مرئی نیستی که پردهها تو را بپوشاند. شبیه چیزی نیستی تا برای تو مثل باشد، همراه تو چیزی نیست که برای آن ضد باشی خلقت را از اصلی که عملت به آن اضافه گردد شروع نکردی تا مقلد مثال آن باشی و هیأتدهنده بر هیأت آن باشی. وقتی آن را آفریدی علمی برای تو حاصل نشد و با آن از عظمتی و ملکی بهره نگرفتی و آسمانها، زمینها، و انواع خلقتت را برای تشدید قدرتت، بیم زوال و نقصان، و استعانت گرفتن علیه ضدی ستیزهجو و شریکی سر سخت به وجود نیاوردی، نه حفظ کردن آنچه که آفریدی بر تو دشوار است، و نه تدبیر آنچه که پراکندی ساختی. و نه از عجز به آنچه آفریدی اکتفا کردی و نه خستگی به تو دست داد در آنچه که سرشتی و بنا کردی و بر آن قدرت یافتی. و نه در آنچه که اراده کردی شبههای بر تو وارد شد. ای متعالی ازحدود و سخنان قائلین به تشبیه و غلوکنندگان و قائلان به جبر بندگان بر معصیت و ارتکاب، و ای کسی که با شواهد و دلالات بر عقول موحدین تجلی یافت و با آیات روشن غالب بندگان را بر وجودش رهنمون شد از تو میخواهم که بر محمد، بنده برگزیدهات و حبیب منتخبت، نبی رحمت و هدایت، چشمه حکمت و بخشش، معدن خشیت و تقوا، سرور مرسلان و خاتم انبیا و برترین اولینها و آخرینها، و بر خاندان طیب و طاهر

ص: 313

او درود بفرستی و درباره ما آنچه که تو سزاوار آن هستی انجام بدهیای مهربانترین مهربانان.(1)

و درمشربه ام ابراهیم که مسکن پیامبر صلّی الله علیه و آله است هر چه قادر بود نماز میخوانَد، و در مسجد فضیخ - که روایت شده که محلی است که خورشید برای امیرمؤمنان علیه السلام زمانی که پیامبر علیه و آله السلام بر روی پایش به خواب رفت بازگشت - و درمسجد احزاب که همان مسجد فتح است نماز میخواند و در هر یک از این مکانها دو رکعت نافله قربه الی الله میخواند و چون از نماز فارغ شد میگوید:

ای فریاد رس اندوهگینان، ای اجابتکننده ندای گرفتاران، ای یاور محزونان، آسیب، اندوه و غم مرا از من برطرف کن چنانکه اندوه پیامبرت صلّی الله علیه و آله را برطرف کردی و او را از ترس دشمنش حفظ کردی و مرا از امور دنیا و آخرتم که اندوهگینم میکند حفظ کن ای مهربانترین مهربانان.

و درمنزل زین العابدین علی بن حسین هرچه توانستی نماز میخوانی. و درمنزل جعفربن محمد صادق علیه السلام درمسجد سلمان فارسی، درمسجد امیرمؤمنان علیه السلام که مقابل قبر حمزه علیه السلام است و در مسجد مباهله هرچه توانستی نماز میخوانی و هرچه دوست داشتی در آن دعا میکنی و دعا را به طور کامل در کتابم که به «بغیه الطالب و ایضاح المناسک لمن هو راغب فی الحج» معروف است ذکر کردم و هر که اراده کند آن را از آنجا میگیرد و در آن کفایت است ان شاء الله.(2) و شیخ شهید ما قدس الله روحه در الذکری،(3)

مسجد الغدیر را که در نزدیکی جحفه است و دیوارهایش تا به امروز باقی مانده و مشهور و آشکار است و غالباً مسیر حج برآن بوده، از مساجد شریفه ذکر کرده است.

21. حسّان جمال روایت کرد: صادق علیه السلام را از مدینه به سوی مکه بردم زمانی که به مسجد غدیر رسیدیم به سمت چپ مسجد نگریست و فرمود: این

1- . المزار الکبیر: 26 و 27، مصباح الزائر: 31

2- . المزار الكبير: 28 و 27، مصباح الزائر: 32
3- . الذكرى شهيد: 155

محل پای رسول الله صلّی الله علیه و آله است آنجا که فرمود: «من کنت مولاه فعلیّ مولاه بارخدایا با هر که با او دوستی کرد دوستی کن و با هر که با او دشمنی کرد دشمنی کن». سپس به گوشهای دیگر نگریست و فرمود: این محل خیمه ابوفلان، فلان و سالم غلام ابو حذیفه و ابو عبیده جراح است و زمانی که او را دیدند دست وی (علی علیه السلام) را بالا برده است یکی از آنها گفت: به چشمان او نگاه کنید که میچرخد که گویی چشمان دیوانه است پس جبرئیل این سخن خداوند «و ان یکاد الذین کفروا..» تا پایان سوره را نازل فرمود.

زیارت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و آنچه که درپی آن می آید

اشاره

ص: 315

باب اول : فضیلت نجف و آب فرات

روایات:

1. علل الشرائع: صادق علیه السلام فرمود: نجف کوه بود و همان کوه است که پسر نوح گفت: {به کوهی پناه خواهم برد که مرا از آب حفظ کند} و بر روی زمین کوهی بزرگتر از آن نبود. خداوند عزوجل به او وحی کرد: ای کوه! آیا به جای من به تو تمسک (پناه آورده) میشود؟! پس کوه - از هیبت خداوند - قطعه قطعه شد و تا بلاد شام پرتاب شد و به صورت شنی نرم درآمد و بعد ازآن دریایی بزرگ شد و آن دریا دریای نی نامیده میشد سپس بعد از آن خشک شد و گفته شد نی جفّ (نی خشک شد) سپس بعد از آن نیجفّ شد و بعد از آن آن را نجف مینامیدند زیرا این بر زبانشان سبکتر بود.(1)

2. علل الشرائع: ابو جارود حدیثی را به علی علیه السلام نسبت میدهد که وی فرمود:

حضرت ابراهیم علیه السّلام عبورش به بانقیا افتاد، در این مکان هر شب زلزله می آمد آن حضرت شب را در آنجا به صبح رساند. اهل آن وادی صبح کردند و اثری از زلزله ندیدند. گفتند: دیشب چرا زلزله نیامد یا این که حادثه ای اتّفاق نیفتاد؟ برخی جواب داده و گفتند: دیشب پیر مردی که با او نوجوان و غلامی بود در اینجا فرود آمد، ممکن است به خاطر قدوم او باشد.

امام علیه السّلام فرمود: اهالی آن شهر محضر جناب ابراهیم علیه السّلام رسیده و به او عرضه داشتند. ای مرد هر شب در این مکان زلزله می آید ولی دیشب که تو اینجا بودی زلزله قطع شد حال امشب نیز نزد ما باش. ابراهیم علیه السّلام آن شب را نیز در آنجا بماند و زلزله نیامد. بامداد آنها گفتند: نزد ما باش و آنچه بخواهی برایت آماده می کنیم. ابراهیم علیه السّلام فرمود: خیر، ولی این دشت و

1- . علل الشرائع: 585

سرزمین را به من بفروشید که مال من باشد دیگر زلزله را نخواهید دید. آنها گفتند: این سرزمین مال تو باشد.

ابراهیم علیه السّلام فرمود: آن را نخواهیم گرفت مگر با خریدن. گفتند: از ما بگیر به آنچه خواهی. ابراهیم علیه السّلام: آن سرزمین را به هفت میش ماده و چهار الاغ خرید. از این رو آن سرزمین را بانقیا خواندند چه آنکه نعاج یعنی ماده میش را در لغت نبطیّه، نقی گویند.

امام علیه السّلام فرمود: غلام ابراهیم به آن حضرت عرض کرد: ای خلیل الرحمن با این دشت لم یزرع که در آن نه کشاورزی شده و نه دامداری چه خواهی کرد؟ حضرت فرمود: ساکت باش خداوند متعال از این دشت هفتاد هزار نفر را محشور نموده که جملگی بدون حساب داخل بهشت می شوند مردی از میان ایشان شفاعت برای فلان جماعت و فلان جماعت می نماید.(1)

3. معانی الأخبار: امیرمؤمنان علیه السلام درباره این سخن خداوند عزوجل «وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ» فرمود: الربوه یعنی کوفه، القرار یعنی مسجد و المعین فرات است.(2)

توضیح: ضمیر در «آویناهما» به عیسی و مریم علیهما السلام برمیگردد و مفسرین بر این هستند که ربوه سرزمین بیت المقدس است زیرا آن مرتفع است یا دمشق یا رمله فلسطین یا مصر است و گویند: ذات قرار یعنی محل استقراری از زمین درحالیکه فراخ است و گفته شده دارای میوه و زراعت است زیرا ساکنان آن به خاطر آن در آن استقرار مییابند. گفته میشود ماء معین یعنی آب طاهر جاری و آنچه که در نص آمده است مورد اطمینان می باشد.

4. کامل الزیارات: حنان بن سریر گوید: مردی از کوفیان بر امام باقر علیه السلام وارد شد و امام علیه السلام به او فرمود: آیا هر روز یک مرتبه در فراتتان غسل میکنی؟ گفت: خیر، فرمود: در هر جمعه؟ گفت: خیر. فرمود: در هر ماه؟ گفت

1- . علل الشرائع: 585

2- . معانی الأخبار: 373

خیر. فرمود: در هر سال؟ گفت خیر، امام باقر علیه السلام به او فرمود: تو از خیر محروم هستی.(1)

5. کامل الزیارات: علی علیه السلام فرمود: آب، سرور نوشیدنیهای دنیا و آخرت است و چهار رود در دنیا از بهشت است: فرات، نیل، سیحان و جیحان، فرات آب، نیل عسل، سیحان شراب و جیحان شیر است.(2)

توضیح: شاید منظور این است که این اسماء میان این رودها و رودهای بهشت مشترک است و فضیلت آنها به جهت تسمیه به آن از جهت وحی و الهام باشد و محتمل است که چیزی از آن رودهایی که در بهشت است به این چهار رود وارد شود چنانکه در خصوص فرات وارد شده است.

6. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکه از آب فرات بنوشد و با آن تحنیک (مالیدن چیزی به سقف دهان) شود دوستدار ما اهل بیت است.(3)

توضیح: شاید این حکم متعلق به مجموع نوشیدن و تحنیک باشد نه به هر یک از آنها.

7. کامل الزیارات: امام باقر علیه السلام فرمود: اگر بین ما و فرات، فلان میل فاصله بود به سوی آن میرفتیم.(4)

8. کامل الزیارات: علی علیه السلام فرمود: فرات سرور آبها در دنیا و آخرت است.(5)

9. کامل الزیارات: سلیمان بن هارون عجلی گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام میفرمود: گمان نمیکنم کسی با آب فرات تحنیک کند مگر اینکه ما اهل بیت را دوست بدارد. و از من سؤال کرد بین تو و فرات چه فاصلهای است؟ به او گفتم.

1- . کامل الزیارات: 30 ضمن حدیث
2- . کامل الزیارات: 47
3- . کامل الزیارات: 47
4- . کامل الزیارات: 47

5- . كامل الزيارات: 48

فرمود: اگر نزد آن بودم دوست داشتم که در دوطرف روز - صبح و غروب - به سوی آن بروم.(1)

10. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام درباره این کلام خداوند: «وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ» فرمود: ربوه نجف کوفه و معین فرات است.(2)

11. کامل الزیارات: علی بن حسین علیهما السلام میفرماید: هر شب فرشتهای فرود میآید که سه مثقال از مشک بهشت همراه اوست و آن را در فرات میریزد و هیچ نهری در شرق و غرب برکتش بیشتر از آن نیست.(3)

12. کامل الزیارات: صادق علیه السلام فرمود: هر روز قطراتی از بهشت در فرات میچکد.(4)

13. کامل الزیارات: عبدالله بن سلیمان گوید: زمانی که امام صادق علیه السلام در زمان ابی العباس وارد کوفه شد و بر روی مرکبش با جامه سفرش حرکت کرد تا بر پل کوفه شد سپس به غلامش فرمود: به من آب بده. او کوزه ملاحی را گرفت و آن را برای او پر کرد و به او داد و وی نوشید درحالی که آب از لبهایش بر روی محاسن و لباسش میریخت سپس بیشتر طلب کرد و غلام بیشترش داد. پس خدا را حمد گفت و فرمود: هیچ نهر آبی پربرکت تر از این نیست. آگاه باش که هر روز هفت قطره از بهشت درآن میریزد، آگاه باش اگر مردم میدانستند چه برکتی در آن است در دو طرف آن چادر میزدند. آگاه باش اگر آنچه ازخطاکاران وارد آن میشد نبود هیچ گرفتاری وارد آن نمیشد مگر اینکه پاک میشد.(5)

14. کامل الزیارات: صادق علیه السلام فرمود: ساحل وادی ایمنی که خداوند در کتابش ذکر نموده همان فرات است و بقعه مبارکه کربلاء، و شجره محمد صلّی الله علیه و آله است.(6)

1- . کامل الزیارات: 47
2- . کامل الزیارات: 47
3- . کامل الزیارات: 48

4- . كامل الزيارات: 48
5- . كامل الزيارات: 48
6- . كامل الزيارات: 48

توضیح: شاید منظور این است که توسط روح محمد صلّی الله علیه و آله خداوند آنچه که در این مکان وحی نمود را وحی کرد. و تشبیه او به درخت به جهت منشعب شدن شاخههای امامت از او و چیدن میوههای علوم از آنان تا پایان روزگار است چنانکه در تفسیر این کلام خداوند وارد شده است: «مَثَلاً کَلِمَهً طَیِّبَهً کَشَجَرهٍ طَیِّبَهٍ» تا آیه.

15. کامل الزیارات: صادق علیه السلام فرمود: گمان نمیکنم کسی با آب فرات تحنیک کند مگر اینکه شیعه ما باشد. ابن ابی عمیر از یکی ازاصحاب ما روایت کرد: دو میزاب از بهشت در فرات جاری است.(1)

توضیح: ممکن است گاهی دو میزاب و گاهی قطرات باشد و ممکن است که جاری در دو میزاب، قطرات باشد.

16. کامل الزیارات: حکیم بن جبیر اسدی گوید شنیدم که امام صادق علیه السلام میفرماید: خداوند هرشب فرشتهای را فرو میفرستد که سه مثقال از مشک بهشت همراه اوست که آنها را در این فرات میریزد و هیچ نهری در شرق و غرب زمین پربرکت تر از این نیست.(2)

17. کامل الزیارات: صادق علیه السلام فرمود: گمان نمیکنم کسی با آب فرات تحنیک کند مگر اینکه محب ما اهل بیت باشد.

18. کامل الزیارات: عقبه بن خالد گوید: امام صادق علیه السلام فرات را یاد کرد و فرمود: آگاه باشید که او از شیعه علی علیه السلام است و کسی در آن تحنیک نکرده است مگر اینکه محب ما اهل بیت باشد. منظورش آب فرات بود.(3)

19. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی نیست که از آب فرات نوشیده و به هنگام ولادت با آن تحنیک کرده باشد مگر اینکه محب ما باشد زیرا فرات نهری مؤمن است.(4)

1- . کامل الزیارات: 49 با تفاوتی در مورد اول.
2- . کامل الزیارات: 49 با تفاوتی در مورد اول.
3- . کامل الزیارات: 49 با تفاوتی در مورد اول.

4- . کامل الزیارات: 49 با تفاوتی در مورد اول.

20. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: دو نهر مؤمن و دو نهر کافر است. دو نهر کافر نهر بلخ و دجله و دو نهر مؤمن نیل مصر و فرات است پس فرزندانتان را با آب فرات تحنیک (مالیدن آن به سقف دهان کودک) کنید.(1)

توضیح: جزری(2)

در شرح این حدیث گوید: این دو نهر را به تشبیه به مؤمن کرده است زیرا آن دو بر زمین جاری میشوند و بدون رنج کِشته را آبیاری میکنند و دو نهر دیگر را کافر قرار داده است زیرا آن دو آبیاری نمیکنند و ازآن دو بهره گرفته نمیشود مگر با رنج و مشقت، پس این دو در خیر و منفعت مانند مؤمن و دو دیگری در اندکی سود مانند کافر هستند.

21. فرحه الغری: عقبه بن علقمه ابی جنوب گوید: امیرمؤمنان علیه السلام مابین خورنق تا حیره تا کوفه و در حدیثی مابین نجف تا حیره تا کوفه را از دهقانان به چهل هزار درهم خریداری کرد و بر خرید آن شهادت گرفت. راوی گوید: به او گفته شد یا امیرمؤمنان این را به این قیمت میخری درحالیکه بهرهای نمیرویاند فرمود: از رسول الله صلّی الله علیه و آله شنیدم که میفرمود: کوفان کوفان، اول آن به آخر آن باز میگردد، از پهنه آن هفتاد هزار محشور میشوند که بدون حساب وارد بهشت میشوند پس دوست داشتم که از ملک من محشور شوند.(3)

توضیح: یرد اولها من آخرها با تشدید بر بنای مجهول کنایه از انتظام و آبادانی آن است یا اشارهای است به رجعت زیرا اولینهای این امت که در آن دفن شدهاند به سوی آخرینشان که قائم علیه السلام و اصحاب او هستند باز میگردند. یا با تخفیف بر بنای معلوم است، به این معنای اخیر. و بر اساس این دو تقدیر محتمل است که کنایه از ویرانی و وقوع فتنهها در آن باشد.

22. فرحه الغری: امام صادق علیه السلام فرمود: چهار ناحیه در ایام طوفان به سوی خدا فریاد برآوردند: بیت معمور که خداوند آن را بالا برد، غری (نجف)، کربلا و طوس.

1- . کامل الزیارات: 49 با تفاوتی در مورد اول.
2- . النهایه 1 : 54
3- . فرحه الغری: 28

23. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: در کنار شما مقبرهای است که به آن براثا گفته میشود که صد و بیست هزار شهید مانند شهدای بدر از آن محشور میشوند.(1)

24. المحاسن: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: در نهر شما دو میزاب از بهشت میریزد و امام صادق علیه السلام فرمود: اگر بین من و آن چندین میل فاصله بود نزد آن میآمدیم تا از آن طلب شفا کنیم.(2)

25. تفسیر عیاشی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: اولین بقعهای که بر روی آن خدا عبادت شد پشت کوفه است آنگاه که خداوند به ملائکه امر فرمود که برای آدم سجده کنند بر پشت کوفه سجده کردند.(3)

میگویم: دیلمی در ارشاد القلوب می گوید: از امام صادق علیه السلام روایت است که وی فرمود: غری قطعهای از کوهی است که خداوند بر روی آن با موسی سخن گفت و بر روی آن عیسی را تقدیس کرد و ابراهیم را خلیل خود و محمد صلی الله علیه و آله را حبیب خود گرفت و آن را مسکنی برای انبیا قرار داد.(4)

و روایت است که امیر مؤمنان علیه السلام به پشت کوفه نگریست و فرمود: چه زیباست منظر تو و چه پاک است درون تو، بارخدایا قبر مرا در آن قرار بده.

و از خواص تربت او ساقط کردن عذاب قبر و رها شدن محاسبه منکر و نکیر برای مدفون در آن است چنانکه اخبار صحیح درباره آن از اهل بیت علیه السلام وارد شده است.(5)

و از قاضی بن بدر همدانی کوفی که مردی صالح بود روایت است: شبی من در مسجد جامع کوفه بودم و شبی بارانی بود. گروهی دری را که معروف به باب

1- . کامل الزیارات: 330، براثا محلهای در سمت بغداد در قبله کرخ و جنوب باب محول بود و یک مسجد جامع داشت که شیعه در آن نماز میخواندند و امروزه از مساجد جامع مشهور در بغداد است.

2- . محاسن برقی: 575
3- . تفسیر عیاشی 1 : 34
4- . ارشاد القلوب 2 : 237 و حدیث در آن از ابن عباس است.
5- . ارشاد القلوب 2 : 238

مسلم بود زدند. در برایشان باز شد. برخی گفتند: با آنان جنازه ای بود. جنازه را وارد کردند و بر صُفّه ای (سکّو) که معروف به باب مسلم بن عقیل بود نهادند. بعد یکی از آنان خوابید و در خواب دید گوینده ای به دیگری میگوید: نمی بینم او را تا اینکه بدانم برای ما با او حسابی است یا نه! سپس روی میت را باز کرد و به رفیقش گفت: بلکه برای ما با او حسابی است؛ سزاوار است در این هنگام با شتاب از او گرفته شود پیش از آنکه از اینجا تجاوز کند و آنگاه برای ما راهی باقی نمانَد. از خواب بیدار شد و خواب را برای دیگران حکایت کرد. پس گفت: به سرعت آن را بردارید؛ و سپس آن جنازه را برداشتند به سوی مشهد شریف آوردند.(1)

و جمعی از صالحان مشهد شریف غروی در خواب دیدند که از هریک از قبرهایی که در مشهد شریف است ریسمانی بیرون آمده و امتداد یافته و آن ریسمان متصل به قبه شریفه شده است که بر مشرّف آن درود باد.(2)

از امیرمؤمنان روایت است که او زمانی که قصد خلوت با خویش را داشت به سمت غری میآمد. یک روز درحالی که چنین بود و در آنجا بر نجف مشرف بود، ناگاه مردی از صحرا سوار شتر و درحالیکه پیش رویش جنازهای بود روی کرد و چون علی علیه السلام را دید آهنگ او کرد تا اینکه به وی رسید و بر او سلام کرد و امام پاسخ او را داد و فرمود: از کجا هستی؟ گفت: از یمن. فرمود: این جنازهای که همراهت است چیست؟ گفت جنازه پدرم است تا او را در این زمین دفن کنم. علی فرمود: چرا او را در زمین خود دفن نکردهای؟ گفت: این را وصیت کرده و گفته که در اینجا مردی دفن میشود که جمعیتی به اندازه ربیعه و مضر را شفاعت میکند. امام به او فرمود: آیا آن مرد را میشناسی؟ گفت خیر، گفت: به خدا سوگند آن مرد من هستم، به خدا سوگند آن مرد من هستم، به خدا سوگند آن مرد من هستم. پس او را دفن کن. مرد برخاست و دفنش کرد.

از خصوصیات آن حرم شریف این است که تمامی مؤمنان در آن محشور میشوند.(3)

1- . ارشاد القلوب 2 : 238
2- . ارشاد القلوب 2 : 238
3- . ارشاد القلوب 2 : 238

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که در شرق و غرب زمین بمیرد مگر اینکه خداوند روح او را به سوی وادی سلام محشور میکند.

و در اخبار و آثار آمده است که آن بین وادی نجف و کوفه است گویی که من برآنان نشستهام که بر روی منبرهایی از نور صحبت میکنند و اخبار درباره این موضوع بسیار است پایان سخن او علیه السلام.(1)

26. الکافی: حبه عرنی گوید: همراه امیرمؤمنان به سوی ظَهر (پشت کوفه) خارج شدم، او بر وادی سلام ایستاد گویی که اقوامی را خطاب میکند با قیام او قائم شدم تا اینکه خسته شدم و نشستم تا اینکه ملول شدم و دوباره قیام کردم اما به حال پیشین دچار شدم. سپس نشستم تا اینکه ملول شدم سپس قیام کردم و ردایم را جمع کردم و گفتم: یا امیرمؤمنان، من از طول قیام بر تو بیم دارم ساعتی استراحت کن و ردایم را برای او پهن کردم تا بر روی آن بنشیند. فرمود: ای حبه این جز سخن گفتن یا انس با مؤمن نیست. راوی گوید: عرض کردم یا امیر مؤمنان. آنها نیز چنین هستند؟ فرمود: بلی اگر برایت آشکار میشد آنها را میدیدی که حلقه حلقه نشستهاند و با یکدیگر صحبت میکنند. عرض کردم: جسم هستند یا روح فرمود: روح هستند و هیچ مؤمنی نیست که درگوشهای از زمین بمیرد مگر اینکه به روحش گفته شود به وادی سلام ملحق شو که آن بقعهای از جنت عدن است.(2)

27. الکافی: احمد بن عمر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: برادرم در بغداد است بیم آن دارم که درآنجا بمیرد. فرمود: اعتنا نکن که کجا فوت کند آگاه باشد که هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین باقی نمیماند مگر اینکه خداوند روحش را به سوی وادی سلام محشور میکند به او عرض کردم: وادی

1- . ارشاد القلوب 2 : 239
2- . الکافی 3 : 243

سلام کجاست؟ فرمود: پشت کوفه، آگاه باش که من گویی آنها را میبینم که حلقه حلقه نشستهاند و صحبت میکنند.(1)

مؤلف: سید علی بن عبد الحمید در کتاب الغیبه از اصبغ بن نباته روایت کرده که وی گوید: امیرمؤمنان به سوی پشت کوفه خارج شد و به او پیوستیم. فرمود: قبل از اینکه مرا از دست بدهید از من سؤال کنید که سینهام از علم مملو شده است. زمانی که از من خواسته شود عطا میکنم و زمانی که سکوت شود آغاز میکنم. سپس برشکمش دست کشید و فرمود: بالای آن علم و پایین آن ثقل (سنگینی) است. سپس عبور کرد تا به غریّین رسید و به او رسیدیم درحالیکه او بدنش را بر زمین انداخته است و لباس و پارچهای زیر ایشان نیست. قنبر به ایشان گفت: ای امیرمؤمنان! آیا لباسم را زیر شما پهن کنم؟ فرمود: خیر، آیا آن چیزی غیر از تربت مؤمن است و تربت کسی است که در مجلسش ازدحام است؟ اصبغ گفت: تربت مؤمن را دریافتیم که بوده است یا خواهد بود؛ اما معنای کسی که در مجلسش ازدحام است، چیست؟ فرمود: ای ابن نباته اگر برایتان برملا میشد ارواح مؤمنان را در اینجا حلقه حلقه مییافتید که یکدیگر را زیارت میکنند و با یکدیگر صحبت میکنند. روح هرمؤمن در این پشت و روح هر کافر در وادی برهوت است. سپس بر استرش سوار شد و به مسجد رسید و به آن نگریست که از سفال و خاک و گل بود. فرمود: وای بر کسی که تو را ویران کند وای بر کسی که خواستار ویرانی تو باشد. وای بر بناکننده تو با گل پخته، تغییردهنده قبله نوح، و خوشا به حال کسی که ویرانی آن را توسط قائم از اهل بیت من علیه السلام شاهد باشد، آنها بهترین امت به همراه ابرار عترت هستند.

باب دوم : محل قبر امیرالمؤمنین علیه السلام، محل رأس حسین علیه السلام و انبیائی که کنار او مدفون هستند

روایات:

ص: 325

1- . الکافی 3 : 243

1. فرحه الغری: صفوان جمال گوید: همراه امام صادق علیه السلام از مدینه به قصد کوفه خارج شدم زمانی که از حیره گذشتیم فرمود: ای صفوان، عرض کردم گوش به فرمانم پسر رسول خدا! فرمود: مرکبها به سوی قائم خارج میشود درحالی که حد راه به سوی غری است. صفوان گوید: زمانی که به قائم (شاخص) غری رسیدیم ریسمان ظریفی که همراهش بود و از لیف نارگیل کار شده بود را بیرون آورد. سپس گامهای زیادی از قائم به سوی مغرب دور شد و آن ریسمان را کشید تا اینکه وقتی به آخرش رسید ایستاد سپس با دستش بر زمین زد و مشتی خاک از آن بیرون آورد و برای مدتی طولانی آن را استشمام کرد سپس راه رفت تا اینکه بر محل فعلی قبر ایستاد. سپس دست مبارکش را بر تربت کرد و مشتی از آن گرفت و آن را استشمام کرد و نفس عمیقی کشید طوری که گمان کردم دنیا را ترک گفت. چون به هوش آمد فرمود: به خدا سوگند اینجا مرقد امیرمؤمنان است.

سپس خطی کشید. عرض کردم ای پسر رسول خدا چه چیزی ابرار اهل بیت را از آشکار کردن مرقد او بازداشت. فرمود: بیم از بنی مروان و خوارج که در آزار او حیله کنند. صفوان گوید: از امام صادق ابوعبدالله علیه السلام سؤال کردم: امیرمؤمنان علیه السلام را چگونه زیارت میکنی؟ فرمود: ای صفوان چون این را قصد کردی غسل کن دو لباس پاکیزه شسته یا نو بر تن کن و عطر بزن و اگر نیافتی نیز کفایت میکند (عیبی ندارد) و چون از منزلت خارج شدی بگو: بارخدایا من از منزلم خارج شدم و زیارت را کامل بیان کرد که به جهت طولانی بودنش آن را ذکر نکردم.(1)

2. گوید: و صاحب کتاب الانوار ذکر کرد یوسف کاتب و معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام آن را روایت میکنند: زمانی که قصد زیارت قبر امیرمؤمنان

1- . فرحه الغری: 39

علیه السلام را داشتی هرجا که منزلت بود غسل کن و زمانی که ازآن عبور میکنی بگو: بارخدایا تلاشم را مشکور قرار بده و زیارت را ذکر کرد که دو کاغذ در قطع یک هشتم یا بیشتر ازآن میشود و آخر آن این است بارخدا مرا به سعادت، مغفرت و خیر ختم کن.

3. محمد بن مشهدی در مزارش ذکر کرد که امام صادق علیه السلام این زیارت را به محمد بن مسلم ثقفی آموخت و فرمود: زمانی که به مرقد امیرمؤمنان علیه السلام آمدی برای زیارت غسل کن و پاکیزهترین لباست را بپوش و عطری برخود بزن و با سکون و آرامش راه برو و چون به باب السلام رسیدی به قبله رو کن و سی مرتبه تکبیر بگو و بگو: سلام بر رسول خدا، سلام بر برگزیده خدا، و زیارت را با همه طولانی بودن آن ذکر کرد. (1)

4. عموی سعید در مزارش ذکر کرد که امام صادق علیه السلام با آن علی بن ابی طالب را در روز هفدهم ربیع الاول زیارت کرد و آن زیارتی است که محمد بن مسلم روایت کرد اما من در این دو روایت اختلاف زیادی دیدم. (2)

توضیح: الکنبار با کسره ریسمان از لیف نارگیل است.

میگویم: این خبر بر اسانیدی مشتمل است که در زیارات وارد خواهیم کردم و بر این دلالت دارد که آن منقول است پس غفلت نکن.

5. فرحه الغری: سلیمان بن خالد و محمد بن مسلم گویند: به سوی حیره حرکت کردیم و طلب اذن کردیم و برصادق علیه السلام وارد شدیم و نزد او نشستیم و از او درباره امیرمؤمنان سؤال کردیم فرمود: زمانیکه خارج شدیم و از خم راه، و قائم (شاخص) عبور کردید و در فاصله یک یا دو غلوه از نجف قرار گرفتید ذکوات (تپههای کوچک) سفیدی میبینید که در میان آنها قبری است که سیل آن را شسته است؛ آن قبر امیرمؤمنان علیه السلام است. راوی گوید: فردای آن روز حرکت کردیم و از خم راه و قائم عبور کرده و با ذکوات (تپههای کوچک) سفیدی روبرو شدیم به سوی آن آمدیم و با قبری روبرو شدیم که چنانکه امام توصیف کرده بود سیل آن را

1- . المزار الكبير: 94 و 95
2- . مزار الشهيد: 27 - 30

شسته است پس پایین آمدیم و سلام کردیم و کنارش نماز خواندیم سپس بازگشتیم و چون فردا شد به سوی امام صادق علیه السلام رهسپار شدیم و برای او بازگو کردیم. فرمود: درست یافتهاید خداوند هدایت را به شما ملحق سازد.(1)

توضیح: فیروزآبادی(2)

گوید: ثویه بر وزن غنیه پایینترین پرچم به اندازه نشستن توست. و جزری(3)

درباره آن گوید: ثویه که با ضمه ثاء، فتحه او و تشدید یاء و گفته میشود با فتحه ثاء و کسره واو محلی در کوفه است که قبر ابوموسی اشعری و مغیره بن شعبه در آن است. پایان.

القائم گویی بنا یا ستونی در نزدیکی جاده است. و الذکوه در لغت اخگری فروزان است که ممکن است که منظور از ذکوات تپههای کوچکی باشد که قبر امام علیه السلام را احاطه کرده است که آن را به جهت روشنی و درخشش به هنگام طلوع آفتاب بر آن به جهت درّهای درخشان موجود در آن به اخگر فروزان روشن تشبیه کرده است و بعید نیست که تصحیف دکاوات جمع دکاء باشد که تپهای کوچک است و در بعضی نسخهها رکوات است و محتمل است که منظور از آن برکهها و حوضچههای اطراف آن باشد.

6. فرحه الغری: مردی از یاران زید بن علی که از موالی بود و او را از اخیار میشمردیم به نقل از ابوقره گوید: من و زید بن علی به سوی قبرستان حرکت کردیم و او شب و روز نماز خواند سپس گفت: ای ابوقره به من بگو این چه مکانی است گوید: عرض کردم: نمیدانیم. گفت ما در نزدیکی قبر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام هستیم، ای ابوقره ما در باغی از باغهای بهشت هستیم.(4)

7. فرحه الغری: یکی از موالی بنی عباس گوید: ابوجعفر منصور به من گفت: بیل و سبدی با خود بگیر و همراه من حرکت کن. گوید: آنچه که گفت را گرفتم و شبانه همراه او رفتم تا اینکه به غری رسید و با قبری روبرو شدیم گفت: حفرکن،

1- . فرحه الغری: 44
2- . القاموس 4 : 310
3- . النهایه 2 : 165
4- . فرحه الغری: 49

حفرکردم تا اینکه به جنازهای رسیدم گفتم این قبری است که آشکار شده. گفت: آن را بپوشان، این قبر علی علیه السلام است. فقط خواستم که بدانم و این به این دلیل است که منصور آن را از اهل بیت میشنید و خواست که از آن خبر بگیرد که روشن شد.(1)

توضیح: سخن او «از حدیث صفوان» یعنی قبری که مردم آن را شناختند و آن را از حدیث صفوان گرفتند آنجا که تعیین این محل را روایت کرد.

8. فرحه الغری: ابوبکر بن عیاش گوید: ازابو حصین، اعمش و سایرین سؤال کردم و گفتم: کسی به شما خبر داد که که بر علی نماز خوانده یا شاهد دفنش بوده است؟ گفتند: خیر، از پدرت محمد بن سائب سؤال کردم، گفت: او را شبانه بیرون آوردند و حسن، حسین، محمد بن حنفیه، عبدالله بن جعفر و تعدادی از اهل بیتش با او خارج شدند و در پشت کوفه دفن شد. به پدرت گفتم: چرا با او چنین شد؟ گفت: از ترس اینکه خوارج و سایرین او را نبش قبر کنند.(2)

توضیح: شاید منظور از طبقات کاغذهایی است که بر آن پوشاند و چسب شد تا آنچه که ازآن پوسیده شده است اصلاح شود.

9. تهذیب الاحکام: ابومطر گوید: زمانی که ابن ملجم فاسق که لعنت خدا بر او باد بر امیرمؤمنان ضربت زد، حسن علیه السلام به او فرمود: او را میکشم. فرمود: خیر، بلکه او را حبس کن و اگر از دنیا رفتم او را بکشید و زمانی که وفات یافتم مرا در این پشت، در - کنار - قبر برادرانم هود و صالح دفن کنید.(3)

10. از همان احمد بن محمد بن عمر جرجانی از حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از جدش گوید: از حسن بن علی علیهما السلام سؤال کردم امیرمؤمنان علیه السلام را کجا دفن کردید؟ فرمود: بر کناره سراشیبی، و شبانه او را بر مسجد اشعث عبور دادیم و فرمود: مرا در قبر برادرم هود دفن کنید.(4)

1- . فرحه الغری: 49
2- . فرحه الغری: 54

3- . تهذيب 6 : 33
4- . تهذيب 6 : 34

11. قرب الإسناد: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السلام درباره قبر امیرمؤمنان علیه السلام سؤال کردم، فرمود: از مشایخت چه شنیدی؟ عرض کردم: صفوان بن مهران از جدت برایمان حدیث گفت که او در نجف کوفه دفن شده است و یکی از اصحابمان از یونس بن ظبیان نیز مانند این را روایت کرد. فرمود: از او شنیدم که او در مسجد شما در کوفه دفن شده است. عرض کردم: فدایت گردم برای کسی که در آن نماز بخواند چه فضلی است؟ فرمود: امام صادق علیه السلام به او میفرمود: از فضل برای او چنین است و سه مرتبه با دست به چپ، راست و مقابل اشاره می کرد.(1)

توضیح: این سخن امام علیه السلام «از او شنیدم» یعنی با واسطه از یونس، و او فقط به جهت تقیه جواب را تبیین نکرده است. این سخن او ثلاث مرار، یعنی امام به جوانب سه گانه اشاره کرد در بیان اینکه برای او فضلی است که آن جوانب را تا آسمان پر میکند از باب تشبیه معقول به محسوس.

12. کامل الزیارات: صفوان بن جمال گوید: با عامر بن عبدالله بن جذاعه ازدی بودم و عامر به او گفت: مردم میپندارند که امیرمؤمنان علیه السلام در رحبه مدفون است. گفت: خیر. گفت: پس کجا مدفون است؟ گفت: او زمانی که وفات کرد حسن علیه السلام او را بلند کرد و به پشت کوفه نزدیکی نجف سمت چپ غری، سمت راست حیره آورد و او را بین ذکوات (تپههای کوچک) سفید دفن کرد. راوی گوید: پس از آن به محلی رفتم که گمان کردم جایی از آن است. سپس به سوی او آمدم به او خبر دادم سه مرتبه به من گفت: درست رفتهای خداوند تو را رحمت کند.(2)

13. فرحه الغری: با اسناد از کلینی از چند تن از اصحابمان، از ابن عیسی مشابه آن را آورده.(3)

1- . قرب الاسناد: 162
2- . کامل الزیارات: 33
3- . فرحه الغری: 24

14. کامل الزیارات: حسین بن خلال از جدش گوید: به حسین بن علی علیه السلام عرض کردم: امیرمؤمنان علیه السلام را کجا دفن کردید؟ فرمود: او را شبانه خارج کردیم تا اینکه بر مسجد اشعث عبور کردیم و به سوی پشت، منطقه غری خارج شدیم.(1)

15. فرحه الغری: ابن قولویه مشابه آن را آورده.(2)

16. کامل الزیارات: عبدالله بن سنان گوید: عمر بن یزید نزد من آمد و به من گفت: سوار شو، همراه او سوار شدم و حرکت کردیم تا به منزل حفص کناسی رسیدیم او را بیرون آورد و با ما سوار شد و رفتیم تا به غری رسیدیم و به قبری ختم شدیم گفت: پایین بیایید این قبر امیرمؤمنان علیه السلام است. به او گفتم: این را از کجا دانستی؟ گفت: همراه امام صادق علیه السلام وقتی که در حیره بود چندین دفعه به اینجا آمدم و به من خبر داد که این قبر اوست.(3)

17. فرحه الغری: با اسناد پیشین از کلبی از چند تن از ابن عیسی مشابه آن را آورده.(4)

18. کامل الزیارات: عمرو بن طلحه گوید: امام صادق علیه السلام درحالی که در حیره بود فرمود: آیا آنچه را که خداوند وعدهات داده است، نمیخواهی؟ عرض کردم: آری، منظورش رفتن به سوی قبر امیرمؤمنان علیه السلام بود. راوی ادامه داد: او سوار شد و اسماعیل نیز همراه او سوار شد و من همراه آنان سوارشدم تا اینکه از ثویه گذشت و بین حیره و نجف در کنار ذکوات (تپههای کوچک) سفید بود او پایین آمد و اسماعیل و من نیز پایین آمدیم او سلام کرد و اسماعیل سلام کرد و من سلام کردم به اسماعیل گفت: قیام کن و بر جدت حسین بن علی سلام کن. عرض کردم

1- . کامل الزیارات: 33
2- . فرحه الغری: 11
3- . کامل الزیارات: 34
4- . فرحه الغری: 24

فدایت کردم حسین در کربلا نیست؟ فرمود: آری اما زمانی که سرش به شام برده شد یکی از غلامان ما آن را ربود و در جوار امیرمؤمنان علیه السلام دفن کرد.(1)

19. فرحه الغری: با اسناد پیشین از کلبی مشابه آن را آورده.(2)

20. کامل الزیارات: ابان بن تغلب گوید: همراه صادق علیه السلام بودم بر پشت قبری گذر کرد و دو رکعت نماز خواند سپس اندکی پیش رفت و دو رکعت نماز خواند و اندکی حرکت کرد و پایین آمد و دو رکعت نماز خواند سپس فرمود: این محل قبر امیرمؤمنان علیه السلام است. عرض کردم: فدایت کردم دو محلی که در آنها نماز خواندی چیست. فرمود: محل سر حسین علیه السلام و محل منبر قائم است.(3)

21. فرحه الغری: با اسناد دیگری از کلینی از چندتن، از سهل مشابه آن را آورده.(4)

22. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که به غری آمدی دو قبر میبینی، قبری بزرگ و قبری کوچک، قبر بزرگ قبر امیرمؤمنان علیه السلام و قبر کوچک سر حسین بن علی علیه السلام است.(5)

23. کامل الزیارات: صفوان بن مهران از جعفر بن محمد علیه السلام گوید: درحالیکه همراه او بودم از قادسیه حرکت کرد تا به نجف نزدیک شد و فرمود: آن کوهی است که پسر جدم نوح علیه السلام به آن پناه برد و گفت: به کوهی پناه خواهم برد که مرا از آب حفظ کند پس خداوند تبارک و تعالی به او وحی کرد: ای نجف آیا از من به تو پناه برده میشود؟ پس در زمین نهان شد و به نواحی شام تکه تکه شد سپس فرمود: ما را متمایل کن پس متمایلش کردم پیوسته در حرکت بود تا اینکه به غری رسید و بر قبر ایستاد و سلام را از آدم بر تک تک انبیاء ادامه داد و

1- . کامل الزیارات: 24
2- . فرحه الغری: 24
3- . کامل الزیارات: 24
4- . فرحه الغری: 21

5- . كامل الزيارات: 34

من همراه او ادامه میدادم تا اینکه به سلام بر پیامبر صلّی الله علیه و آله رسید پس بر روی قبر افتاد و بر او سلام کرد و زاریاش بالا گرفت سپس قیام کرد و چهار رکعت خواند و من همراه او خواندم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا، این قبر چیست؟ فرمود: این قبر جدم علی بن ابی طالب علیه السلام است.(1)

توضیح: القطر با ضمه و دو ضمه ناحیه و سمت راست.

24. کامل الزیارات: حسن بن جهم گوید: برای ابوالحسن علیه السلام، جریان یحیی بن موسی و تعرضش بر کسی که بر سر قبر امیرمؤمنان علیه السلام میآید را ذکر کردم و اینکه او در محلی که ثویه خوانده میشود منزل میکند و در آنجا گردش میکند درحالی که قبر امیرمؤمنان اندکی بالاتر از آن است و آن محلی است که صفوان جمال روایت کرد که امام صادق علیه السلام برایش وصف کرده و در سخنانش به او فرموده: زمانی که به غری پشت کوفه رسیدی آن را پشت سرت قرار بده و به سوی نجف رهسپار شو اندکی به راست متمایل شو و چون به ذکوات (تپههای کوچک) سفید که ثنیه مقابل آن است رسیدی، آنجا قبر امیرمؤمنان علیه السلام است و من فراوان به آنجا میآیم و برخی از اصحاب ما این موضع قبر را قبول ندارند و میگویند: قبر در مسجد است و برخی میگویند آن در قصر است. پس به آنان پاسخ میدهم که خداوند نخواست که قبر امیرمؤمنان علیه السلام را در قصر در منازل ظالمان قرار دهد و نخواست که در مسجد دفن شود درحالیکه آنها خواستار پنهان کردنش بودند پس سخن کدام یک از ما درستتر است؟ عرض کردم: تو درستتر می گویی، زیرا سخن جعفر بن محمد صلّی الله علیه و آله را گرفتی. ادامه داد: سپس به من فرمود: ای ابومحمد کسی از اصحابمان را نمیبینم که سخن تو را بگوید و بر مذهب تو حرکت کند به او عرض کردم: فدایت گردم: آیا این از جانب خداوند نیست؟ فرمود: آری خداوند هرکه را بخواهد توفیق میدهد و بر آن مؤمن میکند پس به عقیده صحیح در مورد محل قبر مطهر قائل باش که این به توفیق خداست و او را بر آن حمد بگو.(2)

1- . کامل الزیارات: 35

2- . کامل الزیارات: 35

25. کامل الزیارات: با اسنادی از حسن بن جهم از او علیه السلام مشابه آن را آورده.(1)

26. کامل الزیارات: یونس بن ظبیان گوید: در روزهای ورود صادق علیه السلام بر منصور در حیره در شبی روشن مهتابی نزد او بودم به آسمان نگریست و فرمود: ای یونس آیا میبینی این ستارگان چه زیبایند، آگاه باش که آنها امانی برای آسمانیان و ما امانی برای زمینیان هستیم. سپس فرمود: ای یونس استر و الاغ را زین کن چون زین شد فرمود: ای یونس کدام یک از این دو برایت محبوبتر است استر یا الاغ؟ گوید: گمان کردم استر به جهت قدرتش پسندیدهتراست لذا عرض کردم: (من)الاغ (سوار می شوم تا حضرت استر را که قوی تر است سوار شوند). فرمود دوست دارم که دنبال من بیایی. عرض کردم چنین میکنم پس او سوار شد و من سوار شدم و زمانی که از حیره خارج شدیم فرمود: پیش بیا یونس، گوید: شروع کرد به گفتن اینکه راست برو، چپ برو، زمانی که به ذکوات (تپههای کوچک) سرخ رسیدیم فرمود: این همان مکان است. عرض کردم. بله. پس راست رفت. سپس محلی که در آن آب و چشمه بود را قصد کرد و وضو گرفت و به پشتهای نزدیک شد و کنار آن نماز خواند سپس برروی آن خم شد و گریست. سپس به پشتهای غیر از آن متمایل شد و مانند آن را انجام داد.

سپس فرمود: ای یونس نظیر آنچه که من انجام دادم را انجام بده، آن را انجام دادم و چون فارغ شدم به من فرمود: یونس این مکان را میشناسی؟ عرض کردم خیر، فرمود: مکانی که اول در آن نماز خواندم قبر امیرمؤمنان و پشته دیگر سر حسین بن علی علیهما السلام است. ملعون عبیدالله بن زیاد که نفرین خدا بر او باد زمانی که سرحسین بن علی را به سوی شام فرستاد به کوفه بازگردانده شد پس گفت آن را از آنجا خارج کنید که اهالی آن به وسیله آن فریب نخورند. پس خداوند آن را نزد امیرمؤمنان علیه السلام قرار داد پس سر همراه جسم و جسم همراه سر است.(2)

1- . کامل الزیارات: 36
2- . کامل الزیارات: 36

توضیح: این کلام امام علیه السلام که سر همراه جسم است یعنی بعد از اینکه سر در اینجا دفن شد خداوند آن را به جسم ملحق کرد و فقط به این جهت اینجا زیارت میشود و نماز خوانده میشود که زمانی محلی برای آن سر مبارک بوده است و به صورت بعید محتمل است که منظور از جسم امیرمؤمنان باشد که مانند جسمی برای این سر شریف است پس گویی که سر از بدن جدا نشده است. و خدا آگاه است.

27. فرحه الغری(1):

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که درحیره نزد ابی العباس بودم شبانه بر سر قبر امیرمؤمنان که در ناحیه نجف از حیره در کنار غری النعمان است میآمدم و در کنارش نماز شب میخواندم و قبل از فجر برمیگشتم.

28. کامل الزیارات: صفوان بن مهران گوید: از امام صادق علیه السلام درباره محل قبر امیرمؤمنان علیه السلام سؤال کردم. پس محل آن را برایم توصیف کرد که در آنجاست که میلهای انباشته است. گوید: به آنجا آمدم و نزدش نماز خواندم و مستقیم نزد امام صادق علیه السلام بازگشتم و او را از رفتنم و نمازم کنار او آگاه کردم فرمود: درست عمل کردی. پس بیست سال اقامت کردم و نزد او نماز میخواندم.(2)

توضیح: فیروزآبادی(3)

گوید: دکدک از شن چیزی است که فشرده و صاف شود. یا چیزی است که از آن به زمین بچسبد یا زمینی دارای ناهمواری است جمع آن دکادک است پایان. و بعید نیست که میل تصحیف رمل باشد و این مؤید آن است که ذکوات تصحیف دکوات باشد.

29. کامل الزیارات: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال کردم و عرض کردم: محل قبر امیرمؤمنان علیه السلام کجاست فرمود: غری، عرض کردم:

1- . فرحه الغری: 28

2- . كامل الزيارات: 37
3- . القاموس 3 : 302

فدایت گردم برخی از مردم میگویند: در رحبه مدفون است. فرمود: خیر، بلکه برخی ازمردم نیز گویند: در مسجد مدفون است.(1)

30. فرحه الغری: حسن خلال از قول جدش گوید: به حسن بن علی علیهما السلام عرض کردم: امیرمؤمنان را کجا دفن کردید؟ فرمود: شبانه او را خارج کردیم تا اینکه بر مسجد اشعث عبور کردیم و به سوی پشته در کنار غری خارج شدیم.(2)

31. فرحه الغری: حسن بن حسین بن طحال مقدادی رضی الله عنه ذکر کرد که زین العابدین علیه السلام وارد کوفه شد و در مسجد آن داخل شد و ابوحمزه ثمالی که از زاهدان کوفه و مشایخ آن بود در آنجا بود. پس دو رکعت خواند. ابوحمزه گفت: نیکوتر از لهجه او نشنیدهام پس نزدیک شدم تا بشنوم چه میگوید و شنیدم که میگوید: بارخدایا اگر از تو سرکشی کردهام اما در محبوبترین امور نزد تو، اقرار به وحدانیت تو از تو اطاعت کردهام به عنوان لطفی ازجانب تو بر من نه لطفی از جانب من بر تو. و سپس دعای معروف را گفت و برخاست.

ابوحمزه گوید: او را تا کاروانسرای کوفه دنبال کردم و بردهای سیاه پوست که اسبی نجیب و شتر با او بود را یافتم و گفتم: ای سیاه پوست، این مرد کیست؟ گفت: آیا شمائل او بر تو پنهان است؟ او علی بن حسین است. ابوحمزه گوید: بر روی پاهایش افتادم و بوسیدم پس با دستش سرم را بلند کرد و فرمود: نه یا اباحمزه. سجود فقط برای خداوند عزوجل است. عرض کردم: ای پسر رسول خدا چه چیزی تو را به سوی ما آورده است. فرمود: آنچه دیدی و اگر مردم از فضلی که در آن است آگاه بودند به سوی آن میآمدند هرچند بر روی زانو. آیا میخواهی همراه من قبر جدم علی بن ابی طالب را زیارت کنی؟ عرض کردم: آری. پس در سایه شترش حرکت کردم درحالی که برایم صحبت میکرد تا اینکه به غریین که بقعهای سفید است که مانند نور میدرخشد رسیدیم ازشترش پایین آمد و گونههایش را برآن به خاک مالید و فرمود: ای اباحمزه این قبر جدم علی بن ابی طالب علیه السلام است. سپس آن را با زیارتی زیارت کرد که اولش «سلام بر نام راضی خدا و

1- . کامل الزیارات: 37

2- . فرحه الغری: 12

سیمای درخشان او» است و سپس با او وداع گفت و به سوی مدینه رهسپار شد و من به کوفه بازگشتم.(1)

32. فرحه الغری: عبدالله بن ابو عبید بن زید گوید: جعفر بن محمد و عبدالله بن حسن را در غری کنار قبر امیرمؤمنان علیه السلام دیدم پس عبدالله اذان گفت و نماز اقامه کرد و جعفر بن محمد با او نماز خواند و شنیدم که جعفر علیه السلام میگوید: این قبر امیرمؤمنان است.(2)

33. فرحه الغری: صفوان جمال گوید: جعفر بن محمد را سوار کردم و زمانی که به نجف رسیدم فرمود: ای صفوان به چپ برو تا از حیره بگذری و به قائم برسی، گوید به مکانی که او برایم وصف کرد رسیدم و او پایین آمد و وضو گرفت سپس او و عبدالله بن حسن پیش رفتند و کنار قبری نماز خواندند و چون نمازشان را به پایان رساندند عرض کردم: فدایت گردم این قبر چه مکانی است؟ فرمود: این قبر علی بن ابی طالب است و آن قبری است که مردم در آنجا به نزدش میروند.(3)

34. فرحه الغری: ابوالفرج سندی گوید: زمانی که ابوعبدالله جعفر بن محمد به حیره آمد همراه او بودم، شبی فرمود: استری برایم زین کنید و سوار شد و من همراهش بودم تا اینکه به پشته رسیدیم و او پایین آمد و دو رکعت نماز خواند سپس کناری رفت و دو رکعت خواند سپس کناری رفت و دو رکعت دیگر خواند. عرض کردم: فدایت گردم. من دیدم که در سه محل نماز گزاردی. فرمود: محل نخست، محل قبر امیرمؤمنان علیه السلام، دومی محل سر حسین علیه السلام و سومی محل منبر قائم علیه السلام است.(4)

35. فرحه الغری: مبارک خباز گوید: امام صادق علیه السلام در زمانی که آمد و در حیره بود فرمود: استر و الاغ را زین کن. راوی گوید: سوار شد و من نیز همراه او سوار شدم تا اینکه وارد کناره رود شد سپس پایین آمد و دو رکعت نماز

1- . فرحه الغری: 16
2- . فرحه الغری: 20
3- . فرحه الغری: 20

4- . فرحه الغری: 21

خواند سپس اندکی پیش رفت و پایین آمد و دو رکعت خواند سپس پیش رفت و دو رکعت دیگر خواند و سوار شد و رجعت نمود: به او عرض کردم: فدایت گردم دو رکعت اول، دوم و سوم چیست؟ فرمود: دو رکعت اول محل قبر امیرمؤمنان علیه السلام، دو رکعت دوم محل سر حسین علیه السلام و دو رکعت سوم محل منبر قائم علیه السلام است.(1)

36. فرحه الغری: احمد بن محمد بن سعید از عبدالله بن محمد بن خالد با اسنادش مشابه آن را آورده.(2)

توضیح: فیروزآبادی(3)

گوید: الجرف با ضمه قسمتی از زمین است که سیل میشوید یا میخورد.

37. فرحه الغری: حسین بن ابی العلاء طائی گوید: شنیدم که پدرم ذکر کرد که جعفر بن محمد علیه السلام درحالی که غلامش با او بود بر روی دو شتر راهور به سوی حیره رفت و خبر در کوفه منتشر شد و چون روز دوم شد به غلام خود گفتم: برو و به فلان موضع بر سر راه بنشین، وقتی که ببینی دو جوان را که سواره آیند، بیا و مرا خبر کن. چون صبح شد غلام خبر آورد که اینک آمدند. برخاستم و بوریائی برداشتم و بر سر راه آن حضرت انداختم و بالشی بر روی حصیر گذاشتم و درخت خرمایی در آنجا بود. دو کوزه آب بر آن درخت آویختم و طَبق رطبی در آنجا گذاشتم- و آن درخت درخت خرمای صرفانه بود-؛ و چون آن حضرت نمودار شدند، استقبال کردم و سلام کردم. جواب فرمود و مرا تکریم نمودند. گفتم: ای سیّد و مولای من! ای فرزند رسول خدا! من از جمله موالیان شمایم و التماس دارم که نزد من ساعتی فرود آئید و شربت آب خنکی تناول فرمائید. آن حضرت پا را از زین گردانیدند و به زیر آمدند و بر وساده تکیه فرمود و به درخت خرما نظر کردند و فرمود که یا شیخ! این درخت خرما را به چه نام می خوانید؟ گفتم: یا ابن رسول اللَّه! این درخت را صرفانه می گویند. حضرت گفت: خدا تو را رحمت کند! و اللَّه این

1- . فرحه الغری: 21
2- . فرحه الغری: 22
3- . القاموس 3 : 123

درخت نامش عجوه است؛ درخت خرمائیست که حضرت عیسی در زیر آن متولّد شدند و حضرت مریم از خرمای آن درخت میل فرمود. پس حضرت فرمود: از این درخت از برای ما خرما بچین. چیدم و در طبقی گذاشتم و نزد آن حضرت آوردم. بسیار از آن میل فرمود. گفتم: فدای تو شوم من و پدرم و مادرم! این قبری که از جانب آن تشریف می آورید، قبر حضرت امام حسین است؟ فرمود: بلی و اللّه ای شیخ! اگر این قبر در مدینه می بود به قصد زیارت این قبر نیز حرکت می کردیم. گفتم: این قبری که در پشت کوفه است، قبر حضرت امیر المؤمنین است؟ فرمود: بلی و اللّه ای شیخ! و اگر این قبر در حوالی مدینه می بود هر آینه به قصد زیارت این قبر نیز حرکت می کردیم. بعد از آن سوار شدند و روانه شدند.(1)

38. فرحه الغری: معلی بن خنیس گوید: همراه صادق علیه السلام در حیره بودم به آنان فرمود: در صحرا برای من فرشی پهن کنید و برای معلّی کنار سرم پهن کنید پس آمد و سرش را بر بسترش انداخت و من بر بالینش آمدم و دیدم که خوابیده است، به من فرمود: ای معلی! عرض کردم. گوش به فرمانم، فرمود: آیا میبینی ستارگان چه زیبایند، عرض کردم: بله چه زیبایند. فرمود: آگاه باش که آنها امانی برای آسمانیان هستند و چون بروند آنچه که به آسمانیان وعده داده شد نزدشان میآید. و ما امانی برای زمینیان هستیم و چون برویم آنچه به زمینیان وعده داده شد نزدشان میآید. به آنان بگو: استر و الاغی برای من زین کنند. فرمود: بر استر سوار شو، عرض کردم: بر استر سوار شوم؟ فرمود: به تو میگویم سوار شو و تو به من میگویی بر استر سوار میشوم؟ راوی گوید: بر استر سوار شدم و او بر الاغ سوار شد به من فرمود: به سمت جلو، پس آمدیم تا به غریین رسیدیم به من فرمود: این دو همان هستند؟ عرض کردم: بله، فرمود: به سمت چپ برو، پس حرکت کردیم تا به محلی رسیدم، به من فرمود: پیاده شو و خود پیاده شد و به من فرمود: این قبر امیرمؤمنان علیه السلام است و او نماز خواند و من نیز خواندم.(2)

1- . فرحه الغری: 22
2- . فرحه الغری: 23

39. فرحه الغری: ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امیر مؤمنان علیه السلام کجا دفن شده است. فرمود: در قبر جدش نوح دفن شده، عرض کردم: قبر نوح کجاست؟ مردم میگویند: در مسجد است. فرمود: خیر، در پشت کوفه است.(1)

40. فرحه الغری: عمرو بن عبدالله طلحه به نقل از پدرش گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و همراه او رهسپار شدیم تا به غری رسیدیم و او نماز گزارد و به محلی آمد و نماز گزارد و به اسماعیل فرمود: برخیز و کنار سر پدرت حسین نماز بگزار، عرض کردم: آیا سرش به شام برده نشد؟ گفت: آری اما فلانی که از موالی ماست آن را ربود و آورد و در اینجا دفنش کرد.(2)

41. فرحه الغری: صفوان جمال گوید: جعفر بن محمد علیه السلام درحالی که در مکه بود زمانی که از او درباره قبر امیرمؤمنان علیه السلام سؤال کرد و این حدیث را با طول آن ذکر کرد تا اینکه فرمود: من و جعفر بن محمد علیهما السلام به قبر امیرمؤمنان علیه السلام رسیدیم و جعفر بن محمد علیهما السلام پایین آمد و گودالی حفر کرد و مقداری آهن نقش کرده از آن بیرون آورد که علامت قبر آن حضرت بود سپس مشکی آب برگرفت و برای نماز مهیا شد و چهار رکعت خواند سپس فرمود: برخیز صفوان و نظیر آنچه انجام دادم انجام بده و بدان که این قبر جدم امیرمؤمنان علیه السلام است و حدیث را ذکر کرد.(3)

توضیح: سطیحه یعنی مشک آب.

42. فرحه الغری: صادق علیه السلام فرمود: قبر علی علیه السلام در غری ما بین سینه و فرق سر نوح در سمت قبله است.(4)

43. فرحه الغری: صفوان گوید: من و یکی از دوستانم از کوفه خارج شدیم و بر جعفر بن محمد علیهما السلام وارد شدیم و از او درباره قبر امیرمؤمنان علیه

1- . فرحه الغری: 25
2- . فرحه الغری: 25

3- . فرحه الغری: 27
4- . فرحه الغری: 38

السلام سؤال کردیم، به ما فرمود: او نزد شما پشت کوفه در فلان محل است و برای ما توصیف کرد پس من و دوستم آمدیم آن را طلب کردیم و یافتیم. گوید: سپس آن حضرت را در فلان محل دیدیم، فرمود: بله آن همان است کنار ذکوات (تپههای کوچک) سفید.(1)

44. فرحه الغری: محمد بن احمد بن حسن جعفری گوید: در کتاب پدرم یافتم که مادرم از مادرش برایم حدیث گفت که جعفر بن محمد علیه السلام برایش حدیث گفت که امیرمؤمنان علیه السلام به پسرش حسن امر فرمود که برای او قبری در چهار محل در مسجد، رحبه، غری و دار جعده بن هبیره حفر کند و قصدش از این فقط این بود که کسی از دشمنانش از محل قبر او آگاه نشود.(2)

45. تهذیب الاحکام: ثمالی از امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی که برایم حدیث کرد گوید: در وصیت امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که مرا به سوی پشته بیرون ببرید و چون گامهایتان استوار شد و با بادی روبرو شدید مرا دفن کنید که آن اول طور سیناست پس چنین کردند.(3)

46. کتاب صفین تألیف نصر بن مزاحم: ابن نباته گوید: جنازهای برعلی علیه السلام در حالی که در نخیله بود گذشت پس فرمود: مردم درباره این قبر چه میگویند درحالی که در نخیله قبری بزرگ است که یهودیان اموات خود را اطراف آن دفن میکنند. پس حسن بن علی علیه السلام عرض کرد: میگویند: این قبر هود پیامبر است آنگاه که قومش از او سرکشی کرد، آمد و در اینجا وفات کرد. فرمود: دروغ گفتهاند زیرا من از آنان آگاهترم این قبر یهودا پسر یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بکر یعقوب است سپس فرمود: در اینجا کسی از کارآزمودگان نیست؟ پس پیرمردی کهنسال آوردند، فرمود: منزلت کجاست؟ گفت: بر ساحل دریا، فرمود: کجای جبل احمر؟ گفت: در نزدیکی آن. فرمود: قومت درباره آن چه میگویند؟ گفت: میگویند: قبر ساحری است. فرمود: دروغ گفتهاند آن قبر هود است و این قبر

1- . فرحه الغری: 38

2- . فرحه الغری: 38

3- . تهذیب 6: 34

یهودا پسر یعقوب است. از پشت کوفه هفتاد هزار بر درخشش خورشید و ماه محشور میشوند که بدون حساب وارد بهشت میشوند.(1)

تکمله: بدان که سابقاً در بین مردم درباره محل قبر امیرمؤمنان علیه السلام اختلاف بود و برخی از آنها میگفتند که وی در منزلش مدفون است و برخی دیگر میگفتند در حیاط مسجد و برخی دیگر میگفتند در کرخ بغداد مدفون است اما شیعه، سلف و خلف به نقل از ائمه خویش علیهم السلام بر این اتفاق داشت که او فقط در غری در محل معروف کنونی مدفون است و اخبار درباره آن متواتر است و سید بن طاوس درباره آن کتابی نوشت که آن را فرحه الغری نامید و اخبار و قصص فراوان دال بر مذهب مورد تأیید نقل کرد و بخشی از سخن درباره آن را در ابواب شهادت او علیه السلام بیان کردیم و امر واضحتر از این است که به بیان نیاز داشته باشد.

پس بدان که از اخبار پیشین روشن میشود که سر حسین علیه السلام، جسم آدم، نوح، هود و صالح صلوات الله علیهم نزد او مدفون هستند پس زیارت همه آنها بعد از زیارت او شایسته است و در خبر ابواسامه از امام صادق علیه السلام در باب فضیلت کوفه به زودی خواهد آمد که در آن قبر نوح، ابراهیم علیهما السلام و قبر سیصد و هفتاد نبی، ششصد وصی، و قبر سرور اوصیاء است و اگر ابراهیم علیه السلام و سائر انبیا و اوصیائی را که در جوار او هستند زیارت کند بهتر است.

تتمیم: دیلمی در ارشاد القلوب گوید: در خصوص دلیل واضح و برهان روشن بر اینکه قبر شریف او در غری است، چند وجه است: اول: تواتر شیعه امامیه اثنی عشری که خلف از سلف آن را روایت می کند، دوم: اجماع شیعه، و اجماع حجت است. سوم: اسرار و نشانههایی که نزد او حاصل شد و ظهور معجزات مانند بلند شدن شخص زمینگیر(فلج) و بازگشت بینایی نابینا و غیر آن.(2)

47. و از جمله آن خبری است که از عبدالله بن حازم روایت کرد که گوید: روزی همراه رشید از کوفه خارج شدیم و به ناحیه غریین حرکت کردیم و آهویی

1- . صفین نصر بن مزاحم: 142 چاپ مصر سال 1265
2- . ارشاد القلوب 2 : 234

دیدیم و بازها و سگها را بر او فرستادیم و ساعتی با آن در گریز بودند. سپس آهو به پشتهای پناه برد و بازها و سگان از او بازگشتند.

رشید از این امر تعجب کرد. سپس آهو از آن پشته پایین آمد و پرندگان و سگان به سوی او بازگشتند و آهو دوباره به سوی آن پشته بازگشت و بازها و سگان بار دیگر از او رجوع کردند. سپس این عمل را یک بار دیگر انجام داد. پس رشید گفت: به سوی کوفه بتازید و مسنترین آن را بیاورید. پس پیرمردی از بنی اسد آوردند. رشید گفت: به من بگو این پشته چیست؟ گفت: پدرم از پدرانش برایم حدیث گفت که میگفتند که این پشته قبر علی بن ابی طالب علیه السلام است که خداوند آن را حرمی قرار داده است که چیزی به آن پناه نمیبرد مگر اینکه امانش دهد.

پس هارون پایین آمد و آب خواست و وضو گرفت کنار آن پشته نماز خواند و دعا میکرد و میگریست و رویش را بر آن میمالید و امر کرد که قبهای با چهار در بنا شود پس بنا شد و تا ایام سلطنت عضدالدوله باقی ماند پس آمد و نزدیک به یک سال او و لشکریانش در آن راه اقامت کردند و در پی صنعتگران و استادان فرستاد و از اطراف آورده شدند و آن عمارت را خراب کرد و اموال بسیار زیادی صرف کرد و عمارت باشکوه و زیبایی ساخت که همان عمارتی است که قبل از عمارت امروزه بود.(1)

48. و از جمله آن این است که حکایت است که جمعی شبانه، در خفا برای زیارت امیر مؤمنان علیه السلام به سوی غری رهسپار شدند و گفتند: زمانی که به قبر شریف رسیدیم در آن زمان قبری بود که اطرافش سنگ بود و بنائی نداشت و این در فاصله بین آشکار کردن رشید و آباد کردن آن بود در حالی که یکی از ما قرآن میخواند و دیگری نماز و دیگری زیارت میکرد، شیری به ما روی کرد و وقتی به اندازه یک نیزه نزدیک شد برخی به دیگری گفتیم: از قبر دور شوید تا ببینیم چه میکند. پس از قبر شریف فاصله گرفتیم و شیرآمد و دستانش را بر قبر

1- . ارشاد القلوب 2 : 233

میمالید. پس مردی از ما رفت آن را مشاهده کرد و بازگشت و ما را آگاه کرد پس وحشتمان از بین رفت و همگی آمدیم و او را مشاهده کردیم که دستانش را بر قبر میمالد و در آن جراحتی است و یک ساعت پیوسته آن را مالید سپس از قبر دور شد و رفت و ما به جایی که بودیم بازگشتیم تا زیارت نماز و قرائت قرآن را کامل کنیم.(1)

میگویم: سپس وی رحمه الله بسیاری از قصههای مشتمل بر معجزات مرقد شریف او از جمله آنچه که در بالا ذکر کردیم را در کتاب تاریخ او علیه السلام آورده است که ما به جهت اجتناب از تکرار و ظهور امثال آن قصهها و امور غریب در هر عصر و زمان به گونهای که نیازی به ذکر آنچه که در زمانهای پیشین رخ داده است ندارد، ترک کردیم.

49. در روزگار ما درباره شفای بیماران، درمان اصحاب مصیبت و سلامتی نابینایان تعداد بی شماری حکایت شایع و منتشر شده است. و جمع بسیاری از ثقات به من خبر دادهاند که به هنگام محاصره مرقد شریف توسط رومیان که نفرین خدا بر آنان باد درسال 1034 هجری و حبس اهالی آن در شهر و بستن دروازهها بر آنان و تعرض برای دور کردن آنها با وجود اندک بودن تعداد و تجهیزات و کثرت محاصرهکنندگان و قدرت و شوکت آنها، زمانی طولانی نشستند و بر آنها چیره نشدند و با گلولههای کوچک و بزرگ بسان باران بر آنان میباریدند و بر هیچ یک ازآنها اصابت نمیکرد و کودکان در کوچهها منتظر افتادن آن بودند تا با آن بازی کنند تا اینکه دیدند که گلولهای بزرگ در آستین کنیزکی که دستش را برای حاجتی در یکی از سطوح بلند کرده بود وارد شد و از دامنش خارج شد و به وی اصابت نکرد.

و از یکی از صالحان فاضل از اهالی آن مرقد روایت میشود که وی در آن ایام امیرمؤمنان علیه السلام را در خواب دید درحالیکه در دستش سیاهی بود پس درباره آن از وی سؤال کرد فرمود: به جهت کثرت دفع سرب از شماست. و امور

1- . ارشاد القلوب 2 : 234

عجیبی که درباره آن واقعه نقل میکنند زیاد است و آنچه که در میان اهل مرقد مشهور است به گونهای است که هیچ از آنها آن را انکار نمیکند.

50. و از جمله آن قصه روغن است و آن این است که خزانهدار روضه مقدس علوی علیه السلام، مولای صالح پرهیزکار باتقوا، مولانا محمود بود و او به اصلاح لشکری که در شهر بود مشغول بود و لشکر به مشعلهای زیادی برای حفاظت اطراف حصار مشغول بودند و چون امر به تنگنا افتاد و در بازار و خانهها هیچ روغنی نماند از حوضهایی که برای روشن کردن روضه و حوالی آن، در آنها روغن میریختند به آنها داد و بعد از اتمام تمامی آنچه که در حوضها بود و یأسشان از دسترسی به آن از مکانی دیگر به سوی آنها بازگشتند و آن ها را مملو از روغن یافتند و از آن گرفتند و برای رفع حاجتشان کفایتشان کرد.

51 : و از جمله آن اینکه آنها در شبها بر روی دیوارها و اطراف عمارات و منارهها نور درخشان واضحی میدیدند به گونهای که اگر انسان دستش را به سمت آسمان بلند میکرد انگشتانش را مانند شمع روشن میدید و از یکی از بزرگان ثقات از غیر اهالی آن مشهد شنیدم که وی گوید: شبی در یکی از سطوح مرقد شریف خوابیده بودم نیمه شب بیدار شدم و نور را از جانب روضه مقدس، و از اطراف همه دیوارهای شهر ساطع دیدم. پس در شگفت شدم و دستم را بر چشمم کشیدم و نگاه کردم و مانند آن را دیدم و مردی که در کنارم خوابیده بود را بیدار کردم و او نیز مانند آنچه که دیده بودم را به من گفت و زمانی طولانی چنین باقی ماند سپس بالا رفت.

و از یکی از ثقات نیز شنیدم که گفت: شبی بر روی یکی از سطوح شهر شریف در خواب بودم و بیدار شدم و دیدم ستارهای از آسمان از مقابل قبه بلند پایین آمد تا اینکه به آن رسید و چندین مرتبه دور آن طواف کرد به گونهای که میدیدم از سمتی غایب میشود و از سمتی دیگر ظاهر میشود سپس به سوی آسمان بالا رفت.

52: و از امور مشهوری که در زمانی نزدیک به روزگار ما وقوع یافت این است که جمعی از صالحان بحرینی برای زیارت حسین علیه السلام، برای رسیدن به

بعضی زیارات مخصوص آمدند و تأخیر کردند و به آن نرسیدند و در آن روز به غری رسیدند و روزی بارانی و گلی بود و مولانا محمود درهای روضه مقدسه را به این جهت بسته بود پس نزد او آمدند از او خواستند که برای آنها باز کند اما او امتناع کرد و پوزش خواست و گفت: از پشت پنجره زیارت کنید. پس بر در آمدند و تضرع کردند و به خاک افتادند و گفتند: از زیارت فرزندت محروم شدیم از زیارت خودت محروممان نکن که ما از شیعیان تو هستیم و از راه دوری آمدهایم درحالیکه آنها چنین بودند قفلها افتاد و درها گشوده شد و داخل شدند و زیارت کردند و این در میان اهالی مرقد و در میان اهالی بحرین بی نهایت مشهور است.

53: و از جمله آن چیزی است که اخبار به تواتر آن را آورده و اشعار به نظم کشیده است و در تمامی نواحی و بخشها شایع شده و بسان خورشید در وسط روز مشهور شده است و به تاریخ کتابت در سال هزار و هفتاد و دو نزدیک است و چگونگی آن واقعه بر اساس آنچه که از ثقات شنیدم این است که در مشهد غروی پیرزنی به نام مریم بود و به عبادت و تقوی معروف بود، او به شدت بیمارشد و بیماریاش به درازا کشید تا اینکه زمین گیر و بیماری او مزمن شد و نزدیک به دوسال چنین باقی ماند تا اینکه بیماری او و مزمن بودنش در غری مشهور شد.

او در شب نهم رجب برای رفع مصیبتش به سوی خداوند متعال تضرع کرد و از مولایمان امیرمؤمنان علیه السلام شفاعت خواست و درباره آن به او شکایت کرد و به خواب رفت و در خواب سه زن را دید که بر او وارد میشوند و یکی از آنها در نور و درخشش مانند ماه شب چهارده بود، به او گفتند: نترس و محزون نباش که فرج تو در شب دوازدهم از ماه مبارک است. پس او خوشحال بیدارشد و رویایش را برای کسی که بر بالینش حاضربود نقل کرد و منتظر شب دوازدهم رجب بود و آن شب سپری شد و چیزی ندید و منتظر شب دوازدهم شعبان شد و باز چیزی ندید و چون شب نهم از ماه رمضان شد در خواب همان زنان را دید درحالیکه به او بشارت میدادند و می گفتند: چون شب دوازدهم از این ماه شد به سوی روضه امیرمؤمنان علیه السلام برو و به دنبال فلانی، فلانی و فلانی برو و زنانی که او میشناخت و تا زمان این تحریر زنده هستند را برایش نام بردند و همراه کسی که با

توست به سوی آنان برو و چون صبح کرد خوابش را نقل کرد و شادمان و مسرور از آن باقی ماند تا اینکه آن شب رسید و به شستن لباس و تطهیر بدنش امر کرد و به دنبال آن زنان فرستاد و آنها را فرا خواند و آنان اجابتش کردند و او را سواره بردند زیرا او قادر به راه رفتن نبود، زمانی که به ربع شب نزدیک شد یکی از آنها عذرخواهی کرد و دو نفر همراه او ماندند و تمامی کسانی که در روضه مقدس حاضر بودند رفتند و درها بسته شد و در رواق کسی جز آنان نبود و زمانی که وقت سحر شد دو زن قصد خوردن سحری یا کشیدن تنباکو داشتند اما از ضریح مقدس شرم کردند و او را کنار پنجره مقابل ضریح مقدس در سمت قبله ترک کردند و به دری که درجهت پشت امام علیه السلام بود و به صحن باز میشد و پشتش پنجرهای بود رفتند و در آنجا وارد شدند و در را برای قصدشان بستند و بعد از رفع نیاز زمانی که به سوی آن زن بازگشتند او را در محلی که افتاده ترکش کرده بودند نیافتند و متحیر شدند و به چپ و راست رفتند و او را دیدند که در نهایت صحت و استواری راه میرود، پس درباره حالش و آنچه که بر او گذشته است سؤال کردند و او به آنان خبر داد که زمانی که شما از من دور شدید آن زنانی که در خواب دیده بودم را مشاهده کردم که روی کردند و مرا بلند کردند و در قبه منور داخل کردند درحالیکه نمیدانم چگونه و از کجا داخل شدم و زمانی که به ضریح مقدس نزدیک شدم صدایی از قبر شنیدم که میگوید: زن صالح را حرکت دهید و او را سه مرتبه طواف دهید و پس مرا سه مرتبه دور آن طواف دادند.

سپس صدای دیگری شنیدم که زن صالح را از باب فرج بیرون ببرید پس مرا از سمت غربی که پشت سر کسی است که بین دو باب موازی سر و پشت در پنجرهای که مانع از عبور است و قبل از آن به این اسم معروف نبود بیرون آوردند ادامه داد و الان از نزد من رفتهاند و شما نزد من آمدهاید و من چیزی از بیماری، درد و ضعفی که بر من بود را نمیبینم و در نهایت سلامتی و قدرت هستند. زمانی که آخر شب شد خزانهدار حضرت شریف آمد و درها را گشود و آنها را دید که راه میروند در حالی که هیچ از آنان متمایز نیست. و من از مولای صالح متقی، مولانا محمد طاهر که کلیددار روضه مقدسه است و از جمع زیادی از صالحانی که در آن شب در

حضور شریف او بودند شنیدم که آنها در اول شب او را به هنگام ورودش بر روی دست دیدند و در آخر شب به هنگام خروجش وی را دیدند که در بهترین وجه ممکن راه میرود. حمد از آن خداست بر ظهور کرامت امیر مؤمنان علیه السلام تا دل دوستانش شاد و پوزه دشمنانش به خاک مالیده شود و امثال آن بسیار است و اگر بخواهیم ذکر کنیم کتاب به درازا می کشد.

باب سوم : فضیلت زیارت و نماز نزد مقبره امیرالمؤمنین علیه السلام

روایات:

ص: 348

1. أمالی طوسی: امام صادق علیه السلام فرموده است: خداوند هیچ مخلوقی را از جهت تعداد بیشتر از فرشتگان نیافریده است، همانا خداوند هر روز هفتاد هزار فرشته را فرو میفرستد که به سوی بیت المعمور میآیند و در اطراف آن به طواف میپردازند، زمانی که بیت المعمور را طواف کردند فرو میآیند و کعبه را طواف میکنند،پس از آن به سوی قبر پیامبر صلّی الله علیه و آله میآیند و بر او سلام میفرستند، سپس نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام میآیند و بر او سلام میفرستند، آنگاه نزد قبر حسین علیه السلام میآیند و بر او سلام میفرستند، در نهایت به سوی آسمان باز میگردند، فرشتگانی همانند آنها تا روز قیامت این کار را تکرار میکنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی مقبره امیرالمؤمنین را زیارت کند در حالی که آگاه به حق او باشد نه از روی اجبار و تکبر، خداوند ثواب صد هزار شهید را برایش ثبت میکند، گناهان گذشته و آیندهاش را میبخشد و در زمره افراد دارای امنیت محشور میگردد، حسابرسی به اعمال او آسان خواهد بود و فرشتگان به پیشواز او خواهند آمد، و هنگامی که قصد بازگشت داشته باشد فرشتگان او را تا منزلش همراهی میکنند، اگر مریض شود از او عیادت میکنند و اگر بمیرد برای او طلب بخشش میکنند و او را تا مزارش همراهی میکنند، همچنین فرموده است: کسی که مقبره حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که آگاه به حق او باشد، خداوند ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را برایش ثبت و تمامی گناهان گذشته و آیندهاش را میبخشد.(1)

2. نظیر این روایت از مفید نقل شده است.(2)

3. کامل الزیاره: از أبووهب القصری روایت شده که گفت: وارد مدینه شدم و نزد امام صادق علیه السلام رفتم و گفتم: فدایت گردم، به سوی تو آمدم در حالی که مقبره امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت نکردم، فرمود: کار بدی انجام دادی، اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمیکردم، آیا زیارت نمیکنی مقبره کسی را که خداوند

-1 . أمالی الطوسی1 : 218
-2 . أمالی الطوسی1 : 218

همراه با فرشتگان، او را زیارت می کند و پیامبران و مؤمنان آن را زیارت میکنند؟ گفتم: فدایت گردم این را نمیدانستم، فرمود: پس بدان همانا امیرالمؤمنین نزد خداوند برتر از تمامی امامان میباشد، و ثواب کارهای امامان متعلق به اوست و به اندازه اعمالشان دارای برتری هستند.(1)

4. کامل الزیاره: از مفضل بن عمر روایت شده که گفت: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و گفتم: من مشتاق غریّ هستم. فرمود: دلیل اشتیاقت به آن چیست؟ به ایشان گفتم: من دوست دارم که امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کنم، امام به من فرمود: آیا فضیلت زیارت ایشان را میدانی؟ گفتم: خیر ای فرزند رسول خدا، پس امام فضیلت زیارت امیرالمؤمنین را به من آموخت و فرمود: هرگاه خواستی مقبره امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کنی، بدان که تو زائر استخوانهای آدم و بدن نوح و جسم علی بن أبی طالب علیهم السلام هستی، گفتم: همانا آدم به هنگام طلوع خورشید و در منطقه سرانديب فرود آمد و گمان کردند که استخوانهایش در کعبه است، پس چگونه استخوانهایش در کوفه قرار گرفته است؟ فرمود: همانا خداوند پاک و بلند مرتبه به نوح علیه السلام در حالی که در درون کشتی بود وحی فرمود که هفت روز به دور خانه طواف کند، ایشان هم همان گونه که خداوند به او وحی کرده بود هفت روز به دور خانه طواف کرد، سپس تا زانو وارد آب شد و تابوتی را بیرون آورد که استخوانهای آدم علیه السلام در درون آن بود، آنگاه تابوت را به درون فضای خالی کشتی برد تا زمانی که خانه را به اندازهای که خدا میخواست طواف کرد، سپس از قسمت میانی مسجد کوفه وارد درگاه کوفه شد، آنجا بود که خداوند خطاب به زمین فرمود: «ابلعی مائک» {آب خود را فرو خور}، پس آب خود را از درون مسجد کوفه فرو خورد همانگونه که آب از درون مسجدش پدیدار گشته بود، افرادی که همراه نوح در درون کشتی بودند همگی پراکنده شدند، پس نوح، تابوت را گرفت و آن را در غری دفن کرد، و غری بخشی از کوهی است که خداوند بر روی آن با موسی سخن گفت، عیسی را مقدّس گرداند،

-1 . كامل الزياره: 38

ابراهیم را به دوستی برگزید و محمّد را به عنوان محبوب خود انتخاب کرد، و آن را برای پیامبران محل سکونت قرار داد، خداوند بعد از دو پدر پاکش یعنی آدم و نوح کسی را بزرگوارتر از امیر المؤمنین در آن ساکن نکرده است، صلوات خداوند بر همه آنها باد، سپس هنگامی که اطراف نجف را زیارت کردی استخوانهای آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام را نیز زیارت کن، همانا زیارت کننده پدران نخستین، محمّد خاتم پیامبران صلّی الله علیه و آله و علی سرور سفارش کنندگان هستی، کسی که آنها را زیارت کند به هنگام دعا خواندن درهای آسمان به رویش گشوده می شود، پس از انجام عمل خیر غافل مباش.(1)

5. فرحه الغری: نظیر این حدیث از ابن أبی الخطاب روایت شده است.(2)

توضیح: فرموده امام علیه السلام: (بعد أبویه) یعنی: بعد از زمان دفن دو پدرش، که منافاتی با برتری امام علی علیه السلام بر آن دو ندارد، و چه بسا صدور امثال این سخن به جهت ضعف فکری مردم و ترس بر افراد ضعیف شیعه و یا تقیه در برابر مخالفان باشد، این در حالی است که احادیث - مستفیض - بسیاری داریم که امامان ما علیهم السلام برتر از تمامی پیامبران غیر از پیامبرمان محمد صلّی الله علیه وآله میباشند.

6. کامل الزیاره: امام صادق علیه السلام فرموده است: امام حسن علیه السلام از رسول خدا صلّی الله علیه و آله پرسید: ای پدر بزرگوار، پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: ای فرزند دلبندم، هر کسی که در حال حیات یا مرگ، من یا پدرت را زیارت کند، شایسته است خداوند اجازه دهد من او را در روز قیامت ببینم و او را از گناهانش نجات بخشم.(3)

7. کامل الزیاره: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند ولایت ما را بر جهانیان عرضه کرد و جز اهل کوفه کسی آن را نپذیرفت، در اطراف کوفه مقبرهای

1- . کامل الزیاره: 38
2- . فرحه الغری: 29

3- . كامل الزياره: 167

است که اگر فردی گرفتار نزد آن برود و در کنارش چهار رکعت نماز بخواند، خداوند او را خوشحال بر میگرداند در حالی که آرزویش برآورده شده است.(1)

8. فرحه الغری: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا در اطراف کوفه مقبرهای است که هیچ فرد گرفتاری نزد آن نیامده و دو رکعت یا چهار رکعت نماز گزارده باشد، مگر این که خداوند گرفتاریاش را برطرف نموده و نیازش را برآورده کرده است، گفتم: مقبره حسین بن علی؟ امام با اشاره سر جوابم را داد: خیر، پس گفتم: مقبره امیرالمؤمنین، با اشاره سر فرمود: بله.(2)

9. فرحه الغری: امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کسی که با پای پیاده مقبره امیر المؤمنین را زیارت کند، خداوند در برابر هر گامی که بر میدارد ثواب یک حجّ و یک عمره را برایش ثبت میکند، اگر با پای پیاده از زیارت برگردد، در برابر هر گامی که بر میدارد ثواب دو حج کامل و دو عمره برایش ثبت میگردد.(3)

10. فرحه الغری: امام صادق علیه السلام بودم، ایشان از امیرالمؤمنین علیه السلام یاد کرد و فرمود: ای ابن مارد، هر کسی مقبره جدّم را زیارت کند در حالی که به حق آن آگاه است، خداوند در برابر هر گام او ثواب یک حج مقبول و یک عمره تأیید شده را برایش ثبت میکند، ای ابن مارد، به خدا سوگند، خداوند پایی را که در راه زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام چه به صورت پیاده یا سواره بر روی آن گرد و غبار نشسته باشد طعمه آتش جهنم نمیکند، ای ابن مارد، این حدیث را با آب طلا بنویس.(4)

توضیح: شاید نوشتن حدیث با آب طلا بیانگر شدت توجه به جایگاه آن و اهتمام در عمل به آن باشد، بعید نیست که ظاهر این سخن دالّ بر برتری به آب طلا

1- . فرحه الغری: 27
2- . فرحه الغری: 27
3- . فرحه الغری: 30
4- . فرحه الغری: 30

نوشتن احادیث به طور مطلق یا احادیث کمیاب، که شامل فضایل غریب است، و خداوند آگاه است.

11. فرحه الغری: عمر بن عبدالله بن طلحه الفهدی از پدرش روایت میکند که گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتم، ایشان فرمود: ای عبدالله بن طلحه آیا نزد مقبره پدرم حسین نیامدهاید؟ گفتم: آری فدایت شوم، ما همیشه نزد آن میآییم، فرمود: آیا هر جمعه میآیید؟ گفتم: خیر، فرمود: آیا ماهی یک بار میآیید؟ گفتم: خیر، فرمود: ستم بزرگی روا میدارید، همانا زیارت مقبره پدرم معادل یک حج کامل و یک عمره است و زیارت مقبره پدر ایشان معادل دو حج کامل و دو حج عمره است.(1)

شیخ طوسی این حدیث را در التهذیب(2)

روایت کرده است.

12. فرحه الغری: از حسان بن مهران روایت شده که جعفر بن محمد علیهما السلام فرمود: ای حسان، آیا قبر شهیدان مدفون در سمت خود را زیارت میکنی؟ گفتم: کدام شهیدان؟ فرمود: علی و حسین، گفتم: همانا ما آنها را زیارت میکنیم و بسیار زیارت میکنیم. فرمود: آنان شهیدانی هستند که نزد خدا روزی میخورند، پس زیارتشان کنید و در کنار قبر آنها به گریه و زاری بپردازید و خواستههایتان را نزد مقبره آنها بیان کنید، اگر ما به ایشان نزدیک بودیم چنان که شما (اهل کوفه) نزدیکی هستید، راه هجرت در پیش میگرفتیم (متوطن میشدیم).(3)

توضیح: این فرموده امام علیه السلام: «لاتّخذناهم هجره» یعنی به سوی آنها هجرت میکردیم و وطنمان را در کنار آنها اختیار میکردیم، این حدیث بر برتری داشتن مجاورت در کنار مقبره آنها دلالت میکند، و سخن در این باره گفته خواهد شد.

13. فرحه الغری: امام صادق علیه السلام فرمود: در قسمت پشتی کوفه مقبرهای است که اگر فردی بیمار یا معیوب به آن پناه ببرد، خداوند حتما او را شفا

1- . فرحه الغرى: 32
2- . التهذيب 6 : 21
3- . فرحه الغرى: 32

میبخشد.(1)

و شیخ مفید آن را در مزارش بیان کرده است، اما آن را مستنداً ذکر نفرموده و گفته است: منظور مقبره امیرالمؤمنین علیه السلام است.

14. فرحه الغری: از أبو شعیب خراسانی روایت شده که گفت: به امام رضا علیه السلام گفتم: کدام یک برتر است: زیارت مقبره امیر المؤمنین علیه السلام یا زیارت مقبره حسین علیه السلام؟ فرمود: همانا حسین در رنج و ناراحتی به قتل رسید، پس شایسته است که هیچ فرد رنجور و ناراحتی نزد مقبره حسین نیاید مگر این که خداوند رنج و ناراحتی او را برطرف نماید، و فضیلت زیارت مقبره امیرالمؤمنین بر زیارت مقبره حسین همچون فضیلت امیرالمؤمنین بر حسین است، سپس به من فرمود: کجا زندگی میکنی؟ گفتم: کوفه. فرمود: همانا مسجد کوفه خانه نوح است، اگر فردی صد بار وارد آن شود، خداوند صد بار مغفرت برای او مینویسد، زیرا دعای نوح علیه السلام در آن است آنگاه که فرمود: «ربّ اغفر لی و لوالدیّ و لمن دخل بیتی مؤمناً» {پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم را و همه کسانی را که مؤمنانه و باورمندانه به خانه من در میآیند بیامرز}، گفتم: منظورش از پدر و مادرش کیست؟ فرمود: آدم و حوا.(2)

15. مجالس المفید: از ابوبصیر روایت شده که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرماید: همانا ولایت ما همان ولایت خداوند عزّ و جلّ است که هیچ پیامبری را نفرستاد مگر با آن ولایت، همانا خداوند متعال ولایت ما را بر آسمانها، زمین، کوهها و مردمان عرضه کرد، اما هیچ یک از مردم به مانند مردم کوفه آن را نپذیرفتند، در اطراف کوفه مقبرهای است که هیچ فرد گرفتاری نزد آن نمی آید مگر اینکه خداوند گرفتاری او را برطرف کرده، دعایش را اجابت و او را شادمان و خوشحال نزد خانواده اش باز میگرداند.(3)

میگویم: بعضی از احادیث در باب فضیلت زیارت پیامبرصلّی الله علیه و آله نقل شده و بعضی دیگر در بخش زیارتهای امیر المؤمنین علیه السلام خواهد آمد.

ص: 354

1- . فرحه الغری: 38 و التهذیب 6 : 34

2- . فرحه الغرى: 40
3- . مجالس المفيد: 72

16. دیلمی رحمه الله در کتاب ارشاد القلوب(1) گوید: امام صادق علیه السلام میفرماید: همانا درهای آسمان به هنگام ورود زائر امیرالمؤمنین علیه السلام گشوده میشود.

17. و در المزار الکبیر از اسحاق بن عمار روایت شده که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: یک عرب بادیه نشین نزد رسول خداوند آمده و خطاب به رسول خدا صلّی الله علیه وآله گفت : همانا منزل من از منزل شما دور است حال آنکه مشتاق شما و زیارتتان میباشم، نزدتان میآیم ولی شما را نمی یابم، در عوض علی بن أبی طالب علیه السلام را مییابم، پس مرا با گفتار و موعظههایش همراه میسازد و من بر میگردم در حالی که در حسرت دیدار شما میباشم. پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود: هر کس علی علیه السلام را زیارت کند همانا مرا زیارت کرده و هر کسی او را دوست بدارد مرا دوست داشته است، و هر کسی با او دشمن باشد با من دشمنی ورزیده است، این پیام را از طرف من به قومت برسان، و هر کسی به قصد زیارت نزد او بیاید، مانند آن است که به قصد زیارت نزد من آمده باشد، و به راستی من، جبرئیل و مومنان صالح در روز قیامت پاداش او را خواهیم داد.

باب چهارم : زیارت های مطلق امیرالمؤمنین علیه السلام که اختصاص به وقت معینی ندارد

روایات:

1. مصباح الزائر: زمانی که وارد چشمه کوفه شدی نیت کن که در آن غسل کنی، چرا که آن چشمه امیر المؤمنین علیه السلام است، در غیر این صورت در

1- . ارشاد الدیلمی 2 : 241

چشمههای دیگرغسل کن، ولی این چشمه از چشمههای دیگر برتر است، نیت این غسل مستحب است و تقرّب به خداوند متعال است، هنگام غسل کردنت میگویی: به نام خدا و به یاری خدا، خداوندا، این غسل را مایه روشنی، پاکی و در امان ماندن از هر ترس و شفای هر دردی قرار بده، خداوندا، من و قلبم را پاک گردان، سینهام را گشاده ساز و محبت و یادت را بر زبانم جاری ساز، سپاس و ستایش مخصوص خدایی است که آب را مایه پاک قرار داد، خداوندا مرا بندهای شکر گذار و اعتراف کننده به نعمتهایت قرار ده، خداوندا، قلبم را با ایمان زنده گردان، و مرا از گناهان پاک گردان، نیکویی را برای من رقم بزن و خیرات را نزد خود برایم بگشا، ای شنونده دعا، و صلوات فراوان خداوند بر محمد و خاندان او باد. و همچنین در حالی که غسل میکند میگوید: با نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا، خداوندا، بر محمد و خاندان او درود فرست و قلبم را پاک، عملم را تزکیه، چشمم را منور گردان، و این غسل را مایه پاکی و حافظ و شفا دهنده از تمامی دردها، بیماریها، آفتها و رنج ها و شرّ هر آنچه که از آن بیمناکم قرار بده، همانا تو بر هر چیز توانایی، خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از تمامی گناهان و اشتباهات و خطاها پاک کن، و جسم و قلبم را از تمامی آفات که دینم با آن از بین میرود پاک گردان، و عملم را خالص برای خودت قرار ده، ای مهربانترین مهربانان، خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست و او را شاهد من در روز نیاز و فقر و رنجم قرار ده، همانا تو بر هر چیز توانایی.

و بخوان: «إنّا أنزلناه فی لیله القدر» {همانا ما آن را در شب قدر نازل کردیم}، هنگامی که غسل را به پایان رساندی بهترین لباست را بپوش و بگو: خداوندا لباس تقوا بر من بپوشان، و در دنیا و آخرت مرا بیامرز، و به من رحم کن، سپاس خداوند را به خاطر این که ما را هدایت کرد و شکر فقط مخصوص اوست به جهت این که ما را برتری بخشید.(1)

1- . مصباح الزائر: 31

2. کامل الزیاره: امام رضا از پدرش امام کاظم روایت کرده که امام صادق علیهم السلام فرمود: زین العابدین علی بن حسین علیهما السلام مقبره امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کرد و در کنار آن ایستاد، سپس گریه کرد و فرمود: ای امیر المؤمنین، سلام و درود و برکات الهی بر تو باد، سلام بر تو باد ای امین الهی و ای حجت خدایی بر بندگان روی زمین، گواهی میدهم که همانا تو آنگونه که شایسته جهاد الهی است در راه خدا جهاد کردی، به کتاب الهی عمل کردی، و از سنت پیامبرش صلّی الله علیه و آله پیروی کردی تا زمانی که خداوند تو را نزد خویش فرا خواند، و وفات تو و رفتنت به سوی خدا به اختیار و اراده او بوده است، خداوند با به شهادت رسیدن تو حجت را بر دشمنانت تمام کرد، حال آنکه در وجود تو دلایل آشکاری برای تمامی مخلوقاتش نمود پیدا کرده است، پس خدایا نفس مرا به تقدیر خودت مطمئن، به قضایت راضی و به یاد و دعای خودت حریص گردان، چنان مقدر دار که اولیای برگزیدهات را دوست بدارد، در آسمان و زمین تو محبوب باشد، به هنگام نزول بلای تو صابر و در برابر نعمتهای فراوانت شکرگزار باشد، نعمتهای فراوانت را یادآوری کند و مشتاق به شادی حاصل از دیدار تو باشد، برای روز قیامت تقوای فراوان ذخیره کند، تابع سنت اولیای تو باشد و از کردار دشمنانت به دور باشد و با به جای آوردن شکر و یاد تو از دنیا غافل بماند.

سپس گونهاش را بر روی قبر نهاد و فرمود: خداوندا، همانا قلبهای افراد متواضع و مخلص به سوی تو در حال پر پر زدن، راههای افراد متمایل به تو بیشمار، نشانههای قاصدان به سوی تو واضح و آشکار، قلبهای عارفان برای تو در تب و تاب، و صداهای دعوتگران به سوی تو اوج گرفته و درهای اجابت برای آنها گشوده شده است، و فریاد کسی که تو را میخواند اجابت میشود و توبه کسی که به سوی تو توبه میکند مورد قبول واقع میشود، اشک کسی که از ترس تو گریه میکند مورد لطف واقع میشود، یاری برای کسی که از تو طلب یاری میکند موجود و کمک برای کسی که از تو طلب کمک میکند فراهم است، و وعدههای تو به بندگانت محقق میشود، لغزشهای کسی که از تو طلب بخشش کرده بخشیده میشود، کردار نیکوکاران نزد تو محفوظ است، رزق و روزیِ مخلوقات از جانب تو نازل

میشود و نعمات افزون بر آن هم به آنها میرسد، گناه توبه کنندگان بخشیده میشود و نیازهای مخلوقاتت نزد تو برآورده میشود و هدایای درخواست کنندگان نزد تو فراهم است، و نعمات افزون بر آن هم بسیار میباشد و سفرههای کسانی که خواهن طعامند مهیّا و چشمههای تشنگان در نزد تو سرریز وجوشان است، خداوندا، پس به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام دعایم را بپذیر، ستایشم را قبول کن، پاداشم را به من ببخش و مرا به اولیائم برسان، همانا تو صاحب تمامی نعمت هایم، پایان تمامی آرزوهایم، و نهایت تمامی امیدهایم در حال حرکت و سکونم هستی، تو خدای من و سرور و مولایم هستی، اولیای ما را بیامرز، دشمنانمان را از ما دور کن، آنها را از آزار و اذیت ما منصرف کن، سخن حق را آشکار و آن را در اوج قرار بده و سخن باطل را مردود و آن را در پایینترین مرتبه قرار بده، همانا تو بر هر چیز توانایی.(1)

3. کامل الزیاره: محمد بن حسن بن ولید رحمه الله در آنچه که در کتابش بیان کرده و آن را کتاب الجامع نامگذاری کرده، از امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده که ایشان در کنار مقبره امیر المؤمنین علیه السلام عرضه می داشت: ای ولی خدا سلام بر تو باد، گواهی میدهم که همانا تو اولین مظلوم هستی و اولین کسی هستی که حقش (خلافت) پایمال شد، صبر پیشه ساختی و منتظر ماندی تا این که به دیدار پروردگارت شتافتی، و گواهی میدهم تو به عنوان شهید به دیدار پروردگارت نائل آمدی، خداوند قاتلان تو را به انواع عذاب مجازات کند و عذاب را بر آنها ادامه دهد، نزد تو آمدم در حالی که به حق تو آگاهم و به جایگاه تو بینایم، دشمن دشمنانت و کسانی که به تو ظلم کردهاند هستم، پروردگارم مرا در این راه قرار دهد اگر خدا بخواهد، ای ولی خدا گناهانم فراوان است، ای مولای من نزد پروردگارت مرا شفاعت کن، همانا نزد پروردگار برای تو جایگاهی مشخص، منزلتی عظیم و حق شفاعت وجود دارد، و خداوند متعال میفرماید: «و لا یشفعون إلّا لمن ارتضی»

1- . کامل الزیاره: 39

{آنان هرگز برای کسی شفاعت نمی کنند مگر برای آن کسی که (بدانند خدا از او خشنود است (و اجازه شفاعت او را داده) است}.(1)

4. الکافی: نظیر این حدیث از امام هادی علیه السلام روایت شده است.(2)

5. یکی از اصحاب ما نظیر این حدیث را از ایشان علیه السلام روایت کرده است.(3)

6. الکافی: کلینی همانند این حدیث را روایت کرده است.(4)

7. فرحه الغری: شیخ مفید از کلینی همانند این حدیث را روایت کرده است. (5)

توضیح: شاید منظور از شفاعت در این فرموده او: «اشفع لی إلی ربّک»: نزد پروردگارت برای من شفاعت کن)، در درجه اوّل طلب مغفرت در این حالت باشد، ثانیاً منظور از شفاعت در این آیه: «ولا یشفعون إلّا لمن ارتضب» {و برای کسی شفاعت نمیکنند مگر کسی که خداوند در قیامت اجازه شفاعت او را داده باشد} یعنی: در حال حاضر برایم طلب بخشش کن تا قابلیت شفاعت تو را در قیامت بیابم، احتمال دارد که معنا این گونه باشد: برای من شفاعت کن، چرا که تمامی کسانی که شما برای آنها شفاعت کردید همان کسانی هستند که خداوند اجازه شفاعت آنها را صادر کرده است، و احتمال دارد که منظور، استشهاد به قرآن فقط برای واقع شدن شفاعت باشد نه افرادی که مورد شفاعت قرار میگیرند، و خداوند میداند.

8. کامل الزیاره: ابن ولید در آنچه که از کتاب جامعش بیان کرده، از امام موسی کاظم علیه السلام روایت میکند که فرمود: هرگاه خواستی با قبر امیرالمؤمنین خداحافظی کنی بگو: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد، تو را به خدا میسپارم و تحت حمایت الهی قرارت میدهم و سلام را بر تو میخوانم، به خدا و پیامبران و به آنچه که با خود آورده و به آن دعوت کرده و بر آن دلالت کردهاند ایمان آوردم،

1- . كامل الزياره: 41
2- 2. الكافی4 : 569
3- 3. الكافی4 : 569
4- 4. الكافی4 : 569
5- 5. فرحه الغری: 48

پس ما را با شاهدان به حساب آور، خداوندا، این زیارت را آخرین زیارت من از مقبره او قرار مده، پس اگر مرگ مرا قبل از آن مقرر فرمودی، همانا من در هنگام مرگم همراه با شاهدان شهادت میدهم بر آنچه که در زندگی بر آن شهادت میدادم، گواهی میدهم شما امامان هستید- و آنها را یکی یکی نام میبری - و گواهی میدهم کسانی که آنان را به قتل رساندند و با آنان جنگیدند مشرک هستند، و کسانی که علم آنها را نپذیرفتند و آنها را قبول نکردند در پایین ترین جایگاه جهنم قرار دارند، و گواهی میدهم همانا کسی که با آنان جنگید دشمن ماست و ما از آنها بیزاریم، و به راستی آنها گروه شیطان هستند. لعنت خداوند، فرشتگان و تمامی مردم بر کسانی که امامان را به قتل رساندند و بر کسانی که در قتل آنان با قاتلان شریک بودند و بر کسانی که کشته شدن آنها سبب خوشحالیشان شده است. خداوندا، بعد از صلوات و سلام از تو میخواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود بفرستی - و آنها را نام میبری - و این زیارت را آخرین زیارت من از مقبره او قرار ندهی، پس اگر آن را آخرین زیارت قرار دادی مرا همراه با اینان که امامان نامیده می شوند، محشور بفرما، خداوندا، قلبهایمان را با اطاعت، موعظه پذیری، محبت، پشتیبانی نیکو و تسلیم برای آنها رام و نرم گردان.(1)

توضیح: در شرح این فرموده امام علیه السلام: «أسترعیک» فیروز آبادی گفته است: «استرعاه إیاهم» یعنی: از او خواست که از آنان محافظت کند.(2)

9. فرحه الغری: امام باقر علیه السلام فرموده است: پدرم علی بن حسین علیهالسلام بعد از کشته شدن پدرش حسین بن علی علیه السلام چادری موئین را به عنوان منزل برگزید و در بیابان ساکن شد و به دلیل بیزاری از اختلاط با مردم و همنشینی با آنها چند سال در آنجا ماند، از بیابانی که در آنجا ساکن بود به عنوان زائر پدر و جدش علیهما السلام رهسپار عراق می شد بی آنکه کسی از این امر مطلع شود.

1- 1. کامل الزیاره: 46
2- 2. القاموس4 : 335

محمّد بن علی گوید: امام علیه السلام برای زیارت امیر المؤمنین علیه السلام همراه من به سوی عراق خارج شد و هیچ جانداری جز دو شتر همراهمان نبود، زمانی که به نجف از شهرهای کوفه رسید، به گریه افتاد تا جایی که محاسنش با اشکهایش خیس شد و فرمود: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای امیرمؤمنان، ای امین الهی و ای حجت خداوندی بر روی زمین خدا، ای امیرمؤمنان، گواهی میدهم که تو در راه خدا جهاد کردی آن گونه که سزاوار جهاد در راه خداست، به کتاب الهی عمل کردی، از سنتهای پیامبرش صلّی الله علیه و آله پیروی کردی تا زمانی که خداوند تو را نزد خود فرا خواند، شهادت تو و رفتنت به سوی پروردگار به اختیار او بوده است، بهترین ثوابش متعلق به توست، خداوند با شهادت تو حجت را بر دشمنانت تمام کرد حال آنکه در وجود تو دلایل فراوانی برای بندگانش نمایان شده است، خداوندا، بر محمّد و خاندانش درود بفرست و نفس مرا به تقدیر خود مطمئن، به قضایت راضی، به یاد و دعایت حریص، دوستدار اولیای برگزیدهات، محبوب در آسمان و زمینت، صابر به هنگام نزول بلایت، شکرگزار در برابر نعمت های بیشمارت، بیان کننده نشانههای فراوانت، مشتاق به شادی ملاقاتت، توشه تقوا برگرفته برای قیامت، پیرو سنت های اولیای خود، دوری کننده از رفتار و اخلاق دشمنانت و فارغ از دنیا با یاد و ثنای خود گردان.

سپس گونهاش را بر روی قبر نهاد و عرضه داشت: خداوندا، همانا قلبهای افراد متواضع و مخلص به سوی تو در حال پرپر زدن، راههای افراد متمایل به تو بیشمار، نشانههای قاصدان به سوی تو واضح و آشکار، قلبهای عارفان برای تو در تب و تاب، صداهای دعوتگران به سوی تو اوج گرفته و درهای اجابت برای آنها گشوده شده است، فریاد کسی که تو را میخواند اجابت و توبه کسی که به سوی تو توبه میکند مورد قبول واقع میشود، اشک کسی که از ترس تو گریه میکند مورد لطف واقع میشود، یاری برای کسی که از تو طلب یاری میکند موجود و کمک برای کسی که از تو طلب کمک میکند فراهم است، و وعدههای تو به بندگانت محقق میشود، لغزشهای کسی که از تو طلب بخشش کرده بخشیده میشود و کردار نیکوکاران نزد تو محفوظ است، رزق و روزی مخلوقات از جانب تو نازل میشود و

نعمات افزون بر آن هم به آنها میرسد، و پاداش اطعام خواهندگان آماده و مهیّاست، و چشمههای تشنگان جوشان و سرریز است، خداوندا، پس به حق محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام دعایم را بپذیر، ستایشم را قبول کن و مرا به اولیایم برسان، همانا تو صاحب تمامی نعمتهایم، پایان تمامی آرزوهایم و نهایت تمامی امیدهایم در عاقبت و بازگشتگاه من هستی.

جابر میگوید: امام باقر علیه السلام میفرماید: این کلام را هیچ از یک شیعیان ما نزد قبر امیرالمؤمنین یا نزد قبر یکی از امامان نگفته و با آن درخواست نکرده است مگر این که خواستهاش در طیفی از نور قرار گرفته و با مهر محمّد صلّی الله علیه و آله بر آن مهر نهاده شده و این چنین محفوظ خواهد ماند تا زمانی که به قائم آل محمد تسلیم شود، پس ایشان صاحب آن را با شادی، درود و بزرگداشت ملاقات خواهد کرد، إن شاء الله تعالی.

10. جابر میگوید: با امام صادق علیه السلام سخن میگفتم، ایشان به من فرمود: زمانی که با یکی از امامان خداحافظی کردی این را هم به دعاهای قبلی اضافه کن: سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد ای امام، تو را به خدا میسپارم و سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد، به پیامبر و آنچه که با خود آوردید و بدان دعوت نمودید ایمان آوردیم، خداوندا، این زیارت را آخرین زیارتم از مقبره ولیّ خود قرار مده، پروردگارا مرا از ثواب زیارت مزارش که بر آن واجب کردی محروم مگردان، و بازگشت به سوی آن را برایمان آسان ساز، إن شاء الله تعالی.(1)

گفتم: زیاراتی در کتاب المسّره از کتاب مزار بن أبی قره ذکر گردیده که اختصاص به روز غدیر دارد، و آن زیارتهای روز غدیر است که از جماعتی که به سوی او رحمه الله می رفتند روایت کردیم، و گفته است: محمد بن عبدالله به ما خبر داده است، و همانند دعای پیشین را ذکر کرده است.

1- 1. فرحه الغری: 14

سپس گفت: مولای ما امام صادق علیه السلام اومقبره امام علی علیه السلام را با ذکر

این الفاظ زیارت کرده است، که از تکرار آن به دلیل ترس از طولانی شدن کلام خودداری کردیم.

میگویم: جدّم ابو جعفر طوسی این زیارت را برای روز غدیر از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که مولای ما علی بن حسین علیهما السلام با آن زیارت کرده است، و در الفاظ آن اختلاف است و در آن خداحافظی ذکر نشده است، کلام سیّد به پایان رسید.

و میگویم: من آن را فقط به این دلیل اینجا آوردهام که آن در لفظ حدیث چیزی دالّ بر اختصاص آن به روزی خاص وجود ندارد.

11. فرحه الغری: امام باقر علیه السلام فرموده است: پدرم به سوی مقبره امیر مؤمنان در مجاز که ناحیهای از کوفه میباشد رفت، بر سر آن ایستاد و سپس گریه کرد و فرمود: سلام بر تو باد، و حدیث ادامه مییابد تا میرسد به: و ایشان صاحب آن را با بشارت، درود و بزرگداشت ملاقات خواهد کرد، إن شاء الله تعالی.(1)

توضیح: همانا ما این زیارت را به دلیل اختلاف در لفظ تکرار کردیم و اینکه این زیارت از جهت سند از صحیحترین زیارتها و از جهت مورد، عامترین آنها می باشد، این فرموده امام علیه السلام: «ألزم أعدائک الحجه» یعنی: خداوند با به شهادت رسیدن تو به دست آنان حجت را بر آنان تمام کرده است، همان طور که روایت قبلی به طور واضح به آن اشاره دارد، «مولعه» بنا به مفعول بودن یعنی: حریص، «المخبت» یعنی خاشع و متواضع، «الأعلام»: جمع «عَلَم» و آن چیزی است که در راه نصب می شود تا افراد رهگذر به راه هدایت شوند، «فازعه» یعنی ترسیده و بیمناک، «العوائد»: جمع «العائده» به معنای کار نیک و بخشش و منفعت، یعنی منافع و هدایایی که روز به روز افزایش مییابد، یا عواطفی که موجب افزایش ثواب و نعمتها میشود، «منهل» یعنی: آبشخوری که فرد تشنه بر آن وارد میشود، «مُترعه»: بروزن اسم مفعول از باب إفعال و بر وزن اسم فاعل «مُتّرِعه» از باب

1- 2. فرحه الغری: 13

افتعال است، گفته میشود: «أترعه» یعنی: آن را پُر کرد، و «اتَّرع» بر وزن «افتعل» یعنی: پُر شد، و «الدّرج» یعنی: چیزی که بر روی آن نوشته میشود، «فیتلقّی» یعنی: کاغذی که با نور بر آن نوشته شده را دریافت میکند، و شاید منظور ملاقات با امام زمان علیه السلام باشد که بعید به نظر میرسد، «ثواب مزاره» مصدر میمی است یعنی: ثواب زیارتش.

12. فرحه الغری: از یونس بن ظبیان روایت شده که گفت: زمانی که امام صادق علیه السلام وارد حیره شد نزد او رفتم و حدیثی را بیان کرد که آن را روایت کردیم، جز این که در آن روایت آمده: با ایشان همراهی کرد تا این که به جایی رسیدیم که میخواست، پس فرمود: ای یونس، چهار پاهایت را ببند، و من آنها را با هم بستم.

سپس دستهایش را بلند کرد و دعایی پنهانی خواند که من آن را نفهمیدم، سپس نماز را شروع کرد و در آن دو سوره کوتاه تلاوت فرمود و هنگام تلاوت صدایش را بالا برد، و هر کاری که ایشان انجام داد من نیز انجام دادم. سپس دعایی خواند که آن را فهمیدم، پس امام آن را به من نیز آموخت و فرمود: ای یونس، آیا میدانی اینجا کجاست؟ گفتم: فدایت شوم، خیر به خدا سوگند نمیدانم، فقط میدانم که در صحرا هستم، فرمود: این قبر امیر المؤمنین علیه السلام است، او و رسول خدا صلّی الله علیه و آله تا روز قیامت با هم ملاقات میکنند.

(دُعا): خداوندا، چارهای جز پذیرش دستور و فرمان تو و گردن نهادن به قضا و قدرت وجود ندارد، و هیچ تحوّل و نیرویی جز به یاری تو صورت نمیپذیرد، خداوندا، همراه قضا و قدری که بر ما حتمی گردانده و مقدّر فرمودهای به ما صبر عطا کن که بر آن چیره شود و آن را تحت سلطه خود درآورد، و آن را برای ما وسیلهای برای اوج گرفتن به سوی بهشت خود قرار ده که باعث رشد و افزایش نیکیها، برتریها، سروریها، شرافتها و بزرگیها، نعمتها و کرامتمان در دنیا و آخرت باشد، و از نیکیهای ما کم مکن، خداوندا، همراه عطایایی که به ما میبخشی و یا فضیلتی که ما را با آن برتری میبخشی و یا کرامتی که ما را با آن گرامی میداری،

قدرت شکرگزاری عطا فرما که بر آن چیره شود و تحت کنترل قرارش دهد،

و آن را برای ما وسیلهای جهت اوج گرفتن در بهشت تو و باعث افزایش نیکیها، سروریها، نعمتها و کرامتمان در دنیا و آخرت قرار ده، و آن را وسیله شرارت، سرکشی، فتنه، خشم، عذاب و ذلّت در دنیا و آخرت قرار مده. خداوندا، از لغزش زبان، جایگاه ناپسند و سبکی میزان اعمال به تو پناه میبریم، خداوندا، به هنگام مرگ ما را با نیکیهایمان رو به رو گردان، و مشاهده اعمالمان را سبب حسرت و اندوه قرار مده، و به هنگام داوری ما را خوار و ذلیل مگردان، و زمانی که به دیدار تو میآییم ما را به سبب گناهانمان رسوا مکن، و قلبهای ما را به گونهای قرار ده که تو را یاد کنند و تو را از یاد نبرند، از تو بترسند گویی که تو را میبینند تا زمانی که به دیدار تو نائل میآیند. خداوندا، گناهانمان را به حسنات مبدّل گردان و برای نیکیهایمان درجاتی قرار ده و درجاتمان را به شکل اتاقهایی قرار ده و اتاقهایمان را در مقام والا قرار ده. خداوندا، گشایشی در فقر ما ایجاد کن از آن فراخی که بر خودت واجب کردی، خداوندا، بر محمّد صلّی الله علیه و آله و خاندان او درود فرست و تا زمانی که ما را زنده نگاه میداری با هدایت، زمانی که ما را از دنیا بردی با کرامت، در مدت زمانی که از عمرمان باقی مانده است با محفوظ نگاه داشتن، در رزق و روزی با قرار دادن برکت، در مسؤولیّتهایی که بر دوش ما نهادهای با یاری دادن، و در احکامی که بر گردن ما نهادهای با ثبات بر ما منّت بگذار. خداوندا، ما را به جهت ظلممان بازخواست و به جهت جهلمان مجازات مکن و به جهت گناهانمان به سوی عذاب سوق مده. خداوندا، بهتر از آنچه که بر زبان میآوریم را در قلب هایمان ثابت گردان، ما را نزد خودت بزرگ و نزد نفسمان ذلیل گردان، و به واسطه آنچه به ما آموختهای به ما سود برسان و علم سودمند بر ما بیفزای، خداوندا، پناه میبرم به تو از قلبی که خاشع نمیگردد، از چشمی که نمیگرید و از نمازی که مورد قبول واقع نمیشود، خداوندا، ای ولیّ دنیا و آخرت، ما را از بدی فتنهها محفوظ بدار، لفظ این دعا را از خط شیخ طوسی از التهذیب نقل کردم.

13. گفت: از یونس بن ظبیان نظیر این حدیث روایت شده است.(1)

ص: 365

1- 1. فرحه الغری: 25، التهذیب6 : 35

توضیح: در نسخههایی که از تهذیب نزد ماست آمده است: (امیر مؤمنان علیه السلام و رسول خدا صلّی الله علیه و آله در روز قیامت به هم میرسند)، معنای این کلام این است که هر چند میان مقبرههای ایشان فاصله وجود دارد، ولی آن دو در قیامت از هم جدا نمیشوند، اما آنچه که در این نسخه ذکر شده آشکارتر است و معنایش این است که امام علی و پیامبر صلوات الله علیهما و آلهما هر چند به ظاهر از هم جدا هستند اما از هم جدا نمیباشند، بلکه ارواح آنها در برزخ تا به روز قیامت با هم ملاقات دارند و سپس در قیامت با بدنهایشان به هم میرسند.(1)

فیروزآبادی میگوید: «دمغه» بر وزن «منعه» و «نصره» یعنی: آن را شکافت تا جایی که شکاف به مغز سر رسید و دمغ فلانا یعنی مغزش سرش را شکست، «السؤدد» بر وزن «قنفذ» یعنی: سیادت و سروری، «الأشِر» با حرکت حروف «شدّه البطر»: شدت نشاط، و «بَطِر» به معنای نشاط است، همچنین به معنای کم ظرفیّت بودن در پذیرش نعمتها و طغیان به سبب آن نیز آمده است، و نتیجه این که: غالباً وفور نعمت سبب سرکشی و طغیان میشود، پس خداوندا، همراه با آن به ما قدرت شکرگزاری عطا فرما تا طغیان را دفع کرده و بر آن چیره شود، فرموده او: «و لا تخزنا عند قضائک» یعنی: هنگام صدور حکم در روز قیامت ما را خوار و ذلیل مگردان، یعنی در آنچه در دنیا و آخرت بر ما حتمی گردانده و مقدر میفرمایی، یعنی: هنگام مرگی که بر ما مقدر فرمودهای.

سپس بدان: شیخ مفید و سیّد بن طاوس این دعا را بعد از زیارت صفوان بیان کرده و گفتهاند: هنگام حضور در صحن حرم امیر المؤمنین علیه السلام و به جا آوردن نمازهای واجب یا نافله این دعا را بخوان.

14. فرحه الغری: یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه خواستی مقبره امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کنی، وضو بگیر و غسل کن و آرام و آهسته راه برو و بگو:

1- 2. القاموس 3 : 105

سپاس خدایی را که با شناخت امیرمؤمنان و شناخت پیامبرش صلّی الله علیه و آله مرا مورد لطف خود قرار داد، کسی که اطاعت از خود را به عنوان رحمتی از جانب خود بر من واجب کرد و با نعمت ایمان بر من منّت نهاد، سپاس مخصوص خداوندی است که مرا در سرزمینهایش به گردش درآورد، بر جاندارانش جابجایم نمود، مسافت دور را برایم نزدیک گرداند و سختی را از من دور کرد تا این که به حرم برادر رسولش واردم کرد و در سلامتی آن را به من نمایاند، سپاس مخصوص خداوندی است که مرا از زائران مقبره وصّی رسولش قرار داد، سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به دین اسلام هدایت فرمود و اگر این گونه نمیبود که خداوند ما را هدایت کند هدایت نمییافتیم، گواهی میدهم که هیچ معبودی جز الله نیست، او تنهاست و هیچ شریکی ندارد، و گواهی میدهم که محمّد بنده و رسول اوست و با حق از جانب او آمده است، و گواهی میدهم که علی بنده خدا و برادر رسول خدا صلّی الله علیه و آله میباشد. خداوندا، بنده و زائر تو به وسیله زیارت مقبره برادر رسولت به تو نزدیک میشود، و بر گردن هر زیارت شوندهای حقی به نسبت زیارت کننده او وجود دارد، و تو بهترین کسی هستی که به سویت میآیند و زیارتت میکنند، پس ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای بخشایشگر، ای تنها، ای یگانه، ای بی همتا، ای بی نیاز، ای کسی که نه زادهای و نه زاده شدهای و کسی همتای او نیست، از تو میخواهم که بر محمّد و اهل بیت او درود بفرستی و هدیهات به من در قبال زیارتم در این مکان، آزاد کردنم از آتش جهنم باشد، و مرا از کسانی قرار ده که در انجام کارهای خیر شتاب می کنند و تو را با حالت خوف و رجا میخوانند و برای تو خشوع میکنند، خداوندا، همانا تو بر زبان پیامبرت محمّد صلّی الله علیه و آله به من بشارت دادهای و فرمودهای: «و بشّر الذین آمنوا أنّ لهم قدم صدق عند ربهم» {و مؤمنان را مژده بده که آنان در نزد پروردگارشان دارای مقام و منزلت عالی هستند} خداوندا، همانا من به تو و تمامی پیامبرانت ایمان دارم، پس بعد از شناخت نسبت به آنها در جایگاهی قرارم نده که مرا با آن در برابر تمامی بندگانت خوار و ذلیل گردانی، بلکه مرا همراه با آنان نگاه دار و بر حالت تأیید آنها بمیران،

به راستی که آنها بندگان تو بودند و آنها را با کرامت خودت برگزیدی و مرا به پیروی از آنها فرمان دادی.

سپس به قبر نزدیک میشوی و میگویی: سلام خدا و سلام بر محمّد، امینِ خدا بر رسالتها و امور با عظمتش، معدن وحی و قرآن، ختم دهنده امور گذشته و گشاینده امور آینده، ناظر و سرپرست بر تمامی حالات، شاهد بر تمامی مخلوقات و چراغ فروزان، سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد، خداوندا، بر محمّد و اهل بیت مظلوم او درود فرست، برترین و کاملترین و والاترین و سودمندترین و شریف ترینِ درودهایی که بر پیامبران و برگزیدگانت فرستادهای، خداوندا، بر امیرمؤمنان، بنده تو، بهترین مخلوقاتت بعد از پیامبر و برادر پیامبرت و وصیّ او درود فرست، کسی که او را با علم خود فرستادی، و به عنوان هدایت کننده برای هر یک از مخلوقاتت که خواستی و دلیل مبعوث شدگان با رسالات خویش قرارش دادی، او عمل کننده به دین بر اساس عدالت تو است و فصل الخطاب احکام تو در میان مخلوقاتت، و سلام و درود و رحمت خداوند بر او باد. خداندا، بر امامان از نسل او درود فرست، کسانی که به امر تو بعد از او فرامینت را به پا میدارند، پاکانی که راضی گشتهای یاریگران دین، نشانههایی برای بندگان، شاهدانی بر مخلوقات و حافظان اسرار تو باشند - و تا جایی که توان داری بر تمامی آنها درود میفرستی -

سلام بر امامان محفوظ در پناه الهی، سلام بر مخلوقات پاک و خالص الهی، سلام بر ایماندارانی که دستور تو را به پا داشتند و دوستان خدا را یاری کردند و از ترس آنان ترسیدند، سلام بر فرشتگان مقرّب درگاه الهی.

سپس میگویی: سلام بر تو ای امیرمؤمنان، سلام بر تو ای حبیب حبیب خدا، سلام بر تو ای برگزیده الهی، سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت الهی، سلام بر تو ای پایه و اساس دین، و ای وارث علم اوّلین و آخرین و ای صاحب نشان و راه راست، گواهی میدهم که همانا تو نماز را به پا داشتی، زکات را پرداخت نمودی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر را به جا آوردی، از پیامبر صلّی الله علیه و آله پیروی کردی، قرآن را تلاوت کردی آن گونه که حق تلاوت آن است، به پیمان الهی وفا نمودی، در راه خدا جهاد کردی آنگونه که حق جهاد الهی است،

برای رضای خدا و رسولش صلّی الله علیه و آله به پند و اندرز پرداختی، خود را صابرانه فدای دفاع از دین الهی نمودی، به دفاع و حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداختی حال آنکه خواهان پاداش خداوند و وعدههایی بودی که در مورد بهشت ذکر کرده است، و به خاطر راهی که بدان ایمان داشتی شهید و گواه و مشهود گشتی، پس خداوند جزای تو را به بهترین نوع از جانب رسولش صلّی الله علیه و آله و اسلام و اهل آن بدهد، خداوند لعنت کند کسی که تو را به قتل رساند و کسی که به دنبال کشتن تو بود، خداوند لعنت کند کسی را که با تو مخالفت کرد، خداوند لعنت کند کسی را که به تو تهمت زد و به تو ظلم کرد، و خداوند لعنت کند کسی را که حقت را پایمال کرد، و کسی را که آن حق به او رسید و به آن راضی شد، من در محضر خدا از آنها بیزارم، و خداوند لعنت کند امتی را که با تو مخالفت کرد، و امتی را که با ولایت تو سر ناسازگاری داشت، و امتی را که بر علیه تو با هم متحد شدند، و امتی را که تو را به قتل رساندند و خوار و ذلیلت کردند و از تو رویگردان شدند، سپاس خدایی را که آتش را جایگاه آنان قرار داد و آن بدترین محل ورود وارد شوندگان است، خداوندا، قاتلان پیامبرانت و اوصیای آنها را با تمامی لعنتهایت لعنت کن، و آنان را به گرمای آتشت برسان، خداوندا، بتها، طاغوتها، فرعونها، لات و عزّی، جبت، طاغوت، تمامی شریکانی که به جای خدا خوانده میشوند و تمامی نوآوران در دین و افترا زدگان را لعنت کن، خداوندا، آنها و پیروانشان و دنباله روهای آنها و دوستدارانشان و اولیان آنها و یاریگرانشان را فراوان لعنت کن، خداوندا، قاتل امیرالمؤمنین را لعنت کن - سه بار - خداوندا، قاتل حسین را لعنت کن - سه بار - خداوندا، آنان را عذابی بچشان که هیچ یک از جهانیان را چنین عذابی نچاشنده باشی، و عذابت را بر آنان مضاعف گردان، چرا که سرپرستان امور تو را آزار دادند، و عذاب دردناکی را برای آنها فراهم کن، عذابی که هیچ یک از مخلوقاتت را با آن عذاب نمیدهی، خداوندا، عذابی چند برابر در پایینترین طبقه از جهنم را بر قاتلان یاران رسولت، قاتلان یاران امیر مؤمنان، قاتلان یاران حسن و یاران حسین و قاتلان کسانی که در راه ولایت آل محمد صلّی الله علیه و آله کشته شدند، وارد کن و از عذاب آنها کم مکن، حال آنکه آنان در آن

آتش

ناامید و سرگشته و غمگین میمانند و مورد لعنت قرار میگیرند و سرشان را پایین میگیرند و پشیمانی، خواری و ذلت طولانی مدت را مشاهده میکنند، و این به سبب آن است که عترت پیامبران و رسولانت و پیروان آنها از بندگان صالحت را به قتل رساندند، خداوندا، آنها را در پیدا و پنهان، در آسمان و زمینت لعنت کن، خداوندا، برای من در مورد اولیای خودت آوازه نیکو قرار بده، و دیدار آنها و مزارشان را برای من دوست داشتنی بگردان تا زمانی که مرا به آنان ملحق کرده و در دنیا و آخرت پیرو آنها قرار میدهی،ای مهربانترین مهربانان.

و در کنار سرش بنشین و بگو: سلام خداوند و فرشتگان مقرّب بر تو باد، فرشتگانی که با قلبهایشان تسلیم تو هستند، از فضیلت تو سخن میگویند و شهادت میدهند که همانا تو صادق، امانتدار و بسیار راستگو بودی، ای مولای من، درود خداوند بر تو و بر روح و بدنت، گواهی میدهم که تو پاک، طاهر و مطهّر بودی، ای ولیّ خدا و رسول خدا، شهادت میدهم که وظیفه ابلاغ و ادای واجبات الهی را به جای آوردی، شهادت میدهم که همانا تو حبیب خدا، باب الهی و وجه الهی که از آن وارد میشوند، راه خدا، بنده خدا، و برادر رسولش هستی، نزد تو آمدهام حال آنکه از احوال نیکو و جایگاه عظیم تو نزد خدا و رسولش آگاهم، با زیارت تو به خدا تقرّب میجویم و خواهان رهایی نفس خود از آتش جهنم میباشم، به تو پناه میبرم از آتشی که به سبب ظلمهایی که بر خود روا داشتهام سزاوار آنم، از همه بریدهام و بر اساس برکت حق به سوی تو و فرزند شایسته بعد از تو آمدهام، قلبم تسلیم شما است، اموراتم با پیروی از شما میگذرد، و یاریام برای شما آماده و مهیاست، من بنده خدا، دوستدار و در اطاعت تو هستم، به سوی تو آمدهام، و به واسطه آن خواهان جایگاهی عالی نزد خدا میباشم، تو از کسانی هستی که خداوند مرا به داشتن ارتباط با او امر و به نیکورزی در مورد او تشویق فرموده است، و مرا به فضیلت او راهنمایی، به سوی محبت او هدایت و به رفتن به سوی او متمایل کرده است، و به الهام نموده که برآورده شدن حاجاتم را از او بخواهم، شما اهل بیت هستید، خوشبخت است کسی که شما را دوست بدارد و هر کسی نزد شما بیاید ناامید نمیشود، و هر کسی با شما دشمنی کند سعادتمند نمیشود، کسی را

نمییابم که نزد او استغاثه کنم که بهتر از شما باشد، شما اهل بیت رحمت، ستونهای دین، ارکان زمین و شجره طیبّه هستید، خداوندا، به خاطر پیامبرت و خاندان او مرا از آمدن به سوی خودت ناامید مگردان، و طلب شفاعتم از آنان را رد مکن، خداوندا، تو با فراهم نمودن زیارت مولایم، پذیرش ولایت او و شناختش بر من منّت نهادی، پس مرا از جمله کسانی قرار ده که یاریاش میدهی و دین تو به وسیله او یاری داده میشود، و با یاری دادن دین تو در دنیا و آخرت بر من منت بگذار، خدوندا، من زندگی میکنم بر اساس آنچه علی بن أبی طالب بر اساس آن زندگی کرد و میمیرم به خاطر آنچه علی بن أبی طالب علیه السلام به خاطر آن درگذشت.

هرگاه خواستی وداع کنی بگو: سلام و درود و برکات خداوند بر تو باد، تو را به خدا میسپارم و تحت حمایت الهی باشی.(1)

(میگویم:) وداع را تا پایان مانند روایت ابن قولویه (حدیث نخست) ذکر کرده است.

توضیح: صدوق در الفقیه(2)

این زیارت را بدون ذکر سند روایت کرده و بعد از تمام وداع با این گفتهاش «و حسن المؤازره و التسلیم: حمایت کامل و تسلیم» آورده است:

و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را به این ترتیب ذکر کن: پاک و منزه است صاحب جلال والا و عظیم، پاک و منزه است صاحب عزت رفیع و والا، پاک و منزه است صاحب ملک عظیم و قدیم، پاک و منزه است صاحب جمال و زیبایی و شادابی، پاک و منزه است کسی که لباس نور و متانت بر خود پوشانده است، پاک و منزه است کسی که رد پای مورچه بر سنگ صاف و موقعیت پرنده در هوا را میبیند.

شیخ رحمه الله این زیارت را در التهذیب(3) با این اسناد روایت کرده است تا میرسد به این قول: (بر آنچه علی بن أبی طالب علیه السلام به خاطر آن مُرد)،

1- 1. فرحه الغری: 32
2- 2. الفقیه 2 : 352 - 356
3- 1. التهذیب 6 : 25 - 28

سپس دو زیارت اخیر را بیان میکند، آنگاه به بیان وداع به صورت مرسل و بدون سند(1)

میپردازد، و ابن قولویه در کامل الزیاره(2)

بعد از آوردن زیارت مختصری که آن را از جامع ابن ولید آورده و ما قبلاً آن را بیان کرده بودیم میگوید: و همچنین نزد مقبره امیرالمؤمنین میگویی: سپاس مخصوص پروردگاری است که مرا به معرفت او کرامت بخشید، تا آخر زیارت، ظاهراً او این دعا را از جامع ابن ولید استخراج کرده است، سپس وداع را همان طور که گفتیم از کتاب ابنولید آورده است، اما دو روایت صدوق و ابن قولویه یک مقدار بیشتر است که این مقدار اضافه در روایت شیخ نیست و ما آن را در این روایت اضافه کردیم، به این ترتیب: خداوندا، بنده و زائر تو - تا میرسد به این قول - مرا به پیروی از آنها فرمان دادی، سپس بدان: ما در نسخههای فرحه الغری بعد از تمام شدن زیارت این لفظ را یافتیم:

میگویم: من این زیارت را از کتاب محمّد بن احمد بن داود نوشتم، از نسخهای که با نسخهای که خط مؤلف بر آن قرار داشت مقایسه گردیده است، و کتابهای سیّد از التهذیب از خط شیخ طوسی است و میان آن دو اختلاف است که ما آن را در حاشیه بیان کردیم، پایان سخن.

میگویم: شاید کلام اخیر، کلام بعضی از راویان کتاب باشد، و احتمال دارد که کلام مؤلف باشد و منظورش از سیّد، پدرش باشد اما این بعید است. بعضی از الفاظ زیارت را توضیح میدهیم: این فرموده امام علیه السلام: «علی هینتک» یعنی نرم و آهسته، که جزری آن را بیان کرده است.(3)

فرموده او: «و السلام علی محمد» تأکید برای عبارت اوّل است و منظور، سلام از جانب ماست، و در بعضی از نسخهها «التسلیم» نیز ذکر شده که دوّمی صحیحتر است. و در بعضی از نسخههای الفقیه «السلام من الله» ذکر شده است، «السلام» بدون (واو)، پس دوّمی مجرور و صفت است برای لفظ جلاله الله، و شاید این نظر از همه درستتر باشد. فرموده او: «و عزائم أمره» یعنی: امور لازم از

1- 2. التهذيب 6 : 28 - 30
2- 3. كامل الزياره : 41 - 46
3- 4. النهايه 4 : 279

واجبات و محرّمات یا تمامی احکام، زیرا تبلیغ اینها بر امام علیه السلام واجب است. فرموده او: «الخاتم لما سبق» یعنی: خاتم پیامبران گذشته، و یا ملتها، معارف و اسرار گذشته، «و الفاتح لما استقبل» یعنی: گشاینده برای حجتهای بعد از او علیهم السلام، یا برای معارف و علوم و حکمتهای آینده، «المهیمن علی ذلک کلّه» یعنی: شاهد بر پیامبران و امامان که درود خداوند بر آنان باد، یا امانتدار بر این معارف و حکمتها، «الّذی بعثته» شاید صفت وصی یا رسول باشد، و بر اساس دومی قول ایشان علیه السلام: «و الدّلیل» مجرور است تا معطوف بر قول: «وصیّ رسولک» باشد، و احتمال نخست درستتر است، و در الکامل چنین آمده است: «و وصیّ رسولک الذی انتجبته من خلقک و الدلیل: و وصیّ رسولت که او را از میان مخلوقاتت برگزیدی و دلیل»، و براساس هر دو تقدیر باء در فرموده او: «بعملک» ممکن است بای ملابسه یا سببیه باشد، یعنی به سبب علم تو، که برای آن سزاوارتر است. فرموده او: «والدلیل» یعنی: او با علمش و معجزاتی که از او ظاهر گشته دلیلی است بر حقانیت پیامبر صلّی الله علیه و آله، یا این که مردم را به سوی دین و حکمتش دلالت میکند. فرموده او: «و دیّان الدین بعدلک» یعنی: قاضی دین و حاکم آن که با عدالت تو (خداوند) قضاوت میکند، «و فصل قضائک» یعنی: حکم تو که آن را به عنوان فاصله میان حق و باطل قرار دادی، تا این فرموده او: «فصل»، مجرور و معطوف بر فرموده او: «علی عدلک» باشد، در این صورت فرموده او: «بین خلقک» متعلق به «الدیّان» یا «القضاء» باشد، و احتمال دارد که «فصل» منصوب و معطوف به «هادیاً» باشد، پس ممکن است که «الدِّین» به معنای پادش و جزا باشد، پس بر این اساس معنای فرموده این گونه میباشد که امام علی علیه السلام حاکم روز جزاست، آنگونه که در روایات نیز به این معنا اشاره شده است، پس بر اساس معنای نخست امام علی علیه السلام حاکم قیامت است، و بر اساس معنای دوم قاضی دنیا.

جزری در وصف کلام پیامبر صلّی الله علیه و آله(1)

میگوید: کلام ایشان فصل الخطاب است، نه ناقص و نه بی معنا، یعنی مشخص و آشکار است و حق و باطل را از هم جدا میکند، از آن جمله است فرموده خداوند متعال: «و إنّه لقول فصل»{و همانا که آن قول جداکننده است} یعنی: فاصل و قاطع است. فرموده او: «المستودعین» براساس اینکه اسم مفعول باشد یعنی: کسانی که خداوند حکمت و اسرارش را به آنها سپرده است. فرموده او: «علی خالصه الله» یعنی: کسانی که از محبت غیرخدا پیراسته شدهاند، یا برای خدا خالص گشته و به قرب و حجّت الهی رسیدهاند، یا این که خداوند آنان را خالص گردانیده و آنان را مخصوص خویش قرار داده است. فرموده او: «و آزروا اولیاء الله» یعنی: آنان را یاری میدهند. فرموده او: «و صاحب المیسم» اشارهای است به آنچه که در احادیث روایت شده مبنی بر اینکه آن امام علی علیه السلام همان جانداری است که در آخر زمان خارج میشود و صاحب عصا و نشان و علامتی است که با آن چهره کافران و مؤمنان را نشانه گذاری میکند، همان طور که در کتاب غیبت و کتاب احوال ایشان علیه السلام بیان شد، و در یکی از نسخهها نظیر عبارت التهذیب ذکر شده است به این ترتیب: «صاحب المقام و الصراط المستقیم: صاحب جایگاه و راه راست» یعنی: او کسی است که صاحب حساب مخلوقات به هنگام به پا خواستن آنها در روز قیامت میباشد و بر روی پل صراط میایستد و دوستان خود را از آتش نجات میدهد، یا این که او صاحب مقام عظیم در درجه قرب و کمال و صاحب صراطی است که هر کس از آن عبور کند به قرب خداوند صاحب جلال نائل میآید، و احتمال دارد که صراط منصوب باشد.

فرموده او: «مُوَقِّیاً لرسول الله» از باب تفعیل است و «التوقیه» به معنای حفظ و حمایت است، و در بعضی از نسخهها «موقناً» با «نون» ذکر شده است، و در برخی دیگر «موفیاً» با «فاء» و «الیاء» آمده است، گفته میشود: «وفی بالعهد و أوفی به: به عهد خود وفا نمود»، فرموده او: «و مضیتَ للّذی کنت علیه - در اکثر

1- 1. النهایه 3 : 228

کتابها - شهیداً و شاهدً و مشهوداً»، به هر حال احتمال چند صورت وجود دارد: نخست: «لام» به معنای «فی» باشد، مانند این فرموده خداوند متعال: «و نضع الموازین القسط لیوم القیامه» {و ما ترازوهای عدالت را در روز قیامت برپا خواهیم کرد} و گفته میشود: «مضی بسبیله» یعنی: مُرد، و معنای فرموده چنین است: رهسپار راه حقیقت گشتی که سرنوشتِ تو را به شهادت ختم میکرد، حال آنکه به حقیقت مسیری که در آن گام نهاده بودی آگاه بودی، و شاهد بودی بر اعمال امّت و یا آنچه از آنها صادر میشود و بر آنچه که از تمامی پیامبران گذشته و امتهای سپری شده آنان سر میزند؛ و تو مشهود هستی، خدا و رسول او، فرشتگان و مؤمنان شهادت میدهند به این که همانا تو بر راه حق بودی و آنچه را که بر عهدهات بود ادا کردی. دوّم: «لام» به معنای «إلی» باشد، مانند این فرموده خداوند: «بأنّ ربّک أوحی لها» {به این که پروردگارت به سوی او وحی کرد} یعنی: به عنوان شهید و شاهد و مشهود، با معانی ذکر شده، رهسپار عالم مقدسی گشتی که قبل از نزول در جسد در آن بودی. سوم: «لام» صله برای «الشهاده» باشد یعنی: به عنوان شاهد بر تعالیم دینی که به ارمغان آورده بودی رهسپار شدی، حال آنکه گواه و عالم به آن بودی و دیگران نیز شهادت دادند که به آن تعالیم عمل نمودی. چهارم: «لام» به منظور ذکر علت «الشهاده» باشد بر اساس مقدم شدن شهید، یعنی: آنان تو را به خاطر قرار داشتن در مسیر حق به قتل رساندند و شهید گشتی. پنجم: «لام» برای ظرفیت باشد و «علی» برای بیان علّت، یعنی: در راهی گام نهادی که به خاطر آن شهید شدی و شاهد بر امّت گشتی و آنان شاهد بر تو. ششم: «لام» نیز برای بیان ظرفیت باشد و معنا چنین باشد: در راهی گام نهادی که برای آن مهیّا و جان خود را برای فدا شدن حاضر کرده بودی، و آن راهِ مرگ بود، همان طور که گفته میشود: «فلان علی جناح السفر»: فلانی بر بال سفر است، پس عبارت مذکور در حدیث کنایه از این است که پیامبر صلّی الله علیه و آله آماده مرگ بود و از آن رویگردان نبود، و الله یعلم.

فرموده او: «فجزاک الله عن رسوله» یعنی: از جانب ایشان یا به خاطر ایشان تو را پاداش دهد. «و خذلتَ عنکَ»: فیروزآبادی گوید: «خذله و عنه خذلاً و خذلانا» یعنی: از یاری دادن او امتناع ورزید.

میگویم: این تأکید بر قرائت نخست است، و ممکن است که به صورت «خذّلت عنک» و با تشدید خوانده شود، یعنی: مردم را به عدم یاری دادن تو فرمان داد، و بر اساس تخفیف هم امکان دارد که به این معنا باشد، در کتاب الکامل و المصباح و سایر کتابها آمده است: و امّتی که در برابر تو بایستد و از یاری دادنت امتناع ورزد، و این معنا صحیحتر به نظر میرسد، «الحید» به معنای میل است. فرموده او: «و بئس ورد الواردین»: «ورد» به معنای آبی است که بر آن وارد میشوند، یعنی: بد جایگاهی است جایگاه و محل وارد شدنشان، و در الکامل آماده است: بد جایگاهی است که بدان وارد میشوند، و بد جایگاهی برای واردشوندگان است، و بد مکانی است مکانی که در قعر آن گرفتارند، پس «المورود» تأکید است برای «الورد» یعنی: وارد شده بر آن، بخش دوم برای تأکید قسمت نخست است، و «درکات النار» یعنی: طبقههای آتش، یعنی: چه بد منزلی است منزل افراد بدبخت که به آن در میآیند، منزلشان در جهنم است.

فیروزآبادی گوید(1): «صلی اللحم یصلیه صلواً» یعنی: آن را کباب کرد، یا این که آن را برای سوختن در آتش انداخت، «أصلاهُ و صلاه» نیز به همین معنا هستند، فرموده او: «الجِبت» یعنی: صنم، کاهن، ساحر، تمام آن چیزهایی که به جای خدا عبادت میشود، طاغوت، شیطان و هر رئیسی که در گمراهی به سر میبرد. همچنین به بت نیز گفته میشود، منظور از «الجوابیت و الطواغیت و الفراعنه» در درجه اول تمامی حاکمان ظالم است، و منظور از «اللّات و العُزّی و الجبت و الطاغوت» دو بت قریش (اولی و دومی) هستند و به دلیل تأکید و ذکر شدت شقاوت و بدبختی، مخصوصاً از آنها اسم برده شده است، «الندّ» به معنای مثل و مانند، فرموده او: «و

1- 1. القاموس 4 : 352

کلّ محدث» یعنی: تمامی بدعت گذاران در دین، و در بعضی از کتابها آمده است: و هر انسان ملحد بهتان زننده.

فیروزآبادی گوید(1): «المبلس» یعنی: کسی که نسبت به آنچه در درون دارد ساکت میباشد، و «أبلس» یعنی: ناامید و سرگشته شد، و میگوید(2):

«استسّر» یعنی: پنهان شد، پس فرموده او: «مستسرّ السرّ» مبالغه در مخفی بودن است، همان گونه که «ظاهر العلانیه» به معنای مبالغه در ظهور و آشکار شدن است، و منظور این کلام لعنت آنها در تمامی احوال و به تمامی اشکال لعنت است. فرموده او: «و اجعل لی لسان صدق فی اولیائک» یعنی: ذکر و یادی نیکو و ستایشی زیبا، به این ترتیب که در مورد آنها ستایشی نیکو بگویم که شایسته آن هستند، آیا این که ذکر و یادی نیکو از من در میان آنها باشد، که معنای نخست با عنایت به جایگاه آن صحیحتر به نظر میرسد، و معنای دوم با این فرموده خداوند متعال: «و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین» {و برای من نامی نیکو در میان آیندگان قرار بده } سازگارتر است، فیروزآبادی گوید(3):

(الصدق) با کسره به معنای شدّت است، (و هو رجل صدق و صدیق صدق: او مردی کامل یا دوستی یکرنگ است)، با اضافه شدن «رجل» و «صدیق» به «صدق» در هر دو حالت، «و لقد بوّأنا بنی اسرائیل مبوّء صدق» یعنی: {آنان را در منزلگاهی نیکو پیاده کردیم }، و فرموده : «علی برکه الحق» ممکن است که ظرف متعلق به «الخلف» باشد، یعنی: جایگزینش بر برکات حق و دین از قبیل هدایتها، رفع نادانیها و شبههها، یا به معنای «علی الحق البارک الثابت: بر حقّ مبارک و ثابت» باشد که از قبیل اضافه صفت به موصوف است، یا به معنای «علی نموّ الحق و زیادته و استمراره» باشد، چرا که برکت، همان رشد و افزایش و سعادت است، و گفته میشود: «برک» یعنی ثابت شد و راست ایستاد، و «علی برکه الحق» حال از «ولدک» باشد، و معنا به آنچه ذکر شد نزدیک است، یا حال از فاعل «أتیتک» باشد یعنی: در حال قرار داشتن بر طریق برکت حق نزد تو آمدهام، که

1- 2. القاموس 2 : 200
2- 3. القاموس 2 : 47

3- 1. القاموس 3 : 252

منظور هدایت یافتن با آن است، ممکن است «حقّ» در برخی وجوه نامی برای خدای متعال باشد، در بسیاری از نسخههای کتابها به معنای تزکیه حق آمده است، پس در این باره نیز احتمالاتی وجود دارد، یعنی: جانشین تو بر این که حق را تزکیه کند و آن را از باطل و شک و بدعت آشکار سازد، یا بر تزکیه حق و رشد دادن آن و بلند گرداندن شأن آن، یا در حالی که ولد یا من بر تزکیه حق و مدح او و اعتقاد به او هستیم یا خالص کردن و پاک کردن و رشد و نیکو گرداندن یاد او، در نسخههای مصباح و کفعمی نیز «علی الحق» ذکر شده است که در این صورت نیز احتمالاتی وجود دارد، و منظور از «الولد» حسین علیه السلام یا تمامی امامان علیهم السلام است که نزدیک ایشان دفن شدهاند، چرا که «الولد» هم فرد است و هم جمع، و «الخلف» نیز چنین است، آن گونه که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرموده است: «یحمل هذا العلم من کلّ خلف عدول: این علم را هر فرزند صالح و عادل در دست میگیرد».

15. فرحه الغری: محمّد بن مشهدی در مزار خود چنین آورده است: از صفوان جمال روایت شده که گفت: هنگامی که همراه امام جعفر صادق علیه السلام که در طلب أبو جعفر منصور بود به کوفه رسیدیم به من فرمود: ای صفوان، شتر را بخوابان که این قبر جدّم امیرالمؤمنین است. من شتر را آرام کردم و آهسته راه رفتیم، سپس ایشان پیاده شد، غسل کرد، لباسش را عوض کرد و کفشهایش را بیرون آورد و به من فرمود: آنچه که من انجام دادم تو نیز انجام بده، سپس به سوی (ذکوه) رفت و فرمود: گامهایت را کوچکتر بردار و چانهات را به زمین بینداز، زیرا به ازای هر گام برای تو صد هزار حسنه ثبت، صد هزار گناه پاک، صد هزار درجه بالا رفته و صد هزار نیاز برآورده میشود، و برای تو پاداش انسان راستگو و شهید ثبت میگردد چه مرده باشد چه کشته شده باشد، سپس امام به راه افتاد و من نیز همراه او حرکت کردم، با آرامش و متانت و در حال تسبیح و تقدیس و تهلیل، تا این که به (ذکوات: تپههای کوچک) رسیدیم، پس امام علیه السلام توقف نمود و به راست و چپ نگاه کرد و با عصایش خطی کشید و به من فرمود: جستجو کن، من نیز پس از جستجو آثار مقبره امیر المؤمنین را یافتم، سپس اشک بر گونههای امام جاری شد و

فرمود: همه ما از خداییم و همه ما به سوی او باز میگردیم، و فرمود: سلام بر تو ای وصیّ نیکوکار و پاکدامن، سلام بر تو ای خبر بزرگ، سلام بر تو ای راستگوی باوقار، سلام بر تو ای نیکوکار پاک، سلام بر تو ای وصیّ رسول پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای برگزیده خدا بر تمامی بندگان، گواهی میدهم که تو حبیب خدا و از افراد برگزیده و خالص او هستی، سلام بر تو ای ولیّ خدا و جایگاه راز و منبع علم و وحی او.

سپس بر روی مقبره امیر المؤمنین افتاد و فرمود: ای امیر مؤمنان، پدر و مادرم به فدایت ای حجّت بر دشمنان، پدر و مادرم به فدایت ای باب المقام (مقام ابراهیم)، پدر و مادرم به فدایت ای نور کامل، گواهی میدهم که آنچه از خدا و رسول او دریافت کردی را ابلاغ نمودی، و آنچه محافظتش بر عهده تو بود را رعایت نمودی، و آنچه بر عهدهات نهاده شده بود را حفظ کردی، و حلال خدا را حلال و حرام او را حرام گرداندی، و احکام الهی را به پا داشتی و از حدود الهی تجاوز نکردی و خداوند را با اخلاص عبادت کردی تا زمانی که یقین (مرگ) به سراغت آمد، درود الهی بر تو و بر امامان بعد از تو. سپس برخاست و در کنار سر مبارک امیرمؤمنان دو رکعت نماز گزارد و فرمود: ای صفوان، کسی که امیرمؤمنان را با این زیارت زیارت کند و این گونه نماز بگزارد، نزد خانوادهاش بازمیگردد در حالی که گناهانش آمرزیده شده و تلاش او مورد قدردانی قرار میگیرد و ثواب تمامی فرشتگانی که قبر امیرمؤمنان را زیارت کردهاند برای او نوشته میشود، گفتم: ثواب تمامی فرشتگانی که قبر ایشان را زیارت کردهاند؟ فرمود: در هر شب هفتاد قبیله (از فرشتگان) به زیارت ایشان میآیند، گفتم: تعداد هر قبیله چند نفر است؟ فرمود: صد هزار نفر، سپس از نزد قبر عقب عقب خارج شد در حالی که میفرمود: ای جد بزرگوارم، ای مولای من، ای انسان پاک و منزه از هر عیب، خداوند این زیارت را آخرین زیارت از مقبره تو نگرداند و به من توفیق بازگشت به سوی تو، توقف در حرم تو، و همراهی با تو و افراد نیکوکار از فرزندانت را عطا فرماید، درود خداوند بر تو و بر فرشتگانی که اطراف قبر تو را احاطه کردهاند، گفتم: سرورم، آیا به من

اجازه میدهید تا این موضوع را به اطلاع یارانمان از اهل کوفه برسانم؟ فرمود: آری، و به من چند درهم داد و من قبر را تعمیر کردم.(1)

توضیح: فرموده او: «یا باب المقام» یعنی: آمدن نزد مقام ابراهیم هنگام حج و عمره خانه خدا جز با ولایت تو پذیرفته نمیشود، پس اگر کسی بدون پذیرش ولایت تو نزد کعبه بیاید گویی از غیر درب خانه خدا به آن وارد شده است، یا «باب المقام» یعنی دروازه قیام نزد خداوند به منظور حسابرسی که کنایه است از این که آمدن مردم به سوی او و حسابشان بر عهده اوست، همان گونه که فرد وارد خانه نمیشود مگر بعد از گذشتن از دروازه خانه، به همان ترتیب کسی برای حساب و کتاب نمیآید مگر این که امیر المؤمنین علیه السلام با او را ملاقات کرده و به شادمانی یا حزنی که شایسته آن است بشارتش میدهد. فرموده او: «المحدقین بک» یعنی کسانی که در اطراف تو طواف میکنند.

میگویم: مؤلف المزار الکبیر زیارت مذکور را با این لفظ روایت کرده و مشخص میشود که مؤلف آن محمّد بن مشهدی است.

16. فرحه الغری: از صفوان روایت شده که گفت: هنگام بازگشت از قادسیه همراه امام صادق علیه السلام بودم تا این که به نجف اشرف رسید و فرمود: این همان کوهی است که فرزند جدّم نوح علیه السلام به آن پناه برد و گفت: «سآوی إلی جبل یعصمنی من الماء» {به کوه پناه می برم که مرا از آب حفظ میکند}، خداوند عزیز و متعال به او وحی کرد: ای کوه، آیا کسی از دست من به تو پناه میبرد؟ پس آن کوه در زمین فرو رفت و تا شام قطعه قطعه شد(2).

و فرمود: در کنار ما قرار بگیر، پس در کنار ایشان قرار گرفتم و همواره حرکت میکرد تا این که به غریّ رسید، آنگاه بر روی قبر ایستاد و شروع به درود فرستادن بر آدم

و تک تک پیامبران نمود و من نیز همراه با ایشان درود میفرستادم تا این که به پیامبر صلّی الله علیه وآله رسید، سپس بر روی قبر افتاد و بر آن سلام کرد و صدای گریهاش بلند شد، آنگاه برخاست و چهار رکعت نماز خواند.

1- 1. فرحه الغری: 40 و المزارالکبیر: 75 و 76

2- . ظاهرا به این معناست که قطعه هایش بعد ازمتلاشی شدن تا شام رسید.

17. در حدیث دیگر آمده که شش رکعت نماز گزارد و من نیز با ایشان نماز گزاردم و گفتم: ای فرزند رسول خدا صلّی الله علیه وآله، این قبر کیست؟ فرمود: قبر جدّم علی بن أبی طالب علیه السلام. (1)

18. زیارت دیگری وجود دارد که مفید و سیّد و شهید(2)و دیگران رضی الله عنهم از صفوان روایت کردهاند، و لفظ آن از مفید است، به این ترتیب که صفوان گفته است: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چگونه مقبره امیر مؤمنان را زیارت میکنی؟ فرمود: ای صفوان هر گاه خواستی این کار را انجام دهی، اول غسل کن و دو لباس پاک بپوش و مادهای خوشبو استعمال کن، اگر ماده خوشبو اندک هم باشد کفایت میکند، هرگاه از خانهات خارج شدی بگو: پروردگارا من از خانهام خارج شدم در حالی که فضل تو را میجویم و جانشین پیامبرت صلوات الله علیهما را زیارت میکنم، خداوندا، پس این کار را برای من آسان گردان و وسیله این زیارت را بساز، و مرا در میان فرزندان و خانوادهام به بهترین شیوه جانشین باش، ای مهربانترین مهربانان.

و در حالی که به گفتن الحمدلله، سبحان الله و لا إله إلاّ الله مشغول هستی راه بیفت، هنگامی که به خندق رسیدی در کنار آن توقف کن و بگو: الله أکبر، الله أکبر اهل بزرگی و مجد و عظمت، الله أکبر اهل تکبیر و تقدیس و تسبیح و نعمتها، الله أکبر از آنچه که از آن میترسم و برحذر میباشم، الله أکبر ستون من است و بر او توکل میکنم، الله أکبر امید من است و به سوی او توبه میکنم، خداوندا، تو ولی نعمت من هستی، و بر اجابت خواسته و رفع نیاز من توانایی، نیازم را میدانی و از نگرانی سینهها و مشغله درونها آگاهی، از تو میخواهم که به حق محمّد مصطفی صلّی الله علیه و آله که به وسیله او حاجتهای پنهانی و عذر عذرآورندگان رفع میشود و او را به عنوان رحمت برای جهانیان قرار دادی، مرا از زیارت ولیّ و برادر پیامبرت امیر مؤمنان و رفتن به سوی مزار او محروم نگردانی و مرا از یاران صالح و پیروان باتقوای او قرار دهی، به رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان.

1- 1. فرحه الغری: 42
2- 2. مزار الشهید: 9 و 16

زمانی که قبّه شریف بر تو نمایان شد بگو: سپاس مخصوص خداوندی است که مرا به زادگاه نیکو اختصاص داد و مرا به دوستی و موالات افراد نیکوکار، برگزیدگان مطهر و نیکان بزرگوار اختصاص داده است، خداوندا، پس تلاشم به سوی تو و آه و نالهام به درگاهت را قبول فرما، و گناهانم که بر تو پوشیده نیست را بیامرز، همانا تو خداوند مالک آمرزنده هستی.

زمانی که به ثویّه رسیدی، که اکنون تپهای در نزدیکی حنانه است و در سمت چپ راهی قرار دارد که از کوفه میآید، نزد آن دو رکعت نماز بخوان، زیرا روایت شده گروهی از خواصِ مولایمان امیر مؤمنان صلوات الله علیه و آله در آنجا دفن شدهاند، و دعایی که هنگام دیدن قبّه شریف میگویی را بگو.

هنگامی که به عَلَم که همان حنانه است رسیدی، دو رکعت نماز بخوان، زیرا محمد بن أبی عمیر از مفضل بن عمیر روایت میکند که امام صادق علیه السلام از ستون مایل در جاده غری گذر کرد، پس دو رکعت نماز گزارد، به او گفتند: این نماز چیست؟ فرمود: این جایگاه سر جدّم حسین بن علی علیه السلام است، زمانی که از کربلا آمدند آن را در اینجا گذاشتند، سپس آن را برداشتند و نزد عبیدالله بن زیاد، لعنه الله، بردند، پس در آنجا بگو: خداوندا، همانا تو جای مرا میبینی و سخنم را میشنوی و هیچ یک از کارهای من بر تو پوشیده نیست، و چگونه بر تو مخفی میماند آنچه که تو خود پدیدآورنده و ایجادکننده آن هستی، همانا نزد تو آمدهام در حالی که پیامبرت، پیامبر رحمت، را به عنوان شفاعت کنندهام قرار دادهام، و به جانشین پیامبرت متوسّل شدهام،از تو میخواهم که به خاطر این دو نفر در دنیا و آخرت به من ثبات قدم و هدایت و بخشش عطا فرمایی.

میگویم: اگر حسین علیه السلام را در حنانه با زیارتی که از محمد بن مشهدی روایت خواهیم کرد زیارت کند و نزد آن چهار رکعت نماز بخواند، همان گونه که امام صادق علیه السلام انجام داده است، عمل نیکویی است.

سپس گفتند: زمانی که به باب الحصن رسیدی بگو: سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به این راه هدایت کرد و اگر خداوند ما را هدایت نمیداد هرگز به این راه هدایت نمییافتیم، سپاس مخصوص خداوندی است که مرا در

سرزمینش به گردش درآورد، بر چارپایانش جا به جا کرد، مسافت دور را برایم آسان و نزدیک گردانید، مرا از آنچه که از آن می ترسیدم به دور نگاه داشت و بلا و مصیبت را از من دور کرد تا این که مرا به برادر پیامبرش صلّی الله علیه وآله رسانید.

سپس وارد شو و بگو: سپاس مخصوص خداوندی است که مرا وارد این بقعه مبارک گردانید، بقعهای که در آن برکت انداخت و آن را برای جانشین پیامبرش برگزید، خداوندا، آن را شاهد من گردان، زمانی که به باب اول رسیدی بگو: خداوندا، بر درگاهت ایستادم، در صحن تو فرود آمدم، به ریسمان تو چنگ زدم، خود را به رحمت تو عرضه کردم و به ولیّ تو علیه السلام توسّل کردم، پس این زیارت را به عنوان زیارتی پذیرفته شده و این دعا را به عنوان دعایی مقبول قرار بده.

هنگامی که به باب الصحن رسیدی بگو: خداوندا، همانا این حرَم، حرم توست و این مقام، مقام توست و من داخل آن میشوم در حالی که تو را با آنچه که از من و پنهان و آشکارم به آن آگاهتری مناجات میکنم ، سپاس مخصوص خداوند بسیار مهربان، نعمت دهنده و محبت کننده است، کسی که محبت ورزیدنش به من زیارت مولایم را با احسان و کرمش آسان گردانید و مرا از زیارت او بازنداشت، و از ولایتش نراند، بلکه محبت ورزید داد و بخشید، خداوندا، آن گونه که با شناخت او بر من منّت نهادی، به همان ترتیب مرا از پیروان او قرار ده و با شفاعت او وارد بهشتم گردان، ای مهربانترین مهربانان.

سپس وارد صحن شو و بگو: سپاس مخصوص خداوندی است که با شناخت خود و رسولش مرا گرامی داشت، کسی که عبادتش را به عنوان رحمت و مهلتی از جانب خویش بر من واجب گرداند، و با نعمت ایمان بر من منت نهاد، سپاس مخصوص خداوندی است که مرا وارد حرم برادر پیامبرش کرد و آن را در حال سلامتی به من نشان داد، سپاس مخصوص خداوندی است که مرا از زائران قبر جانشین پیامبرش قرار داد، گواهی میدهم که هیچ معبودی جز الله نیست، او تنهاست و هیچ شریکی ندارد، و گواهی میدهم که محمّد صلّی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست که حقیقت را از جانب خدا به ارمغان آورده است، و گواهی میدهم که علی

بنده خدا و برادر رسول خدا میباشد، الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، لا إله إلا الله، الله اکبر، سپاس مخصوص خداوند است به خاطر هدایت و توفیقش بر آنچه که به سوی آن فرا خوانده است، خداوندا، تو برترین هدف و گرامیترین کسی هستی که به سویت میآیند، من به قصد نزدیکی به تو با توسل به پیامبرت، پیامبر رحمت، و برادرش امیرمؤمنان علی بن أبی طالب علیه السلام به سوی تو آمدهام، پس خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و تلاش مرا بیهوده مگردان، و مهربانانه به من نگاه کن که با آن مرا نیرو بخشی، و مرا در دنیا و آخرت از وجیهان و مقربان درگاهت قرار ده.

سپس حرکت کن تا در کنار درِ صحن قرار بگیری و بگو : سلام و درود و برکات خدا بر رسولش، امانتدار خدا بر وحی او و امور عظیمش، ختم کننده تمامی انبیای گذشته، و گشاینده امور آینده، و سرپرست تمامی این امور، سلام بر صاحب آرامش، سلام بر آن کسی که در مدینه مدفون است، سلام بر یاری شده و مورد تأیید واقع شده، سلام و رحمت و برکات خدا بر ابوالقاسم محمّد بن عبدالله صلّی الله علیه و آله.

سپس داخل شو و پای راستت را قبل از پای چپت جلو بگذار و بر باب القبّه بایست و بگو: گواهی میدهم که هیچ معبودی جز الله نیست، او تنهاست و هیچ شریکی ندارد، و گواهی میدهم که محمّد صلّی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست که حقیقت را از جانب او به ارمغان آورده است، و پیامبران قبل از خود را تصدیق کرد، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا و برگزیدهاش از میان مخلوقاتش، سلام بر امیر مؤمنان بنده خدا و برادر رسول خدا، ای مولای من، ای امیرمؤمنان، بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو نزدت آمده حال آنکه به تو پناه آورده است، رهسپار حرم توست، به سوی مقام تو روی آورده است و نزد خداوند متعال به تو توسل کرده است، آیا وارد شوم ای مولای من، آیا وارد شوم ای امیرمؤمنان، آیا وارد شوم ای حجت الهی، آیا وارد شوم ای امین الهی، آیا وارد شوم ای فرشتگان الهی که در این مکان حضور دارید، ای مولای من آیا اجازه وارد شدن به من می

دهی، برتر از آنچه که به یکی از اولیای خود اجازه دادهای، اگر من شایسته آن نیستم پس تو شایسته آن هستی.

سپس آستانه دروازه را ببوس و پای راستت را قبل از پای چپت جلو بگذار و وارد شو در حالی که میگویی: به نام خدا، با استعانت از خدا، در راه خدا و بر آیین رسول خدا صلّی الله علیه و آله، خداوندا، مرا بیامرز و مورد رحمتم قرار ده و توبه مرا بپذیر، به راستی که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.(1)

سپس حرکت کن تا در مقابل قبر قرار بگیری، پس با چهرهات روبروی قبر قرار بگیر و قبل از رسیدن به آن بایست و بگو: سلام از جانب خدا بر محمّد صلّی الله علیه و آله، رسول خدا، امین خدا بر وحی و رسالات و امور عظیمش، معدن وحی و قرآن، ختم کننده انبیای پیشین و گشاینده امور آینده و سرپرست و ناظر بر تمامی این امور، شاهد بر مخلوقات، چراغ فروزان، سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد، خداوندا، بر محمّد و اهل بیت مظلوم او درود فرست، بهترین و کامل ترین و والاترین و شریف ترین درودی که بر هر یک از پیامبران و رسولان و برگزیدگانت میفرستی، خداوندا بر امیرمؤمنان درود فرست، بنده تو و بهترین مخلوقاتت بعد از پیامبرت و برادر پیامبرت و جانشین حبیبت، همان کسی که او را از میان مخلوقاتت برگزیدی و دلیلش قرار دادی بر آن کسی که او را با رسالتهای خود برگزیدی، و او را عامل به دین با عدالت خود و فصل الخطاب احکامت در میان آفریدگانت قرار دادی، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد، خداوندا، بر امامان از نسل امیر المؤمنین درود فرست، به پا دارندگان دستور تو بعد از او، انسانهای پاکی که رضایت دادی یاریگران دین، حافظان راز، شاهدان بر مخلوقات و نشانهایی برای بندگانت باشند، درود خداوند بر همه آنها باد، سلام بر امیر مؤمنان علی بن أبی طالب، جانشین رسول خدا و خلیفه او، به پا دارنده فرامین الهی بعد از او و سرور اوصیاء، رحمت و برکات الهی بر او باد، سلام بر فاطمه دختر رسول خدا، سرور زنان هر دو عالم ، سلام بر حسن و حسین سروران جوانان اهل بهشت از میان تمامی

1- . مصباح الزائر: 60 - 62

مخلوقات، سلام بر امامان هدایت یافته، سلام بر پیامبران و رسولان، سلام بر امامان قرار گرفته در پناه رحمت الهی، سلام بر افراد برگزیده الهی از میان مخلوقاتش، سلام بر افراد اهل دانش، سلام بر مؤمنانی که دستور الهی را اجرا کردند و اولیای الهی را یاری کردند و از ترس آنها ترسیدند، سلام بر فرشتگان مقرّب درگاه الهی، سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار الهی.

سپس حرکت کن تا بر روی قبر میایستی، پس با چهرهات به آن روی آور و قبله را در میان دو کتف خویش قرار ده و بگو: سلام بر تو ای امیرمؤمنان، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت الهی، سلام بر تو ای امام هدایت، سلام بر تو ای نشان تقوی، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار و متّقی و پاک و وفادار، سلام بر تو ای پدر حسن و حسین، سلام بر تو ای ستون دین، سلام بر تو ای سرور اوصیاء و امین پروردگار جهانیان، و برپادارنده روز قیامت، و بهترین مؤمنان و سرور راستگویان و برگزیده از نسل پیامبران، درگاه حکمت پروردگار جهانیان، منبع وحی و خزانه علم الهی، اندرز دهنده امت پیامبر و نفر دوم پس از پیامبر و یاری رسان به او با جان خویش، ناطق به حجّتهای الهی، و دعوت کننده به سوی شریعت او و حرکت کننده بر سنت او، خداوندا، گواهی میدهم که او آنچه را که از پیامبرت دریافت کرد ابلاغ نمود، و آنچه که مسؤولیت حفاظتش را بر عهده گرفته بود رعایت کرد، و آنچه به عهدهاش نهاده شده بود را حفظ کرد، حلال تو را حلال کرد و حرام تو را حرام کرد، احکام تو را به پا داشت و در راه تو با پیمان شکنان (ناکثین) جنگید، و به خاطر تطبیق حکم تو با ظالمان (قاسطین) جهاد کرد و با برگشتگان از پذیرش اوامر تو (مارقین) پیکار کرد، در حالی که بسیار صبور بود و در انتظار ماند و به سرزنش و ملامت هیچ ملامتگری در راه خدا اهمیت نمیداد، خداوندا، بر او درود فرست بهترین درودی که بر یکی از اولیاء، برگزیدگان و اوصیای پیامبرانت فرستادی، خداوندا، این مقبره ولیّ توست که اطاعت از او را واجب گرداندی، و پیروی از او را بر گردن بندگانت قرار دادی، و خلیفه توست که به واسطه او باز میداری و میبخشی، و به وسیله او پاداش میدهی و مجازات میکنی، من قصد آمدن به سوی او را کردم به طمع آنچه که برای اولیای

خودت آماده کردهای، پس تو را به جایگاه عظیم و منزلت والایش در نزد تو و قرب مقامش قسم میدهم که بر محمد و خاندان او درود بفرستی و در مورد من کاری انجام دهی که شایسته مقام توست، همانا تو اهل کرم و بخشش هستی، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو و بر آدم و نوح که در کنار تو آرمیده اند.

سپس ضریح را ببوس و در کنار سرش بایست و بگو: ای مولای من، آمدنم به سوی توست، و برای رسیدن به خواستهام در نزد پروردگار به تو توسل میجویم و گواهی میدهم که هر کسی به تو توسل کند ناامید نمیشود، و هر کسی از روی شناخت و با توسل به تو طلب حاجت کند، حاجاتش برآورده خواهد شد، پس در برطرف شدن گرفتاریها، آسان شدن کارها، برطرف شدن سختی، بخشش گناه، وسعت روزی، طولانی شدن عمرم و برآورده شدن خواستهام در دنیا و آخرت نزد الله که پروردگار تو و من است شفاعتم کن، خداوندا، قاتلان امیرمؤمنان را لعنت کن، خداوندا، قاتلان حسن و حسین را لعنت کن، خداوندا، قاتلان امامان را لعنت کن و آنان را به سبب آزار دادن والیان امر تو با عذابی دردناک عذاب ده که هیچ یک از جهانیان را چنین عذاب نداده باشی، عذابی فراوان و بدون وقفه که مدت زمان مشخص و پایانی نداشته باشد، و عذابی برای آنها مهیا کن که برای هیچ یک از بندگانت آن عذاب را روا نداری، خداوندا، عذابی دردناک و مضاعف را در پایینترین طبقات جهنم بر قاتلان یاران رسولت، قاتلان امیرمؤمنان، قاتلان حسن و حسین، قاتلان یاران حسن و حسین و قاتلان تمامی افرادی که در راه ولایت خاندان محمّد کشته شدند، مقدّر دار و از عذاب آنها نکاه، در حالی که آنان در آن آتش رانده شده از رحمت خدا هستند و نزد پروردگارشان سرشان را به زیر میافکنند و به حقیقت پشیمانی و رسوایی طولانی مدت را مشاهده می کنند، زیرا پیروان پیامبران و رسولان تو و بندگان صالح پیرو پیامبران را به قتل رساندهاند، خداوندا، آنها را در مخفیترین و آشکارترین حالت در زمین و آسمانت لعنت کن، خداوندا، برای من در مورد اولیای خودت مقام بلند قرار ده، صحن و مزار آنها را برای من دوست داشتنی گردان تا این که مرا به آنها ملحق می کنی و مرا در دنیا و آخرت پیرو آنان گردان، ای مهربانترین مهربابان.

سپس ضریح را ببوس و با چهرهات به قبر حسین بن علی علیه السلام روی آور و قبله را در میان دو کتف خود قرار ده و بگو: سلام بر تو ای اباعبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سرور زنان هر دو جهان، سلام بر تو ای پدر امامان هدایتگر هدایت یافته، سلام بر تو ای به خاک افتاده اشکِ ریزان، سلام بر تو ای صاحب مصیبت پیاپی، سلام بر تو و بر جدّ و پدرت، سلام بر تو و بر مادر و برادرت، سلام بر تو و امامان از نسل تو و فرزندانت، گواهی میدهم که خدا خاک را با تو پاک گردانید و قرآن را با تو آشکار ساخت و تو و پدر و جد و برادر و فرزندانت را عبرت برای عاقلان و خردمندان گردانید، ای فرزند اصحاب یمین و پاک، تلاوت کنندگان قرآن، سلامم را متوجه تو کردم، درود و سلام خداوند بر تو باد، و قلبهای مردم را متوجه تو گرداند که به سوی تو بیایند، آن کسی که به تو متمسّک شود و به تو پناه آورد ناامید نمیگردد.

سپس به سمت موضع پاها برو و بگو: سلام و رحمت و برکات الهی بر پدر امامان، یار نبوّت و مخصوص اخوّت ، سلام بر ملکه دین و ایمان، کلمه خدای رحمان، سلام بر ترازوی اعمال، زیر و رو کننده احوال، شمشیر صاحب جلال، ساقی چشمه بهشتی سلسبیل، سلام بر صالح مؤمنان، وارث علم پیامبران و حاکم روز جزا، سلام بر درخت تقوا و شنونده حرفهای پنهانی و رازها، سلام بر حجّت والای الهی، نعمت فراوان و مجازات ویرانگرش، سلام بر راه آشکار، ستاره درخشان، امام نصیحتگر و آتش فروزان و رحمت خدا و برکاتش بر او باد.

سپس بگو: خداوندا، بر امیرمؤمنان علی بن أبی طالب، برادر پیامبر، ولیّ، یاریگر، وصیّ ، وزیر، دریافت کننده علم، جایگاه راز، درگاه حکمت، ناطق به حجّت او، دعوتگر به سوی آیین، جانشین او در میان امت، برطرف کننده سختی و گرفتاری از چهرهاش، در هم شکننده کافران و ذلیل کننده گناهکاران، همان کسی که او را برای پیامبرت به منزله هارون برای موسی قرار دادی درود بفرست، خداوندا، دوست بدار کسی که او را دوست میدارد و دشمنی کن با کسی که با او دشمنی میکند، و یاری کن کسی که او را یاری میکند و خوار کن کسی که او را خوار میکند، و لعنت

کن کسی که پایه دشمنی با او را بنا نهاد، و بر او درود بفرست، برترین درودی که بر یکی از اوصیای پیامبرانت فرستادی، ای پروردگار جهانیان.

سپس برای خواندن زیارت آدم و نوح نزد موضع سر برگرد، در زیارت آدم علیه السلام بگو: سلام و رحمت و برکات الهی بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای خلیفه الهی در سرزمینش، سلام بر تو ای پدر بشر، سلام بر تو، روح و بدنت و افراد پاک از میان فرزندانت و نسل تو، درودی که جز خدا کسی نتواند آن را بشمارد.(1)

و در زیارت نوح علیه السلام بگو: سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای بزرگ تمام فرستادگان الهی، سلام بر تو ای امانتدار الهی بر روی زمین، درود و سلام الهی بر تو و بر روح و بدن تو و بر فرزندان پاکت و رحمت و برکات الهی بر شما باد.

سپس شش رکعت نماز بخوان، دو رکعت از آن برای زیارت امیر مؤمنان علیه السلام که در رکعت اوّل سوره فاتحه و سوره رحمان و در رکعت دوّم سوره فاتحه و سوره یاسین را قرائت میکنی، آنگاه تشهد بخوان و سلام بده و تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیه را انجام بده، و از خداوند متعال طلب استغفار کن و برای خودت دعای خیر کن.

سپس بگو: پروردگارا، همانا این دو رکعت نماز هدیهای باشد از طرف من تقدیم به سرور و مولایم، ولیّ تو و برادر پیامبرت صلّی الله علیه و آله و سرور جانشینان پیامبران علی بن أبی طالب درود خدا بر او و خاندانش باد، پروردگارا، بر محمّد صلّی الله علیه و آله و خاندان او درود فرست و آن را از من بپذیر و پاداش نیکوکاران را در قبال این عمل به من عطا کن، پروردگارا، به جهت رضای تو نماز گزاردم و برای تو رکوع کردم و برای تو سجده نمودم، تو یگانه هستی و هیچ شریکی نداری، چرا که نماز و رکوع و سجود فقط برای توست، تو الله هستی و هیچ

1- . مصباح الزائر: 66 و 65

معبودی جز تو نیست، پروردگارا، بر محمد صلّی الله علیه و آله و خاندان او درود فرست و زیارتم را از من بپذیر و به خاطر محمد و خاندان پاک او درخواستم را اجابت فرما.

و چهار رکعت دیگر را به آدم و نوح هدیه کن، سپس سجده شکر به جای آور و در مورد آن دو پیامبر بگو: پروردگارا روی خود را متوجه تو کردم و به ریسمان تو چنگ زدم و بر تو توکل نمودم، پروردگارا تو مورد اعتماد و امید من هستی، مرا از آنچه که برایم مهم است و مهم نیست و هر آنچه که تو از من به آن آگاهتری کفایت کن، همسایه تو عزیز و مدح و ثنای تو والاست، و هیچ معبودی جز تو نیست، بر محمّد صلّی الله علیه و آله و خاندان او درود فرست و فرج آنها را نزدیک گردان، سپس گونه راستت را روی زمین بگذار و بگو: به ناچیزی من در برابر عظمتت و ناله و التماسم به سوی تو و وحشتم از مردم و الفتم با تو رحم کن، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار.

سپس گونه چپت را روی زمین بگذار و بگو: هیچ معبودی جز تو نیست، تو پروردگارا من هستی و این حق است، ای پروردگارا من با حالت عبادت خاشعانه برای تو سجده گزاردم، پروردگارا همانا عمل من ضعیف و اندک است، پس آن را برایم افزایش ده ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار. سپس به سجده برگردد و صد بار بگو: شکر خدا، و دعای بسیار کن، زیرا سجده جایگاه درخواست است، و بسیار طلب آمرزش کن چرا که سجده جایگاه بخشش است، و بر آورده شدن حاجات را طلب کن زیرا سجده جایگاه اجابت است، و هرگاه نمازی واجب یا نافله را در مدت زمان حضور در کنار قبر امیر مؤمنان علیه السلام به جای میآوری، این دعا را بخوان: خداوندا امر، امر تو است، و ما تابع قضا و قدر تو هستیم، هیچ نیرو و قدرتی جز با استعانت از تو وجود ندارد، و تا آخر دعا را بخوان.(1)

سپس فرمود: در پایان خداحافظی با سرورمان امیر مؤمنان علیه السلام اگر خواهان آن بودی به زیارت بپرداز و هر آنچه که به محض ورودت به زیارتگاه انجام

1- . مصباح الزائر: 65 و66

دادی را دوباره انجام بده، از اوّل تا آخر که آن را بیان کردم، سپس در آخر آن با ایشان خداحافظی کرده و بگو: به خدا و فرستادگان الهی و آنچه که تو با خود آوردی و مرا به سوی آن دعوت کردی و راهنمایی نمودی ایمان آوردم، پروردگارا، ما به آنچه که نازل فرمودی ایمان آوردیم، و از پیامبر صلّی الله علیه و آله و خاندان او پیروی کردیم، پس ما را همراه با شاهدان بنویس، پروردگارا، این زیارت را آخرین زیارت از مقبره مولای ما امیر مؤمنان و برادر رسول خدا صلّی الله علیه و آله قرار مده، و زیارت او را تا زمانی که زندهام نصیبم گردان، پروردگارا، مرا از پاداش زیارتش بی بهره مگردان و بازگشت و باز هم بازگشت نصیبم کن، سلام بر تو ای مولای من، سلامی سپرده شده که در آن خستگی و درماندگی وجود ندارد، و رحمت و برکات الهی بر تو باد، پروردگارا، بر محمد صلّی الله علیه و آله و خاندان او درود فرست، و از جانب من برترین درودها و سلامها و سلام تمامی فرشتگان الهی که این مزار شریف را احاطه کردهاند را به ارواح و بدنهای آنها برسان، و سلام بر رسول خدا صلّی الله علیه و آله، سلام بر فاطمه سرور تمامی زنان عالم، سلام بر امیر مؤمنان، سلام بر حسن وحسین و علی بن حسین و محمّد بن علیّ و جفعر بن محمّد و موسی بن جعفر و علیّ بن موسی و محمّد بن علیّ و علیّ بن محمّد و حسن بن علیّ و حجّت به پا خواسته به امر خدا و انتقام گیرنده از دشمنانش، سلام بر نامیده شده رسول خدا و آشکار کننده دین الهی سلامی دائمی و همیشگی و بدون این که لحظهای قطع شود، سلام و رحمت و درود الهی بر تو باد، سپاس پروردگاری را که به واسطه شما ما را از شرک و گمراهی نجات داد، پروردگارا، مرا از کسانی قرار ده که از جانب تو درود و رحمت به آنها میرسد و مرا با ایمان محافظت کن و مکر و حیله و ضرر و زیان آن کسانی را که به خاطر تو با آنها دشمنی کردم از من دور کن، ای پروردگار جهانیان.

سپس ضریح مقدس را ببوس، درود خداوند بر صاحب آن باد، و از خدا آنچه را که میخواهی طلب کن و اگر خدا بخواهد با حالت متنعم از نعمت و مورد رحمت قرار گرفته باز گرد.(1)

توضیح: «العاقبه»: فرزند، و «حزانتک» با ضمّه: خانواده تو که نگران امور آنها هستی، در النهایه(2)میگوید:

آنچه که در درون افراد پنهان میماند، یعنی به آن خطور میکند و از احادیث و افکار در آن جریان پیدا میکند، فرموده او: «إستخلصنی إکراماً به» : یعنی مرا نجات بده به وسیله او که لطفی بر من باشد. «مِن» در اینجا بیانیه است، گفته میشود: «استخلصه لنفسه» یعنی: او را مخصوص خود گرداند، در النهایه میگوید: در حدیث امام علی علیه السلام که دستور به قتل ناکثین و قاسطین و مارقین دادم، «نکث» یعنی: شکستن عهد و پیمان، که منظور از آن جنگ جمل است زیرا آنها با امیر مؤمنان بیعت کرده بودند، سپس پیمان خود را شکستند و با ایشان جنگیدند، منظور از قاسطین اهل صفین است، زیرا در حکم خود ظلم روا داشته و بر امام علی شوریدند، و منظور از مارقین خوارج هستند، زیرا از دین خارج شدند همانگونه که تیر از کمان رها میشود. فرموده او: «لا تعذّبه» که در آن حذف و ایصال صورت گرفته است یعنی: او را با آن عذاب نده. فرموده او: «قدم صدق فی اولیائک» یعنی: گام ثابت و استوار در ولایت و پیروی از آنها، یا مقام و جایگاهی نیکو در نزد خودت به سبب آنها، آنگونه که خداوند متعال میفرماید: «و بشّر الذین آمنوا أنّ لهم قدم صدق عند ربّهم» {و به اهل ایمان بشارت ده که جایگاهی نیکو در نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است}، در بعضی از نسخهها «لسان صدق» است که بیان شد، در فرموده او: «یا صریع الدمعه الساکبه»، «صریع» به معنای کشته شده و بر روی زمین افتاده است، «السّکب» یعنی: ریختن و ریزش، که منظور از آن در اینجا معنای دوّم است یعنی: فرد کشته شدهای که اشکها به خاطر او جاری میشود. و گفتهاند که به «الدمعه» نسبت داده شده به جهت فراوان بودن جریانش بر او گویا چشمه آب گرم ایست که از او جریان یافته است. فرموده

1- . مصباح الزائر: 68 و 69، مزار الشهید: 19 و 18
2- . النهایه4 : 255

او: «المصيبه الراتبه» يعنی: ثابت که همواره وجود دارد تا این که خواهان خونش شوند درود خداوند بر او باد. فرموده ایشان علیه السلام: «عبره لأولی الباب» یعنی: صاحبان عقل و اندیشه از فضیلت و عمل و بزرگی و مظلومیت و شهادت شما درس بگیرند و به پستی و ناچیزی دنیا آگاه شوند و این که خداوند آن را برای اولیای خود نپسندید و سرای آخرت همان سرای ماندن و جایگاه افراد برگزیده است.

فرموده او: «التالین الکتاب» یعنی: رسول خدا پس از کتاب خداوند به ذکر شما پرداخته و همراه با ذکر قرآن به رعایت حق شما توصیه نموده آنگاه که فرموده است: همانا من دو چیز سنگین و گرانبها را برای شما بر جا میگذارم: کتاب خدا و عترتم اهل بیت؛ یا به این معناست که پیروان قرآن و عمل کنندگان به آن و تلاوت کنندگان به حقِّ آن، که مورد اول واضحتر و درستتر است. فرموده او: «وجعل أفئده من الناس» اشاره به دعای ابراهیم علیه السلام برای آنهاست در این فرمایش خداوند: «و اجعل أفئده من الناس تهوی إلیهم» {و دلهای مردم را متوجه آنان گردان}، جمله خبری و دعایی است و در بعضی از نسخهها (صلّی الله علیک و جعل) ذکر شده که صحیحتر به نظر میرسد. فرموده او: «وخلیل النبوه» یعنی صاحب آن، و «یعسوب» به معنای سرور و رئیس و پیش قراول است و در اصل به معنای ملکه زنبورها میباشد. فرموده او: «و کلمه الرحمان» یعنی آنچه که خداوند خواهان آشکار شدنش است را برای مردم بیان میکند، همان طور که کلمه بیانگر آن چیزی است که در درون گویندهاش وجود دارد، یا مقصود این است که وی صاحب کلمات خداوند و علوم اوست، و شرح مفصل این موضوع در بابهای فضایل ایشان صلوات الله علیه شرح داده شد. فرموده او: «علی میزان الأعمال» اشاره دارد به آنچه که در احادیث بسیاری نقل گردیده مبنی بر اینکه امامان ترازوهای روز قیامت هستند و آنها مردم را محاسبه میکنند.

قول ایشان علیه السلام: «و مقلب الأحوال» یعنی: حال آنها را از گمراهی به سوی هدایت، از جهالت به سوی علم، از فقر به سوی بی نیازی، و در جنگها از زندگانی به سوی مرگ دگرگون میکند، یا این که او میزان سنجش انسانهاست و به وسیله او مؤمن از کافر تشخیص داده میشود و گروهی از کفر به سوی ایمان می

روند، همچنین به واسطه او کفر منافقانی که ادعای ایمان میکردند آشکار میشود و ظاهر آن اشاره به درجهای بالاتر از آن دارد یعنی مدخلیت در نظام عالم و تدبیر آن؛ و این مقام دقیقی است که مقداری در باره آن در کتاب امامت سخن گفته شد. «سلسبیل»: نام چشمهای است در بهشت. فیروزآبادی(1)

میگوید: آب زلالی است همانند اشک که خیلی سریع در حلق عبور میکند، سرد و صاف و گوارا و ساده و روان است.

قول ایشان علیه السلام: «و الزناد القادح»، فیروز آبادی میگوید: «زند» چوبی است که آتش با آن روشن میشود و جمع آن «زناد» است. و گوید: «قدح بالزند» یعنی: آتش با آن روشن کرد، پس «زناد» جمع است و لازم است که که صفت آن به صورت «القادحه» ذکر شود، شاید در اصل «الزند» بوده و در آن تصحیف صورت گرفته باشد، چرا که لفظ مفرد در اینجا مناسبتر است، احتمال دارد که «زناد» مفرد به کار رفته باشد ولی علمای لغت آن را بیان نکرده باشند، یا این که به منظور مبالغه به صورت جمع ذکر شده باشد، و در صفت، جانب معنا رعایت شده است، زیرا عبارت از یک شخص واحد است، و به هر تقدیر، کنایه از فراوانی ظهور انوار علم و حکمت ایشان، و یا کنایه از شدت توانمندی و چیرگیاش در میادین جنگ میباشد، که معنای نخست واضحتر است، و «القصم» به معنای شکستن است. فرموده او: «و لا قال» گفته میشود: «قلاه» یعنی: بر او خشم گرفت و از او متنفر گشت، و از آن جمله است فرمایش خداوند متعال: «ما ودّعک ربّک و ما قلی» {پروردگارت تو را رها نکرده و بر تو خشم نگرفته است}.

میگویم: سید بن طاووس این زیارت را تا دعایی که مفید در آخر زیارت ذکر کرده نقل نموده و گفته است: دعای دیگری که مستحب است بعد از نماز زیارت امیر مؤمنان علیه السلام خوانده شود این است: یاالله یا الله یا الله، ای اجابت کننده خواسته درماندگان، و دعا را تا پایان و به صورتی که در ادامه ذکر خواهیم کرد بیان کرده است، آن هم به روایت صفوان در زیارت حسین علیه السلام در روز عاشورا،

1- . القاموس3 : 381

که در اینجا به خاطر پرهیز از تکرار آن را ذکر نکردم، پس هر کسی خواهان قرائت آن است به آن مراجعه کند چرا که کاملتر از آن چیزی است که سیّد در اینجا ذکر کرده است است.

این روایت شامل فضیلت کاملی است که در مورد زیارت حسین علیه السلام در کنار سر امیر مؤمنان و نماز در کنار مقبره ایشان ذکر کرده است، پس غافل نباش.

سپس بدان که علماء زیارت آدم و نوح علیهما السلام را در کنار مقبره امام علیه السلام بیان کردهاند و به زیارت صالح و هود و ابراهیم علیهم السلام نپرداختهاند، در احادیث آمده که این پیامبران نیز در کنار و نزدیکی مقبره ایشان صلوات الله علیه مدفون هستند، پس لازم است که آنها را نیز زیارت کرد، ولی فقط زیارت آدم و نوح را به جهت فراوانی احادیثِ روایت شده در این باره و نیز امر به زیارت آنها در برخی احادیث ذکر کردهاند.

سپس میگویم: مناسب است که در کنار مزار آدم علیه السلام یا بعد از نمازی که هنگام زیارت ایشان گزارده میشود، دعایی که از امام سجّاد علیه السلام روایت شده و شامل درود بر امام صلوات الله علیه است خوانده شود، و این همان دعایی است که به بعضی از نسخههای صحیفه اضافه شده است، به این ترتیب: پروردگارا، آدم آفریده بی سابقه توست و اولین اعتراف کننده از خاک به ربوبیت تو، قدیمیترین حجت تو بر بندگان و آفریدگان تو، دلیل بر پناه بردن به عفو تو از دست مجازاتت، پیماینده راههای توبه به درگاه تو، وسیله میان مردم و شناخت تو، کسی که با منّت نهادن و روا داشتن رحمت نسبت به او به ملاقات آنچه بدان راضی بودی نائلش گرداندی، توبه کنندهای که بر نافرمانی تو اصرار نورزید و با تراشیدن سر در حرم تو از پیشگامان فروتنان در مقابل تو بود، و بعد از معصیت و گناه برای کسب عفو بخشش تو به عبادت متوسل شد، پدر پیامبرانی که به خاطر رسیدن به جوار تو متحمل آزار و اذیّت گردیدند، و بیشتر از سایر ساکنان زمین تلاش میکرد تا به عبادت تو مشغول شود، پس ای خدای رحمان، تو و فرشتگانت و ساکنان آسمانها و زمینت بر او صلوات بفرستید، آنگونه که حرمتهای تو را عظیم و والا شمرد و ما را به راه رضایت تو راهنمایی کرد، ای مهربانترین مهربانان.

میگویم: لازم است که زیارت کننده، حسین علیه السلام را در کنار قبر امیر مؤمنان علیهما السلام زیارت کند، آنگونه محمد بن مشهدی در مزار کبیر بیان کرده است.

19. و ذکر کرده که امام صادق علیه السلام سر امام حسین علیه السلام را در کنار سر امیرمؤمنان علیه السلام زیارت کرده و در کنار آن چهار رکعت نماز خوانده و به ذکر این دعا پرداخته است: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند صدیقه طاهره سرور زنان دو عالم، سلام بر تو ای سرور من، ای ابا عبدالله، و رحمت و برکات الهی بر تو باد، گواهی میدهم که همانا تو نماز را به پا داشتی، زکات را پرداخت نمودی، از منکر نهی کردی، حق تلاوت قرآن را به جا آوردی، آنگونه که شایسته است به جهاد در راه خدا پرداختی، و در کنار آن بر آزار و اذیت صبر کردی و محاصره شدی تا این که یقین (مرگ) به سراغت آمد، و گواهی میدهم کسانی که با تو مخالفت کردند و با تو جنگیدند و کسانی که تو را خوار کردند و به قتل رساندند، بر زبان پیامبر درس نخوانده مورد لعن خداوند هستند، و نا امید شد کسی که به خدا دروغ بست، خداوند کسانی را که به شما ظلم کردند لعنت کند از اوّلین و آخرین افراد، و بر عذاب دردناک آنها بیفزاید، ای سرور من، ای فرزند رسول خدا، به قصد زیارت تو به سوی تو آمدم در حالی که آگاه به حق تو هستم، دنباله رو اولیای تو و دشمن دشمنانت هستم، راه یافته به طریق هدایتی هستم که تو بر آنی و آگاه از گمراهی مخالفان تو، پس نزد پروردگارت برای من شفاعت کن.(1)

میگویم: کامل آن در زیارت حسین علیه السلام خواهد آمد، و اگر زیارت کننده به همه آنها عمل کند بهتر است.

20. سپس سیّد رحمه الله زیارت وداع را به همان شکلی که گفته شد بیان کرده و میگوید: زیارت دوّمی که امام حسین علیه السلام با آن زیارت میشود این گونه است که در کنار مقبره شریفش میایستی و میگویی: سلام خدا بر محمد صلّی

1- . المزار الکبیر: 172

الله علیه و آله، امانتدار الهی بر رسالتها و کارهای بزرگ و عظیمش، معدن وحی و قرآن، ختم کننده پیامبران قبلی، گشاینده آنچه که در آینده است، و ناظر بر تمامی اینها، شاهد بر مردم، و چراغ فروزان، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد، پروردگارا، بر محمد و اهل بیت پاک او بهترین و کاملترین و وسیعترین و سودمندترین و شریفترین صلواتی را بفرست که بر پیامبران و برگزیدگانت فرستادی، پروردگارا بر امیر مؤمنان درود بفرست، بنده تو و بهترین مخلوقات بعد از پیامبرت و برادر رسولت و جانشین او که او را با علمت فرستادی و او را هدایت کننده هر یک از بندگانت که میخواهی قرار دادی، و دلیل بر کسی که او را با رسالتهایت فرستادی، و یاریگر دین با عدل تو و تو میان بندگانت، و سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد، پروردگارا، بر امامانی درود بفرست که از فرزندان امام علی علیه السلام هستند و پس از او اوامر تو را به پا میدارند، پاکانی که از آنها راضی گشتی که یاریگران دینت، حافظان رازت، شاهدان بر مخلوقات تو و نشانههایی برای بندگانت باشند، سلام بر برگزیده خدا از میان مخلوقاتش، سلام بر فرشتگان الهی، سلام بر تو ای امیر مؤمنان، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای برگزیده، سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر خلیفه خدا، سلام بر تو ای پایه و اصول دین، سلام برتو ای تقسیم کننده بهشت و جهنم، گواهی میدهم که همانا تو کلمه تقوا، دروازه هدایت، ریسمان محکم، طناب استوار و راه راست هستی، گواهی میدهم که همانا تو حجّت خدا بر آفریدگان، شاهد او بر بندگان، امانت دار او بر علم الهی، خزانهدار راز، جایگاه حکمت و برادر رسولش علیه السلام هستی، گواهی میدهم که دعوت تو حق است و هر دعوت کننده انتخاب شده جز تو باطل و مورد قبول نیست، تو اولین مظلوم هستی، و اولین کسی هستی که حقش پایمال شده است، صبر پیشه ساختی و در انتظار ماندی، خداوند لعنت کند کسی را که به تو ظلم کرد و بر تو پیشی گرفت و بر سر راهت مانع ایجاد کرد لعنتی بزرگ، و تمامی فرشتگان مقرّب و پیامبران فرستاده شده و تمامی بندگان مؤمن مورد آزمایش آنها را به آن لعنت کنند، ای امیر مؤمنان درود خدا بر تو و روح و بدنت باد، گواهی میدهم همانا تو بنده خدا و امانت دار او هستی، با حالتی

نصیحت کننده پیامت را رساندی و با حالت امانت وظیفهات را ادا کردی، و مظلوم و صادقانه به شهادت رسیدی و بر راه یقین حرکت کردی، و گواهی میدهم همانا تو به حقیقت نماز را بر پا داشتی، زکات را پرداخت نمودی، به کار نیک فرمان دادی، از کار بد نهی کردی، از پیامبر پیروی نمودی و امت اسلامی را پند دادی، کتاب قرآن را تلاوت نمودی آنچنان که حق تلاوت آن است، و در راه خدا جهاد کردی آنچنان که حق جهاد در راه اوست، و با حکمت و پند نیکو به راه خدا دعوت کردی تا این که یقین (مرگ) به سراغت آمد، گواهی میدهم همانان تو بر برهانی روشن از جانب پروردگارت بودی، و با آگاهی به سوی او دعوت کردی، و آنچه به آن فرمان داده شده بودی را ابلاغ نمودی و حق خدا را بدون هیچ گونه سستی و پذیرش سستی به پا داشتی، پس درود خدا بر تو باد، درودی پیاپی، پیوسته، در کنار هم که از پس هم بر تو نازل میشود، درودی که قطع شدنی نیست و یا پایان و نهایتی برای آن تصوّر نمیگردد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد. و خداوند تو را به وسیله انسان راستگویی بهتر از زیر دستانش پاداش دهد، گواهی میدهم همانا جهاد همراه با تو حق است و همانا حق با تو و به سوی توست و تو اهل آن و منبع آن هستی و میراث نبوت نزد توست، پس درود و سلام خداوند بر تو باد، و خداوند قاتل تو را با انواع عذاب، عذاب دهد، ای امیر مؤمنان به سوی تو آمدم در حالی که به حق تو آگاهی دارم و به جایگاه تو بینا هستم، دشمن دشمنانت و دوست اولیای تو هستم، پدر و مادرم فدای تو باد، به سوی تو آمدم و به تو پناه میبرم از آتشی که افرادی مانند من، به سبب جنایتی که در حق خود مرتکب شدهام، سزاوار آن هستند، نزد تو آمدهام در حالی که از جایگاه و منزلت عظیم تو نزد خداوند، رسول او و خود آگاهم، پس نزد پروردگارت برای من شفاعت کن، چرا که گناهان بسیاری دارم و همانا تو نزد خداوند دارای جایگاهی مشخص و مقامی والا و مرتبهای بزرگ و شفاعتی پذیرفته شده هستی، و به حقیقت خداوند متعال و بلند مرتبه میفرماید: {آنان هرگز برای کسی شفاعت نمیکنند مگر برای آن کسی که (بدانند) خدا از او خشنود است، آنان همیشه از خوف (مقام کبریایی) خدا ترسان و هراسانند}، ای پروردگار تمامی پرورش دهندگان، ای فریاد رس تمامیِ فریاد خوانان، ای مسلّط بر

تمامی افراد ظالم و ستمگر، و ای پایگاه مؤمنان، همانا من به برادر رسولت پناه میبرم، پس به خاطرحقش بر تو گردنم را از آتش جهنم برهان، به الله و به آنچه بر شما نازل شده، ایمان آوردم، آخرین شما را دوست میدارم به آنچه اولین شما را به آن دوست داشتم، و کافر شدم به بتان و سرکشان و لات و عزّی و هر شریکی که به جای الله خوانده میشود، ای مولای من! سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد.

سپس ضریح را ببوس و به کنار سر برگرد و بگو: ای امیر مؤمنان سلام بر تو، من برده تو، و فرزند برده تو، و فرزند کنیز تو هستم، به قصد زیارت به سوی تو آمده به حرم تو پناه آوردهام، برای بخشش تمامی گناهانم و با تضرع به درگاه خدا و درگاه تو و به واسطه تو به خداوند متوسل میشوم، چرا که از جایگاهت نزد خدا آگاهم و میدانم که سخنانم را میشنوی و جواب سلامم را میدهی، به جهت این فرمایش خداوند متعال: «و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتا بل أحیاء عند ربهم یرزقون» {و گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته میشوند مردهاند بلکه آنها زندهاند و نزد پروردگارشان روزی میخورند}، ای مولای من، همانا من اگر شفیعی نزدیکتر از تو به درگاه خدا مییافتم به سوی او میرفتم، هر کس به شما امیدوار باشد ناامید نمیشود، و هر کس شما را بخواند گمراه نمیشود، و شما حجت و جایگاه حجت الهی هستید، پس شفیع من نزد خدا باش، وسیلهای کاملتر از قصد درگاه تو نمودن و توسل به تو سراغ ندارم، تو کلمه خدا و کلمه رسولش صلّی الله علیه و آله هستی، تو منبع وحی او، درگاه علم، جایگاه راز، و نصیحت کننده بندگان خدا و نفر دوم پس از پیامبرش و فداکاری کننده به او با جان هستی، تو بازگو کننده حجتهای الهی، دعوت کننده به سوی آیین و رهسپار شده بر سنت او هستی، پس حقیقت آنچه که از پیامبر برگرفتی را ابلاغ نمودی و آنچه را نگاه داشته بودی رعایت کردی، و آنچه را بدان سپرده شده بودی نگاه داشتی، حلال خدا را حلال شمردی و حرام او را حرام شمردی و احکام او را به پا داشتی، و سرزنش هیچ سرزنشگری تو را از پیمودن راه خدا باز نداشت، پس با ستمگران به حکم خدا (قاسطین)، سرکشان از امر او (مارقین) و شکنندگان عهد و پیمانش (ناکثین) به جهاد پرداختی، صبر پیشه ساختی و در انتظار ماندی، درود و سلام خدا بر تو باد، برتر از

آنچه خداوند بر یکی از برگزیدگان و پیامبران و اولیای خود درود میفرستد، همانا که خداوند ستوده و بزرگوار است.

سپس ضریح را از هر طرف ببوس و نماز زیارت را بخوان و هرچه که نماز میخواهی بخوان و دعا کن، پس بگو: ای کسی که از من و آنچه گناهانی که در خلوت مرتکب شدهام گذشت نمودی، ای کسی که با پوشاندن گناهانم به من رحم کردی و رسوایم نساختی، ای کسی که خلقت مرا شکل بخشیدی و بر آنچه که انجام میدهم برای او شاهدی از جانب من وجود دارد، ای کسی که زبانم را به گفتار میآوری و اعضایم را برای آن به سخن میآوری، ای کسی که شرم و حیای من از تو کم شده تا جایی که ترسیدم بر من خشم گیری، ای کسی که اگر مردم قسمتی از علم تو را درباره من میدانستند قطعا بر من عقوبت من شتاب می کردند، ای کسی که عورت و شرمگاه مرا پوشاندی و زشتیهایم را برای بندگانت ظاهر نساختی، ای کسی که به هنگام نافرمانیات در خلوت به لذتجویی مهلتم دادی، به ذات بزرگوارانه تو پناه میبرم از این که از کسانی باشم که فریاد برمیآورند: {(دردا و حسرتا ! چه کوتاهیها که در طاعت وعبادت خدا کردهام }، و به ذات پروردگارانه تو پناه میبرم از کسانی باشم که فریاد برمیآورند: {پروردگارا ! بدبختی ما که ناشی از انجام گناهان بود بر ما چیره گشته بود، و ما مردمان گمراهی بودیم، پروردگارا ! ما را از آتش دوزخ بیرون بیاور، و اگر (بعد از این، به انجام گناهان) برگشتیم، ما ستمگر خواهیم بود }، و به ذات بزرگوارانه تو پناه میبرم که از کسانی باشم که فریاد بر میآورند: {ما اصلا شفاعت کنندگانی نداریم، دوست صمیمی و دلسوزی هم نداریم، کاش ! (به دنیا) برگشتی داشتیم تا از زمره مؤمنان میشدیم }، ای مولای من، به ذات بزرگوارانه تو پناه میبرم از اینکه از کسانی باشم که فریاد برمیآورند: {ای مالک ! پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند }، ای مولای من، به ذات بزرگوارانه تو پناه میبرم از اینکه از کسانی باشم که به بند و غُل و زنجیر کشیده میشوند با زنجیری که هفتاد ذراع (فاصله آرنج تا نوک انگشتان دست) درازا دارد، ای مولای من، به ذات بزگوارانه تو پناه میبرم از اینکه از جمله کسانی باشم که صبحگاهان و شامگاهانم (رفتن) به سوی جهنم باشد.

ای پروردگار من! از خطاهایم درگذر و آن را با نیکیها جایگزین گردان و با آن ترازوی اعمالم را سبک مگردان، و چهرهام را با آن سیاه و جایگاهم را رسوا مکن، و سرم را با آن پایین مینداز، و در زمان باقیمانده از زندگی بر من خشم مگیر، و از گناهان من درگذر در ردیف بهشتیانی که بر اساس وعده راستینی که به آنان داده شده بود، از گناه آنان در گذشتهای. پروردگارا، به حق مولایم و حرمت مزار او، مرا از استجابت آنچه از تو مسألت داشته و برآورده شدنش را از درگاهت آرزو نموده و آن را از تو طلب کردهام آگاه گردان، و با تلاشی که برای زیارت او کردم بر اساس معرفت و شناخت حق او نسبت به خودم و منزلت وی در پیشگاه خداوند، و محبت و مودت نسبت به او و بر اساس آنچه که در کتابت بر من واجب گردانیدی، و مرا نا امید و بیمناک باز مگردان، و به حق محمّد صلّی الله علیه و آله و علی و امامانی که فرزندان اویند، و به حقّ جایگاه و منزلتی که آنها نزد تو دارند، سوگندت میدهم که مرا رستگار و پیروز باز گردان، همانا آنان از جایگاه و منزلت ارجمندی نزد تو برخوردارند، به رحمت خودت ای بهترین رحم کنندگان.

سپس آن گونه که میپسندی برای خود و برادرانت دست به دعا بردار.

اگر خواستی از او خدا حافظی کنی در کنارش بایست و بگو: ای سرور، مولا و مورد اعتمادم در دین و دنیا و آخرتم، ای امیر مؤمنان، زمان بازگشتم از حرم تو فرا رسیده است، بدون ستم و خشم و بعد از آنکه حاجاتم را برآورده ساختی، و از زیارت تو بهرهمند شدم و به ضریح و و حرم تو پناه آوردم، و از خداوند متعال درخواست کردم که من و پدر و مادرم و برادران مؤمنم را ببخشد، اکنون قصد بازگشت دارم و از تو میخواهم که از خداوند متعال بخواهی که به خاطر درخواستم از تو من و مردان و زنان مؤمن را سالم و بهرهمند نزد خانوادههایمان بازگرداند، و عمل و تلاش و زیارتمان را بپذیرد و تمامی گناهان و جرمها و اشتباهاتمان را پاک کند و با تلاشی قدردانی شده، گناهی بخشیده شده و عملی نیکو شده باز گردیم، ای پروردگار من، این زیارت را آخرین زیارت مولا و امام ما امیر مؤمنان و مقبرهاش در هر وقت تعیین شده قرار مده، خداوندا این زیارت را به بهترین شیوه از ما بپذیر،

ای امیر مؤمنان، تو، خودم، خانوادهام، فرزندانم و آنچه که در تمامی احوالم به سوی آن متحول میشوم را به خدا میسپارم.(1)

میگویم: کلینی در کافی(2)

بعد از آوردن این زیارت مختصر که قبلا آن را از امام هادی علیه السلام با دو سندش ذکر کردیم گفته است: دعای دیگری در کنار قبر امیر مؤمنان علیه السلام خوانده میشود به این ترتیب که میگوید: سلام بر تو ای ولّی خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سپس این زیارت را مانند آنچه که سیّد در آن زیارت آورده ادامه میدهد تا جایی که میگوید: پروردگارا، ای پروردگار تمامی پروردگاران، ای فریادرس دوستان و محبوبان، همانا من به برادر پیامبرت به پناه بردم، پس مرا را از آتش جهنم برهان، به خدا و آنچه بر شما نازل شده است ایمان دارم و آخرین فرد از شما را به سبب آنچه اوّلین فرد از

شما را به خاطر آن دوست میداشتم دوست دارم، و به بتها و سرکشان و لات و عزّی کافر شدم، و با آن پایان مییابد، و مانند آن را شیخ در تهذیب(3) روایت کرده است.

21. سپس سیّد رحمه الله زیارت سومی را بیان میکند که با آن ایشان علیه السلام زیارت میشود: غسل میکنی و تمیزترین لباست را میپوشی و اگر برایت امکان داشت از مقداری عطر (ماده خوشبو) استفاده میکنی، زمانی که به درگاه ناحیه مقدس رسیدی بگو: الله اکبر (سی بار)، لا اله الا الله (سی بار)، الحمدلله (سی بار)، اللّهم صلّی علی محمد و آل محمد (سی بار)، سپس در حالی که پای راستت را پیش مینهی وارد میشوی و میگویی: سلام بر فرستاده خدا، آخرین پیامبران، سلام بر برادر و جانشینش امیر مؤمنان، سلام بر فرشتگان الهی و بندگان نیکوکارش، سلام بر فرشتگان این حرم که در اینجا ساکن هستند و اطراف حرم را احاطه کردهاند و برای زائران آن طلب استغفار و بخشش میکنند، سپاس مخصوص پروردگاری است که ما را به شناخت خود و پیامبرش گرامی داشت و عبادتش را بر ما واجب گرداند تا رحمت و مهلتی از جانب او باشد، سپاس مخصوص پروردگاری است که مرا در

1- . مصباح الزائر: 69 - 72
2- . الكافى4 : 570
3- . التهذيب6 : 29 و 30

سرزمینهایش به گردش در آورد، مرا بر چهار پایانش (وسایل سواری) جا به جا کرد، مسافت دور را برایم نزدیک گردانید و سختیها را از من دور کرد تا این که مرا به حرم برادر پیامبرش و جانشین رسولش رساند، و مرا وارد بقعهای کرد که به آن قداست بخشیده و بر آن برکت نازل فرموده و آن را برای جانشین پیامبرش انتخاب کرده است، سپاس پروردگاری که مرا به دین اسلام هدایت کرد و ما هرگز هدایت نمیشدیم اگر خداوند هدایتمان نمیکرد، و گواهی میدهم که هیچ معبودی جز الله نیست، یگانه است و هیچ شریکی ندارد، همانا محمّد بنده و فرستاده اوست، و علی بنده و برادر رسولش است. پروردگارا، همانا من بنده تو و زیارت کنندهات هستم، به سوی تو آمدهام و به واسطه زیارت برادر پیامبرت و حفاظت شده از طرف رسولت صلّی الله علیه و آله به تو نزدیک شدهام، پروردگارا، و هر زیارت شوندهای نسبت به کسی که زیارتش میکند و به سوی او میآید حقی بر گردن دارد، پروردگارا، تو بهترین کسی هستی که به سویت میآیند و گرامیترین زیارت شونده هستی، پروردگارا، پس تو را به کرسیهای عزت عرشت، نهایت رحمت از کتابت، موجبات رحمتت و بخشایش ارجمندت سوگند داده و از تو میخواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی، و بهره من از زیارتم در این مکانم را آزاد شدن و رهایی از آتش جهنم قرار دهی، و مرا از جمله کسانی قرار دهی که در انجام کارهای نیک شتاب میکنند و با حالت بیم و امید تو را میخوانند، و مرا از خاشعان قرار ده، پروردگارا، همانا تو بر زبان پیامبرت به من بشارت دادی و فرمودی: {و به ایمان داران بشارت بده که برای آنها نزد پروردگارشان جایگاه راستی است}، خداوندا، به تو و تمامی پیامبران و رسولانت و کلمات و نامهای تو ایمان دارم، پس مرا بعد از شناخت نسبت به آنها در مکانی قرار مده که در برابر تمامی بندگانت با آن رسوایم سازی، خداوندا، مرا با محمّد صلّی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام همراه گردان، و بر حالت تأیید آنها و تسلیم در برابر آنها بمیران، ایشان بندگان تو هستند و تو آنها را با کرامت خودت برگزیدی و مرا به پیروی از آنها فرمان دادی و اطاعت از آنها را بر من واجب فرمودی.

سپس به قبر نزدیک میشوی و میگویی: سلام خدا بر محمّد صلّی الله علیه و آله، پیامبر برگزیده و خشنود گشته، امانتدار الهی بر رسولان او و خاتم پیامبران و عزائم امر وی (واجبات و محرمات)، معدن وحی و رسالت و قرآن، محل فرود فرشتگان، جایگاه رفت وآمد جبرئیل امین علیه السلام، حجت والای الهی، خاتم پیامبران قبل از خود، گشاینده آنچه که خواهد آمد، ناظر و چیره بر تمامی اینها، شاهد بر مخلوقات و چراغ فروزان، و سلام و درود و رحمت الهی بر او باد، خداوندا، بر محمّد صلّی الله علیه و آله و اهل بیت نیکوکار او درود فرست، کسانی که آنها را از میان بندگانت برگزیدی و بزرگان دینت قرارشان دادی، خداوندا، نهایت علم و سلامها و درودهای خود را محمد صلی الله علیه و آله بفرست، خداوندا، بر امیر مؤمنان بنده و برادر رسولت و بهترین کسی که به علم خود او را برگزیدی درود فرست، کسی که او را هدایت کننده برای هر یک از بندگانت که خواستی، دلیل بر کسی که با رسالتهای خود مبعوثش گرداندی، بر پا دارنده دین تو با عدالت و فصل الخطاب امورت در میان بندگانت قرارش دادی، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد. بار خدایا، بر امامان از نسل علی علیه السلام که بر پا دارندگان اوامر تو بعد از اویند درود فرست، انسانهای پاکی که رضایت دادهای یاریگران دین، پذیرندگان علم، حافظان راز، شاهدان بر آفریدگان، نشانههای راهیابی بندگان، و ستارگان درخشان روی زمینت باشند، سلام بر امامانی که به آنها امانت سپرده شده است، سلام بر برگزیدگان خدا از مخلوقات مبارکش، سلام بر مؤمنانی که امام خدا (امام منصوب شده از جانب خدا) را به پا داشتند و اولیای الهی را یاری دادند، سلام بر فرشتگان الهی، ای امیر مؤمنان سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای برگزیده الهی، سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای امام هدایت، سلام بر تو ای بیرق تقوا و پرهیزکاری، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار برگزیده، سلام بر تو ای چراغ فروزان، سلام بر تو ای پایه و ستون دین، سلام بر تو ای وارث علم اوّلین و آخرین، سلام بر تو ای نور روشن، گواهی میدهم همانا تو نماز را به پا داشتی و زکات را پرداخت نمودی، به کار نیک فرمان دادی و از کار بد نهی نمودی، از پیامبرت پیروی و قرآن را آنچنان که حق

تلاوت آن است تلاوت کردی، و آنچه خداوند تو را به آن امر فرموده بود ابلاغ نمودی، به پیمان الهی وفا و به کلامش قیام کردی، در راه خدا جهاد کردی آنچنان که حق جهادش است، و به خاطر رضای خدا و رسولش پند و اندرز دادی، پس خداوند لعنت کند کسی که تو را به قتل رساند و کسی که به تو ظلم روا داشت، و در مورد تو از حد تجاوز نمود و خوارت کرد و از تو رویگردان شد و تو را ترک کرد، پروردگارا قاتلان پیامبرانت و اولیایت و جانشینان پیامبرانت را با انواع مختلف لعنتهایت نفرین کن و آنها را وارد گرمای آتشت و دردناکی عذابت کن، و بتها و سرکشان و فرعونیان و لات و عزّی و جِبت و بتها و ازلام (چوبههای تیر مخصوص بختآزمایی و قمار) و اضداد و هر شریکی که به جای خدا خوانده میشود و هر انسان کافر و افترا زننده به خداوند متعال را لعنت کن، خداوندا، تمامی کسانی که فرستاده تو را اذیت کردند و یاران او و یاران امیر مؤمنان را کشتند و همچنین قاتل او و قاتل حسن و حسین و قاتلان اولیایت را نفرین کن، نفرینی مضاعف و ابدی که آن را انتهایی نباشد، و آنها را به عذابی دائمی و مضاعف در پایینترین طبقه جهنم گرفتار ساز، خداوندا، آنها را در نهان و آشکار لعنت فرما، لعنتی سخت و شدید، خداوندا آنها را خوار کن، خواریِ طولانی مدت، و عذابشان کاسته نمیگردد و سبک نمیشود و آنان در میان عذاب، اندوهناک و نومید و خاموش میمانند، خداوندا، در مورد اولیای خود برای من زبانی صادق قرار ده و زیارت آنها را برای من دوست داشتنی بگردان تا زمانی که مرا به آنان میرسانی و پیرو و دوستدار آنها در دنیا و آخرت قرارم میدهی.(1)

سپس به طرف مکان سر برو و در کنار آن بایست و بگو: ای مولای من، سلام خداوند و فرشتگان مقرّب بر تو، روح و بدنت باد، فرشتگانی که با دلهایشان تسلیم تو هستند، و به فضیلت تو اعتراف میکنند و شهادت میدهند که همانا تو راستگو و تأیید کننده و هدایتگر و برگزیده هستی. گواهی میدهم که به راستی تو پاک و مقدّس، ولیّ خدا و جانشین رسولش هستی، درود خدا بر هر دوی شما و

1- . مصباح الزائر: 72 - 74

فرزندانتان باد. من بنده خدا و دوستدار تو و فرستاده شده به سوی تو هستم، و با آن خواهان برترین جایگاه نزد خداوند متعال و بلند مرتبه میباشم.(1)

سپس بر روی قبر بیفت و بگو: خداوندا، به خاطر رحمت تو خود را در مقابل قبر برادر پیامبرت عرضه نمودم در حالی که از آتش به او پناه بردم، پس مرا از خشم و عذاب خودت و زلزلههای روز قیامت پناه ده، روزی که حساب در آن بزرگ میشود، روزی که بعضی چهرهها در آن نورانی و بعضی چهرهها سیاه میشوند؛ روز نزدیک، آن زمانی که دلها از شدت وحشت به گلوگاه میرسند و تمام وجودشان مملو از خشم و اندوه میگردد.

سپس سرت را بالا بگیر و رو به قبله بایست و بگو: ای گرامیترین کسی که برایش به گناهان اعتراف میکنم، چه میکنی با بندهات که به گناهانش نزد تو اعتراف میکند، با رسول و عترتش به تو نزدیک میشود، به قبر جانشین رسول خدا پناه میبرد، ای کسی که مالک حاجاتِ درخواست کنندگان هستی، آنگونه که مرا به زیارت و نیل به خواستهام موفق گرداندی، همان گونه نیل به خواستهام در دنیا و آخرت را به من عطا فرما و مرا برای هر مقام و جایگاه پسندیده موفق کن که دوست میداری در آن جایگاه با نامهایت خوانده شوی و در آن عطا و بخششت خواسته شود.(2)

و شش رکعت نماز میخوانی، و اگر خواستی بیشتر بخوانی این کار را انجام بده و دعا میکنی به آنچه که دوست داری، زمانی که خواستی خداحافظی کنی بگو: سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد، تو را به خدا میسپارم و بر تو سلام میخوانم، به خدا و رسول و به آنچه با خود آورده و به سوی آن دعوت میکند و بر آن دلالت میکند ایمان آوردیم، خداوندا، این زیارت را آخرین زیارتم به سوی او قرار مده، خداوندا، ما را از پاداش مزارش بیبهره مگردان، و بازگشت به سوی آن را نصیبمان گردان، اگر قبل از زیارت دوباره مرا از دنیا بُردی، همانا من در مرگم گواهی میدهم به آنچه در حال حیاتم بر آن گواهی دادهام، و گواهی میدهم که آن

1- . مصباح الزائر: 74
2- . مصباح الزائر: 74

ها (امامان) بیرقهای هدایت، ستارگان در اوج، ارزشهای والا ، پناهگاه مردمان، وارثان پیامبران، و مثال، نمونه برتر، دعوت نیکو، حجّتهای تو بر اهل دنیا، و سبب طولانیتر میان تو و میان بندگانت هستند، و گواهی میدهم هر کسی این امر را نپذیرد، جایگاه او در عمق آتش جهنم است، خداوندا، از تو میخواهم که بر محمّد صلّی الله علیه و آله و خاندان او درود بفرستی و - نام امامان را یکی یکی ذکر می کنی - و این زیارت را آخرین زیارت و پایان بخش قرار ندهی و اگر قرارش دادی، مرا همراه این امامان، امامان هدایت، قرار ده. خداوندا، قلبم را با اطاعت، پند پذیری، ولایت پذیری، پشتیبانی نیکو و مودّت نسبت به آنان و تسلیم شدن در برابر اوامرشان نرم گردان تا با آن طاعت تو را کامل کنیم و به خشنودی تو برسیم و به واسطه رحمتت مستوجب ثوابت شویم. خداوندا، همانا من تو را گواه میگیرم بر ولایتم برای کسی که دوستش میداری و رسولان و پیامبران و فرشتگانت او را دوست داشتهاند، و تو را گواه میگیرم به دوری و بیزاری از کسی که تو از او اعلان بیزاری کردی و رسولان و پیامبران و فرشتگان مقرّب تو و نویسندگان پاک و نیکو کار از او اعلان بیزاری کردهاند، و مرا در دستیابی به تمامی جایگاههای پسندیده موفق و در حالی که بهترینِ مخلوقات هستم از این حرم منتقل گردان، ای صاحب عظمت و بخشش، سلام بر تو ای تاج اوصیای پیامبران ، سلام بر تو ای برترین راستگویان، سلام بر تو ای وارث احکام، سلام بر تو ای رکن مقام، خداوندا، مرا از جمله ملاقات کنندگان مبارک، و زائران مخلص، پیروان صادق، و پیروان دوستدار، و یاریگران گرامی، و یاران مورد تأیید او قرار ده، و مرا گرامیترین ملاقات کننده، بهترین وارد شونده و شریفترین فرد قصد کننده در این حرم بخشنده، و مقام والا و سرچشمه شریف و آبشخور باشکوه قرار ده که بخشش و رحمتت را در آن واجب کردی، خداوند و فرشتگان الهی که در این حرم حاضرند و اطراف آن را احاطه کردهاند و به دور آن حلقه زدهاند را شاهد میگیرم که کسی که در آرامگاهش ساکن شده و در ضریحش جای گرفته است، مقدس، دوست، برگزیده و وصیّ مرتضی است، چه شگفت انگیز است خاکی که نوری [گنجی] از خیر و شهابی از نور و سرچشمه حکمت و بارانی از رحمت، و ابلاغ حجت را در بر گرفته است، من نزد

خداوند از قاتلان تو و کسانی که به تو ستم روا داشته و به دشمنی با تو برخاسته و بر علیه تو و به منظور جنگ با تو همگام گشتند اعلان بیزاری میکنم. ای مولای من، ای امیر مؤمنان، با تو خدا حافظی میکنم خداحافظی کسی که به جهت دوری از تو غمگین، به جهت کنارهگیری از حرم تو افسرده و بر تو داغدیده است، خداوند این زیارت را آخرین زیارت و آخرین بازگشتمان به سوی تو قرار ندهد، همانا تو شنوا و اجابت کننده هستی.(1)

22. زیارت ملیح و دلپسند چهارم که ایشان علیه السلام با آن زیارت میشود به این ترتیب است که زیارت کننده قصد باب السلام میکند و چهل و سه بار خدا را به بزرگی یاد میکند و میگوید: سلام خداوند و سلام فرشتگان مقرب‌ش و پیامبران فرستاده شدهاش و بندگان نیکوکارش و تمامی شهیدان و راستگویان، بر تو ای امیر مؤمنان، سلام بر آدم، برگزیده خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم دوست خدا، سلام بر موسی هم کلام خدا، سلام بر عیسی روح خدا، سلام و رحمت و برکات الهی بر محمّد حبیب خدا، سلام بر نام مورد رضای الهی و چهره والای او و راه مستقیم‌ش، سلام بر تربیت شده برگزیده، سلام و رحمت و برکات الهی بر ابوالحسن علی بن ابی طالب، سلام بر خالصترین دوستان، سلام بر اختصاص داده شده به سرور زنان، سلام بر به دنیا آمده در کعبه، عقد بسته شده در آسمان، سلام بر شیر خدا در میدان جنگ، سلام بر کسی که مکه و منی با آن شرافت یافت، سلام بر صاحب حوض و حمل کننده پرچم، سلام بر پنجمین نفر از اهل عبا، سلام بر خوابیده بر بستر خوابِ پیامبر صلّی الله علیه وآله و جان فدای او در برابر دشمنان، سلام بر کَننده دَرِ خیبر و پرتاب کننده آن به آسمان، سلام بر سخنگوی جوانان (اصحاب کهف) در غارشان با زبان پیامبران، سلام بر شکافنده چاه در بیابان، سلام بر از جای کننده صخره در حالی که مردان قدرتمند از این کار ناتوان بودند، سلام بر خطاب قرار دهنده گرگ و سخنگوی با جمجمه در نهروان در حالی که استخوانها پوسیده بودند، سلام بر خطاب قرار دهنده اژدها بر منبر کوفه با زبان فصیح، سلام بر

1- . مصباح الزائر: 74

امام پاک شده و یار محراب (مسجد)، سلام بر معجزهگر خیره کننده و سخنگوی به درستی و حکمت، سلام بر کسی که تأویل محکم و متشابه و امّ الکتاب نزد اوست، سلام بر کسی که خورشید بر او بازگشت زمانی که در حال غروب بود، سلام بر زنده کننده شبِ بسیار تاریک با نماز شب و دلتنگی، سلام و رحمت و برکات الهی بر کسی که جبرئیل امین او را بدون تردید با لقب امیرالمؤمنین مورد خطاب قرار داد، سلام بر سرور سروران، سلام بر صاحب معجزات، سلام بر کسی که فرشتگان هفت آسمان از حملات و جنگآوریهای او در تعجب بودند، سلام بر کسی که با پیامبر نجوا کرد پس پیشاپیش نجوای خود صدقههایی داد، سلام بر امیر سپاهیان و صاحب غزوات، سلام بر خطاب قرار دهنده گرگ بیابانها، سلام بر نور الهی در تاریکیها، سلام بر کسی که خورشید برای او به عقب بازگردانده شد و نمازش که وقت آن سپری شده بود را به جای آورد، و رحمت و برکات الهی بر او باد، سلام بر امیر مؤمنان، سلام بر سرور اوصیاء، سلام بر امام پرهیزگاران، سلام بر وارث علم پیامبران، سلام بر فرمانروای دین، سلام بر عصمت افراد مؤمن، سلام و رحمت و برکات الهی بر اُلگوی افراد راستگو، سلام بر حجت افراد نیکوکار، سلام بر پدر امامان پاک، سلام بر اختصاص یافته به شمشیر ذوالفقار، سلام بر ساقی اولیای او از حوض پیامبر برگزیده صلّی الله علیه وآله، تا زمانی که شب و روز پی درپی به دنبال هم میآیند، سلام بر خبر بزرگ، سلام بر کسی که خداوند در مورد او نازل فرمود: «و إنّه فی أمّ الکتاب لدینا لعلیّ حکیم» {همانا او در میان قرآن نزد ما بزرگوار و با حکمت است}، سلام بر راه راست خداوند، سلام و رحمت و برکات الهی بر تعریف شده از او در تورات و انجیل و قرآن کریم.

سپس به روی ضریح می افتی و آن را میبوسی و میگویی: ای امانتدار الهی، ای حجّت الهی، ای ولیّ خدا، ای راه خدا، بنده و دوستدارت که به قبرت پناه آورده تو را زیارت کرد، بار و بنه خود را در آستانه بارگاهت بر زمین افکنده به قصد نزدیکی به خدای متعال و بلند مرتبه، به وسیله تو از بارگاه الهی طلب شفاعت میکند، زیارت کسی که یارانش را به خاطر رسیدن به تو ترک کرده و تو را بعد از خدا برای خود کافی دانسته است، گواهی میدهم همانا تویی کوه طور، کتاب

مسطور (نوشته شده)، رقّ منشور (صفحات پخش گردیده)، دریای علم گداخته، ای ولیّ خدا همانا هر زیارت شوندهای را عنایتی است به نسبت زائر و کسی که آهنگش کرده و به سوی او آمده است، و من دوستدار تو هستم و به حقیقت بار و بنه سفرم را در بارگاهت انداختهام و به حرمت پناه آوردهام، و به جهت آگاهیم از جایگاه والایت و شرافت درگاهت به ضریحت پناه آوردهام، و به حقیقت گناهان بر روی پشتم سنگینی میکند و مرا از خواب باز داشته است، جز خداوند متعال و توسل و طلب شفاعتم به تو نزد او هیچ حافظ و پناهگاه و سنگری سراغ ندارم که به آن پناه ببرم، هان که من در اینجا در آستانه تو فرود آمدهام، تو دارای جایگاه والا و مقام بزرگی نزد خدا هستی، ای مولای من نزد خدای پروردگارت برای من طلب شفاعت کن.

سپس ضریح را ببوس و رویت را متوجه قبله کن و بگو: خداوندا، ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، ای سریعترین حسابگران، و ای بخشندهترین بخشندگان، همانا من با توسل به محمّد خاتم پیامبران و فرستاده تو به سوی جهانیان، و توسل به برادرش و پسر عمویش، انزع بطین (از شرک جداشده سرشار از دانش) و دانشمند و روشنگر، علی امیر مؤمنان، و حسن و حسین دو امام شهید، و با توسل به علی بن حسین زینت عبادت کنندگان، محمّد بن علی شکافنده علم اوّلین، جعفر بن محمّد تزکیه یافته ترین راستگویان، موسی بن جعفر فرو خورنده خشم آشکار و دربند و زندانی ظالمان، علی بن موسی رضای امانتدار، محمّد بن علی جواد نشانِ هدایت یافتگان، علیّ بن محمّد نیکوکار و راستگو و سرور عبادت کنندگان، حسن بن علی عسکری ولیّ مؤمنان، و جانشین حجّت صاحب امر روشن کننده و مشخص کننده برهانها و دلایل، به سوی تو تقرب میجویم که تمامی غمها و غصههایم را از من بزدایی و مرا از شر بلای حتمی کفایت کنی، از آتش جهنم که دارای شعلههای ناب و خالص است پناهم دهی، به رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان.

ص: 410

سپس دعا کن به هر چه که میخواهی و از او خداحافظی کن و برگرد اگر خدا بخواهد.(1)

می گویم: مؤلف مزار کبیر میگوید: زیارت دیگری مخصوص ایشان وجود دارد به این ترتیب که زائر قصد باب السلام میکند و سی و چهار بار الله اکبرمیگوید، سی و سه بار الحمد لله میگوید، سی و سه بار سبحان الله میگوید و سی و چهار بار لا اله الا الله میگوید، سپس به سمت ضریح میرود و میگوید: سلام خداوند و سلام فرشتگانش...،تا پایان دعا.

میگویم: و زیارت را به صورتی که گفته شد با کمترین تغییر نقل میکند، و ما آن را از ترس تکرار بیان نکردیم تا میرسد به : ای مهربانترین مهربانان.

سپس گفت: شش رکعت نماز زیارت می خوانی، هر دو رکعت با سلام شروع میشود و بعد از آن سجده میگزاری و در سجدههایت آنچه که امیر مؤمنان علیه السلام میگوید را این گونه بر زبان میآوری: ای سرورم، با تو نجوا می کنم همانگونه که یک بنده ضعیف با مولای خود نجوا می کند، و به سوی تو درخواست میکنم درخواست کسی که میداند همانا تو عطا میکنی و آنچه نزد توست کاهش نمییابد، و از تو طلب آمرزش میکنم، طلب آمرزش کسی که میداند همانا هیچ کس جز تو گناهان را نمیبخشد، و بر تو توکلّ میکنم توکلّ کسی که میداند همانا تو بر همه چیز توانایی. سپس میگویی: خدایا عفو و گذشت (تو را طلب میکنم) صد بار، زمانی که خواستی از او خداحافظی کنی میگویی: تو را به خدا میسپارم و تحت حمایت او قرارت میدهم و بر تو سلام میخوانم، ای مولای من، ای امیر مؤمنان، به خدا و به رسول و به آنچه که تو آوردی و بر آن دلالت کردی ایمان آوردم، خداوندا، ما را همراه شاهدان بنویس، خداوندا، این زیارت را آخرین زیارت قبر ولیّ خودت، هدایتگر بعد از پیامبر و انذار دهنده و بیم دهندهات قرار مده، و بازگشت به سوی آن را همیشه تا زمانی که مرا (در دنیا) باقی میگذاری نصیبم گردان، پس هرگاه مرا از دنیا بردی با او و در زمره یاران او و زیر پرچمش محشورم

1- . مصباح الزائر: 75 - 77

گردان و به اندازه یک چشم برهم زدن نه کمتر و نه بیشتر از آن میان من و او جدایی مینداز، به رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان.(1)

23. سپس سیّد رحمه الله میگوید: زیارت پنجمی وجود دارد که وجود ثوابی چند برابر در مورد آن روایت شده است که ایشان علیه السلام با آن زیارت میشود، به این ترتیب که در برابر ضریح شریفش میایستی و میگویی:

میگویم: شیخ مفید رحمه الله این زیارت را با کمترین تغییر همراه با اضافات آورده است، پس ما از لفظ آن پیروی میکنیم، زیرا شیخ مفید قدیمیتر و مطمئنتر است. شیخ رحمه الله تتمّهای در ذکر زیارت مولای ما ابو الحسن امیر مؤمنان و أبی عبدالله الحسین علیها السلام بیان میکند که از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

اگر خواهان زیارت بودی، پس رو به قبر امیر مؤمنان علیه السلام بایست و بگو: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امانتدار الهی، سلام بر کسی که خداوند او را برگزید و او را مخصوص گردانید و از میان انسانها او را انتخاب کرد، سلام بر تو ای دوست خدا تا زمانی که شب تاریک میشود و به تاریکی میگراید، و روز روشن میشود و به روشنایی میگراید، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو تا زمانی که سکوت کننده سکوت میکند و سخنگو به سخن میپردازد و طلوع کنندهای به نور افشانی میپردازد، سلام و رحمت و برکات الهی بر مولایمان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب، صاحب سابقهها و افتخارات، پیروزمند و نابود کننده لشکریان، بسیار قدرتمند و قوی و پرتوان و از اساس نیرومند، ساقی مؤمنان با جام از حوض رسول، قدرتمند و امانتدار، سلام بر صاحب عقل و فضیلت و نیکیها و چیزهای پسندیده و بخششها، سلام و رحمت و برکات خداوند بر سوار کار مؤمنان، شیر یکتاپرستان و قاتل مشرکان، و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، سلام بر کسی که خداوند او را به وسیله جبرئیل امین تأیید نمود و به وسیله میکائیل یاری داد، و او را در هر دو جهان آراسته کرد و هر

1- . المزار الکبیر: 81 و 82

آنچه سبب روشنی چشم میشود به او پیشکش کرد، و درود خداوند بر او و بر خاندان پاکش و بر فرزندان برگزیدهاش و بر امامان هدایت یافته باد، کسانی که به نیکی فرمان دادند و از بدی نهی کردند، و نمازها را بر ما واجب کردند، و به دادن زکات فرمان دادند، و روزه ماه رمضان و قرائت قرآن را به ما یاد دادند، سلام بر تو ای امیر مؤمنان و فرمانروای دین و فرمانده پیشانی سفید سوار بر اسبان ساق سفید، سلام بر تو ای دروازه الهی، سلام بر تو ای چشمان نظارهگر، ای دستان عطابخش، ای گوشهای بسیار شنوا، ای حکمت والا و ای نعمت فراوان خداوند، سلام بر سرور پرهیزگاران نیکوکار، سلام بر برادر رسول خدا و پسر عمویش، و همسر دخترش و آفریده شده از سرشتش، سلام بر اصل ریشهدار و شاخه بزرگوار، سلام بر میوه رسیده، سلام بر أبو الحسن علیّ، سلام بر درخت طوبی و سدره المنتهی، سلام بر آدم برگزیده خدا، نوح پیامبر خدا، ابراهیم دوست خدا، موسی همکلام خدا، عیسی روح خدا، و محمّد صلّی الله علیه و آله حبیب خدا و سلام بر راستگویان، پیامبران، شهیدان و افراد صالح که از بهترین دوستان و همراهان به شمار میآیند، سلام و رحمت و برکات الهی بر نور نورها و زاده پاکان و عناصر نیکان، سلام بر پدر امامان پاک، سلام بر ریسمان محکم الهی و جَنب (جانب و پهلو) قدرتمند او، سلام بر امانتدار خدا بر روی زمین و خلیفه و جانشین او، حکومت کننده به فرمان او و به پا دارنده دینش، سخنگو به حکمت و عمل کننده به کتاب او، برادر رسول خدا و همسر بتول و شمشیر از نیام برآمده الهی، سلام بر صاحب دلالتها و آیات شگفتانگیز، معجزههای چیره و نجات بخش از هلاکتها، کسی که خداوند در آیات محکم از او نام برده است، خداوند متعال میفرماید: «و إنّه فی أمّ الکتاب لدینا علیّ حکیم» {و همانا او در قرآن و نزد ما بزرگوار و باحکمت است} سلام و رحمت و برکات الهی بر نام پسندیده خداوند، و چهره نورانیش، و جَنب (جانب و پهلو) والای او، سلام و رحمت و برکات الهی بر حجّتهای الهی و اوصیای او، افراد مخصوص و برگزیدگانش، افراد خالص و امانتدارانش، ای مولای من، ای امانتدار الهی و حجت او، قصد زیارت تو کردم به حقِ تو آشنایم، دوستان تو را دوست میدارم و با دشمنانت دشمنی میکنم، با زیارت تو به خدا تقرّب میجویم، نزد خدا، پروردگار

من و پروردگار تو، در مورد نجات یافتنم از آتش جهنم و برآورده شدن حاجاتم در دنیا و آخرت شفاعت کن.(1)

سپس به سوی قبر خم شو و آن را ببوس و بگو:

ای امیر مؤمنان، سلام و رحمت و برکات خدا و فرشتگان مقرّبش بر تو باد، فرشتگانی که قلباً تسلیم تو شده از فضیلتت سخن گفتهاند، و شاهد اینند که تو به راستی صادق، امانتدار و بسیار راستگو هستی، گواهی میدهم تو بسیار پاک و طاهر و مطهّر هستی، ای ولیّ خدا و رسولش گواهی میدهم که تو به ابلاغ و ادای واجباتت پرداختی، گواهی میدهم که به راستی تو جَنب (جانب و پهلو) خدا و باب او هستی، همانا تو حبیب خدا و جهت او هستی که از آن وارد میشوند، تو راه خدا و بنده او و برادر رسول خدا صلّی الله علیه و آله هستی، به قصد تقرب به خداوند متعال و بلند مرتبه به زیارتت آمدم و مشتاق شفاعت تو میباشم و با شفاعت تو خواهان رهایی از آتش جهنم هستم، از آتش به تو پناه میبرم حال آنکه از گناهانم که بر روی پشتم انباشته کردهام فرار میکنم، به امید رحمت پروردگارم به سوی تو بیقراری میکنم، به سوی تو آمدم ای مولای من، با توسل به تو خواهان شفاعت هستم، به واسطه تو به خداوند نزدیکی می جویم تا حاجاتم را برآورد. پس ای امیر مؤمنان به درگاه خداوند مرا شفاعت کن که من بنده خدا و دوست و زائر تو هستم. تو در پیشگاه خدا دارای جایگاه پسندیده و مقامی عظیم و شأنی بزرگ و شفاعتی پذیرفته هستی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر علی امیر المؤمنین بنده برگزیده ات و امین وفادارت و ریسمان محکمت و دست والایت و هم جوار اعلی و کلمه نیکویت و حجتت بر مردم و دوست بزرگت و سرور اوصیا و رکن اولیا و ستون برگزیدگان، امیر مؤمنان و بزرگ دین و رهبر شایستگان و امام مخلصان و پاک از سستی و بری از لغزش و طاهر از عیب و منزه از شک. برادر پیامبرت و جانشین رسولت که شبانه بر بستر حضرت خوابید و تسلی دهنده او و گشاینده اندوه از چهره اش که او را شمشیر برای پیامبری او و نشانه ای برای رسالت او و شاهدی بر

1- . مصباح الزائر: 77 و 78

امت او و راهنمایی بر حجت او و حامل پرچم او و حافظ خون او و هدایتگر امت او و دست قدرت او و تاج سر او و دروازه اسرار او و کلید پیروزی او قرار دادی تا اینکه سپاهیان شرک را به اذن تو در هم کوبید و لشکریان کفر را به امر تو تار و مار نمود و خود را فدای خشنودی رسول تو کرد و خود را وقف فرمانبرداری او کرد. پس خداوندا بر او درود فرست، درودی دائمی و جاوید.

سپس بگو: سلام بر تو ای دوست خدا و شهاب فروزان و نوری که در پی آن آید. ای فرزند بهترین ها! ای راز خداوند! میان من و خداوند تعالی گناهانی است که بر پشتم سنگینی می کند و تنها خشنودی او بر آن وارد می شود. پس به حق کسی که در رازش تو را امین خویش دانست و در امر خلقت خویش به تو اعتماد کرد، به درگاه خداوند شفیع من باش و مرا از آتش نجات ده و در تمام روزگار پشتیبان من باش که من بنده خدای و دوست و زائر تو هستم. خداوند بر تو درود فرستد.(1) و شش رکعت نماز زیارت بگزار و هر چه خواستی بخواه و بگو: سلام بر تو ای امیر المؤمنین سلام خدا از سوی من بر تو باد مادامی که من زنده ام و روز و شب باقی است.

سپس به امام حسین علیه السلام اشاره کن و بگو: سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، به زیارت شما آمده ام و به درگاه خداوند تعالی، پروردگارم و پروردگار شما متوسل شده ام و به وسیله شما به سوی خداوند رو کرده و در این حاجتم به درگاه خدا از شما شفاعت می جویم، پس شفاعت مرا کنید؛ چرا که شما در نزد خداوند مقامی پسندیده و شأنی آبرومند و جایگاهی رفیع و وسیله دارید. من از شما روی می گردانم و به واسطه شفاعت شما در انتظار برآورده شدن و قضای حاجتم از جانب خداوند به درگاه خدا در این امر می نشینم و ناامید نمی شوم و با خسران از شما روی نمی گردانم؛ بلکه بازگشت من بازگشتی پیروزمندانه و پر از رستگاری و موفقیت با استجابت تمام حاجات من است، پس شفاعت مرا کنید تا بر حالتی بازگردم که خداوند می خواهد. هیچ نیرو و قوتی جز به دست خدای متعال

1- . مصباح الزائر : 79 و 78

نیست. کارم را به خداوند واگذار می کنم و از خداوند پشت گرمی می جویم و به خداوند توکل می کنم و می گویم: خدا برای من کافی و بس است. خداوند دعای هر کس را که دعا می کند مستجاب گرداند. پس از خداوند و شما پایانی نیست ای سرورانم. هر چه خداوند پروردگارم بخواهد همان می شود و آنچه نخواهد روی نخواهد داد. ای آقای من! ای امیر المؤمنین و مولای من! و تو ای ابا عبد الله! سلام من بر شما دو بزرگوار، سلامی پیوسته تا زمانی که شب و روز به هم پیوسته باشند و به شما متصل می شوم و اگر خدا بخواهد بی پرده به شما سلام می کنم. و به حق شما از او می خواهم آن را بخواهد و انجام دهد که اوست ستوده بزرگوار. ای سرورم با توبه و ستایش به درگاه خداوند و خشنود به رضای او و با یقین به اجابت و امیدوارانه و با امید از شما روی می گردانم و باز به زیارت شما باز می گردم و رجوع می کنم و نسبت به شما بی میل نیستم. بلکه اگر خداوند تعالی بخواهد به سوی شما باز می گردم ای سروران من! پس از اینکه اهل دنیا نسبت به شما و زیارت شما بی میل شدند. پس خداوند مرا از آنچه بدان امید بسته ام و از آرزوی زیارت شما ناامید نگرداند که اوست نزدیک اجابتگر.

سپس رو به قبله بایست و بگو: ای خدا ای خدا! ای اجابت کننده دعای درماندگان و ای زداینده اندوه اندوهناکان و ای یاری رس یاری خواهان و ای فریادرس فریادخواهان و ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک تری. ای کسی که بین انسان و قلبش حائل می شود و ای کسی که او بخشاینده مهربان است. ای کسی که بر عرش مستولی شده. ای کسی که {نگاه های دزدانه و آنچه را که دل ها نهان می دارند، می داند. (1)} و ای کسی که هیچ چیز نهانی از چشمان او پنهان نیست. ای کسی که صداها بر او مشتبه نگردد، ای کسی که حاجات او را به اشتباه نیفکند، ای کسی که پافشاری اصرارکنندگان او را به ستوه نمی آورد، ای کسی که هر از دست رفتنی را در می یابی! ای گردآورنده هر پراکنده، ای پدید آورنده جآنها پس از مرگ، ای کسی که هر روز در کاری است، ای برآورنده حاجات، ای زداینده گرفتاری ها،

ص: 416

1- . غافر / 19

ای بخشاینده خواسته ها، ای صاحب آرزوها، ای کفایتگر امور مهم؛ ای کسی که از هر چیزی بی نیاز است و چیزی در آسمآنها و زمین از او بی نیاز نیست. از تو می خواهم به حق محمد و علی امیر المؤمنین و به حق فاطمه دختر پیامبرت و به حق حسن و حسین که من در این جایگاهم به وسیله آنان به تو تقرب می جویم و به واسطه آنان به تو متوسل می شوم و به درگاهت شفاعت می جویم و به حق آنان از تو مسئلت می نمایم و به تو قسم و سوگند یاد می کنم و به جایگاه و منزلتی که آنان در نزد تو دارند و به حق آنچه آن بزرگواران را به وسیله آن بر جهانیان برتری دادی و به حق نامت که آن را نزد ایشان به ودیعه نهاده ای و به واسطه نامت آنان را در بین جهانیان مخصوص فرموده ای و آن بزرگواران و برتری آنان را بر هر چیز آشکار فرموده ای تا اینکه برتری آنان بر برتری کل جهانیان فائق آمده و از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و غم و اندوه و گرفتاریم را از من بگشایی و در امور مهمم مرا کفایت کنی و دینم را ادا کنی و مرا از فقر و نداری نجات بخشی و از درخواست از مخلوقان بی نیاز کنی و از اندوه کسی که از غم و اندوهش می هراسم و سختی کسی که از سختیش می ترسم و از ناراحتی کسی که از حزنش بیمناکم و شر کسی که از شرش می هراسم و از مکر کسی که از مکرش می ترسم و از تجاوز کسی که از تجاوزش می ترسم و از ستم کسی که از ستمش می هراسم و از سلطه کسی که از سلطه اش بیم دارم و از حیله کسی که از حیله گریش می هراسم، کفایتم کنی و مکر و حیله اش را از من باز گردانی و از قدرت کسی که از قدرت و توانائیش می هراسم کفایتم فرمایی و حیله حیله گران و مکر مکاران را از من باز گردانی. خدایا! هر کس نسبت به من نیت سوئی دارد تو نیز آن را برای او اراده فرما و هر کس در پی فریب من است فریبش ده و حیله و قدرت و اکاذیب او را از من دور فرما و هر طور که خواستی و هر کجا که خواستی او را از من بازدار. خدایا با فقری که بی نیازش نکنی و با بلایی که آن را نپوشانی و نیازمندی ای که مانعش نشوی و با بیماری ای که عافیتش ندهی و با ذلتی که عزتش ندهی و با بینوائی ای که رفعش نسازی، او را از من مشغول بدار. خداوندا خواری را در برابر چشمانش قرار ده و فقر را در منزلش و بیماری را در بدنش وارد گردان تا او را از من مشغول بداری به گونه ای که از

مشغولیت آن نجات نیابد و یاد مرا از خاطرش ببر چنانچه یاد خود را از او به فراموشی سپرده ای و گوش و چشم و زبان و دست و پا و قلب و تمام اعضا و جوارح او را از من بگیر و در تمام آنها بیماری وارد کن و او را شفا نده تا اینکه او را بدین وسیله از من و یاد من مشغول بداری و مرا کفایت کن ای کفایت کننده آنچه را که غیر تو کفایت نکند، و گشایشگر کسی که برایش گشاینده ای جز تو نیست و فریادرس کسی که برایش فریادرسی جز تو نیست و همسایه کسی که برایش همسایه ای جز تو نیست و پناهگاه کسی که پناه دهنده ای برایش جز تو نیست. توئی مایه اطمینان و امیدم و پناهگاه و گریزگاهم و ملجأ و جای نجاتم. به وسیله تو گشایش می خواهم و به تو رستگاری می جویم و به محمّد و خاندان محمّد سوی تو رو می کنم و متوسّل می شوم و شفاعت می خواهم، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ستایش تو راست، و نیکی و بخشش از آن توست. شکایت تنها به سوی توست و تویی که به یاری خواسته شده ای، از تو می خواهم به حق محمّد و خاندان محمّد، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و غم و نگرانی و اندوه شدید مرا در این جایگاهم برطرف کنی، همچنان که از پیامبرت نگرانی و غم و اندوهش را برطرف نمودی و او را از هراس دشمنش کفایت کردی. از من برطرف کن همچنان که از او برطرف نمودی و از من بگشای همچنان که از او گشودی و مرا کفایت کن همچنان که او را کفایت کردی و از من برگردان هراس آنچه را که از هراسش می ترسم و هزینه آنچه را که از هزینه اش می ترسم و نگرانی آنچه را که از نگرانی اش بیم دارم، بدون هیچ زحمتی از این بابت بر جانم و مرا بازگردان به برآوردن حاجاتم و کفایت آنچه نگرانی اش مرا نگران کرده، از کار آخرت و دنیایم، ای مهربان ترین مهربانان!

سپس رو به سوی امیر مؤمنان علیه السلام می کنی و می گویی: سلام بر تو ای امیر مؤمنان و ای ابا عبد اللّٰه الحسین، همیشه تا هستم و تا شب و روز هست و خدا این زیارت را آخرین زیارت شما قرار ندهد و بین من و شما جدایی نیندازد.

سپس باز می گردی.(1)

1- . مصباح الزائر : 145 و 146

می گویم:

سید رحمه الله این زیارت را تا این سخن «در حوادث روزگار پشتیبان ما باش که من بنده خدا و دوست و زائر تو هستم. درود و سلام فراوان خدا بر تو باد» آورده، سپس گفته: سپس برای آن حضرت و حضرت آدم و نوح علیهم السلام شش رکعت نماز زیارت بخوان، برای هر کدام دو رکعت، سپس اگر خدا خواهد برخیز و کنار رأس قبر امیر المؤمنین علیه السلام، پیرو آنچه روایت شده امام حسین علیه السلام را با زیارت دوم از زیارت عاشورا زیارت کن.

می گویم: به یاری آنچه سید در اینجا ذکر کرده، از زیارات مخصوصی که برای روز عاشورا نقل خواهیم کرد روشن خواهد شد که این زیارت از طریق صفوان از امام صادق علیه السلام نقل شده و اسناد آن ذکر خواهد شد و تغییر و اختصاصی که مفید و سید رحمهما الله ایجاد کرده اند برای تو روشن خواهد شد و بهتر است آن زیارت را به آنچه ذکر خواهد شد متصل کنی تا زائر از آن فضیلت والایی که روایت معتبر آتی شامل آن شده برخوردار گردد.

24. آنچه مؤلف المزار الکبیر روایت کرده مؤید این مطلب است، گفته: محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره روایت کرده که گفته است: به همراه صفوان بن مهران جمّال - و عده ای از یارانمان به نجف رفتیم پس از آنکه امام صادق علیه السلام وارد شدند - و امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کردیم، پس از فراغت از زیارت، صفوان رو به سوی ناحیه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام کرد و گفت: حسین بن علی علیه السلام را از این مکان از کنار رأس امیر المؤمنین علیه السلام زیارت می کنیم و گفت: به همراه سرورم امام جعفر صادق علیه السلام وارد اینجا شدیم و آن جناب چنین کردند و پس از نماز و وداع، این دعا را خواندند. سپس به من فرمود: ای صفوان! بر این زیارت مراقبت کن و این دعا را بخوان و آن دو بزرگوار را اینگونه زیارت کن که هر کس اینگونه بر آن دو جناب از نزدیک یا دور زیارتنامه بخواند، من خود ضمانت می کنم که زیارتش مقبول و سعیش مورد سپاس گردد و سلامش بی واسطه به آنها رسد و حاجتش از سوی خداوند برآورده است و به هر چه خواهد برسد و خداوند او را اجابت می کند ای صفوان! این زیارت را با این مضمون از پدرم یافتم و پدرم از پدرش علی بن حسین، از پدرش حسین

بن علی و حسین از برادرش حسن از امیر المؤمنین علیهم السلام با چنین مضمونی روایت کردند و امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل با این مضمون فرمود: خداوند عزوجل سوگند یاد کرده که کسی که در روز عاشورا حسین بن علی علیه السلام را اینگونه زیارت کند، چه از نزدیک یا از دور، و این دعا را بخواند، زیارتش مقبول واقع گردد و من در خواسته اش شفاعتش می کنم و به آنچه خواسته می رسانم و درخواستش را به او می بخشم. آنگاه دیگر از من نا امید باز نمی گردد و با برآوردن خواسته هایش و نیل به بهشت و رهایی از آتش او را شاد و چشمش را روشن گردانم و او را در زمره شفاعت یافتگان شفاعت می کنم، به غیر از کسی که با اهل بیت دشمنی داشته باشد. خداوند متعال بدین وسیله به ذات خویش سوگند یاد کرده و فرشتگان را بر آن شاهد گرفته و جبرئیل گفت: ای محمد، خداوند مرا به سوی تو فرستاد تا به تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو بشارت دهم تا شادی تو ای محمد تا روز قیامت و شادی علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان و شیعیانتان تا روز بعث جاوید گردد. صفوان گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: ای صفوان! وقتی به درگاه خدای تعالی حاجتی یافتی از هر مکان که توانستی این زیارت را بخوان و این دعا را بگو و از پروردگارت حاجتت را بخواه که از جانب خداوند برایت برآورده شود و خداوند به لطف خویش به رسول خدا صلی الله علیه و آله خلف وعده نمی کند و ستایش خدای راست و این زیارت به این صورت است: سلام بر تو ای رسول خدا... و زیارت را تا آخر آنچه مفید رحمه الله آورده ادامه داد. (1)

باید برخی از عبارات زیارت پیشین را که بر برخی اذهان پنهان است توضیح دهیم. قول وی: «یا ولی الله» یعنی دوستدار یا محبوب خدا یا کسی که خدا او را به امر خلق یا به جآنهایشان اولی دانسته در قول خدای تعالی: «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»(2) { ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست } ادامه آیه. قول حضرت علیه السلام:

1- . المزار الکبیر: 65 - 69
2- . مائده / 55

«أشهد أنک کلمه التقوی» اشاره ای است به قول خدای تعالی: «وَ أَلْزَمَهُمْ کَلِمَةَ التَّقْوی»(1) {و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت.} و اکثر مفسرین آن را به کلمه شهادت تفسیر کرده و گفته اند: اضافه شدن کلمه به تقوا به این دلیل است که سببی برای آن است یا کلمه اهل تقوا است یا به وسیله آن خود را از آتش حفظ می کند و در روایات وارد شده که مراد از آن امامان علیهم السلام هستند و اطلاق کلمه بر آن به دلیل سود بردن مردم از آن بزرگواران و کلام آنان است.(2)

فیروزآبادی گوید: عیسی کلمه الله بود؛ زیرا از او و کلام او سود برده می شد و حاصل اینکه متکلم با کلام خویش آنچه را که قصد اظهار آن را دارد، اظهار می کند و خداوند تعالی با خلق آن بزرگواران علیهم السلام علوم و معارف و شکوه شأن خویش را که می خواست به وسیله آن اظهار کند، بیان کرده و احتمال دارد مراد این باشد که ولایت آنان و ایمان به آنها کلمه ای است که به واسطه آن انسان خود را از آتش نجات می دهد، در نتیجه در اینجا مضاف را در تقدیر داریم؛ یا در اسم إنّ یا در خبر آن؛ یعنی ولایت تو کلمه تقواست یا اینکه تو صاحب کلمه تقوا هستی و چنین حملی به جهت مبالغه شایع است.

تفسیر سایر خصوصیات و مناقب آن جناب صلوات الله علیه در کتاب «الإمامه» و کتاب احوال حضرت علیه السلام گذشت و در اینجا آن را مجددا ذکر نمی کنیم تا از تکرار دوری گزینیم. قول حضرت علیه السلام: «مدحوض»، گفته می شود: «دحضت الحجه دحضا» یعنی حجت، باطل شد و گمان نمی کنم در لغت متعدی باشد. شاید هم در اصل بنا بر باب إفعال «مُدحَض» بوده باشد و دچار خطای نگارشی شده. گاهی اوقات هم مفعول به معنای فاعل می آید. شاید هم مراد از آن داحض باشد یا اینکه متعدی آمده، به هر سان لغوی ها بدان مطلع نیستند. قول حضرت علیه السلام: «أول مظلوم» یعنی: از امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله. این سخنش «و احتسبت» یعنی: شکیبایی تو یا سایر اعمالت برای خداوند متعال

1- . فتح / 26
2- . القاموس 4 : 172

بوده و نه غرضی دیگر. جزری(1) در حدیث «من صام رمضان إیمانا و احتسابا» گفته است: یعنی: [کسی که] در طلب خوشنودی و ثواب خداوند [روزه بگیرد] و «الإحتساب» از حسب مثل «الإعتداد» است از عدّ، به کسی که نیت عملش را خشنودی خدا در نظر می گیرد گفته شود: «إحتسبه» زیرا در چنین زمانی او می تواند عملش را به شمار آورد و در نتیجه آن را در حال انجام فعل به گونهای قرار دهد که گوئی که آن را برمی شمرد و احتساب در اعمال نیک و در ناملایمات به معنای مبادرت به درخواست اجر و دریافت آن با تسلیم و شکیبایی یا با بکارگیری انواع نیکی و پرداختن به آن به وجه مرسوم آن در جهت طلب ثواب مورد انتظار از آن است. پایان.

«الصدیق» یعنی بسیار راستگو در سخن و عمل و کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را تصدیق کند، پیشتازتر و بیشتر و شدیدتر از دیگری است. فیروزآبادی(2) گفته است: «العیبه» زنبیلی از پوست که لباس را در آن نهند و در مورد مرد به معنای موضع سرّ او است. قول حضرت علیه السلام: «و التالی لرسوله صلی الله علیه و آله» یعنی جانشین بعدی و پسین او یا از لحاظ منزلت در فضل و بزرگی پس از مرتبه او قرار دارد و «المواسی له بنفسه» المؤاساه با همزه و گاه قلب به واو می شود به معنای مشارکت و سهم داشتن در معاش است؛ یعنی در جان خویش بخل نورزید، بلکه جان خویش را بخشید تا حضرت رسول صلی الله علیه و آله را حفظ کند. قولش «من غیر جفاء» فیروزآبادی(3) گفته است: «جفا علیه کذا» یعنی سنگین شد و جفا نقیض «صله= بخشش و کرم» است و گفته(4): «الوطر» با حروف متحرک یعنی: حاجت و حاجتی که نگران و متوجه آنی، وقتی که به آن رسیدی به وطر خویش رسیده ای و جمع آن «اوطار» است و جزری(5) گفته است: ذکر وفد در حدیث

1- . النهایه 1 : 258
2- . القاموس 1 : 190
3- . القاموس 4 : 313
4- . القاموس 2 : 154
5- . النهایه 4 : 237

تکرار شده و به معنای جماعتی است که گرد هم می آیند و شهرها را نابود می کنند و مفردش «وافد» است و همین طورند کسانی که به قصد دیدار یا طلب یاری و بخشش و غیره به سوی حاکمان می روند. می گویی: «وفَدَ یفِدُ فهو وافدٌ» و درباره حدیث دعا گفته است(1): «أسألک بمعاقد العز من عرشک» یعنی با ویژگی هایی که بدآنها عرش، استحقاق عزت و سربلندی را یافته یا با مواضع شکل گرفتن عزت از عرش تو و حقیقت معنایی آن «به عزت عرش تو» است. سخنش: «و منتهی الرحمه من کتابک» یعنی: منتهای رحمتی که از کتاب مقدس تو یعنی قرآن یا لوح نشأت می گیرد و احتمال دارد «من» بیانیه باشد.

سخن حضرت علیه السلام «و عزائم مغفرتک» یعنی آنچه حتمی و لازم بودن آن را ایجاب می کند. سخن حضرت علیه السلام «و عزائم أمره» عطف است بر سخنش: «أنبیائه» یعنی آخرین اوامر استوار و لازمه خداوند که پس از آن دچار زوال و تغییر و دگرگونی نمی شود. قول حضرت علیه السلام «منتهی علمک» یعنی: آنچه از علم تو به خلق فرو می ریزد و سلام و درودهای کامله تو به سوی او منتهی می گردد و می رسد یا علم هر عالمی پس از او به او می رسد و آن علم را یا بدون واسطه یا با واسطه و یا واسطه هایی از او اخذ کرده و همین طور رحمت و درودها نیز به او می رسد؛ زیرا او سبب و وسیله برای دستیابی به نیکی هایی است که موجب آنهاست. و احتمال دارد یک مضاف در آن در تقدیر گرفته شود یعنی: او صاحب نهایت علم توست یعنی نهایت علمی که دستیابی به آن برای بشر ممکن است و همین طور سلام ها و درودها و فیروزآبادی(2) گفته است: «الأزلام» تیرهای قماری است که در جاهلیت با آن چیزها را بین خود تقسیم می کردند و جزری(3) گفته: تیرهایی که در جاهلیت بر آن امر و نهی، «انجام بده» و «انجام نده» نوشته شده بود، شخصی یکی از آنها آن تیرها را در ظرف خود می گذاشت و وقتی آهنگ سفر یا ازدواج یا کار مهمی می کرد، دستش را در آن فرو می کرد و از آن تیری را بیرون

1- . النهایه 3 : 127
2- . القاموس 4 : 125
3- . النهایه 2 : 139

می آورد، اگر تیر امر را بیرون می آورد به سوی کار خویش می رفت و اگر نهی بیرون می آمد از آن کار دست می کشید و آن را انجام نمی داد. پایان.

میگویم: شاید در اینجا کنایه ای باشد از خلفای ستمگر و پیروان آنها؛ چنانچه پیش و پس از آن نیز کنایه از آنها است. «وبیل» به معنای سخت است. سخن حضرت علیه السلام: «و القدر البالغ فی الحمل» مبالغه است؛ یعنی: خداوند در آفرینش شما تقدیر جامعی برای صلاح امور بندگان و نظام آن در نظر دارد و «السفره» فرشتگانی است که اعمال را برمی شمارند و بر پیامبران و امامان علیهم السلام نیز اطلاق می شود و قول حضرت «حافّون» حامل هر دو معناست یعنی: طواف می کنند و «الرمس» با فتحه یعنی: قبر.

جزری(1) در مورد این سخن حضرت «واها لک» گفته است: هر کس به مصیبتی گرفتار شود و با افسوس و دریغ شکیبایی پیشه کند، گفته شده: معنی این کلمه حسرت خوردن است و گاه برای اظهار شگفتی در برابر چیزی ذکر می شود و گفته می شود: واهاً له. قول حضرت علیه السلام: «علی اسم الله» اسم برای آن حضرت استعاره شده به سبب دلالت کردن او به خداوند و صفات مقدسه او؛ چنانچه اسم بر مسما دلالت می کند یا به این دلیل که توسل به او موجب رسیدن به خواسته ها می شود؛ همچون توسل به اسماء باری تعالی یا مراد این است که او به اسم اعظم خداوند، عالِم است و مراد از وجه جهتی است که از آن می آید؛ یعنی اتصال به خداوند تعالی تنها از طریق آنها میسر می شود و به دلیل اینکه آن حضرت وسیله ای برای رسیدن به خداوند متعال است، گوئی که او راه خداست یا ولایت او و پیروی از او راهی است که خلق را به خداوند می رساند و تفسیر آن کلمات و امثال آن به تفصیل در کتاب توحید و کتاب امامت گذشت. «الوغی» بر وزن فتی یعنی سر و صدا و هیاهو، در اینجا کنایه است از میدآنهای نبرد و «الدحو» یعنی: پرتاب سنگ و گردو و نظیر آن از سوی بازیکن.

1- . النهایه 4 : 201

قول حضرت علیه السلام «بلسان الأنبياء» یعنی به سوی صحبت با آنان یا از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و معنای اول روشن تر است و «الفلا» جمع فلاه به معنای بیابان بی آب و علف است یا صحرای وسیع و شاید جمع آن برای نشان دادن تعدد صادر شدن آن معجزه باشد؛ چنانچه در معجزات حضرت صلوات الله و سلامه علیه گذشت. «فی یوم الوری» یعنی روز حساب یا سختی و ناتوانی آنان. قول حضرت علیه السلام «علی من عنده أم الكتاب» یعنی: علم لوح محفوظ یا لفظ قرآن و علم آن و «البهم» یعنی سیاه و «الاکتئاب» با همزه و گاه همزه قلب به یاء می شود، یعنی: اندوه و فیروزآبادی(1) گفته است: «حسبک درهم» یعنی یک درهم برایت کافی است و «هذا رجل حسبک من رجل» یعنی این مرد تو را از دیگری کفایت می کند.

قول حضرت علیه السلام: «أشهد أنک الطور» اشاره ای است به تفسیر قول باری تعالی: «و الطُّورِ * وَ كِتابٍ مَسْطُورٍ * فِی رَقٍّ مَنْشُورٍ * وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ * وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ * وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ »(2) {سوگند به طور، و کتابی نگاشته شده، در طوماری گسترده؛ سوگند به آن خانه آباد [خدا]؛ سوگند به بام بلند [آسمان] و آن دریای سرشار [و افروخته]} در واقع حضرت را به طور تشبیه کرده به دلیل وقار و بردباری و بلندنظری حضرت و به سبب اینکه سببی برای ثبات و نظم زمین است؛ چنانچه کوه سبب عدم تزلزل زمین و چون میخی برای آن است و به این دلیل به کوه مخصوص تشبیه نموده که محل وحی است. «الرق» یعنی پوستی که بر روی آن نوشته می شود، در اینجا استعاره است از آنچه علم به طور کلی در آن نقش می زند و مفسران «الكتاب المسطور» را به قرآن یا آنچه خداوند در لوح محفوظ یا الواح موسی نوشته یا معارف و حکمت هایی که در دل های دوست داران اوست یا آنچه حافظان می نگارند، تفسیر کرده اند، تشبیه حضرت به کتاب واضح است به سبب اینکه آن جناب حامل لفظ و معنای آن و عمل کننده به فحوای آن است و در بیشتر نسخ «و الرق المنشور» آمده و مراد از کتاب در اینجا آن چیزی نیست که در آیه مورد

1- . القاموس 1 : 45
2- . طور / 1 - 6

نظر است یا اینکه تقدیری در آن است؛ یعنی: تو جایگاه کتاب مسطور هستی و در برخی نسخ آمده: «فی الرق المنشور» و این واضح تر است و در این صورت تشبیه برای مجموعه ذات شریفه باری تعالی خواهد بود و نیز علم او و به دو بخش آیه یعنی: «الرق» و «الکتاب» و تشبیه به دریا به دلیل وفور علم حضرت روشن است و «المسجور» یعنی لبریز یا آتشدان، اشاره ای است به علم و قدرت او و هر دو با هم و «العنایه» با کسر و فتح یعنی توجه و اهتمام. سخنش «ما دحا اللیل» یعنی: [مادامی که شب] تاریک گردد و «غسق» نیز به همین معناست و گفته می شود: «ذرت الشمس» وقتی: [آفتاب] طلوع کند و «الشارق» یعنی آفتاب در زمان تابش و «النجده» یعنی شجاعت و «الإباده» یعنی نابود سازی و «الکتائب» جمع کتیبه یعنی لشکر و «المراس» یعنی سختی و «النهی» یعنی عقل و «الطول» با فتحه یعنی بخشش و غلبه بر دشمنان و «المکرمه» با ضمه راء یعنی کردار کریمانه و «النائل» یعنی بخشش. این سخن: «یا عین الله» یعنی شاهد خداوند بر بندگانش همان طور که انسان با چشمش می نگرد تا بر امور مطلع گردد، خداوند نیز او را آفریده تا بر خلق شاهد و بر امورشان ناظر باشد و «عین» به معنای جاسوس و بهترین چیز نیز هست و جزری(1) در حدیث عمر گفته است: مردی در طواف به محارم مسلمانان می نگریست پس حضرت علی علیه السلام به او سیلی زد، پس از عمر یاری خواست. عمر گفت: تو را زد به خاطر حقی که یکی از چشمان خدا آن را دریافت و مقصودش یکی از خواص خداوند عزوجل و دوستان او بود. پایان.

«الید» کنایه از نعمت و رحمت یا قدرت است و وجه استعاره در «أذن» نیز واضح است؛ زیرا خداوند متعال او را آفریده تا به علوم پیشینیان و پسینیان گوش کند و آنها را حفظ کند و روایات بسیاری از طرق خاص و عام وارد شده که وقتی این آیه نازل شد «تَعِيَها أُذُنٌ واعِيَهٌ»(2) {گوش های شنوا آن را نگاه دارد.} پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی از خداوند خواستم این آیه را گوش تو قرار دهد. قول حضرت علیه السلام «حکمته البالغه» یعنی مظهر یا خزانه آن و «السابغه»

1- . النهایه 3 : 163
2- . حاقه / 12

یعنی کامل. قول حضرت علیه السلام «علی الأصل القدیم» یعنی اصل و مبدأ امامان و مراد از قدیم آن است که در زمان پیش باشد نه ازلی به دلیل اینکه نورشان در آفرینش بر سایر مخلوقات پیشی گرفته و «الفرع الکریم» به دلیل آن است که او شاخه درخت پیامبران و برگزیدگان است و تشبیه به میوه و درخت و سدره به سبب منفعت های فراوان حضرت و فواید عمومی او برای تمام مخلوقات آشکار است و بعید نیست که مراد از باطن آن آیات همان حضرت باشد و «السلیل» یعنی فرزند و «العنصر» با ضم صاد و گاه با فتح یعنی اصل و نسب و جمع آن به منظور مبالغه است یا مراد یکی از عناصر است و در برخی نسخ با صیغه مفرد آمده است. حضرت علیه السلام در این سخن « علی حبل الله المتین» حضرت علی علیه السلام را به ریسمان تشبیه کرده؛ زیرا کسی که به او و ولایت او تمسک جوید به والاترین درجات دست یابد و راه نجات را در پیش گیرد؛ بنا بر این آن جناب ریسمانی است که بین خداوند و آفریدگانش کشیده شده و در شرح روایات بسیاری درباره قول خدای تعالی «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیعاً»(1) و {همگی به ریسمان خدا چنگ زنید.} گذشت که منظور از ریسمان الهی ولایت است و «المتانه» یعنی سختی.

قول حضرت علیه السلام: «و جنبه المکین» شاید مراد از جنب جانب و ناحیه باشد و آن حضرت علیه السلام ناحیه ای است که خداوند به خلق امر فرموده تا به سوی آن رو کنند و جنب به معنای امیر نیز می باشد و این معنا مناسب است و احتمال دارد کنایه باشد از قرب خدای تعالی که تنها با نزدیکی به آن بزرگواران حاصل می شود؛ چنانکه هر کس بخواهد به پادشاهی نزدیک شود با نزدیکان او همنشینی می کند. و روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده مؤید این مطلب است. و نیز مؤید آن روایتی از امام باقر علیه السلام است که آن حضرت در تفسیر این کلام فرمود: به خداوند چیزی نزدیک تر از رسولش و به رسولش چیزی نزدیک تر از وصیش وجود ندارد. پس او در نزدیکی همچون همسایه است و خداوند تعالی در کتاب خویش در این آیه معنای آن را روشن کرده است «أَنْ تَقُولَ

1- . آل عمران / 103

نَفْسٌ یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ»(1) {تا آنکه [مبادا] کسی بگوید: «دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم.}، یعنی در ولایت اولیای او... تا آخر روایت.

و «المکانه» یعنی منزلت در نزد پادشاه. قول حضرت علیه السلام «و کلمته الباقیه» اشاره ای است به قول خدای تعالی: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ»(2) {و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد.} و روایات در این مورد گذشت که مراد از «کلمه» امامت است و از «عقب» امامان علیه السلام، پس در کلام مضافی در تقدیر است و «الثاقب» یعنی نورانی. قول حضرت علیه السلام: «و بالنور العاقب» یعنی کسی که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله می آید و جانشین اوست.

فیروزآبادی(3) و جزری(4) گفته اند: «العاقب» کسی است که جانشین فرد قبل از خود در نیکی می شود. قول حضرت علیه السلام «لا یأتی علیها» یعنی آن را نابود نمی کند و از بین نمی برد. گفته می شود: «أتی علیه الدهر» یعنی او را نابود و ریشه کن کرد.

سپس بدان که از اخبار مستندی که پیشتر آوردیم، این امر که چهار رکعت نماز برای حضرت آدم و نوح علیهما السلام است ظاهر نمی شود، بلکه چنانچه فهمیدی برخی از آنها بر خلاف آن اشاره دارند.

25. المصباحین: زیارت دیگری از امیر المؤمنین علیه السلام و مقدمات آن: چون به کوفه آمدی پیش از داخل شدن، با آب فرات غسل کن؛ چرا که این شهر حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و حرم امیر المؤمنین علیه السلام است و چون خواستی وارد شوی بگو:

1- . زمر / 56
2- . زخرف / 28
3- . القاموس 1 : 106
4- . النهایه 3 : 127

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ عَلَی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص «اللَّهُمَ أَنْزِلْنِی مُنْزَلاً مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ»(1) ...

به نام خدا و به وسیله خدا و در راه خدا و بر آئین رسول خدا صلی الله علیه و آله. { پروردگارا، مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیک ترین مهمان نوازانی }.

سپس تکبیر و لا إله إلا الله و ستایش و تسبیح گویان برو تا اینکه به مسجد برسی. وقتی رسیدی بر در آن بایست و حمد و ثنای خدا را آنچنان که شایسته آن است، بسیار به جای آور و بر پیامبر صل الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام درود فرست و آنگاه وارد شو و دو رکعت نماز تحیت برای مسجد به جای آور و پس از آن هر چه خواستی نماز بخوان سپس برو و بار و بنه ات را در مکان مطمئن بگذار و با پاکیزگی و غسل رو به سوی امیر المؤمنین علیه السلام کن و باید در این حال آرامش و وقار داشته باشی تا اینکه به مشهد حضرت علیه السلام وارد شوی، وقتی به آنجا آمدی بر در آن بایست و بگو:

اللَّهُ أَکْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی هِدَایَتِهِ لِدِینِهِ وَ التَّوْفِیقِ لِمَا دَعَا إِلَیْهِ مِنْ سَبِیلِهِ ...

خدا بزرگ تر است. معبودی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگ تر است. خدا بزرگ تر است. ستایش خدای را برای هدایت بندگان به دین خویش و توفیق بر راهی که بدان فرا خوانده. خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست و این مقام مرا مقام کسی قرار ده که با بخشش خویش در رسیدن به مرادت بدو لطف کردی و انفاق و دعاهای او را در طاعتت پذیرفتی و او را به نهایت آرزو و خواسته اش رساندی که به راستی توئی شنونده دعا و نزدیک و اجابتگر. خدایا توئی بهترین کسی که رو به سوی او شده و گرامی ترین کسی که به درگاهش آیند و این بنده با تقرب به تو به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت و برادرش امیر المؤمنین علیه السلام به درگاهت آمده، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و تلاش مرا نومید مفرما و نگاهی بر من

1- . مؤمنون / 29

بیفکن که به واسطه آن به من جان تازه و نشاط دهی و مرا در نزد خود {در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاهت] گردان }.(1)

سپس وارد شو و پای راستت را پیش از پای چپت داخل بگذار و بگو: به نام خدا و به لطف خدا و در راه خدا و بر آئین رسول خدا صلی الله علیه و آله. خداوندا مرا بیامرز و بر من رحمت فرما.

سپس برو تا اینکه محاذی قبر قرار بگیری و رو به سوی آن بایستی و بگو: سلام بر رسول خدا. سلام بر امانتدار خدا بر وحیش و امور راسخش و پایان بخش پیشینیانش و گشایشگر آیندگانش و غالب بر تمام اینها و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، وصی رسول خدا و خلیفه او و بر پا کننده امر او پس از او و سرور وصیین و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر فاطمه دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله، سرور زنان جهان. سلام بر حسن و حسین، دو آقای جوانان اهل بهشت از میان جملگی خلق. سلام بر امامان هدایتگر. سلام بر پیامبران و فرستادگان. سلام بر فرشتگان مقرب. سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا.

سپس برو تا اینکه بر قبر بایستی و رو به قبر باشی و قبله را بین دو شانه ات قرار می دهی و می گویی: سلام بر تو ای امیر المؤمنین و رحمت و برکات خدا بر تو باد. سلام بر تو ای دوستدار خدا. سلام بر تو ای برگزیده خدا. سلام بر تو ای محبوب خدا. سلام بر تو ای ستون دین. سلام بر تو ای حجت خدا بر تمام خلق. سلام بر تو ای خبر عظیم که درباره آن با هم اختلاف دارند و نسبت به آن مسئول هستند. سلام بر تو ای بسیار راستگوی بزرگ. سلام بر تو ای فاروق اکبر. سلام بر تو ای جانشین خاتم النبیین. سلام بر تو ای سرور وصیین. سلام بر تو ای امین خداوند. سلام بر تو ای دوست خدا و جایگاه راز و امانتگاه علم الهی و خزانه وحی او. پدر و مادرم به فدایت ای سرور من ای امیر المؤمنین ! ای حجت دشمنان. پدر و مادرم به فدایت ای دروازه مقام ! شهادت می دهم که تو حبیب خداوند و از بندگان

1- . آل عمران / 45

خاصه و خالصه او هستی. گواهی می دهم که تو ستون دین و وارث دانش پیشینیان و پسینیان و صاحب وسیله داغ نهادن و راه راست هستی. گواهی می دهم که تو آنچه را که پیامبر به تو داده به سر منزل مقصود رسانده و آنچه را که برای تو به ودیعه گذاشته حفظ کرده ای و حلال او را حلال و حرام او را حرام دانسته و احکام الهی را به جای آورده و از حدود او تجاوز نکرده و خالصانه بندگی خدا را کرده ای تا اینکه مرگ به سوی تو آمد. گواهی می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی و به معروف امر فرمودی و از منکر باز داشتی و از رسول پیروی کردی و قرآن را آنچنان که شایسته آن است تلاوت کردی و آنچنان که باید در راه خدا جهاد کردی و برای خدا و رسولش نصیحت و خیرخواهی کردی و جانت را با شکیبایی و در راه رضای خدا بخشیدی و برای دین خدا جهاد کردی و محافظ رسولش صلی الله علیه و آله و خواستار آنچه نزد خداست بودی و به آنچه وعده داده مشتاق بودی و به خاطر راهی که بدان ایمان داشتی شهید و گواه و مشهود گشتی، پس خداوند از جانب رسولش صلی الله علیه و آله و اسلام و اهل آن بهترین پاداش را به تو دهد. خداوند کسانی را که با تو مخالفت کردند لعنت کند و کسانی را که به تو ستم ورزیدند لعنت کند و خداوند کسانی را که به تو افترا بستند و خشمگینت ساختند لعنت کند و خداوند بر قاتلانت لعنت کند و خداوند کسانی را که تو را برای کشتنت پی کردند لعنت کند و خداوند کسانی را که خبر شهادتت به آنان رسید و بدان راضی گشتند لعنت کند. من از آنان به درگاه خداوند بیزاری می جویم. خداوند مردمانی را که با تو مخالفت کردند و کسانی را که ولایت تو را انکار کردند و آنان که بر تو پشت کردند و امتی را که تو را به شهادت رساندند و کسانی را که از تو کناره گیری کردند و آنانی را که تو را تنها گذاشتند، لعنت کند. ستایش خدایی را که آتش را جایگاه آنان قرار داد { و [دوزخ] چه ورودگاه بدی برای واردان است.}(1) خدایا قاتلان پیامبران و جانشینان پیامبرانت را با جمله لعن و نفرین خود لعنت کن و آنان را در آتش سوزان خویش درانداز. خدایا جبت و طاغوت و فراعنه و لات و عزی و

1- . هود / 98

هر معبودی غیر از خودت و هر بی دین و دروغگو را لعنت کن. خدایا آنان و پیروان و شیعیان و دوستان و یاران و دوستداران آنان را چنان نفرین عظیمی کن که آن را پایانی و نهایت و منتها و زمانی نباشد. خدایا از تمام دشمنانت به سوی تو بیزاری می جویم و از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و برای من زبانی راستین در میان دوستانت قرار دهی و شهادتگاه های آنان را برای من محبوب گردانی تا اینکه مرا به آنان ملحق سازی و در دنیا و آخرت مرا دنباله روی آنها قرار دهی ای مهربان ترین مهربانان!

سپس به سمت سر حضرت علیه السلام برو و بگو: ای امیر المؤمنین! سلام خداوند و سلام فرشتگان مقربش و آنان که با دلهایشان تسلیم تو هستند و ناطقان به فضل تو و شاهدان بر این که تو راستگو و صدیقی و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. خداوند بر تو و بر روح تو و پیکر تو درود فرستد و گواهی می دهم که تو پاک و پاکیزه و پاک شده هستی و گواهی می دهم برای تو ای دوستدار خدا و دوست رسول خدا با ابلاغ و اجرای سنت او. گواهی می دهم که توئی جنب الله و توئی وجه الله که از آن (به خلق خدا) عطا می شود. و توئی راه خدا و توئی بنده خدا و برادر رسولش. به درگاه تو آمده ام چون رتبه و منزلت عظیم تو را نزد حق سبحانه و تعالی و نزد رسولش صلی الله علیه و آله می دانم. به درگاه تو آمده ام تا با زیارت تو قرب و منزلتم نزد حق سبحانه و تعالی محقق شود تا خود را خلاص گردانم و از آتشی که امثال من مستحق آن شده اند به سبب ستم هایی که بر نفس خود کرده ام به خدا پناه ببرم. در حالتی که از هر که غیر توست بریده ام و به تو پناه آورده ام و به ولیّ تو که بعد از تو خلیفه بر حق تو بر من است، پس دل من منقاد مذهب حق شماست و کار من تابع فرمان شماست که هر چه بفرمایید چنان کنم و یاری من برای شما مهیاست و من بنده خداوندم و در اطاعت شما دوست شمایم و به درگاه شما آمده ام و غرضم آن است که منزلتم نزد حق سبحانه و تعالی کامل شود، و تو ای مولای من از آن جماعتی که خداوند مرا امر فرموده است که خود را به آنان متصل بدارم و مرا بر نیکی کردن به شما ترغیب نموده است و مرا راهنمایی کرده است بر فضیلت شما بر عالمیان، و مرا به دوستی شما هدایت کرده و ترغیب و الهام نموده است که برای

درخواست حاجات به درگاه شما آیم و شما را نزد او شفیع خود گردانم. شما اهل بیتید که هر که به شما تولی کند سعادتمند می شود و کسی که محبت شما را دارد از درگاه شما ناامید بر نمی گردد و زیان نکرده است و کسی که دشمن شماست سعادتمند نمی شود، کسی بهتر از شما نمی یابم که به او پناه برم و شما اهل بیت رحمت و ستون های دین و ارکان زمین و شجره طیّبه اید. خداوندا مرا ناامید مکن که متوجه رسول و آل رسول تو گشته ام و آنان را شفیع خود کرده ام و دست در دامن خاندان رسولت زده ام و ایشان را شفیع خود گردانیده ام، خداوندا تو بر من منت نهادی تا توفیق زیارت آقای خود امیر المؤمنین علیه السلام را پیدا کردم و به او محبت دارم و او را شناخته ام، خداوندا پس مرا از کسانی بگردان که یاریش کنی و به وسیله او یاری رسانی، و بر من منّت نه که به واسطه من دین خود را در دنیا و آخرت یاری دهی. خداوندا بر شیوه ای زندگانی می کنم که حضرت امیر المؤمنین صلوات اللّٰه علیه بر آن زندگی کرد و می میرم به همان شیوه ای که آن حضرت از دنیا رفت.

سپس رو به قبر شو و بر آن بوسه زن و گونه راست و سپس چپت را بر آن نِه، آنگاه در همان جا که هستی کنار سر قبر به سمت قبله روی گردان و متوجه آن شو و دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اول فاتحه الکتاب و سوره الرحمن و در رکعت دوم حمد و یس بخوان سپس تشهد و سلام بگو، پس از آنکه سلام دادی تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها را به جای آور و استغفار و دعا کن و سجده شکر به درگاه خداوند به جا آور و در سجود خویش بگو:

خداوندا رو به سوی تو کردم و به تو متوسل شدم و بر تو توکل کردم. خدایا تو مایه اطمینان و امید من هستی، پس مرا از آنچه برایم مهم است و آنچه برایم مهم نیست و هر آنچه تو نسبت به من بر آن داناتری کفایت فرما. جوار تو عزیز است و ثنایت باشکوه و معبودی جز تو نیست. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و فرج آنان را نزدیک بفرما.

سپس گونه راستت را بر زمین بگذار و سه مرتبه بگو: خدایا به خواری من در برابر خودت و عجز و لابه ام به درگاهت و وحشتم از عالم و انس و الفتم به خودت، رحم کن ای بزگوار.

سپس گونه چپت را بر زمین بگذار و سه مرتبه بگو: حقا حقا که معبودی جز تو نیست. برای تو از سر بندگی سجده کردم ای پروردگار من. خداوندا عملم ضعیف است پس آن را مضاعف فرما ای بزرگوار.

سپس به سجده بازگرد و صد مرتبه بگو: شکرا شکرا. آنگاه می ایستی و در آنجا هم چهار رکعت نماز می گذاری مثل آنچه در دو رکعت خواندی و تو را کفایت می کند که سوره «اِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» و سوره اخلاص را بخوانی و اگر از آن عدول کنی به آنچه از قرآن برایت میسر شود، هم تو را کفایت می کند.

آن چهار رکعت را با شش رکعت دیگر کامل می کنی؛ دو رکعت اول برای زیارت امیر المؤمنین علیه السلام است و چهار رکعت برای زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السلام، سپس تسبیح حضرت زهرا علیها سلام را به جا می آوری و برای گناهانت استغفار می کنی و هر چه خواستی دعا می کنی و به سمت پای قبر می روی و می ایستی و می گویی: سلام بر تو ای امیر المؤمنین و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. تو اولین مظلوم و اولین کسی هستی که حقش پایمال شده. با این وجود در راه رضای خدا شکیبایی پیشه کردی تا اینکه مرگ به نزد تو آمد. شهادت می دهم که تو خدا را ملاقات کردی و تو شهیدی هستی که خداوند قاتلت را با انواع عذاب مجازات کرد. من برای زیارت تو آمده ام و حق تو را می شناسم و از شأن و منزلت تو آگاهم و با دشمنان تو دشمن. اگر خدا بخواهد، خداوند پروردگارم را بر این اعتقاد ملاقات می کنم و حال آنکه گناهان بسیاری دارم، پس نزد پروردگارت شفاعتم کن؛ چرا که تو در نزد خدا مقامی روشن و جایگاهی عظیم و شفاعت داری، خداوند تعالی فرموده است: «وَ لا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی وَ هُمْ مِنْ خَشْیَتِهِ مُشْفِقُونَ»(1) {و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند.} درود خدا بر تو و روح و بدن تو و بر ائمه از ذریه تو باد، درودی که تنها خداوند آن را تواند شمارد و بهترین سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

1- . انبیا / 28

بسیار دعا کن که اینجا جایگاه درخواست است و بسیار استغفار کن که اینجا موضع آمرزش است و حاجات خود را بخواه که اینجا مقام اجابت است، اگر خواستی روز یا شبت را در مشهد بمانی پس در آن اقامت کن و بسیار نماز و زیارت بخوان و حمد و تسبیح و تکبیر و تهلیل و یاد خدای تعالی و تلاوت قرآن و دعا و استغفار را بسیار به جا آور.(1)

میگویم: سپس شیخ رحمه الله وداع را مانند آنچه به روایت ابن قولویه گذشت ذکر کرده و شاید او زیارت ها را گرد آورده و تألیف نموده است و ما آن زیارات را با الفاظ شبیه به هم ذکر کردیم به دلیل اینکه احتمال دارد برای هر یک از آنها روایت مخصوصی وجود داشته باشد که ما به آن دست نیافته ایم و اما قرائت یاسین و الرحمن در نماز زیارت، شاید از روایت ابو حمزه ثمالی گرفته شده که مشتمل بر زیارت طولانی امام حسین علیه السلام است و ذکر خواهد شد و در آن استحباب قرائت این دو سوره در نماز به هنگام زیارت هر امام ذکر شده، اما در آن گفته که در اکثر نسخ یاسین بر الرحمن مقدم شده و در اینجا برعکس است و این اختلاف در بسیاری از مواضعی که این نماز را در آن ذکر کرده اند، رخ داده است.

26. المصباحین: زیارتی دیگر از برای امیر المؤمنین علیه السلام، می گویی: سلام بر تو ای امیر المؤمنین. سلام بر تو ای حبیب خدا. سلام بر تو ای برگزیده خدا. سلام بر تو ای دوستدار خدا. سلام بر تو ای حجت خدا. سلام بر تو ای امام هدایت. سلام بر تو ای نشانه تقوا. سلام بر تو ای ابا الحسن. سلام بر تو ای ستون دین و وارث دانش پیشینیان و پسینیان و صاحب وسیله داغ نهادن و راه راست. گواهی می دهم که تو نماز را به پا داشتی و از سوی خداوند عزوجل ابلاغ کردی و به عهد خدا وفا کردی و کلمات خدا به تو پایان پذیرفت و آنچنان که باید در راه خدا جهاد کردی و برای خدا و رسولش نصیحت و خیرخواهی کردی و جانت را با شکیبایی بخشیدی و برای دین خدا جهاد کردی و به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان داشتی و خواستار آنچه نزد خداست بودی و به آنچه وعده داده مشتاق بودی

1- . مصباح الشیخ: 515 و مصباح کفعمی: 476

و به خاطر راهی که بدان ایمان داشتی شهید و گواه و مشهود گشتی، پس خداوند از جانب رسولش صلی الله علیه و آله و اسلام و اهل آن بهترین پاداش را به تو ای صدیق دهد. اولین نفری بودی که اسلام آوردی و ایمانت خالص ترین بود و یقینت استوارترین و از خداوند بیمناک ترین بودی و جفاهای به تو در دین از همه عظیمتر بود و حفظ و حمایتت از رسول خدا از همه پیشتر و بیشتر و کمالات تو از همه فاضل تر بود و سابقه های تو از همه بیشتر و درجه تو از همه بلندتر و رتبه تو از همه نیکوتر بود و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه گرامی تر بودی، در هر جائی که صحابه آن حضرت صلی الله علیه و آله ضعیف بودند تو قوی بودی و در هر جا که ایشان از جهاد پهلو تهی می کردند تو پیش می رفتی و هر جا که ایشان سستی می کردند تو مردانه می جنگیدی و ایستادگی می کردی و راه حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در پیش می گرفتی، خلیفه به حق آن حضرت تو بودی و دیگران حق تو را غصب کردند و هیچ کس را یارای آن نبود که با تو در امر خلافت منازعه کند با وجود مخالفت منافقان و خشم کافران، و هر چند حسودان تو از این گفتن کراهت داشتند و هر چند فاسقان ناتوان بودند، پس وقتی که دیگران شکست خوردند به امر خلافت پرداختی و وقتی که دیگران از سخن عاجز می شدند سخن گفتی و چون در کاری راه حق را نمی دانستند و می ایستادند تو به نور الهی می رفتی، پس کسی که از تو پیروی کند هدایت یافته است، از همه کس کمتر سخن می گفتی و هر چه می گفتی درست و راست تر می گفتی و بیش از همه کس در سخنت می اندیشیدی و شجاعت دلت از همه بیشتر بود، و یقین تو از همه محکم تر بود و عمل تو از همه کس بهتر بود و اعتنای تو در کارها از همه بیشتر بود و از همه کس بیشتر به آن اهتمام داشتی.

در آغاز وقتی که همه پراکنده گشتند و رو به باطل کردند تو پادشاه دین بودی و در آخر نیز تو پادشاه مؤمنان شدی وقتی که دانستند که از عهده ایشان بر نمی آید، برای مؤمنان پدری مهربان بودی چون همه عیال تو بودند و بار ایشان را از دوش ایشان بر می داشتی چون بر تحمل آن بار قدرت نداشتند، و هر چه را ضایع کردند تو محافظت کردی و هر چه را اهمال کردند تو رعایت کردی، چون گرد

آمدند تو قصد آنان را کردی و چون جمع شدند شاهد آنان بودی و هر جا که ایشان در مجاهدات جزع می کردند تو بر همه بلندی داشتی و هر گاه بی تابی می کردند تو شکیبایی در پیش می گرفتی. تو مانند بلای ناگهان بر سر کافران می ریختی، و نسبت به مؤمنان فراخی و عیش بودی. در هیچ جا حجت تو کندی نمی کرد و حجتت بالغه بود و هرگز دلت به باطل میل نکرد و بصیرتت ضعیف نشد و هرگز ترسان نگشتی و جائی خوار نشدی و سستی نکردی، مانند کوهی بودی که از بادهای تند به حرکت نمی آمدی و رعدهای عظیم تو را از جای بر نمی داشت و چنان بودی که رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله تو را وصف فرموده بود که ای علی، اگر چه به حسب بدن ضعیفی، ولی در اوامر الهی با قوتی و اگر چه نزد خودت پستی نزد حق سبحانه و تعالی بزرگی و در زمین بزرگی و نزد مؤمنان باشکوهی. هیچ کس را بر تو راهی نیست که تو را بر صفتی عیب کند و یا بر فعلی از افعال تو چشمک زند و کسی طمع در تو نتواند کرد و کسی بر تو دست ندارد، بی چاره ذلیل نزد تو قوی است تا حق او را گرفته به او رسانی، و قوی بزرگوار نزد تو ضعیف و خوار است تا حق مردم را که برده است از او گرفته به صاحبش رسانی و نزدیک و دور نزد تو برابرند. کار تو حق و راستی و همواری است و هر چه گفتی همه حکمت و پیروی از دستورت واجب است و فعل تو همه موافق عقل و بردباری و دور اندیشی است و رای تو همه علم و عزم است، دین اسلام به تو قائم شد و حلال هر مشکلی تو بودی و هر دشواری به برکت تو آسان شد، و بسیار آتشی که افروخته شده بود و به برکت تو فرو نشست و ایمان به تو قوت یافت و اسلام به برکت تو ثابت شد و مؤمنان به هدایت تو ثابت قدم شدند، و در میدان مجاهده پیش بردی پیش بردنی بسیار دور که همه ماندند و پس ماندگان را بسیار به سختی انداختی. پس تو از آن بزرگتری که باید بر ظلم هایی که بر تو کرده اند بگریند با آن که مصیبت شهادت تو بر آسمانیان دشوار است و مصیبت تو خلایق را همه فرا گرفته است، به درستی که ما همه بندگان خداوندیم و بازگشت ما همه به سوی او خواهد بود. به قضای خدا راضی شده ایم و کارهای خدا را به او تسلیم کرده ایم به خدا قسم که مسلمانان هرگز به مصیبتی چون مصیبت تو مبتلا نخواهند شد، همیشه پناهگاهی مستحکم برای مؤمنان بودی و از ایشان حفظ و

حمایت می کردی و بر کافران درشت و خشمگین بودی، پس خداوند عالمیان تو را به پیغمبرش ملحق سازد و ما را از مزد تو محروم نگرداند و بعد از تو ما را نگذارد که گمراه شویم، و سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد.

و در همانجا شش رکعت نماز می گزاری و در هر دو رکعت سلام می دهی؛ چرا که استخوآنهای حضرت آدم و جسد حضرت نوح و امیر المؤمنین علیه السلام در قبر حضرت است، پس برای هر زیارت دو رکعت نماز می خوانی.

27. کتاب العتیق غروی: و زیارتی دیگر از برای مولایمان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام: وقتی از شهری که در آن اقامت داری به سوی نجف و به سوی خیر و مشاهد مشرف شده به پاکان برگزیده - که سلام و رحمت و برکت بر آنان باد - رفتی، بگو: خداوندا به سوی تو خارج می شوم و رو به سوی تو می کنم و به تو ایمان آورده و بر تو توکل کرده و از تو یاری جسته و رو به سوی شهادت گاه دوستان و برگزیدگانت کرده و به تو مشتاق گشته ام، پس بر محمد و خاندان پاکیزه محمد درود فرست و در زیارت آنان و قصد کردنم به سوی آن بزرگواران در خیر و نیکی و عافیت و حفظ و سلامت و امنیت و کفایت، مرا به امید و آرزویم و مرا با قبول و پذیرفته شدن اعمالم و با اجر دادن و کامل کردن آن و سعادتمند کردنم و غنیمت بردنم باز گردان و بازگشت را روزیم فرما. خدایا تا زمانی که زنده هستم آن را آخرین عهد برای زیارت مشاهد و عروج گاه های آن بزرگواران قرار نده که توئی مهربان ترین مهربانان.

وقتی رسیدی از هر جهت که غسل از آن واجب است غسل کن و در راه بسیار تسبیح و ستایش و لا إله إلا الله و تکبیر بگو و خدا را به بزرگی یاد کن و بهترین و کامل ترینش این است که بگویی: پاک و منزه است خدا و ستایش از آن خداست و معبودی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگتر است. هیچ نیرو و قوتی نیست، مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ و درود خداوند بر محمد پیامبر و بر خاندان پاک و پاکیزه اش و درود فراوان بر آنان باد.

وقتی به نجف رفتی و به قبر نزدیک شدی، آنگاه که آن را دیدی بگو: خدایا من تو را می خواهم پس مرا بخواه و من رو به سوی تو کرده ام، پس رویت را از من

باز نگردان و من آهنگ درگاه تو را کرده ام پس از من بپذیر و اگر بر من خشم گرفته بودی، اکنون از من راضی باش و اگر از من کینه داشتی توبه ام را بپذیر و در حرکتم به سوی وصی رسولت به من رحم کن که به وسیله آن خوشنودی تو را از خویش خواهم پس نومیدم مکن

و در حالی که آرامش و وقار از برای توست بگو: سلام از جانب خدا و سلام به سوی خدا و سلام بر رسول خدا. خدایا توئی سلام و و از توست سلام و به سوی تو باز می گردد سلام و سلام بر رسول خدا و امیر المؤمنین و جملگی امامان. خدایا بر محمد بنده و رسولت و امانت دار و ذخیره علمت و گشاینده آنچه بسته شده و پایان بخش به آنچه پیشتر بوده و مسلط بر تمام اینها درود فرست. سلام بر تو ای حجت و امین خدا و خزانه دار علم او و وارث پیامبران او و معدن حکمت او. سلام بر تو ای امیر مؤمنان. سلام بر تو ای سرور وصیین. سلام بر تو ای وارث دانش پیشینیان. سلام بر تو ای دروازه هدایت. سلام بر تو ای امام پرهیزکاری.

سپس ده قدم به جلو بردار و آنگاه بایست و سی تکبیر بگو و بخوان: سلام و درود بر تو ای وارث آدم که برگزیده خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث نوح که پیامبر خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث ابراهیم که خلیل خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث موسی که کلیم خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث عیسی که روح خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که حبیب خدا است، سلام و درود بر تو ای شهید و جانشین. سلام بر تو ای نیکوکار و پرهیزکار. سلام بر تو ای امام پاکیزه. سلام بر تو ای هدایتگر هدایت یافته. سلام بر تو ای امین خداوند و حجت او. سلام بر تو ای خزانه علم الهی. سلام بر تو ای جانشین رسول خدا. سلام بر تو ای دروازه هدایت خداوند. سلام بر تو ای ریسمان محکم الهی. سلام بر تو ای صاحب نجوا. سلام بر تو ای صاحب وسیله داغ نهادن. سلام بر تو ای حجت خداوند بر جهانیان. سلام بر تو ای راه راست. سلام بر تو ای امین پروردگار جهانیان. سلام بر تو ای ریسمان استوار الهی و صراط مستقیم او و طناب مورد وثوق او و دست والای او. سلام بر تو ای تقسیم گر آتش. سلام بر تو ای کسی که دشمنان خدا را از حوض کوثر طرد می کند. سلام بر تو ای وجه

ص: 439

خداوند که به سوی آن روی می آورند. سلام بر تو ای رکن و پناه گاه. سلام بر تو ای غار مستحکم. سلام بر تو ای پرچم دار. سلام بر تو و بر خاندان تو و نسل تو که خداوند حجت های بالغه و نور و صراط مستقیم را به آنان بخشید. گواهی می دهم که تو حجت خداوند و امین او هستی و وصی رسولش و گنجینهی علم ایشان و شهادت میدهم که تو ابلاغ و نصیحت کردی و در راه خدا در برابر آزار و اذیت پایداری کردی و شهادت میدهم که با تو جنگیدند، تو را از حقت محروم کردند، دارائی ات غصب شد، تو را تحقیر کردند و به تو ستم روا داشتند و انکارت کردند، ولی تو در راه ذات احدیت صبر پیشه کردی و شهادت میدهم که همانا تو مورد تکذیب قرار گرفتی و به تو ستم و بدی شده است ولی تو چشم پوشی کردی و نادیده گرفتی. و شهادت میدهم که تو امام هدایت کننده و هدایت شده هستی، هدایت کردی و حق را برپا داشتی و به آن متمایل شدی و شهادت میدهم

که اطاعت از تو واجب، سخنت راست و دعوت تو حق است. و شهادت میدهم که تو با حکمت و اندرزی نیکو، به راه پروردگارت (راه حق) دعوت کردی اما تو را لبیک نگفتند و به فرمانبرداری از خدا امر نمودی اما از تو اطاعت نشد. شهادت میدهم که تو از پایهها و ستونهای دین و رکن و ستون زمین هستی. شهادت میدهم که تو از شجره و دودمان پاکی هستی که همواره در برابر دیدگان خداوند از پشت پدری پاک به پشت پدری نیکو سرشت و در ارحام مادران پاک منتقل میشوی. جهالتهای سخت تو را نیالوده و فتنههای هوا و هوس در تو شریک نشده است. تو پاک هستی و محلی که از آن متولد شدی (رحم مادرانت) نیز پاک است همواره به عرش الهی چشم دوخته بودی تا آنکه خداوند به واسطهی تو بر ما منت نهاد و تو را {در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند }(1)،

و درودهای ما را بر تو رحمتی برای ما قرار داد و خلقت ما نیز پاک شد؛ چرا که خداوند ولایت تو را به ما اختصاص داد و اسلام ما به فضل پروردگار بود و ما در نزد پرودگار به این

1- . نور / 36

شناخته شده بودیم که تو را تصدیق کردیم. پس خدا و فرشتگانش و پیامبرانش بر تو درود میفرستند و به خاطر اینکه در پی خیر بودی به تو پاداش دهد.

سپس بر روی قبر خم شو و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا و ای سرور وصیین، شهادت میدهم که تو حجت خدا هستی و هرچه را که از جانب خدا به آن مامور شدی تبلیغ کردی و مردم را خالصانه نصیحت کردی و عهدت را به جای آوردی و در راه خدا مجاهدت و تلاش نمودی و در حالیکه گواه و شاهد و مورد شهادت بودی. درود و رحمت خدا بر تو باد. من بنده، برده و در خدمت همیشگی تو هستم. استواری قدمهایم در هجرت به سوی تو و کمال منزلت در آخرت را از تو میخواهم. پدر و مادر و جان و فرزندان و خانواده و مالم فدای تو باد. من به نزد تو آمدم در حالیکه به حق تو آگاه و به هدایتی که تو بر آن هدایت هستی اقرار میکنم و آگاه هستم و به آن علم دارم و اطاعت از تو را بر خود واجب میدانم به فضیلت تو اقرار میکنم و به گمراهی مخالفان تو بصیرت و علم دارم. خداوند لعنت کند امتی را که تو و حق تو و اطاعت از تو را انکار کردند و به تو ظلم نمودند و تو را تکذیب کردند. پدر و مادرم به فدایت، درود و رحمت خداوند و برکاتش بر تو باد. سپاس خداوندی که مرا از زائران حرم حجت خود و وصی رسولش قرار داد و معرفت به فضیلت وی و اقرار به فرمانبرداری و حق وی را به من ارزانی داشت. {خداوندا ما ایمان آوردیم پس نام ما را در زمرهی گواهان بنویس. }(1) سلام بر تو ای امام هدایت و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

سپس صاف مینشینی و میگویی: شهادت میدهم که تو بنده خدا و وصی رسولش حجت خدا بر خلق و امین وی بر گنجینههای علمش هستی و اینکه تو صادقانه حق خدا و رسولش را به جا آوردی و امین بودی و با تلاش فراوان برای خدا و رسولش مردم را نصیحت کردی و به یقینی رسیدی که در آن یقین، گمراهی بر هدایت تأثیری نمی گذارد و از راه حق به سوی باطل مایل و منحرف نشدی و شهادت میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات را پرداختی و امر به معروف و نهی

1- . مائده / 83

از منکر انجام دادی و حق را بدون سستی و ضعف برپا داشتی. درود و رحمت خدا بر تو باد. خداوند به تو به خاطر اینکه خیر را در پیش گرفتی پاداش دهد. خداوندا همانگونه که تو و فرشتگان و رسولانت بر او درود میفرستید، من نیز بر او درود میفرستم، درودی بسیار زیاد و پی در پی و همیشگی که چه حاضر باشیم و چه غائب، این درود در همه حال در پی هم میآید که نه قطع میشود و نه تمام. خداوندا در این لحظه و در تمامی لحظات، تحیتی بسیار از سوی من به روح و جسد وی برسان. خداوندا قاتلان امیر مومنان را و کسانی که به قتل وی فرمان دادند و کسانی را که به آن کار راضی بودند و جواز آن را صادر و به آن خشنود شدند، بسیار لعنت کن و آنان را به عذابی دردناک برسان، عذابی که هیچیک از بندگانت را آنگونه عذاب نکردی. خداوندا ساحران و کاهنان و طاغوتهای این امت که بر آن فرمانروایی میکنند و پیروان آنان از اولین تا آخرینشان را لعن و نفرین کن و قبرها و بدن آنان را پر از آتش کن و آنان را در شدیدترین آتش جهنم بسوزان. پدر و مادرم به فدایت به سوی تو آمدم و به نزد تو رسیدم درحالیکه به واسطهی تو متوجه خدا پروردگار تو و پروردگارم هستم تا به واسطهی تو طلب و حوائج مرا برآورده سازد و نیاز و درخواست مرا به من عطا فرماید پس نزد او شفاعت کن و شفیع من باش.

سپس بگو: ای پروردگار من و ای سرورم و ای معبود و مولای من، ولی خود را شفیع من در حوائجم قرار ده. به سوی تو آمدم و به عنوان یک زائر به سوی قبرش آمدم در حالیکه هدف من از آن زیارت نزدیکی و تقرب به توست، پس تو مرا نمیبینی که منتی بر تو داشته باشم بلکه تو بر سر من منت داری؛ چرا که توفیق آن را نصیب من کردی و به سوی او هدایت نمودی و به سوی تو آمدم در حالیکه از گناهانم گریزانم، و از عمل زشتم نزد تو تبری میجویم. در قیامت به تو امید دارم، برای عفو گناهانم نزد تو گریه و زاری و از گناهانم استغفار میکنم و با زیارت ولی تو و اقامت در کنار ضریحش و ایستادن بر سر قبرش، امید به رهایی از عذاب تو دارم، به خاطر اینکه با زیارت قبرش و شناخت او، مرا از هلاکت نجات دهی، پس من بر او وارد شدم؛ زیرا که اهل دنیا از زیارت وی رویگردان شدهاند و آیات و

نشانههای خدا را به سخره میگیرند {و زندگی دنیا آنان را فریفته است} (1).

پس ای سرورم تو بر من منت داری به خاطر اینکه مرا بر آنچه که اهل دنیا نسبت به آن جاهلند و به غیر آن متمایل شدند، عارف گردانیدی، پس همانگونه که به من معرفت و بصیرت و هدایت ارزانی داشتی شکر نعمتت را به من الهام فرما و فضیلتت را بر من فزونی بخش و از من قبول فرما؛ چرا که تو عمل پرهیزکاران را قبول می کنی.

سپس برای خودت به آنچه که برای تو آشکار شده است، زیاد دعا کن و نماز بخوان و در دعا برای امر آخرت و دنیایت بکوش پس هنگامیکه خواستی بازگردی از همان جایی که هنگام ورود برخواستی، برخیز و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای امین خدا سلام بر تو ای وصی رسول خدا سلام بر تو ای امام هدایت سلام بر تو ای در رحمت سلام بر تو ای وارث علم خداوند سلام بر تو ای تقسیم کننده آتش، سلام بر تو ای صاحب حوض، سلام بر تو ای مدافع دین خداوند، سلام بر تو ای یاور رسول خدا، سلام بر تو ای امیر مومنان، خداند قاتل تو و کسانی که در خون تو شریک بودند و نیز کسانی را که سبب قتل تو و به آن راضی شدند، لعن کند. من از دشمنان تو به خدا بیزاری میجویم.

سپس میگویی: خداوندا تو جایگاه مرا میبینی و سخنم را میشنوی و تضرع و پناه بردن مرا به قبر ولی و حجتت، مشاهده میکنی، حوائج مرا میدانی و چیزی از کارهای من بر تو پوشیده نیست و با وصی رسول و امین و حجت تو بر خلقت رو به سوی تو کردم و برای زیارت قبر او آمدم در حالیکه هدف من از زیارت، تقرب به تو و رسولت است پس به خاطر منزلت او در نزدت، {مرا در دنیا و آخرت آبرومند و از متقربین} (2)

قرار بده و به خاطر زیارت قبرش، امید و آرزو و خواستهام را به من عطا فرما و همهی حوائجم را برآورده ساز و مرا ناامید بازنگردان و امیدم را قطع نکن و دعایم را ناامید نکن و آن را آخرین زیارت من از قبرش قرار نده و همیشه تا زمانی که مرا زنده نگه داشتی زیارتش را روزی من قرار ده و مرا با نیکی و تقوی و آرامش و اطمینان به سوی او بازگردان و به خاطر زیارت او به من پاداش و رحمت

1- . انعام / 70
2- . آل عمران / 45

و مغفرت و ثواب و حسن اجابتی عطا کن که برتر و با فضیلت تر از بخشش تو به بندگانی باشد که برای زیارت به سوی قبر او آمدند و به حق او معترف، به زیارت او راغب و مایل بودند و هدف زیارت آنان تقرب به تو و رسولت بود. پدر و مادرم فدای تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس در قسمت پاهای مبارک برخیز و مانند آن را بگو و درحالیکه برای خروج پشت کرده ای بگو: خداوندا به حق محمد و آل محمد و به حرمت محمد و آل محمد و به خاطر شأن و منزلتی که برای حضرت محمد و آل محمد قرار دادی، از تو میخواهم که بر حضرت محمد و آل محمد درود بفرستی و از طرف من بر روح و جسدش در این لحظه و در تمامی لحظات، تحیت زیاد و درود برسان و از تو میخواهم که زیارتش را آخرین زیارت من قرار ندهی تا زمانی که مرا زنده نگه میداری، آن را روزی من بگردان و مرا در دنیا و آخرت همراه او قرار بده چرا که من به آن راضی هستم پس تو نیز از من راضی باش ای ارحم الراحمین.

سپس در برابر باب الخیر بایست و رو به قبله کن و بگو: خداوندا همیشه بازگشت به آن را تا زمانیکه مرا با نیکی و پرهیزکاری زنده نگه میداری در این سال و در هر سال به من ارزانی فرما و آنرا در آسایش و عافیتی از سوی خودت قرار بده و از برکت زیارت قبر وی، مرا بر آنچه که چشمم را به آن روشن میسازی و جانم را به آن بشارت میدهی، آگاه کن. و امیدم را قطع و دعایم را ناامید نکن و بر ضعف و اندک بودن چارهجویی من رحم کن و ای سرورم مرا لحظهای نه بر نفسم و نه بر هیچیک از بندگانت وامگذار.

سپس راه برو و بگو: خداوند برای من کافی است و دعای کسی که او را بخواند میشنود و بعد از خدا نهایتی نیست.

تا اینکه اگر خدا بخواهد وارد کوفه شوی و هیچ نیرویی وجود ندارد مگر اینکه متعلق به خداوند بزرگ و بلند مرتبه است و درود و سلام خداوند بر حضرت محمد و خاندانش باد.

28. الکتاب العتیق غروی: زیارت و دعایی است، کنار محل شهادت امیر المومنین علیه السلام میگویی: سلام بر تو ای وارث حضرت آدم که برگزیده خدا

بود سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث موسی همصحبت خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام بر تو ای وارث همهی اوصیاء و انبیای خدا سلام بر تو ای همسر حضرت زهرای بتول و وارث علم رسول. سلام بر تو ای پدران دو نوهی رسول خدا سلام بر تو ای برادر رسول خدا سلام بر تو ای امین خدا در زمین و حجت او بر بندگانش و نور خدا در سرزمین هایش، ای امیر مومنان تو حق جهاد را در راه خدا به جای آوردی و به کتابش عمل و از سنتهای پیامبرانش پیروی کردی تا آنکه خداوند تو را به جوار خود فراخواند و با اختیار خور روح تو را قبض کرد و از دشمنانت در به قتل رساندن تو با وجود آنکه تو دارای حجتهای بلیغ بر همهی خلق بودی، حجت و دلیل خواست؛ پس خداوندا نفس مرا به قرب خودت مطمئن، به قضای خود راضی، به ذکر و دعایت حریص، دوستدار برگزیدگان خلایق و اولیایت، در زمین و آسمانت محبوب، در هنگام نزول بلا بردبار، شکر کنندهی نعمتهای با فضیلتت، ذکر کنندهی نعمتهای سرشارت، مشتاق به خوشی لحظهی دیدارت، ذخیره کنندهی تقوی برای روز جزایت، پیرو سنتهای اولیایت، دوری کننده از اخلاق دشمنانت، رویگردان از دنیا با حمد و ثنایت قرار بده.

سپس صورت را بر روی قبر میگذاری و میگویی: خداوندا، همانا دل های انسانهای متواضع، شیدای توست و مسیر مشتاقین به سوی توست و نشانههای کسانی که به قصد تو حرکت میکنند آشکار، و قلبهای عارفان از تو در هراس و صدای دعوت کنندگان به سوی تو بلند و درهای اجابت برای آنان باز و دعای کسی که تو را میخواند مورد اجابت و توبه کسی که به سوی تو توبه می کند مورد پذیرش است و اشک کسی که از ترس تو گریه میکند مورد رحمت و یاری خواستن کسی که از تو کمک میخواهد مورد اجابت قرار میگیرد و وعدههای تو به بندگانت، برآورده میشود و لغزش کسی که از تو طلب چشمپوشی می کند مورد چشمپوشی قرار میگیرد و کارهای کسانی که برای تو کار میکنند محفوظ است و روزی خلایق از سوی تو نازل میشود و بخششهای افزون به آنان بخشیده میشود و گناه

استغفار کنندگان مورد مغفرت و نیازهای خلق از سوی تو برآورده میشود و پاداش درخواست کنندگان در نزد تو فراوان و نیکیهای فراوان، پی در پی و سفرههای کسانی که طلب غذا دارند آماده و چشمههای تشنگان نزد تو پرآب است. خداوندا دعایم را اجابت کن و ستایشم را بپذیر و به من پاداش بده و مرا در میان اولیای خودت قرار بده، به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام. همانا تو ولی نعمت من و نهایت آرزو و امیدم در هنگام دگرگونی و مرگم هستی. خداوندا درود بفرست بر سرور و مولای من امیر مومنان علی بن ابی طالب، وصی و جانشین مورد رضایت، و دعوت کننده به سوی تو و به سوی بهشت، دوست بزرگت و کسی که بین حلال و حرام فرق میگذارد و نور درخشان و زیبای تو و زبان گویای تو به حقیقت آشکار و چشم تو بر روی همهی خلایق و دست راست بلند تو و ریسمان محکم و دستگیرهی مورد اعتماد تو و کلمهی بلند مرتبهات و وصی رسول مورد رضایت تو و پرچم دین و مناره یقین و خاتم وصیین و سرور مومنان و پیشوای پرهیزکاران بعد از پیامبر حضرت محمد امین که درود خدا بر هردوی آنها باد، و پیشوای اصیل و بینظیر و درخشان، درودی که با آن ذکرش را بالا میبری و کارش را نیکو و نفسش را به واسطهی آن منزلت میبخشی و دعوتش را آشکار و نسل وی را یاری و حجت وی را آشکار میکنی و یاورانش را عزت میبخشی و اصحاب سرور مومنان و آشکار کنندهی حقیقت با حقیقت و کوبندهی لشکریان باطل و یاور خدا و رسولش را بسیار تکریم میکنی. خداوندا همانگونه که او را بر بندگانت گماشتی پس او نیز در میان آنان به دستور تو عمل کرد و در میان مردم به عدالت رفتار کرد و به تساوی [بیت المال را] تقسیم کرد و با انگیزه با دشمنت جنگید و از حریم اسلام دفاع کرد و بین حلال و حرام فاصله کرد و به خوشنودی تو بصیرت داشت، درحالیکه بدون خودداری از جهاد و بدون رویگردانی از عزم و اراده به سوی ایمان آوردنت فراخواند، درحالیکه بر عهد تو پایبند بود و با وعده نافذ تو قضاوت کرد، با اقرار به ربوبیت تو هدایتگر دین تو بود و تصدیق کننده فرستاده تو و جهاد کننده در راه تو و بر گفتار تو خشنود بود. پس او أمین و نگهدار و دربردارنده علم پنهان و گواه در روز جزا و سرپرست تو در بین جهانیان است. پروردگارا درود

و سلام بر حضرت محمد صلی الله عله و آله و خاندان او بفرست و در نزد خود برایش سعه صدری بگشا و از پاداش بسیار بزرگ و با عظمت خود برای خشنودی او عطا کن. پروردگارا ما را شنوندگان و مطیعان و سپاهیان پیروز و حزب مسلمان و پیروانی راستگو و شیعیانی هم پیمان و همدم و همنشینانی کمک کننده و جانشینانی بااخلاص و سرپرستانی نصیحت کننده و دوستانی همراه و ملازم برای او قرار ده. آمین ای پروردگار جهانیان. پروردگارا بهترین پاداش های بزرگان را به او پاداش ده و ای پروردگار جهانیان حاجتش را بر او عطا کن. گواهی می دهم که به اینکه حضرت علی علیه السلام دوستی خود را برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله خالص کرد و به سوی راه تو هدایت کرد و آنچنان که باید جنگید و جهاد کرد و به سوی راه هدایت فراخواند و برای حق تو در بین مردم به پاخاست و به دستور تو مطلبی را بیان کرد و در آن کار وارد شد، درحالیکه در حکمی ظلم نکرد و در ستمی دخالت نکرد و در گناهی وارد نشد. و او برادر فرستاده توست و اولین کسی است که بر او ایمان آورد و او را تصدیق و پیروی کرد و او را یاری داد و همانا او جانشین و وارث علم و مأمن اسرار پیامبر است و محبوب ترین خلق به سوی اوست و همانا او همتا و مانند او در این دنیا و در آخرت است و او پدر دو سرور جوانان أهل بهشت، امام حسن و حسین علیهما السلام است. درود خداوند بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان هدایتگر و پاک و مطهرش. و سلام بر همه آنان بفرست، سلامی همیشگی و جاودانه تا روز قیامت.

29. کتاب العتیق غرویّ: زیارت صفوان جمال برای امیر المؤمنین علیه السلام: سلام بر تو ای پدر أئمه و ملجأ وحی و نبوت و اختصاص یافته شده به برادری. سلام بر پیشوای دین و ایمان و کلمه الرحمن و پناهگاه مردم و سلام بر ترازوی اعمال و دگرگون کننده احوال و صاحب شمشیر شکوه و عظمت. سلام بر صالح مؤمنان و وارث علم پیمبران و دادگر روز قیامت. سلام بر درخت تقوی و شنونده راز و نجواها و فرود آورنده گزانگبین و بلدرچین. سلام بر حجت رسا و نعمت کامله خداوند و انتقام سخت و کوبنده. سلام بر اسرائیل امت و در رحمت و پدر أئمه. سلام بر راه روشن خدا و ستاره درخشان و نورانی و پیشوای نصیحت

ص: 447

کننده و سنگ آتش زنه سوزان. سلام بر وجه الله. کسی که به او ایمان آورد در امان است. سلام بر نفس خداوند بلند مرتبه که سنت ها را در آن به پاداشت و نیز سلام بر چشمان او. هر کس که او را بشناسد آرامش می گیرد. سلام برگوش هوشیار و آگاه خداوند در میان امت ها و دست گشاده و بخششگرش در نعمت ها و جَنب (جانب و پهلو) خداوند که آن کس در آن افراط کند، پشیمان شود. گواهی می دهم به اینکه تو پاداش دهنده بر مخلوقات خود و شفاعت کننده روزی ها و داوری برای حق هستی. خداوند تو را چون نشانه و کوهی بر بندگانش مبعوث کرد. پس تو به خواسته و عهد او وفا کردی و در راه خدا برای حق جهاد کردی. پس خداوند بر شما درود فرستاد و گروهی را از میان مردم برگزید که به سوی شما تمایل دارند. پس خیر از تو و به سوی توست. بنده تو زائر دیدن حرم توست، پناه آورنده بر بزرگی و بخشش تو و شکر کننده نعمت توست. از گناهانش به سوی تو گریخته و برای برطرف ساختن گرفتاریش بر تو امید بسته است. تو پوشاننده کوتاهی و نقص هایش هستی، پس برای من به سوی پروردگار به عنوان راه و سرمشقی و برای آتش دوزخ چونان استراحتگاهی باش. هنگامی که در وجود تو ضامن بودن را امید بندم، به بهترین شکل نجات یابم همچون نجات کسی که ریسمانش را به ریسمان تو وصل کند و با تو راهی را به سوی خداوند بپیماید. پس تو شنونده دعاها و سرپرست پاداش بر ما هستی. سلام از تو و تو سرور بخشنده و پیشوای بزرگ هستی. پس یا امیرالمومنین علی بر ما مهربان باش. و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو.

30. میگویم: در نسخه ای قدیمی از تألیفات بعضی از اصحابمان، زیارت دیگری را برای مولای ما أمیرالمومنین که درود و سلام خداوند بر او باد یافتم. و آن عبارت است از:

سلام بر تو ای مولای من و سرپرست همه مردان و زنان با ایمان. درود بر تو ای دوست خدا و حجت او. سلام بر تو ای جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله بر امتش. سلام بر تو ای داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر دخترش. سلام بر تو ای گوینده حق در مسائل و قضاوت هایش. سلام بر تو ای صاحب زهد و تقوی در امامتش. سلام بر تو ای روشن کننده راه در راهنمایی و هدایتش. سلام بر تو ای

جانشین پاک در نبوتش. سلام بر تو ای یاریگر حق در شریعت و مسیرش. سلام بر تو ای یگانه ترین مخلوق در بی باکی و شجاعتش. سلام بر تو ای شبیه پیامبر در بخشش او. سلام بر تو ای پذیرفته شده در شفاعتش. سلام بر تو ای دادگر عادل در جانشینیاش. سلام بر تو ای امین، در نشانه هایش، سلام بر تو ای طاهر و پاک در ولادتش، سلام بر توای صاحب حوض و ساقی و نوشاننده آن، سلام بر تو ای حامل پرچم برای بزرگی بخشش و کرامتش، سلام بر تو ای بیم دارنده خداوند در رازهایش، سلام بر تو ای وارث حضرت آدم، برگزیده خداوند از میان خلایقش، سلام بر تو ای وارث حضرت نوح، پیامبر خداوند و برگزیده اش. سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل در نبوتش. سلام بر تو ای وارث حضرت موسی هم صحبت خدا در رسالتش. سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی، روح خدا در رساندن و ابلاغ رسالتش. سلام بر تو ای وارث حضرت محمد صلی الله علیه و آله در امانتش. سلام بر تو ای پدر دو نوه «امام حسن و حسین علیهما السلام» و قضاوت کننده دین و سرچشمه آن. سلام بر تو ای برادر پیامبر و همسر حضرت زهرای بتول و برگرداننده خیانت ها. سلام بر توای کشنده پیمان شکنان و ستمکاران و از دین خارج شدگان. سلام بر تو ای وارث علم و صاحب بردباری و جایگاه داوری. سلام بر تو ای پدر مردم و شکننده بت ها و سخنگوی قوم ها، سلام بر تو ای پیدا کننده محل ها و وصله زننده کفش و سرور مردم، سلام بر تو ای حامل پرچم و کامل کننده مقصود و صاحب نشانه. درود بر تو ای نشانه هدایت و گلدسته پرهیزگاری و ریسمان محکم الهی. سلام بر تو ای تقسیم کننده آتش جهنم و نگهبان همسایه و درک کننده خونخواهی. ای باطل کننده دروغ ها و ازبین برنده کفر و شرک. سلام بر تو ای وارث پیامبران و آخرین جانشینان و کشنده تندخویان و متکبران، سلام بر تو ای دور کننده لذت های زودگذر و ترک کننده هوس ها و شهوات و برطرف کننده سختی ها. سلام بر تو ای رسوا کننده هماوردها و کشنده شجاعان و باطل کننده حیله شیطان و سلام بر تو ای آزاد کننده اسیران و کمک رس نیازمندان و یاریگر خوب. سلام بر تو ای در هم شکننده گروه ها و خوارکننده گردن های [دشمنان] و پیروز و برنده سخنوران. سلام بر تو ای تکیه گاه و پشتیبان قریش و سرور اشراف و صاحب حوض زلال

کوثر. سلام بر عدالت کننده در رعیت و داوری کننده در امورش و تقسیم کننده به تساوی و عدالت. در نزد خداوند گواهی می دهم و او از نظر گواهی و درخواست کننده کافی است. گواهی می دهم که همانا تو نماز را برپاداشتی و زکات را دادی و به معروف امر کردی و از منکر باز داشتی و در برابر کافران و بی دینان جنگیدی. تو خداوند را آنچنان که حق بندگی اش بود عبادت کردی و بر آنچه از مصیبت به تو رسید صبر پیشه کردی و خواستار خشنودیش بودی تا اینکه مرگ به سراغت آمد. لعنت خداوند بر کسی که تو را به قتل رساند و لعنت خداوند برکسی که به تو ظلم کرد و لعنت خداوند بر کسی که بر تو و بر فرزندان و ذریه تو ستم و تجاوز کرد. صلوات خداوند بر تو و بر فرشتگان طواف کننده در گرد تو، و رحمت خداوند و برکاتش بر شما باد. من بنده تو هستم ای مولای من! و پسر بنده تو، من به عنوان دیدارکننده ای معترف به حق تو و دوستدار کسی که با تو دوست است و دشمن کسی که با تو دشمنی کند، به درگاهت آمده ام. صلح کننده ام با کسی که با تو صلح کند. می جنگم با کسی که با تو جنگ کند و نزدیکی جوینده به محبت و مهربانی و دوستی تو به سوی خداوند هستم. و سلام بر تو و بر هم جواران تو آدم و نوح و رحمت خداوند و برکاتش بر شما باد.

سپس بر روی قبر خم می شوی و آن را می بوسی و می گویی: به سوی تو ای امیرالمومنین آمده ام و در رسیدن به خواسته ام به وسیله تو به درگاه خداوند متوسل می شوم. گواهی می دهم که متوسل به تو امیدوار است و خواستار شناخت و معرفت تو بدون رد شدن به خواسته خویش رسد، پس برای من شفاعت کننده ای به سوی پروردگارت باش، در رهایی گردنم از آتش و بخشوده شدن گناهانم و برداشتن سختی هایم و بخشیدن خواسته ام در دنیا و آخرت خودم. که به راستی او بر هرچیزی توانا است.

سپس رو به سوی قبله رو کن و بگو: پروردگارا همانا من به سوی تو نزدیک می شوم ای شنونده ترین شنوایان و بیننده ترین بینایان و ای سریع ترین حسابرسان و ای بخشنده ترین بخشندگان! به وسیله محمد صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر و فرستاده تو به سوی جهانیان و به واسطه برادر و پسر عمویش که

دور از شرک و در بردارنده دانش بسیار و نشانه و بزرگوار حضرت علی علیه السلام امیر مؤمنان و امام حسن علیه السلام که پاک از گناه و عصمت پرهیزگاران است و به وسیله ابا عبدالله الحسین علیه السلام بزرگوارترین شهدا و به وسیله علی بن حسین زین العابدین و امام محمد باقر شکافنده علم پیامبران و به وسیله جعفر بن محمد پاکیزه راستگویان و موسی بن جعفر، زندانی شده ظالمان و به وسیله علی بن موسی الرضا امانت دار و مورد اعتماد و به وسیله محمد بن علی با تقواترین پرهیزگاران و به وسیله علی بن محمد پیشگام و سرآمد هدایتگران و حسن بن علی وارث پیشینیان و به وسیله برهان جهانیان و سرور ما صاحب زمان، آشکار کننده برهآنها، که آنچه در من از رنج ها و مصیبت هاست زدوده کنی و مرا از بدی سرنوشت حتمی کفایت کنی و مرا از آتش و حرارت بادهای داغ دور کنی به مهربانی تو ای مهربانترین مهربانان.

سپس شش رکعت نماز زیارت به جا می آوری که دو رکعت آن برای امیرالمؤمنین علیه السلام و دو رکعت آن برای حضرت آدم علیه السلام و دو رکعت برای حضرت نوح علیه السلام است. سپس سجده می کنی و می گویی آنچه را که مولای ما أمیرالمومنین علیه السلام می گفت: من تو را صدا می کنم ای سرورم همانگونه که بنده ذلیل مولایش را ندا می دهد و من از تو می خواهم همانگونه که از تو طلب می کند هر کسی که به بخشش تو آگاه است و آنچه در نزد توست با بخشش به من کم نمی شود و از تو طلب بخشش می کنم، چون طلب بخششِ کسی که می داند جز تو هیچکس گناهان را نمی بخشد و بر تو توکل می کنم چون توکل کسی که می داند تو بر هرچیزی توانا هستی.

پس صد مرتبه می گویی: العفو العفو و از خداوند آنچه را دوست داشتی می خواهی.

31. میگویم: در المزار الکبیر گفته است: هرگاه به کوفه آمدی غسل کن سپس به صحن حضرت أمیرالمومنین علیه السلام برو درحالیکه غسل داری و پاکیزه ای. و اگر کاری کنی که وضو را باطل کند پس وضو و غسل خودت را مجدداً تکرار کن. اگر این کار به سبب عذری نباشد همان وضو کفایت می کند. سپس از

لباس خودت آنچه که پاک است بپوش و از هر جایی که می توانی در حد توان و تلاش خود به سوی او پیاده گام بردار. پس هرگاه قبر حضرت را دیدی بگو: اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ: خدا بزرگتر است خداوند بلند مرتبه تر است. هیچ خدایی جز او نیست و خداوند بزرگتر و سپاس مخصوص اوست.

و با آرامش و وقار و فروتنی حرکت کن و بسیار بر محمد رسول خداوند صلوات الله علیه و بر أهل بیت و خاندانش درود فرست و بگو: سپاس مخصوص خداوندی است که مرا در بین بندگانش گرامی داشت و در سرزمینش مرا به گردش درآورد و مرا بر چهارپایانش سوار کرد.

هرگاه از در اول داخل قلعه شدی بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ «الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَ إِنَّا إِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ»(1)

سپاس مخصوص خداوندی است {که برای ما این را مسخر گردانید درحالیکه ما را یارای رام کردن آن نبود و ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت}، همانگونه که مرا در حرم برادرم فرستاده تو و جانشینش جای داد و تو دیدارش را آسان کردی، بدنم را بر آتش جهنم حرام کن.

و بسیار طلب بخشش و توبه کن تا اینکه به قلعه که با گنبد و درها احاطه شده برسی و بچرخ به سویی که در آن امام صلوات الله علیه را می بینی درحالیکه سرت را پایین افکنده و باچشم راه را می پیمایی تا اینکه بر دربی که مقابل سر قرار دارد بایستی و آنگاه که آن را دیدی به خاطر بزرگداشت خداوند بلند مرتبه و وصیش سجده کن. سپس سر خود را بلند کن و از سمت چپ قبله چهره ات را به طرف قبر پیامبر کن و بگو: سلام بر تو ای فرستاده خداوند و رحمت و نعمت های خداوند بر تو باد.

و رو به سوی امام کن و بگو: سلام بر تو ای سرورم و سرور همه زنان و مردان مؤمن. و زیارت را به همان صورت که گذشت ادامه بده تا آنجا که می فرماید: و بر هم جواران تو آدم و نوح و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

1- . زخرف / 13 و 14

سپس گفت: و سپس بر روی مزار خم می شوی و آن را می بوسی و به آن پناه می بری و از خداوند متعال آنچه را دوست داری درخواست می کنی و در هنگام اقامه نماز شش رکعت، دو رکعت برای حضرت آدم و دو رکعت برای حضرت نوح و دو رکعت برای أمیرالمؤمنین علیه السلام نماز می خوانی و برای خود و والدینت و مؤمنین دعا می کنی و اگر خداوند متعال بخواهد ان شاء الله برآورده شود، پس اگر خواستی برگردی پس با آن حضرت علیه السلام وداع و خداحافظی کن. پس بر در آن بایست همانگونه که در ابتدا ایستادی و می گویی: سلام بر تو ای دوست خدا و سلام بر تو ای أمیرمؤمنان. تو را به خداوند می سپارم و با تو وداع کنم و بر تو سلام می دهم و به خدا و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و به آنچه تو بر او آوردی و اشاره کردی، ایمان دارم و تو را بر او گواه می گیرم. پروردگارا ما را در زمره گواهان بنویس. خداوندا این دیدار را آخرین دیدار قرار مده و همنشینی اش را روزی ام قرار ده و مرا بر آئین او بمیران و در زمره پیروانش محشور کن و به من با حال رستگاری و پیروزی روی کن به بهترین آنچه که شخصی به آن متحول می شود ای مهربانترین مهربانان.(1)

32. و شیخ رحمه الله علیه گفته است: زیارتی دیگر برای آن بزرگوار علیه السلام از کتاب الأنوار روایت شده و گفته شده خضر علیه السلام بدان زیارت امام را زیارت فرموده و از امام صادق علیه الله السلام روایت شده که فرمود: هرگاه زیارت أمیرالمؤمنین علیه السلام را خواستی پس درجائی که برای تو میسّر شد غسل کن و هنگامی که قصد حرکت کردی بگو: پروردگارا تلاشم را سپاس گزاری شده و گناهم را مورد عفو و بخشش و کارم را مورد پذیرش قرار ده و مرا از اشتباهات و گناهانم شستشو ده و قلبم را از هر نوع آفتی پاک کن و کارم را خالص گردان و تلاشم را قبول کن و آنچه از نیکی در نزد توست برایم مقرر کن. خدایا مرا از توبه کنندگان و پاکان قرار ده. سپاس مخصوص خداوند جهانیان است.

1- . المزار الکبیر: 80 و 81

سپس حرکت کن و بر تو باد آرامش و وقار و طمأنینه تا اینکه به درب حرم برسی پس در جلوی در بایست و بگو: پروردگارا همانا من از تو می خواهم پس برایم بخواه و به سوی تو روی آوردم پس از من روی برنگردان و به سوی تو قصد کردم پس مرا بپذیر. و اگر خشمگین بودی از من راضی باش و اگر ناخشنود بودی مرا عفو کن و با مهربانی و لطفت به حرکتم به سوی خودت رحم کن که من با آن خشنودی تو را می خواهم پس امیدم را قطع مکن و مرا محروم و نامید مفرما ای مهربانترین مهربانان. خداوندا! تو خود درود و سلامی و درود از توست و درود به تو بازمی گردد. تو گنجینه درودها هستی که از جانب تو بر ما تحیت و درود فرستاده شد. و سپاس مخصوص خداوندی است که نه همتا و نه فرزندی را اتخاذ کند و سپاس مخصوص خدایی است که هرچیزی را آفرید پس سرنوشتی را برای او مقرر کرد. سلام بر تو ای أبا الحسن! گواهی می دهم که تو از سوی رسول خدا آنچه را به تو دستور داد ابلاغ کردی، و به عهد خداوند وفا کردی و کلمات خداوند با تو تمام شد و تو در راه خداوند جهاد کردی تا اینکه مرگ به سراغت آمد. خداوند لعنت کند هر کس که تو را به شهادت رساند و خداوند لعنت کند کسی را که خبر شهادتت را شنید و بدان راضی شد. پدر و مادرم به فدایت! من با کسی که تو را دوست دارد دوستم و با کسی که با تو دشمن

است دشمنم. از کسی که تو از او و او از شما بیزاری جوید به سوی خداوند بیزاری می جویم.(1)

سپس می گویی: سلام برتو ای أبا الحسن و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. گواهی می دهم به اینکه تو صدایم را می شنوی من با عهد و پیمان بر دین و بیعتم به سویت آمده ام. برای من در خانه ات اجازه ورود بده. گواهی می دهم به اینکه روح و جان تو مقدس است و روح تو باعث وقار و آرامش است. برای آن خانه ای قرار داده شده که بر زبان تو سخن می گوید.

سپس داخل شو و بگو: سلام بر فرشتگان مقرّب درگاه خدا. سلام بر فرشتگان خداوند که پی در پی می آیند. سلام بر کروبیّین که عرش خدا را حمل می

1- . المزار الكبير: 69 و 70

کنند. سلام بر فرشتگان برگزیده خدا، سلام بر فرشتگان نشانه گذاری شده خداوند، سلام بر فرشتگان خدا کسانی که در این حرم به دستور خداوند ایستاده اند. سپاس مخصوص خداوندی که مرا گرامی داشت با شناخت خودش و شناخت فرستاده اش و هرکس که طاعتش را به خاطر رحمت واجب کرد و از او بر من منّت گذاشت. سپاس مخصوص خداوندی است که مرا در زمینش به گردش درآورد و مرا بر چهارپایانش سوار کرد و به سوی سرزمین دور به گردش درآورد و دشواری هایش را از من دور کرد تا اینکه مرا به حرم دوست خداوند داخل کرد و مرا با آن در صحت و سلامتیش به وجد آورد. {سپاس مخصوص خدایی که ما را بر این و بر آنچه که ما بودیم هدایت کرد و اگر خداوند ما را هدایت نمی کرد هدایت نمی شدیم. }(1)

گواهی می دهم به اینکه هیچ خدایی جزء خدای یگانه نیست و شریکی ندارد و گواهی می دهم به اینکه محمد بنده و فرستاده او است که برای حق از جانب او آمد و گواهی می دهم به اینکه حضرت علی علیه السلام بنده خدا و برادر فرستاده او است. پروردگارا بنده تو و زائر درگاه تو برای دیدار برادر رسولت به تو تقرب جسته و بر هر دیدارشده ای حقی است بر کسی که نزد او آمده و او را دیدار کند و تو بخشنده ترین دیدارشدگانی و بهترین جهت آمدن. پس ای مهربان و بخشنده. ای یگانه ای یکتا ای بی نیاز ای کسی که نزاده و زائیده نشده است و هیچکس برای او همتا نیست از تو می خواهم بر حضرت محمد و خاندان محمد درود فرستی و تحفه و هدیه خود را به خاطر زیارتم در این جایگاه به من ارزانی داری و این آزادی من از آتش جهنم است و مرا از کسانی قرار بده که در نیکی ها با تمایل و ترس شتاب می کنند و مرا از متواضع و فروتنان قرار ده. خداوندا! تو بر زبان پیامبرت مرا بشارت دادی و گفتی: {و به کسانی که ایمان آورده اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیک است. }(2)

پروردگارا همانا من به تو و به همه آیات و نشانه های مورد یقین تو ایمان آوردم، پس مرا بعد از معرفتشان متوقف نکن. توقفی

1- . اعراف / 43
2- . یونس / 2

که مرا در انظار خلائق رسوا می کند، بلکه مرا به همراه ایشان نگهدار و بر باورم بمیران. آنها بندگان تو هستند که آنان را به بزرگواری خویش مخصوص کردی و مرا به پیروی آنها امر فرمودی.

سپس به قبر نزدیک می شوی و می گویی: سلام از خداوند بر فرستاده خدا محمد پسر عبدالله آخرین پیامبران و پیشوای متقیان و پرهیزگاران. سلام بر أمین خدا بر رسالتش و فرستادگان استوارش و گنجینه وحی و تنزیل که خاتمه بخش پیشینیان و مسلط بر تمام اینها و شاهد بر خلق و چراغ درخشان است و سلام و رحمت و برکات و نعمت های خداوند بر تو باد. بارخدایا برترین و کامل ترین و بلندمرتبه ترین و سودمندترین و شریف ترین درودی را که بر یکی از پیامبران و برگزیدگانت فرستاده ای، بر محمد و أهل بیت مظلومش بفرست. خدایا درود فرست بر علی أمیرالمؤمنین، بنده خود و برترین مخلوقت بعد از پیامبرت و برادر پیامبر و جانشین فرستاده ات که او را به علم و دانش خودت نخبه گردانیدی و به عنوان هدایتگر قرار دادی برای هر کسی از خلقت که خواستی و راهنمای کسی که تو او را به رسالت خودت مبعوث کردی و حسابرس و پاداش دهنده به عدلت در روز جزا و پایان سخن و فصل خطاب تو از خلقت و شاهد برای همه آن. و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد. پروردگارا درود فرست بر أئمه از فرزندان پایدار و محکمش که دستور تو را به پا دارند بعد از پیامبران پاکت که تو از ایشان به عنوان یاورانی برای دینت و نشانه هایی برای بندگانت خشنود شدی.

سپس می گویی: سلام بر امامانی باد که ودایع پروردگارند. سلام بر مخلصان درگاه خداوند از بین همه مخلوقات. سلام بر مؤمنانی که به دستور خداوند پرداختند و به خاطر ترسش با جهانیان مخالفت کردند. سلام بر ملائکه مقرب درگاه خداوند.

سپس می گویی: سلام بر تو ای امین خداوند، سلام بر تو ای دوست خداوند، سلام بر تو ای خلیفه خدا، سلام بر تو ای برهان خداوند، سلام بر تو ای پیشوای هدایت، سلام بر تو ای نشانه پرهیزکاری، سلام بر تو ای نیک پرهیزگار، سلام بر تو ای چراغ درخشان، سلام بر تو ای أمیرالمؤمنین، سلام بر تو ای پدر امام حسن و حسین، سلام بر تو ای جانشین پیامبر، سلام بر تو ای ستون دین و وارث علم اولین

و آخرین و ای صاحب وسیله داغ نهادن و راه مستقیم، سلام بر تو ای دوست و جانشین خداوند. تو اولین مظلوم واقع شده و اولین کسی هستی که حقش غصب شده، تو صبر پیشه کردی و به حساب خدا گذاشتی تا اینکه دیدار حق تعالی را لبیک گفتی و گواهی می دهم که تو خدا را دیداری کنی درحالیکه شهید هستی. خداوند قاتل تو را به انواع شکنجه ها عذاب دهد. من به پیشگاهت آمده ام ای جانشین خداوند درحالی که به حق تو شناخت و معرفت دارم و به امورت آگاهم. با دشمنانت و هرکس که به تو ستم کند دشمن هستم. ان شاء الله بر این اعتقاد خداوندم را دیدار کنم. مرا گناهان بسیاری است پس تو برایم درباره آنها در نزد خداوندت شفاعت کن؛ چرا که برای تو در نزد خداوند جایگاهی ستودنی است. برای تو در نزد خداوند قدر و منزلت و شفاعتی است و خداوند بلند مرتبه فرموده است: {و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی کنند}.(1) سلام بر تو ای نور خداوند در آسمان و زمینش. و ای گوش شنوا و یاد خالصانه و نور منور و روشنش. گواهی می دهم که برای تو از سوی خداوند برتری حاصل شده و اینکه چهره تو به سوی پروردگار جهانیان است. و اینکه برای تو از سوی خداوند رزق و روزی تازه ایست که در هر بامداد و صبحگاهی فرشتگان برای تو می آورند. پروردگارا مرا ببخش و از بدی هایم بگذر و به درازا و طولانی ماندنم در روز قیامت رحم کن که به راستیتو داننده غیب ها و تو بهترین وارثان هستی.(2) سپس می گوئی: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خداوند، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خداوند، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث هود پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث داوود جانشین خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا سلام، بر تو ای وارث محمد دوست خدا، سلام بر تو ای دوست و جانشین خدا، سلام بر تو ای درست گفتار و راستگو در شهادت و سلام، بر ارواحی که به آستانت فرود آمده اند و مرکب خود را در حریم و بارگاهت خوابانده اند. سلام بر فرشتگان خداوند که دور تا دور تورا فراگرفتند. گواهی می دهم که تو نماز برپاداشتی و زکات دادی و امر به

1- . انبیا / 28
2- . المزار الکبیر: 70 و 71

نیکی کردی و از زشتی ها باز داشتی و از فرستاده خداوند پیروی کردی و کتاب قرآن را به بهترین شکل تلاوتش تلاوت کردی و از سوی رسول خدا پیامش را ابلاغ کردی و به عهد خدا وفا کردی و سخنان خداوند با تو تمام شد و در راه خداوند برای حق جهاد کردی و برای خدا و رسولش اندرز دادی و نصیحت کردی و جانت را با بردباری و خشنودی بخشیدی و در راه دین خدا جهاد کردی و محافظ رسول خدا صلی الله علیه و آله بودی و خواستار آنچه در نزد خداست و مایل به آنچه خدا وعده داده، بودی و به خاطر راهی که بدان ایمان داشتی شهید و گواه و مشهود گشتی، خداوند تو را از طرف فرستاده خود و اسلام و اهلش بهترین پاداش دهد و تو اولین کسی بودی که اسلام آورد و از نظر ایمان خالصترین بودی و از نظر یقین از آنها محکم تر و خوف تو از خداوند نسبت به آنها بیشتر و رنج و مصیبتت از آنها عظیم تر بود و بیشتر از همه از حضرت محمد صلی الله علیه حمایت می کردی و در مناقب بر آنان برتری جستی و سابقه تو از همه بیشتر بود و از نظر درجه از آنان بالاتر و در منزلت از آنان شریف تر و نسبت به آنان برای او گرامی تر بودی. تو قوی بودی هنگامی که أصحابش ضعیف شدند و تو ظاهر شدی هنگامی که آنها پنهان شدند و تو ایستادی هنگامی که آنان سستی ورزیدند و تو همواره چراغ رسول صلی الله علیه و آله بودی و تو حقیقتاً جانشینش بودی به رغم مخالفت منافقان و کینه ملحدان و خشم حسودان و ذلت و خواری هرزگان و گناهکاران. هنگامی که آنان شکست خوردند تو دستور را اجرا کردی و هنگامی که آنها دچار لکنت شدند تو سخن گفتی و هرگاه ایستادند تو با نور خدا گذشتی و عبور کردی. پس هرکس از تو پیروی کند قطعاً هدایت شود. تو کم سخن ترین آنها و درست ترین ازنظر منطق گفتاری و بیشترین آنها از نظر اندیشه و فکر و شجاع دل ترین آنها و از نظر یقین محکم ترین آنها و ازنظر درستکاری نیکوترین آنها و با شناخت ترین آنها نسبت به خدا بودی. تو اولین نفر و پیشوای قوم برای (پذیرفتن) دین بودی هنگامی که مردم متفرق شدند و آخرین مردم بودی هنگامی که شکست خوردند. تو برای مؤمنین پدری مهربان و دلسوز بودی و هرگاه سربار تو شدند تو بارهای سنگینی را که موجب ضغف آنها شده بود از دوش آنها برداشتی و آنچه را که تباه کردند محفوظ و

آنچه را که مورد اهمال قرار دادند مراعات کردی و هرگاه آنان خوار و ذلیل شدند تو آستین همت بالازدی و هرگاه بیقرار شدند و گرسنگی کشیدند و هرگاه آنان بی تاب شدند تو صبر پیشه کردی. تو برای بی دینان عذابی سخت بودی که با شدت خشمگینی بر آنان فرو آمدی و برای مؤمنان همچون چشمه و دژی بودی و حجت و برهان تو شکسته نمی شود و قلب تو شک و تردید نمی کند و بصیرتت ضعیف نمی شود و تو همچون کوهی بودی که طوفان آن را به حرکت در نمی آورد و بادهای شدید و تند آن را ازبین نمی برد و همانگونه که فرستاده خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: تو در دستور خداوند قوی و در برابر نفس خود متواضع و در نزد پروردگار با عظمت و در زمین بزرگ و در نزد مؤمنین باشکوه و جلال بودی. احدی را یارای به سخره گرفتن تو نبود و برای گوینده ای در برابر تو ضعف اخلاقی و سستی وجود نداشت و برای شخصی در نزد تو نرمش و مدارا کردنی وجود نداشت. ضعیف و خوار در برابر تو قوی و عزیز بود تا اینکه حقش را برای او بگیری و قوی و عزیز در نزد تو ضعیف و خوار بود تا اینکه حق را از او بگیری و نزدیک و دور در نزد تو مساوی بود و حق و درستی و مدارا کردن امور توست و گفتار تو حکم قضاوت و لازم و واجب است و دستور تو بردباری و دور اندیشی است و اندیشه تو دانش و اراده است. دین با تو اعتدال یافت و سختی با تو آسان شد و زبانه آتش با تو خاموش شد و اسلام و مومنین با تو قوی گشتند و بسیار پیشی گرفتی و کسانی که در پی تو بودند خسته کردی، پس مصیبت تو در آسمان بزرگ بود و مصیبت تو آدمیان را ویران کرد. ما از سوی خداییم و به او باز می گردیم. خداوند لعنت کند کسی که تو را به شهادت رساند و لعنت خدا بر کسی که در به شهادت رساندن تو مشایعت و همراهی کرد و خداوند لعنت کند کسی که با تو مخالفت کرد و خداوند لعنت کند کسی را که بر حقت ستم کرد. خداوند لعنت کند کسی را که بر تو نافرمانی کرد، خداوند لعنت کند کسی که بر حق تو تجاوز کرد، خداوند لعنت کند کسی را که خبر آن به او رسید و به آن راضی شد. من از آنان به خدا بیزاری می جویم. خداوند لعنت کند امتی را که با تو مخالفت کردند و امتی را که به سرپرستی و حکومت تو کفر ورزیدند و امتی که از تو کناره گرفتند و امتی که تو

را به شهادت رساندند. سپاس مخصوص خداوندی است که آتش را جایگاه آنان قرار داد و چه ورودگاه بدی برای واردان است. پروردگارا قاتلان پیامبران و جانشینان پیامبرانت را با همه لعنت های خودت نفرین کن و آنها را به گرمای آتش خود برسان. خداوندا ساحران و کاهنان و طاغوتیان را لعنت کن و لعنت کن هر کسی که به غیر از خداوند فرا می خواند و هرکسی که بی دین و افترا زننده است. خداوندا آنان و پیروان و اتباع و دوستان و یاوران و دوستداران آنان را لعنت کن لعنتی عظیم. خداوندا قاتلان امیر المؤمنین را لعنت کن. خداوندا قاتلان حسن و حسین را لعنت کن. خداوندا آنان را چنان شکنجه ده که هیچ یک از جهانیان را آنگونه شکنجه نمی کنی و عذاب خودت را بر آنان مضاعف گردان به سبب سختی و مشقتی که به صاحبان امرت وارد کردند و آنان را عذاب کن آن هم عذابی که به هیچ یک از بندگانت وارد نکردی. خداوندا بر قاتلان فرستاده و فرزندان رسولت و بر قاتلان أمیرالمؤمنین و یارانش و قاتلان امام حسن و حسین علیهما السلام و بر دشمنان خاندان محمد صلی الله علیه و آله و پیروانشان که به منزله دشمنان همه مردم هستند، عذابی مضاعف در پایین ترین درجه جهنم داخل کن که از عذاب آنان کم نشود و آنها در آن دلشکسته و لعنت شده اند و آنان سرهایشان را در نزد پروردگارشان از روی خواری به زیر افکنند. آنها پشیمانی و خواری و ذلت طولانی را با کشتن خاندان پیامبر و فرستادگان تو و پیروان آنها که از بندگان صالح تو هستند، به چشم خود دیدند. پروردگارا آنها را در پنهان و آشکار در آسمان و زمین خود لعنت کن. پروردگارا برای من زبانی راستگو در میان اولیای خود قرار ده و مرا شیفته دیدار آنان گردان تا مرا به آنان ملحق کنی و مرا پیروی برای آنها در این دنیا و آخرت قرار ده ای مهربانترین مهربانان(1)

سپس بر روی قبر خم شو در حالیکه می گویی: ای سرورم با توسل به قبر برادر رسولت صلوات الله علیه در صدد دستیابی به رحمت تو بودم. درود خداوند بر او درحالی که به او پناه بردم تا مرا از سختی ها و خشم تو و از لغزش های روزی که

1- . المزار الکبیر: 71 - 73

لغزش ها در آن زیاد می باشد نجات دهد. روزی که قلب ها و چشم ها در آن دگرگون می شود در روزی که چهره ها در آن سفید و روشن می شوند و چهره هایی که در روز نزدیک سیاه می شود آنگاه که قلب ها در نزد حنجره ها خشم فروبرند در روز حسرت و پشیمانی، در روزی که شخص از برادر و مادر و پدرش فرار می کند، در روزی که اندازه اش پنجاه هزار سال است، در روزی که در آن کودک پیر می شود و هر مادر شیردهی شیرخواره اش را فراموش می کند، در روزی که چشم ها در آن خیره میشود و هر نفسی بر آنچه پیش فرستاده مشغول میشود و هر شخصی با خودش مخاصمه میکند و هر صاحب جرمی مفر و رهایی را میخواهد.

سپس سرخودت را بالا بگیر و بگو: پروردگارا امروز و در روزی که اندازه اش پنجاه هزار سال است بر من رحم کن پس هیچ ترس و هیچ خوفی نیست و اگر مرا مجازات کنی، مجازاتِ سروری است که بر بنده خود قدرت و برتری دارد و او را به خاطر کار بدی مجازات کرده است، اگر من بر نفسم رحم نکنم پس تو بر آن دلسوز و مهربان باش. برهآنها همگی برای توست و هیچ برهانی برای من وجود ندارد و هیچ عذری برای او نیست. من این بنده اقرار کننده به گناهم هستم. ای بهترین کسی در نزدش آمرزش را با اعتراف کردن و اقرار کردن می جویم. این نفس من است که به جنایات خویش اعتراف می کند و به گناهم اقرار می کند و به ستم نفسم معترف است و گناهانم بیشتر از آن چیزی است که آن را بشمرم و بنده گناهکار برای سرورش خضوع و فروتنی می کند و در برابر مولایش با خواری اظهار عجز و زاری می کند. پس ای کسی که برای او به گناهان اعتراف می شود تو کسی نیستی که بنده را وادار به اقرار بر گناه کند.

به وسیله رسولت و خاندان پاک پیامبرت به تو تقرب می جویم و به قبر برادر پیامبر تو پناه می برم. درود خداوند بر آن دو باد. ای کسی که آرزوهای سائلان را سرپرستی می کند و درون سکوت کنندگان را می شناسد، همانگونه که مرا در زیارت و همراهی و درخواستم همراهی و مساعدت کردی و به من رحم کردی، پس آرزویم را در دنیا و آخرتم عطا فرما و مرا بر هر مقام و جایگاه شایسته ای که دوست داری در آن با نام هایت فراخوانده شوی و در آن از بخشش تو پرسیده شود توفیق ده.

ص: 461

پروردگارا! من به مزار برادر فرستاده ات در طلب خشنودی تو پناه بردم، پس امروز بر دگرگونی من در کنار این مزار نگاه کن و با آن مرا از آتش جهنم نجات ده. صدایم را بر خودت پنهان نکن و بدون برآوردن آرزوهایم مرا باز مگردان و به درخواست متضرعانه و متملّقانه و اشک چشمم رحم کن و امروز مرا رستگار و پیروز کن و بر من بهترین چیزی را عطا کن که تو به کسی که به خاطر خشنودی تو او را دیدار کرد عطا فرمودی.

سپس در نزد سرش بنشین و بگو: سلام خدا و سلام قلبی فرشتگان مقرب درگاهش و مسلمانان بر تو باد و سلام آنان که با زبآنهایشان به برتری تو سخن می گویند و بر درستکاری و راستگویی تو گواه هستند، ای سرورم خداوند بر تو و روح و جان تو درود فرستد و من گواهی می دهم به اینکه تو پاک و پاکیزه و مطهرتر از هر پاک و پاکیزه و مطهری هستی. با رساندن و ادا کردن گواهی می دهم بر تو ای دوست و جانشین خدا و جانشین فرستاده اش بر اینکه تو حبیب خدا هستی و گواهی می دهم که تو باب خداوند هستی و گواهی می دهم که تو وجه خداوند هستی که از آن عطا داده می شود و اینکه تو راه خداوند هستی و تو بنده خدا هستی که من به سبب بزرگی احوال و جایگاهت در نزد خداوند و رسولش صلوات الله علیه بر تو وارد آمده ام و با زیارت تو به درگاه خداوند تقرب می جویم. در شفاعت به سوی تو روی کرده ام و با زیارت تو رهایی نفسم را می خواهم و پناه آورده ام به تو از آتشی که همانند من شایسته اوست به خاطر گناهانی که به واسطه آنها به خویشتن خیانت کردم و از گناهانی که به خاطر ترس از تو بر پشتم جمع کردم فرار می کنم. به امید رحمت پروردگارم به تو زاری می کنم. من آمدم با تو ای سرورم به سوی خداوند طلب شفاعت و بخشش کنم. تا آرزوهایم با تو برطرف شود. پس ای سرورم مرا شفاعت کن من با رنج ها و محرومیت ها به سوی تو آمدم درحالی که بار گناهان بر پشتم سنگینی می کند، پس مرا در نزد پروردگارت شفاعت کن. برای زیارت تو آمده ام در حالی که به حق تو آگاه و به برتری تو معترف هستم. از گمراهی کسی که با تو مخالفت کند آگاهم. من از همه دل کنده و به سوی تو و به سوی فرزند و جانشین بر حق بعد از تو آمده ام، قلبم تسلیم شما و کارم پیروی از شما است. یاری ام برای شما

آماده است تا خداوند دینش را با شما زنده کند و شما را بازگرداند. به همراه شما همراه شما نه همراه غیر شما. همانا در بازگشت شما من از مؤمنین هستم. و برای خداوند هیچ انکار کننده ای از نظر قدرت و تکذیب کننده ای از او از نظر تقدیر و مشیت وجود ندارد. من با پدر و مادر و مال و جانم برای زیارت به سوی تو آمدم درحالی که با زیارت تو به درگاه خداوند نزدیکم. با تو به تو متوسل می شوم آنگاه که مخالفان شما از شما روی گردانند و آیات خداوند را به سخره و استهزاء گیرند و به آن کفر و تکبر ورزند و من بنده خدا و غلام تو در فرمانبرداری تو هستم، به سوی تو آمده ام که با آن کمال بزرگی و منزلت را در نزد خداود طلب کنم و تو سرورم از کسانی هستی که خداوند مرا بر نیکی اش تشویق کرد و مرا بر برتری او رهنمون شد و مرا به محبتش هدایت کرد و مرا به رفتن به سوی او متمایل کرد و درخواست آرزوها در نزدش را بر من الهام کرد. شما خاندانی هستید که کسی که شما را دوست می دارد نگونبخت نمی شود و کسی که شما را صدا زند ناامید نمی شود و کسی که به سوی شما متمایل شود خسران و زیان نمی بیند و کسی که با شما دشمنی کند خوشبخت نمی شود. من شخصی بهتر از شما نمی بینم که بدو پناهنده شوم. شما خاندان رحمت و ستون های دین و رکن های زمین و شجره طیبه هستید. من برای زیارت شما آمدم و به خاطر کرامتی که خداوند پیش از این بر شما ارزانی داشت، به شما پناه آوردم. پروردگارا امید و گرایشم به سوی تو، بر فرستاده و خاندان فرستاده ات ناامید نمی شود و به خاطر دوست داشتن آنها ما را نجات بده ای کسی که درخواست کننده اش نامید نمی شود. پروردگارا همانا تو با زیارت مولایم و دوستی و شناختش بر من منّت نهادی پس مرا در زمره کسی که او را یاری می دهد و با او به پیروزی می رسد قرار ده و با پیروزیم در دینت در دنیا و آخرت بر من منت نه. بار خدایا مرا بر دین او بمیران. بارخدایا از رحمت و خوشنودی و بخشش و روزی گسترده حلال آنچه را که تو اهل آن هستی بر من واجب کن. بارخدایا من بر آنچه مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن زنده است زنده هستم و بر آنچه او مرد می میرم. بارخدایا عاقبتم را ختم به خوشبختی و آمرزش و نیکی کن. سپس هر چه

خواستی نماز می خوانی و دعا می کنی و می گویی: پروردگارا فرمان فقط از توست...و دعا را تا آخر همچنان که در ابتدای باب گذشت، روایت کرد.(1)

33. سپس زیارت دیگری برای او علیه السلام بر در می ایستی و می گویی: به من اجازه بده ای امیرالمؤمنین به بهترین صورتی که بر کسی که با شناخت حقت نزد تو آمد، اجازه دادی. که اگر من اهل آن نباشم تو اهل آن هستی. درود خداوند بر تو و بر امامان از فرزندان تو.

سپس در جلوی صحن او می ایستی و می گویی: سلام بر فرستاده بشارت دهنده و بیم دهنده و چراغ روشن و مهربان و دلسوز خداوند حضرت محمد بن عبدالله. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای امیرالمؤمنین. سلام بر تو ای سرور جانشینان، سلام بر تو ای پیشوای پرهیزگاران، سلام بر تو ای سرور مومنان، سلام بر تو ای رهبر آنان که دارای چهره های درخشان هستند، سلام بر تو ای پیشوای نیکی، پرهیزگار پاک، خوشنود و مورد رضایت خداوند، باوفا، راستگو، بزرگ، پاک و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. گواهی می دهم که تو حجت خداوند بر بندگانش بعد پیامبرش صلی الله علیه و آله هستی و صندوق علمش و ترازوی عدالت و چراغ نورش که شخص سوار بر مرکب با او راه تاریکی را به روشنایی و نور می پیماید و گواهی می دهم به اینکه تو جدا کننده حلال و حرام هستی و امانتدار بر راز پنهان و منبع علم و جایگاه (فرود آمدن) وحی و آگاه و عالم به هر کتابی و آغاز کننده شریعت و راه های حق و شیوه های راستی و روشن کننده راه های نجات و پناه دهنده از راه های هلاکت و لغزش. گواهی می دهم به اینکه تو بهترین روزگار و صاحب راز و مذهبش و برهان خداوند و بازگو و مفسرش و گواه بر او و راهنمایی کننده به سوی او و ریسمان محکم و خبر بزرگ و راه مستقیم خدا هستی و گواهی می دهم به اینکه تو و امامان از فرزندان تو کشتی نجات و ستون های محکم و پایه و رکن های سرزمین ها و سرور بندگان و حجت خدا بر همه سرزمین ها و مسیری به سوی او و راهی به سوی بهشتش و پناهگاهی به سوی فرمانبرداریش و جهت و دری هستید که

1- . المزار الکبیر: 73 - 75

از آن وارد می شوند و پناهگاه و ستون و دژ و مأمن هستید و گواهی می دهم تمسک جویان به ولایت شما از رستگاران و دست یابندگان به بخشندگی و کرامت تو در دنیا و آخرت هستند. و هرکس از شما روی گرداند خداوند هیچ عملی را از او قبول نمی کند و در روز قیامت ترازویی (برای اعمالش) قرار نمی دهد و او از اصحاب دوزخیان است. سلام و رحمت و نعمت های خداوند بر تو. (1)

سپس بر مزار تکیه می دهی و می گویی:

ای امیرالمؤمنین به سوی تو آمدم و با تو به سوی پروردگار تو و پروردگار خودم توسل می جویم و گواهی می دهم به اینکه توسل جستن به تو نومید نمی شود و درخواست کننده از تو باز گردانده نمی شود، مگر اینکه به خواسته اش میرسد. پس تو در رهایی من از آتش و بخشیدن گناهانم و برداشتن سختی و عطا کردن خواسته و آرزویم شفیع من در این دنیا و آخرت باش که همانا تو بر هرچیزی توانا وقادر هستی.(2)

سپس بر بالای سرش چهار رکعت نماز مستحبی می خوانی و بعد از نمازت می گویی: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی هم صحبت خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای دوست خدا و برگزیده اش، سلام بر تو ای حجت خدا و شمشیرش، سلام بر تو ای سرپرست خدا و امانتدارش، سلام بر تو ای سفیر خدا بین او و بین آفریده اش، سلام بر تو ای جانشین خداوند روی زمین. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر تو ای فاطمه زهرا سلام الله علیها ای پاک و پاکدامن ای سرور زنان دو عالم، سلام بر تو ای ابا محمد حسن پاک، ستون دین، سلام بر تو ای ابا عبدالله الحسین فرزند علی ای نور درخشان، سلام بر تو ای ابا محمد، علی بن حسین زین العابدین، سلام بر تو ای ابا جعفر محمد بن علی باقر ای شکافنده کتاب پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای ابا عبدالله جعفر بن محمّد صادق سرور راستگویان، سلام بر تو ای ابا ابراهیم زندانی شده ستمکاران، سلام بر تو ای ابا

1- . المزار الکبیر: 71 - 76

2- . المزار الكبير: 77

الحسن علی بن موسی الرضا در میان خشنود داشتگان، سلام بر تو ای ابا جعفر محمد بن علی الرضا در میان مؤمنان، سلام بر تو ای ابا الحسن محمد بن علی هدایتگرِ کسانی که طلب هدایت کنند، سلام بر تو ای ابا محمد الحسن فرخنده و مبارک، گنجینه جانشینان، سلام بر تو ای حجه بن الحسن هدایتگر هدایت یافته! حجت خداوند بر جهانیان، سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر شما ای سرورانم، سلام بر شما ای گنجینه های علم، خداوند سلام بر شما ای مفسران وحی خداوند، سلام بر شما ای راستگویان از جانب خداوند، سلام بر شما ای خاندان فرستاده خدا، سلام بر شما ای یاری کنندگان دین خدا، سلام بر شما ای حکومت کنندگان به حکم خداوند، سلام بر شما ای سرور مردم و نشانه بزرگ و برهان عظیم و دعوت نیکو و نمونه والا و شجرهای که به نهایت رسیدند و درِ هدایت و کلمه تقوی و ریسمان مطمئن، سلام بر شما ای کسی که خداوند ایشان را به عنوان رحمتی برای آفریدگانش و یاوری برای دینش و فرمانداری برای دستورش و گنجینه ای برای علمش و نگهبانی برای رازش و مفسری برای وحی اش و معدن و پناهگاهی برای سخنانش درنظر گرفت و کتابش را برای شما به ارث گذاشت و کرامات قرآن کریم را به شما اختصاص داد و مثالی را برای شما از نورش زد و در شما از روحش دمید، سلام برشما ای امت هدایتگر و سرور زمامداران و رهبر حامیان و پشتیبان خوشبختی و سعادت. سلام بر شما ای برترین یادها و گنجینه دانش و منتهای بردباری و رهبر امت ها، سلام بر شما ای به جا مانده خدا و برگزیده اش، سلام بر شما ای سفیران خدا در میان او و در بین مخلوقش، سلام برشما ای جانشینان خدا در زمینش. گواهی می دهم به اینکه شما امامان هدایتگر و سخنگویان راستگو و مقربان پاک از گناه و معصوم هستید خداوند شما را از گناهان و از عیب ها بری و دور کرد و بر عالم پنهان شما را امین قرار داد و از فتنه ها ایمن داشت و سرپرستی مردم را بر عهده شما نهاد و کارها را بر شما تفویض کرد و تدبیر و اندیشه برای شما قرار داد و علت ها و نسب ها را بر شما شناساند و زمام امور را بر شما بخشید و برای شما آنچه را که آفرید مسخر و رام گردانید و جلالت و شأنش را عظیم و کرمش را بزرگ داشتید و یادش را تداوم بخشیدید و کتابش را تلاوت کردید و

حلالش را حلال گردانیدید و حرامش را حرام و نماز را برپا داشتید و زکات دادید و به نیکی ها امر کردید و از منکرات باز داشتید و میراث پیامبری نزد شماست و بازگشت خلق به سوی شماست و حساب (کار) آنها بر شماست و نتیجه گیری و قضاوت به دور از خطا در نزد شماست و برهانش همراه شما و نورش از شما و فرمانش به سوی شماست. ای سرورانم هرکس شما را دوست و سرپرست قرار دهد پس قطعاً خدا را سرپرست و دوست قرار داده و هرکس با شما دشمنی کند پس قطعاً با خدا دشمنی کرده. شما امانتدار خدا و شما نعمت های خداوند و جانشین و برهان او بر مخلوقاتش هستید. به شما خلایق خدا را می شناسند و با شماست که خدا به خلائقش نعمت ارزانی می دارد. ای سرورانم، راه عظیم و راه راست و مستقیم و خبر بزرگ و ریسمان محکم و منشأ و علت و معلول گسترده و مبسوط از آسمان به سوی زمین (شما) هستید. شما گواهان دنیا و شفیعان آخرت هستید. شما رحمت پیوسته و متصل و نشانه و آیه ذخیره شده و دربی هستید که مردم با آن امتحان می شوند، هرکس به سوی شما آید نجات یابد و هرکس بر شما پشت کند سقوط کند و گواهی می دهم به اینکه شما ای سرورانم به سوی خداوند فرا می خوانید و به سوی او راهنمایی می کنید و به گفتارش فرمان می دهید. پیوسته در برابر دیدگانش هستید و در نزد او در ملکوتش فرمان می دهید و بر او اخلاص می ورزید و به عرش او چشم می دوزید و او را تسبیح و تقدیس و ستایش و تهلیل می کنید و بزرگ می دارید و بر گرد او می چرخید تا اینکه خداوند بر ما منت نهد و شما را {در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. }(1)

پس پاکیزه نگاه داشتنش را دوست داشت و به خلقش برای بزرگداشتنش فرمان داد، پس آن را بر همه خانه ها بر روی زمین رفعت بخشید و بر هر خانه ای که آن را در آسمان مقدس کرده بود، برتری داد. آسیبی به آن نمی رسد و اندیشه ای بر آن برتری نمی یابد. هرکسی آرزو دارد از شما باشد و شما دوست ندارید که از غیر خود باشید. بزرگی ها و شرف و مقام به سوی شما منتهی شد و نورها و مجد و بزرگی و

1- . نور / 36

سروری ها در میان شما استقرار یافت. پس غیر از خدا احدی بر شما برتری نیافت و نه از شما به او نزدیک تر و بزرگوارتر و بهرمندتر گردید. شما سکّان دار سرزمین ها و نور بندگان هستید و اعتماد در روز آخرت برشماست و هر زمان برهانی از شما پنهان شود یا ستاره ای از شما افول کند خداوند در پی آن جانشینی را از میان شما با روشنایی و نوری آشکار ظاهر می کند که منبعش از شما قطع نمی شود و از شما سلب نمی گردد و سبب امر آن پیوسته از سوی خداست و قرار داد و معرفت شما را که مختص ماست برای پاک کردن گناهان ما و تزکیه نفس ما قرار داد؛ چون ما در پیشگاه او معترف به حق شما بودیم، پس خداوند نهایت شرف و بزرگی را بر شما رساند و بر شما آنچه که شما اهل آن و شایسته به آن از او بودید فزونی داد و گواهی می دهم سرورانم و خوشا بر من اگر شما سرورانم باشید، که همانا من بنده شما هستم و خوشا به حال من اگر مرا به عنوان بنده قبول کنید و من معترف به شما، چنگ زننده به ریسمان شما، مورد توقع و تصوّر دولت شما، منتظر به بازگشت شما هستم. کارگزار به امر شما، پذیرنده اوامر شما، پناه برنده به حرم شما و نزدیک و متقرب به درگاه شما هستم. ای سرورانم به واسطه شما خداوند آسمان را نگه داشته است تا بر روی زمین نیفتد جز به دستورش و به واسطه شما باران را فرو می ریزد و رنج ها را از بین می برد و فقیر و بی چیز را سیر می کند و بیمار را شفا می دهد. شما را اجابت می کنم به روی چشم و درخدمتم، ای کسانی که خداوند آنها را برگزید، خداوند که نام و یادش بزرگ است و خداوند از میان فرشتگان رسولانی را برگزید و نیز از مردم. پس شما رسولان بزرگوار و نیکوکار هستید، شما بندگان بزرگ داشته شده ای هستید که {در سخن بر او پیشی نمی گیرند، و خود به دستور او کار می کنند. }(1)

و شما برگزیدگانی هستید که خداوند آنان را برگزید و پاک و خالصش گرداند و او را در کتابش آن را توصیف کرد. پس فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ * ذُرِّیَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ» (2) {به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم

1- . انبیا / 27

2- . آل عمران / 33 و 34

جهان برتری داده است. فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند، و خداوند شنوای داناست. } و شما فرزندان برگزیده و نفس های خالص و روح های پاک هستید. ای محمد ای علی ای فاطمه الزهراء ای حسن و ای حسین دو سرور در جوانان اهل بهشت. ای سروران پاک، ای خردمندان و پرهیزگاران، ای انوار الهی در زمین که خاموش نمی شود، ای چشم های خدا در مخلوقاتش، من منتظر فرمان شمایم و در انتظار حکومت شما به همراه شما نه به همراه غیر شما، به سوی شما نه به سوی دشمنان شما هستم، به شما و به آنچه به شما نازل شده ایمان آوردم و به سوی خدا از دشمنان شما بیزاری می جویم وگواهی می دهم سخنم را می شنوید و مقامم را می بینید و جایگاهم را می شناسید و درودم را پاسخ می گویید و اینکه شما حجت های بلیغ و نعمت های سرشار و فراوان خداوند هستید، پس مرا در نزد پروردگارتان یاد کنید و مرا به حوض خودتان وارد کنید و مرا با جام های خودتان بنوشانید و مرا در زمره خودتان محشور کنید. به راستی که برای شما در نزد خداوند جایگاهی شایسته و مقامی گسترده و شفاعتی مورد پذیرش است، پس من به سوی شما قصد کردم و با سلامم به شما امید دارم و در عرصه شما ایستاده ام و از شما به سوی پروردگار شفاعت می خواهم تا مرا عفو کند و گناهم ببخشد و خواریم عزیز گرداند و تضرع و گریه و زاری ام را برطرف کند و سستی ام را قوی گرداند و فقرم را مانع شود و مرا به آرزویم برساند و آمالم را بر من ببخشد و نیازم را برآورده کند در آنچه که من آن را در آرزوهایم یاد کردم و آنچه را که من آن را یاد نکردم، یعنی آنچه را که خدا می داند به اینکه در آن برای من خیری است تا اینکه مرا به وسیله آن به رضای خود و بهشت برساند، پروردگارا آنان را شفیع من گردان و مرا با آنان شفاعت کن و آنچه را که من خواستم بر من برسان. ای مولایم بر آنان توسل می جویم و مرا از آنچه به آن امید دارم ناامید مکن ای مهربانترین مهربانان.

پس هرگاه خواستی وداع کنی بگو: خداوند این زیارت را آخرین عهد و پیمان قرار ندهد و بازگشت به سوی تو و اقامت و سُکنا گزیدن در حرم تو و بودن در کنار و همراهت و همراه نیکان از فرزندانت را بر من روزی دهد.

سپس به پشت خارج شو و بگو: سلام بر تو ای سرور جانشینان و سلام بر فرشتگان مقرب درگاه خداوند.

و در مسیرت تا زمانی که از مزار دور شوی بگو: ما از سوی خداییم و به سوی او باز می گردیم. هیچ قدرتی نیست مگر برای خداوند بزرگ و بلندمرتبه و خداوند بر من کافی است و او چه خوب حمایتگری است.(1)

33. سپس گفته: برای او علیه السلام زیارت دیگری است: در ابتدا برای زیارت غسل مستحبی می کنی و قصد مرقد او را می کنی و مقابل ضریح می ایستی و رو به آن می کنی و قبله را در بین دو کتف خود قرار می دهی و می گویی: درود و رحمت و برکت های خداوند بر تو باد ای امیر المومنین. سلام بر تو ای جانشین خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام بر تو ای سرور جانشینان، سلام بر تو ای جانشین فرستاده خدا پروردگار جهانیان. گواهی می دهم به اینکه تو از رسول خدا آنچه را که بر تو آورد رساندی و آنچه بر تو ودیعه گذاشت حفظ کردی و حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام کردی و قرآن خدا را تلاوت کردی و بر اذیت و آزارها در کنار خدا و در راه خشنودی او صبر کردی تا اینکه دعوت حق را لبیک گفتی. خداوند هرکسی که با تو مخالفت کند لعنت کند و خداوند کسی که تو را کشت و کسی را که خبر شهادتت را شنید و بدان راضی شد لعنت کند. من به سوی خدا از آنها بیزاری می جویم.(2)

سپس بر روی مزار خم می شوی و آن را می بوسی و گونه راست خود را بر روی آن می گذاری سپس به بالای سر برمی گردی و برابر آن می ایستی و می گویی: سلام بر تو ای جانشین أوصیاء و وارث دانش پیامبران بر تو گواهی می دهم که ای جانشین و دوست خدا، تو دین را تبلیغ کردی و رسالتت را انجام دادی. من با شناخت حقت به زیارت تو آمدم. به امور تو آگاه هستم و با دوستان و یارانت دوستم و با دشمنان تو دشمن. من با زیارت تو در رهایی نفسم و نجاتم از آتش

1- . المزار الکبیر: 77 - 80
2- . المزار الکبیر: 83

جهنم و بر آوردن آرزوهایم در این دنیا و در آخرت به درگاه خداوند متعال نزدیکی می جویم. پس نزد پروردگارت مرا شفاعت کن درود خداوند بر تو باد.

سپس مزار را می بوسد و گونه راستش را بر آن قرار می دهد و سرش را بلند می کند و همانگونه که قبلاً گفتیم شش رکعت نماز می خواند. پس هرگاه بخواهد با آن حضرت علیه السلام وداع کند بر مزار او می ایستد همانگونه که در بار اول ایستاد سپس می گوید: سلام و رحمت و نعمت های خداوند بر تو ای امیرالمؤمنین. تو را به خدا می سپارم و از تو می خواهم نگهدار باشی و بر تو درود می فرستم. ما به خدا و به رسولش ایمان آوردیم و به آنچه تو آن را آوردی و بر آن راهنمایی کردی، پروردگارا ما را به همراه گواهان بنویس و این دیدار را آخرین عهد ولی خود قرار نده و بازگشت به سوی او را تا زمانی که مرا زنده نگه می داری، روزیم فرما. مرا به همراه او و همراه فرزندان امامان هدایتگرش محشور کن. درود و رحمت و برکات خداوند بر او و بر آنان باد.

بعد آن آنچه که خواست دعا می کند که اگر خدا بخواهد اجابت کند.(1)

35. سپس گفت: زیارت دیگری برای آن حضرت علیه السلام: بر باب السلام می ایستی و می گویی: بار خدایا به سوی تو روی آوردم و پروردگارا بر تو توکل کردم. خداوند بزرگتر است همچنانکه با هدایت ما بر ما منت نهاد. بزرگ است خداوند، پروردگار ما و مولای ما. بزرگ است خدا، سرپرست ما کسی که ما را زنده کند. سپاس مخصوص خداوندی است که با هدایت کردن بر ما منت گذاشت. پروردگارا همانا من تو را گواه می گیرم و شهادت بهره و نصیب و حق من است و ادا کردن آنچه که تو بر من تکلیف کردی به اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده و پیامبر و برگزیده و دوست تو و بنده خاص تو و بهترین بندگان تو است. بارخدایا صلوات خود را بر او بفرست و کرامات خود را بر او هدیه و عطا کن و برکاتت را افزون کن و تحیات و درودهای خودت را بر او درود فرست. عالِم و برپاکننده ستون ها و روشن کننده تاریکی ها و محو کننده تاریکی های مطلق، رسولت

1- . المزار الکبیر: 83 و 84

که گواه و راهنمای هدایتگر تو است که تو او را اختصاص دادی و برای خود خالص گرداندی و به هدایتت او را مبعوث داشتی و او را وارث آیات خود کردی، پس آیات تو را تلاوت کرد و شرح داد و به سوی تو فرا خواند و دعوتش را آشکار کرد و به وسیله او چشم های طغیان را محو و دهآنهای بهتان و دروغ را لال کردی و عزت را برای اولیای خودت و ذلت را برای دشمنانت قرار دادی. و گواهی می دهم به اینکه او رسول تو و آخرین پیامبران است. از نزد حق با حق آمد و فرستاده شدگان را تصدیق کرد و کسانی که او را تکذیب کردند طعم عذاب دردناک را چشیدند و کسانی که همراه او ایمان آوردند و از نوری که به همراه او نازل شده پیروی کردند، ایشان رستگارانند.

سپس می گویی: سلام بر تو ای امیرالمومنین علی بن أبی طالب، سرور وصیّین و برهان خداوند جهانیان بر اولین و آخرین. سلام بر تو ای امیرالمومنین و وارث علم پیامبران و پیشوای پرهیزکاران و رهبر اصیلان بی نظیر و درخشان، سلام بر تو ای امیرالمومنین، ای پیشوای هدایت و چراغ های تاریکی و غار خردمندان و پناهگاه صاحبان خرد. سلام بر تو ای حجاب خلایق و دعوت نیکو و نشانه بزرگ و نمونه برتر. سلام بر تو ای درخت بخشش و مالک دنیا و برهان بر خلایق در آخرت و دنیا. سلام بر تو ای مخزن پنهان خداوند و ترازوی عدالت خدا و چراغ نور خدا و چراغدان روشنایی خداوند. سلام بر تو ای نگهبان راز خداوند و اجرا کننده امر الهی و آشکار کننده اراده خداوند و جایگاه مشیت خداوند. ای غایت کسی که خداوند او را خلق کرد و نهایت کسی که خدا او را پدید آورد و حجت بر همه کسانی که خداوند آفرید. سلام بر تو ای خبر عظیم و شأن و حادثه بزرگ و ذکر حکیمانه و راه مستقیم. سلام بر تو ای ریسمان محکم و پیشوای امین و باب یقین و اطمینان و شفاعت کننده در روز جزا، سلام بر تو ای امیرالمؤمنین. سلام بر تو ای راستگوی بزرگ و وحی نورانی و چراغ روشن و منزلت و قرب و درجه و کوثر. سلام بر تو ای درب ایمان و چشم مسلط خداوند روزی دهنده و نیکوکار و سرپرست فرشتگان خداشناس و دیندار و تقسیم کننده بهشت و زبانه آتش، سلام بر تو ای منبع بزرگی ها و جایگاه حکمت ها و رهبر امت ها به سوی نیکی ها و نعمت ها. سلام بر تو ای

پیشوای پرهیزگار و عدالت وفادار و جانشین قانع و خرسند و سرپرست پاک، سلام بر تو ای نور برگزیده و سرپرستی که به او امید می رود و بخشنده ای که مورد رضایت است. سلام بر تو ای روشنایی نورها و جایگاه راز اسرار و منشأ نیکی ها و اعلام کننده نیکی ها. سلام بر تو ای زبان حق و خانه راستی و محل ملاطفت و مهربانی. سلام بر تو ای نور هدایت ها و هدایت کننده نیکی ها و داننده پنهآنها. سلام بر تو ای صاحب دانش انبارشده و داننده ضمیر غیب های پنهان و نگهدارنده رازهای محفوظ شده و عالم به آنچه بود و خواهد شد. سلام بر تو ای آگاه به قضاوت به دور از خطا و پناهگاه و وعده گاه اولیایش در روز حساب و مُطلع به تمام علم کتاب و هلاک کننده دشمنانش به عذابی دردناک. سلام بر تو ای صاحب علم معانی و علم مثانی و نور فروزان و انسان دوم. سلام بر تو ای ستون قدرتمند و هدایت کننده نیکان و پدر ائمه پاک نهاد و در هم شکننده ستیزه گران بدکار. سلام بر تو ای معروف در آسمآنهای بلند و در زمین های هفتگانه پایین و آشکار کننده نشانه های بزرگ و داننده رازها و پنهآنها. سلام بر تو ای فرود آمده از میان برگزیدگان و داننده به آنچه در پست ترین درجه تنزل قرار دارد و هلاک کننده کسانی که از پیشینیان طغیان کردند و نابود کننده کسانی که از پسینیان کفر ورزیدند و انکار کردند و سلام بر تو ای صاحب حمله و رجعت و پیشوای خلایق و سرپرست دادخواهی و زبان گویای نیکان و آزمایش امت، سلام بر تو ای ثابت کننده یگانگی با شرح و روشن سازی و تفسیر و تعیین و تقریر کننده ستایش و تکریم با بیان و تاکید. سلام بر تو ای شنونده صداها و آشکارکننده دادخواهی ها و زیاد کننده بخشش ها با بخشش های فراوان. سلام بر تو ای کسی که از کرامت پروردگارش بهره برد، پس از توصیفات بزرگ گشت و از نورش اشتقاق یافت و اسباب و لوازم بر او مانع نشد و با نزدیکی به پروردگارش بزرگ جلوه کرد، پس سخن ها در برابرش کوتاه شد و جایگاهش بلند گشت و بر همه بشریت برتری یافت. سلام بر تو ای کسی که برترین بنده پروردگارش هستی و او انواع بزرگی ها را به او ارمغان و عطیه داد و در نصیحت دادن و فرمانبرداری تلاش کرد پس همه بخشش را به او عطا کرد و نهایت تلاشش را در کارش به کار بست و بهترین نیکی ها را بر او ارزانی داشت و بسیار نصیحت و

اطاعت کرد، خداوند نیز حوض و شفاعت را به او بخشید. گواهی می دهم به آن ای مولایم ای امیرالمؤمنین و من بنده تو و فرزند بنده تو و دوست تو و فرزند دوست تو هستم. گواهی می دهم که تو سرور مخلوقات و پیشوای حق و باب الافق هستی که خداوند تو را برای قدرتش برگزید. پس تو را عصای عزتش و تابوت حکمت و دانشش قرار داد. در حالیکه دست تو به تفسیر وحی اوست و تو را با نور هدایتش بزرگ گرداند و تو را به برهانش مخصوص کرد. پس تو چشم غیب او و ترازوی عدالتش هستی. و او فضل و برتری تو را در قرآنش بیان کرد و تو را به خاطر علم و دانش بر بندگانش آشکار کرد و امانتدار در خلایقش قرار داد و نورش را برای تو برگزید و تو را همچون مناره ای در سرزمینش قرار داد و تو را بر خلایقش حجت و برهان داد و تو را به روح خویش تأیید کرد. پس تو را یاری دهنده دینش و ستون یگانگیاش گرداند و تو را به دانشش مخصوص کرد. پس تو بیانگر علم او و برهانی برای خلایقش هستی. و از نورش بر تو بخشید پس تو را راهنمایی برای راه و مقصدش گرداند و کتابش را برای تو به ارث گذاشت پس تو رازش را حفظ کردی و خلایقش را سرپرستی کردی. درحالیکه او بزرگی های تنزیل را برای تو ویژه کرد و تو را گنجینه غیبش قرار داد و تو علمش را شناختی. و تو را غایت مخلوقاتش قرار داد. پس تو بر دو عالم پیشی گرفتی و بر پیشینیان برتری یافتی. و تو را نهایت کسی که آغاز کرد گرداند، پس تو با پیشتازی بر همه آغازکنندگان برتری گرفتی و در محبت تو به او سرزنش و فریبی متوجه تو نیست. پس تو اولین آفریده در عالم ذر هستی. او آفرید و تو دانستی آنچه بلند و پست و نزدیک و دور است. پس تو چشم نگهبانش هستی که هیچ چیز بر او پنهان نیست و گوش شنوای او که معارف آسمانی آن را به دست آورد و قلب آگاهش بیننده هرچیزی و نورش که خلایقش را بدان روشن ساخت و علوم حقیقی او را در برگرفتند. زبان سخن گویش به هرآنچه از امور و آشکار وجود داشت، از آنچه بود یا خواهد شد، در زمآنهای دور و گذشته و دوران سپری شده، سخن گفت. ای سرورم اندیشه ها و خردهای ممدوحان از توصیف شما ملول و ناتوانند و زبان وصف کنندگان از وصف شما به سبب برتریتان به دانش خلایق و علمتان به نور و پنهانیات امور عاجز است. پس تو اولین گشاینده

تسبیح خداوند هستی تا اینکه تسبیح کنندگان برای تو تسبیح گفتند و آخرین ختم دهندگان به ستایش و بزرگداشت هستی تا اینکه تکریم کنندگان وصف شما را تکریم و تمجید کردند. ای سرورم چگونه حسن ستایش تو را وصف کنم و یا زیبایی آزمایش های تو را بشناسم و شمارش کنم؟ در حالی که اوهام از شناخت چگونگی تو عاجزند و ذهن ها از رسیدن به حقیقت تو قاصرند و جآنها از آنچه تو شایسته آنی ناتوانند. پس به آن نمی رسند و از آنچه تو واجب می کنی اظهار عجز می کنند و تو را درک نمی کنند. ای امیرالمومنین که پدر و مادر و عزیزان و خاندان و دوستانم به فدایت باد.

خدا را گواه می گیرم که پروردگار من و پروردگار هر چیزی است و نیز پیامبران فرستاده شده اش و حاملان عرش و کروبیان و پیامبران مبعوث شده اش و فرشتگان مقرب و بندگان صالحش و رسول مبعوث شده به کرامت و بخشیده به رسالتش، سرور بیم دهنده و چراغ روشن و بیم دهنده بزرگ و پیامبر پاک و برگزیده ای که به نور برتر اختصاص یافته است و کسی که از درخت سدره المنتهی با او سخن گفته شد. همانا من بنده تو و فرزند بنده تو و غلام تو و فرزند غلام تو، مؤمن به نهان و آشکار تو، کافر به کسی که فضل و برتری تو و حق تو را انکار کند دوستدار اولیای تو، دشمن با دشمنان تو، آگاه به حق تو، معترف به دانش و برتری تو، حامل علم تو، محفوظ در ذمه و حمایت تو، مطمئن به آیات تو، مؤمن به رجعت تو، منتظر به فرمان تو، در انتظار حکومت تو، گیرنده گفتار تو، عمل کننده به دستور تو، پناه برنده به تو، تفویض و اجرا کننده کارم به سوی تو، توکلم در آن به تو، دیدار کننده تو، پناه برنده به دربی هستم که تو در آن پنهان شدی و از آن آشکار میشوی تا دین او که مورد پسند او است، استقرار یابد و پس از ترس تبدیل به امنیت شود و مولایت را به خاطر حق می پرستی و چیزی را در عبادتش شریک نمی سازی و کل دین به سوی خدا باز می گردد {و زمین به نور پروردگارش روشن گردد، و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود، و پیامبران و شاهدان را بیاورند، و میانشان به حق

داوری گردد، و مورد ستم قرار نگیرند.} (1) و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و در نزد او رستگاران به محبت تو دست یابند و توکل کنندگان به تو ایمنی جویند و پناه جویان به تو هدایت می شوند و چنگ زنندگان به تو هدایت می شوند و معترفان به فضل و لطف تو خوشبخت می شوند و مومنان به روزهای تو آگاه میشوند و اعتماد کنندگان به نور تو بهرمند میشوند و بزرگان در نزد تو گرامی داشته میشوند و پرهیزگاران در زمین تو استقرار می یابند و چشم ها با دیدن شما روشن می شوند و پیروان تو به واسطه کرامت جلال می یابند و روشنایی نزدیکی تو آنها را فرا می گیرد و آنان را در حجاب عزت و پرده های مجد خود در نعمتی پایدار و زندگی و عیشی سالم می نشانی. {در [زیر] درختان کُنار بی خار و درخت های موز که میوه اش خوشه خوشه روی هم چیده است و سایه ای پایدار و آبی ریزان.} (2) و آنچه را که خدای ما وعده داد، حقیقت و درست میبابیم و ندا می دهیم آیا در آنچه که شیطان برای شما خوب جلوه دارد حقیقتی یافتید که سرگردانی و گستاخی و لغزش و نادانی را فزونی میبخشد؟ و گفته میشود: {دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم؛ بی تردید من از ریشخندکنندگان بودم} (3) ای امیر مؤمنان کسی که از راه تو رویگردان شود بدبخت شد و کسی که به غیر تو متوسل شد سقوط کرد و کسی که به غیر تو ایمان آورد گمراه شد و کسی که با تو مخالفت ورزید کافر شد و کسی که با تو دشمنی کرد به هلاکت رسید و کسی که تو را انکار کرد کفر ورزید و کسی که به تو بغض و کینه ورزید مشرک شد و کسی که از تو جدا شد گمراه و کسی که پیمان تو را نقض کرد از دین خارج شد و کسی که از تو روی برگرداند ستمکار و کسی که پرچم دشمنی با تو را برافراشت، مرتکب جرم و گناه شد و کسی که حق تو را دور کرد فاسق و کسی که از یاری کردن به تو کوتاهی کرد منافق و انکار کننده بیعت تو نا امید و بازمانده از کشتی نجات تو خوار شد و زیانی آشکار دید. ای خبر بزرگ و ای بلند مرتبه حکیم، تو را گواه می گیرم که من به عهد تو وفادارم و به

1- . زمر / 69
2- . واقعه / 28 - 31
3- . زمر / 56

پیمانت اقرار میکنم، امر تو را اطاعت و سخنت را تصدیق و مخالف تو را تکذیب میکنم، دوستدار اولیای تو و دشمن دشمنانت هستم، با کسانیکه تو با آنان جنگیدی، میجنگنم و با آنان که صلح و سازش نمودی سازش میکنم آنچه را که تو لازم و واجب کردی تایید میکنم و آن را واجب میدانم و آنچه را که باطل کردی باطل میدارم، به آنچه که پنهان کردی مؤمن هستم و به آنچه که آشکار کردی یقین دارم، در انتظار آنچه که وعده دادی و منتظر آنچه که گفتی هستم، خداوند بزرگ و بلند مرتبهام را به خاطر آنکه معرفت تو را نصیب من کرد ستایش میکنم و به خاطر آنکه شکر نعمتت را بر گردن من انداخت، شاکرم. پدر و مادرم به فدایت ای امیر مومنان، شهادت میدهم که تو مرا میبینی و مشاهده میکنی و سخنم را میفهمی و مرا اجابت میکنی و آنچه را که قلب و دلم پنهان دارد، میدانی، پس ای مولای من شاهد و گواه باش و شفیع من در نزد پروردگارت برای برآورده شدن حاجات من باش. خداوندا به حق آن کسی که عبادات مرا برای او واجب کردی بر محمد و آل وی درود و سلام بفرست و مناسکم را از من تحویل بگیر از من قبول فرما و بر من احسان و رحم کن و فقرم را ببخش و سختی زندگی و خواری مرا برطرف نما با بخششت بر بیچارگی من ترحم کن و توبه ام را بپذیر و از لغزشم چشم پوشی کن و از من در گذر و اشتباهم را محو کن و به من نظری بیفکن و گناهم را ببخش و بر من جود و بخشش ارزانی کن و توبه ام را پذیرا باش و بار سنگین پشتم را بردار و شأن مرا بالا ببر و و دِین مرا برآورده ساز و شکستم را جبران کن و از جرمم چشم پوشی کن و مرا از زمین بلند کن و گناهم را از من بزدای و نیکی های مرا ثبت کن و بیماریم را شفا بده، غمم را بگشای و اندوه و گرفتاری مرا برطرف کن و مرا با رستگاری در حالی که دعایم را مستجاب کردی بمیران و کوششم را پاداش بده و امانتم را ادا کن و مرا به آرزویم برسان و خواستهام را به من ببخشای و دشمنم را نابود کن و حجتم را رستگار کن به حق محمد و آلش و درود خدا بر آنان، ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش؛ چرا که تو نزد خداوند جایگاهی ستوده و منزلتی بزرگ داری و شفاعتت پذیرفته است و محلی رفیع داری. پروردگارا، به آنچه نازل کردی گرویدیم و فرستاده[ات] را پیروی کردیم؛ و از نوری که با او نازل شد،

پس ما را در زمره گواهان بنویس. {[می گویند:] پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دلهایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری. }(1)

خداوندا، ای پروردگار نیکان و خدای انسآنهای پاک، ای خداوند شکست ناپذیر جبار بلند مرتبه آمرزنده، بر محمد و خاندان نیکش درود بفرست، درودی که آنان را نزدیک میگردانی و به آنان میبخشی و آنان را تکریم و به آنا عطا می کنی و آنان را به خود نزدیک و نیرومند میگردانی و راهنمایی میکنی. من و همهی دوستداران آنان در این محل را از زمرهی کسانی قرار بده که از جانب خودت به آنان رحمت و مهربانی و کرامت و آمرزش و رأفت و موهبت عطا کردی و همه آنچه را که از تو درخواست کردم و نیز آنچه را که از تو نخواستم ولی صلاح آخرت و دنیای من و برادرانم و خاندانم و فرزندان و خانوادهام در آن است، به من عطا فرما و آنان را ببخش و پدر و مادرم را نیز ببخش و از آنان درگذر و قبر آن دو و همه مردان و زنان مؤمنی که مرا دوست داشتند و کسانی را که می شناختم و نیز کسانی را که نمیشناختم ولی تو محل دفن و جایگاه آنان را میدانی، قبرشان را نورانی کن. و وفای به عهد را به من ارزانی کن و مرا در دوستی اولیای خود و دشمنی با دشمنانت ثابت قدم دار و این زیارت و این محلی را که من در آن ایستادهام، آخرین مرتبه برای من قرار مده که تو بسیار بخشنده هستی. خداوندا سپاس مخصوص توست و به تو شکایت برده میشود و تو یاور و کمک کننده هستی؛ و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش باد. {[می گویند:] پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری.} و {در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار}(2) ثابت فرما. خدای من اگرچه گناهانم بین من و تو فاصله قرار دادهاند و مانع از این شدهاند که صدایی از من به تو رسد یا دعای مرا اجابت کنی اما من در برابر تو هستم و توجهم به واسطه محمد و اهل بیتش که درود تو بر همه آنان باد، معطوف توست و

1- . آل عمران / 8
2- . ابراهیم / 27

ای سرورم از تو میخواهم که به عزتت، عذرم را بپذیری و گناهم را ببخشی به حق محمد وخاندانش که درود و رحمت تو بر همهی آنان باد. به تو توسل جستم چرا که تو فرمودی ارزش کارها به نتیجه آنهاست و برای هر عمل کنندهای پاداشی قرار دادی، پس ای خدای من از تو میخواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و پاداش مرا رهایی از آتش قرار دهی و با نگاهی مهربان که بعد از آن هیچگاه در دنیا و آخرت بدبخت نشوم، به من نظر کنی ای مهربانترین مهربانان.

سپس نماز زیارت میخوانی و بعد از آن دعا میکنی و میگویی: ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کنندهی دعای انسانهای درمانده.(1)

میگوییم: و این دعا را تا پایان آنچه که به زودی در زیارت عاشورا میآید و مختصری از آن نیز در زیارت پنجم گذشت، ادامه داد.

36. سپس مولف مزار کبیر میگوید: هر گاه خواستی با او وداع کنی به نزد قبر او که درود خدا بر او باد، می آیی و همان طور که در ابتدا ایستاده بودی میایستی و میگویی: سلام بر تو ای امیر مومنان و پیشوای دین و رهبر اصیل و بینظیر و درخشان و حجت خدا بر اهل آسمانها و زمین، سلامی از طرف شخص وداع کننده نه انسان به ستوه آمده و نه دشمن؛ و رحمت و برکتهای خدا بر تو باد. همانا تو ستوده و بزرگ هستی؛ به شما سلام می کنم همچون سلام دوستداری که نه راهش را از تو کج میکند و نه از تو منحرف میشود و به جای تو بدلی نمیجوید و کسی را بر تو برنمیگزیند و تو را ترک نمیکند و ای امیر مومنان، خداوند این زیارت و آمدن به محل شهادتت را آخرین مرتبه برای من قرار ندهد و درود بر تو، خداوند مرا در زمره یاران تو محشور گرداند و به حوض تو وارد گرداند و مرا در گروه تو قرار دهد و تو را از من راضی گرداند و مرا در دولت تو جایگاهی ببخشد و در رجعت تو مرا زنده گرداند و در روزگار تو مرا پادشاهی بخشد و تلاش مرا به وسیله تو پاداش دهد و با شفاعت تو گناهم را ببخشد و به خاطر حبّ تو از لغزشم چشمپوشی کند و مرا به خاطر دوستی تو بالا ببرد و به خاطر اطاعت از تو مرا

1- . المزار الکبیر: 97 - 101

شریف و با هدایت تو عزیز و محترم گرداند و مرا از کسانی قرار دهد که رستگارانه، پیروزمندانه، بهرهمند، سالم، عافیتمند، بینیاز و دست یافته به رضوان، فضل، کفایت، یاری، امنیت، نور، هدایت، حفاظت و مراقبت الهی، با بهترین آنچه نزد تو و یکی از زائران و واردان و دوستداران و شیعیان تو باشد، باز گردم. خداوند بازگشت به این مکان را روزیم فرماید تا زمانی که مرا با ایمان و نیکی و پرهیزکاری و فروتنی و رزق حلال بسیار و سلامتی کامل در بدن و در برادران و خانواده و فرزندان، زنده نگه دارد. خداوندا بر محمد و آلش درود بفرست و این زیارت مولایم امیر مؤمنان و ذکر و درود بر او را آخرین زیارت و ذکر و درود من قرار مده. و خیر و برکت و نور و ایمان و نیکی اجابت دعا را بر من واجب گردان همانگونه که آن را واجب کردی بر اولیایی که به حق تو عارفند و اطاعت از تو را بر خود فرض میدانند و همواره مشغول ذکر تو و به زیارت تو راغب هستند و با زیارت تو به تو تقرب می جویند. ای امیر مومنان، پدر و مادر و جان و دوستانم به فدای تو باد. مولای من، مرا از حزب خودت قرار بده و در شفاعت خود داخل کن و در نزد پروردگارت مرا یاد کن. خدایا بر محمد و اهل بیت پاک و طاهرش درود و از سوی من بر ارواح و اجساد آنان سلام بفرست و همه آنچه را که از تو خواستم شامل حال همه خانواده و فرزندان و برادرانم بگردان؛ چرا که تو بر هرچیزی توانایی ای مهربانترین مهربانان. خداوندا من تو و محمد و علی و هشت فرشتهای را که عرشت حمل میکنند و نیز چهار ملکی را که خزانهدار علم تو هستند، شاهد میگیرم که نمازهای واجب و مستحب و زکاتهای من در راه تو و سخن و عمل پاک من نزد توست. پس خدای من از تو می خواهم بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش درود بفرستی و مرا به وسیله آن درود به او برسانی و به او نزدیک گردانی همانگونه که ما را به نماز بر او فرمان دادی. و شهادت میدهم که بدون تکبر و غرور تسلیم او و خاندانش هستم، پس با صلوات بر او و اهل بیتش ما را سلامت بدار و عمل و معرفتی را که انجام داده ایم ماندگار و همیشگی قرار بده نه موقتی، ای مهرباترین مهربانان.

سپس بر روی قبر خم میشوی و میگویی: ای امیر مومنان، دوست تو به تو پناه آورده و به حرم تو متوسل شده و ریسمان تو را گرفته است و فرمان تو را اجرا

میکند، پس ای مولای من، ای امیر مومنان واسطه من نزد خدا، یاور من در برابر آتش و در روزگار پشتیبان من باش و پاداش زیارت مرا بده. هرکس که به تو چنگ زند سالم میماند و هرکس که از تو جدا شود پشیمان می گردد، تو سرور امتها و از بین برندهی سختیها هستی. درود خدا بر تو باد. بندهات در برابرت، تو را میخواند و به تو شکایت میبرد و در کارش به تو تکیه میکند درحالیکه تو مالک بهشت او و از بین برندهی گرفتاریش و ترحم کننده به اشکش و زنده گردانندهی قلبش هستی. از ما بر تو سلام باد و بعد از خداوند هنگامی که مرگ فرا برسد و ازدحام برطرف شود، به تو تمسک جسته میشود و بازگشت به سوی توست و تو ما را کفایت میکنی و بهترین سرپرست هستی.

سپس هرچیزی را که میخواهی دعا کن و بخواه.(1) و بر محمد مصطفی و خاندان پاکش درود بفرست و در حالیکه هدایت یافتی بازگرد.

میگویم: این آخرین زیارتی است که از کتاب المزار الکبیر که گمان برده میشود از تالیفات محمد بن مشهدی رحمه الله است، استخراج کردیم.

1- . المزار الکبیر: 103 و 104

باب پنجم : زیارت های امیرالمؤمنین علیه السلام مختص به روزها و شب های خاص از جمله زیارت روز بیست و یکم از ماه رمضان

روایات:

1. الکافی: اسد بن صفوان صحابی رسول الله صلّی الله علیه و آله گوید : در روز وفات امیر مومنان علیه السلام آن محل از گریه به لرزه درآمد و

مردم مانند روز وفات پیامبر صلّی الله علیه و آله وحشت زده شدند. و مردی گریان، با شتاب و استرجاع گویان آمد درحالیکه میگفت: امروز خلافت نبوت منقطع شد؛ تا اینکه بر در خانهای که امیر مومنان علیه السلام در آن بود ایستاد و گفت:

خداوند تو را رحمت کند ای ابوالحسن، اولین این قوم در اسلام، خالصترین آنها در ایمان، شدیدترین آنها در یقین، خائفترین آنها از خدا، بیشترین آنها در رنج، محتاطترین آنها بر رسول الله صلّی الله علیه و آله، ایمنترین آنها بر یارانش، برترین آنها در مناقب، گرامیترین آنها در سوابق، رفیعترین آنها در درجه، نزدیکترین آنان به رسول الله صلّی الله علیه و آله و شبیهترین آنها به او در هدایت، آفرینش، شمایل و عمل، شریفترین آنها در منزلت، و گرامیترین آنها بر او بودی، خداوند درباره اسلام، رسولش و مسلمانان جزای خیر به تو دهد. زمانی که یارانش ضعیف شدند قوی شدی و آنگاه که خوار شدند به میدان آمدی و چون سستی کردند بر پا خواستی و زمانی که اصحابش اندوهگین شدند بر طریقت رسول الله صلّی الله علیه و آله پایبند شدی و جانشین بر حق و بلامنازع او بودی که با وجود مخالفان، خشم کافران، اکراه حسودان و حقارت فاسقان التماس نکردی و زمانی که ناکام شدند امر

خلافت را برداشتی و زمانی که به لرزه در آمدند سخن گفتی و با نور خدا حرکت کردی آنگاه که آنها ایستادند پس از تو پیروی کردند و هدایت یافتند، و آرام ترین آنها در صدا و والاترین آنها در قنوت و کم سخنترین آنها و درست گفتارترین آنها، در اندیشه بزرگترین آنها، شجاعترین آنها در یقین، بیشترین آنها و درستکردارترین آنها و آگاهترین آنها به امور بودی.

به خدا سوگند پادشاه (سرور و رئیس) اول و آخر دین بودی؛ اولین مردم، آنگاه که مردم متفرق شدند و آخرین آنها، آنگاه که شکست خوردند، برای مومنان پدری مهربان بودی زمانی که باری بر دوش تو شدند باری که از آن عاجز شدند را بر دوش گرفتی و آنچه که تباه کردند را حفظ کردی و بر آنچه که اهمال کردند صبوری کردی و جنایت آنچه طلب کردند را درک کردی و آنچه که گمان نمی کردند را به وسیله تو به دست آوردند، برای کافران عذابی جاری و غارتگر بودی و برای مومنان ستون و پناه. به خدا سوگند به درجات بلند پرواز کردی و به هدیه آن دست یافتی و سوابق آن را احراز کردی و فضائل آن را به دست آوردی، حجتت شکسته نمیشود، قلبت گمراه، بصیرتت ضعیف و نفست ترسو نمیشود و بر زمین نمیافتی. مانند کوهی بودی که طوفان آن را به حرکت در نمیآورد و چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مردم در مصاحبت با تو و آنچه در دست تو بود ایمن بودند (امانتدارترین مردم در مصاحبت با کسی که با تو همراهی کرد بودی و نیز در آنچه که از بیت المال و جزء آن در دست تو بود)، و چنانکه او فرمود: در جسمت ضعیف، در امر خدا قوی، در نفست متواضع، نزد خدا عظیم، در زمین بزرگ و نزد مومنان، ارجمند بودی، برای هیچ کس در تو جایی برای کنایه زدن و برای گویندهای، کاستی نبود و برای کسی محل طمع نبودی و نزد تو برای کسی اغماضی نبود، ضعیف ذلیل نزد تو قوی و عزیز بود تا اینکه حقش را برای او بگیری و قوی عزیز نزد تو ضعیف ذلیل بود تا حق را از او بستانی و دور و نزدیک در این امر نزد تو برابر بودند، شأن تو حق، صدق و نرمش، سخنت حکم و حتم، امرت بردباری و دوراندیشی، اندیشهات علم و عزم آنچه که انجام میدادی بود. راه طریقت پیمودی، دشوار آسان شد و آتشها خاموش شد و دین تو با تو اعتدال یافت و اسلام و مومنان با تو قوی شدند

و بسیار پیشی گرفتی و کسانی که بعد از توست را بسیار خسته کردی و از گریه برتری یافتی (تو بزرگتر از این هستی که حق مصیبتت و بیتابی بر تو با گریه و حتی با شدیدتر شدن آن اداء شود) و مصیبتت در آسمان عظیم شد و مردم را به لرزه درآورد «فإنا لله و إنا إلیه الراجعون» {پس ما از خدا خداییم و به سوی او باز میگردیم} به قضای خدا راضی شدیم و امر را به او سپردیم که به خدا سوگند مسلمانان هرگز با نظیر تو مواجه نخواهند شد، برای مومنان غاری پناه دهنده و محکم و قلهای بلند بودی و برکافران خشن و خشم بودی پس خداوند تو را به انبیائش محلق کند و ما را از اجر تو محروم نکند و بعد از تو گمراهمان نسازد.

و مردم سکوت کردند تا سخنانش پایان یافت و گریست و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله گریستند و در پی او گشتند اما به او دست نیافتند.(1)

توضیح : این خبر را فقط به این دلیل ذکر کردیم که متکلم آنگونه که از اکمال الدین(2)

روشن میشود خضر علیه السلام بوده است و چنانکه روشن است در این روز با این کلام او را خطاب کرده است پس زیارتش در این روز با این زیارت مناسب است و علمای ما آن را در برخی از زیارت های سابق و آینده درج کردهاند. «الارتجاج» یعنی آشفتگی، «العناء» یعنی خستگی، «حاطه یحوطه حوطأ و حیاطه» گفته میشود زمانی که او را حفاظت و صیانت کند و از او دفاع نماید و در مصالح او از هیچ کوششی دریغ نکرد. «الهدی» با فتحه یعنی سیره، «السمت» یعنی هیأت اهل خیر، این سخن امام علیه السلام «برزت» یعنی برای جهاد آشکار شدی، «الاستکانه» یعنی خضوع و تذلل. این سخن امام علیه السلام «نهضت» یعنی به عبادت خدا، ادای حق و ترویج دینش پرداختی زمانی که سایر مردم سستی و ضعیف کردند.

این سخن امام علیه السلام «اذ هم اصحابه» یعنی هر یک از آنها برای مصالح دنیای خود مسلکی مخالف حق را قصد کردند. این سخن او «لم تنازع» یعنی به جهت وضوح امر جایی برای نزاع نبودی، یا معنا این است که همه آنها با دلهایشان

1- . الكافى 1 : 454 و صدوق آن را در امالى: 241 استخراج كرده است.
2- . كمال الدين و تمام النعمه: 218

به حقانیت و خلافت تو معتقد بودند گرچه برای اغراض فاسد خود ظاهرا انکار کردند. این سخن او «لم تضرع» بر بنای معلوم با کسره و فتحه راء یعنی برای آنها خوار و ذلیل نشدی یا با ضمه آن است «ضرع» بر وزن «کرم» زمانی گفته میشود که ضعیف باشند و بر دشمن قدرت نداشته باشند. این سخن او «و صغر الفاسقین» با کسره صاد و فتحه غین ذلت و رضایت به آن است، «فشل» بر وزن «فرح» یعنی سست و ضعیف شد، کند و ترسو شد. «التعتعه فی الکلام» تکرار آن از روی محدودیت یا ناتوانی است. این سخن او «اعلاهم قنوتا» یعنی والاترین آنها در طاعت و خضوع و در نهج البلاغه(1)

و «اعلاهم فوتا» آمده یعنی والاترین آنها در سبقت . این سخن او «اولا و آخرا» محتمل است که منظور از اول زمان رسول صلّی الله علیه و آله و منظور از آخر پس از او باشد یا اینکه هر دو آنها در هر دو مورد باشد. و «تشمّر للأمر» گفته می شود زمانی که مهیا شود، و «الهلع» یعنی در بیتابی زیاده روی کرد. این سخن او علیه السلام «اذا اسرعوا» یعنی آنچه که شتاب در آن شایسته نیست، «الاوتار» جمع وتر با کسره یعنی جنایت و «العمد» با حرکت حروف، جمع عمود است.

«فطرت و الله بغمائها» درسخن او «الغماء» یعنی مصیبت (فاجعه) و در بعضی نسخهها «بنعمائها» آمده است و فطرت ممکن است که بر بنای مجهول از ریشه فطر به معنی خلقت خوانده شود. یعنی بر بلاء (آزمون) و نعمت سرشته شدهای؛ و محتمل است که فاء عاطفه و طاء مکسور باشد از ریشه طیران یعنی با وجود مصیبتهایی که از امامان جور به تو رسید به درجات عالی رسیدی. یا اینکه پرواز کردی و نعمتها و کرامتهای آنان را بردی و بعد از تو آنها را از دست دادند. و برخی آن را فطرت به صورت مجهول و تشدید طاء از ریشه «فطّرتُ الصائم» زمانی که به او افطار بدهم قرائت کردهاند.(2)

در نهج البلاغه «فطرت والله بعنائها و استبددت برهانها» آمده است و برخی از شارحان آن گفتهاند که دو ضمیر به فضیلت باز میگردد و در اینجا لفظ طیران را

1- . نهج البلاغه 1 : 84 شرح محمد عبده چاپ استقامه مصر

2- . نهج البلاغه 1 : 84

برای پیشتازی عقلی و دو لفظ عنان و برهان را که هر دو از متعلقات اسب است استعاره گرفته است پایان. و جوهری[1] گوید: گفته میشود: «له سابقه فی هذا الأمر» زمانی که در آن امر بر مردم پیشی بگیرد. و «فلول» در شمیشر، شکستگی در لبه آن است. و «الزیغ» یعنی انحراف. «لم تخرّ» با خاء و راء مشدد از ریشه خرور یعنی افتادن از بلندی به پایین است و در بعضی نسخهها با حاء از ریشه الحیره و در برخی دیگر «لم تخن» از خیانت آمده است که این بهتر است. «فی صحبتک و ذات یدک» یعنی امانتدارترین مردم در مصاحبت با کسی که با تو همراهی کرد بود و در آن نیرنگ نکردی و نیز در آنچه که از بیت المال و جزء آن در دست تو بود. «الهمز» یعنی غیبت و حادثه در میان مردم و ذکر عیوب آنها «الغمز» اشاره با چشم و ابروست که این نیز کنایه از اثبات معایب برای اوست و این سخن او «ولا لاحد فیک مطمع» یعنی در این طمع کند که تو را از حق گمراه منصرف کند. جزری[2] گوید: «لا تأخده و فی الله هواده» یعنی در صورت وجوب حد خدا ساکن نمیشوی و در آن از کسی جانبداری نمیکنی و «الهواده» سکون و اجازه جانبداری است. «فیما فعلته» در سخن او در اغلب نسخههای حدیث «فأقعلت» از ریشه اقلاع است یعنی خودداری. یعنی از امور خودداری کردی که کنایه از مرگ است. «نهج» بر وزن «منع» یعنی روشن کرد. «سبقت سبقاً بعیداً» یعنی با شهادت به سوی آخرت رفتی به گونهای که پیوستن به تو برای ما ممکن نیست. یا اینکه به سوی فضائل و کمالات پیشی گرفتی به گونهای که برای کسی ممکن نیست که در آنها به تو محلق شود و فقره دوم نیز محتمل دو وجه است گرچه مورد اول در آن بهتر است. این سخن او «فجللت عن البکاء» یعنی تو بزرگتر از این هستی که حق مصیبتت و بیتابی بر تو با گریه و حتی با شدیدتر شدن آن اداء شود یا اینکه تو بزرگتر از این هستی که برای گریه بر تو حدی باشد و مورد اول بهتر است. «الرزیه» یعنی مصیبت، «الهد» یعنی ویرانی شدید، «القنه» با ضمه یعنی کوه یا قله آن، «الراسی» یعنی ثابت.

1- . صحاح جوهری 4 : 1494

2- . النهایه 4 : 275

و این خبر با اسنادهای دیگری نیز به صورت مشروح در ابواب شهادت امام علیه السلام ذکر شده است.

و از جمله آن اوقات مختص، زیارت شب و روز غدیر است:

2. مصباح الزائر: بزنطی در حدیثی که مختصر کردیم از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند و می گوید:آن حضرت به من فرمود: ای پسر ابونصر هرجا که باشی در روز غدیر نزد امیرمومنان علیه السلام حاضر شو که خداوند تبارک وتعالی برای هر مرد و زن مؤمن و مسلمان گناهان شصت سال را می بخشد و چندین برابر آنچه که در ماه رمضان، شب قدر، شب عید فطر از آتش آزاد کرد را آزاد میکند و برای برادران آگاه و عارف تو یک درهم در آن روز هزار درهم است، در این روز بر برادرانت حتی از آن هم بهتر است. درچنین روزی هر مرد و زن مؤمنی را شاد کن. سپس فرمود : ای کوفیان، خیر کثیر به شما عطا شده و شما قطعاً از کسانی هستید که خداوند قلبش را برای ایمان آزمود شما ذلیلشده مقهور آزموده هستید. بلاء با شدت بر شما جاری میشود سپس رفع کننده اندوه بزرگ آن را برطرف میکند. به خدا سوگند اگر مردم از فضیلت حقیقی این روز آگاه میشدند ملائکه در هر روز ده مرتبه با آنان دست میدادند.

3. المصباحین: از برنظی مشابه آن را آورده.(1)

4. اقبال الأعمال: با اسناد به بزنطی مشابه آن را آورده.(2)

میگویم: در باب اعمال غدیر فضیلت و اعمال آن بیان شد و در اینجا فقط آنچه که متعلق به زیارت اوست را ذکر میکنیم.

5. شیخ مفید گوید: در آن دو روایت است. روایت نخست آن است که جابر جعفی روایت کرد و گفت : باقر علیه السلام فرمود : پدرم علی بن حسین علیهما السلام به سوی مرقد امیرمومنان علیه السلام حرکت کرد بر مزار او ایستاد سپس گریست و عرضه داشت: سلام بر تو ای امین خدا در زمینش و حجت او بر بندگانش، سلام بر تو ای امیر مومنان گواهی میدهم که تو در راه خدا حق جهادش

1- . مصباح الشيخ: 513
2- . الاقبال: 685

را به جا آوردی، تا پایان آنچه که در اوائل باب سابق از فرحه الغری بیان شد و در الزیارات الجامع خواهد آمد . و شیخ طوسی و سایرین نیز این زیارت را از زیارتهای مخصوص به این دوره ذکر کردهاند و در روایات مشتمل بر آن چیزی که بر اختصاص آن به گونهای که به آن اشاره کردیم دلالت کند ندیدم و به این دلیل در اینجا ذکر نکردیم.

6. سپس مفید رحمه الله گوید: و روایت دوم چیزی است که از ابو محمد حسن بن عسکری از پدرش علیه السلام روایت است و ذکر کرد که آن حضرت علیه السلام در روز غدیر سالی که معتصم ایشان را احضار کرد با آن عبارات، زیارت کرد. و پس زمانی که که چنین قصدی داشتی بر دروازه قبه شریفه بایست و اذن بخواه و درحالیکه پای راست را بر چپ مقدم میداری داخل شو و حرکت کن تا بر ضریح بایستی، او را استقبال کن و قبله را بین شانههایت قرار بده بگو:

سلام بر محمد رسول خدا، خاتم انبیاء، سرور رسولان، برگزیده پروردگار جهانیان، امین خدا بر وحی و عزائم امرش، خاتم هر آنچه گذشت و آغازگر هر آنچه آمدنی است و شاهد بر همه آنان و رحمت و برکات، درودها و تحیات خداوند بر او باد. سلام بر انبیاء، رسولان، ملائکه مقرب و بندگان صالح خدا. سلام بر تو ای امیر مومنان، سرور اوصیاء، وارث علم انبیاء، دوست پروردگار جهانیان، و مولای من و مولای مومنان، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر تو ای مولای من، ای امیر مومنان و ای امین خدا در زمینش، و سفیر او در میان خلقش و حجت روشن او بر بندگانش، سلام بر تو ای دین استوار خدا و صراط مستقیم او، سلام بر تو ای خبر عظیم که آنها درباره آن دچار اختلافند و درباره آن سوال میشوند، سلام بر تو ای امیر مومنان به خدا ایمان آوردی در حالی که مشرک بودند و حق را تصدیق کردی در حالی که آنها تکذیبکننده بودند، جهاد کردی در حالی که آنها دست کشیدند، و خدا را در حالی که دین را برای او خالص کردی با صبوری و طلب پاداش عبادت کردی تا اینکه مرگت فرا رسید. لعنت خدا بر ظالمان باد. سلام بر تو ای سرور مسلمانان و رئیس مومنان، امام متقیان و پیشوای سفید رویان ممتاز، و رحمت و برکات خداوند برتو باد. گواهی میدهم که تو برادر رسول

خدا، وصی او و وارث علم او، امین او بر شرعش، جانشین او در میان امتش هستی، و اولین کسی هستی که به خداوند ایمان آورد و آنچه که بر پیامبرش نازل فرمود را تصدیق نمود. و گواهی میدهم که او آنچه درباره تو نازل فرمود را ازجانب خداوند ابلاغ کرد و امر او را تبیین کرد و فرض طاعت و ولایت تو را بر امتش واجب کرد و بیعت بر تو را بر آنان منعقد کرد و تو را از خود مومنان نسبت به آنان اولی قرار داد چنانکه خداوند آن را چنین قرار داده است. سپس خدا را بر آنان شاهد گرفت و فرمود: آیا ابلاغ نکردهام؟ گفتند: آری. و فرمود: بار خدایا شاهد باش و خداوند به عنوان شاهد و داور بین بندگان کافی است. پس نفرین خدا بر انکارکننده ولایت تو بعد از اقرار، شکننده پیمان تو بعد از پیمان بستن باد. و گواهی میدهم که تو به عهد خداوند متعال وفا کردی و خداوند بر عهدش با تو وفادار است و هر که به آنچه که با آن با خداوند عهد کرده است وفا کند اجری بزرگ عطا خواهد شود. و گواهی میدهم که تو امیرمومنان هستی؛ همان حقی که قرآن به ولایتت سخن گشود و رسول بر آن برای تو از امت عهد گرفت. و گواهی میدهم که تو عمویت و برادرت کسانی هستید که با جان خویش با خدا معامله کردید و خداوند در باره شما نازل فرمود: {در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کشند و کشته می شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله ای که با او کرده اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است. [آن مؤمنان] همان توبه کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه داران رکوع کنندگان سجده کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده.} یا امیرمومنان گواهی میدهم که شککننده در تو به رسول امین ایمان نیاورد و برابرداننده دیگران با تو با دین استواری که پروردگار جهانیان برایمان پسندید و با ولایت تو در روز غدیر کاملش کرد منحرف است و گواهی میدهم که تو مقصود این دین سخن خدای عزیز رحیم هستی {و [بدانید] این است راه راست من پس از آن پیروی کنید و از راه ها[ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده

می سازد پیروی مکنید} به خداوند سوگند گمراه شد و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی کرد و از حق منحرف شد کسی که با تو دشمنی کرد. بار خدایا ما امر تو را شنیدیم، اطاعت کردیم و از صراط مستقیمت پیروی کردیم. پس پروردگارا هدایتمان کن و پس از اینکه به طاعتت هدایت کردی دلهای ما را منحرف نکن و ما را از شکرگزاران نعمتت قرار بده. و گواهی میدهم که تو پیوسته مخالف امیال، هم پیمان تقوا، قادر به فرو ریختن خشم، در گذرنده از مردم و بخشنده آنها هستی و زمانی که خداوند عصیان شود خشمگین و زمانی که خدا اطاعت شود خشنود هستی، به آنچه به تو عهد کرد عملکننده و مراعاتکننده آنچه به تو سپرده شد، حافظ آنچه که به امانت سپرده شدی، ابلاغکننده آنچه که بر تو حمل شد و منتظر آنچه وعده داده شدی هستی. گواهی میدهم که تو از روی خواری تقوا پیشه نکردی و از روی جزع خودداری نکردی و از روی سستی جهاد با عصیانگرت عقب ننشستی و چاپلوسانه به خلاف رضای خدا اظهار رضایت نکردی و برای آنچه که در راه خدا به تو رسید سستی و ضعف نکردی، از روی مراقبت از طلب حقت فرونشستی. پناه بر خدا از اینکه چنین باشی بلکه هر گاه ظلم شدی از خدایت طلب پاداش کردی و امرت را به خدا محول کردی و برای آنان یادآوری کردی اما به یاد نیاوردند اندرزشان دادی اما پند نگرفتند، از خدا بیمشان دادی اما نترسیدند. گواهی میدهم که تو یا امیرمومنان در راه خدا حق جهادش را به جای آوردی تا اینکه خداوند تو را به جوار خویش خواند و با اختیارش تو را به سوی خویش گرفت و دشمنان را به حجت قتل تو توسط آنان ملزم کرد تا حجت علیه آنان بر تو باشد علاوه بر حجتهای بلیغی که بر تمامی خلائقش داری. سلام بر تو یا امیرمومنان، خالصانه خدا را عبادت کردی و صبورانه در راه خدا جهاد کردی و در طلب پاداش جان خویش را نثار کردی و به کتابش عمل کردی و از سنت پیامبرش پیروی کردی و نماز به پا داشتی، زکات بخشیدی و به معروف امر و از منکر نهی کردی تا آنجا که توانستی، در حالی که خواستار آنچه که نزد خداست و مشتاق آنچه که خدا وعده نمود بودی. مصائب برایت اهمیتی ندارد و به هنگام شدائد خوار نمیشوی، از مبارزه عقبنشینی نمیکنی، هر که غیر این را به تو نسبت دهد دروغ گفته و بر تو افترای باطل زده

است. آن برای کسی است که از تو منحرف شد سزاوار است. در راه خدا حق جهادش را به جای آوردی و به امید پاداش بر آزار صبوری کردی. و تو اولین کسی هستی که به خدا ایمان آورد و برای او نماز خواند و جهاد کرد و رویش را در دار شرک و زمین آکنده از ضلالت و در حالی که شیطان آشکارا پرستش میشد، نمایان کرد در حالی که میگفتی: کثرت مردم پیرامونم بر عزت من نمیافزاید و پراکنده شدنشان از من بر وحشتم نمیافزاید و اگر تمامی مرا تسلیم (دشمن) کنند زاری نمیکنم. به خدا تمسک جستی و عزیز شدی و آخرت را بر دنیا ترجیح دادی و زهد پیشه کردی و خداوند تأیید و هدایت و خالصت نمود و تو را برگزید پس اعمالت متناقض نشد و اقوالت مختلف نشد و احوالت دگرگون نگردید و بر خدا ادعای دروغ نکردی و بر او دروغ نبستی و خواستار امور بیارزش نشدی و گناهان آلودهات نکردند و پیوسته بر دلیلی روشن از جانب پروردگارت و یقین درباره امرت بودی به سوی حق و راه مستقیم هدایت میکنی گواهی حق میدهم و به خداوند قسم صدق یاد میکنم که محمد و خاندانش سروران خلق و تو مولای من و مولای مؤمنان هستی و بنده خدا و ولی او و برادر رسول، وصی و وارث او هستی و او که در مورد تو فرمود : به خدایی که مرا به حق معبوث کرد هر که به تو کفر ورزید به من ایمان نیاورده است و هر که تو را انکار کرد به خدا اقرار نکرده است و هر که از تو منحرف شد گمراه شده و نه به خدا و نه به سوی من هدایت شده، کسی که به سوی تو هدایت نیافت و این سخن پروردگار عزوجل من است: {و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست رهسپر شود} مولای من! فضل تو پنهان نمیشود، نور تو خاموش نمیگردد و هر که تو را انکار کند ستمکار سیاهبخت است. مولای من تو حجت بر بندگان هدایتگر به سوی رشاد و توشهای برای معاد هستی. مولای من خداوند در دنیا جایگاهت را رفعت بخشید و در آخرت درجهتان را عالی گردانید و تو را بر آنچه که بر مخالفانت و موانع بین تو و مواهب خدا پنهان داشت بصیر کرد. پس نفرین خدا بر کسانی باد که حرمت تو را حلال شمردند و حق را از تو دور کردند و گواهی میدهم که آنها زیانکارانی هستند که {آتش چهره آنها را می سوزاند و آنان در آنجا ترش رویند}

گواهی میدهم که تو اقدام کردی و عقب ننشستی، سخن گفتی و جز به امری از جانب خدا و رسولش خودداری نکردی و فرمودی: به کسی که جانم در دست اوست قسم رسول الله صلّی الله علیه و آله نظر به من کرد در حالی که با شمشیر گام برمیداشتم و فرمود: ای علی! تو نسبت به من، به منزله هارون نسبت به موسی هستی با این تفاوت که بعد از من پیامبری نیست و تو را آگاه میکنم که مرگ و زندگی تو با من و بر سنت من است. به خدا سوگند دروغ نگفتم و دروغ نشنیدم وگمراه نشدم و کسی به وسیله من گمراه نشد و آنچه که پروردگار بر من عهد کرد را فراموش نکردهام و من بر دلیلی روشن از پروردگارم هستم که برای پیامبرش تبیین کرد و پیامبر برای من تبیین کرد و من بر راه روشنی هستم که به لفظ بیانش میکنم، به خدا سوگند راست گفتی و حق گفتی پس نفرین خدا بر کسی باد که تو را با کسی که با تو ستیز کرد برابر کرد و خداوند جل اسمه میفرماید: {آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند} و نفرین خدا برکسی باد که کسی که خداوند ولایت تو بر وی فرض کرد را با تو برابر دانست در حالیکه تو ولی خدا، برادر رسول او، دفاعکننده از دین او هستی و کسی هستی که قرآن به بزرگیاش سخن گفت و خداوند متعال فرمود: {خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می کنند به درجه ای بر خانه نشینان مزیت بخشیده و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده و[لی] مجاهدان را بر خانه نشینان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده است [پاداش بزرگی که] به عنوان درجات و آمرزش و رحمتی از جانب او [نصیب آنان می شود] و خدا آمرزنده مهربان است}

و فرمود: {آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند پروردگارشان آنان را از جانب خود به رحمت و خشنودی و باغهایی [در بهشت] که در آنها نعمتهایی پایدار دارند مژده می دهد جاودانه در آنها خواهند بود در

حقیقت خداست که نزد او پاداشی بزرگ است} گواهی میدهم که تو به مدح خدا مخصوص و برای طاعت خدا مخلص هستی و برای هدایت جایگزین نخواستی و کسی را در عبادت پروردگارت شریک نکردی و خداوند متعال دعای پیامبرش را درباره تو استجابت کرد سپس او را به اظهار آنچه که برای تو در امتش برتری داد، امر نمود برای بالا بردن شأن تو و اعلانی برای برهان تو و ابطالی برای اباطیل و بریدن عذرها. و آنگاه که از فتنه فاسقان ترسید و بر تو بیم منافقان داشت پروردگار جهانیان بر او وحی فرمود: {ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد} پس بار مسیر را بر دوش گرفت و در گرمای نیمروزی برخاست و خطبه گفت و آن را به گوش رساند و ندا داد و ابلاغ کرد سپس از همه آنان سؤال کرد: آیا ابلاغ کردم؟ و همگی گفتند: آری. پس فرمود: بار خدایا شاهد باش سپس فرمود: آیا من از خود مؤمنان نسبت به آنان اولی نیستم؟ گفتند: آری پس دستت را گرفت و فرمود: هر که من مولایش بودم این علی مولای اوست. بارخدایا با هر که با او دوستی کرد دوستی کن و با هر که دشمنی کرد دشمنی کن و هر که یارياش کرد را یاری کن و هر که رهایش کرد را رها کن اما جز اندکی به آنچه خداوند درباره تو بر پیامبرش نازل کرد ایمان نیاوردند و اغلبشان جزء بر زیان نیافزودند و خداوند پیش از آن درحالیکه آنان اکراه داشتند درباره تو نازل فرموده است: {ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست.»

«ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده اند ولی خود بداند [پیروز است چرا که] حزب خدا همان پیروزمندانند} بارخدایا به آنچه که نازل فرمودی ایمان آوردیم و از رسول پیروی

کردیم و پس ما را به همراه شاهدان بنویس و دلهای ما را بعد از هدایتمان گمراه نکن و از جانب خود رحمتی به ما عطا کن که تو بسیار بخشوده هستی. بارخدایا ما میدانیم که این همان حق از جانب توست پس هر کس با او مخالفت کرد و بر او تکبر ورزید و او را تکذیب نمود و به او کفر ورزید نفرین کن. و کسانی که ستم کردند خواهد دانست به چه بازگشتی باز میگردند. سلام بر تو ای امیرمومنان، سرور اوصیاء، اولین عابدان و زاهدترین زاهدان و رحمت و برکات، درودها و تحیتهای او بر تو باد. که تو با محبت به خدا و با وجود علاقه به غذا اطعامکننده مسکین، یتیم و اسیر هستی، از آنها نه جزائی میخواهی نه سپاسی و خداوند درباره تو نازل فرمود: {آنها را بر خودشان مقدم می دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند ایشانند که رستگارانند}

و تو فروخورنده خشم و درگذرنده از مردم هستی و خداوند محسنان را دوست دارد و تو در خوشی و ناخوشی و به هنگام شدت صبور هستی، تو تقسیمکننده به مساوات، عادل در رعیت، عالم به حدود خدا درباره جمیع خلایق هستی و خداوند با این سخنش درباره فضلش برای کسی که تو را ولی گرداند خبر داده است: {آیا کسی که مؤمن است، چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند. اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به [پاداشِ] آنچه انجام می دادند در باغهایی که در آن جایگزین می شوند، پذیرایی می گردند. تو به علم تنزیل، حکم تأویل و نص رسول مخصوص هستی و مواقف مشهود، مقامهای مشهور و ایام مذکور، روز بدر و روز احزاب برای توست. {و آنگاه که چشمها خیره شد و جانها به گلوگاهها رسید و به خدا گمانهایی [نابجا] می بردید. آنجا [بود که] مؤمنان در آزمایش قرار گرفتند و سخت تکان خوردند. و هنگامی که منافقان و کسانی که در دلهایشان بیماری است می گفتند: «خدا و فرستاده اش جز فریب به ما وعده ای ندادند.» و چون گروهی از آنان گفتند: «ای مردم مدینه، دیگر شما را جای درنگ نیست ، برگردید.» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می خواستند و می گفتند: «خانه های ما بی حفاظ است» و[لی خانه هایشان] بی حفاظ نبود، [آنان] جز گریز [از جهاد] چیزی نمی خواستند. و خداوند متعال فرمود: {و چون مؤمنان دسته های

دشمن را دیدند، گفتند: «این همان است که خدا و فرستاده اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده اش راست گفتند»، و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان نیفزود.} پس عمرو آنان را کشتی و جمعشان را شکست دادی و خداوند کافران را به خشم خویش بازگردانید در حالی که به خیری دست نیافتهاند و خداوند مومنان را از جنگ حفاظت کرد و خداوند قوی شکست ناپذیر است. و روز احد زمانی که بالا میروند و به هیچ احدی توجه نمیکردند و حضرت رسول صلوات الله علیه آنها را به آخرتشان دعوت میکند و تو به وسیله آنها مشرکان را از نبی در سمت چپ و راست منحرف میکنی . تا اینکه خداوند آنها را درحالیکه ترسیده بودند از شما بازگرداند و بوسیله تو رهاشدگان را یاری کرد. و روز حنین که بر اساس آنچه که قرآن بیان کرد: {آن هنگام که شمار زیادتان شما را به شگفت آورده بود ولی به هیچ وجه از شما دفع [خطر] نکرد و زمین با همه فراخی بر شما تنگ گردید سپس در حالی که پشت [به دشمن] کرده بودید برگشتید آنگاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرود آورد} و مومنان تو و کسی که پی توست هستید. و عمویت عباس عقبنشستگان را ندا میداد: ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیت شجره تا اینکه قومی که ایشان را از رنج حفاظت کردی و بار را خود بر دوش گرفتی او را استجابت کردند که مایوس از ثواب، امیدوار به وعده خدا با توبه بازگشتند و این همان سخن خداوند جل ذکره است: {سپس خدا بعد از این [واقعه] توبه هر کس را بخواهد می پذیرد} و تو حائز درج صبر و رستگار به اجر عظیم هستی.

و روز خیبر آنگاه که خداوند ضعف منافقان را آشکار و کافران را ریشهکن کرد، و سپاس از آن خدای پروردگار جهانیان است و آنان از پیش با خدا عهد کرده بودند که پشت نکنند و عهد خدا مورد سوال قرار میگیرد مولای من تو حجت بالغ، دلیل واضح، نعمت کامل و برهان روشنگر هستی. پس خوشا به حال تو به سبب فضیلتی که خداوند عطایت کرد و هلاک باد دشمنت که صاحب جهل است.

همراه پیامبر صلّی الله علیه و آله تمامی جنگها و پیکارهایش را شرکت کردی و مقابل او پرچمدار بودی و در حضورش شمشیر می زدی سپس به جهت دوراندیشی، مشورت و بصیرتت در امور تو را چندین محل امیر کرد. و امیری بر تو

نبوده است. و چه بسا اموری که تقوا تو را از اجرای ارادهات باز داشت و غیر تو در امثال آن از امیال پیروی کردند و جاهلان گمان کردند که تو از آنچه که وی به آن رسیده است ناتوانی، به خدا سوگند گمانکننده آن در مورد تو گمراه شد و هدایت نیافت و آنچه که از آن اشکال گرفت را برای کسی که گمان کرد و در سخنت تردید کرد توضیح دادی و – درود خدا بر تو - فرمودی: انسان واقف به تحولات راه حیله را می بیند، ولی امر و نهی حق مانع از حیله گری اوست، پس با این که به چشم آن را می بیند، رهایش می سازد و کسی که حرجی در دین ندارد فرصت آن را غنیمت میشمارد. راست گفتی و باطلکنندگان زیان کردند و زمانی که آن دو پیمان شکن (طلحه و زبیر) با تو مکر کردند و گفتند: قصد عمره داریم و به آن دو فرمودی: به جان خودتان قسم که قصد عمره ندارید و قصد خیانت دارید. پس از آن دو بیعت گرفتی و تجدید میثاق کردی اما آن دو در نفاق تلاش کردند و زمانی که به آن دو درباره عملشان هشدار دادی غفلت کردند و بازگشتند و بهرهای نبردند و عاقبت امرشان زیان بود سپس شامیان در پی آن دو آمدند و تو بعد از اتمام حجت به سوی آنان حرکت کردی درحالیکه آنها به دین حق معتقد نبودند و در قرآن تدبر نداشتند عوام رعیت گمراه و به آنچه که خداوند در باره تو بر محمد نازل کرد کافر و بر مخالفان تو یاور بودند درحالیکه خداوند متعال به پیروی از تو امر کرده است و مومنان را به یاری تو فرا خوانده است و فرمود: {ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و با راستان باشید}. مولای من حق با تو آشکار شد و مردم آن را رها کردند سنتها را بعد از فرسودگی و نابودی آشکار نمودی و سابقه جهاد در راه تصدیق از آن توست و فضیلت جهاد بر تحقق تأویل از آن توست. و دشمن تو دشمن خدا و منکر رسول خداست که به باطل میخواند و ناعادلانه حکم میدهد و غاصبانه امارت میکند و یارانش را به آتش میخواند، و این عمار است که در میان صفین جهاد میکند و ندا میدهد حرکت، حرکت به سوی بهشت و زمانیکه طلب آب کرد، با شیر سیراب شد تکبیر گفت و گفت: رسول الله صلّی الله علیه و آله به من فرمود: آخرین شربت تو در دنیا شربتی از شیر است و تو را دسته ستمگر میکشد و ابوعادیه فزاری بر او غلبه یافت و به قتلش رساند. پس لعنت خدا، ملائکه خدا و

جمیع رسولانش بر ابوعادیه و بر هر آن کس که علیه تو شمشیر کشید و تو بر او شمشیر کشیدی باد ای امیر مومنان! از میان مشرکان و منافقان تا روز جزا. و بر هر کسی که به آنچه برایت ناپسند بود خشنود شد و از آن بیزاری نجست و چشمانش را بست و انکار نکرد یا اینکه با دست یا زبان علیه تو یاری کرد، یا اینکه از یاری تو باز نشست، یا از جهاد همراه تو سستی کرد، یا فضل تو را خوار شمرد، یا تو را با کسی که خداوند تو را از خودش بر او اولی قرار داده است برابر دانست باد. و درود و رحمت و برکات، سلام و تحیات او بر تو و بر ائمه از خاندان مطهر تو باد که تو ستوده سزاوار ستایش هستی.

و امر شگفتتر و واقعه عظیمتر بعد از انکار حق تو، غصب فدک از صدیقه طاهره زهرا، بانوی زنان، سلام الله علیها و ردّ شهادت و شهادت دو سرور، سلاله تو و عترت مصطفی که درود خدا بر شما باد است. در حالی که خداوند متعال درجه شما را بر امت متعالی کرد و منزلتتان را رفعت بخشید و فضلتان را آشکار کرد و بر جهانیان شریفتان گردانید و آلودگی را از شما زدود و شما را بسیار پاکیزه گردانید و خداوند عزوجل فرمود: {به راستی که انسان سخت آزمند [و بی تاب] خلق شده است چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند و چون خیری به او رسد بخل ورزد غیر از نمازگزاران} و خداوند متعال نبی برگزیدهاش و تو را ای سرور اوصیاء از تمامی خلائق استثناء کرد و چقدر کسی که بر تو ستم کرد، از حق سرگردان است و سهم خویشاوندان را از روی مکر به تو عاریه دادند و به ستم از اهلش منع کردند، و زمانی که امر به تو رسید در رویگردانی از آنها به سمت آنچه که نزد خدا برای توست آنها را بر آنچه که اجرا کردند جاری نمودی و محنت تو به آن دو شبیه محنتهای انبیاء به هنگام تنهایی و عدم وجود یاران شد و در خفتن بر بستر، شبیه اسماعیل ذبیح علیه السلام شدی آنگاه که چنانکه او پاسخ داد پاسخ دادی و چنانکه اسماعیل صبورانه در طلب پاداش اطاعت کرد اطاعت کردی آنگاه که به او فرمود: {ای پسرک من! من در خواب [چنین] می بینم که تو را سر می برم پس ببین چه به نظرت می آید گفت ای پدر من آنچه را مأموری بکن ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت} و تو چنین بودی آنگاه که پیامبر صلّی الله علیه و آله تو

را خواباند و به تو امر کرد که در حفاظت از او با جان خویش در بسترش بخسبی مطیعانه و درحالیکه خود را برای کشته شدن مهیا کردهای به اجابتش شتافتی پس خداوند متعال از طاعتت شکرگزاری کرد و عمل نیکت را با این سخن آشکار کرد: {و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد} سپس محنتت در روز صفین که قرآنها به مکر و حیله بالا رفت و شک عارض شد و حق شناخته شد و از ظن پیروی شدی به محنت هارون شبیه بود آنگاه که موسی او را بر قومش امیر کرد و آنها از او پراکنده شدند و هارون آنها را ندا میداد و میگفت: {ای قوم من شما به وسیله این [گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته اید و پروردگار شما [خدای] رحمان است پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا پذیرا باشید گفتند ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما بازگردد} و توچنین بودی آنگاه که قرآنها بالا رفت گفتی: ای قوم شما فریب و نیرنگ آن را خوردهاید اما از تو سرکشی کردند و با تو مخالفت کردند و خواستار نصب دو داور شدند و بر آنان امتناع کردی و از کردارشان به خدا برائت جستی و آن را به آنان سپردی و زمانی که حق نمایان شد و بطلان امر انکارشده آشکار شد و به لغزش وانحراف از قصد اعتراف کردند و پس از آن دچار اختلاف شدند و تو را بر حماقت تحکیم ملزم کردند که از آنان امتناع کردی و آنها دوست داشتند و از آن منع کردی و آنان گناهی که مرتکب شدند را مباح شمردند و تو بر طریقت بصیرت و هدایت بودی و آنها بر سنتهای ضلالت و گمراهی و پیوسته بر نفاق مصرّ و در گمراهی بودند تا اینکه خداوند عاقبت کارشان را به آنان چشانید و هر که با تو دشمنی کرد را با شمشیر تو هلاک کرد پس نگونبخت شد و سقوط کرد و هر که سعادتمند شد را با حجت تو زنده گماشت پس هدایت شد. درود خداوند در صبحگاه و شامگاه در حالت اقامت و حرکت بر تو باد.

ستایشگر به وصف تو احاطه نمییابد و طعنهزننده فضیلت تو را باطل نمیکند که تو برترین مردم در عبادت، خالصترین آنها در زاهد، مدافعترین آنها در دین هستی که حدود خدا را با تلاشت بر پاداشتی و لشکریان مارقین را با شمشیرت درهم شکستی، آتش جنگها را با انگشت خاموش میکنی و با بیانت پرده های

شبهه را می دری و آمیختگی باطل را از صراحت حق آشکار میکنی و در راه خدا نکوهش نکوهشگری تو را نمیگیرد و در ستایش، خداوند متعال برای تو، از ستایش ستایشگران و ستایش توصیفگران بینیازی است. خداوند متعال فرمود: {از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند} و زمانیکه دیدی که ناکثین، قاسطین و مارقین را هلاک کنی و وعده رسول الله صلّی الله علیه و آله تو را تصدیق کرده است، به عهدش وفا نمودی و فرمودی: آیا زمان آن نرسیده است که این محاسن را با خون سرم رنگین کنم یا چه زمانی نگونبختترین آن برانگیخته میشود در حالی که بر این اطمینان دارد که تو بر دلیلی روشن از جانب پروردگارت و بر بصیرتی درباره امرت بر خدا وارد میشوی در حالی که به بیعتی که بر آن بیعت کردی شادمان هستی و آن همه رستگاری بزرگ است. بار خدایا قاتلان انبیاء و اوصیاء انبیائت را با تمامی لعنتهایت لعنت کن و آنان را در حرارت آتشت بسوزان و کسی که حق ولیات را غصب کرد و عهدش را انکار کرد و بعد از یقین و اقرار به ولایت او در روزی که دین را برای او کامل کردی انکار کرد نفرین کن. بارخدایا قاتلان امیرمومنان، و کسی که بر او ستم کرد و پیروان و یاران آنها را نفرین کن.

بارخدایا ظالمان حسین علیه السلام، قاتلان او، پیروان و یاوران دشمنش و راضیان به قتل او و رهاکنندگان او را نفرینی سخت کن و بار خدایا اولین ستمکاری که بر خاندان محمد ستم کرد و مخالفان حقوق آنها را نفرین کن. بار خدایا اولین ظالم و غاصب خاندان محمد را به نفرین مخصوص بگردان و هر سنتگذاری را به سبب آنچه که وضع کرد تا روز قیامت به نفرین مخصوص بگردان بارخدایا بر محمد و خاندان محمد، خاتم انبیاء و بر علی سرور اوصیاء و خاندان مطهر او درود بفرست و ما را متوسلین به آنها و به ولایت آنها، از رستگاران ایمنی که نه خوفی بر آنان است و نه اندوهی قرار بده.

توضیح : این سخن او «محجمون»، «أحجم عن الأمر» با تقدیم حاء بر جیم گفته میشود یعنی خودداری کرد یا از ترس عقب نشست و با تقدیم جیم نیز به

معنی خودداری است و اکثر نسخهها بر مورد اول هستند. «عَنَدَ عن الطریق» گفته میشود یعنی منحرف شد. «و للتقی محالفاً» در سخن حضرت، باحاء است و «المحالفه» یعنی برادری و اینکه هر یک از دو دوستِ بر همراهی و یاری و توافق دیگری سوگند میخورد. «ما اتقیت ضارعاً» در سخن او یعنی نه خوار و ذلیل بلکه برای اطاعتِ امر خداوند متعال و رسول او. «الناکل» یعنی ضعیف و ترسو. «مراقباً» در کلام او یعنی منتظر حاصل شدن منفعت دنیوی. «و لایحفل بکذا» گفته میشود یعنی به آن اعتنا نمیکند. «أفکَ» بر وزن «ضرب و علم» و «افکاً» با کسره، فتحه و حرکت گفته میشود یعنی دروغ گفت. «أولی له» کلمه تهدید و وعید است و اصمعی گوید معنایش این است که آنچه هلاکش می کند، به او نزدیک شد. «شره» بر وزن «فرح» غلبه حرص است. «الحطام» هر چیزی است که از شدت خشکی بشکند و زینتهای دنیا و اموال آن به آن شبیه بوده است.

و جزری[1]

در حدیث روزه گوید: «فان عمی علیکم» گفته شده از ریشه عما، ابر لطیف است یعنی آنچه که دیدگان را از رؤیتش بازداشت مانع آن شد. این سخن او «ذائد الحق» یعنی از او دفاع کرد. «و لفحت النار بِحَرّها» گفته میشود یعنی سوزاند و «الکالح» کسی است که لبهایش از دندانهایش کوتاه باشد چنانکه سرگوسفندان ناقص میشود زمانیکه با آتش سوزانده میشود. و گفته شده «کالحون» یعنی عبوسان. «مضی قُدُما» با دو ضمه و گاه سکون دال گفته میشود زمانی که منحرف و متمایل نشود. این سخن او «ألفظه لفظا» یعنی آن را به عنوان سخنی حق میگویم و در آن به کسی که اعتنایی نمیکنم. «فوضع علی نفضه اوزار المسیر» یعنی بارهای مسیر به سوی جایگاه خطیری که گمان برانگیختن فتنهها در آن است را با اقامه حجت بر دوش گرفت و نتیجه اینکه منظور باورهای معنوی است و محتمل است که مقصود مشقتهای جسمی نیز باشد. «الرمضاء» زمین پرحرارت است و «هجیر» نیمروز به هنگام زوال خورشید همراه ظهر یا به هنگام

1- . النهایه 3 : 147

زوال آن تا عصر و شدت حرارت است و فیروزآبادی(1)

گوید: «اولیتُه» یعنی هر کسی که در ابتدا بدون مکافات به او عطا کردم.

این سخن او «أنت تذود بهم المشركين» در نسخههایی که نزد ماست چنین است و شاید باء برای بدل باشد یعنی به جای آنها یا به معنی عن باشد و ممکن است که با ضمه یاء و سکون هاء جمع «بهیم» قرائت شود و این مجهولی است که شناخته نمیشود و بهتر است که آن تصحیف «الدهم» با فتحه دال و سکون هاء باشد و آن تعداد زیاد یا مصدر از «دهمه» بر وزن «سمع و منع» است آنگاه که آن را در بربگیرد. و این سخن او «و من یلیک» یعنی کسی که در این موضع همراه تو و در نزدیکی تو باشد. یا کسانی از ائمه علیهم السلام که بعد از تو هستند. و «الخور» با حرکت ضعف است، «قطع دابر الکافرین» در سخن او «دابر» یعنی آخر و یعنی آخرین کسی از آنان که باقی ماند را هلاک کرد کنایهای است از ریشهکن کردن آنان. این سخن او «تبا لشانئک»، «التب» هلاکت است و منصوب به فعلی مقدّر است و «الشانئ» یعنی دشمن. جزری گوید(2):

«الحول» صاحب تصرف و حیله در امور است و «القلب» مرد آگاه به امور است که بر مرکب لجوج و رام سوار شده است و آن را وارونه کرده است. و در امورش حیلهگری است که به خوبی چهره عوض میکند. «من لا جریحه له فی الدین» در نسخههای نزد ما نیز با تقدیم جیم بر حاء است و ممکن است که تصغیر «جرح» باشد یعنی هیچ امری را در دینش آسیب رسان نمیبیند و درست چیزی است که در نهج البلاغه(3) با تقدیم حاء بر جیم آمده است. چنین نقل کرده است:

و در زمانهای هستیم که اکثر مردمش خیانت را زیرکی پنداشتهاند و جاهلان آنان را در آن به حسن حیله نسبت میدهند و آنان را چه میشود خداوند آنان را

1- . آنچه که از فیروزآبادی نقل کرده است در القاموس موجود نیست بلکه دقیقا همین مطلب در النهایه 4 : 264 وجود دارد بر این اساس، به جای «فیروزآبادی گوید». «جزری گوید» صحیح است.
2- . النهایه 1 : 307

3- . نهج البلاغه 1 : 88

بکشد حیلهگران متغیر روی حیله را دیدهاند و میان آن و امر و نهی خداوند مانعی است پس رؤیت دیده بعد از قدرت بر آن، آن را رها میکند و کسی که آسیبی در دین ندارد فرصت آن را غنیمت میشمارد.

و ابن ابی حدید گوید(1): یعنی کسی که حرجی ندارد و «التحرج» یعنی خودداری از گناه و «الحریجه» یعنی تقوا. فیروزآبادی(2)

گوید: «غفل عنه غفولاً» یعنی آن را ترک کرد و از آن غفلت کرد مانند «أغفله» یا «غفل» یعنی غافل شد و «غفل عنه واغفله» یعنی غفلتش به او رسید و جزری(3) در حدیث علی علیه السلام گوید: «و سائر الناس همج رعاع»، «الهمج» یعنی رذالت مردم، و «الهمج» مگس کوچکی است که بر صورت گوسفند و الاغ میافتد و گفته شده پشه است و رعایای مردم را به آن تشبیه کرده است و «رعاع الناس» توده پست مردم، اراذل و اخلاط آنان است(4)

پایان. «الطمس» یعنی نابودی، «علی تصدیق التنزیل» در سخن او یعنی کسانی که امیرمومنان علیه السلام در زمان رسول الله صلّی الله علیه و آله با آنان پیکار می کرد به نص قرآن و تنزیل آن کافر بودند و کسانی که پس از او با آنان نبرد کرد به تأویل قرآن به آنچه که رسول صلّی الله علیه و آله در باره آن خبرداده بود کافر بودند و سخن درباره آن در کتاب احوال امام علیه السلام بیان شد.

جزری(5)

در حدیث عمار میگوید: آخرین شربتی که نوشید شربت شیر بود و «الضیاح و الضیح» با فتحه شیر غلیظی است که در آن آب ریخته میشود و مخلوط میگردد. این را در روزی که در صفین کشته شد روایت کرد. و شیر آورده شد تا بنوشد. پایان. «الغمط» یعنی خوار و حقیر شمردن و فعل آن بر وزن «ضرب و علم» است. این سخن او «افرضوک سهم ذوی القربی» یعنی سهم و نصیبی از آن برای اغفال مردم به تو دادهاند. این سخن امام «احادوه» یعنی آن را منحرف کردند و منع

1- . شرح نهج البلاغه معتزلی 1 : 217

2- . القاموس 4 : 25
3- . النهايه 4 : 269
4- . النهايه 2 : 93
5- . النهايه 3 : 93

کردند. این سخن او «رغبه عنهما» یعنی فدک و سهم خویشان یا از آن دو ملعون و مکافاتشان در آنچه کردند و نقض آنچه که ساختند. این سخن امام «فأعرض الشک» یعنی حرکت کرد و در گمراه کردن مردم تلاش کرد یا اینکه نمایان شد. جوهری(1)

گوید: «أعرض فلان» یعنی در عرض و طول رفت و «عرضت الشیء فاعرض» یعنی آن را نمایان کردم پس نمایان شد. و «اسفر الصبح» گفته میشود یعنی روشن شده و طلوع کرد. «سفه المنکر» در کلام او بر وزن «علم» یعنی حماقتش و بطلانش آشکار شد، و ممکن است که «سفه» بر بنای مجهول از باب تفضیل خوانده شود. «القصد» استواری راه، و «الجور»، انحراف از راه راست است و «جار عن الطریق» گفته میشود. این سخن او «و أباحوا ذنبهم» در نسخهها چنین است و شاید از نوع قرار دادن اسم ظاهر در موضوع ضمیر باشد و اظهر آن است که بگوییم چیزی از آن افتاده است. «التقریظ» یعنی ستایش و در بعضی نسخهها با قاف و ظاء به همان معنا آمده است و این بهتر و بلیغتر است.

میگویم: تفسیر آیاتی که این زیارت بر آن مشتمل است و اخبار فضائل و غزواتی که به آنها اشاره کرده به صورت مفصل در کتاب احوال امام علیه السلام و کتاب فتن، کتاب احوال پیامبر صلّی الله علیه و آله بیان شد و هر که قصد اطلاع بر آنها را داشت به آن مراجعه کند.

7. شهید در مزارش(2)

گوید: و زمانی که قصد زیارت او را در روز غدیر داشتی غسل کن و پاکیزهترین لباست را بر تن کن و چون به مرقد مطهر رسیدی و بر باب قبه ایستادی و قبر را دیدی برای دخول اذن بخواه و بگو:

بارخدایا من بر در خانهای از خانههای نبی صلّی الله علیه و آله ایستادهام و تو مردم را از ورود به خانههای او جز به اذن پیامبرت منع کردی و فرمودی: {ای کسانی که ایمان آورده اید داخل اتاقهای پیامبر مشوید مگر آنکه به شما اجازه داده شود} و من به حرمت پیامبرت در زمان غیبتش معتقدم چنانکه در زمانش حضورش به آن معتقد هستم و میدانم که رسول و جانشینانت نزد تو روزی داده

1- . صحاح اللغه جوهری 3 : 1084
2- . مزار شهید: 19

میشوند و در این زمان مکانم را میبینند و سخنم را میشنوند و تو سخن آنان را از شنیدن من منع کردهای و باب فهمم را بر مناجاتهای شیرین آنان گشودهای. پس پروردگارا اراده از آن توست پس از رسولت و از جانشینت امامی که اطاعتش بر من واجب است در ورود در این ساعت اذن میخواهم و از ملائکه گماردهشدههات بر این بقعه مبارک که مطیع تو و شنوایند، اذن میخواهم. سلام بر شما ای ملائکه گماردهشده بر این مرقد مبارک و رحمت و برکات خداوند بر شما باد. به اذن خدا و به اذن رسول خدا، اذن جانشینانش و اذن این امام و اذن شما که درود خدا بر همگی شما باد وارد این بیت میشوم درحالیکه به خدا و رسولش محمد و خاندان مطهر او تقرب میجویم. ای ملائکه خدا یاران و یاوران من باشید تا وارد این خانه شوم و با انواع دعا خدا را بخوانم و نزد خدا به عبودیت و برای این امام و پدرانش به طاعت اعتراف کنم. سپس با مقدم داشتن پای راستت وارد شو حرکت کن تا بر ضریح بایستی و قبله را میان شانههایت قرار بده و بگو: سلام بر محمد رسول خدا تا پایان آنچه که از زیارت طولانی بیان شد.(1)

و سید بن طاوس(2)

برای این روز زیارتی را که از مصباح شیخ طوسی در زیارتهای عام نقل کردیم، ذکر کرده و به زیارت جعفی که مفید در ابتدا ذکر کرده است اشاره نموده است و اگر خواستی او را در این روز با آن زیارت که زین العابدین علیه السلام در این روز او را با آن زیارت کرده است زیارت کن. و همچنین شیخ در المصباح این دو زیارت را برای این دو روز ذکر کرده است و از آنجا که چیزی که دلالت بر اختصاص آن به این روز کند را نیافتیم آن دو را در زیارات عام آوردهایم.

8. اقبال الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که در روز غدیر در مرقد مولایمان امیرمومنان علیه السلام بودی بعد از نماز و دعا به قبرش نزدیک شو و اگر از او دور بودی یعد از نماز به او اشاره کن و دعا این است:

1- . مزار شهید: 20 - 27
2- . مصباح الزائر: 84 و 88

بار خدایا بر ولیات، برادر، وزیر، حبیب و خلیل پیامبرت، محل راز او، برگزیده او از خانوادهاش، وصی، برگزیده، خالص و امین و وصی او، شریفترین عترت او از کسانی که به او ایمان آوردند، پدر فرزندان او، دروازه حکمت او، سخنگو به حجت او، دعوتکننده به شریعت او، اجراکننده سنت او، جانشین او بر امتش، سرور اوصیاء، امیر مومنان، پیشوای سفیدرویان ممتاز، برترین صلواتی را که بر یکی از خلائق، برگزیدگان و اوصیاء انبیایت فرستادی، بفرست. بار خدایا من گواهی می دهم که او آنچه که بر وی حمل شد را از جانب پیامبرت ابلاغ کرد. و آنچه به او سپرده شده را رعایت کرد و آنچه به امانت سپرده شد را حفظ کرد حلالت را حلال و حرامت را حرام کرد احکامت را برپاداشت و به راه تو دعوت کرد و با دوستانت دوستی و با دشمنانت دشمنی کرد. با تجاوزگران از راهت، قاسطین و منحرفین از امرت صبورانه و در امید پاداش رویکننده نه پشتکننده جهاد کرد. در راه خدا نکوهش هیچ نکوهشگری به او نمیرسد تا اینکه در آن به رضا رسید و قضا را به تو سپرد و خالصانه عبادتت کرد و تلاشگرانه برای تو خلوص ورزید تا اینکه مرگش فرا رسید و تو او را شهید سعادتمند ولیّ تقی پسندیده پاک هدایتگر هدایتیافته به سوی خود گرفتی. خدایا بر محمد و بر او بهترین درود که بر یکی از انبیاء و برگزیدگان فرستادی را بفرست ای پروردگار جهانیان.(1)

و از جمله آنها زیارت روز هفدهم ماه ربیع الاول است روزی که میلاد نبی صلّی الله علیه و آله است و نظر عده کمی از اصحابمان مانند کلینی بر این است که مولد، دوازدهم ربیع الاول است چنانکه در میان مخالفان مشهور است و ضعف این قول در هنگام آوردن اعمال مستحبی این روز بیان شد.

9. شیخ مفید و شهید(2) و سید بن طاوس در کتاب اقبال(3)

گویند: روایت است که جعفر بن محمد صادق علیه السلام امیرمومنان علیه السلام را در این روز با این زیارت زیارت نموده و آن را به محمد بن مسلم آموخت و به او فرمود : زمانی که به

1- . الاقبال: 711
2- . مزار شهید: 27 - 30

3- . الاقبال: 80

مرقد امیرمومنان علیه السلام آمدی برای زیارت غسل کن پاکترین لباست را بر تن کن و عطری ببوی و باید باسکون و وقار باشی و چون به باب السلام رسیدی به قبله روی کن و سی مرتبه تکبیر بگو و بگو:

سلام بر رسول خدا، سلام بر برگزیده خدا، سلام بر بشیر نذیر چراغ روشنگر و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر پاکی پاک، سلام بر پرچم درخشان، سلام بر یاریشده تأییدهشده، سلام بر ابی القاسم محمد و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر انبیاء مرسل خدا و بندگان صالح او، سلام بر ملائکه حلقهزده بر این حرم و بر این ضریح و پناه آورده به آن.

سپس به قبر نزدیک شو و بگو: سلام بر تو ای وصی اوصیاء سلام، بر تو ای ستون متقیان، سلام بر تو ای ولی اولیاء، سلام بر تو سرور شهدا، سلام بر تو ای نشانه بزرگ خدا، سلام بر تو ای پنجمین اهل عباء، سلام بر تو ای پیشوای سفیدرویان برجسته متقی، سلام بر تو ای عصمت اولیاء، سلام بر تو ای زینت موحدان نجیب، سلام بر تو ای خالص دوستان، سلام بر تو ای پدر امامان امین، سلام بر تو ای صاحب حوض و حامل پرچم، سلام بر تو ای تقسیمکننده بهشت و آتش، سلام بر تو ای کسی که مکه و منی با او شرافت یافت، سلام بر تو ای دریای دانشها و پناه فقراء، سلام بر تو ای کسی که در کعبه زاده شد و در آسمان به ازدواج بانوی زنان در آمد و ملائکه برگزیده شاهدش بودند. سلام بر تو ای چراغ روشنی، سلام بر تو ای کسی که پیامبر او را به بخشش فراوان مخصوص گردانید. سلام بر تو ای کسی که بر بستر خاتم انبیاء خفت و با جان خویشتن او را از شر دشمنان حفظ کرد. سلام بر تو ای کسی که خورشید برایش بازگردانده شد و از شمعون صفا برتری یافت، سلام بر تو ای کسی که خدا کشتی نوح را با نام او و نام برادرش آنجا که آب در پیرامونش متلاطم شد و بالا آمد نجات داد، سلام بر تو ای کسی که خداوند به وسیله او و برادرش توبه آدم را آنگاه که فریب خورد پذیرفت، سلام بر تو ای کشتی نجات که هر که بر آن سوار شود نجات مییابد و هر که از آن تأخیر کند سقوط میکند. سلام بر کسی که افعی و گرگ بیابان را خطاب کرد، سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای امیرمومنان، سلام بر تو ای حجت خدا بر هر کسی که کفر

ورزید و توبه کرد، سلام بر تو ای میزان روز حساب، سلام بر تو ای صاحب حکم فصل و ناطق به حق، سلام بر تو ای صدقهدهنده با انگشتر در محراب، سلام بر تو ای کسی که در روز احزاب خداوند با او مومنان را از جنگ حفاظت کرد، سلام بر تو ای کسی که وحدانیت را برای خداوند خالص کرد و بازگشت، سلام بر تو ای قاتل خیبر و از جاکننده دروازه، سلام بر تو ای کسی که بهترین مردمان او را به خفتن در بستر خویش فرا خواند و او خود را برای مرگ تسلیم نمود و اجابت کرد. سلام بر تو ای کسی که طوبی و بهترین بازگشتگاه از آن اوست و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر تو ای صاحب عصمت دین و ای سرور سروران، سلام بر تو ای صاحب معجزات، سلام بر تو ای کسی که سوره عادیات در فضیلت او نازل شد، سلام بر تو ای کسی که نامش در آسمانها بر روی سراپردهها نوشته شده است، سلام بر تو ای مظهر شگفتیها و نشانهها، سلام بر تو ای امیر غزوهها، سلام بر تو ای خبردهنده از آنچه سپری شد و از آنچه آمدنی است. سلام بر تو ای خطابکننده گرگ بیابانها، سلام بر تو ای پایاندهنده تعداد کثیر و جداکننده مشکلات. سلام بر تو ای کسی که ملائکه آسمانها از یورشهایش در نبرد در شگفت شدند، سلام بر تو ای کسی که با رسول خدا نجوا کرد و پیش از نجوایش صدقه بخشید. سلام بر تو ای پدر امامان نیکوکارو سرور، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر تو ای دنباله پیامبر مبعوث، سلام بر تو ای وارث علم بهترین موروث، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر تو ای امام متقیان، سلام بر تو ای یاری اندوهگینان. سلام بر تو ای عصمت مومنان، سلام بر تو ای آشکارکننده برهانها، سلام بر تو ای طه و یس، سلام بر تو ای ریسمان محکم خدا، سلام بر تو ای کسی که انگشتر خویش را بر مسکین صدقه داد. سلام بر تو ای جدا کننده صخره از دهانه چاه و آشکارکننده آب جاری، سلام بر تو ای چشم بینای خدا و دست گشاده او و زبان گویای او درباره او در میان تمامی خلائقش، سلام بر تو ای وارث علم انبیاء، و محل سپردن علم اولینها و آخرینها و صاحب لوای حمد و ساقی اولیای او از حوض خاتم انبیاء، سلام بر تو ای رئیس دین و پیشوای سفیدرویای برجسته و پدر ائمه پسندیده، ورحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر نام خشنود خدا و سیمای روشنگر و

جانب قوی و صراط استوار او، سلام بر امام متقی مخلص برگزیده، سلام بر کوکب دری، سلام بر ابوالحسن علی و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر ائمه هدایت و چراغهای تاریکی، پرچمهای تقوا، مناره هدایت، صاحبان خرد، پناه مردم، ریسمان محکم و حجت بر اهل دنیا، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر نور نورها، حجتهای جبار، پدر ائمه اطهار، تقسیم کننده بهشت و آتش، خبردهنده از آثار ویرانگر بر کفار، نجاتدهنده شیعه مخلص از بارهای سنگین، سلام بر مخصوص به طاهره متقی دختر برگزیده، مولود در خانه پردهدار، ازدواج کرده با نیکوکار طاهره خشنود مورد خشنودی، دختر اطهار و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر خبر بزرگی که آنان در آن دچار اختلاف هستند و بر آن عرضه میشوند و درباره آن سوال میشوند، سلام بر نور درخشان خدا، و روشنی تابان او و رحمت و برکات او بر تو باد. سلام بر تو ای ولی خدا و حجت خدا در او و خالص و خاص خدا. گواهی می دهم که تو ولی و حجت خدا هستی، در راه خدا حق جهادش را به جای آوردی و از طریقت رسول الله صلّی الله علیه و آله پیروی کردی و حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام کردی، احکامش را آغاز کردی و نماز بر پاداشتی و زکات دادی و به معروف امر و از منکر نهی کردی. و در راه خدا صبورانه و خالصانه و تلاشگرانه و به حساب اجر بزرگ نزد خدا جهاد کردی تا اینکه مرگت فرا رسید. و نفرین خدا باد بر کسی که تو را از حقت دور کرد و از مقامت بر کنار کرد، و نفرین خدا بر کسی که این امر به او رسید و به آن راضی شد. خدا، ملائکه، انبیاء و رسولان او را گواه میگیرم که من دوست کسی هستم که با تو دوستی کند و دشمن کسی هستم که با تو دشمنی کند. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

سپس بر روی قبر خم شو و آن را ببوس و بگو: گواهی میدهم که تو سخنم را میشنوی و مقامم را میبینی برای تو ای ولی خدا به ابلاغ و ادا گواهی میدهم ای مولای من ای حجت خدا، ای امین خدا، ای ولی خدا، که میان من و خداوند عزوجل گناهانی است که پشتم را سنگین کرده و مرا از خواب بازداشته است، یاد آن درونم را آشفته میسازد و به سوی خداوند عزوجل و به سوی تو گریختهام پس به حق کسی که تو را بر راز خویشتن امین کرد و امر خلافتش را به تو سپرد و

طاعتت را به طاعت خویش و دوستیات را به دوستی خویش قرین ساخت نزد خدا شفیع من، از آتش پناه من و بر روزگار تکیهگاه من باش. سپس بار دیگر بر روی قبر خم شو و آن را ببوس و بگو: ای ولی خدا ای حجت خدا، ای باب ساحت خدا، دوستت، زائرت، پناهآورنده به قبرت، واردشونده بر آستانت، مقیمکننده مرکبش در جوارت از تو میخواهد که در برآوردهشدن حاجتش و پیروزی خواستهاش در دنیا و آخرت نزد خداوند برایش شفاعت کنی که نزد خداوند مقامی بزرگ و شفاعتی مقبول برای توست. پس مرا ای مولای من مورد اهتمام خود قرار بده و مرا در یاران خویشتن داخل کن، سلام بر تو و بر یاران هم جوارت آدم و نوح، سلام بر تو و بر فرزندانت حسن و حسین و بر ائمه اطهار از ذریهات و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

سپس شش رکعت برای امیر مومنان علیه السلام، دو رکعت برای زیارت، دو رکعت برای آدم علیه السلام و دو رکعت برای نوح علیه السلام میخوانی و بسیار خدا را بخوان که ان شاء الله و تعالی اجابت خواهی شد.

توضیح: جزری(1)

درباره آن میگوید «امتی الغرّ المحجّلون» یعنی محلهای وضو از دست و پا در آنان سفید است اثر وضو در صورت و دست و پای برای انسان را از سفیدیای که در سیمای دست و پای اسب است استعاره گرفته است پایان. «المساماه» یعنی برتری یافتن و فخر فروشی بر وزن مفاعله از سمو به معنی برتری و رفعت است. «طمی البحر» گفته میشود زمانی که امواجش بالا بیاید. این سخن او «هوی» یعنی هلاک شد. این سخن او «یا قاتل خیبر» از قبیل اضافه «کریم البلد» است یعنی ای قاتل در خیبر و شاید در اصل «قاتل مرحب» بوده است و در اقبال و جزء آن یا «قالع باب خیبر الصیخود» من الصلاب آمده است «صخره صیخود» گفته می شود یعنی صخره سخت.

می گویم: مولف المزار الکبیر این زیارتها را از محمد بن مسلم روایت کرد و به این روز مختص نکرد و از آن روشن میشود که آن از زیارتهای عام است و از

1- . النهايه 1 : 237

جمله آن زیارت در شب و روز مبعث است یعنی بیست و هفتم ماه رجب بر قول مشهور بین شیعه و بلکه مورد اتفاق نزد آنان است.

10. شیخ مفید، سید و شهید رحمهم الله میگویند: زمانی که قصد آن را داشتی بر باب قبه شریفه مقابل ضریحش بایست و بگو: گواهی میدهم که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست و شریکی برای او نیست، گواهی می دهم که محمد بنده و رسول خداست و علی بن اب طالب امیر مومنان بنده خدا و برادر رسول اوست. و ائمه اطهار از فرزندان او حجتهای خدا بر خلقش می باشند. سپس داخل شو و بر ضریحش رو به او و در حالیکه قبله پشت سرت است بایست سپس صد مرتبه تکبیر خدا بگو(1)

و بگو: سلام بر تو ای وارث آدم، جانشین خدا، سلام بر تو ای وارث موسی کلیم الله، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد سرور رسولان، سلام بر تو ای امیر مومنان، سلام بر تو ای امام متقیان، سلام بر تو ای سرور اوصیاء، سلام بر تو ای وصی رسول پرودگار جهانیان، سلام بر تو ای وارث علم اولینها و آخرینها، سلام بر تو ای بناء عظیم، سلام بر تو ای صراط مستقیم، سلام بر تو ای تهذیبشده گرامی، سلام بر توای وصی متقی، سلام بر تو ای پاک خشنود. سلام بر تو ای ماه تابان، سلام بر تو ای صدیق اکبر، سلام بر تو ای فاروق اعظم، سلام بر تو ای چراغ روشنگر، سلام بر تو ای امام هدایت، سلام بر تو ای پرچم تقوا، سلام بر تو ای حجت بزرگ خدا، سلام بر تو ای ویژه و خالص خدا، و امین برگزیده او و دروازه و حجت خدا معدن حکم و سرّ خدا و محل علم خدا و خزانهدار او و سفیر خدا در میان خلقش. گواهی می دهم که نماز را به پا داشتی و زکات را دادی و به معروف امر کردی و از منکر نهی کردی و از رسول پیروی کردی و حق تلاوت کتاب را به جای آوردی، و از جانب خدا ابلاغ کردی و به عهد خدا وفا نمودی و کلمات خدا به وسیله تو سرانجام گرفت و در راه خدا حق جهادش را به جا آوردی و برای خدا و رسول او صلّی الله علیه و آله خلوص ورزیدی و صبورانه، به امید پاداش و جهادگرانه از دین خدا، در راه حفاظت از رسول الله صلّی

1- . مصباح الزائر: 93 و مزار الشهید: 30

الله علیه و آله و در طلب آنچه نزد خداست و مشتاقانه به آنچه خداوند وعده داده است جان خویش را نثار کردی و به خاطر راهی که بر آن بودی شهید و گواه و مشهود گشتی، پس خداوند درباره رسولش، اسلام و اهل اسلام از راستان بهترین جزا را به تو دهد. گواهی میدهم که تو اولین قوم در اسلام، خالصترین آنها در ایمان، بیشترین آنها در یقین، خائفترین آنها از خدا، بزرگترین آنها در رنج، محتاطترین آنها بر رسول الله صلّی الله علیه و آله، برترین آنها در مناقب، بیشترین آنها در سوابق، رفیعترین آنها در درجه، شریفترین آنها در منزلت و بخشندهترین آنها بر او هستی. زمانی که سستی کردند قوی شدی و بر طریقت رسول الله صلّی الله علیه و آله پابند شدی. گواهی میدهم که تو علیرغم وجود منافقان، خشم کافران و کینه فاسقان جانشین بر حق و بلامنازع او بودی ، زمانی که ناکام ماندند به امر پرداختی و چون در کلام دچار لغزش شدند به سخن در آمدی و با نور خدا حرکت کردی آنگاه که توقف کردند، پس هر که از تو پیروی کرد هدایت یافت. تو اولین آنها در کلام، شدیدترین آنها در خصومت، صحیحترین آنها در سخن، استوارترین آنها در اندیشه، شجاعترین آنها از نظر قلب، بیشترین آنها در یقین، بهترین آنها در کردار و آگاهترین آنها به امور بودی، برای مؤمنان پدری مهربان بودی آنگاه که باری بر دوش تو شدند پس سنگینی آنچه که از آن ضعیف شدند را حمل کردی و آنچه که تباه کردند را حفظ کردی و آنچه اهمال کردند را رعایت کردی و زمانی که ترسیدند مهیا شدی و چون بیتابی کردند برتری یافتی و چون جزع کردند صبوری پیشه کردی. بر کافران عذابی جاری و خشونت و خشم و برای مؤمنان باران و زمین حاصلخیز و نشانه بودی. حجتت شکسته نشد، قلبت گمراه، بصیرتت ضعیف و نفست ترسو نشد و بر زمین نیفتادی مانند کوهی بودی که طوفان آن را به حرکت در نمیآورد و رعدها آن را از بین نمیبرد و چنان بودی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در جسمت قوی، در نفست متواضع نزد خدا عظیم، در زمین بزرگ و در آسمان ارجمند بودی، برای هیچ کس در تو جایی برای کنایه زدن و برای گویندهای، کاستی و برای کسی محل طمعی نبودی و نزد تو برای کسی اغماضی نبود، ضعیف ذلیل نزد تو قوی و عزیز بود تا اینکه حقش را برای او بگیری و قوی عزیز نزد تو

ص: 511

ضعیف ذلیل بود تا حق را از او بستانی و دور و نزدیک در این امر نزد تو برابر بودند، شأن تو حق و صدق و نرمش، سخنت حکم و حتم، امرت بردباری و دوراندیشی، اندیشهات علم و جزم بود. اسلام با تو اعتدال یافت، دشوار آسان شد و آتشها خاموش شد، ایمان با تو قوی شد و اسلام با تو ثبات یافت و مصیبتت مردم را به لرزه انداخت ما از خداییم و به سوی او باز میگردیم. لعنت خدا بر کسی باد که تو را به قتل رساند، لعنت خدا بر کسی باد که با تو مخالفت کرد و لعنت خدا بر کسی باد که بر تو افترا زد، لعنت خدا بر کسی باد که بر تو ستم کرد و حقت را غصب کرد و لعنت خدا بر کسی باد که امر قتل تو به او رسید و به آن راضی شد و من از آنها به سوی خداوند برائت میجویم . لعنت خدا بر امتی باد که با تو مخالفت کرد و ولایتت را انکار نمود و علیه تو اجتماع کرد و تو را به قتل رساند و از تو منحرف شد و تو را رها کرد. حمد از آن خدایی است که آتش را مسکن آنها قرار داد و بدترین ورودگاه برای واردان است. ای ولیّ خدا و ولیّ رسولش، بر ابلاغ و ادای تو گواهی میدهم. گواهی میدهم که تو جنب خدا و دروازه او هستی و تو حبیب خدا و وجه او هستی که از آن میآیی و تو سبیل خدا، بنده خدا و برادر رسول او هستی، به جهت حال و منزلت بزرگت نزد خدا و رسولش، زائر، با زیارت قربجویان به خدا، مشتاق به تو در شفاعت، نزدت آمدهام. باشفاعتت رهایی خویش را میخواهم در حالیکه از آتش به تو پناه میبرم و از گناهانی که بر پشتم هیزم کردم توسلجویانه به سوی تو میگریزم به امید رحمت پروردگارم نزد تو فزع می کنم. ای مولای من نزد خداوند از تو شفاعت میجویم و با تو به او تقرب میجویم تا به وسیلهی تو حاجتهایم را بر آورده کند. پس یا امیر مؤمنان نزد خدا شفاعتم کن که من بنده خدا، دوستدار تو و زائر تو هستم و نزد خدا برای تو مقامی معلوم، موقعیتی بزرگ و شأنی سترگ و شفاعتی مقبول است. بار خدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و بر بندهات و بر امین وفادارت، ریسمان محکمت و دست برترت، کلمه نیکوترت، حجتت بر مردم، صدیق اکبرت، سرور اوصیاء، رکن اولیاء، ستون برگزیدهگان، امیرمؤمنان، رئیس متقیان، الگوی راستگویان، امام صالحان، معصوم از لغزش، گرفتهشده از نقص و کاستی ، تهذیبشده از عیب، مطهر از شک، برادر پیامبرت،

وصی رسولت، خفته بر بسترش، یاریکننده او با جانش و برطرفکننده اندوه از سیمای او درود بفرست.

کسی که او را شمشیری برای نبوتش، معجزهای برای رسالتش، دلالتی واضح برای حجتش، حملکننده پرچمش، حفاظتی برای جان او، هدایتگری برای امت او، دستی برای قدرت او، تاجی بر سر او، دروازهای برای یاری او، کلیدی برای پیروزیاش قرار دادی. تا اینکه سپاهیان شرک را با یاری تو شکست داد و لشکریان کفر را به امر تو ویران کرد و در راه رضای رسولت جان خویش را فدا کرد و آن را در راه اطاعت از او وقف کرد و سپری برای مصیبت او قرار داد تا اینکه روح پیامبر صلی الله علیه و آله در دست او جاری شد که خنکای آن را گرفت و بر سیمایش کشید و ملائکهات در غسل و آمادهسازی او به وی یاری کردند و بر او نماز خواند بدنش را دفن کرد و قرض او را ادا کرد و وعدهاش را عملی ساخت و به عهدش پایبند ماند و بر مثال او حرکت کرد و وصیتش را حفظ کرد و زمانی که یارانی یافت برخاست در حالی که بار خلافت بر دوش داشت و متعهد به بار امامت بود پس پرچم هدایت را در میان بندگانت برپا کرد و جامه امنیت را در میان بندگانت منتشر کرد و عدالت را در میان خلائقت گسترانید و در میان مخلوقاتت به کتابت حکم کرد و حدود را برپا داشت و کفر را ریشهکن کرد و انحراف را اصلاح کرد و طغیان را آرام، شکاف را پر کرد، ناکثین، قاسطین و مارقین را هلاک کرد و پیوسته بر طریقت رسول الله و شیوه، سیره، ظرافت شاکله او، جمال سیرت او، اقتداکننده به سنت او، متمسک به همت او، اقدامکننده به طریقت او بود و مثالهایش پیش رویش بود که بندگان را بر آن وا میداشت و آنان را به آن فرا میخواند تا اینکه محاسنش از خون سرش رنگین شد.

بار خدایا چنانکه او در طاعتت شکی را بر یقین ترجیح نداد و لحظهای بر تو شرک نورزید، تو درود فزاینده رشدکنندهای بر او بفرست که وی را به درجه نبوت در بهشت ملحق کند و از جانب ما سلام و تحیت به او بفرست و از جانب خود در دوستی او فضل، احسان، مغفرت و رضوانی به ما عطا کن که تو صاحب فضل بزرگ هستی به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

ص: 513

سپس ضریح را ببوس و گونه چپت سپس راستت را بر آن قرار بده و به سوی قبله متمایل شو، نماز زیارت بخوان و با هر چه خواستی بعد از آن دعا کن بعد از تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها بگو: بار خدایا تو بر زبان رسولت محمد صلّی الله علیه و آله به من بشارت دادی و فرمودی: {و به کسانی که ایمان آورده اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیک است} بار خدایا من به تمامی انبیاء و رسولانت که درود تو بر آنان باد مؤمن هستم پس مرا بعد از شناختت در جایگاهی قرار نده که در آن بر رأس شاهدان رسوا میکنی بلکه مرا همراه آنان قرار بده و بر تصدیق آنان بمیران. بار خدایا تو آنان را به کرامتت مخصوص کردهای و مرا به پیروی از آنان امر کردهای، بار خدایا من بنده تو، زائر تو و متقرب به تو با زیارت برادر رسولت هستم و بر هر کسی که نزدش آمده میشود و بر هر زیارت شوندهای حقی است برای کسی که نزد او آمده و زیارتش کرده است و تو بهترین کسی هستی که نزدش آمده میشود و گرامیترین زیارت شونده هستی. پس ای الله، ای رحمان، ای رحیم، ای بخشنده، ای ارجمند، ای یگانه، ای صمد ای کسی که نه زاییده شده و نه زاده است و برای او همتایی نیست و نه همسری گرفته است و نه فرزندی. از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و هدیهات به من در زیارتم از برادر رسولت را، رهایی گردنم از آتش قرار دهی و مرا از جمله کسانی که در خیرات شتاب میکند و از روی اشتیاق و ترس صدایت میکند قرار بدهی و مرا از خاشعین خود قرار دهی. بار خدایا تو با زیارت مولایم علی بن أبیطالب، ولایت و شناخت او بر من لطف کردهای پس مرا از جمله کسانی که او را یاری میکنند و با او یاری میشوند قرار بده و با یاریات برای دینت بر من لطف کن. بار خدایا مرا از شیعه او قرار بده و بر دینش بمیران. بار خدایا از رحمت، رضوان، مغفرت، احسان و روزی گسترده حلال پاک آنچه که تو شایسته آن هستی را قرار بده ای مهربانترین مهربانان. حمد از آن خدای پروردگار جهانیان است.

زمانی که قصد وداعش را داشتی بر مزار او بایست و بگو: سلام بر تو ای امیرمؤمنان، سلام بر تو ای تاج اوصیاء، سلام بر تو ای وارث علم انبیاء، سلام بر تو ای سرور صدیقین، سلام بر تو ای دروازه احکام، سلام بر تو ای رکن و مقام، تو را

به خدا و حفاظت او میسپارم و بر تو سلام میکنم، به خدا و به رسول و به آنچه که آورد و به آن دعوت کرد و بر آن رهنمون شد ایمان آوردیم. بار خدایا ما را همراه شاهدان بنویس. بار خدایا این را آخرین وعده از زیارت من از او قرار مده و مرا از ثواب زائر او محروم مکن و مرا در آنچه که برای او بر من فرض کردی کار گیر و بازگشت به سوی او را به من عطا کن. و اگر مرا پیش از آن میراندی من گواهی میدهم که آنها پرچمهای هدایت، ریسمان محکم، کلمه علیا، حجت بزرگ، ستارگان والا، عذر بلیغ بین تو و خلق تو هستند و گواهی میدهم که هر آنکه آن را رد کند در پایینترین مرتبه جحیم است. بار خدایا مرا از واردشوندگان مبارک، زوار مخلص، شیعه صادق، دوستداران میامین، یاران گرامی و اصحاب تأیید شده او قرار بده. بار خدایا مرا گرامیترین وارد شونده، برترین داخل شونده و شریفترین قصد کنندهای که تو را به سوی این حرم کریم، مقام بزرگ و منهل ارجمند که غفران و رحمتت را در آن واجب کردی قصد کرد قرار بده. بار خدایا من، تو و ملائکه حاضر تو را شاهد میگیرم که کسی که در این مرقد ساکن شد و بر این ضریح وارد شد پاک، مقدس، برگزیده، وصی و پسندیده است. خوشا به حال تو خاکی که گنجینهای از خیر، شهابی از نور، چشمه حکمت و رحمت و ابلاغ کننده حجت را در بر گرفته ای، من از قاتل تو و دشنام دهندگان تو، یاری دهندگان علیه تو، مبارزان با تو، به خدا برائت میجویم. بار خدایا دلهای ما را برای طاعت، خلوص، دوستی، حسن همیاری و تسلیم آنان رام کن تا با آن طاعت تو را کامل کنیم و به رضای تو برسیم و مستوجب ثواب و رحمت تو شویم. بار خدایا ما را به هر مقام محمودی توفیق ده و مرا از این حرم با هر خیر موجود باز گردان ای صاحب شکوه و بزرگواری. ای مولایم امیر مؤمنان تو را بسان وداع محزون بر فراقت به خدا میسپارم، خداوند این را آخرین عهد من از تو و زیارتم از تو قرار ندهد که او نزدیک اجابتکننده است و سلام، رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

سپس به قبله رو کن و دستانت را بگشای و بگو: بار خدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و به وصی، جانشین آشکارت، زبان گویای تو به امر تو به حق مبین، ریسمان محکمت، کلمه علیایت، وصی پسندیده رسولت، علم دین،

مناره مسلمانان، خاتم اوصیاء، سرور مؤمنان، علی بن أبیطالب امیر مؤمنان، امام متقیان، پیشوای سفیدرویان برجسته از جانب ما درودی بفرست که با آن یادش را رفیع میگردانی و امرش را زنده میکنی، دعوتش را پاک میسازی و فرزندانش را یاری میکنی، حجتش را پیروز میگردانی و بصیرتش را به او عطا میکنی. بار خدایا درباره ما بهترین جزای مکرمین را به او ببخش و خواستهاش را به او عطا کن ای پروردگار جهانیان که ما گواهی میدهیم که او برای رسولت خلوص ورزید و به راه تو هدایت کرد و به حق تو پرداخت و امر تو را اجرا کرد و در حُکمت ستم نکرد و در ستمی داخل نشد و در گناهی تلاش نکرد و برادر رسول تو، اولین کسی است که به او ایمان آورد و تصدیقش کرد و از او پیروی کرد و یاریاش کرد. و او وصی او، وارث علم او، محل راز او و محبوبترین خلائق نزد اوست پس از ما به او سلام برسان و سلام او را به ما باز گردان ای مهربانترین مهربانان.(1)

توضیح: «الأید» یعنی قدرت، «المجن» با کسر میم یعنی سپر، «النکبه» با فتح یعنی مصیبت و «الاستلاب» گرفتن سریع و «البرد» کنایه از راحتی است و نتیجه اینکه آن را به سرعت گرفت همراه با اینکه آن را رستگاری بزرگی حساب کرد. و محتمل است که برد حمل بر حقیقت شود. «استقله» گفته میشود یعنی آن را حمل و بلند کرد. و «الأعباء» جمع «العبء» با کسره است و به معنی بار سنگین از هر چیزی است. و هو «مضطلع بالأمر» یعنی بر آن قوی است. «غمره الشیء» شدت و ازدحام آن است. و «الفتره» ساکن بودن از عبادات و مجاهدتها است و معنای معروف از آن فاصله زمانی بین دو رسول است که در آن رسالت قطع شده است و محتمل است که کنایه از شیوع ضلالت و جهالتی باشد که برای چنین زمانی لازم میآید. و این سخن او«أنبل قاصد» «النبل» یعنی نجابت و در بعضی نسخهها «أنیل» با یاء از ریشه نیل به معنی عطا بر بنای اسم مفعول آمده است.

مؤلف: نه بر سند این زیارت دست یافتم و نه بر استحباب زیارت او در این روز خاص، اما آن از مشهورات بین شیعه و انجام اعمال نیک در زمانهای شریف

1- . مصباح الزائر: 93 و 94 و مزار الشهید: 30 - 35

موجب افزایش ثواب است پس زیارت او در سایر ایام شریف به ویژه ایامی که به او اختصاص دارد و در آن روزها کرامت و فضیلت و منقبتی برای او ظاهر شده است بهتر است.

مانند روز ولادت او که بر اساس رأی مشهور سیزدهم رجب است چنانکه از عتاب بن اسید روایت کرده اند که او گفت: امیرمؤمنان علیه السلام علی بن أبیطالب در مکه در بیت الله الحرام، روز جمعه سیزدهم رجب زاده شد و پیامبر صلی الله علیه و آله بیست و هشت ساله بود یعنی دوازده سال پیش از نبوّت، یا هفدهم شعبان چنانکه شیخ در مصباح(1)

از صفوان جمال از صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام روز یکشنبه هفتم شعبان زاده شد.

و روز وفاتش که بیان شد و شب خفتنش بر بستر نبی صلّی الله علیه و آله که اولین شب ربیع الأول است.

و روز فتح بدر به دستان او که هفدهم ماه رمضان است.

روز مواساتش در غزوه احد که هفدهم شوال است.

روز فتح خیبر به دستان او که بیست و هفتم رجب است.

روز بالا رفتنش بر شانه نبی صلّی الله علیه و آله برای انداختن بتها که بیستم ماه رمضان است.

روز فتح بصره که نیمه جمادی الأول است.

روزی که خورشید بر او برگردانده شد که هفدهم شوال است.

روز منصوب شدنش برای تبلیغ آیات برائت و عزل ابوبکر از آن و آشکار شدن استحقاقش بر امانت و جانشینی در آن که اول ذی حجه است.

روز بسته شدن درهای منازل به مسجد و باز شدن در او که روز عرفه است.

روز صدقه دادن انگشترش که بیست و چهارم ذی حجه است و این روز مباهله است که از دو جهت به او اختصاص دارد.

1- . مصباح شیخ: 571 و 593

و روز نزول هل أتی در شأن او، که بیست و پنجم ذی حجه و گفته شده آن نیز روز مباهله است.

و روز ازدواجش با فاطمه علیها السلام، روز زفافش که در باب زیارت فاطمه(س) بیان شد.

و روز خلافتش که روز وفات نبی صلّی الله علیه و آله است.

و روزی که بعد از قتل عثمان برای خلافت بیعت شد و روز هجدهم ذی حجه یا بیست و پنجم آن است.

و روز نوروز ایرانیان به جهت آنچه که روایت شد که وی در آن روز برای خلافت بیعت شد، تا سایر ایامی که شمارش آن ممکن نیست زیرا هیچ روزی نیست مگر اینکه در آن برای او فضیلت، جلال و کرامتی آشکار شده است. و اغلب آنها در کتاب تاریخ او و کتاب تاریخ پیامبر صلّی الله علیه و آله و کتاب فتن بیان شد و ذکر آن در اینجا موجب اطاله است.

ص: 518

باب ششم : فضیلت کوفه و مسجد اعظم آن و اعمال مربوط به آن

روایات:

1. میگویم: امام عسکری علیه السلام فرمود: محلی برای پا نهادن در کوفه از خانهای در مدینه برایم محبوبتر است.

2. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خانهای در کوفه دارد به آن چنگ زند.

3. امام صادق علیه السلام فرمود: قائم ما زمانی که قیام کرد در پشت کوفه مسجدی برای او بنا میشود که هزار در دارد و خانههای کوفه به نهر کربلا متصل میشود تا اینکه مرد روز جمعه سوار بر استر تیزرو (سفواء) به قصد نماز جمعه خارج میشود و به آن نمیرسد.

4. امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که مهدی علیه السلام وارد کوفه شود مردم گویند: ای پسر رسول خدا، نماز همراه تو به نماز پشت سر رسول الله صلّی الله علیه و آله شبیه است و این مسجد ما را در بر نمیگیرد پس او به سوی غری خارج می شود مسجدی را ترسیم میکند که هزار در دارد و مردم را در بر میگیرد و میفرستد و در پی قبر حسین علیه السلام نهری جاری میکند که به سوی غری جریان دارد که تا اینکه در نجف جاری میشود و او بر دهانه نهر پلها و در راه آسیابهایی میسازد.

5. نهج البلاغه: ای کوفه گویی تو را مینگرم که همانند چرمهای بازار عکاظ کشیده میشوی، زیر پای حوادث لگدکوب و پایمال میگردی و پیش آمدهای

ص: 519

تکاندهنده تو را فرا خواهد گرفت. و من میدانم که هر ستمگر نسبت به تو قصد سوء کند خداوند او را به گرفتاری خود مشغول و به دست قاتلی میسپارد.(1)

توضیح: «عکاظ» نام مکانی در ناحیه مکه، «ادیم عکاظی» پوستی است که بسیار کشیده میشود، و در اینجا استعارهای است برای خشونت، خطا و شدت ستمی که کوفه با آن مواجه میشود.

6. تفسیر عیاشی: مفضل بن عمر گوید: در روزهای ورود بر ابی عباس همراه صادق علیه السلام در کوفه بودم، زمانی که به خاکروبه رسیدیم به جانب چپش نگریست و فرمود: ای مفضل عمویم زید اینجا به دار کشیده شد سپس با اصحابش رهسپار شد، حرکت کرد تا به طاق الرفائین که آخر سراجین است رسید، پایین آمد و به من فرمود: پیاده شو که این مکان مسجد نخست کوفه بود که آدم آن را معین کرد و من اکراه دارم که سواره وارد آن شوم به او عرض کردم: چه کسی آن را از تعیین او تغییر داد؟ فرمود: آگاه باش که اولین آن طوفان زمان نوح بود، پس از آن اصحاب خسرو و نعمان بن منذر و سپس زیاد بن ابی سفیان آن را تغییر دادند به او عرض کردم: فدایت گردم کوفه و مسجد آن در زمان نوح بود؟ فرمود: آری ای مفضل و منزل نوح و قومش در روستایی پشت فرات در جانب غربی کوفه بود و فرمود: و نوح مردی نجار بود و خداوند او را فرستاد و برگزید و نوح اولین کسی است که کشتی ساخت و بر عرصه آب حرکت کرد و نوح نهصد و پنجاه سال در میان قومش ماند و آنها را به هدایت فرا میخواند اما آنها بر او گذر میکردند و او را به ریشخند میگرفتند چون این را از آنان دید آنها را نفرین کرد و گفت: «رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا* إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» {پروردگارا هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری بندگانت را گمراه می کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزایند} و ادامه داد: پس خداوند به او وحی نمود که ای نوح، کشتی را بساز و آن را وسیع کن و در مقابل چشمان ما و با وحی ما در ساخت آن تعجیل کن. پس نوح کشتیای را در

1- . نهج البلاغه 1 : 92

مسجد کوفه با دست خویش ساخت، از راه دور چوب می‌آورد تا اینکه از آن فارغ شد. مفضل گوید: سپس حدیث امام صادق علیه السلام در آنجا به هنگام زوال خورشید قطع شد پس برخاست و نماز ظهر سپس عصر را خواند و از مسجد خارج شد و به جانب چپش روی کرد و با دستش به محل خانه داریّین اشاره کرد که آن محل خانه ابن حکیم بود و امروز فرات است و به من فرمود: ای مفضل بتهای قوم نوح یغوث، یعوق و نسر در اینجا برپا بود سپس حرکت کرد تا اینکه سوار مرکبش شد به او گفتم: فدایت گردم کشتی نوح در چند سال ساخته شد و از آن فارغ شد؟ فرمود: در دو دور، عرض کردم دو دور چند سال است؟ فرمود: هشتاد سال، عرض کردم عامه میگویند: آن را در پانصد سال ساخت فرمود: هرگز، چگونه است در حالی که خدا «و وحی ما» میگوید.(1)

7. تفسیر عیاشی: مفضل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا این سخن خداوند: «حتی إذاجاءأمرُنا و فارالتَّنور» را دیده‌ای؟ این تنور چیست؟ و مکان آن کجاست و چگونه بود؟ فرمود: تنور آنجایی بود که برایت وصف کردم و گفتم ابتدای خروج آب از آن تنور بود. و فرمود: آری خداوند دوست داشت که قوم نوح نشانه را ببیند سپس خداوند بارانی به سوی آنان فرستاد که لبریز شد و فرات نیز به شدت لبریز شد و همه چشمها بر آن بود و خداوند آنان را غرق کرد و نوح را به همراه کسانی که در کشتی بودند نجات داد. به او عرض کردم: نوح و کسانی که همراه او در کشتی بودند چه زمانی ماندند تا آب، کشیده شد و آنها از آن خارج شدند؟ فرمود: هفت شبانه روز در آن ماندند و کشتی بیت را طواف کرد و بر روی جودی که همان فرات کوفه است استقرار یافت. به او عرض کردم: مسجد کوفه قدیمی است؟ فرمود: آری و آن مصلای انبیاست و رسول الله آنگاه که جبرئیل او را سوار براق رهسپار کرد در آن نماز خوانده است و زمانی که با او به دار السلام که همان پشت کوفه است رسید در حالی که قصد بیت المقدس را داشت فرمود: ای محمد این مسجد پدرت آدم و مصلای انبیاء است پس پیاده شو و در آن نماز بگذار.

1- . تفسیر عیاشی 2 : 144

رسول الله پایین آمد و نماز خواند سپس او را به سوی بیت المقدس رهسپار کرد و نماز خواند سپس جبرئیل او را به سوی آسمان عروج داد. (1)

8. تفسیر عیاشی: باقرعلیه السلام فرمود: مسجد کوفان تنور از آن جوشید و کشتی در آن ساخته شد، و آن مرکز بابل و محل اجتماع انبیاء است.(2)

9. تفسیر عیاشی: سلمان فارسی از امیرمؤمنان علیه السلام در حدیثی از او درباره فضیلت مسجد کوفه گوید: نوح کشتیاش را در آن ساخت و تنور در آن جوشید و خانه و مسجد نوح در آن بود.(3)

10. رجال کشی: میسر به نقل از صادق علیه السلام گوید: حبّی خواهر میسّر سی سال یا بیشتر در مکه اقامت داشت تا اینکه همه اهل بیتش از بین رفتند و فنا شد جز تعدادی اندک. میسّر به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت گردم حبّی در مکه اقامت کرد تا اینکه خویشان و نزدیکانش از بین رفتند بر آنها اندوهگین است و اندکی از آنها باقی مانده است میترسند که چنانچه گذشتگان از بین رفتند از بین بروند و او را نبینند اگر به او بگویی از تو قبول می کند. فرمود: ای میسر او را رها کن که فقط با دعای او بلا از شما دفع میشود. اما او بر امام صادق علیه السلام اصرار کرد، به او فرمود: ای حبّی چه چیزی تو را از مصلای علی علیه السلام که در آن نماز میخواند باز میدارد؟ راوی گوید: پس او منصرف شد.(4)

میگویم: شیخ سعید شهید(5)

و مؤلف المزار الکبیر(6)

رفع الله درجتهما گفتند:

11. از امام صادق علیه السلام روایت است که وی به یکی از یارانش فرمود: فلانی! زمانی که از در دوم از جانب راست مسجد وارد مسجد شدی پنج ستون را بشمار دو ستون در سایه و سه ستون در صحن احاطهکننده. در آن نماز بگزار و در کنار ستون سوم که مصلای ابراهیم که ستون پنجم از مسجد است دو رکعت بخوان و

1- . تفسیر عیاشی 2 : 146
2- . تفسیر عیاشی 2 : 147
3- . تفسیر عیاشی 2 : 147
4- . رجال کشی: 356
5- . مزار شهید: 74 و 75
6- . المزار الکبیر: 48 و 49

بگو: سلام بر پدرمان آدم و مادرمان حواء، سلام بر هابیل که به ستم و دشمنی بر مواهب و رضوان خدا کشته شد. سلام بر شیث برگزیده خدا، انتخابشده امین و بر برگزیدگان راستین از ذریه مطهر او اولین و آخرین آنها، سلام بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب و بر ذریه برگزیده آنها. سلام بر موسی کلیم الله، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر محمد حبیب خدا، سلام بر برگزیدگان بر جهانیان، سلام بر امیرمؤمنان و فرزندان طیب و طاهر او و رحمت و برکات خداوند بر او باد. سلام بر تو در اولینها، سلام بر تو در آخرینها، سلام بر فاطمه زهراء، سلام بر مراقب شاهد برای خدا بر امتهای خدا پروردگار جهانیان. بار خدایا بر محمد و خاندان او درود بفرست مرا نزد خود از پذیرفتهشدگان بنویس و مرا از رستگاران مطمئنی که نه خوفی بر آنان است و نه اندوهگین میشوند قرار بده.

12. ابو حمزه ثمالی گوید: در حالیکه روزی در مسجد کنار ستون هفتم نشسته بودم با مردی روبهرو شدم که از جانب دروازه کِنده وارد شد و زیباروترین مردم، خوش رایحهترین آنان و در لباس پاکیزهترین آنها، عمامه بسته بدون طیلسان و دستار را دیدم، پیراهنی، بالاپوش گشاد آسیندار و عمامهای بر او بود و در پایش کفشی عربی بود و کفشهایش را کند و کنار ستون هفتم ایستاد و مسبحهاش را بالا برد تا به نرمه گوشش رساند سپس با تکبیر پایین انداخت، همه موهای بدنم سیخ شد. سپس چهار رکعت خواند و رکوع و سجود آن را نیکو به جا آورد و گفت: بارخدایا اگر از تو سرکشی کردهام در محبوبترین امور نزد تو، ایمان به تو از تو اطاعت کردهام به عنوان لطفی از تو بر من نه لطفی از من به تو. برایت فرزندی نگرفتهام و شریکی برایت نخواندهام و نه بر وجه برتری جستن، نه خروج از بندگیات و نه انکار ربوبیتت از تو سرکشی نکردهام بلکه از امیالم پیروی کردهام و شیطان پس از حجت بر من و بیان مرا دچار لغزش کرد. پس اگر مرا با گناهانم عذاب کنی غیر ظالم هستی و اگر از من درگذری پس به جود و کرمت است ای کریم. سپس سجده کنان بر زمین افتاد در حالی که آن را میگفت تا اینکه نفسش قطع شد و همچنین در سجودش گفت: ای کسی که بر برآورده کردن حاجتهای درخواستکنندگان قادر است، ای کسی که از درون ساکتان، آگاه است، ای کسی که احتیاج به

تفسیر ندارد، ای کسی که از چشمان خیانتکار و آنچه در سینهها پنهان است آگاه است. ای کسی که عذاب را بر قوم یونس به قصد عذاب آنان نازل فرمود و آنها او را خواندند و به سوی او تضرع کردند پس عذاب را از آنان برطرف کرد و تا زمانی به آنان بهره داد. جایگاهم را میبینی، کلامم را میشنوی و حاجتم را میدانی پس مرا از امور دینی، دنیوی و اخرویام که اندوهگینم میکند حفاظت کند. ای سرورم ای سرورم هفتاد مرتبه. سپس سرش را بلند کرد در او تأمل کردم پس او مولایم زین العابدین علی بن حسین علیه السلام بود بر روی دستانش خم شدم که آن را ببوسم او دستش را از من جدا کرد و به سکوت کردن اشارهام کرد. عرض کردم: ای مولای من کسی هستم که در ولای خویش شناختهای، چیست که تو را تا اینجا آورده است. فرمود: آن چیزی است که دیدهای.

میگویم: این روایت را با خط یکی از افاضل منقول از خط علی بن سکون یافتهام.

13. الکافی: امام باقر علیه السلام فرمود: مسجد کوفه باغی از باغهای بهشت است که هزار و هفتاد نبی در آن نماز خواندهاند و جانب راست آن رحمت و جانب چپش کرامت است عصای موسی، شجره یقطین و انگشتر سلیمان در آن است تنور از آن جوشید و کشتی در آن ساخته شد و آن برترین جزء بابل و مجمع انبیاست.(1)

توضیح: این سخن او که عصای موسی در آن است یعنی در آن سپرده شده است و پیامبر صلّی الله علیه و آله آن را گرفت و اینک در آنجا سپرده شده است و هرگاه امام بخواهد آن را میگیرد و دو مورد دیگر نیز چنین است. «و هی صرّه بابل» یعنی شریفترین قسمت آن است زیرا صرّه کیسه پول است که برترین اموال است. و در آنچه که به روایت عیاشی گذشت با سین است در قاموس گوید: «سره الوادی» یعنی بهترین مکان آن.(2)

14. امالی صدوق: ابن نباته گوید: روزی پیرامون امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه بودیم تا اینکه فرمود: ای اهل کوفه خداوند بخششی به شما کرده است

1- . الكافى 3 : 493
2- . القاموس 2 : 47

که به کسی با آن بخشش نکرده است، مصلای شما را که بیت آدم، بیت نوح، بیت ادریس، مصلای ابراهیم خلیل، مصلای برادرم خضر علیه السلام و مصلای من است برتری داده است و این مسجدتان یکی از مساجد چهارگانهای است که خداوند عزوجل برای اهالی آنها برگزیده است و گویی من در روز قیامت آن را در دو لباس سفید شبیه به احرام بسته میبینم که برای اهل خویش و کسی که در آن نماز خواند شفاعت میکند و شفاعتش رد نمیشود و روزها سپری نمیشود تا اینکه حجر الأسود در آن بر افراشته شود و زمانی بر او خواهد آمد که مصلای مهدی از فرزندان من و مصلای هر مؤمنی میشود و بر روی زمین مؤمنی باقی نمیماند مگر اینکه در آن باشد یا قلبش مشتاق آن باشد پس هجرت نکنید و با نماز در آن به خداوند تقرب بجویید و در بر آورده شدن حاجتهایتان به آن مشتاق شوید و اگر از برکتی که در آن است آگاه بودند از بخشهای زمین به آن میآمدند گرچه چهار دست و پا بر روی برف باشند.(1)

توضیح: نصب حجرالأسود در زمان قرمطیان بود زمانی که کعبه را ویران کردند و حجر را به مسجد کوفه منتقل کردند سپس آن را به محل خود بازگرداندند و قائم علیه السلام آن را به طوری که مردم حضرت را نشناختند، نصب کرد چنانکه در کتاب غیبت ذکر کرد و جزری(2)

درباره آن گوید: «لو یعلمون فی العشاء و الفجر لأتوهما و لو حبوا» و الحبو یعنی اینکه بر روی پاها یا زانوها یا باسنش راه برود.

15. امالی صدوق: ثمالی گوید: وارد مسجد کوفه شدم با مردی روبهرو شدم که کنار ستون هفتم قائم بود و نماز میخواند و رکوع و سجودش را نیکو ادا میکرد آمدم که به او نگاه کنم پس برای سجود بر من پیشی گرفت، شنیدم که در سجودش میگوید: بار خدایا اگر از تو سرکشی کردهام در محبوبترین امور نزد تو، ایمان به تو از تو اطاعت کردهام به عنوان لطفی از تو بر من نه لطفی از من به تو. و در ناپسندترین امور نزد تو از تو سرکشی نکردهام. برایت فرزندی نگرفتهام و شریکی برایت نخواندهام به عنوان لطفی از جانب تو بر من نه لطفی از من به تو، و در اموری

1- . امالی صدوق: 227
2- . النهایه 1 : 231

بدون زیادهجویی از جانب من و نه برتری جستن، و تکبر از عبادتت و نه انکار ربوبیتت از تو سرکشی کردهام بلکه از امیالم پیروی کردهام و شیطان پس از اتمام حجت و بیان تو بر من، مرا دچار لغزش کرد پس اگر مرا با گناهانم عذاب کنی غیر ظالم هستی و اگر از من درگذری پس به جود و رحمتت است ای مهربانترین مهربانان. سپس رهسپار شد و از دروازه کنده خارج شد، او را دنبال کردم تا اینکه به کاروانسرای کلبتین رسید و بر سیاهپوستی گذر کرد و او را به چیزی فرمان داد که نفهمیدم. گفتم این کیست؟ گفت: او علی بن حسین علیهما السلام است. گفتم خداوند مرا فدای تو گرداند چه چیزی تو را به این مکان آورد؟ فرمود: آنچه که دیدی.(1)

توضیح: «المکاثره» غلبهجویی با کثرت است یعنی معصیتم به این دلیل نبوده است که بر کثرت سپاهیان قدرتم تکیه کنم و قصد معارضه و ستیز با تو را داشته باشم.

16. امالی صدوق: هارون بن خارجه گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: بین منزلت و مسجد کوفه چه فاصلهای است؟ به او گفتم. فرمود: هیچ فرشتهای مقرب، نبی مرسل و بنده صالحی نمانده که وارد کوفه شده باشد مگر اینکه در آن نماز خوانده است، و رسول الله صلّی الله علیه و آله در شب اسراء بر آن گذر کرد و فرشته از او اذن خواست و دو رکعت در آن به جای آورد. و نماز فریضه در آن هزار نماز و نافله در آن پانصد نماز است و نشستن بدون تلاوت قرآن در آن عبادت است پس به آن بیا هرچند به خزیدن باشد.(2)

17. امالی شیخ طوسی: غضائری از صدوق مشابه آن را آورده.(3)

18. الکافی: به اسناد، از هارون مشابه آن را آورده سپس گوید: سهل گوید و از عمرو برایم روایت شد که نماز در آن با حج برابر و نافله در آن با عمره برابر است.(4)

1- . امالی صدوق: 312
2- . امالی صدوق: 385
3- . امالی طوسی 2 : 43

4- . الكافى 3 : 290

توضیح: زحف، حرکت کودک با باسن است.

19. قرب الإسناد: بزنظی گوید: از امام رضا علیه السلام درباره قبر امیرمؤمنان علیه السلام سؤال کردم. فرمود: از مشایخت چه شنیدی؟ پس برایش عرض کردم: صفوان بن عمران از جدت برایمان حدیث گفت که وی در نجف کوفه مدفون است و برخی از اصحابمان از یونس بن ظبیان مشابه این را روایت کرده فرمود: از او شنیدم ذکر میکرد که او در مسجد شما در کوفه مدفون است. به او عرض کردم: فدایت گردم برای کسی که در آن نماز میخواند چه فضیلتی است؟ فرمود: جعفر علیه السلام میفرمود: برای آن از فضیلت سه مرتبه چنین و چنان است و با دستش از راست، چپ و روبهرویش اشاره میکرد.(1)

20. الخصال: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی از شهرها چهار شهر را برگزید و فرمود: «التین، و الزیتون و طور سینین و هذاالبلد الأمین» و التین مدینه، الزیتون بیت المقدس، طور سینین کوفه و هذا البلد الأمین مکه است.(2)

21. معانی الأخبار: با اسناد از جامورانی مشابه آن را آورده.(3)

22. عیون أخبارالرضا علیه السلام: تمیمی به نقل از امام رضا، از پدرانش علیهم السلام فرمود: علی علیه السلام کوفه را یاد کرد و فرمود: بلا از آن دور میشود چنانکه از خیمههای پیامبر صلی الله علیه و آله دور میشود.(4)

23. امالی شیخ طوسی: ابن نباته گوید: امیرمؤمنان در کنار ستون هفتم از باب الفیل از جهتی که از صحن است نماز میخواند آنگاه که مردی آمد که دو برده سبز بر تن داشت و دو بافته گیسوی سیاه بر او بود و محاسنش سفید بود. زمانی که امیرمؤمنان علیه السلام از نمازش سلام داد بر او خم شد و سرش را بوسید سپس دستش را گرفت و او از باب کنده بیرون برد و ما نیز شتابان پشت سر آنها رفتیم و

1- . قرب الاسناد: 162
2- . الخصال: 153 ضمن حدیث
3- . معانی الاخبار: 362

4- . عيون اخبار الرضا 2 : 65

بر او ایمن نبودیم. پس امام علیه السلام در چارسوخ کنده در حالی که در بازگشت بود از ما استقبال کرد و فرمود: شما را چه شده؟ عرض کردیم: از این سوار بر تو ایمن نبودیم. فرمود: او برادرم خضر بود آیا ندیدید وقتی بر روی ما خم شد؟ گفتیم: آری. و فرمود: او به من گفت تو در شهری هستی که هیچ جباری بر آن قصد سوء نمیکند مگر اینکه خداوند او را در هم میشکند و مردم را هشدار ده و همراه او خارج شدم تا مشایعتش کنم زیرا او قصد پشت کوفه را داشت.(1)

توضیح: المدره با حرکت حروف یعنی شهر.

24. امالی شیخ طوسی: عبد الله بن ولید گوید: در زمان مروان بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم، فرمود شما از چه کسانی هستید؟ عرض کردیم: از اهالی کوفه. فرمود: محبان ما در هیچ شهری بیش از اهل کوفه به ویژه این جماعت نیست، که خداوند شما را به امری که مردم از آن ناآگاهند هدایت کرده است پس شما ما را دوست دارید و مردم ما را نمیپسندند، شما از ما پیروی کردید و مردم با ما مخالفت کردند شما ما را تصدیق کردید و مردم تکذیبمان کردند. پس خداوند شما را به زندگی ما زنده کند و به مرگ ما بمیراند. بر پدرم گواهی میدهم که وی میفرمود: میان یکی از شما و دیدن آنچه که شادمانش میکند یا بر آن غبطه میکند نیست مگر اینکه جانش به اینجا برسد و دستش را تا حلقش پایین آورد. و خداوند عزوجل در کتابش فرمود: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلاً مِّن قَبْلِکَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً» {و قطعا پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندانی قرار دادیم} ما فرزندان رسول الله صلّی الله علیه و آله هستیم.(2)

25. امالی شیخ طوسی: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی که حاجتی از خدا دارد باید مسجد کوفه را قصد کند و وضویش را کامل سازد و در مسجد دو رکعت بخواند که در هر یک از آن دو، فاتحه الکتاب و هفت سوره همراه آن قرائت میکند که عبارت است از معوذتین، قل هو الله أحد، قل یا أیهاالکافرون، إذا جاء نصر الله و الفتح، و سبح اسم ربک الأعلی، و إنا أنزلناه فی لیله القدر، و چون از دو رکعت

1- . امالی طوسی 1 : 50

2- . امالی طوسی 1 : 143

فارغ شد و تشهد خواند و سلام داد حاجتش را از خدا بخواهد که ان شاء الله به یاری خدا بر آورده میشود. علی بن حسن بن فضال گوید: و این شیخ به من گفت: که آن را انجام دادم و از خدا خواستم تا روزیام را بر من فراخ سازد که من اینک از خداوند متعال هر نعمتی را دارا هستم سپس از او خواستم که حج را به من عطا کند پس عطا شدم و آن را به مردی از اصحابمان که در روزیاش فقیر بود آموختم و خداوند متعال بر او روزی داد و بر او گسترده گردانید.(1)

26.مصباح الزائر: از امام علیه السلام مشابه آن را به مرسل آورده است.(2)

27.المزارالکبیر: ابن مسعود گوید: رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود: ای پسر مسعود، زمانی که شبانه به سوی آسمان دنیا سیر داده شدم مسجد کوفه را به من نشان داد. گفتم: ای جبرئیل این مکان چیست؟ گفت: مسجد مبارک، پر خیر با برکت زیاد که خداوند آن را برای اهلش برگزید و او در روز قیامت برای آنان شفاعت میکند و حدیث را با طول آن درباره مسجد کوفه ذکر کرد.(3)

28. حبه عرنی و میثم کنانی گویند: مردی نزد علی علیه السلام آمد و گفت: یا امیرمؤمنان، من توشه بستم و شتر راهواری خریدم و حاجتهایم را برطرف کردم و به سوی بیت المقدس رهسپارم. امام علیه السلام به او فرمود: برو، شترت را و هم توشهات را بفروش، تو راست بر مسجد کوفه که آن یکی از مساجد چهارگانه است دو رکعت در آن با رکعات زیادی در سایر مساجد برابر است و برکت ناشی از آن تا فاصله دوازده میلی - همان جایی که آمدهای - است و از پایه آن هزار ذراع رها شده است و از گوشه آن تنور جوشیدن گرفت و کنار ستون پنجم ابراهیم خلیل نماز گزارد و هزار نبی و هزار وصی در آن نماز گزارد و عصای موسی، انگشتر سلیمان و شجره یقطین در آن است. وسط آن باغی از باغهای بهشت است و در آن سه چشمه است که میدرخشد چشمهای از آب، چشمهای از عطر و چشمهای از شیر که از پشتهای پراکنده میشود و آلودگی را میزداید و مؤمنان را پاکیزه میکند و کوه اهواز

1- . امالی طوسی 2 : 30

2- . مصباح الزائر: 51
3- . المزار الكبير: 33 و 34

از آن حرکت داده شد و نوح نبی علیه السلام در آن نماز گزارد و یغوث و یعوق در آن نابود شد و روز قیامت هفتاد هزار نفر که نه حسابی بر آنان است و نه عذابی از آن محشور میشود و جانب راست آن ذکر و جانب چپ آن مکر است و اگر مردم میدانستند چه فضیلتی در آن است چهار دست و پا به آنجا میآمدند.(1)

29. شعبی گوید: امام علیه السلام فرمود: مسجد کوفه چهارمین مسجد از مساجد چهارگانه مسلمانان است. دو رکعت در آن از ده رکعت در غیر آن برایم محبوبتر است و کشتی نوح در وسط آن ساخته شد، تنور از زاویه راست آن جوشید و برکت از آن در فاصلهی دوازده میلی از جایی که از آن بیایی است و دوازده هزار ذراع از آنچه که در عهد آنان بود از آن کاسته شده است.(2)

30. حماد بن زید حارثی گوید: نزد جعفر بن محمد علیه السلام بودم و خانه مملو از کوفیان بود پس مردی از آنان از او سؤال کرد: یابن رسول الله، من از مسجد دور هستم و نیت نماز در آن را ندارم، امام علیه السلام به او فرمود: به آن مسجد بیا. اگر مردم از آنچه در آن است آگاه بودند به آن می آمدند گرچه چهار دست و پا. گفت: من مشغولیت دارم. فرمود: به آن بیا و تا جایی که امکانپذیر است آن را رها نکن و بر تو باد جانب راست آن از جهتی که از ابواب کنده است که آن مقام ابراهیم علیه السلام است و کنار ستون پنجم مقام جبرئیل است و به کسی که جانم در دست اوست سوگند اگر مردم درباره فضیلت آن، آنچه که میدانم را میدانستند بر آن ازدحام میکردند.(3)

31. حذیفه گوید: به خدا سوگند این مسجد شما یکی از مساجد چهارگانه شماره شده است: مسجد الحرام، مسجد المدینه، مسجد الأقصی و این مسجد شما یعنی مسجد کوفه. آگاه باشید که از زاویه راست آن از جهت ابواب کوفه تنور جوشید و ستون پنجم از جهت صحن مسجد از جانب راست مسجد از جانب ابواب کنده مصلای ابراهیم خلیل علیه السلام است و در وسط آن سفینه نوح ساخته شد،

1- . المزار الکبیر: 33
2- . المزار الکبیر: 34

3- . المزار الكبير: 34

دو رکعت نماز خواندن در آن برایم محبوبتر از این است که ده رکعت در غیر آن بخوانم و کسی که از پایه اول آن را ذراع کرد دوازده هزار ذراع کاسته است و برکت از آن بر فاصله دوازده میلی از هر سمتی که بیایی است.(1)

32. نبی صلّی الله علیه و آله فرمود: گویی من مسجد کوفه را میبینم که روز قیامت احرام بسته در دو ملافه میآید و برای کسی که در آن دو رکعت خوانده شهادت میدهد.(2)

33. علل الشرائع: رسول الله فرمود: کوفه جمجمه عرب و نیزه خداوند تبارک و تعالی و گنجینه ایمان است.

توضیح: در النهایه(3)

درباره این حدیث گوید: «به کوفه بیا که جمجمه عرب در آن است» یعنی سروران عرب، زیرا جمجمه سر شریفترین اعضا است و گفته شده جماجم عرب همان است که بطنها در آن جمع میشود سایرین به آنها منسوب میشوند، در جایی دیگر(4)

گوید: عرب نیزه را کنایه از دفع و منع کردن قرار میدهد پایان. معنا این است که خداوند بهوسیله آن بلایا را از اهل آن دفع میکند چنانکه در اخبار پیشین بیان شد، و گنجینه ایمان بودن آن بهجهت کثرت سرمستی مؤمنان کامل از آن و انتشار شرائع ایمان در آن است.(5)

34. ثواب الاعمال: محمد بن سنان گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: نماز فرادا در مسجد کوفه از هفتاد نماز بدون جماعت برتر است.(6)

35. کامل الزیارات: با اسنادی از محمد بن سنان مشابه آن را آورده.(7)

36. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: یک نماز در مسجد کوفه با هزار نماز در سایر مساجد برابر است.(8)

1- . المزار الکبیر: 34

2- . المزار الكبير: 35
3- . النهايه 1 : 208
4- . النهايه 2 : 108
5- . علل الشرائع: 461 ضمن حديث
6- . ثواب الاعمال: 28
7- . كامل الزيارات: 31
8- . ثواب الاعمال: 28

37. ثواب الاعمال: ابوبصیر گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین مسجد مسجد کوفه است هزار نبی و هزار وصی در آن نماز خواند و تنور از آن جوشید و کشتی در آن ساخته شد. جانب راست آن رضوان خدا، وسط آن باغی از باغهای بهشت و جانب چپ آن مکر خداست. به ابونصر گفتم: منظورش از مکر چیست. گفت: یعنی منازل شیطان.(1)

38. الکافی: محمد بن یحیی از یکی از اصحاب ما از بطائنی مشابه آن را آورده سپس گوید: و امیرمؤمنان علیه السلام بر در مسجد میایستاد و تیرش را پرتاب میکرد و بر محل خرمافروشان میافتاد و میفرمود: آن از مسجد است و میفرمود: از اساس مسجد کاسته شده است چنانکه از چهار طرف آن کاسته شده است.

39. المحاسن: هارون بن خارجه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: بین تو و مسجد کوفه چه فاصلهای است، یک میل میشود؟ عرض کردم خیر، فرمود: آیا همه نمازها را در آن میخوانی. عرض کردم: خیر، فرمود: آگاه باش اگر در محضرش حاضر بودم امید داشتم که نمازی را (در آن) از دست ندهم. آیا میدانی فضیلت آن محل چیست؟ هیچ نبی و بنده صالحی نبوده است مگر اینکه در مسجد کوفه نماز خوانده است تا اینکه رسولالله صلّی الله علیه و آله زمانیکه بهسوی آسمان سیر داده شد جبرئیل به او گفت: محمد میدانی در این لحظه کجا هستی، در مقابل مسجد کوفه. گفت: پس به من اذن بده تا دو رکعت در آن نماز بخوانم پس پایین آمد و در آن نماز خواند و ابتدای آن باغی از باغهای بهشت، و جانب راست و چپ آن مانند باغی از باغهای بهشت و وسط آن باغی از باغهای بهشت و مؤخر آن باغی از باغهای بهشت است و نماز در آن اگر فرضیه باشد با هزار نماز و نافله در آن با پانصد نماز برابر است.(2)

1- . ثواب الاعمال: 28
2- . المحاسن: 56

40. کامل الزیارات: هارون بن خارجه از امام صادق علیه السلام مشابه آن را آورده و در آخر آن افزوده است و نشستن بدون نماز و ذکر در آن عبادت است و اگر مردم میدانستند به آن میآمدند گرچه با چهار دست و پا. (1)

توضیح: منظور از میسره در این خبر جانب چپ اصل مسجد و در خبر سابق محیط خارج متصل به آن است که منازل خلفا در آنجا بود.

41. کامل الزیارات: ثمالی گوید: علی بن حسین علیهما السلام به تعمد از مدینه به مسجد کوفه آمد و در آن دو رکعت خواند سپس آمد بر مرکبش سوار شد و رهسپار شد. (2)

42. کامل الزیارات: صادق علیه السلام فرمود: انفاق یک درهم در کوفه صد درهم در غیر آن و دو رکعت در آن صد رکعت در غیر آن به شمار میآید. (3)

43. امالی شیخ طوسی: عاصم بن عبدالواحد مدینی گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام میفرمود: مکه حرم خدا، مدینه حرم محمد صلّی الله علیه و آله و کوفه حرم علی بن ابی طالب علیه السلام است علی علیه السلام از کوفه آنچهکه ابراهیم از مکه و محمدصلّی الله علیه و آله از مدینه حرام کرد را حرام نمود. (4)

44. امالی شیخ طوسی صادق علیه السلام فرمود: آگاه باش که هیچ شهری از شهرها بیش از اهالی کوفه، برای ما محب ندارد. (5)

45. کامل الزیارات: باقرعلیه السلام فرمود: اگر مردم میدانستند در مسجد کوفه چیست برای آن در مکانهای دور توشه و مرکت آماده میکردند و فرمود: نماز فرضیه در آن با حج و نماز نافله با عمره معادل است. (6)

46. در المزار الکبیر با اسناد از ابن قولویه مشابه آن را آورده. (7)

1- . ثواب الاعمال: 28
2- . ثواب الاعمال: 28
3- . ثواب الاعمال: 27

4- . امالی طوسی 1 : 284
5- . امالی طوسی 2 : 292 ضمن حدیث
6- . کامل الزیارات: 28
7- . المزار الکبیر: 32

توضیح: این خبر با آنچه که در این خصوص آمده که نماز فرضیه از بیست حج برتر است منافات ندارد زیرا این صرفاً برای شرف مکان و علاوه بر آن فضیلتی است که برای خود نماز مقرر شده است. و محتمل است که منظور در اینجا حج مخصوص کاملی باشد که با حجهای فراوان برابر است چنانکه در خبری با قید مقبوله و در خبری دیگر با همراهیاش با پیامبر صلّی الله علیه و آله مقید شده است.

47. کامل الزیارات: امام باقرعلیه السلام فرمود: نماز فریضه در مسجد کوفه با حج مقبول و نماز نافله در آن با عمره مقبول برابر است. (1)

48. کامل الزیارات: علی علیه السلام فرمود: نافله در این مسجد با عمره به همراهی پیامبر صلّی الله علیه و آله و فرضیه در آن با حج همراه پیامبر صلّی الله علیه و آله برابر است و در آن هزار نبی و هزار وصی نماز خواندهاند.(2)

49. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: یک نماز در مسجد کوفه هزار نماز است.(3)

50. کامل الزیارات: محمد بن احمد بن حسین، از حسن بن علی بن مهریاز، از پدرش مشابه آن را آورده.(4)

51. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: مکه حرم خدا و حرم رسولش و حرم علی علیه السلام است و نماز در آن صد هزار نماز، یک درهم در آن صد هزار درهم است و مدینه حرم خدا، حرم رسول او و حرم علی امیرمؤمنان است یک نماز در مسجد آن ده هزار نماز و یک درهم در آن ده هزار درهم است و کوفه حرم خدا، حرم رسول او و حرم علی بن ابی طالب امیرمؤمنان است یک نماز در مسجد آن هزار نماز است.(5)

1- . کامل الزیارات: 28 و رمز در متن برای امالی بود.
2- . کامل الزیارات: 28
3- . کامل الزیارات: 29
4- . کامل الزیارات: 29
5- . کامل الزیارات: 29

52. کامل الزیارات: ابوعبیده حذّاء گوید: باقرعلیه السلام فرمود: ای ابوعبیده نماز در مسجد کوفه را رها نکن هرچند چهار دست و پا بیایی زیرا یک نماز در آن با هفتاد نماز در سایر مساجد برابر است.(1)

توضیح: شاید اختلاف موجود در این اخبار بر اختلاف نمازها، نمازگزاران و نیات و حالات آنان حمل شود، علاوه بر اینکه کمتر با بیشتر جز در مفهوم منافات ندارد.

53. کامل الزیارات: حنان بن سدیر گوید: نزد امام باقرعلیه السلام بودم که مردی بر او وارد شد و سلام کرد و نشست. امام باقر علیه السلام به او فرمود: از کدام شهری؟ مرد گفت: من مردی از اهالی کوفه هستم و من محب و دوستدار هستم. راوی گوید: امام باقر علیه السلام به او فرمود: آیا همه نمازهایت را در مسجد کوفه میخوانی؟ مرد گفت: خیر. امام باقر علیه السلام فرمود: تو از خیر محرومی. سپس فرمود: آیا هر روز یک مرتبه از فراتتان غسل میکنی؟گفت خیر، فرمود: آیا در هر ماه؟ گفت: خیر. فرمود: آیا در هر سال؟ گفت: خیر، امام باقر علیه السلام به او فرمود: تو از خیر محرومی. راوی گوید سپس فرمود: آیا در هر جمعه قبر حسین را زیارت میکنی؟ گفت: خیر. فرمود: آیا در هر ماه؟ گفت: خیر. فرمود: آیا در هر سال؟ گفت: خیر. امام باقر علیه السلام به او فرمود: تو از خیر محرومی.(2)

54. الکافی: یکی از فرزندان میثم گوید. امیرمؤمنان علیه السلام تا ستون هفتم از جهت ابواب کنده نماز میخواند و میان او و ستون هفتم به اندازه گذر گوسفند بود.(3)

55. الکافی: ابن اسباط و غیر او گفتند: که در هر شب شصت هزار فرشته فرود میآیند و کنار ستون هفتم نماز میخوانند سپس فرشتهای از آنها تا روز قیامت باز نمیگردد.(4)

1- . کامل الزیارات: 31
2- . کامل الزیارات: 30
3- . الکافی 3 : 493
4- . الکافی 3 : 493

56. الکافی: سفیان بن سمط گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانیکه از در دوم از جانب راست مسجد وارد شدی پنج ستون بشمار دو ستون از آنها در سایه و سه ستون در صحن، و کنار ستون سوم مصلای ابراهیم علیه السلام است که ستون پنجم از سمت دیوار است فرمود: راوی گوید: در ایام ابی العباس امام صادق علیه السلام از بابالفیل وارد شد و زمانیکه از در وارد شد بهسمت چپ متمایل شد و کنار ستون چهارم که در مقابل ستون پنجم است نماز خواند. پس عرض کردم آیا آن، ستون ابراهیم علیه السلام است. فرمود: آری.(1)

توضیح: در دوم همان در کنده است چنانکه بهزودی خواهد آمد و محتمل است که آغاز شمارش از باب منزل امیرمؤمنان بهسمت راست مسجد باشد پس باب دوم اولین در از درهای مسدود از جانب دیوار واقع در سمت راست مصلی است. و محتمل است که منظور دومین از درهای واقع از جانب راست مسجد باشد و هر دو مورد دارای وجه است، زیرا ستونها بین دو باب واقع است هرچند این سخن او به مورد دوم نزدیکتر است، و آن در مقابل ستون پنجم است.یعنی ستون چهارم از جهت بابالفیل که مقابل ستون پنجم واقع از جانب کنده، واقع است پس زمانیکه سؤالکننده فضیلت ستون پنجم و تعیین آن را از امام علیه السلام شنید و او را دید که کنار ستون چهارم از مؤخر مسجد که مقابل ستون پنجم ایستاده است، بهصورت شفاهی از او درباره ستون پنجم سؤال کرد که آن همان ستون مقابل چهارم است. امام علیه السلام فرمود: آری پس آن اشاره به ستون پنجم است نه چهارم و با آنچهکه بر این دلالت دارد که مقام ابراهیم علیه السلام ستون پنجم است منافات ندارد.

57. کامل الزیارات: فضیل ابن اعور می گوید: درحالیکه مردم نماز عصر را خوانده بودند از لیث بن ابی سلیم استقبال کردم، گفت: من هنوز ظهر نخواندهام پس وقت مرا مگیر و با هدایت برو. راوی گوید: به او گفتم: چرا تا این ساعت به تأخیر انداختهای؟ گفت: حاجتی در بازار داشتم و نماز را به تأخیر انداختم تا

1- . الکافی 3: 493

بهجهت فضیلتی که به من رسیده است در مسجد بخوانم. راوی گوید: بازگشتم. گفتم درباره آن چه چیزی برایت روایت شده است گفت: فلانی از عایشه برایم خبر داد که وی گوید از رسولالله صلّی الله علیه و آله شنیدم که میفرمود: بهسوی آسمان عروج یافتم و به زمین هبوط کردم و در مسجد پدرم نوح و پدرم ابراهیم که همان مسجد کوفه است هبوط کردم و دو رکعت در آن خواندم: راوی گوید: وی گفت: رسولالله صلّی الله علیه و آله فرمود: یک نماز مفروض در آن با حج مبرور و یک نماز نافله با عمره مبرور معادل است.(1)

58. کامل الزیارات: مالک بن ضمره عنبری گوید: امیرمؤمنان علیه السلام به من فرمود: آیا بهسوی مسجدی که در پشت منزلت است خارج میشوی در آن نماز بخوانی؟ عرض کردم: یا امیرمؤمنان آن مسجدی است که زنان در آن نماز میخوانند. به من فرمود: ای مالک آن مسجدی است که هرگز اندوهگین به آن نیامده و در آن نماز نخوانده و خدا را نخوانده است مگر اینکه خداوند برای او گشایش حاصل کرده و حاجتش را به او عطا کرده است. مالک گفت: به خدا سوگند به آن نیامدم و در آن نماز نخواندم و چون شبی شد که امری به من رسید که اندوهگینم کرد سخن امیرمؤمنان را به یاد آوردم و شبانه برخاستم و کفش به پا کردم، وضو ساختم و خارج شدم پس با چراغی بر در منزلم مواجه شدم او پیش از من حرکت کرد تا اینکه به مسجد رسیدم و درحالیکه نماز میخواندم در مقابلم ایستاد و زمانیکه فارغ شدم کفش به پا کردم و او پیش از من حرکت کرد تا اینکه به در رسیدم و زمانیکه وارد شدم رفت و پس از آن هیچ شبی خارج نشدم مگر اینکه آن چراغ را بر درم یافتم و خداوند حاجتم را برآورده کرد.(2)

توضیح: محتمل است که منظور از آن مسجد سهله یا مساجد شریفه دیگر غیر از مسجد اعظم باشد و مؤلف المزار الکبیر آن را در فضیلت مسجد سهله آورده است.(3)

ص: 537

1- . کامل الزیارات: 31
2- . کامل الزیارات: 32
3- . المزار الکبیر: 36 با تفاوت.

59. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد امیرمؤمنان علیه السلام آمد درحالیکه وی در مسجد کوفه بود. به او گفت: سلام بر تو ای امیرمؤمنان و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. امام پاسخ سلام او را داد. مرد گفت: فدایت گردم من قصد مسجد الأقصی را داشتم و خواستم بر تو سلام کنم و با تو وداع گویم. امام فرمود: از آن چه میخواهی؟ گفت: فضیلت، فدایت گردم. فرمود: پس مرکب و همه توشهات را بفروش و در این مسجد نماز بخوان که نماز فریضه در آن حج مبرور و نافله در آن عمره مبرور است. و برکت از آن در فاصله دوازده میلی است. راست آن یمن و سمت چپ آن مکر و در وسط آن چشمهای از عطر، چشمهای از شیر و چشمهای از آب برای نوشیدن مؤمنان و چشمهای برای پاکی مؤمنان است. کشتی نوح از آن حرکت کرد و نسر، یغوث و یعوق در آن بود و هفتاد نبی و هفتاد وصی در آن نماز خواند که من یکی از آنها هستم و درحالیکه دستش بر سینهاش بود فرمود: اندوهگینی در آن درباره یکی از حاجتهایش درخواستی نکرد مگر اینکه خداوند اجابتش کرد و اندوهش را از او برطرف کرد.(1)

توضیح: شاید منظور از این سخن او «و برکت از آن در فاصله دوازده میلی است» آنچهکه در جهت غری تا آنجا که میلها به برکت قبر از منتهی میشود است. و به این جهت در اشاره به آن گفته است جانب راست آن یمن است و محتمل است که آن برکت از جمیع جوانب باشد و خبر آینده، مؤید آن است. اما چشمهها در زمان قائم علیه السلام نمایان خواهد شد چنانکه برخی اخبار به آن اشاره میکند. و اختصاص دادن به هفتاد تن از انبیاء و اوصیاء برای توجه به ذکر بزرگان آنها است یا کسانی از آنها که در این مقداری که در آن زمان مسجد بود نماز خواندند به این تعداد بود زیرا بیان شد که آن وسیعتر بود و خدا آگاه است.

60. کامل الزیارات: اسحاق بن یزداد گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: همه چیزم را به طلا و نقره تبدیل کردم و ملکم را فروختم و گفتم در

1- . کامل الزیارات: 32

مکه منزل کنم. فرمود: چنین نکن که اهل مکه آشکارا بر خدا کفر میورزند گفت: پس در حرم رسولالله صلّی الله علیه و آله، فرمود: ایشان از آنها بدترند. گفت: پس کجا منزل کنم. فرمود: بر تو باد کوفه عراق که برکت از آن بر دوازده میل چنین و چنان است و بر جانب آن قبری است که هرگز اندوهگین و خستهای بر آن نیامده مگر اینکه خداوند برای او گشایش حاصل کرد.(1)

توضیح: محتمل است که امام علیه السلام به دو جانب غری و کربلا اشاره کرده باشد نه به تمامی جوانب. و محتمل است که به تمامی جوانب اشاره کرده باشد و راوی برای اختصار دو جانب را ذکر کرده باشد.

61. فرحه الغری: امام صادق علیه السلام فرمود: کوفه باغی از باغهای بهشت است قبر نوح و ابراهیم علیه السلام و قبر سیصد و هفتاد نبی و ششصد وصی و قبر سرور اوصیاء امیرمؤمنان علیه السلام در آن است. (2)

62. تفسیر عیاشی: مردی از صادق علیه السلام گوید: از او درباره مساجدی که دارای فضیلت است سؤال کرد. فرمود: مسجد الحرام و مسجد الرسول. عرض کردم: و مسجد الاقصی فدایت گردم. فرمود: آن در آسمان است و رسولالله به سوی آن سیر داده شد. عرض کردم: مردم میگویند: آن بیت المقدس است. فرمود: مسجد کوفه از آن برتر است.(3)

63. تفسیر عیاشی: هارون بن خارجه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای هارون فاصله بین منزلت تا مسجد اعظم چقدر است؟ عرض کردم: نزدیک است. فرمود: یک میل میشود؟ عرض کردم بلکه نزدیکتر فرمود: پس همه نمازها را در آن شرکت نمیکنی؟ عرض کردم: خیر، به خدا سوگند فدایت گردم گاه مشغولیتی پیش می آید. به من فرمود: آگاه باش اگر من در حضورش بودم یک نماز در آن را از دست نمیدادم. راوی گوید: سپس با دستش چنین فرمود: هیچ فرشته مقرب، نبی مرسل و بنده صالحی نیست مگر اینکه در مسجد کوفه نماز خوانده است

1- . کامل الزیارات: 169
2- . فرحه الغری: 69

3- . تفسیر عیاشی 2 : 279

تا محمد در شب اسراء، جبرئیل بر آن گذر کرد و گفت: ای محمد این مسجد کوفه است به من اجازه بده تا دو رکعت در آن نماز بخوانم. پس به او اجازه داد و او را به پایین آورد و در آن دو رکعت خواند و گفت: آیا دانستی که در جانب راست آن باغی از باغهای بهشت و در جانب چپ آن باغی از باغهای بهشت است و. آیا دانستی که نماز فریضه در آن با هزار نماز در غیر آن و نماز نافله با پانصد نماز برابر است و نشستن در آن بدون قرائت قرآن عبادت است. سپس با انگشتش گفت چنین و آن را حرکت داد، بعد از دو مسجد برتر از مسجد کوفه نیست.(1)

توضیح: در التهذیب آمده است: و جانب راست آن باغی از باغهای بهشت و مؤخر آن باغی از باغهای بهشت است. پس بعید نیست که منظور از جانب راست، قبر امیرمؤمنان علیه السلام و منظور از مؤخر قبر حسین علیه السلام باشد.(2)

64. الکافی(3)،

تهذیب الاحکام: ابوحمزه گوید: اصبغ بن نباته دستم را گرفت و ستون هفتم را نشانم داد گفت: این مقام امیرمؤمنان علیه السلام است. و حسن بن علی کنار ستون پنجم نماز میخواند و چون امیرمؤمنان وفات یافت حسن در آن نماز خواند و آن از باب کنده است.(4)

65. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمود: ستون هفتم از جانب ابواب کنده در صحن، مقام ابراهیم علیه السلام و ستون پنجم مقام جبرئیل علیه السلام است.(5)

توضیح: بدان که این مسجد در زمان ما دو دروازه متقابل دارد یکی از آن دو در کنار بیت امیرمؤمنان از جانب قبله و دیگری مقابل آن در پشت قبله است و سایر دروازهها مسدود است. و دری که در پشت قبله است در ثعبان مشهور به بابالفیل است. و در اول از درهای مسدود در سمت راست مسجد از جهت بابالفیل باب انماط است. و چون چهار ستون از آن به سمت چپ مسجد را

1- . تفسیر عیاشی 2 : 277

2- . تهذيب 6 : 32
3- . الكافى 3 : 493
4- . تهذيب 6 : 33
5- . الكافى3 : 493

بشماری ستون چهارم ستون ابراهیم علیه السلام است. و باب کنده در آخر یا قبل از در آخر از آن درهای مسدود از جانب نزدیک به محراب است و چون ستونها را از آن به سمت چپ قبله بشماری ستون پنجم و هفتم و برخی از ستونها برایت نمایان میشود گرچه افتادهاند اما جای آن آشکار است. پس روشن شد ستون چهارمی که شهید در آنچه که بهزودی، در سیاق اعمال خواهد آمد روایت کرد، همان ستون نزدیک به بابالفیل است. آن روایت بر این دلالت دارد که آن مقام ابراهیم علیه السلام است. و روایت ابن نباته بر این دلالت دارد که مقام او ستون هفتم در جهت قبله، در نزدیکی محراب است و روایت ابن اسباط بر این دلالت دارد که آن ستون پنجم است و میان این روایات منافاتی نیست زیرا ممکن است که هر یک از آنها مقام او باشد. ستون هفتم در خبر پیشین ابن نباته مشتمل بر ذکر خضر علیه السلام بیان شد ظاهر این است که آن نیز از باب انماط به سمت چپ مسجد شمرده میشود چنانکه در ستون چهارم ذکر کردیم و این ستون موجود است و به اسم شناخته نمیشود و شاید گفته شود که آن مقام خضر علیه السلام است و محتمل است که شمارش از بابالفیل تا سمت قبله آغاز شده باشد پس بعید نیست که به ستون هفتم یا پنجم که از جانب باب کنده است منتهی شود. منظور از این سخن او «ممایلی الصحن» این است که شمردن در مقابل بابالفیل نیست تا ابتدا از ستونهای سایه باشد بلکه از ستونهای واقع در صحن است و مورد اول بهتر است و شاید خروج او علیه السلام از باب کنده مورد دوم را تأیید نماید. و بدان که ظاهر این است که شهید مقام ابراهیم بودن ستون چهارم را از خبر سفیان بن سمط گرفته است بنابر احتمال مرجوحی که به آن اشاره کردیم. پس غافل نباش.

از آنجا که اخباری که درخصوص اعمال این مسجد رسیده است را کنکاش کردیم آنچهکه شیخ مفید، سید ابن طاوس، مؤلف المزار الکبیر(1)

و شیخ شهید(2)

آن را در کتابشان بهصورت مرتب وارد کردهاند و در برخی از آنها به ما خبر نرسیده است را ذکر میکنیم. لفظ خبر از سید است.

1- . المزار الکبیر: 45

2- . مزار شهید: 69 با تفاوت

66. گوید: زمانیکه وارد آبشخور کوفه شدی غسل کن و در مسجدی که کنار آبشخور در نزدیکی پل جدید از جانب شرق است نماز بخوان که آن محل شریفی است، روایت است که امیرمؤمنان علیه السلام در آن نماز خواند.

سپس برای زیارت یونس بن متی رهسپار شو و مرقد او را قصد کن و بر دروازه بایست و در محل حاجت از اذنی که به هنگام وقوف بر در رسول در مدینه بیان کردم بر او اذن بخواه و وارد شو و زمانیکه بر قبرش ایستادی بگو: سلام بر اولیای و برگزیدگان خدا، سلام بر امینان و حبیبان خدا، سلام بر یاران و جانشینان خدا، سلام بر محلهای شناخت خدا، سلام بر معادن حکمت خدا، سلام بر مسکنهای ذکر خدا، سلام بر بندگان گرامی خدا، کسانیکه در سخن بر او پیشی نمیگیرند و به امر او عمل میکنند. سلام بر جلوههای امر و نهی خدا، سلام بر راهنمایان به خدا، سلام بر استقراریافتگان در رضای خدا، سلام بر تصفیهشدگان در طاعت خدا، سلام بر کسانیکه هر که با آنان دوستی کند با خدا دوستی کرده است و هر که با آنان دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است و هر که آنان را شناخت خدا را شناخته است و هر که بر آنان جهل ورزید بر خدا جهل ورزیده است و هر که به آنان تمسک جست به خدا تمسک جسته است و هر که از آنان کنارهگیری کرد از خدا کنارهگیری کرده است. گواهی میدهم که من برای هر که با شما نبرد کرد جنگ و برای هر که با شما صلح کرد صلح هستم، به آنچه ایمان آوردید مؤمن و به آنچه کفر ورزیدید کافر هستم، احقاقکننده آنچهکه محقق ساختید و باطلکننده آنچهکه ابطال کردید هستم، به پیدا و پنهان شما مؤمن هستم همه آنها را به شما تفویض میکنم. خداوند دشمنان شما از جن و انس را نفرین کند و عذاب دردناک را بر آنان چندین برابر کند.(1)

سپس برای خود و برای هر کسیکه دوست داشتی دعا میکنی و دو رکعت تحیت مسجد و دو رکعت زیارت میخوانی سپس با دعای زینالعابدین علی بن حسین علیه السلام دعا کن -و دعای استقاله نامیده میشود- :

1- . مصباح الزائر: 37

ای کسیکه گنهکاران از رحمتش طلب یاری میکنند، ای کسیکه گرفتاران به ذکر احسانش توسل میجویند، ای انس هر تنهای غریب، فرج هر محزون اندوهگین، ای یاری هر رهاشده تنها و ای یاور هر نیازمند راندهشده، تو هر چیزی را با رحمت فراگرفتی، و برای هر مخلوقی در نعمتت سهمی قرار دادی و تو کسی هستی که عفوش عقوبتش را از یادم زدود، تو کسی هستی که رحمتش در مقابل غضبش تلاش میکند و کسی هستی که عطایش بیش از منعش است. تو کسی هستی که به مجازات کسی که بدو عطا کرده است مشتاق نیست، تو کسی هستی که در عقوبت کسی که از او سرکشی کرده است زیادهروی نمیکند و من بنده تو هستم که به دعا امرش کردی پس او گفت: چشم. این من هستم که در حضورت هستم من کسی هستم که خطاها پشتش را سنگین کرده است، من کسی هستم که گناهان عمرش را نابود کرده است، من کسی هستم که با جهلش از تو عصیان کرد درحالیکه تو شایسته آن نبودی، بارخدایا آیا تو رحمتکننده کسی هستی که بخواندنت، پس من در دعا زیاده میکنم، آیا تو آمرزنده کسی هستی که نزدت گریه کند. پس در گریستن شتاب میکنم. آیا تو درگذرنده از کسی هستی که رویش را ذلیلانه به خاک آلوده کند، یا تو توانگرکننده کسی هستی که متوکلانه از فقرش نزدت شکایت کند. بارخدایا کسی را که غیر از تو کسی را برای درخواست نمییابد، ناکام نکن، کسیکه با کسی جز تو بینیاز نمیشود را رها مکن، بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و از من روی برنگردان درحالیکه من بهسوی تو روی آوردهام، و درحالیکه به تو مشتاق شدهام مرا محروم نکن، درحالیکه در مقابلت ایستادهام مرا با رد کردن مواجه نکن. تو خویشتن را به رحمت وصف کردهای پس بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و مرا رحمت کن، تو کسی هستی که خود را به عفو وصف کردی پس مرا عفو کن که بارخدایا سرازیری اشکهایم از شدت ترست، لرزش دلم از خشیتت و ویرانی اعضایم از هیبتت را میبینی.(1)

1- . مصباح الزائر: 38

سپس با او وداع میگویی و ان شاء الله بازمیگردی. سپس بعد از آن برای ورود به کوفه رهسپار میشوی که روایت است که آن حرم خدا، حرم رسول خدا و حرم امیرمؤمنان علیه السلام است و اخبار در خصوص فضیلت آن، فضیلت مسجد آن و بسیاری از اماکن آن بسیار آمده است که ذکر آنها را رها کردیم. زمانیکه وارد آن میشوی بگو: با نام خدا و به یاری خدا، در راه خدا و بر دین رسولالله، بارخدایا مرا در منزلی مبارک وارد کن که تو بهترین منزلدهندگانی سپس حرکت کن درحالیکه تکبیر، تهلیل، حمد و تسبیح میگویی تا اینکه به دروازه مسجد میرسی و چون به آن رسیدی بر بابالفیل بایست.

67. میگویم: و شهید(1)

و مؤلف المزار الکبیر(2)

گویند زمانیکه به آن آمدی بر در معروف به بابالفیل بایست که از مولایمان امیرمؤمنان علیه السلام روایت است که وی فرمود: از باب اعظم وارد جامع شو که آن باغی از باغهای بهشت است. و زمانیکه قصد ورود داشتی بر در بایست. سپس سید گوید: و بگو: سلام بر سرورمان رسول خدا، محمد پسر عبدالله و بر خاندان مطهر او، سلام بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و رحمت و برکات خداوند بر او و بر مجالس و مشاهد او و مقام حکمت او و آثار پدران او آدم، نوح، ابراهیم و اسماعیل و بر بنیان بیّنات او، سلام بر امام حکیم عادل صدیق اکبر و فاروق به عدل که خداوند به وسیله او حق و باطل،

کفر و ایمان، شرک و توحید را جدا نمود تا هر که از روی دلیلی روشن هلاک شد هلاک گردد و هر که از روی دلیلی روشن زنده شد زنده گردد.گواهی میدهم که تو امیرمؤمنان، مخصوص نفس برگزیدگان، زینت راستگویان و صبور آزمودهشدگان هستی و تو داور خدا در زمینش،اجراکننده امر او، دروازه حکمت او، منعقدکننده عهد او، گوینده وعده او، ریسمان متصل بین او و بندگان او، غار نجات، طریق تقوا، درجه علیا، شاهد قاضی اعلی هستی، ای امیرمؤمنان بهوسیله تو به خدا بسیار تقرب میجویم، تو ولی، سرور و وسیله من در دنیا و آخرت هستی. سپس وارد مسجد میشوی و

1- . مزار شهيد: 71
2- . المزار الكبير: 45

میگویی: الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر این مکان پناهآورنده به خدا، محمد صلّی الله علیه و آله، و ولایت امیرمؤمنان و ائمه هدایتیافته، ناطق، راشد است کسانی که خداوند آلودگی را از آنان زدود و آنان را بسیار پاکیزه گردانید، آنها را بهعنوان امام، هدایتگر و دوست پسندیدم و تسلیم امر خدا شدم، چیزی را با او شریک نمیکنم و همراه خدا سرپرستی نمیگیرم، کسانی که برای خدا عِدل قرار دادند، کذب گفتند و به ضلالت شدیدی گرفتار شدند. خدا و اولیای خدا برای من بس است. گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست یگانه است و شریکی ندارد. گواهی میدهم که محمد بنده و رسول او، و علی و ائمه هدایتیافته از فرزندان او اولیای او و حجت خدا بر خلائق او هستند. سپس بهسوی ستون چهارم از جانب باب انماط که مقابل ستون پنجم که ستون ابراهیم است برو و کنار آن چهار رکعت نماز بگذار، دو رکعت با حمد و صمد، دو رکعت با حمد و قدر.(1)

68. شهید(2) و مؤلف المزار الکبیر(3) گویند: سپس بهسوی ستون چهارم از جانب انماط میروی و به اندازه هفت ذراع، کمتر یا بیشتر بهسوی ستون حرکت میکنی که از مولایمان جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام روایت است که وی در ایام سفاح آمد و از بابالفیل وارد شد و اندکی به چپ متمایل شد سپس وارد شد و کنار ستون چهارم که در مقابل ستون پنجم است نماز خواند. درباره آن به او گفته شد فرمود: آن ستون ابراهیم علیه السلام است که چهار رکعت می خوانی. سپس سید گوید: چون از آن فارغ شدی تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو و بگو: سلام بر بندگان صالح هدایت یافته خدا، کسانی که خداوند آلودگی را از آنان زدود و آنها را بسیار پاکیزه گردانید و آنها را انبیاء مرسل و حجتی بر تمامی خلق قرار داد. سلام بر مرسلین و حمد از آن خدای پروردگار جهانیان است آن تقدیر شکستناپذیر داناست. سلام بر نوح در جهانیان، هفت مرتبه. سپس میگویی: ما بر وصیتت که یا سرپرست مؤمنان فرزندانت از مرسلین و

1- . مصباح الزائر: 39
2- . مزار شهید: 72
3- . المزار الکبیر: 46

صدیقین را به آن توصیه کردی هستیم. ما بر آیین ابراهیم، دین محمد نبی امی و ائمه اطهار و ولایت مولایمان علی امیرمؤمنان هستیم سلام، رحمت، رضوان و برکات خداوند بر بشارتدهنده انذاردهنده، بر وصی و جانشین او و بر شاهد خدا بعد از او بر خلائق او، علی امیرمؤمنان، صدیق اکبر فاروق آشکاری که بیعتش را بر جهانیان گرفتی باد، آنها را بهعنوان اولیاء، مولا و حاکمانی در خودم، فرزندانم، خویشانم، اموالم، قسمم، حلّم، احرامم، اسلامم، دینم، دنیایم، آخرتم، زندگیام و مرگم پسندیدی. شما امام در کتاب، فصل مقام، فصل خطاب، و چشمان بیداری که نمیخوابند هستید، شما حکیمان خدا هستید، خداوند به شما حکم کرد و حق خدا با شما شناخته شد، هیچ خدایی جز خدا نیست، محمد رسول خداست. شما نور خدا از پیشرو و پشتسر ما هستید. شما سنت خدا هستید که قضای الهی بر آن پیشی گرفت. یا امیرمؤمنان من بر شما بسیار تسلیم هستم، چیزی را برای خدا شریک نمی کنم و غیر از او سرپرستی نمیگیرم. حمد از آن خدایی است که مرا با شما هدایت کرد و هدایت نمیشدم اگر هدایتم نمیکرد. الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر حمد از آن خداست به سبب اینکه هدایتمان کرد. (1) ذکر نماز و دعا بر روی سکوی قضا: سپس بهسوی سکوی قضا برو و دو رکعت بر روی آن بخوان که در آن بعد از الحمدلله هرچه خواستی قرائت میکنی و چون از آن فارغ شدی سلام میدهی و تسبیحات حضرت زهرا میگویی و بگو: ای مالک و به تملیک درآورده من، ای پوشاننده من با نعمتهای بزرگ بدون استحقاق. سیمای من بر روی آنکه بر آن گام نهاده میشود برای جلال ذات کریمت خاضع است، این شدت و این محنت را به بیچارگی ترس متصل قرار مده و از فضلت آنچهکه بدون مسألت به کسی بخشیدی را به من ببخش، تو قدیم اولی هستی که همیشه بودی و هستی، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و مرا بیامرز و رحمت کن و عملم را پاک بگردان و در مهلتم بر من برکت ببخش و مرا از رهاشدگان و آزادشدگانت از آتش قرار بده به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.(2)

1- . مصباح الزائر: 40
2- . مصباح الزائر: 40

ذکر نماز و دعا در بیت الطشت متصل به سکوی قضاء: در آنها دو رکعت میخوانی و چون سلام دادی و تسبیح گفتی بگو: بارخدایا من توحیدم برای تو، شناختم به تو، اخلاصم برای تو، اقرارم به ربوبیت تو را اندوختهام. و ولایت کسانی از خلائقت که شناختشان را به من نعمت دادهای محمد و خاندان او صلّی الله علیه و آله او را برای روز توسلم به تو اینک و در آینده اندوختهام. و امروز و در این موقفم بهسوی تو و آنان توسل جستهام ای مولای من، آنچه از نعمتت که فزونییافته، از بین رفتن آنچه از انتقامت که میترسم، برکت در آنچهکه روزیام کردی، مقاوم ساختن سینهام در مقابل هر اندوه، حاجت و معصیتی در دین، دنیا و آخرتم را از تو مسألت کردم ای مهربانترین مهربانان.(1)

میگویم: در برخی تألیفات اصحاب قدیممان یافتم: و مستحب است که در بیت الطشت که به سکوی قضا متصل است دو رکعت بخوانی که از امام صادق علیه السلام آن را روایت کرد پس هرگاه سلام کردی بگو و دعا را ذکر کرده است سپس سید رحمهالله گوید: ذکر نماز و دعا در وسط مسجد: در آنجا دو رکعت میخوانی که در رکعت نخست حمد و صمد و در رکعت دوم حمد و کافرون را قرائت میکنی و چون سلام کردی و تسبیح گفتی بگو: بارخدایا تو سلام هستی و سلام از توست و سلام بهسوی تو بازمیگردد و خانه تو خانه سلام است، پروردگارا ما را به سلامی از جانب خود زنده بگردان، بارخدایا من این نماز را در طلب رحمت، رضوان و مغفرت تو و تعظیمی برای مسجدت بهجای آوردم. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و او را در اعلی علیین بالا ببر و آن را از من بپذیر ای مهربانترین مهربانان.(2) سپس بهسوی ستون هفتم حرکت کن و کنار آن بایست و قبله را استقبال کن و بگو: با نام خدا، با خدا و بر دین رسولالله و هیچ خدایی جز الله نیست و محمد رسول خداست. سلام بر پدرمان آدم و مادرمان حواء، سلام بر هابیل که به ستم و دشمنی بر مواهب و رضوان خدا کشته شد. سلام بر شیث برگزیده خدا، انتخابشده امین و بر برگزیدگان راستین از ذریه مطهر او

1- . مصباح الزائر: 40
2- . مصباح الزائر: 41

اولین و آخرین آنها، سلام بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب و بر ذریه برگزیده آنها. سلام بر موسی کلیم الله، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر محمد بن عبدالله خاتم انبیاء، سلام بر برگزیدگان بر جهانیان، سلام بر امیرمؤمنان و فرزندان طیب او و رحمت و برکات خداوند بر او باد. سلام بر شما در اولینها، سلام بر شما در آخرینها، سلام بر فاطمه زهراء، سلام بر شاهدان خدا بر خلائقش، سلام بر مراقب شاهد برای خدا بر امتهای خدا پروردگار جهانیان.

سپس کنار آن چهار رکعت میخوانی که در رکعت نخست حمد و قدر، در دوم حمد و صمد، در سوم و چهارم مانند آن را قرائت میکنی و چون فارغ شدی و تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را گفتی بگو: بارخدایا اگر از تو سرکشی کردهام در محبوبترین امور نزد تو، ایمان به تو از تو اطاعت کردهام به عنوان لطفی از تو بر من نه لطفی از من به تو. در محبوبترین امور نزد تو از تو اطاعت کردهام، برایت فرزندی نگرفتهام و شریکی برایت نخواندهام و نه بر وجه برتری جستن، نه خروج از بندگیات و نه انکار ربوبیتت از تو سرکشی نکردهام بلکه از امیالم پیروی کردهام و شیطان پس از حجت بر من و بیان مرا دچار لغزش کرد. پس اگر مرا با گناهانم عذاب کنی غیر ظالم هستی و اگر از من درگذری و رحمتم کنی، پس به جود و کرمت است ای کریم. بارخدایا برای گناهانم جز امید عفوت باقی نمانده است. درحالیکه ابزار حرمان را پیش فرستادهام. پس من بارخدایا آنچه مستوجب آن نیستم را از تو میخواهم و آنچهکه مسحقش نیستم را از تو طلب میکنم بارخدایا اگر عذابم کنی به سمت گناهانم است و چیزی بر من ستم نکردهای و اگر آمرزشم کنی تو بهترین رحمتکننده هستی ای سرورم. بارخدایا تو تو هستی و من من، تو بسیار بازگشتکننده به مغفرت و من بسیار بازگشتکننده به گناه هستم. تو نیکیکننده با بردباری و من بازگشتکننده به جهل هستم. بارخدایا ای گنجینه ضعفا، ای امید بزرگ، ای نجاتدهنده غریقان، ای نجاتدهنده هلاکان، ای زندهکننده مردگان و ای میراننده زندگان از تو میخواهم. تو خدایی هستی که خدایی جز تو نیست تو کسی هستی که شعاع خورشید، صدای آب، خش خش درخت، نور ماه، تاریکی شب، روشنایی روز، بال

زدن پرنده برای تو سجده کرد. بارخدایا به حق بزرگت بر محمد و خاندان صادق او، و به حق محمد و خاندان صادقش بر تو، به حق تو بر علی و حق علی بر تو، به حق تو بر فاطمه و به حق فاطمه بر تو، به حق تو بر حسن و حق حسن بر تو، به حق تو بر حسین و حق حسین بر تو، از تو میخواهم که حقوق آنها بر تو از برترین احسان تو بر آنان است و به شأنی که نزد آنان برای توست و به شأنی که نزد تو برای آنان از تو میخواهم که بر آنان درود بفرستی پروردگارا درود دائمی منتهای رضای تو. و به خاطر آنها گناهانی که میان من و تو است را بر من ببخشایی، خلائقت را از من راضی گردانی، نعمتت را بر من تمام کنی چنانکه بر پدرانم پیش از من تمام کردهای. و برای کسی از خلائقت منتی بر من قرار مده. بر من لطف کن چنانکه پیش از این بر پدرانم لطف کردهای ای کهیعص. بارخدایا چنانکه بر محمد و خاندان او درود فرستادی دعای مرا در آنچه مسألت کردم برایم استجابت کن ای کریم ای کریم ای کریم. سپس سجده کن و در سجودت بگو: ای کسی که بر برآورده کردن حاجتهای درخواستکنندگان قادر است، ای کسی که از درون ساکتان، آگاه است، ای کسی که احتیاج به تفسیر ندارد، کسی که از چشمان خیانتکار و آنچه در سینهها پنهان است آگاه است. ای کسی که عذاب را بر قوم یونس به قصد عذاب آنان نازل فرمود و آنها او را خواندند و به سوی او تضرع کردند پس عذاب را از آنان برطرف کرد و تا زمانی به آنان بهره داد. جایگاهم را میبینی، دعایم را میشنوی و از پیدا و پنهانم آگاهی، پس بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و مرا از امور دینی، دنیوی و اخرویام که اندوهگینم میکند حفاظت کند. ای سرورم ای سرورم هفتاد مرتبه.

سپس سرت را از سجده بالا کن و بگو: پروردگارا برکت این مکان و برکت اهل آن را از تو میخواهم و از تو میخواهم که روزی حلال پاکی که با حول و قوه خود به سویم پیش میرانی درحالیکه من غرق در عافیت هستم را به من روزی دهی، ای مهربانترین مهربانان.(1)

1- . مصباح الزائر: 42

69. میگویم: شهید(1) و مؤلف المزار الکبیر(2) بعد از عمل ستون چهارم گویند سپس در صحن مسجد چهار رکعت نماز حاجت میخوانی دو رکعت با حمد و قل هو الله احد، دو رکعت با حمد و انا انزلناه و چون فارغ شدی تسبیحات حضرت زهرا را بگو که از امام صادق علیه السلام روایت شده است که به یکی از یارانش گفت: فلانی آیا در حاجتت شتاب میکنی یا بر مسجد اعظم که در کوفه نزدتان است میگذری؟ گفت: آری. فرمود: پس در آن چهار رکعت بخوان و بگو: بارخدایا اگر از تو سرکشی کردهام در محبوبترین امور نزد تو، از تو اطاعت کردهام. برایت فرزندی نگرفتهام و شریکی برایت نخواندهام در امور بسیاری از تو سرکشی کردهام اما نه بر وجه برتری جستن بر تو، نه تکبر از عبادت تو، نه انکار ربوبیتت و نه خروج از بندگی تو بوده است، بلکه از امیالم پیروی کردهام و شیطان پس از حجت بر من و بیان مرا دچار لغزش کرد. پس اگر مرا با گناهانم عذاب کنی غیر ظالم هستی و اگر از من درگذری و رحمتم کنی پس به جود و کرمت است ای کریم. و می گویی به حول و قوه خدا صبح کرده ام، بدون حول و قوه ای از خود صبح کرده ام بلکه به حول و قوه خدا صبح کرده ام. پرودگارا برکت این بیت و برکت اهل آن را از تو می خواهم و از تو می خواهم که روزی حلال پاکی که با حول و قوه خودت به سویم پیش می آوری را درحالیکه من غرق در عافیت تو هستم، بر من روزی کنی. و سید گوید: سپس کنار ستون پنجم دو رکعت نماز می خوانی که در آن حمد و هر سوره ای که خواستی را قرائت می کنی و زمانی که سلام دادی و تسبیح گفتی، بگو: بار خدایا، من به تمامی نام هایت، آنچه که از آنها دانستیم و آنچه که نمی دانیم را از تو می خواهم و با نام عظیم اعظم کبیر اکبرت، از تو می خواهم که هر که با آن خواندت، اجابتش کردی و هر که با آن مسألتت کرد، عطایش کردی و هر که با آن از تو یاری خواست، یاری اش کردی و هر که با آن از تو طلب آمرزش کرد، آمرزشش کردی و هر که با آن طلب مساعدت کرد، مساعدتش کردی، هر که با آن طلب روزی کرد، روزی اش دادی و هر که با آن طلب کمک کرد، کمکش نمودی و هر که با آن طلب

1- . مزار شهید: 73
2- . المزار الکبیر: 47

رحمت کرد، رحمتش کردی و هر که با آن طلب پناه کرد، پناهش دادی، هر که با آن بر تو توکل کرد، حمایتش کردی، هر که با آن طلب مصونیت کرد، مصونش کردی، هر که با آن طلب رهایی از آتش کرد، رهایش کردی، هرکه با آن طلب مهربانی کرد، بر او مهربانی کردی، هرکه با آن آرزویت کرد، عطایش کردی، نامی که با آن آدم را به عنوان دوست، نوح را نجواکننده، ابراهیم را خلیل، موسی را کلیم، عیسی را روح، محمد را حبیب و علی را وصی گرفتی که درود خدا بر همه آنان باد، از تو می خواهم که حاجت هایم را برایم برآورده کنی و گناهان پیشینم را بر من ببخشی و با آنچه که تو شایسته آن هستی بر من و همه مردان و زنان مؤمن در دنیا و آخرت نیکی کنی. ای از میان برنده اندوه اندوهگینان و ای یاری مضطربان، هیچ خدایی جز تو نیست، منزه هستی ای پروردگار جهانیان. و ذکر کرد که در کنار ستون پنجم نیز با دعایی که به هنگام استقبال قبله در کنار ستون هفتم بیان کردیم، دعا می کند.(1)

سپس به سوی سکوی زین العابدین علیه السلام که کنار ستون سوم از جانب باب کنده است حرکت کن و بر روی آن دو رکعت بخوان که در آن حمد و هرچه خواستی قرائت می کنی و چون سلام گفتی و تسبیح گفتی، بگو: بارخدایا گناهانم زیاد شده و برای آن جز امید عفوت باقی نمانده است. درحالیکه ابزار حرمان را پیش فرستادهام. پس من بارخدایا آنچه مستوجب آن نیستم را از تو میخواهم و آنچهکه مسحقش نیستم را از تو طلب میکنم بارخدایا اگر عذابم کنی به سبب گناهانم است و چیزی بر من ستم نکردهای و اگر آمرزشم کنی تو بهترین رحمتکننده هستی ای سرورم. بارخدایا تو تو هستی و من من، تو بسیار بازگشتکننده به مغفرت و من بسیار بازگشتکننده به گناه هستم. تو نیکیکننده با بردباری و من بازگشتکننده به جهل هستم. بارخدایا ای گنجینه ضعفا، ای امید بزرگ، ای نجاتدهنده غریقان، ای نجاتدهنده هلاکان، ای زندهکننده مردگان و ای میراننده زندگان از تو میخواهم. تو خدایی هستی که خدایی جز تو نیست تو کسی هستی که شعاع خورشید، نور ماه، تاریکی شب، روشنایی روز، بال زدن پرنده

1- . مصباح الزائر: 42 و 43

برای تو سجده کرد. بارخدایا به حق بزرگت ای کریم بر محمد و خاندان صادق او، و به حق محمد و خاندان صادقش بر تو، به حق تو بر علی و حق علی بر تو، به حق تو بر فاطمه و به حق فاطمه بر تو، به حق تو بر حسن و حق حسن بر تو، به حق تو بر حسین و حق حسین بر تو، از تو میخواهم که حقوق آنها بر تو از برترین احسان تو بر آنان است و به شأنی که نزد آنان برای توست و به شأنی که نزد تو برای آنان از تو میخواهم که بر آنان درود بفرستی پروردگارا درود دائمی منتهای رضای تو. و به خاطر آنها گناهانی که میان من و تو است را بر من ببخشایی، نعمتت را بر من تمام کنی چنانکه بر پدرانم پیش از من تمام کردهای ای کهیعص. بارخدایا چنانکه بر محمد و خاندان او درود فرستادی دعای مرا در آنچه مسألت کردم برایم استجابت کن.

سپس گونه راستت را بر زمین قرار بده و بگو ای سرورم، ای سرورم، ای سرورم، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و مرا بیامرز، مرا بیامرز، مرا بیامرز و این را بسیار بگو و خشوع کن و گریه کن و با گونه چپ نیز چنین کن، سپس با هرچه دوست داشتی دعا کن.(1)

سپس به سوی سکوی منزل امیرمؤمنان علیه السلام حرکت کن و بر روی آن چهار رکعت با حمد و هر سوره ای از قرآن که خواستی بخوان و چون فارغ شدی و تسبیح گفتی، بگو: بارخدایا، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و حاجتم را برآورده کن. ای خدا، ای کسی که درخواستکننده اش ناکام نمیماند و عطایش پایان نمی گیرد، ای برآوردنده حاجت ها، ای اجابت کننده دعاها، ای پروردگار زمینها و آسمآنها، ای برطرف کننده اندوه ها، ای صاحب عطایای وسیع، ای دفع کننده محنت ها، ای تبدیل کننده خطاها به حسنات، با لطفت، فضلت و احسانت نزد من بازگرد و دعایی که از تو خواسته ام را و آنچه از تو طلب کرده ام را به حق نبی ات، وصی ات و اولیای صالحت استجابت کن.

1- . مصباح الزائر: 43 و 44

وصف نماز دیگری در باب مذکور: دو رکعت است و چون از آن فارغ شدی و تسبیح گفتی، بگو: بارخدایا، من به جهت علم به وحدانیت و صمدانیت تو و اینکه غیر از هیچ قادری بر برآورده کردن حاجتم نیست، به ساحت تو آمدم. و پرودگارا دانسته ام که هرچه نعمتت بر خود را مشاهده کرده ام، نیازم به تو شدید شد، از امور غمگینکننده، امری بر من وارد شده است که تو از آن آگاهی، زیرا تو دانای غیر تعلیم یافته ای. با نامی که بر آسمان نهادی و شکافت، بر زمین نهادی و گسترده شد، بر ستارگان نهادی پراکنده شد، بر کوه ها نهادی استقرار یافت، از تو می خواهم، با نامی که نزد محمد، علی، حسن، حسین و نزد جمیع ائمه که درود خدا بر آنان باد، نهادی، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و پروردگارا حاجتم را برآورده کنی و دشوار آن را آسان کنی و مرا از امور غمگین کننده آن حفاظت کنی و قفل آن را بر من بگشایی که اگر چنین کنی، حمد از آن توست و اگر چنین نکنی حمد از آن توست، درحالیکه تو در حکمت ظالم، و در عدلت ستمگر نیستی. سپس گونه راستت را بر زمین قرار می دهی و می گویی بارخدایا، یونس بن متی علیه السلام بنده و پیامبرت در دل ماهی، تو را خواند و تو استجابتش کردی و من تو را می خوانم، پس به حق محمد و خاندان محمد استجابتم کن و با هرچه دوست داشتی دعا کن. سپس گونه چپت را برگردان و بگو: بارخدایا، تو به دعا امر کردی و اجابت را عهده دار شدی و من تو را می خوانم، چنانکه تو امرم کردی، پس بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و برایم گشایش حاصل کن ای کریم. (1)

وصف نماز حاجت در باب مذکور: چهار رکعت می خوانی و چون فارغ شدی و تسبیح گفتی، بگو: بارخدایا، از تو می خواهم، ای کسی که چشم ها او را نمی بیند، گمآنها او را احاطه نمی کند، توصیف کنندگان او را وصف نمی کنند، حوادث تغییرش نمی دهد و روزگاران نابودش نمی کند. از مثقال کوه ها،پیمانه دریاها، برگ درختان، شن بیابآنها، و هر آنچه که خورشید و ماه روشنش کرد و شب بر آن تاریکی انداخت و روز آشکارش کرد، از تو می خواهم. نه آسمانی آسمانی را از تو پنهان می کند و نه زمین

1- . مصباح الزائر: 44

زمینی را و نه کوه آنچه که در پایه خود دارد و نه دریا آنچه که در قعر خود دارد را، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و بهترین امرم را آخر آن و بهترین اعمالم را پایان آنها و بهترین روزهایم را روزی که دیدارت می کنم، قرار دهی که تو بر هر چیزی توانا هستی. بارخدایا هر که مرا با بدی قصد کرد، با بدی قصدش کن و هر که بر من نیرنگ کرد، بر او نیرنگ کن و هر که مرا با هلاکت طلب کرد، هلاکش کن و مرا از اندوه کسی که اندوهش را بر من وارد کرد حفاظت کن. بارخدایا مرا در دژ محکمت داخل کن و با ستر محافظت بپوشان، ای کسی که از هر چیزی کفایت می کند و چیزی از او کفایت نمی کند. مرا از هر آنچه که از امور دنیا و آخرت اندوهگینم می کند، حمایت کن و گفتار و کردارم را تصدیق کن، ای شفیق ای رفیق. تنگنا را بر من بگشای و آنچه که توانش را ندارم بر من حمل نکن. بارخدایا، با چشمت که نمی خوابد حفاظتم کن و با قدرتت بر من رحمتم کن ای مهربان ترین مهربانان، ای برتر، ای بزرگ. تو به حاجتم آگاه و بر برآورده کردن آن توانایی و آن نزد تو آسان و من به تو محتاج هستم. پس با آن بر من لطف کن ای کریم، که تو بر هر چیزی توانا هستی.

سپس سجده می کنی و می گویی: بارخدایا حاجت هایم را دانسته ای، پس بر محمد و خاندان او درود بفرست و آن را برآورده کن، گناهانم را شمرده ای، پس بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و آن را ببخش ای کریم.

سپس گونه راستت را برمی گردانی و می گویی: اگر بدترین بنده بودم، تو بهترین صاحب هستی، در مورد من آنچه که تو سزاوار آن هستی انجام بده نه آنچه که من سزاوار آنم، ای مهربان ترین مهربانان.

سپس گونه چپت را برمی گردانی و می گویی: اگر گناه از جانب بنده ات زیاد شد، عفو از جانب تو نیکو باید گردد ای کریم.

سپس به سجده بازمی گردی و می گویی: کسی که بدی کرد، گناه کرد، فروتنی کرد و اقرار کرد را رحمت کن.(1)

ص: 554

1- . مصباح الزائر: 45

سپس در مکانی که امیرمؤمنان ضربت خورد که ایوان مجاور در باب مذکور است، دو رکعت می خوانی که هر رکعت با حمد و سوره است و چون سلام کردی و تسبیح گفتی، بگو: ای کسی که زیبا را اظهار کرد و زشت را پنهان نمود. ای کسی که با گناه مؤاخذه نمی کند و پنهان و پوشیده را رسوا نمی کند، ای صاحب عفو بزرگ، ای صاحب بخشش نیکو، ای صاحب مغفرت وسیع، ای گشاینده دست ها با رحمت، ای صاحب هر نجوا، ای منتهای هر شِکوه، ای که بخششت کریمانه است. ای صاحب امید بزرگ و ای سرورم، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و در حق من آنچه که تو سزاوار آن هستی، انجام بده ای کریم.

70. می گویم: شهید(1) و مؤلف المزار الکبیر(2)

گویند: و نیز می گویی: بارالها، خطاکار گنهکار دستانش را به خاطر حسن ظنش به تو، به سوی تو دراز کرده است. بارالها، بدکار معترف به بدی عملش، امیدوار به گذشت تو از لغزشش در مقابل تو نشسته است. بارالها، ستمگر دستانش را به امید آنچه که در حضور توست، به سوی تو برآورده است، پس با رحمتت او را از فضلت ناکام نکن. بارالها، بازگشتکننده به معصیت ها ترسان از روزی که همه خلائق در مقابل تو می نشینند، در مقابلت نشسته است. الهی بنده خطاکارت متوسل و ترسان آمده و دیده اش را ترسان و امیدوار به سوی تو دوخته است و استغفارجویان نادم، اشکش سرازیر شده است. بارالها بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و با رحمتت مرا بیامرز، ای بهترین آمرزندگان. سپس مناجات امیرمؤمنان علیه السلام را نقل کرده اند: بارخدایا، من در روزی که نه مال سودی دارد و نه فرزند، جز کسی که با قلبی سالم نزد خداوند آمده است، از تو امان می خواهم. و در روزی که ظالم دست به دندان می گیرد و می گوید: کاش همراه رسول راهی گرفته بودم از تو امان می خواهم. در روزی که گناهکاران با سیمایشان شناخته می شوند و با پیشانی مؤاخذه می شود از تو امان می خواهم. روزی که نه به خاطر فرزند و نه فرزندی به خاطر پدر جزا داده نمی شود از تو امان می خواهم که وعده خدا حق است، روزی که پوزش ظالمان سودی برایشان ندارد و بدی فرجام

1- . مزار شهید: 45

2- . المزار الكبير: 50

سرای آخرت برای آنان است، از تو امان می خواهم. روزی که نفسی برای نفسی چیزی را صاحب نیست و در آن روز امر از آن خداست، از تو امان می خواهم. روزی که انسان از برادر، مادر، پدر، همسر و فرزند خویش می گریزد و در آن روز برای هریک از آنان شأنی است که از دیگری بی نیازش می کند از تو امان می خواهم. در روزی که گناهکار دوست دارد که در قبال عذاب آن، پسران، همسر، برادر و خانواده ای که به آن منسوب است و همه کسانی که در روی زمین هستند را فدیه دهد تا نجاتش دهد. هرگز، آن آتش جداکننده پوست است. مولای من، مولای من، تو صاحبی و من بنده و آیا جز صاحب، بنده را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو مالکی و من مملوک و آیا جز مالک، مملوک را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو شکست ناپذیری و من ذلیل، آیا جز شکست ناپذیر ذلیل را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو خالقی و من مخلوق و آیا جز خالق، مخلوق را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو عظیمی و من حقیر و جز عظیم، حقیر را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو قوی هستی و من ضعیف و آیا جز قوی ضعیف را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو غنی هستی و من فقیر و آیا جز غنی فقیر را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو دهنده ای و من درخواست کننده و آیا جز دهنده درخواست کننده را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو زنده ای و من مرده و یا جز زنده مرده را رحمت می کند. مولای من، مولای من، تو باقی هستی و من فانی و آیا جز باقی فانی را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو دائمی و من زائل و آیا جز دائم زائل را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو روزی دهنده ای و من روزی شونده و آیا جز روزی دهنده روزی شونده را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو بخشنده ای و من بخیل و آیا جز بخشنده بخیل را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو معاف کننده ای و من مبتلا و آیا جز معاف کننده مبتلا را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو کبیری و من صغیر و آیا جز کبیر صغیر را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو هدایت گری و من گمراه و آیا جز هدایت گر گمراه را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو رحمانی و من رحمت شونده و آیا جز رحمن رحمت شونده را رحمت

می کند؟ مولای من، مولای من، تو سلطانی و من آزمون شونده و آیا جز سلطان آزمون شونده را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو رهنمایی و من سرگردان و آیا جز راهنما سرگردان را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو غفوری و من گناهکار و آیا جز غفور گناهکار را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو غالبی و من مغلوب و آیا جز غالب مغلوب را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو پرورش دهنده ای و من پرورش شونده و آیا جز پرورش دهنده پرورش شونده را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، تو متکبری و من خاشع و آیا جز متکبر خاشع را رحمت می کند؟ مولای من، مولای من، با رحمتت مرا رحمت کن و با جود، کرم و فضلت از من راضی باش ای صاحب جود، احسان، لطف و امتنان با رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.(1)

سپس سید گوید: دعای امان نیز از علی علیه السلام است: بارخدایا، تو با نعمتت بر من آغاز کردی درحالی که با عمل یا شکری مستوجب آن از جانب تو نبوده ام. مرا آفریدی درحالی که چیزی نبودم، خلقتم را مستقیم کردی. صورتم دادی و صورتم را نیکو کردی. درحالی که جنین بودم با روزی ات تغذیه ام کردی و در طفولت و بزرگی با آن تغذیه ام کردی و مرا از حال ضعف به حال قدرت، از حال جهل به حال علم، از حال فقر به حال توانگری مستقل ساختی و در آن بر من مهربان نرمخو بودی. بیماری ام را سلامتی، نیستی را به وجود، گنگی را به نطق، ناشنوایی را به شنوایی، خستگی را به راحتی، نفهمی را به فهم، جهل را به علم، ناخوشی را به خوشی تبدیل می کنی تا اینکه مرا از بندها رها کردی و از ضلالت هدایتم کردی و به دینت هدایتم کردی، آنگاه که هدایتم کردی. حفاظتم نمودی، پناهم دادی، کفایتم کردی، از من دفاع نمودی و نیرومندم ساختی و نعمت هایت بر من انبوه شد و احسانت بر من تمام شد و نیکی ات نزد من کامل شد. خبرم را آزمودی و اندکی شکرم و گستاخی ام بر تو به همراه عصیان بر تو آشکار شد، پس درباره من بردباری کردی و مرا با گناهم مؤاخذه نکردی و پنهانم را برملا نکردی و عورتم را

1- . مصباح الزائر: 45، المزار الکبیر: 50 و مزار شهید: 70

برای مخلوقات نمایان نساختی، بلکه به تأخیرم انداختی، مهلتم دادی و نجاتم دادی، پس در نعمت هایت غوطه ورم و بر معصیت هایت مقیمم، آن را از عصیانگران پنهان می کنم و تو بر آن مطلعی، گویی تو آرام ترین مطلعان بر عمل قبیحم هستی و گویی آنها مرا بر آن محاسبه می کنند نه تو. الهی کدام یک از نعمت هایت را شکر گویم، آنچه که بدون استخقاق بر من آشکار کردی یا بردباری ات درباره من با ادامه نعمت هایت و افزودنت بر من چنانکه من از نیکوکاران شکرگزار هستم، درحالی که از آنان نیستم، الهی از شیفتگی ام به خودم و هیچ یک از امورم کاستهنشده، از رویگردانی تعمدی ام از طاعتت یا از توجه تعمدی ام به معصیت ها یا از اقامتم بر حرام با آنچه که اگر حلال نبود مرا قانع نمی ساخت، در شگفت نمی شوم. منزه هستی تو، چه آشکار است محنت بر من، و چه پیشتاز است گذشتت از من، چه گرامی است بخششت از کسی که به نعمتت علیه معصیتت استعانت جست و با وجود شناختنش از شدت قدرتت، قدرت سلطانت، شدت غضبت، بر تو تعرض کرد. الهی چه شدید است کم شمردنم عذابت را آنگاه که در به خشم آوردنت افراط کردم و از شیطان اطاعت کردم و فرمانم را به هوایم سپردم و هدایتم برای او آسان شد و در اشتیاق به رضای تو و ترس از خشم تو نه از شیطان سرکشی کردم و نه از هوای نفسم. پس وای بر من از تو، وای، یادت را در ناخوشی بسیار می کنم و در خوشی از آن غافلم. در معصیتت سبک و در طاعتت سنگینم. با وجود کمال نعمتت بر من و نیکی نعمتت نزد من و اندکی شکرم بلکه هیچ صبری بر بلا و شکری بر نعمت هایت ندارم. بارالها، این وصف من از خودم است و علم تو به آنچه که حفظ کردی و من فراموش کردم و در درونم آنچه که عهدم بر آن قدیم شد و آنچه که از گناهان کبیره رخ داد و خطاهای بزرگی که مرتکب شدم، بیشتر از آنچه که زبانم بیان کرد و بر خود آورده ام، ساکن نشد. بارخدایا این منم که مقابل توست، به خطای خود اقرار می کنم و این دستانم تسلیم تو و گردنم خاضع در مقابل توست، به جهت آنچه که بر خودم مرتکب شدم. ای محبوب قلبم! اساس نیرنگ ها قطع شده و هر باطلی از من زائل شده است. خلق تسلیمم کرد و روزگار تنهایم گذاشت، پس در این مقام ایستاده ام و اگر آن را بر من لطف نمی کردی ای سرورم، بر آن قادر نبودم. بارخدایا

آمرزنده گناهم، رحم کننده بر ضعفم و درگذرنده از من باش که چه سزاوار هستی تو به نظر در من، به رها کردنم، آنگاه که بر گردنم صاحب هستی و به عفو من آنگاه که بر انتقام از من قادر هستی. ای خدا و سرور من، آیا راستی رحمکننده تضرعم، ناظر خواری ایستادنم در حضور تو و تنهایی ام از مردم و انسم به تو هستی ای کریم؟ کاش می دانستم آیا تو به جهت غفلت های من از من رویگردانی یا به من می نگری. کاش می دانستم تو با من چه می کنی و نمی دانم ای مولای من. آیا به دعایم آری می گویی یا خیر، اگر آری بگویی ظن من نیز به تو آن است. پس خوشا به سعادت من مورد غبطه، خوشا به سعادت من توانگر، خوشا به سعادت من رحمتشده، خوشا به سعادت من مقبول، و اگر ای مولایم - به تو پناه می برم - ، نه بگویی پس با غیر آن بر من لطف کرده ای، پس وای بر من، وای بر شیون من، وای از بدبختی من، وای از ذلت من، وای از ناکامی من، وای از پایان مهلت من، کاش می دانستم آیا مادرم مرا برای شقاوت زاده است، پس کاش مرا نمی زائید، بلکه کاش می دانستم آیا مرا برای آتش تربیت کرده است، پس کاش تربیتم نمی کرد. بارالها چه بزرگ است آنچه که مرا به آن آزمودی و چه بزرگ است مصیبتم، و چه ناکام است دعایم، چه مقطوع است امیدم، و چه مداوم است شقاوتم اگر رحمتم نکنی. الهی اگر بنده ات، مسکینت، فقیرت، درخواست کننده ات، امیدوارت را رحمت نکنی، پس به چه کسی یا چگونه، یا چیست یا کیست که امید کنم که بر من بازگردد، آنگاه که تو مرا رد کنی؟ ای صاحب مغفرت وسیع. بارالها کثرت گناهان خطاهایم و معصیت هایم، زیاده روی ام بر خود، گستاخی ام بر تو، ورودم در آنچه که بر من حرام کردی، تو را مانع از این نمی شود که با رحمتت بر بینوائی ام، با گذشت زیبایت بر بدکاری ام، با آمرزش قدیمت بر گناه بزرگم بازگردی که تو بدکار را عفو می کنی و ای مولای من، من بدکارم، گناهکار را می بخشی و ای سرور من، من گناهکارم، از خطاکار درمی گذری و من ای مولای من، خطاکارم، بر اسرافکار رحمت می کنی و من ای سرور من اسرافکارم، ای سرورم، ای سرورم، ای سرورم، ای مولای من، ای امید من، ای رحمکننده، ای رؤوف، ای با عطوفت، ای مهربان، ای مالک، ای جبار، ای مسلط ! عملی ندارم که با آن برآورده شدن حاجتم را امید کنم، پس با نام اندوخته

پنهان پاک طاهر مطهرت که در آن نهادی و در علمت و غیبت استقرار یافت و هرگز از این دو خارج نمی شود و با تو ای پروردگارم از تو می خواهم، از تو می خواهم و با آن اسم و پیامبرت محمد صلّی الله علیه و آله و با برادر پیامبرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و با فاطمه طاهره، بانوی زنان جهآنها، و حسن و حسین، سرور جوانان بهشتی از اولین ها و آخرین ها، و با ائمه صادق اطهار، کسانی که حقوقشان را واجب، طاعتشان را فرض کردی و آن را به طاعتت بر تمامی خلق مقرون کردی، از تو می خواهم که غیر از این چیزی ندارم، و منیع تر از آن چیزی برای خود نمی یابم. بارخدایا تو در محکم کتابت که بر زبان پیامبر صادقت صلّی الله علیه و آله جاری شد، فرمودی: «فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ» {نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری درنیامدند} پس این منم پروردگارا فروتن متضرع به سوی تو پناه آورنده به تو، توکل کننده بر تو، و فرمودی ای سرور و مولای من: {و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعا خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند} و من ای سرورم، طلب استغفار می کنم و توبه می کنم و به گناهم اقرار می کنم و به جرمم اعتراف می نمایم و از لغزش، درخواست بخشش دارم. پس آنچه که تو به آن آگاهی را بر من ببخش که خود که ثنایت بزرگ و نام هایت مقدس است، فرمودی: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» {ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است} پس لبیک بارالها لبیک، و خیر در دست توست، من ای سرورم بر خود زیادهروی کردم و در جایگاه ذلیلان گنهکار، عصیانگر، گستاخ بر تو، کوچک شمارنده وعده و وعید تو، سرگرم و غافل از طاعت تو و طاعت رسولت ایستاده ام، و هر گستاخی که بر تو کردم و هر غروری که به آن مغرور شدم، من اینک به گناهم معترف، در گرو عملم، سرگردان از قصدم، نابودشده در گناهم، غرق در دریاهای گناهم و قطعشده هستم. برای گناهم آمرزنده ای، برای توبه ام پذیرنده ای، برای ندایم شنونده ای، برای لغزشم درگذرنده ای، برای عورتم پوشاننده ای و برای

دعایم اجابت کننده ای جز تو نمی یابم ای سرورم، پس مرا از آنچه که بر کسی که بر خود زیادهروی کرد و از تو سرکشی کرد و سپس راضی ات نمود بخشیدی، محروم نکن و اگر به تو پناه آوردم و التجاء کردم و در ساحتت مقیم شدم و به تو پناه جستم، هلاکم نکن، اگر خواندمت ای مولای من، تو مرا به آن امر کردی و برایم ضمانت کردی، و اگر خواستمت عطایم کن، اگر از تو طلب کردم محروومم نکن.

بارالها مرا بیامرز، توبه ام را بپذیر، از من راضی باش و اگر راضی نیستی، مرا عفو کن که گاه مولا از بنده راضی نیست، سپس او را عفو می کند. مسألتم به مسألت درخواست شبیه نیست، زیرا سائل زمانی که می خواهد و منع می شود و رد می شود و منع می گردد، امتناع می کند و من از تو می خواهم و با کرمت، جودت، و حیائت از رد کردن درخواستکننده، عطاخواهی که به احسانت روی می کند و صدقه ات را التماس می کند و در ساحتت اقامت میکند و درت را میکوبد، بر تو اصرار میکنم. به عزت و جلالت سوگند ای سرورم، اگر گناهم میان آسمان و زمین را بپوشاند، ستارگان را بشکافد و به پایین خاک برسد و از زمین های هفتگانه به پایین درگذرد و بر شن و ریگ فائق آید، یأس، مرا از انتظار غفران تو منع نمی کند و ناامیدی از امید به رضوانت بازنمی دارد. خدایا، سرورم! مرا بر درخواست بهشت رهنمون شدی و در آن وسیله به سوی خود را به من شناساندی و من با آن وسیله محمد و خاندان او صلّی الله علیه و آله به تو توسل می جویم، پس آیا درخواست را ابتدا بر خیر و بخششت رهنمون می شوی، سپس آنها را منع می کنی، درحالی که تو در همه اعمال کریم ستوده هستی. هرگز، به عزتت سوگند ای مولای من، تو گرامی تر از آن و فضلت وسیع تر از آن است. بار خدا مرا بیامرز و رحمت کن و از من راضی باش و توبه مرا بپذیر. مرا حفاظت کن، از من درگذر، استوارم کن، توفیقم ده، مرا در ذمه خود قرار بده و عذابم نکن، بارالها برای من به سوی هر خیری راهی و در هر خیری نصیبی قرار ده و مرا از مکرت ایمن مکن و از رحمتت مأیوس نگردان و از آسایشت ناامید نکن که جز قوم زیانکار از مکرت ایمن نمی شود و جز قوم گمراه از رحمتت ناامید نمی شود و جز قوم کافر از آسایشت مأیوس نمی شود.

ص: 561

بارالها به تو ایمان آوردم، پس مؤمنم کن، به تو پناه آوردم، پس پناهم بده از تو استعانت جستم، پس یاری ام کن، بارالها من از تو امان می خواهم، امان در روزی که در صور دمیده می شود پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است بیهوش درمی افتد مگر کسی که خدا بخواهد سپس بار دیگر در آن دمیده می شود و بناگاه آنان بر پای ایستاده می نگرند و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند، و از تو امان میخواهم امان ای کریم روزی که روح و فرشتگان به صف می ایستند و [مردم] سخن نگویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد و سخن راست گوید، و از تو امان میخواهم امان ای کریم روزی که مردم چون پروانه[های] پراکنده گردند و کوه ها مانند پشم زده شده رنگین شود، و از تو امان میخواهم امان ای کریم روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می یابد و آرزو می کند کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله ای دور بود، و از تو امان میخواهم امان ای کریم روزی که هر شیردهندهای آن را که شیر می دهد [از ترس] فرو میگذارد و هر آبستنی بار خود را فرو می نهد و مردم را مست می بینی و حال آنکه مست نیستند ولی عذاب خدا شدید است، و از تو امان میخواهم امان ای کریم روزی که آدمی از برادرش، و از مادرش و پدرش، و از همسرش و پسرانش می گریزد، در آن روز هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می دارد. و از تو امان میخواهم امان ای کریم روزی که هر کس به آنچه کرده بی کم و کاست پاداش می یابد و بر آنان ستم نمی رود، و از تو امان میخواهم امان ای کریم در روزی که زبان و دستها و پاهایشان بر ضد آنان برای آنچه انجام می دادند شهادت می دهند،آن روز خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می دهد و خواهند دانست که خدا همان حقیقت آشکار است، و از تو امان میخواهم امان ای کریم در روزی که آنگاه که جانها به گلوگاه می رسد در حالی که اندوه خود را فرو می خورند برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد، و از تو امان میخواهم امان ای کریم در روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی کند و نه از او شفاعتی پذیرفته و نه به

جای وی بدلی گرفته می شود و نه یاری خواهند شد. بارالها از تو امان خواستم، پس مرا بپذیر. به تو پناه آوردم، پس پناه ده ای گرامی ترین کسی که پناه خواهان از او پناه خواستند و مرا ناکام از رحمتت بازنگردان و از جانب خود رضایت به من عطا کن که تو بر هر چیزی توانا هستی.(1)

سپس با آنچه که ذکرش در این فصل خواهد آمد در تعقیب نماز در مسجد زید بن صوحان دعا می کنی.

ذکر نماز حاجت خاص آنجا: چهار رکعت است که در رکعت نخست فاتحه الکتاب و یازده مرتبه قل هوالله احد، در رکعت دوم فاتحه الکتاب و بیست و یک مرتبه صمد، در رکعت سوم فاتحه الکتاب و سی و یک مرتبه صمد، در چهارم فاتحه الکتاب و چهل و یک مرتبه صمد قرائت می کنی و چون سلام دادی و تسبیح گفتی، پنجاه و یک مرتبه قل هو الله احد را قرائت کن و پنجاه مرتبه خدا را استغفار کن و پنجاه مرتبه بر پیامبر و خاندان او درود می فرستی و پنجاه مرتبه لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم می گویی، سپس می گویی: ای خدایی که قدرتش مانع خلائقش است و با آن سلطانش را مالک است و با آنچه در دست دارد بر هر موجودی مسلط است و غیر تو، امید امیدوارش را ناکام می کند و امیدوار به تو مسروری است که ناکام نمی شود. به هر آنچه که رضای توست، به هر آنچه که تو در آنی و به هر آنچه که دوست داری که با آن یاد شوی و با تو ای خدا، که چیزی با تو برابر نیست، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و مرا، فرزندان، خویشان و مال مرا حفظ کنی و با حفظت مرا حفظ کنی و حاجتم را در فلان و فلان مورد برآورده کنی و حاجتت را می خواهی.(2)

می گویم: در بسیاری از نسخه های تصحیحشده غیر از کتاب سید آمده است در رکعت دوم بیست مرتبه صمد و در رکعت سوم، سی مرتبه و در رکعت چهارم چهل مرتبه و بعد از نماز پنجاه مرتبه و لفظ احد در هیچ یک از این موارد نیست.

1- . مصباح الزائر: 47 - 51
2- . مصباح الزائر: 51

سپس گویند: ذکر نماز و دعا بر روی سکوی امام صادق علیه السلام: سپس به سوی آن که در نزدیکی مسلم بن عقیل رضوان الله علیه است، برو و بر روی آن دو رکعت بخوان و چون سلام کردی و تسبیح گفتی، بگو: ای سازنده هر ساختهشده، ای جبرانکننده هر شکسته، ای حاضر هر جمع، ای شاهد هر نجوا، ای عالم از هر پنهان، ای شاهد غیر غایب، ای غالب غیر مغلوب، ای نزدیک غیر دور، ای همدم هر تنها، ای زنده آنگاه که هیچ زنده ای جز تو نیست، ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان، ای قائم بر هر نفس با آنچه که کسب کرد، هیچ خدایی جز تو نیست، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست. سپس هرچه دوست داشتی دعا کن(1)

و چون فارغ شدی، به سوی قبر مسلم بن عقیل قدّس الله روحه و نوّر الله ضریحه برو.

ذکر زیارت مسلم بن عقیل: بر قبرش می ایستی و می گویی:

حمد از آن خداست، خدای مالک حق آشکار، خدایی که جبروت طاغوتیان در برابر عظمتش خوار است، خدایی که تمامی اهالی آسمآنها و زمین به ربوبیتش معترف و تمامی سایر مخلوقات به توحیدش مقر هستند، درود خدا بر سرور مردم و بر اهل بیت گرامی او باد، درودی که دیدگانش با آن روشن می شود و پوزه دشمنانش از جن و انس بر خاک مالیده می شود، سلام خداوند برتر بزرگ، سلام ملائکه مقرب، انبیاء مرسل و ائمه برگزیده و بندگان صالحش و تمامی شهداء صدقین و زنان پاک و مطهر درحالی که صبح و شب می کنند، بر تو باد ای مسلم بن عقیل بن ابی طالب، و رحمت و برکات خدا بر تو باد. گواهی می دهم که تو نماز را برپا داشتی، زکات دادی، به معروف امر و از منکر نهی کردی، در راه خدا حق جهادش را به جای آوردی و بر طریق مجاهدان در راه او کشته شدی، تا اینکه خداوند عز و جل را دیدار کردی، درحالی که او از تو راضی است. گواهی می دهم که به عهد خدا وفا نمودی و جان خویش را در یاری حجت او و پسر حجت او نثار کردی تا اینکه مرگت فرا رسید. بر تسلیم، وفا و خلوص تو برای خلف نبی مرسل،

1- . مصباح الزائر: 51، المزار الكبير: 51، مزار شهید: 78

نوه برگزیده، راهنمای آگاه، وصی مبلغ و مظلوم ستمدیده گواهی می دهم. پس خداوند درباره رسولش و امیرمؤمنان، حسن و حسین بهترین جزا را به تو دهد به سبب آنچه که صبوری کردی و امید پاداش داشتی و یاری کردی و چه نیکوست فرجام آن سرا. نفرین خدا بر قاتل تو و بر کسی که به قتل تو امر کرد باد. نفرین خدا باد بر کسی که به تو ستم کرد، نفرین خدا باد بر کسی که بر تو افترا زد، نفرین خدا باد بر کسی که حق تو را شناخت و حرمتت را خوار شمرد، نفرین خدا باد بر کسی که با تو بیعت کرد، فریبت داد، رهایت گذاشت و تسلیمت کرد و کسی که علیه تو تحریک کرد و یاری ات نکرد. حمد از آن خدایی است که آتش را مسکن آنان قرار داد و چه ورودگاه بدی برای واردان است. گواهی می دهم که تو مظلومانه کشته شدی و خداوند آنچه که به شما وعده داده است را عملی می کند. من زائر، آگاه به حق تو، سلام کننده به شما، تابع سنت شما، یاری ام مهیا برای شما نزد تو آمده ام تا خداوند داوری کند و او بهترین داوران است. همراه شما هستم، همراه شما هستم نه همراه دشمن شما، درود خدا بر شما، بر جسم، روح، شاهد و غایب شما باد. سلام، رحمت و برکات خداوند بر شما باد. خداوند بکُشد امتی را که شما را با دست و زبان کشت.

سپس به ضریح اشاره کن و بگو: سلام بر تو ای بنده صالح، مطیع خدا و رسول خدا و امیر المؤمنین، حسن و حسین علیهم السلام، حمد از آن خداست. و سلام بر بندگان او، کسانی که خدا آنان را برگزید، محمد و آل او. سلام بر شما و رحمت و برکات و مغفرت او، بر جان و تنت، گواهی می دهم که تو بر آنچه که اصحاب بدر و مجاهدین در راه خدا، تلاشگران در جهاد با دشمنان او و نصرت اولیاء او حرکت کردند، حرکت نمودی. پس خداوند برترین جزا، بیشترین جزا و کاملترین جزای یکی از کسانی که به بیعتش وفا نمود، دعوتش را اجابت کرد و از والیان امرش اطاعت نمود را به تو دهد. گواهی می دهم که تو در نصیحت نهایت تلاش را به کار گرفتی و غایت کوشش خود را صرف نمودی تا خداوند تو را در میان شهداء مبعوث کرد و روحت را همراه روح سعادتمندان قرار داد و از جنتش وسیع ترین منزل، برترین غرفه ها را به تو عطا نمود و ذکرت را در علیین بالا برد و

تو را همراه انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحان محور کرد و آنان بهترین رفیقند. گواهی می دهم که تو سستی نکردی، کاهلی نکردی و تو بر بصیرتی از امرت، اقتدا کرده به صالحان، پیرو انبیاء رفتی، پس خداوند ما، تو و رسولش و اولیائش را در منازل خاشعان جمع کند که او مهربان ترین مهربانان است. سپس کنار او دو رکعت نماز بخوان و آن را به او اهدا کن، سپس بگو: بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و هیچ گناهی برایم رها نکن مگر اینکه بخشیده باشی، نه اندوهی مگر اینکه برطرف کرده باشی، نه مرضی مگر اینکه شفایش داده باشی، نه عیبی مگر اینکه آن را پوشانده باشی، نه پراکندگی ای مگر اینکه جمع کرده باشی، نه غائبی مگر اینکه حفظش کرده باشی و نزدیکش نموده باشی، نه برهنگی ای مگر اینکه پوشانده باشی، نه رزقی مگر اینکه فراخش کرده باشی، نه ترسی مگر اینکه ایمنش کرده باشی، نه حاجتی از حاجت های دنیا و آخرت که در آن رضای تو و صلاح من است مگر اینکه برآورده اش نموده باشی، ای مهربان ترین مهربانان.

و زمانی که قصد وداعش را داشتی کنار او بایست و بگو: تو را به خدا می سپارم و در مراقبت او می گذارم و بر تو سلام می گویم. به خدا، رسول و آنچه که او از جانب خدا آورد، ایمان آوردیم. ما را همراه شاهدان بنویس. بارخدایا، این را آخرین وعده از زیارتم از این بنده صالح قرار نده و تا زمانی که مرا باقی گذاشته ای، زیارت او را به من روزی کن و مرا همراه او محشور کن و من، او و رسولت و اولیائت را در بهشت با یکدیگر آشنا کن. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و مرا بر ایمان به تو و تصدیق رسولت و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمه از فرزندان او و برائت از دشمنان آنها بمیران که من به آن راضی ام ای پروردگار جهانیان.(1)

71. مؤلف المزار الکبیر و شهید(2) رحمهما الله گویند: زیارت مسلم بن عقیل رضوان الله علیه: بر در او می ایستی و می گویی: سلام خدا، ملائکه مقرب او و انبیاء مرسل او تا این سخنش «با دست و زبان»، سپس وارد شو و بر روی قبر او خم شو

1- . مصباح الزائر: 52 و 53
2- . المزار الکبیر: 51 و 52، مزار شهید: 87

و بگو: سلام بر تو ای بنده صالح تا این سخن او که «تو مهربان ترین مهربانانی»، سپس به کنار سر متمایل شو و دو رکعت بخوان و بعد از آن هرچه خواستی بخوان و تسبیح بگوی و با هر چه دوست داشتی دعا کن و بگو: بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و رها نکن تا پایان آنچه که گذشت

و سید گوید: زیارت دیگری برای مسلم بن عقیل: و زمانی که به ضریح او رسیدی، رو به قبله بر آن بایست و بگو: سلام بر تو ای فداکننده جان و قلب خویش، شهید فقید مظلوم که حقش غصب و حرمتش هتک شد، سلام بر تو ای کسی که جان خویش را فدای پسر عمویش و خون خویش را فدای خون او کرد، سلام بر تو ای اول شهداء و امام سعادتمندان، سلام بر تو ای مسلم، ای کسی که خودش را تسلیم کرد و قبر خود را بر طاعت خدا ساکن کرد و حسّش را خاموش نمود. سلام بر تو ای پسر سادات نیکوکار، و ای پسر برادر جعفر طیار، و پسر برادر علی سوارکار کرار ضربتزننده با ذوالفقار، سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، ای کسی که محمد برگزیده و فرمانروای جبار را با کردار خویش راضی نمود. سلام بر تو، صبوری پیشه کردی و چه نیکوست فرجام آن سرا، سلام بر تو ای تنهای دورافتاده از خویشان در میان دشمنان، بدون یار و اجابت کننده ای. گواهی می دهم در حضور خدا که تو جهاد کردی، صبوری پیشه کردی و با دشمنان خدا بر سر طاعت او، طاعت نبی، وصی و ولی او مخاصمه کردی و شهید درگذشتی و ستوده رهسپار شدی. ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم. بارخدایا، مرا همراه او و همراه پدر و عموهای او در میان آنان محشور کن و مرا در ادامه عمرم از زیارت او محروم نکن. سپس ضریح را می بوسی و نماز زیارت می خوانی و ثوابش را به او اهدا می کنی و سپس او را وداع می گویی و ان شاء الله باز می گردی.(1)

ذکر زیارت هانی بن عروه مرادی: بر قبر او می ایستی و بر رسول الله صلّی الله علیه و آله سلام می کنی و می گویی:

1- . مصباح الزائر: 53

سلام و درودهای خداوند بزرگ بر تو باد ای هانی بن عروه، سلام بر تو ای بنده صالح خالص برای خدا، رسول او و امیرمؤمنان، حسن و حسین علیهم السلام. گواهی می دهم که مظلومانه کشته شدی، پس نفرین خدا بر کسی باد که تو را کشت و خونت را حلال شمرد و خداوند قبر آنان را مملو از آتش کند. گواهی می دهم که تو خدا را دیدار کردی، درحالیکه او به سبب آنچه انجام دادی و خلوص ورزیدی از تو راضی است. گواهی می دهم که تو به درجه شهداء رسیدی و روحت را همراه روح سعادتمندان قرار داد به سبب آنچه که تلاشگرانه برای خدا و رسولش خلوص ورزیدی و جان خویش را در راه خدا و رضای خدا نثار کردی، پس خداوند تو را رحمت کند و از تو راضی باد و تو را همراه محمد و خاندان مطهر او محشور کند و ما و شما ر ا همراه آنان در سرای نعیم جمع کند، سلام و رحمت خدا بر تو باد.

سپس دو رکعت نماز زیارت می خوانی و آن را به او اهدا می کنی و با هر چه خواستی برای خود دعا کن و او را با آنچه که با مسلم بن عقیل وداع گفتی(1)، وداع بگو.

توضیح: بدان که زیارت مسلم در روز شهادتش که روز عرفه است، بهتر و مناسب تر از سایر ایام است و برخی از الفاظ و عباراتی که به شرح و تفسیر نیاز دارد را تفسیر می کنم. این سخن او علیه السلام: «الممحصین فی طاعه الله» بر بنای مفعول یعنی کسی که آنها را با شدائد و بلایا در طاعتش آزمود و آنان را از هر نیرنگ و کدورتی خالص کرد و «تمحیص» یعنی آزمودن، و «محص الذهب بالنار» یعنی آن را از آنچه با آن درمی آمیزد، خالص کرد. این سخن او: «و من تخلّی منهم» یعنی از حب، ولایت و طاعت آنان.

و فیروزآبادی گوید(2): «جبهه» بر وزن «منعه» یعنی بر پیشانی او زد و وی را رد کرد. یا او را با آنچه که ناپسند می شمرد، دیدار کرد و این سخن او «بنیان بنیانه» یعنی بناهایی که در محلهایی که معجزاتش در آن جا ظهور یافت، ساخته شد، مانند بیت الطست. این سخن او «لما تعلوه الأقدام» یعنی با صورتم که شریف ترین اعضایم

1- . مصباح الزائر: 54، المزار الکبیر: 53، مزار شهید: 88

2- . القاموس 4 : 282

است، بر خاکی که ذلیل ترین اشیاء است و بر آن گام نهاده می شود، در خضوع برای جلال ذات کریم تو سجده می کنم. و فیروزآبادی گوید(1):

«الشافه» دملی است که از زیر پا خارج می شود، پس داغ می شود و از بین می رود و اگر قطع شود، صاحبش می میرد و اصل آن «استأصل الله شافه»، یعنی او را از بین می برد، چنانکه آن دمل از بین میرود یا معنایش این است که او را از ریشه از بین برد. «الجائحه» هر مصیبت بزرگ و فتنه ویرانگر است. این سخن او «علی مواهب الله» یعنی مقتول به خاطر مواهب خدا یا واقع در آن. و در اکثر نسخه ها، «السلام علی مواهب الله» آمده است و شاید از جانب نسخه پردازان افزوده شده باشد. این سخن او: «الرقیب الشاهد» شاید منظور از او قائم علیه السلام باشد. این سخن او «سجد لک شعاع الشمس» سجود در اینجا معنای لغوی مستعمل است، یعنی خوار شد، برده شد و با امر و تدبیر خدا درباره وی حرکت کرد. «دوی الماء و حفیف الشجر» صدای آب و درخت به هنگام جریان و حرکت است. «خفقان الطائر» پرواز پرنده و بال زدن آن است. این سخن او «بالاسم الذی وضعته علی السماوات فانشقت» یعنی بعد از آن، آن را در قیامت قرار می دهی و فقط به جهت تحقق وقوعش به صیغه ماضی آورده است. یا اینکه شکافته شد و هفت آسمان شد و سایر فقرات نیز چنین است، و معنای اول بهتر است، ولی «فاستقرت» در کلام او مورد دوم را تأیید می کند و در المصباح، التهذیب، الفقیه و غیر آن «فنفست» آمده است. پس بر این اساس احتمال نخست متعین می گردد.

پس بدان این دعا و نماز در کتب حدیث مروی است. از ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت است که وی فرمود: زمانی که حاجتی داشتی روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر و به هنگام زوال خورشید، دو رکعت زیر آسمان بخوان و بگو: بارخدایا من به ساحتت آمده ام، ادامه دعا.

شاید ذکر آنها اینجا بدون آن شروط به جهت اختصاص این موضع به دلیل روایت دیگری باشد که به ما نرسیده است. این سخن او علیه السلام: «أیا حبه

1- . القاموس 3 : 154

قلبی»، ممکن است که با ضمه حاء قرائت شود، یعنی محبوب دلم و یا با فتحه یعنی ثمره قلبم و ساکن در سویدای آن. فیروزآبادی گوید: «الحبه» با ضمه یعنی محبوب و گوید: «حبه القلب» سویدای آن یا عمق آن یا ثمره آن یا لکه ای سیاه در آن است. این سخن او: «لیت شعری» با کسره شین یعنی کاش احساس می کردم و می دانستم. جزری گوید: در آن آمده است: «لیت شعری ما فعل فلان» یعنی کاش علمم به آنچه او انجام داد، حاضر بود و بر آن احاطه داشت و خبر محذوف است. این سخن او «و أوفت علی الرمل و الحصا» یعنی زیارت کرد، برگرفته از این سخن آنها «أوفی علیهم» زمانی که اشراف یافت در تشبیه زیارت به علو و اشراف.

می گویم: تفسیر آیاتی که این ادعیه بر آن مشتمل است در کتاب معاد بیان شد، لذا ما آن را تکرار نمی کنیم. این سخن او علیه السلام: «المانع قدرته خلقه» یعنی قدرتش را از رساندن ضرر به خلائقش منع می کند و نتیجه اینکه او درباره آنها آن میزان از عذاب و انتقامی که بر آن قادر است را انجام نمی دهد. «من ألب علیک» یعنی در برابر تو ایستادگی کرد.

فائده: شیخ فاضل کاملمان سید سند پرهیزکار متقی امیر شرف الدین علی شولستانی ساکن در مشهد غروی در طول حیات و مدفون در آن در یکی از فوائدش گوید: پوشیده نیست که تنها زمانی کعبه و جهت آن با محراب معصوم شناخته می شود که دانسته شود ساخت آن با نصب معصوم و امر او در زمان وی یا در زمان غیر او بوده است، اما معصوم علیه السلام به سوی آن بدون تمایل به چپ یا راست نماز خوانده است. و بر این اساس مسأله مسجد کوفه مشکل است، زیرا بنای آن قبل از زمان امیرمؤمنان علیه السلام بوده است و دیوار قبله و محراب مشهور به محراب امیرمؤمنان علیه السلام موافق با گذاشتن جدی در پشت شانه راست نیست، بلکه در آن دو تمایل به راست است به گونه ای که جدی مقابل شانه راست می شود و در این مسأله متأمل و متحیر بودم و این مسأله تحیرم را تأیید کرد که آن دو عکس ضریح مقدس او بودند، زیرا در آن تمایل زیادی به چپ است و در زمان ساختنش به امر

سلطان اعظم شاه صفی، به معمار گفتم:(1) آن را به راست تغییر دهد و با این وجود در مجموع در آن تمایل به چپ است و مخالف محراب مسجد کوفه است و آن را بر این حمل کردم که آن را غیر معصوم از افراد معتقد به تمایل به چپ بنا کرده است و در روضه مقدس متمایل به راست و در کوفه متمایل به چپ بودم، زیرا نقل شده است که حضرت علیه السلام در مسجد آن نماز خواند و نقل نشده است که وی علیه السلام با استواری بدون تمایل به راست و چپ نماز خوانده است. و در وسط دیوار مذکور محراب بزرگی بود که کنار آن عبادت نمی شد و نه به محراب امیرمؤمنان مشهور بود نه به محراب یکی از انبیاء و ائمه و زمانی که مسجد خراب شد و ستون های موجود در آن ویران شد و فرش اصلی آن با سنگ و خاک پنهان شد، وزیر بزرگ میرزا تقی الدین محمد، نظافت مسجد از انباشتگی های موجود در آن و آبادکردن جانب قبله مسجد و برطرف کردن خاک و سنگ های افتاده در صحنش تا بستر اصلی آن را قصد کرد و تمیز کرد و دو سکوی شرقی و غربی برابر شدند و روشن شد که محراب و باب مشهور به محراب و باب او متصل به فرش اصلی نبودند بلکه نزدیک به دو زراع از آن مرتفع بودند و محراب متروکی که در وسط دیوار جانب قبله بود متصل و پیوسته به آن بود و روشن شد که باب بزرگ نزدیک به آن نیز به آن متصل است و کنار دیوار جانب قبله از اول تا آخر آن ستونها و سکوهایی بود و وزیر امجد، عمارتش را بر آن بنا نهاد و کنار محراب سکوی بزرگی بود که به اندازه دو سکو از اطرافشان اثر ستونی نبود و زمانی که این محراب بزرگ کهنه و فرسوده شد وزیر به کندن روی آن دستور داد تا آن را سفید کنند پس آن را از جا برکندند و در زیر غلظت کنده شده دیدند که آن را سه مرتبه سفید و سرخ کردهاند و در هر مرتبه سرخ و سفید آن را به چپ منحرف کردهاند پس امیر در آن متحیر شد و مرا احضار کرد و به من نشان داد در حالیکه همراه او جمع انبوهی از علما و عقلای برگزیده بودند و در آن متحیر و متفکر بودند. به ذهنم خطور کرد که آن محراب، محراب امیرمؤمنان بوده است و قبل از رسیدنش به فرش اصلی به سوی

1- . ساخت آن در سال 1042 بود.

آن نماز میخوانده است و به جهت واقع شدنش در سکوی بزرگ علما و برگزیدگان در آن پشت سر امام جمع میشدند و همچنین آن باب نیز باب امام علیه السلام است که از منزل به مسجد برای رسیدن به فرش از آن میآمده است و از آنجا که دیوار قدیمی بود و محراب در آن بود و شرعا با جهت موافق نبود امام علیه السلام اندکی به چپ متمایل شد و مسلمانان بعد از او تحریف کردند و سفیدی و سرخی را به چپ متمایل کردهاند تا مردم بدانند که امام علیه السلام در آن به چپ متمایل میشده است و آن را سرخ کردهاند تا بدانند که امام در کنار آن کشته شده است. و تکرار سفیدی و سرخی برای پوسیدگی و انباشتگی بوده است. و زمانی که مسجد خراب شد و ستونها و سکوها از بین رفت و فرش اصلی پنهان شد و فرش دیگری ایجاد شد برخی از مردم آن محراب کوچک را ساختند و درِ کوچکی در نزدیکی آن بر سطح جدید باز کردند که به محراب و باب امام علیه السلام مشهور شد. این مطالب را بر حضار و امیر عرض کردم و همه آنان تصدیقم کردند و از من پذیرفتند و نماز مقرر شناخته شد کنار محراب امام علیه السلام را کنار آن به جای آوردند و دعایی که قرائتش بعد از نماز کنار او مشهور است را قرائت کردند و در نماز بر اساس آنچه که در محراب دیدند تمایل به چپ پیدا کردند و وزیر به زینت آن بیش از سایر محرابها امر کرد و معمار در آن سهل انگاری کرد و شد آنچه که در عراق شد و مانند سایر محرابها بر آنچه که بود باقی ماند و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کرد پایان کلام او. خداوند مقامش را رفیع کند.

میگویم: محرابها و بناهای عراق را بسیار مختلف دیدم و نزدیکترین آنها به قواعد ریاضی قبله حائر حسین علیه السلام است البته آن نیز از نصف النهار اندکی کمتر از آنچه که قواعد اقتضا میکند منحرف است و ضریح امیرمؤمنان علیه السلام و ضریح کاظمین علیهما السلام بدون انحراف آشکاری بر نصف النهار هستند و ضریح عسکریین علیهما السلام نزدیک به بیست درجه از سمت چپ نصف النهار منحرف است، و محراب مسجد کوفه از جانب راست نصف النهار نزدیک به چهل درجه منحرف است که این نزدیک به قبله اصفهان است. و بر اساس آنچه که سید در مقابل این که جدی مقابل شانه است ذکر کرد نیست که در غیر این صورت به مغرب

ص: 572

نزدیک بود. انحراف کوفه بر اساس قواعد ریاضی دوازده درجه از راست نصف النهار و انحراف بغداد به آن نزدیک است و انحراف سامرا نزدیک به هشت درجه از جهت راست است و قبله مسجد سهله نزدیک به قواعد است پس آنچه که در این خصوص که روضه امیرمؤمنان علیه السلام از محراب مسجد کوفه به قواعد از نزدیکتر است ذکر کردیم روشن شد. و شاید این اختلافات بر اساس توسعه در امر قبله باشد و بعید نیست که امر کردن به تمایل به چپ برای عراقیان بنابر این باشد که محرابهای مشهور در آن در زمان خلفای جور بنا شده است، به ویژه مسجد اعظم، بر این وجه ابراز خطای این فاسقان برای آنان ممکن نبوده است پس پیروان خود را به انحراف به چپ از آن محرابها امر کردهاند و از روی تقیه، به این صورت تعلیل کردهاند تا حکم دادن به خطای خلفای جور پیشین درباره آنها مشهور نشود.

و آنچه که در توصیف مسجد غنی خواهد آمد به اینکه قبلهاش صحیح است - که این اشارهای است به اینکه در قبله سایر مساجد اشکالاتی هست - مؤید آن است. مسجد غنی امروزه موجود نیست.

و روایتی که نعمانی در کتاب الغیبه از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده مؤید آن است؛ حضرت فرمود: گویا به شیعیانم در مسجد کوفه مینگرم که خیمههایی برپا کردهاند و قرآن را آن چنان که نازل شده است به مردم تعلیم میدهند. همانا وقتی قائم ما قیام کند آن(مسجد) را میشکند و قبلهاش را راست میکند.

ضمن اینکه بقای بنایی که در زمان امیر مؤمنان بوده تا به امروز معلوم نیست بلکه بعضی روایات بر ویرانی و تغییر آن دلالت دارد؛ چنانچه شیخ در کتاب الغیبه ضمن حدیثی روایت کرده که امیر مؤمنان به مسجد کوفه رسید - که از سفال و خمرهها و گِل بنا شده بود - و فرمود: وای بر کسی که تو را ویران کند! وای بر کسی که ویرانیت را سهل شمارد! وای بر بنا کننده تو با گل پخته، کسی که قبله نوح را تغییر میدهد! خوشا به حال کسی که همراه با قائم اهل بیتم شاهد ویرانی تو باشد؛ آنها بهترین امت همراه با عترت نیک هستند.

و شگفتتر از همه آنها اینکه مسجد رسول الله صلّی الله علیه و آله محرابش بر خط نصف النهار است علاوه بر اینکه آن روشنترین محرابها از جهت انتساب

به معصوم است و این به جهت انحراف قبله مدینه از سمت چپ نصف النهار یعنی از نقطه جنوب به سمت مشرق با سی و هفت درجه مخالف قواعد است همچنین با آنچه که در این خصوص مشهور است که پیامبر صلّی الله علیه و آله فرمود محراب من بر میزاب است مخالف است. و هر که در مسجد الحرام مقابل میزاب بایستد جدی پشت شانه چپش بلکه نزدیک به سر شانه قرار میگیرد. و در این باره متحیر بودم تا اینکه در ساخت روضهالنبی صلّی الله علیه و آله که پیرامون قبر شریف اوست تأمل کردم و آن را بسیار منحرف به سمت چپ یافتم گرچه به این مقدار نبود و ظاهر این است که خانهها بعد از مسجد بر اساس آن بنا شده است. پس روشن شد که محراب مسجد نیز از مواردی است که از زمان سلاطین جور منحرف شد و این نکته که محراب مسجد قباء، مسجد شجره و اکثر مساجد قدیمی که در مدینه و بینالحرمین دیدم یا موافق قواعد یا نزدیک به آن است علاوه بر اینکه پیامبر صلّی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام در آنها نماز خواندهاند مؤید آن است و خدا می داند.

ص: 574

باب هفتم : مسجد سهله و سایر مساجد کوفه

روایات:

1. قصص الأنبیاء: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که وارد کوفه شدی به مسجد سهله بیا و در آن نماز بخوان حاجت دینی و دنیویات را از خدا بخواه که مسجد سهله منزل ادریس نبی علیه السلام بوده است که در آن خیاطی میکرد و نماز میخواند و هر که برای آنچه که دوست داشت خدا را بر آن بخواند حاجتهایش را برآورده میکند و در روز قیامت به مقام والایی تا درجه ادریس بالا میبرد و از ناپسند دنیا و از نیرنگ دشمنانش پناه داده میشود.

2. قصص الأنبیاء: عمار یقظان گوید: نزد امام صادق علیه السلام جماعتی بودند و مردی به نام ابان بن نعمان در میان آنان بود. امام فرمود: کدام یک از شما از عمویم زید بن علی خبری دارید؟ گفت: من، خدایت اصلاح کند. فرمود: خبرت از او چیست؟ گفت: شبی نزد او بودیم گفت: آیا قصد مسجد سهله را دارید؟ پس همراه او به سوی آن خارج شدیم، و تلاش فراوان او را در نماز و دعا دیدیم. امام صادق علیه السلام فرمود: آن منزل ابراهیم علیه السلام که از آن بهسوی عمالقه خارج شد و منزل ادریس علیه السلام که در آن خیاطی میکرد بود و صخره سبز که در آن تصویر سیمای انبیاء و اقامتگاه راکب یعنی خضر است در آن است. سپس فرمود: اگر عمویم زمانیکه خارج شد به آن میآمد و در آن نماز میخواند و به خدا پناه میبرد، خدا بیست سال به او پناه میداد. هرگز اندوهگینی به آن نیامده و در آن مابین عشائین نماز نخوانده و خدا را نخوانده است مگر اینکه خداوند برایش گشایش حاصل کرد.

3. قصص الانبیاء: ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام گوید که وی فرمود: ای ابو محمد گویی من نزول قائم علیه السلام در مسجد سهله با خویشان و

خانوادهاش را میبینم، عرض کردم منزل او میشود؟ فرمود: آری آن منزل ادریس علیه السلام است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه در آن نماز خوانده است. مقیم در آن مانند مقیم در خیمه رسولالله صلّی الله علیه و آله است. و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر اینکه قلبش مشتاق آن است و هیچ روز و شبی نیست مگر اینکه ملائکه به این مسجد پناه میبرند درحالیکه در آن خدا را عبادت میکنند. ای ابو محمد آگاه باش که من اگر به شما نزدیک بودم هیچ نمازی نمیخواندم مگر در آن، سپس زمانیکه قائم ما قیام کند خداوند انتقام رسولش و همگی ما را میگیرد.

4. الکافی: عبدالله بن ابان گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم، از ما سؤال نمود آیا در میان شما کسی هست که از عمویم زید بن علی علمی داشته باشد؟ مردی از جمع گفت: من، خبری از عمویت دارم، شبی در منزل معاویه بن اسحاق انصاری نزد او بودم وقتی که گفت: با ما رهسپار شوید تا در مسجد سهله نماز بگزاریم. امام صادق علیه السلام فرمود: چنین کرد؟ گفت: خیر امری پیش آمد و او را از رفتن بازداشت. فرمود: آگاه باشید به خدا سوگند اگر با آن نماز در آن مسجد، یک سال از خدا پناه میخواست پناهش میداد. آیا ندانستی که آن محل خانه ادریس نبی است که در آن خیاطی میکرد و ابراهیم علیه السلام از آن بهسوی عمالقه یمن حرکت کرد و داود از آن بهسوی جالوت رهسپار شد و در آن صخره سبزی است که در آن تمثال همه انبیاء است و گل هر پیامبر از زیر آن صخره گرفته شده است و آن اقامتگاه راکب است. گفته شد: راکب کیست؟ فرمود: خضر علیه السلام.(1)

5. میگویم: در المزار الکبیر(2) با اسناد از عبدالله بن ابان مشابه آن را روایت کرده و در آن آمده است: آگاه باش به خدا سوگند اگر یک سال از خدا پناه میخواست سالها به او پناه میداد. و در این نقل دارد: و داوود از آن بهسوی

1- . الکافی 3 : 493
2- . المزار الکبیر: 36

جالوت حرکت کرد. گفت: و منازل آنان کجا بود؟ فرمود: در گوشههای آن و در آن صخره سبزی است که در آن تمثال سیمای هر پیامبر است.

6. با اسناد گوید: علی بن حسین علیهما السلام فرمود هر که دو رکعت در مسجد سهله بخواند خداوند سالها بر عمرش میافزاید.(1)

7: ابوبصیر از صادق علیه السلام گوید که وی فرمود: ای ابو محمد گویی من نزول قائم علیه السلام در مسجد سهله با خویشان و خانوادهاش را میبینم، عرض کردم: منزل او میشود فدایت گردم؟ فرمود: آری، منزل ادریس و ابراهیم خلیل علیهما السلام در آن بوده است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه در آن نماز خوانده است و مسکن خضر، در آن است، مقیم در آن مانند مقیم در خیمه رسولالله صلّی الله علیه و آله است. و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر اینکه قلبش مشتاق آن است. در آن صخرهای است که تصویر همه انبیاء در آن است و کسی در آن نماز نخوانده و به نیت صالح خدا را نخوانده است مگر اینکه خداوند او را با برآورده کردن حاجتش بازگردانده است و کسی نیست که از آن پناه خواسته باشد مگر اینکه خداوند به او پناه داده است از آنچه میترسد. عرض کردم: این فضیلت است. فرمود: بر تو بیافزایم؟ گفتم: آری، فرمود: آن از بخشهایی است که خداوند دوست دارد در آنها خوانده شود و هیچ روز و شبی نیست مگر اینکه ملائکه این مسجد را زیارت میکنند درحالیکه در آن خدا را عبادت میکنند. ای ابو محمد آگاه باش که من اگر به شما نزدیک بودم هیچ نمازی نمیخواندم مگر در آن و آن فضیلتی که توصیف نکردم بیش از این مقدار است که توصیف نمودم. عرض کردم: فدایت گردم قائم تا ابد در آن است؟ فرمود: آری. عرض کردم: بعد از او کیست؟ فرمود: هر کس بعد از او تا پایان آفرینش چنین است.(2)

این خبر به صورت کامل در باب سیره قائم علیه السلام بیان شد.

8. کامل الزیارات: عبدالرحمن به نقل از امام صادق علیه السلام گوید: از او شنیدم که به حمزه ثمالی میفرماید: ای ابوحمزه آیا عمویم را در شبی که خارج

1- . المزار الکبیر: 37

2- . المزار الكبير: 37

شد دیدی؟ گفت: آری. فرمود: آیا در مسجد سهیل نماز خواند؟ گفت: مسجد سهیل کجاست؟ آیا مقصودت مسجد سهله است؟ فرمود: آری. گفت: خیر. امام فرمود: آگاه باش که او اگر در آن دو رکعت میخواند سپس از خداوند پناه میخواست یک سال به او پناه میداد. ابوحمزه ثمالی به او گفت: پدر و مادرم فدای تو! همین مسجد سهله؟ فرمود: آری منزل ابراهیم که از آن بهسوی عمالقه خارج شد و منزل ادریس که در آن خیاطی میکرد و اقامتگاه راکب در آن است. و در آن صخره سبزی است که تصویر تمامی انبیاء در آن است. و زیر صخره خاکی است که خداوند عزوجل انبیاء را از آن خلق کرد و معراج در آن است محلی از آن فاروق اعظم است و آن محل عبور مردم است. آن از کوفان است. در آن در صور دمیده میشود و محشر بهسوی آن است و از جانب آن هفتاد هزار نفر محشور میشوند که بدون حساب وارد بهشت میشوند. آنان کسانی هستند که خداوند حجتهایشان را آشکار کرد و نعمتهایشان را چندین برابر نمود، پیشتازان رستگار خاشع که دوست دارند که فخر فروشی را از خود دور کنند و با عدل خدا از دیدارش ترس دارند. و در طاعت شتاب کردند و عمل کردند و دانستند که خداوند به آنچه انجام میدهند آگاه است بر آنان نه حسابی است نه عذابی، کینه را دور میکند و مؤمنان را مطهر میکند و کوه اهوان از وسط آن حرکت کرد و بر آن زمانی گذشته است درحالی که او آباد است.(1)

توضیح: این سخن امام علیه السلام «و فیه المعراج» شاید مقصود این است که پیامبر صلّی الله علیه و آله زمانیکه شب معراج نزول کرد و در مسجد کوفه نماز گزارد به این محل آمد و از آن بهسوی آسمان عروج کرد. یا منظور این است که معراج معنوی برای مؤمنان در آن حاصل میشود. این کلام امام علیه السلام «و هو الفاروق موضع منه»، یعنی معراج از محلی از آن که فاروق نام دارد واقع شد. یا منظور این است که در محلی از آن قائم علیه السلام بین حق و باطل را جدا میکند چنانکه در خبری دیگر آمده است که عدل خداوند در آن ظهور مییابد.

1- . کامل الزیارات: 29

و «هو ممرّ الناس» یعنی محل گذر مردم بهسوی محشر. و اکثر این خبر ناقص مصحف بود و ما آن را چنانکه یافتیم آوردیم.

9. قرب الإسناد: طیالسی به نقل از علاء گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیا در مسجدی که نزد شماست و شما آن را مسجد سهله و ما مسجد شری مینامیم نماز میخوانی؟ عرض کردم: من در آن نماز میخوانم فدایت گردم. فرمود: به آن برو که هیچ اندوهگینی در آن نیامده است مگر اینکه خداوند اندوهش را برطرف کرده است یا فرمود: حاجتش را برآورده کرده است. و در آن زبرجدی است که تصویر هر نبی و وصی در آن است. (1)

10. الخصال: باقر علیه السلام فرمود: در کوفه مساجدی ملعون و مساجدی مبارک است، مساجد مبارک عبارتند از مسجد غنی که به خدا سوگند قبلهاش درست و گلش پاک است و مردی مؤمن آن را بنا کرده است و دنیا از بین نمیرود مگر اینکه دو چشمه کنار آن بجوشد و در آن دو دو باغ است و اهل آن نفرین شده و آن از ایشان سلبشده است. و مسجد بنی ظفر و مسجد سهله و مسجدی در حمراء و مسجد جعفی که این امروز مسجد آنان نیست و گفته میشود: فرسوده است. و مساجد ملعون عبارت است از مسجد ثقیف، مسجد اشعث، مسجد جریر بجلّی، مسجد سماک و مسجدی در حمراء که بر قبر فرعونی از فراعنه بنا شد.(2)

11. در المزار الکبیر، محمد بن علی بن محبوب از ابراهیم بن هاشم مشابه آن را روایت کرد.

سپس گوید: و شیخ بزرگوار ابوالفتح متولی جامع ابراهیم حدیث گفت و مرا بر مسجدی از این مساجد متوقف کرد و برایم حدیث گفت که مسجد اشعث مابین سهله و کوفه است و از آن دیوار قبله و مناره آن باقی مانده است و سایرین به من خبر دادهاند که مسجد اشعث همان است که مسجد جواشن میخوانند، مسجد سماک که آهنگران در آن هستند نزدیک به آن است، و برایم ذکر کرد که مسجد

1- . قرب الاسناد: 74
2- . الخصال 2 : 110

حوافر نامیده میشود و مسجد شبث بن ربعی در بازار در آخر راه حجاج است و مسجدی که بر سر قبر فرعون است در محله نجاران است.(1)

12. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام از نماز خواندن در پنج مسجد کوفه نهی فرمود: مسجد اشعث بن قیس کندی، مسجد جریر بن عبدالله بجلی، مسجد سماک بن مخرمه، مسجد شبث بن ربعی و مسجد تیم. فرمود: و امیرمؤمنان علیه السلام زمانیکه به مسجد آنها نظر کرد فرمود: این بقعه تیم است و معنای آن این است که آنها از آن باز نشستهاند، در دشمنی و کینه از امیر مؤمنان علیه السلام در آن نماز نمیخوانند. نفرین خدا بر آنان باد.(2)

13. امالی شیخ طوسی: خالد بن عرعره گوید: شنیدم که علی علیه السلام میفرمود: در کوفه مساجدی مبارک و مساجدی ملعون است، از جمله مساجد مبارک مسجد غنی است که مسجدی مبارک است. به خدا سوگند قبله آن درست است و مردی مؤمن آن را بنا نهاد و در مرکز زمین است و بقعه آن پاک است و روزها و شبها از بین نمیرود مگر اینکه چشمههایی در آن بجوشد و بر دو جانب آن دو باغ است. اهالی آن ملعون و مسجد از آنان سلبشده است. و مسجد جعفی که مسجدی مبارک است و چه بسا مردمی از عرب از دوستان ما در آن جمع شوند و در آن نماز خوانند. و مسجد بنی ظفر که مسجدی مبارک است و به خدا سوگند در آن تخته سنگی سبز است که خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه تمثال سیمای او در آن است و آن مسجد سهله است. و مسجد الحمراء که مسجد یونس بن متی است و در آن چشمهای میجوشد که بر زمین مردابی شور و پیرامون آن ظاهر میشود. و مساجد ملعون عبارتند از مسجد اشعث بن قیس، مسجد جریر بن عبدالله بجلّی، مسجد ثقیف، مسجد سماک و مسجدی در حمراء که بر سر قبر فرعونی از فراعنه بنا شده است.(3)

1- . المزار الکبیر: 31
2- . الخصال 2 : 110
3- . امالی طوسی 1 : 171

14. کتاب الغارات، با اسنادش از اعمش، از ابن عطیه از او علیه السلام مشابه آن را آورده.

توضیح: این خبر بر یکی بودن مسجد ظفر و مسجد سهله دلالت میکند، پس ممکن است که در خبر سابق واو از جانب نسخه پردازان افزوده شده باشد یا اینکه عطف برای تفسیر باشد. و در المزار الکبیر آمده است و مسجد سهیل که مسجدی مبارک است. و ظاهر آن است که مسجد حمراء همان است که امروزه به مسجد و قبر یونس علیه السلام معروف است و ما در هیچ خبری مدفون بودن او در آنجا را نیافتیم.

15. الکافی: امام صادق علیه السلام مسجد سهله را یاد کرد و فرمود: آگاه باشید که او منزل صاحب ماست آنگاه که با خانواده خویش قیام کرد.(1)

16. الکافی: صادق علیه السلام فرمود: در کوفه مسجدی است که مسجد سهله خوانده میشود، اگر عمویم به آن میآمد و در آن نماز میخواند و از خدا پناه می خواست، بیست سال به او پناه میداد و اقامتگاه راکب و منزل ادریس نبی علیه السلام در آن است و هیچ اندوهگینی به آن نیامده و در آن مابین عشائین نماز نخوانده و خدا را نخوانده است مگر اینکه خداوند اندوهش را برطرف نموده است.(2)

17. کامل الزیارات: حضرمی به نقل از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام گوید: به او عرض کردم: کدامیک از بقعهها بعد از حرم خداوند عزوجل و حرم رسولش بهتر است؟ فرمود: کوفه ای ابوبکر، آن پاک طاهر است، قبور انبیاء مرسل و غیر مرسل و اوصیای صادق در آن است و در آن مسجد سهیل است که خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده است مگر اینکه در آن نماز خوانده است و عدل خداوند از آن ظهور میکند و قائم او و قائمان بعد از او در آن هستند و آنجا منازل انبیاء، اوصیاء و صالحان است.(3)

ص: 581

1- . الکافی 3 : 495
2- . الکافی 3 : 495
3- . کامل الزیارات: 30

توضیح: این سخن امام علیه السلام: «و القوام من بعده» بر این دلالت دارد که بعد از وفات او علیه السلام در زمین قائمانی برای اوست، موافق با اخبار دال بر اینکه ائمهای که در رجعت بر می گردند بعد از او زمین را تصاحب میکنند و این با مشهور مخالف است و ممکن است که منظور قائمان او در حیات او و بعد از انتقالش از این شهر به سایر شهرها باشد یا اینکه منظور بعدیت بر اساس مرتبه باشد. و خدا آگاه است.

18. کامل الزیارات: صادق علیه السلام فرمود: حد مسجد سهله روحاء است.(1)

19. کامل الزیارات: ابن ولید، از صفار، از ابن ابی الخطاب از ابن أسباط مشابه آن را آورده.(2)

20. تهذیب الأحکام: از امام صادق علیه السلام روایت است که وی فرمود: هیچ اندوهگینی نیست که به مسجد سهله بیاید و در آن بین عشائین دو رکعت بخواند و خدا را بخواند مگر اینکه خداوند اندوهش را برطرف میکند.(3)

21. میگویم: مؤلف المزار الکبیر(4)

گوید: بشار مکاری گوید: در کوفه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالیکه طبقی از خرمای طبرزد به او تقدیم شده و وی از آن تناول میکرد. به من فرمود: ای بشار نزدیک شو و تناول کن. عرض کردم: گوارایت باد. فدایت گردم غیرت مرا گرفته است از چیزی که در مسیرم دیدم قلبم را به درد آورده است و مرا آزرده ساخته. فرمود: به حقم سوگند اگر نزدیک نشوی و تناول نکنی. گوید: پس نزدیک شدم. به من فرمود: سخنت را ادامه بده، عرض کردم: سربازی را دیدم که بر سر زنی میزد که بهسوی زندانش میکشیدش و آن زن با بلندترین صدا ندا میداد از خدا و رسولش یاری کنید و کسی یاریاش نمیکرد. فرمود: و چرا با او چنین کرد؟ گفت: شنیدم که مردم

1- . کامل الزیارات: 29
2- . کامل الزیارات: 29

3- . تهذيب 6 : 38
4- . المزار الكبير: 27 - 39

میگویند او زمین خورد و گفت خداوند ظالمانت را نفرین کند ای فاطمه. پس درباره او چنان شد که گفتم. راوی ادامه داد: وی خوردن را قطع کرد و پیوسته گریه کرد تا اینکه دستمال و محاسن و سینهاش از اشک خیس شد سپس فرمود: ای بشار همراه ما بهسوی مسجد سهله بیا تا خدا را بخوانیم و از او رهایی این را بخواهیم. راوی گوید: و حضرت یکی از شیعیان را به در سلطان فرستاد و به او گفت: آنجا را ترک نمیکند تا اینکه رسولش بهسوی او برود پس اگر حادثهای برای آن زن رخ داد هرجا باشیم به ما خبر دهد. راوی گوید: بهسوی مسجد سهله رفتیم و هر یک از ما دو رکعت خواند سپس امام صادق علیه السلام دستش را بهسوی آسمان بالا برد و فرمود: تو خدایی هستی که هیچ خدایی جز تو نیست، آغازگر و بازگرداننده خلائق. هیچ خدایی جز تو خدای آفریننده خلق و روزیدهنده آنها نیست. تو خدایی هستی که هیچ خدایی جز تو خدای قبضکننده بسطدهنده نیست، تو خدایی هستی که هیچ خدایی جز تو مدبر امور، برانگیزنده کسانیکه در قبورند نیست و تو وارث زمین و هر آنکه برروی آن است هستی. با نام مخزون مکنون زنده پاینده‌ات از تو میخواهم و تو خدایی هستی که هیچ خدایی جز تو آگاه به سرّ و پنهان نیست، با نامت که هرگاه با آن خوانده شوی اجابت میکنی و هرگاه با آن درخواست شوی عطا میکنی از تو میخواهم. و به حق محمد و اهل بیت او و به حق آنان که بر خود واجب کردی از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و حاجتم را در این لحظه برآورده کنی ای شنونده دعا، ای سرورم، ای مولایم ای یاریام، با هر نامی که خود را با آن نامیدی و در علم غیب نزد خودت آن را ترجیح دادی از تو میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و رهایی این زن را تعجیل بفرمایی ای تغییردهنده قلبها و دیدگان، ای شنونده دعا.

راوی گوید: سپس سجدهکنان بر زمین افتاد درحالیکه جز نفس چیزی از او نمیشنیدم سپس سرش را بلند کرد و فرمود: برخیز آن زن آزاد شده است. گوید همگی خارج شدیم و درحالیکه در راه بودیم مردی که بهسوی در سلطان فرستاده بودیم به ما ملحق شد. به او فرمود: چه خبر؟ گفت: آن زن آزاده

شده است. فرمود: بیرون کردنش چگونه بود؟ گفت: نمیدانم اما بر در سلطان ایستاده بودم وقتی که نگهبانی بیرون آمد پس او را صدا کرد و به او گفت: چه بر زبان آوردی؟ گفت: پایم لغزید و گفتم خداوند ظالمان تو را نفرین کند فاطمه، پس با من آن شد که شد. راوی گوید: دویست درهم بیرون آورد و فرمود این را بگیر و امیر را حلال کن. زن از گرفتن آن امتناع کرد پس چون نگهبان این را از او دید وارد شد و امیرش را از آن با خبر کرد. سپس خارج شد و گفت: به منزلت بازگرد. پس زن به منزلش رفت. امام صادق علیه السلام فرمود: او از گرفتن دویست درهم امتناع کرد؟ گفت: آری درحالیکه او به آن محتاج است.

راوی گوید: از جیبش کیسهای بیرون آورد که در آن هفت دینار بود و فرمود: این را به منزل او ببر و سلام مرا به او برسان و این دینارها را به او بپرداز. راوی گوید: همگی رفتیم و سلام او را به وی رساندیم. پیرزن گفت: شما را به خدا سوگند می دهم جعفر بن محمد به من سلام رساند؟ به او گفتم: خداوند رحمتت کند به خدا سوگند جعفر بن محمد به تو سلام رساند. نفس عمیقی کشید و غش کرده بر زمین افتاد. گوید: صبر کردیم تا به هوش آمد و فرمود: آن را بر من تکرار کن، آن را بر او تکرار کردیم تا اینکه سه مرتبه چنین کرد سپس به او گفتیم: این را بگیر، این چیزی است که او برای تو فرستاده است. آن را از ما گرفت و گفت از او بخواهید که از خداوند برای کنیزش طلب عطا کند که کسی بزرگتر از او و آباء و اجداد او نمیشناسم که نزد خدا به او توسل کرده باشم. راوی گوید: بهسوی امام صادق علیه السلام بازگشتیم و شروع به صحبت کردن نزد کردیم او میگریست و برای او دعا میکرد پس گفتم: کاش میدانستم چه زمانی فرج خاندان محمدصلّی الله علیه و آله را میبینم، فرمود: ای بشار زمانیکه ولی خدا که چهارمین مرد از فرزندان من است در شدیدترین بخشها در میان بدترین بندگان خدا وفات کند در آن هنگام به بنی فلان مصیبت سیاه تاریکی میرسد و چون آن را دیدی حلقههای تنگ به هم میرسد و برای امر خدا بازگشتی نیست.

نماز و دعا در گوشههای آن.

22. شهید(1)

و مؤلف المزار الکبیر(2)

گویند: علی بن ابراهیم از پدرش گوید: به حج بیت الله الحرام رفتم و به هنگام نزولمان در کوفه وارد مسجد سهله شدیم و با شخص رکوع و سجودکنندهای روبرو شدیم که زمانیکه فارغ شد این دعا را خواند: تو خدایی هستی که خدایی جز تو ... تا پایان دعا. سپس بهسوی گوشه مسجد رفت، در آنجا ایستاد و دو رکعت خواند و ما همراه او بودیم زمانیکه نمازش پایان گرفت تسبیح گفت سپس دعا کرد و گفت: بارخدایا به حق این بقعه شریفه و به حق کسی که در آن تو را عبادت کرد از حاجتهایم آگاهی پس بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و آنها را برآورده کن، گناهانم را شمردهام پس بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و آنها را ببخشای، بارخدایا تا زمانیکه زندگی برایم خیر است مرا زنده نگاهدار و زمانیکه مرگ برایم خیر است مرا بمیران، بر دوستی دوستانت و دشمنی دشمنانت، و در حق من آنچهکه تو شایسته آن هستی را انجام بده ای مهربانترین مهربانان. سپس برخاست از او درباره آن محل سؤال کردیم فرمود: این محل، خانه ابراهیم خلیل است که از آن بهسوی عمالقه خارج شد. سپس به زاویه غربی رفت و دو رکعت خواند و دستانش را بالا برد و گفت: بارخدایا من این نماز را در طلب رضای تو و درخواست عطای تو، امید هدیه و بخششهای تو بهجای آوردم پس بر محمد و خاندان محمد درود بفرست، آن را به بهترین وجه از من بپذیر و با رحمت آرزو شدهات بر من برسان و با من آنچهکه تو شایسته آن هستی را انجام بده به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

سپس برخاست و به زاویه شرقی رفت، دو رکعت خواند سپس دستانش را باز کرد و گفت: بارخدایا گرچه گناهان و خطاها صورت مرا از حضور تو به تأخیر انداخته است و صدایی از من به تو نمیرساند و دعوتی را برای من استجابت

1- . مزار شهید: 78

2- . المزار الكبير: 39 - 40

نکرده است اما من ای خدا از تو میخواهم که کسی مانند تو نیست و با محمد و خاندان او به تو متوسل میشود که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و با ذات کریمت به من روی کنی و رویم را بهسوی خودت بازگردانی، و آنگاه که می خوانمت ناکامم نکنی و آنگاه که امیدت میکنم محروممم نکن ای مهربانترین مهربانان. و گونههایش را بر خاک مالید و برخاست و خارج شد از او سؤال کردیم این مکان به چه معروف است گفت: این مقام صالحان، انبیاء و مرسلان است. راوی گوید: او را دنبال کردیم ناگاه وارد مسجد کوچکی مقابل سهله شد و در آن با آرامش دو رکعت خواند چنانکه بار اول خوانده بود. سپس دستانش را باز کرد و گفت: بارالها، خطاکار گنهکار دستانش را به خاطر حسن ظنش به تو، به سوی تو دراز کرده است. بارالها، بدکار معترف به بدی عملش، امیداور به گذشت تو از لغزشش در مقابل تو نشسته است. بارالها، ظالم به خویش دستانش را به امید آنچه که در حضور توست، به سوی تو برآورده است، پس با رحمتت او را از فضلت ناکام نکن. بارالها، بازگشتکننده به معصیت ها ترسان از روزی که همه خلائق در مقابل تو می نشینند، در مقابلت نشسته است. الهی بنده خطاکارت متوسل و ترسان آمده و دیده اش را ترسان و امیدوار به سوی تو دوخته است و استغفارجویان نادم، اشکش سرازیر شده است

به عزت و جلالت سوگند با معصیت قصد مخالفتت را نداشتم و آنگاه که معصیت کردم نافرمانی تو را نکردم و من به تو جاهل بودم ولی متعرض عقوبت تو نبودم و نگاهت را خوار نمیشمردم بلکه نفسم معصیت تو را برایم آراست و شقاوتم بر آن یاریام کرد و سترت که بر من انداختهای فریبم داد. پس کیست که اینک مرا از عذاب نجات دهد و به ریسمان که چنگ زنم اگر ریسمانت را از من قطع کنی پس وای از بدی من فردا از ایستادن در حضورت آنگاه که به سبکباران گفته میشود گذر کنید و به آنان که بارشان سنگین است گفته میشود پایین بروید، پس آیا من همراه سبکباران گذر میکنم یا همراه آنان که بارشان سنگین است پایین میروم. وای بر من هرچه سنم فزونی مییابد گناهانم افزوده میشود. وای بر من هرچه عمرم طولانی میشود معصیتهایم افزوده

میگردد پس چه بسیار توبه می کنم و چه بسیار بازمیگردم. آیا زمان آن فرا نرسیده که از پروردگارم شرم کنم. بارخدایا به حق محمد و به حق خاندان محمد مرا ببخش و رحمتم کن ای مهربانترین مهربانان و برترین آمرزندگان. سپس گریست و گونه راستش را خاک آلود کرد و گفت: کسیکه بد کرد، مرتکب گناه شد فروتنی کرد و اعتراف نمود را رحمت کن سپس گونه چپش را برگرداند و گفت: گناه از جانب بندهات زیاد شد پس عفو از تو باید نیکو گردد ای کریم. سپس خارج شد، در پی او رفتم و به او گفتم: سرورم این مسجد به چه معروف است، گفت: مسجد زید بن صوحان یار علی بن ابی طالب علیه السلام است و این دعا و شب زندهداری اوست. سپس از ما غایب شد و او را ندیدیم و دوستم به من گفت: او خضر علیه السلام است.(1)

میگویم: سید گوید: زمانیکه خواستی بهسوی سهله بروی بین مغرب و عشای آخر از شب چهارشنبه برو که آن از سایر اوقات بهتر است. و چون به آن آمدی مغرب و نافله آن را بخوان سپس برخیز و دو رکعت تحیت مسجد بخوان در تقرب به خداوند متعال. و چون فارغ شدی دستانت را بهسوی آسمان بالا ببر و بگو: تو خدایی هستی که خدایی جز تو... و دعای اول را این سخن او ادامه داد یا در علم غیب نزد خودت ترجیح دادی میخواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و فرج ما را تعجیل بفرمایی در این ساعت ای تغییردهنده قلبها و دیدهها، ای شنونده دعا، سپس سجده کن و خشوع کن و با هرچه خواستی خدا را بخوان.

سپس او ادعیه زوایای سهگانه را چنانکه گذشت ذکر کرد سپس گفت: در خانهای در وسط مسجد است دو رکعت می خوانی و میگویی:

ای کسیکه از رگ گردن نزدیکتر است ای انجامدهنده هرآنچه اراده کند، ای کسیکه در میان انسان و قلب اوست بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و با حول و قوه خود میان ما و کسیکه آزارمان میدهد مانع شو ای

1- . مصباح الزائر: 55

کفایتکننده از هر چیز و کسی که چیزی از او کفایت نمیکند ما را در برابر امور غمگینکننده دنیا و آخرت حمایت کن ای مهربانترین مهربانان سپس گونههایت را خاک آلود کن.

سپس گوید: نماز و دعا در مسجد زید بن صوحان که در نزدیکی سهله است: دو رکعت میخوانی و دستانت را میگشایی و میگویی: بارالها دستان خطاکار گنهکار بهسوی تو دراز شده است و دعا را تا این سخن او ادامه داد: سپس صورتت را خاک آلود کن و بگو کسیکه بد کرد، مرتکب گناه شده، فروتنی کرد و اعتراف کرد را رحمت کن، و گونه راستت را برگردان و بگو اگر من بدترین بنده بودم تو بهترین ارباب هستی. سپس گونه چپت را برگردان و بگو گناه از جانب بندهات بزرگ شد پس عفو از نزد تو باید نیکو شود ای کریم. سپس به سجده بازگرد صد مرتبه العفو بگو.

سپس گوید: ذکر نماز در مسجد صعصعه بن صوحان و دعا در آن: دو رکعت میخوانی و چون فارغ شدی بگو: ای صاحب الطاف کامل... تا پایان دعائی که به زودی خواهد آمد.(1)

23. به روایت شهید(2) و مؤلف المزار الکبیر(3)

باز میگردیم گویند: علی بن محمد بن عبدالرحمن شوشتری گوید: بر بنی رواس گذر کردم، یکی از برادرانم به من گفت: کاش با ما بهسمت مسجد صعصعه میآمدی و در آن نماز میخواندیم زیرا این ماه رجب است و زیارت این اماکن شریفی که مولایان بر آن گام نهاده و در آن نماز خواندهاند مستحب است و مسجد صعصعه یکی از آنان است. همراه او به مسجد رفتم و با شتر رهاشده جهازبستهای روبرو شدیم که بر در مسجد نشسته بود پس وارد شدیم و با مردی با جامه و عمامه حجاز روبرو شدیم که نشسته بود و با این دعا، دعا میکرد پس من و رفیقم آن را حفظ کردیم و آن این است: بارخدایا ای صاحب الطاف کامل و نعمتهای بازدارنده، رحمت

1- . مصباح الزائر: 54
2- . مزار شهید: 82 و در آن محمد بن عبدالرحمن آمده است.
3- . المزار الکبیر: 40 و در آن علی بن عبدالرحمن آمده است.

وسیع، قدرت جامع، نعمتهای بزرگ، نعمتهای سترگ، بخششهای عظیم و نعمتهای نیکو و عطایای فراوان ای کسیکه خلق کرد و روزی داد، الهام کرد و به زبان درآورد، آفرید و آغاز کرد. برتری یافت و بالا رفت، تقدیر کرد و نیکو کرد، تصویر کرد و اتقان کرد، حجت آورد و ابلاغ کرد. نعمت داد و کامل کرد، عطا کرد و فراوان کرد. بخشید و نیکو کرد. ای کسیکه در عزت والا شد و از خاطر دیدگان رفت و در لطف نزدیک شد و از اندیشه افکار گذر کرد. ای کسی که در ملک یگانه شد و در ملکوت قدرتش رقیبی برای او نیست و به نعمت و کبریاء منفرد شد و در جبروت شأنش هیچ ضدی برای او نیست. ای کسیکه در کبریای هیبتش ظرائف اندیشههای دقیق حیران شد و دیدگان سریع مردم بدون ادراک عظمتش ناتوان شد، ای کسیکه چهرهها برای هیبتش حقیر شد، گردنها برای عظمتش خضوع کرد، قلبها از ترسش به خود لرزید، با این ثنایی که جز برای تو سزاوار نیست و با آنچهکه برای دعاکنندهات از میان مؤمنان بر خود وعده کردی، و با آنچهکه اجابت در آن را برای دعاکنندگانت ضمانت کردی از تو میخواهم ای شنوندهترین شنوایان، بیناترین بینایان، سریعترین حسابگران و ای صاحب قدرت محکم! که بر محمد و خاندان محمد خاتم انبیاء و بر اهل بیت او درود بفرست و در این ماه برای من بهترین آنچهکه قسمت کردی را قسمت کن و در تقدیرت بهترین آنچهکه قطعی کردی را برایم قطعی کن، و مرا در میان کسانیکه به سعادت ختمشان کردی ختم کن و تا زمانیکه مرا زنده گذاردهای فزونی یافتهزنده نگه دارد. و مرا مسرور آمرزیده بمیران، تو نجاتم از سؤال برزخ را برعهده بگیر و منکر و نکیر را از من دفع کن و مبشر و بشیر را به چشمم بنمایان، و بهسوی رضوان و بهشت راهی برای من و زندگی آرام، ملک بزرگ قرار بده و بر محمد و خاندان او درود بسیار بفرست سپس سجدهای کرد، قیام کرد سوار شتر شد و رفت رفیقم به من گفت: به نظرمان خضر بود ما را چه شد که با او صحبت نکردیم گویی زبانهایمان بسته شد و خارج شدیم و ابن ابوداود رواسی را دیدیم گفت: از کجا آمدید؟ گفتیم: از مسجد صعصعه و خبر را به او گفتیم. گفت: این سوار هر دو یا سه روز به مسجد صعصعه میآید و صحبت نمیکند. گفتیم: او کیست؟

گفت: به نظر شما کیست؟ گفتیم: گمان میکنیم خضر است. گفت: من به خدا سوگند او را کسی می دانم که خضر علیه السلام به دیدن او محتاج است! پس هدایتیافته رفتیم پس رفیقم به من گفت: او به خدا سوگند صاحب الزمان است.(1)

24. میگویم: سید بن طاوس در کتاب الاقبال فی سیاق اعمال ماه رجب در اواخر کتاب معالم الدین گوید: محمد بن ابو داود رواسی گوید که همراه محمد بن جعفر دهّان در روزی از روزهای رجب به سمت مسجد سهله، خارج شدیم. گفت: با ما به مسجد صعصعه بیا که آن مسجد مبارکی است و امیرمؤمنان علیه السلام در آن نماز خوانده است و حاجیان بر آن گام نهادهاند پس بهسوی آن رفتیم و درحالیکه ما نماز میخواندیم با مردی روبرو شدیم که از شترش پایین آمد، آن را در سایه بست و دو رکعت نماز در آن خواند که آن را طولانی کرد سپس دستانش را دراز کرد و گفت: بارخدایا ای صاحب الطاف کامل... تا پایان دعا. سپس بهسوی شترش برخاست و بر آن سوار شد ابن جعفر به من گفت: دهان آیا برنمیخیزی که از او سؤال کنیم کیست؟ پس برخاستیم و به او گفتیم: تو را به خدا سوگند می دهیم تو کیستی؟ گفت: شما را به خدا سوگند میدهم مرا که میبینید؟ ابن جعفر دهان گفت: تو را خضر علیه السلام گمان میکنیم. گفت: و تو نیز، گفتم: من نیز تو را او گمان میکنم. گفت: به خدا سوگند من کسی هستم که خضر به دیدارش محتاج است بروید که من امام زمان شما هستم.

فضیلت مسجد غنی و نماز و دعا در آن

25. مؤلف المزار الکبیر و شهید رحمهما الله می گویند: از طاوس یمانی روایت است که گوید: در رجب بر حجر گذر کردم و با شخص رکوع و سجودکنندهای روبرو شدم در او تأمل کردم، او علی بن حسین علیه السلام بود گفتم: وای بر من! مردی صالح از اهل بیت نبوت، به خدا سوگند دعایش را مغتنم میشمارم پس مراقبش بودم تا از نمازش فارغ شد و دستانش را بهسوی آسمان بالا برد درحالیکه میگفت: سرورم سرورم این دستان من است که

1- . المزار الکبیر: 40 و 41، مزار الشهید: 82 و 83، و دعا و نماز را در مصباح الزائر: 56 استخراج کرده است.

بهسوی تو دراز شده است مملو از گناه، و این چشمان من است که با امید خیره شده است و برای کسیکه با ندامت ذلیلانه تو را خواند حق است که از روی لطف با کرم اجابتش کنی، سرورم آیا مرا از اهل شقاوت خلق کردی تا گریهام را طولانی سازم یا از اهل سعادت خلقم کردی تا با امیدم بشارت داده شوم؟ سرورم آیا اعضای بدنم را برای زدن مقامع (عمود آهنین) خلق کردی یا احشائم را برای نوشیدن حمیم خلق کردی؟ سرورم اگر بندهای توان گریز از اربابش را داشت من اولین گریزندگان از تو بودم اما میدانم که از تو خارج نمیشوم، سرورم اگر عذابم بر ملک تو میافزاید صبر بر آن را از تو مسألت میکنم، اما من میدانم که بر ملک تو نه طاعت مطیعین میافزاید و نه معصیت عصیانگران از آن میکاهد. سرورم من چیستم و چه اهمیتی دارم؟ با فضلت خطاهایم را ببخش با سترت اکرامم کن، با کرم ذاتت از توبیخم در گذر، ای خدا و سرور من مرا درحالیکه بر بستر افتادهام و دستان عزیزانم جابهجایم میکند رحمتم کن، مرا درحالیکه در محل غسل افتادهام و همسایگان صالحم غسلم میدهند رحمت کن، مرا درحالیکه حمل میشوم و خویشانم اطراف تابوتم را گرفتهاند رحم کن و در آن خانه تاریک بر وحشت، غربت و تنهاییام رحم کن و برای بنده کسی جز مولایش نیست که رحمتش کند. سپس سجده کرد و گفت: از آتشی که حرارتش خاموش نمیشود و جدید آن کهنه نمیشود و تشنهاش سیراب نمیشود به تو پناه میبرم. و گونه راستش را برگرداند و گفت: بارخدایا چهرهام را بعد از به خاک آلودنم و بعد از سجدهام بدون منتی از من بر تو بلکه با حمد تو و منت تو بر من، در آتش دگرگون نکن. سپس گونه چپش را بازگرداند و گفت: کسی را که بد کرد، مرتکب گناه شد، بیچاره شد و اقرار کرد رحمت کن. سپس به سجده بازگشت و گفت: اگر بدترین بنده بودم تو بهترین پروردگاری العفو العفو این را صد مرتبه گفت. طاوس گوید: گریستم تا اینکه نالهام بالا گرفت و او به من توجه کرد و گفت: ای یمانی چه چیزی تو را به گریه آورد؟ آیا این مقام گناهکاران نیست؟ گفتم: دوست من بر خدا سزاوار است که تو را رد نکند درحالیکه جدت محمد صلّی الله علیه و آله است. طاوس گوید: در سال آینده در

ماه رجب در کوفه بر مسجد غنی گذر کردم و او را دیدم که در آن نماز میخواند و با این دعا دعا میکرد و چنانکه در حجر عمل کرده بود عمل نمود تا آخر حدیث.(1)

فضیلت مسجد جعفی و نماز و دعا در آن.

26. مؤلف المزار الکبیر گوید: از میثم روایت است که گوید: شبی از شبها مولایم امیرمؤمنان علیه السلام مرا بیرون از کوفه خارج کرد و به مسجد جعفی رسید به قبله روی کرد و چهار رکعت نماز گزارد و چون سلام کرد و تسبیح گفت دستانش را گشود و عرض کرد: بارالها چگونه بخوانمت درحالیکه از تو عصیان کردهام و چگونه نخوانمت درحالیکه تو را شناختهام و محبت تو در دلم جای گرفته است. دستانم را بهسوی تو دراز کردهام، دستی مملوء از گناه و چشمی خیره شده با امید، بارالها تو صاحب عطا و من اسیر خطا هستم و از کرامات بزرگان نرمخویی با اسیران است و من اسیر جرمم و در گرو عملم هستم. بارالها چه تنگ است راه بر کسیکه تو راهنمایش نباشی و چه وحشتناک است مسلک بر کسیکه تو همدمش نباشی. اگر مرا با گناهانم مطالبه کنی من تو را با عفوت مطالبه میکنم تو اگر مرا با درونم مطالبه کنی من تو را با کرمت مطالبه میکنم، اگر تو مرا با شرّم مطالبه کنی من تو را با خیرت مطالبه میکنم. و اگر من و دشمنانت را در آتش جمع کنی، به آنان خبر می دهم که من محب تو بودم و گواهی می دادم که هیچ خدایی جز الله نیست، بارالها این شادی من به توست، درحالی که خائف هستم، پس شادی ام به تو درحالی که ایمن هستم چگونه است. بارخدایا طاعت شادمانت می کند و معصیت ضرری برایت ندارد، پس به من آنچه که شادمانت می کند موهبت کن و آنچه که ضرری برایت ندارد را بر من ببخشای، توبه ام را بپذیر که تو توبه پذیر مهربان هستی. بارخدایا بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و مرا آنگاه که آثارم از دنیا قطع شد، یادم از میان مخلوقات رفت و از فراموش شدگان شدم، مانند کسانی که فراموش شده اند، رحمت کن. بارالها سنم زیاد و استخوانم

1- . المزار الکبیر: 41 و 42، مزار شهید: 83 و 84، . دعا و نماز را در مصباح الزائر: 56 و 57 استخراج نموده است

باریک شده و روزگار به من دست یافته است، اجلم نزدیک شده، روزهایم پایان گرفته، محاسنم رفته، شهوتم سپری شده و دنباله ای از من باقی مانده، جسمم فرسوده شده، اسبابم قطع شده، اعضایم پراکنده شده و در گرو عمل خویش مانده ام. بارالها، گناهان سیاهم کرده و سخنم قطع شده است و حجتی ندارم. بارالها من به گناهم اقرار و به جرمم اعتراف می کنم، اسیر بدی هایم، در گرو عملم، نابود شده در خطایم، سرگردان از هدفم و راهم بر من قطع شده است، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و بر من لطف کن و از من درگذر. بارخدایا گرچه در جوار طاعتت عملم حقیر است اما در جوار امیدت، آرزویم بزرگ است. بارالها چگونه از نزد تو با ناکامی، محروم بازگردم درحالی که همه ظنم به جود تو است که مرا با نجات، رحمت شده بازگردانی. بارالها بر حسن ظنم به تو ناامیدی مأیوسان را مسلط نکرده ام، پس از میان آرزومندان صدق امیدم را باطل نکن. بارالها جرمم بزرگ شده، آنگاه که آن را مطالبه کرده باشی، گناهم بزرگ شد، اگر آن را آشکار کرده باشی. اما من آنگاه که بزرگی گناهانم و بزرگی عفو و غفران تو را یاد کردم، نتیجه آن دو را نزدیک ترین آنها به رحمت و رضوانت یافتم. بارالها اگر مرا به آتش بخوانی، عقوبتت ترسناک است، پس حسن ثوابت با امید مرا به سوی بهشت ندا داده است، بارالها اگر خطاها از محاسن لطفت تنهایم گذارد، مکارم عطفت به یقین با من مأنوس شده است. اگر غفلت مرا از آمادگی برای دیدار تو خواب کرده است، شناخت ای سرورم مرا به کرم نعمت های تو بیدار کرده است، بارالها اگر عقلم از ارزیابی آنچه که به صلاحم است، فاصله گرفته، یقینم به نظر تو به من در آنچه که به نفع من است، فاصله نگرفته است. بارالهی اگر روزهایم به غیر تلاشی که دوست داشتم، از میان رفت سال های گذشته ام را با ایمان سپری کردم. الهی فریادخواه نزد تو آمده ام و عدم نیازم را بر تن کرده ام و گزند حاجتم مرا همراه ذلیلان در مقابل تو نشانده است. بارالها شریف هستی، پس آنگاه که از درخواستکنندگانت بودم، شریفم بخوان، نیکی بخشیدی پس مرا با اهل بخششت درآمیز، بارالها با درخواست و روی گردان درخواست از غیر تو بر دری از درهای بخشش تو آمده ام و از شأن تو نیست رد کردن درخواست کننده مضطرب و نگران به انتظار خیری مألوف از تو. بارالها آزموده

با اعمال و آزمایش بر پل خطرها ایستاده ام، اگر با سبک کردن بارها و بندها بر آن دو یاری ام نکنی. بارالها آیا مرا از اهل شقاوت آفریدی تا گریه ام را طولانی کنم یا از اهل سعادت خلقم کردی تا امیدم را بشارت دهم. بارالها اگر مرا از رؤیت محمد صلّی الله علیه و آله محروم کنی و روی امیدواری ام را با ناامید بازگردانی در آن مقام، نفسم غیر آن را امید کرده است، ای صاحب جلال و بزرگواری و لطف و احسان! بارالها اگر مرا به اسلام هدایت نکرده بودی، هدایت نمی یافتم و اگر ایمان به خود را روزی ام نکرده بودی، ایمان نیاورده بودم. و اگر زبانم را بر دعایت نگشوده بودی، دعایی نمی کردم، اگر شیرینی شناختت را به من نشناسانده بودی، تو را نمی شناختم. بارالها اگر بازماندن از پیشتازی همراه ابرار مرا نشانده است، اطمینان به تو مرا بر مدراج اخیار مقیم کرده است. بارالها دلی که در سرای دنیا از محبتت مملو کردی، چگونه آتشی که در شعله می سوزاند را بر آن مسلط می کنی. بارالها هر اندوهگینی به تو پناه می آورد، هر محرومی به تو امید می کند، بارالها عابدان جزیل ثواب تو را شنیدند و خشوع کردند و لغزندگان از اعتدال جودت را شنیدند و بازگشتند، گنهکاران وسعت رحمت تو را شنیدند و بهره مند شدند، مجرمان کرم عفوت را شنیدند و طمع کردند تا اینکه گروه های سرکشان از بندگان تو ازدحام کردند و هریک از آنها در بلادت با دعا، ناله فریاد ناله به سوی تو آوردند. و برای هر کدام از آنان امیدی است که صاحبش را به سوی تو کشیده است، درحالی که تو درخواست شونده ای هستی که روی درخواست کننده نزدش سیاه نمی شود. بر پیامبرت محمد و خاندان او درود بفرست و در حق من آنچه که تو شایسته آن هستی انجام بده که تو شنونده دعایی.(1)

و دعایش را آرام کرد، سجده نمود و خود را به خاک مالید و صد مرتبه العفو العفو گفت و برخاست و خارج شد. در پی او رفتم تا اینکه به سوی صحرا بیرون رفت و خطی برایم رسم کرد و گفت: تو را برحذر می دارم که از این خط تجاوز کنی و از من دور شد. درحالی که شبی ظلمانی بود، با خود گفتم: مولایت را رها کردی

1- . مزار شهید: 84 - 86

درحالی که دشمنان بسیار دارد، نزد خدا و رسولش چه عذری برای توست. به خدا سوگند ردپای او را دنبال می کنند و از خبرش آگاه می شوند، گرچه مخالفت با فرمانش باشد، ردپایش را دنبال کردم و او را یافتم، تا نیمه در چاهی سر کرده و چاه را خطاب می کرد و چاه او را خطاب می نمود، مرا احساس کرد و روی کرد و فرمود: کیستی؟ عرض کردم: میثم، فرمود: میثم، آیا به تو فرمان ندادم که از آن خط تجاوز نکنی؟ عرض کردم: مولای من، بر تو بیم دشمنان داشتم، به این جهت دلم بر آن صبوری نکرد. فرمود: آیا از آنچه گفتم چیزی شنیدی؟ گفتم: خیر مولای من، فرمود: ای میثم:

وَ فِی

الصَّدْرِ لُبَانَاتٌ

إِذَا ضَاقَ

لَهَا صَدْرِی

نَکَتُّ

الْأَرْضَ بِالْکَفِ

وَ أَبْدَیْتُ

لَهَا سِرِّی

فَمَهْمَا

تُنْبِتُ الْأَرْضُ

فَذَاکَ

النَّبْتُ مِنْ بَذْرِی(1)

و در سینه حاجت هایی است، آنگاه که سینه ام برای آن تنگ می شود.

زمین را با دست می خراشم و رازم را بر او فاش می کنم.

پس هرچه زمین برویاند، آن گیاه از بذر من است.

فضیلت مسجد بنی کاهل که به مسجد امیرمؤمنان شناخته می شود و تماز و دعا در آن.

27. در المزار الکبیر گوید: حبیب بن ابی ثابت از عبدالرحمن بن اسود کاهلی گوید که وی گفت: آیا با ما به مسجد امیرمؤمنان علیه السلام نمی آیی که در آن نماز بخوانیم؟ گفت: این کدام مسجد است؟ گفت: مسجد بنی کاهل که جز پایه های آن و پایه های گلدسته هایش چیزی از آن باقی نمانده است. گفتم حدیث او را برایم بگو. گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد بنی کاهل نماز صبح را خواند و برای ما قنوت خواند و فرمود: بارالها ما از تو طلب یاری، آمرزش و هدایت می کنیم و به تو ایمان می آوریم و بر تو توکل می کنیم و تو را با همه خیر ثنا می گوییم، شکرت

1- . المزار الکبیر: 42 - 44، مزار شهید: 84 - 86

می کنیم و بر تو کفر نمی ورزیم، هرکسی که انکارت کرد را ترک و رها می کنیم. بارخدایا فقط تو را عبادت می کنیم و برای تو نماز می خوانیم و سجده می کنیم، به سوی تو تلاش می کنیم و شتاب میگیریم و رحمتت را امید داریم و از عذابت می ترسیم که عذابت به کافران می رسد. بارالها، ما را در میان کسانی که هدایت کردی، هدایت کن، در میان کسانی که درگذشتی از ما درگذر، در میان کسانی که سرپرستش شدی سرپرستمان باش، و در میان کسانی که به آنان عطا نمودی بر ما برکت ببخش و ما را از شر آنچه که تقدیر نمودی حفظ کن که تو تقدیر می کنی و بر تو تقدیر نمی شود، که کسی که با او دوستی کردی ذلیل نمی شود و کسی که با او دشمنی کردی عزیز نمی شود. پروردگارا مبارک و متعالی شدی، از تو طلب آمرزش می کنم و به سوی تو توبه می کنم: {پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر دوش ما مگذار؛ همچنان که بر]دوش[کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن را نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. }(1)

سپس گویند: و از عبدالله بن یحیی کاهلی روایت است که وی گوید: امام صادق علیه السلام در مسجد بنی کاهل نماز صبح را بر ما امامت کرد و در دو سوره جهر نمود و قبل از رکوع قنوت خواند و یک مرتبه مقابل قبله سلام داد.(2)

توضیح: آنچه که از آن ادعیه نیاز به شرح داد: «الجلواز» با کسره سربازی از یاران حاکم است.

و جوهری گوید(3):

«البطان» برای زین بندی چرمی است که زیر شکم شتر قرار داده می شود، به امری که شدید شود گفته می شود: دو حلقه بطان به یکدیگر رسید. این سخن امام علیه السلام و «الآلاء الموزعه»، «الوزع» بازداشتن و منع

1- . مزار شهید: 86 - 87، و نماز و دعا را در مصباح الزائر: 59 استخراج نموده است.
2- . المزار الکبیر: 32، مزار شهید: 87
3- . صحاح اللغه 5: 2079

کردن است، یعنی نعمت هایی که مردم را از معصیت باز می دارد یا اینکه امور آنان را جمع می کند و از پراکندگی باز می دارد.

در النهایه(1)

گوید: «وزعه یزعه» گفته می شود: آنگاه که آن را منع کند و بازدارد. و از آن حدیث است که ابلیس در روز بدر جبرئیل را دید که «یزع الملائکه» یعنی مرتب و صافشان می کرد و برای جنگ آنان را صف آرایی می کرد، گویی که آنها را از پراکندگی و انتشار باز می داشت. این سخن او «یا من لا ینعت بتمثیل» یعنی به تشبیه به خلائقش یا با تصویرش در ذهن وصف نمی شود و برای او همتایی نیست تا به او مثال زده شود و تشبیه گردد. «و لا یغلب بظهیر» یعنی غلبه بر او با همکاری یاران ممکن نیست. «ابتدع الاشیاء علی غیر مثال و ماده» خلق آن را این چنین آغاز کرد یا آن را رفعت بخشید و در نهایت رفعت و استواری خلقش نمود، «شرع الشئ» گفته می شود یعنی آن را بسیار بالا برد و «علا علی شئ» یعنی از اینکه چیزی شبیه او شود ارتفاع یافت. این سخن او یا «من سمی فی العز» یعنی ارتفاع یافت و آنچه که به دیدگان عقلاء یا عقل آنان خطور می کند به او نمی رسد و از جهت لطافت و تجرد نزدیک شد تا اینکه آنچه که به خاطر متفکران خطور می کند به آن رسید و از آن گذر کرد و بر آنچه که از آن پوشیده تر است از میان آنچه که در نفوس آنان پنهان است و به ذهنشان نمی رسد، اطلاع یافت که خداوند متعال «یعلم السرّ و أخفی». فیروزآبادی گوید(2):

«هجس الشئ فی صدره یهجس» به ذهنش خطور کرد یا اینکه مانند وسواس در سینه اش رخ می دهد. این سخن او «انحسرت» یعنی فروافتاد، «الخطف» یعنی ربودن و سرعت در گام برداشتن است، یعنی به هنگام درک عظمت او یا قبل از رسیدن به او دیدگان نافذ سریع فرو می افتد و کنار می رود. و شاید در اصل حسرت بوده است از ریشه «حسر البصر» زمانی که چشم از طول امتداد خسته می شود و قطع می گردد. این سخن «یا من عنت الوجوه» یعنی خوار و فروتن شد. «الوأی» وعده ای است که انسان بر خود می بندد و بر وفا به آن تصمیم می گیرد. این سخن او: «و أر عینی مبشراً و بشیراً» فقط به این دلیل رؤیت آن دو را

1- . النهايه 4 : 221
2- . القاموس 2 : 258

دعا می کند که جز برای ابرار نیست و در اکثر نسخه ها «و ارعنی» با سکون راء آمده است، یعنی آن دو را به مراقبت من توصیه کن. این سخن او «و فی الصدر لبانات» با ضمه یعنی حاجات نه از روی نیاز بلکه از روی اندوه، فیروزآبادی این را ذکر کرده(1)

و گفته است: «مئذنه»(2)

با کسره محل اذان گفتن است. گوید(3):

«حفد، یحفد حفداً و حفداناً» یعنی در عمل شتاب کرد و سرعت نمود و خدمت کرد. این سخن او «بالکفار ملحق» در المزار الکبیر «بالکافرین یخلق» آمده است، بر وزن «یکرم» یعنی سزاوار است و این شایسته آنان است.

28. امالی شیخ طوسی: مفضل گوید: مولایمان جعفر بن محمد صادق علیه السلام بر ستون مایل در جادی غری گذر کرد و کنار آن دو رکعت گزارد. به او گفته شد این چه نمازی است، فرمود: این محل سر جدم حسین علیه السلام است آن را اینجا قرار دادند.(4)

29. امالی شیخ طوسی: ابن مسکان از جعفر بن محمد علیه السلام گوید: از او درباره ستون در راه غری سؤال کردم. فرمود: آری، زمانی که تابوت امیرمؤمنان علیه السلام را عبور دادند از روی اندوه و حزن بر امیرمؤمنان خم شد و همچنین تخت ابرهه زمانی که عبدالمطلب بر آن وارد شد، منحنی و خمیده شد.(5)

توضیح: می گویم: به خط شیخ محمد بن علی جباعی به نقل از خط شهید دیدم و شاید محل ستون مائل همان مسجدی باشد که اکنون در نزدیکی نجف به مسجد حنانه معروف است و به این جهت مردم مردم در آن نماز می خوانند.

30. کتاب صفین: عبدالرحمن بن عبید ابی کنود گوید: زمانی که علی علیه السلام قصد رفتن از نخلیه را داشت در میان مردم برخاست و آنان را خطاب کرد و

1- . القاموس 4 : 265
2- . القاموس 4 : 195
3- . القاموس 1 : 288
4- . امالى طوسى 2 : 294
5- . امالى طوسى 2 : 294

حدیث را تا این سخن او، «پس خارج شد تا اینکه از حد کوفه گذر کرد، دو رکعت در آن خواند» ادامه داد.(1)

عبدالرحمن بن یزید گفت: علی علیه السلام بین قنطره و جسر دو رکعت خواند.(2)

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- . صفین نصر بن مزاحم: 147 - 150
2- . صفین: 150

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109